



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
صلا  
وات  
سل  
ام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

مخزن فقه و اصول



پیام آسمانی

سبیری در معارف و شعائر غدیر

حبيب الله طبريزي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# غدیر: برترین پیام آسمانی

نویسنده:

حبیب الله فرحزاد

ناشر چاپی:

طوبای محبت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۷	غدیر: برترین پیام آسمانی
۲۷	مشخصات کتاب
۲۹	اشاره
۳۳	فهرست مطالب
۷۱	پیشگفتار
۷۵	۱- احیای غدیر
۷۵	اشاره
۷۷	شعائر دین
۷۸	اطلاع رسانی واقعه غدیر
۷۹	شادی در شادی اهل بیت علیهم السلام
۷۹	شادی در خور شأن
۸۰	شادی عید غدیر
۸۱	ماه ولایت
۸۲	بازخواست از ولایت
۸۳	صراط ولایت
۸۵	عبادت بی ولایت
۸۵	درخت حسد
۸۷	منطقه ممنوعه
۸۸	آثار ولایت
۸۹	منذر و هادی
۸۹	عامل وحدت
۹۰	در راه ولایت
۹۱	میثاق ولایت

۹۳	ابلاغ رسالت
۹۴	برترین اعیاد
۹۴	نصرت امیر مؤمنان علیه السلام
۹۵	انکار غدیر!
۹۵	توصیه به ولایت در معراج
۹۶	شخصیت والای امیر المؤمنین علیه السلام
۹۷	توجه به ایام غدیر و جشن مباحله
۹۸	احیای غدیر و فضای مجازی
۹۹	بیان عظمت غدیر در فضای مجازی
۱۰۱	برترین روز در نزد خدای تعالی
۱۰۲	امام رضا علیه السلام و بزرگداشت غدیر
۱۰۲	خطبه هایی برای غدیر
۱۰۴	بزرگداشت غدیر در بهشت
۱۰۵	فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عید گرفتن روز غدیر
۱۰۵	انفاق برای غدیر
۱۰۷	نزول آیات ولایت و «هل اتی»
۱۰۸	نام و یاد علی
۱۰۸	مجالس ذکر فضائل امیر المؤمنین علیه السلام
۱۰۹	محبت علی علیه السلام
۱۱۰	اساس دین
۱۱۱	مجالس اهل بیت علیهم السلام
۱۱۲	فرهنگ جهانی غدیر
۱۱۳	غدیر و سبک زندگی
۱۱۴	همراه با کاروان غدیر
۱۱۶	پیشینه کاروانهای شادی غدیر
۱۱۷	اولین کاروان غدیر در عالم خاکی

- ۱۱۷ ..... کاروانهای پرشکوه ملائکه در آسمان
- ۱۱۸ ..... نخستین تجمع گسترده بشری پس از غدیر خم
- ۱۱۹ ..... حرکت کاروان غدیر در عراق
- ۱۲۰ ..... استمرار جشنهای غدیری تا به امروز
- ۱۲۱ ..... نظر مراجع عظام تقلید در باره کاروان های غدیری
- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله
- ۱۲۲ ..... آیت الله وحید خراسانی حفظه الله
- ۱۲۲ ..... آیت الله صافی گلپایگانی حفظه الله
- ۱۲۳ ..... آثار و برکات بر پای کاروان غدیر
- ۱۲۵ ..... ۲- استدلال های کوتاه در مسأله جانشینی
- ۱۲۵ ..... اشاره
- ۱۲۸ ..... ۱. جانشینان پیامبران
- ۱۲۹ ..... ۲. ادامه مسیر نبوت
- ۱۲۹ ..... ۳. مدیر گروه
- ۱۳۰ ..... ۴. انتخاب برترین
- ۱۳۱ ..... ۵. هادی به حق
- ۱۳۱ ..... ۶. بی نیاز از همه
- ۱۳۲ ..... ۷. واژه ای برای جانشینی
- ۱۳۳ ..... ۸. امام زمان حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۳۴ ..... ۹. اسلام؛ دین کامل و جامع
- ۱۳۵ ..... ۱۰. معیار تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۳۶ ..... ۱۱. جریان غدیر خم
- ۱۳۸ ..... ۱۲. فرقه ناجیه
- ۱۴۰ ..... ۱۳. برداشت از سرچشمه
- ۱۴۰ ..... ۱۴. ظالم و امامت !!؟

- ۱۴۱ .....انتخاب حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۴۲ .....نفس پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۱۴۴ .....دوازده امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۱۴۵ .....کجايند مثل امامان عليهم السلام؟
- ۱۴۶ .....سه دليل برای پیروی از اهل بیت عليهم السلام
- ۱۴۷ .....صلاحیت برای امامت
- ۱۴۷ .....حقانیت اهل بیت عليهم السلام در منابع اهل سنت
- ۱۴۸ .....اهمیت ابلاغ رسالت
- ۱۵۰ .....تکبر شیطانی
- ۱۵۰ .....بهترین بشر
- ۱۵۱ .....سزاوارترین بر مردم
- ۱۵۲ .....تقارن حقانیت و مظلومیت
- ۱۵۳ .....حقیقت حق
- ۱۵۳ .....حیل الله
- ۱۵۴ .....اتمام حجت در غدیر
- ۱۵۵ .....۳- ماه ولایت و امامت
- ۱۵۵ .....اشاره
- ۱۵۷ .....دهه اول ذیحجه
- ۱۵۹ .....روز اول ذیحجه
- ۱۵۹ .....هشتاد ماه روزه
- ۱۵۹ .....ارسال آیات برائت
- ۱۶۰ .....ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۱۶۱ .....ابراهیم خلیل الله
- ۱۶۱ .....اشاره
- ۱۶۳ .....حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمودند:
- ۱۶۴ .....جایگاه امامت



- بشارت مقام خلت ..... ۱۶۵
- ازدواج امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام ..... ۱۶۶
- مراسم خواستگاری ..... ۱۶۶
- دعای پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۶۸
- تهیه جهیزیه ..... ۱۶۸
- روز هفتم ذیحجه ..... ۱۷۰
- شهادت امام باقر علیه السلام ..... ۱۷۰
- مرجعیت فکری و دینی ..... ۱۷۱
- ولادت ابراهیم، فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۷۲
- فدایی امام حسین علیه السلام ..... ۱۷۳
- وفات و دفن ..... ۱۷۴
- در اندوه ابراهیم ..... ۱۷۴
- خورشیدگرفتگی در فوت ابراهیم ..... ۱۷۵
- طعن به رسول خدا صلی الله علیه و اله ..... ۱۷۵
- روز هشتم ذیحجه ..... ۱۷۷
- روز ترویه ..... ۱۷۷
- نخستین حج ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ..... ۱۷۸
- حرکت امام حسین علیه اللام از مکه به سوی کوفه ..... ۱۷۹
- ناتمام ماندن حج امام حسین علیه السلام! ..... ۱۷۹
- دلیل خروج امام علیه السلام از مکه ..... ۱۸۰
- روز نهم ذیحجه ..... ۱۸۱
- روز عرفه ..... ۱۸۱
- روز دعا و درخواست از خداوند ..... ۱۸۲
- مباهات خدای متعال ..... ۱۸۲
- دعا برای دیگران ..... ۱۸۴
- عرفه و عرفات ..... ۱۸۵

۱۸۶	بخشش گناهان
۱۸۶	عنايات خداوند به زائران امام حسين عليه السلام
۱۸۷	شناخت خدا
۱۸۹	پيامبر در عرفات
۱۸۹	پذيرش توبه حضرت آدم عليه السلام
۱۹۱	فرمان سپردن ميراث انبيا به على عليه السلام
۱۹۲	سد الابواب
۱۹۵	معراج پيامبر صلى الله عليه و آله
۱۹۷	معراج جسمانى و روحانى
۱۹۷	ولادت حضرت عيسى عليه السلام
۱۹۸	مژده تولد حضرت عيسى عليه السلام
۱۹۹	ولادت حضرت عيسى و ولادت امير مؤمنان عليه السلام
۲۰۱	روز دهم ذیحجه
۲۰۱	بيان حديث ثقلين
۲۰۱	متن حديث
۲۰۲	اهميت حديث ثقلين
۲۰۳	منابع و سند حديث
۲۰۴	زمان و مكان صدور حديث
۲۰۸	پيامهاى حديث ثقلين
۲۱۰	راويان حديث ثقلين
۲۱۰	ابلاغ آيات براءت
۲۱۱	شرح واقعه
۲۱۲	فراوانى منابع
۲۱۲	فضاى حاكم بر مکه
۲۱۳	محتواى پيام
۲۱۴	از فضائل على عليه السلام

- ۲۱۴ ..... عید قربان
- ۲۱۵ ..... اعمال عید قربان
- ۲۱۷ ..... فضیلت قربانی
- ۲۱۸ ..... تقسیم گوشت قربانی
- ۲۱۸ ..... نمادی از ایثار در راه محبوب
- ۲۲۰ ..... قربانی ابراهیم علیه السلام
- ۲۲۰ ..... تجلی خدا در کوه طور
- ۲۲۱ ..... درخواست مشاهده خدای تعالی
- ۲۲۳ ..... بازگشت به قوم
- ۲۲۴ ..... اربعین موسوی
- ۲۲۶ ..... تقاضای حضرت موسی علیه السلام
- ۲۲۶ ..... جلوه یکی از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام
- ۲۲۷ ..... تجلی نور الهی برکوه انانیت
- ۲۲۸ ..... تواضع حضرت عیسی علیه السلام
- ۲۳۰ ..... معنای اسلام
- ۲۳۲ ..... روز دوازدهم ذیحجه
- ۲۳۲ ..... عقد اخوت بین پیامبر صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام
- ۲۳۲ ..... عقد اخوت
- ۲۳۳ ..... عقد اخوت در عید غدیر
- ۲۳۴ ..... پیشینه اخوت
- ۲۳۴ ..... عقد اخوت در مدینه
- ۲۳۵ ..... اخوت عمومی در سال نهم هجری
- ۲۳۵ ..... برادری پیامبر صلی الله علیه و اله با علی علیه السلام
- ۲۳۶ ..... هدف از برقراری عقد اخوت
- ۲۳۷ ..... روز سیزدهم ذی حجه
- ۲۳۷ ..... اعطای لقب «امیر المؤمنین» برای علی علیه السلام

- ۲۳۸ ..... لقب اختصاصی
- ۲۳۹ ..... سرآمد اهل ایمان
- ۲۴۰ ..... پیشینه لقب امیر المؤمنین
- ۲۴۲ ..... سلام با عنوان «امیر المؤمنین» در غدیر
- ۲۴۲ ..... مصادره لقب امیر المؤمنین
- ۲۴۴ ..... روز چهاردهم ذیحجه
- ۲۴۴ ..... اعطای فدک به فاطمه علیها السلام
- ۲۴۵ ..... غصب فدک
- ۲۴۵ ..... اهداف غصب فدک
- ۲۴۶ ..... فدک در گذر تاریخ
- ۲۴۷ ..... شق القمر
- ۲۴۹ ..... معجزه؛ نشانه ای از خداوند
- ۲۵۰ ..... روز پانزدهم ذیحجه
- ۲۵۰ ..... ولادت امام هادی علیه السلام
- ۲۵۱ ..... دوران امامت
- ۲۵۲ ..... دو یادگار امام هادی علیه السلام
- ۲۵۲ ..... زیارت جامعه
- ۲۵۳ ..... ویژگی های زیارت جامعه
- ۲۵۵ ..... وظیفه ما در برابر امام
- ۲۵۶ ..... زیارت غدیریّه
- ۲۵۷ ..... متن زیارت
- ۲۵۹ ..... روز هجدهم ذیحجه
- ۲۵۹ ..... عید غدیر
- ۲۶۰ ..... پیامبران علیهم السلام و عید غدیر
- ۲۶۲ ..... بیان حدیث منزلت
- ۲۶۳ ..... نقل های حدیث منزلت

- ۲۶۴ ..... دلالت «حدیث منزلت»
- ۲۶۴ ..... جای گاه علی علیه السلام بر اساس حدیث منزلت
- ۲۶۶ ..... روز نوزدهم ذیحجه
- ۲۶۶ ..... اقدام مردم برای بیعت با حضرت علی علیه السلام
- ۲۶۹ ..... جشن عروسی حضرت امیر علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام
- ۲۶۹ ..... بخشیدن پیراهن عروس
- ۲۷۰ ..... کاروان عروسی
- ۲۷۰ ..... توصیه های رسول خدا صلی الله علیه و اله
- ۲۷۲ ..... روز بیستم ذیحجه
- ۲۷۲ ..... ولادت امام کاظم علیه السلام
- ۲۷۳ ..... دوران امامت
- ۲۷۵ ..... روز بیست و یکم ذیحجه
- ۲۷۵ ..... حدیث بساط و آیه اولی الامر سیرهوایی به غار اصحاب کهف
- ۲۷۷ ..... بیعت بر اطاعت امیر مؤمنان علیه السلام
- ۲۷۸ ..... انس و کتمان واقعه
- ۲۷۸ ..... سند حدیث بساط
- ۲۷۸ ..... عصمت اولی الامر
- ۲۷۹ ..... مصداق اولی الامر
- ۲۸۱ ..... روز بیست و دوم ذیحجه
- ۲۸۱ ..... شهادت میثم تمار
- ۲۸۱ ..... پیشینه میثم
- ۲۸۲ ..... در مکتب امیر المؤمنین علیه السلام
- ۲۸۳ ..... صمیمیت و یگانگی
- ۲۸۴ ..... شعی با مولا
- ۲۸۵ ..... پیشگویی های میثم
- ۲۸۶ ..... پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام

- ۲۸۷ ..... میثم بر چوبه دار -
- ۲۸۸ ..... روز بیست و چهارم ذیحجه
- ۲۸۸ ..... اشاره
- ۲۸۸ ..... روز مباحله
- ۲۸۸ ..... معنای مباحله
- ۲۸۸ ..... دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۲۸۹ ..... دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۰ ..... پیشنهاد مباحله
- ۲۹۱ ..... انصراف مسیحیان از مباحله
- ۲۹۲ ..... همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۳ ..... شیوه مباحله با مخالفین
- ۲۹۵ ..... پیام آیه مباحله
- ۲۹۷ ..... فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۷ ..... جان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۸ ..... مناظره اهل بیت علیهم السلام با آیه مباحله
- ۲۹۹ ..... مباحله و آیه تطهیر
- ۳۰۱ ..... اهمیت آیه تطهیر
- ۳۰۱ ..... مضمون آیه
- ۳۰۲ ..... اراده تکوینی یا تشریعی
- ۳۰۳ ..... اهل بیت چه کسانی هستند؟
- ۳۰۴ ..... معرفی اهل بیت علیهم السلام ایلام در گفتار
- ۳۰۶ ..... روش عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اهل بیت علیهم السلام
- ۳۰۷ ..... تنها در شأن خمسه طیبه
- ۳۱۰ ..... برکات خواندن حدیث کسا
- ۳۱۰ ..... خاتم بخشی و آیه ولایت
- ۳۱۱ ..... بیان آیه

- ۳۱۱ ..... شأن نزول
- ۳۱۳ ..... اشعار حسان
- ۳۱۳ ..... اهمیت آیه ولایت
- ۳۱۴ ..... منکران ولایت
- ۳۱۴ ..... آیه ولایت و غدیر
- ۳۱۶ ..... منقبت حضرت علی علیه السلام
- ۳۱۶ ..... احتجاج امیر المؤمنین علیه السلام به آیه ولایت
- ۳۱۷ ..... بهای انگشتر
- ۳۱۷ ..... نماز و انفاق؟! -
- ۳۱۸ ..... روز بیست و پنجم ذیحجه
- ۳۱۸ ..... نزول «هل اتی»
- ۳۱۹ ..... شأن نزول «هل اتی»
- ۳۲۰ ..... مدنی بودن سوره
- ۳۲۱ ..... از لطایف سوره
- ۳۲۱ ..... فضیلت تلاوت سوره «هل اتی»
- ۳۲۵ ..... ۴- فضائل غدیر
- ۳۲۵ ..... اشاره
- ۳۲۷ ..... برترین عید امت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۲۷ ..... شکوهمندی غدیر
- ۳۲۸ ..... بزرگ ترین عید
- ۳۲۸ ..... شریف تر از عید قربان و عید فطر
- ۳۲۹ ..... برترین روز در نزد خدای تعالی
- ۳۳۰ ..... عظمت روز غدیر خم
- ۳۳۲ ..... بخشش خداوند
- ۳۳۴ ..... مصافحه فرشتگان
- ۳۳۴ ..... عید پیامبران

- ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر فرشتگان ..... ۳۳۵
- نالہ ابلیس ..... ۳۳۶
- عرضہ ولایت در روز غدیر بر آسمانیان و زمین ..... ۳۳۶
- واکنش اهل آسمان ..... ۳۳۶
- واکنش زمین ها ..... ۳۳۷
- واکنش کوه ها ..... ۳۳۷
- واکنش آبها گیاهان و پرندگان ..... ۳۳۷
- غدیر در آئینه نام ها و صفات ..... ۳۳۸
- اشاره ..... ۳۳۸
۱. در کلام امیر المؤمنین علیه السلام ..... ۳۳۸
۲. در کلام امام صادق علیه السلام ..... ۳۴۰
۳. در کلام امام رضا علیه السلام ..... ۳۴۱
- ۵- اعمال و آداب عید غدیر ..... ۳۴۵
- اشاره ..... ۳۴۵
- عمل نیک در روز غدیر ..... ۳۴۷
۱. تقرب به خدا ..... ۳۵۰
- اشاره ..... ۳۵۰
۲. یاد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۳۵۱
۳. زیارت و دیدار یکدیگر ..... ۳۵۱
۴. تبریک و تهنیت ..... ۳۵۳
۵. روزه گرفتن ..... ۳۵۴
- روزه پیامبران ..... ۳۵۵
- روزه تمام عمر دنیا ..... ۳۵۶
- اشاره ..... ۳۵۶
۶. توسعه بر خانواده ..... ۳۵۸
۷. هدیه و بخشش ..... ۳۵۹



- ۳۶۱ ..... ۱۸. اطعام در عید غدیر
- ۳۶۳ ..... ۹. افطاری دادن
- ۳۶۵ ..... ۱۰. آراستن و زینت کردن
- ۳۶۶ ..... ۱۱. لباس نو پوشیدن
- ۳۶۷ ..... ۱۲. دل جویی و مهر ورزی
- ۳۶۸ ..... ۱۳. پیوند با بستگان و خویشان
- ۳۷۰ ..... ۱۴. گره گشایی و رسیدگی به نیازمندان
- ۳۷۱ ..... ۱۵. عیدی دادن
- ۳۷۱ ..... ۱۶. شکر نعمت ولایت
- ۳۷۲ ..... ۱۷. گردهمایی
- ۳۷۴ ..... ۱۸. تبسم و شادی
- ۳۷۵ ..... ۱۹. ابراز شادمانی
- ۳۷۶ ..... ۲۰. شاد کردن اهل ایمان
- ۳۷۶ ..... ۲۱. ابراز براءت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام
- ۳۷۸ ..... ۲۲. صلوات
- ۳۸۰ ..... ۲۳. بیعت و تجدید عهد با امام زمان علیه السلام
- ۳۸۱ ..... معنای بیعت
- ۳۸۱ ..... تجدید بیعت
- ۳۸۱ ..... اشاره
- ۳۸۴ ..... ۲۴. عبادت و نماز و نیایش
- ۳۸۴ ..... ۲۵. دعای روز غدیر
- ۳۸۶ ..... ۲۶. دعای ندبه
- ۳۸۷ ..... ۲۷. نماز عید غدیر
- ۳۸۸ ..... نماز دیگر
- ۳۸۹ ..... ۶- زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر
- ۳۸۹ ..... اشاره

- ۳۹۲ ..... زیارت غدیریه امام صادق علیه السلام
- ۳۹۴ ..... زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام
- ۳۹۵ ..... نگاهی اجمالی به متن زیارت
- ۳۹۶ ..... زمان صدور زیارت
- ۳۹۶ ..... سند زیارت
- ۳۹۷ ..... بررسی فرازهایی از زیارت
- ۴۰۰ ..... متن و ترجمه زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام
- ۴۰۰ ..... سلام بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و انبیای الهی
- ۴۰۱ ..... بیان اوصاف امیر المؤمنین علیه السلام
- ۴۰۲ ..... شهادت به منزلت بلند امیر المؤمنین علیه السلام
- ۴۰۲ ..... اشاره به جریان غدیر
- ۴۰۳ ..... نفرین بر منکران ولایت
- ۴۰۳ ..... وفای به عهد
- ۴۰۳ ..... امیر حقیقی مؤمنان
- ۴۰۴ ..... جانفشانی در راه خدا
- ۴۰۴ ..... تردید در ولایت
- ۴۰۵ ..... صراط مستقیم
- ۴۰۵ ..... اطاعت فرمان الهی
- ۴۰۵ ..... وارستگی های امیر المؤمنین علیه السلام
- ۴۰۶ ..... استقامت در راه حق
- ۴۰۶ ..... مجاهدت در راه خدا
- ۴۰۷ ..... عبودیت خالصانه
- ۴۰۸ ..... نخستین کسی که ایمان آورد
- ۴۰۸ ..... تمسک به خدای تعالی
- ۴۰۹ ..... مولای اهل ایمان
- ۴۰۹ ..... فضیلتهای روشن

- ۴۱۰ ..... منزلت والا
- ۴۱۰ ..... زیان کار ترین انسان ها
- ۴۱۰ ..... گوش به فرمان خدا و رسول
- ۴۱۱ ..... به منزله هارون
- ۴۱۱ ..... علی علیه السلام و برابری!!!
- ۴۱۳ ..... مورد ستایش خداوند
- ۴۱۳ ..... ابلاغ ولایت
- ۴۱۴ ..... ایمان آوردگانی اندک
- ۴۱۶ ..... بخشش و ایثار
- ۴۱۶ ..... در صحنه عمل
- ۴۱۷ ..... دارای علم تنزیل و حکم تأویل
- ۴۱۸ ..... در جنگ احد
- ۴۱۹ ..... در جنگ حنین
- ۴۲۰ ..... در روز خیبر
- ۴۲۰ ..... حجت بالغه الهی
- ۴۲۰ ..... همراه پیامبر صلی الله علیه و اله در همه جنگ ها
- ۴۲۱ ..... امام المتقین
- ۴۲۱ ..... در برابر حيله پيمان شکنان
- ۴۲۲ ..... در برابر شامیان
- ۴۲۲ ..... ظهور حق
- ۴۲۳ ..... عمار در صفین
- ۴۲۴ ..... حادثه ناگوار فدک
- ۴۲۵ ..... در بستر پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۴۲۶ ..... فتنه حکمیت در صفین
- ۴۲۸ ..... فضائل بی انتها
- ۴۲۹ ..... در اشتیاق دیدار حق تعالی

۴۲۹	.....بیزاری از غاصبان ولایت و ظالمان به اهل بیت علیهم السلام
۴۳۱	.....۷- واقعه غدیر
۴۳۱	.....اشاره
۴۳۳	.....اهمیت حجة الوداع
۴۳۵	.....آغاز سفر حج
۴۳۵	.....حضور جبرائیل در عرفات
۴۳۷	.....خوف پیامبر صلی الله علیه و آله از دشمنی ها نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام
۴۳۸	.....علت خوف
۴۴۰	.....نخستین خطابه در منی
۴۴۱	.....خطبه پیامبر علیه السلام در مسجد خیف
۴۴۲	.....اعلان رسمی برای حضور در غدیر
۴۴۲	.....فرمان خدا در غدیر
۴۴۳	.....توقف مردم در غدیر
۴۴۴	.....پیامبر و امیر المؤمنین علیهما السلام بر فراز منبر
۴۴۵	.....دو اقدام عملی بر فراز منبر
۴۴۷	.....بیعت مردان
۴۴۸	.....بیعت بیعت شکنان
۴۴۸	.....بیعت زنان
۴۴۹	.....عمامه سحاب
۴۴۹	.....ظهور جبرئیل در غدیر
۴۵۰	.....سروده حسان درباره غدیر
۴۵۱	.....پایان مراسم غدیر
۴۵۱	.....خلاصه ای از خطبه غدیر فرمان مهم الهی
۴۵۲	.....ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام
۴۵۲	.....توجه به مسأله امامت
۴۵۲	.....ائمه نار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

- ۴۵۴ ..... اتمام حجت
- ۴۵۴ ..... یادی از حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۵۷ ..... ۸- پس از غدیر
- ۴۵۷ ..... اشاره
- ۴۵۹ ..... کسانی که از قبول ولایت سرباز زدند
- ۴۶۱ ..... دوستی دشمنان و دشمنی دوستان
- ۴۶۲ ..... گمان ابلیس
- ۴۶۳ ..... معجزه غدیر
- ۴۶۴ ..... صحیفه ملعونه
- ۴۶۴ ..... صحیفه اول
- ۴۶۵ ..... صحیفه دوم
- ۴۶۶ ..... مفاد پیمان نامه
- ۴۶۷ ..... واکنشها به صحیفه ملعونه
- ۴۶۸ ..... توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله در هرشی
- ۴۷۰ ..... شعر غدیر
- ۴۷۰ ..... سروده عمر و عاص درباره واقعه غدیر
- ۴۷۳ ..... ۹- متن و ترجمه خطبه غدیر
- ۴۷۳ ..... اشاره
- ۴۷۵ ..... بخش اول: حمد و ثنای الهی
- ۴۷۹ ..... بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم
- ۴۸۲ ..... بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام
- ۴۸۸ ..... بخش چهارم: معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۴۸۹ ..... بخش پنجم: تأکید بر توجه امت به مسأله امامت
- ۴۹۱ ..... بخش ششم: اشاره به کار شکنی های منافقین
- ۴۹۵ ..... بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنانشان
- ۴۹۸ ..... بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف

۵۰۰	بخش نهم: مطرح کردن بیعت
۵۰۱	بخش دهم: حلال و حرام واجبات و محرمات
۵۰۴	بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی
۵۰۷	اتمام حجت با حدیث غدیر
۵۰۸	تواتر حدیث غدیر
۵۰۸	بزرگ ترین مستند شیعه
۵۰۸	برتری اسناد حدیث غدیر
۵۰۹	حدیث غدیر در کتب متعدد
۵۱۱	اعتبار حدیث غدیر از نظر دلالت
۵۱۲	دلالت حدیث و کیفیت استدلال
۵۱۳	استناد امیرالمؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر
۵۱۷	۱۰- خطبه هایی درباره غدیر
۵۱۷	اشاره
۵۱۹	خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر
۵۲۰	حمد و ثنای خداوند
۵۲۱	جایگاه بلند پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۲۲	منزلت ائمه علیه السلام
۵۲۳	لطف به بندگان
۵۲۴	اجتماع دو عید
۵۲۵	فضیلت روز جمعه
۵۲۵	توحید و ابلاغ ولایت
۵۲۷	اکمال دین و اتمام نعمت
۵۲۷	متمردین از ولایت
۵۲۸	عظمت غدیر
۵۲۹	تقرب به خدای تعالی
۵۳۰	پرهیز از تمسک به کافران

۵۳۰	معنای استکبار
۵۳۱	معرفی خود
۵۳۱	دعوت به تنبه و بیداری
۵۳۲	برای بزرگ داشت غدیر
۵۳۳	روزه عید غدیر
۵۳۴	افطاری دادن در عید غدیر
۵۳۵	با برادران دینی
۵۳۵	اطلاع رسانی غدیر
۵۳۵	میهمانی امام حسن مجتبی علیه السلام
۵۳۶	نگاهی گذرا به خطبه
۵۳۷	خطبه غدیره در منابع روایی
۵۳۸	شکوه غدیر در نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام
۵۴۲	خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر
۵۴۲	بزرگداشت غدیر در بهشت
۵۴۳	در جوار امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر
۵۴۴	فضیلت غدیر
۵۴۵	خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (۲)
۵۴۵	ارزش روزه در عید غدیر
۵۴۶	نماز روز غدیر
۵۴۶	افطاری دادن در روز غدیر
۵۴۹	خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (۳)
۵۴۹	در اجتماع شیعیان
۵۴۹	روز استحکام دین
۵۵۰	بیان واقعه غدیر
۵۵۱	بیان اعمال روز غدیر
۵۵۵	خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر (۴)

۵۵۵	برترین عیدها
۵۵۶	انگیزه عید گرفتن
۵۵۶	اعمال عید غدیر
۵۵۷	خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر (۵)
۵۵۷	روز غدیر در قیامت
۵۵۸	روزه گرفتن در روز غدیر
۵۶۰	خطبه امام رضا علیه السلام در باره غدیر
۵۶۰	جایگاه غدیر در بین روزها
۵۶۱	روز کمال
۵۶۱	بزرگداشت در ملکوت
۵۶۱	رفع قلم
۵۶۲	فزونی احوال
۵۶۲	فضائل غدیر
۵۶۳	روز پاکیزگی
۵۶۳	دیدار و تهنیت
۵۶۴	روز زینت
۵۶۴	اطعام اهل ایمان
۵۶۵	عرضه ولایت بر آسمانیان و زمین
۵۶۵	عرضه ولایت بر کوهها
۵۶۶	عرضه ولایت بر آبها، گیاهان و پرندگان
۵۶۶	مَثَل اهل ایمان در پذیرش ولایت
۵۶۹	۱۱- غدیر در کلام اهل بیت علیهم السلام
۵۶۹	اشاره
۵۷۱	غدیر در کلام اهل بیت علیهم السلام
۵۷۱	علی علیه السلام و احتجاج به حدیث غدیر
۵۷۳	حضرت فاطمه علیها السلام و اتمام حجت با غدیر



- ۵۷۶ ----- امام حسن مجتبی علیه السلام بر فراز منبر
- ۵۷۷ ----- احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر
- ۵۷۷ ----- حدیث غدیر در بیان امام سجاد علیه السلام
- ۵۷۸ ----- واقعه غدیر در بیان امام باقر علیه السلام
- ۵۷۸ ----- امام صادق علیه السلام و ترسیم صحنه غدیر
- ۵۷۹ ----- امام کاظم علیه السلام و احتجاج با هارون
- ۵۸۰ ----- امام رضا علیه السلام و عظمت غدیر
- ۵۸۱ ----- امام جواد علیه السلام و پیمان هایی که گرفت شد
- ۵۸۱ ----- امام هادی علیه السلام و زیارت غدیره
- ۵۸۲ ----- امام عسکری علیه السلام و حدیث غدیر
- ۵۸۳ ----- امام زمان علیه السلام
- ۵۸۵ ----- ۱۲- علامه امینی و غدیر
- ۵۸۵ ----- اشاره
- ۵۸۷ ----- نگارش «الغدیر»
- ۵۸۹ ----- مباحث جلد اول «الغدیر»
- ۵۸۹ ----- مباحث جلد دوم «الغدیر»
- ۵۹۰ ----- مباحث جلد سوم «الغدیر»
- ۵۹۰ ----- مباحث جلد چهارم «الغدیر»
- ۵۹۰ ----- مباحث جلد پنجم «الغدیر»
- ۵۹۱ ----- مباحث جلد ششم «الغدیر»
- ۵۹۲ ----- مباحث جلد هفتم «الغدیر»
- ۵۹۲ ----- مباحث جلد هشتم «الغدیر»
- ۵۹۲ ----- مباحث جلد نهم «الغدیر»
- ۵۹۳ ----- مباحث جلد دهم و یازدهم
- ۵۹۳ ----- تکمله «الغدیر»
- ۵۹۳ ----- نقش «الغدیر» در معرفی شیعه و ایجاد وحدت اسلامی

زندگینامه علامه امینی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ه. ق.) ..... ۵۹۵

فهرست منابع ..... ۵۹۷

۱۳- گزارش تصویری فعالیت های غدیری ..... ۶۰۷

درباره مرکز ..... ۶۳۸

## غدیر: برترین پیام آسمانی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: فرحزاد، حبیب الله، 1335-

عنوان و نام پدیدآور: غدیر؛ برترین پیام آسمانی / حبیب الله فرحزاد؛ تدوین و ویرایش اکبری اسدی.

مشخصات نشر: قم: طوبای محبت، 1400.

مشخصات ظاهری: 576 ص.

شابک: 0-252-366-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 444 - 448.

موضوع: غدیر خم

Ghadir

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661

موضوع: غدیر خم، خطبه

Ghadir surmon

موضوع: عید غدیر خم

Id al-Ghadir'

ذیحجه -- گاه شماری

Zihajjeh (Islamic month) -- Chronology

شناسه افزوده: اسدی، اکبر، 1354-، گردآورنده، ویراستار

رده بندی کنگره: BP223/5

رده بندی دیوپی : 297/452

شماره کتابشناسی ملی : 7671402

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

غدیر برترین پیام آسمانی

سیری در معارف و شعائر غدیر

مؤلف: استاد حبیب الله فرحزاد

تدوین و ویرایش: اکبری اسدی

صفحه آرا: مسعود سلیمانی

انتشارات: طوبای محبت

تیراژ: 1100 نسخه

چاپخانه: سرور/ نوبت چاپ : اول 1400

شابک 0-252-366-600-978

قیمت: 150/000 تومان

مراکز: پخش

ستاد احیای ایام امام و ولایت (غدیریہ)

09130093002

انتشارات طوبای محبت

09122534967 - 37740066-025

فروشگاه کتاب سمت خدا

www.ghadiriam.ir @ghadiriam12

37743705-025

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی\_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

**اشاره**





غدیر

برترین پیام آسمانی

حبیب الله فرحزاد

ص: 4



## فهرست مطالب

پیشگفتار...25

1. احیای غدیر...29

شعائر دین...31

اطلاع رسانی واقعه غدیر...32

شادی در شادی اهل بیت علیهم السلام...33

شادی در خور شأن...33

شادی عید غدیر...34

ماه ولایت...35

بازخواست از ولایت...36

صراط ولایت...37

عبادت بی ولایت...39

درخت حسد...39

منطقه ممنوعه...41

آثار ولایت...42

منذر و هادی...43

عامل وحدت...43

ص: 5

در راه ولایت...44

میثاق ولایت...45

ابلاغ رسالت...47

برترین اعیاد...48

نصرت امیر مؤمنان علیه السلام...48

انکار غدیر...49

توصیه به ولایت در معراج...49

شخصیت والای امیر المؤمنین علیه السلام...50

توجه به ایام غدیر و جشن مباهله...51

احیای غدیر و فضای مجازی...52

بیان عظمت غدیر در فضای مجازی...53

برترین روز در نزد خدای تعالی...55

امام رضا علیه السلام و بزرگداشت غدیر...56

خطبه هایی برای غدیر...56

بزرگداشت غدیر در بهشت...58

فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عید گرفتن روز غدیر...59

انفاق برای غدیر...59

نزول آیات ولایت و «هل اتی»...61

نام و یاد علی علیه السلام...62

مجالس ذکر فضائل امیر المؤمنین علیه السلام...62

محبت علی علیه السلام...63

اساس دین: 64...

مجالس اهل بیت علیهم السلام: 65...

فرهنگ جهانی غدیر: 66...

غدیر و سبک زندگی: 67...

همراه با کاروان غدیر: 68...

پیشینه کاروان های شادی غدیر: 70...

اولین کاروان غدیر در عالم خاکی: 71...

ص: 6

- کاروانهای پرشکوه ملائکه در آسمان...71
- نخستین تجمع گسترده بشری پس از غدیر خم...72
- حرکت کاروان غدیر در عراق...73
- استمرار جشن های غدیری تا به امروز...74
- نظر مراجع عظام تقلید درباره کاروان های غدیری...75
- آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله...75
- آیت الله وحید خراسانی حفظه الله...76
- آیت الله صافی گلپایگانی حفظه الله...76
- آثار و برکات برپایی کاروان غدیر...77
2. استدلال های کوتاه در مسأله جانشینی...79
1. جانشینان پیامبران...82
2. ادامه مسیر نبوت...83
3. مدیر گروه...83
4. انتخاب برترین...84
5. هادی به حق...85
6. بی نیاز از همه...85
7. واژه ای برای جانشینی...86
8. امام زمان حضرت فاطمه علیها السلام...87
9. اسلام دین کامل و جامع...88
10. معیار تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و اله...89
11. جریان غدیر خم...90

12. فرقه ناجیه...92

13. برداشت از سرچشمه...93

14. ظالم و امامت؟!...94

15. انتخاب حضرت مهدی علیه السلام...95

16. نفس پیامبر صلی الله علیه و اله...96

17. گزینه برتر...97

ص: 7

18. حدیث «یوم الدار»...97
19. دوازده امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله...98
20. کجایند مثل امامان علیهم السلام؟...99
21. سه دلیل برای پیروی از اهل بیت علیهم السلام...100
22. صلاحیت برای امامت...101
23. حقانیت اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت...101
24. اهمیت ابلاغ رسالت...102
25. تکبر شیطانی...104
26. بهترین بشر...104
27. سزاوارترین بر مردم...105
28. تقارن حقانیت و مظلومیت...106
29. حقیقت حق...107
30. حبل الله...107
31. اتمام حجت در غدیر...108
3. ماه ولایت و امامت...109
- دهه اول ذیحجه...111
- روز اول ذیحجه...113
- هشتاد ماه روزه...113
- ارسال آیات برائت...113
- ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام...114
- ابراهیم خلیل الله...115

جایگاه امامت...118

بشارت مقام خلت...119

ازدواج امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام...120

مراسم خواستگاری...120

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله...122

تهیه جهیزیه...122

ص: 8

روز هفتم ذیحجه...124

شهادت امام باقر علیه السلام...124

مرجعیت فکری و دینی...125

ولادت، ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله...126

فدایی امام حسین علیه السلام...127

وفات و دفن...128

در اندوه ابراهیم...128

خورشید گرفتگی در فوت ابراهیم...129

طعنه به رسول خدا صلی الله علیه و آله...129

روز هشتم ذیحجه...131

روز ترویبه...131

نخستین حج ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام...132

حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کوفه...133

ناتمام ماندن حج امام حسین علیه السلام!...133

دلیل خروج امام علیه السلام از مکه...134

روز نهم ذیحجه...135

روز عرفه...135

روز دعا و درخواست از خداوند...136

مباهات خدای متعال...136

دعا برای دیگران...138

عرفه و عرفات...139



بخشش گناهان...140

عنايات خداوند به زائران امام حسين عليه السلام...140

شناخت خدا...141

پيامبر در عرفات...143

پذيرش توبه حضرت آدم عليه السلام...143

فرمان سپردن ميراث انبيا به على عليه السلام...145

سد الابواب...146

ص: 9

- معراج پیامبر صلی الله علیه و آله...149
- معراج جسمانی و روحانی...151
- ولادت حضرت عیسی علیه السلام...151
- مژده تولد حضرت عیسی علیه السلام...152
- ولادت حضرت عیسی و ولادت امیر مؤمنان علیه السلام...153
- روز دهم ذیحجه...155
- بیان حدیث ثقلین...155
- متن حدیث...155
- اهمیت حدیث ثقلین...156
- منابع و سند حدیث...157
- زمان و مکان صدور حدیث...158
- پیام های حدیث ثقلین...162
- راویان حدیث ثقلین...164
- ابلاغ آیات براءت...164
- شرح واقعه...165
- فراوانی منابع...166
- فضای حاکم بر مکه...166
- محتوای پیام...167
- از فضایل علی علیه السلام...168
- عید قربان...168
- اعمال عید قربان...169

فضیلت قربانی...171

تقسیم گوشت قربانی...172

نمادی از ایثار در راه محبوب...172

قربانی ابراهیم علیه السلام...174

تجلی خدا در کوه طور...174

درخواست مشاهده خدای تعالی...175

بازگشت به قوم...177

ص: 10

اربعین موسوی...178

تقاضای حضرت موسی علیه السلام...180

جلوه یکی از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام...180

تجلی نور الهی برکوه انانیت...181

تواضع حضرت عیسی علیه السلام...182

معنای اسلام...184

روز دوازدهم ذیحجه...186

عقد اخوت بین پیامبر صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام...186

عقد اخوت...186

عقد اخوت در عید غدیر...187

پیشینه اخوت...188

عقد اخوت در مدینه...188

اخوت عمومی در سال نهم هجری...189

برادری پیامبر صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام...189

هدف از برقراری عقد اخوت...190

روز سیزدهم ذیحجه...191

اعطای لقب «امیر المؤمنین» برای علی علیه السلام...191

لقب اختصاصی...192

سرآمد اهل ایمان...193

پیشینه لقب امیر المؤمنین...194

سلام با عنوان «امیر المؤمنین» در غدیر...196

مصادره لقب امير المؤمنين...196

روز چهاردهم ذیحجه...198

اعطای فدک به فاطمه علیها السلام...198

غصب فدک...199

اهداف غصب فدک...199

فدک در گذر تاریخ...200

ص: 11

شق القمر...201

معجزه؛ نشانه ای از خداوند...203

روز پانزدهم ذیحجه...204

ولادت امام هادی علیه السلام...204

دوران امامت...205

دو یادگار امام هادی علیه السلام...206

زیارت جامعه...206

ویژگی های زیارت جامعه...207

وظیفه ما در برابر امام...209

زیارت غدیریه...210

متن زیارت...211

روز هجدهم ذیحجه...213

عید غدیر...213

پیامبران علیهم السلام و عید غدیر...214

بیان حدیث منزلت...216

تقلهای حدیث منزلت...217

دلالت «حدیث منزلت»...218

جایگاه علی علیه السلام بر اساس حدیث منزلت...218

روز نوزدهم ذیحجه...220

اقدام مردم برای بیعت با حضرت علی علیه السلام...220

جشن عروسی حضرت امیر علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام...223

بخشیدن پیراهن عروس... 223

کاروان عروسی... 224

توصیه های رسول خدا صلی الله علیه و آله... 224

روز بیستم ذیحجه... 226

ولادت امام کاظم علیه السلام... 226

دوران امامت... 227

ص: 12

روز بیست و یکم ذیحجه...229

حدیث بساط و آیه اولی الامر...229

سیر هوایی به غار اصحاب کهف...229

بیعت بر اطاعت امیر مؤمنان علیه السلام...231

انس و کتمان واقعه...232

سند حدیث بساط...232

عصمت اولی الامر...232

مصدق اولی الامر...233

روز بیست و دوم ذیحجه...235

شهادت میثم تمار...235

پیشینه میثم...235

در مکتب امیر المؤمنین علیه السلام...236

صمیمیت و یگانگی...237

شبی با مولا...238

پیش گویی های میثم...239

پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام...240

میثم بر چوبه دار...241

روز بیست و چهارم ذیحجه...242

روز مباحله...242

معنای مباحله...242

دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله...242



دیدار با پیامبر صلی الله علیه و اله...243

پیشنهاد مباحله...244

انصراف مسیحیان از مباحله...245

همراهان پیامبر صلی الله علیه و اله...246

شیوه مباحله با مخالفین...247

پیام آیه مباحله...249

فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله...251

ص: 13

- جان پیامبر صلی الله علیه و آله...251
- مناظره اهل بیت علیهم السلام با آیه مباحله...252
- مباحله و آیه تطهیر...253
- اهمیت آیه تطهیر...255
- مضمون آیه...255
- اراده تکوینی یا تشریحی...256
- اهل بیت چه کسانی هستند؟...257
- معرفی اهل بیت علیهم السلام در گفتار...258
- روش عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اهل بیت علیهم السلام...260
- تنها در شأن خمسه طیبه...261
- برکات خواندن حدیث کسا...264
- خاتم بخشی و آیه ولایت...264
- بیان آیه...265
- شأن نزول...265
- اشعار حسان...267
- اهمیت آیه ولایت...267
- منکران ولایت...268
- آیه ولایت و غدیر...268
- مباهات خدا به امیر مؤمنان علیه السلام...269
- منقبت حضرت علی علیه السلام...270
- احتجاج امیر المؤمنین علیه السلام به آیه ولایت...270

بهای انگشتر... 271

نماز و انفاق؟!... 271

روز بیست و پنجم ذیحجه... 272

نزول «هل اتی»... 272

شان نزول «هل اتی»... 273

مدنی بودن سوره... 274

از لطایف سوره... 275

ص: 14

فضیلت تلاوت سوره «هل اتی»...275

4. فضائل غدیر...279

برترین عید امت پیامبر صلی الله علیه و اله...281

شکوه مندی غدیر...281

بزرگ ترین عید...282

شریف تر از عید قربان و عید فطر...282

برترین روز در نزد خدای تعالی...283

عظمت روز غدیر خم...284

بخشش خداوند...286

مصافحه فرشتگان...288

عید پیامبران...288

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر فرشتگان...289

ناله ابلیس...290

عرضه ولایت در روز غدیر بر آسمانیان و زمین...290

واکنش اهل آسمان...290

واکنش زمین ها...291

واکنش کوه ها...291

واکنش، آبها، گیاهان و پرندگان...291

غدیر در آئینه نام ها و صفات...292

1. در کلام امیر المؤمنین علیه السلام...292

2. در کلام امام صادق علیه السلام...294

3. در کلام امام رضا علیه السلام...295

5. اعمال و آداب عید غدیر...299

عمل نیک در روز غدیر...301

1 تقرب به خدا...304

2 یاد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله...305

ص: 15

3. زیارت و دیدار یکدیگر...305
4. تبریک و تهنیت...307
5. روزه گرفتن...308
- روزه پیامبران...309
- روزه تمام عمر دنیا...310
6. توسعه بر خانواده...312
7. هدیه و بخشش...313
8. اطعام در عید غدیر...315
9. افطاری دادن...317
10. آراستن و زینت کردن...319
11. لباس نو پوشیدن...320
12. دل جویی و مهرورزی...321
13. پیوند با بستگان و خویشان...322
14. گره گشایی و رسیدگی به نیازمندان...324
15. عیدی دادن...325
16. شکر نعمت ولایت...325
17. گردهمایی...326
18. تبسم و شادی...328
19. ابراز شادمانی...329
20. شاد کردن اهل ایمان...330
21. ابراز برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام...330

22. صلوات... 332

23. بیعت و تجدید عهد با امام زمان علیه السلام... 334

معنای بیعت... 335

تجدید بیعت... 335

24. عبادت و نماز و نیایش... 338

25. دعای روز غدیر... 338

26. دعای ندبه... 340

ص: 16

27. نماز عید غدیر... 341

نماز دیگر... 342

6. زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر... 343

زیارت غدیریه امام صادق علیه السلام... 346

زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام... 348

نگاهی اجمالی به متن زیارت... 349

زمان صدور زیارت... 350

سند زیارت... 350

بررسی فرازهایی از زیارت... 351

متن و ترجمه زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام... 354

سلام بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و انبیای الهی... 354

بیان اوصاف امیر المؤمنین علیه السلام... 355

شهادت به منزلت بلند امیر المؤمنین علیه السلام... 356

اشاره به جریان غدیر... 356

نفرین بر منکران ولایت... 357

وفای به عهد... 357

امیر حقیقی مؤمنان... 357

جان فشانی در راه خدا... 358

تردید در ولایت... 358

صراط مستقیم... 359

اطاعت فرمان الهی... 359



وارستگی های امیر المؤمنین علیه السلام...359

استقامت در راه حق...360

مجاهدت در راه خدا...360

عبودیت خالصانه...361

نخستین کسی که ایمان آورد...362

تمسک به خدای تعالی...362

ص: 17

مولای اهل ایمان...363

فضیلت های روشن...363

منزلت والا...364

زیان کارترین انسان ها...364

گوش به فرمان خدا و رسول...364

به منزله هارون...365

علی علیه السلام و برابری؟!...365

مورد ستایش خداوند...367

ابلاغ ولایت...367

ایمان آورندگان اندک...368

بخشش و ایثار...370

در صحنه عمل...370

دارای علم تنزیل و حکم تأویل...371

در جنگ احد...372

در جنگ حنین...373

در روز خیبر...374

حجت بالغه الهی...374

همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در همه جنگ ها...374

امام المتقین...375

در برابر حيله پیمان شکنان...375

در برابر شامیان...376

ظهور حق...376

عمار در صفین...377

حادثه ناگوار فدک...378

در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله...379

فتنه حکمیت در صفین...380

فضائل بی انتها...382

در اشتیاق دیدار حق تعالی...383

ص: 18

بیزاری از غاصبان ولایت و ظالمان به اهل بیت علیهم السلام...383

7. واقعه غدیر...385

اهمیت حجة الوداع...387

آغاز سفر حج...389

حضور جبرائیل در عرفات...389

خوف پیامبر صلی الله علیه و آله از دشمنی ها نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام...391

علت خوف...392

نخستین خطابه در منی...394

خطبه پیامبر علیه السلام در مسجد خیف...395

اعلان رسمی برای حضور در غدیر...396

فرمان خدا در غدیر...396

توقف مردم در غدیر...397

پیامبر و امیر المؤمنین علیهما السلام بر فراز منبر...398

دو اقدام عملی بر فراز منبر...399

بیعت مردان...401

بیعت شگنان...402

بیعت زنان...402

عمامه سحاب...403

ظهور جبرئیل در غدیر...403

سروده حسان درباره غدیر...404

پایان مراسم غدیر...405

خلاصه ای از خطبه غدیر...405

فرمان مهم الهی...405

ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام...406

توجه به مسأله امامت...407

ائمه نار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله...407

اتمام حجت...408

ص: 19

یادی از حضرت مهدی علیه السلام...408

8. پس از غدیر...411

کسانی که از قبول ولایت سر باز زدند...413

دوستی دشمنان و دشمنی دوستان!...415

گمان ابلیس...416

معجزه غدیر...417

صحیفه ملعونه...418

صحیفه اول...418

صحیفه دوم...419

مفاد پیمان نامه...420

واکنش ها به صحیفه ملعونه...421

توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله در هرشی...422

شعر غدیر...424

سروده عمر و عاص درباره واقعه غدیر...424

9. متن و ترجمه خطبه غدیر...427

بخش اول: حمد و ثنای الهی...429

بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم...433

بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام...436

بخش چهارم: معرفی امیر المؤمنین علیه السلام...442

بخش پنجم: تأکید بر توجه امت به مسأله امامت...443

بخش ششم: اشاره به کارشکنی های منافقین...445

بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان شان...449

بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف...452

بخش نهم: مطرح کردن بیعت...454

بخش دهم: حلال و حرام واجبات و محرمات...455

بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی...458

ص: 20

- اتمام حجت با حدیث غدیر... 461
- تواتر حدیث غدیر... 462
- بزرگترین مستند شیعه... 462
- برتری اسناد حدیث غدیر... 462
- حدیث غدیر در کتب متعدد... 463
- اعتبار حدیث غدیر از نظر دلالت... 465
- دلالت حدیث و کیفیت استدلال... 466
- استناد امیر المؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر... 467
10. خطبه هایی درباره غدیر... 471
- خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر... 473
- حمد و ثنای خداوند... 474
- جایگاه بلند پیامبر صلی الله علیه و آله... 475
- منزلت ائمه علیهم السلام... 476
- لطف به بندگان... 477
- اجتماع دو عید... 478
- فضیلت روز جمعه... 479
- توحید و ابلاغ ولایت... 479
- اکمال دین و اتمام نعمت... 481
- متمردین از ولایت... 481
- عظمت غدیر... 482
- تقرب به خدای تعالی... 483



پرهیز از تمسک به کافران...484

معنای استکبار...484

معرفی خود...485

دعوت به تنبه و بیداری...485

برای بزرگداشت غدیر...486

روزه عید غدیر...487

ص: 21

افطاری دادن در عید غدیر...488

با برادران دینی...489

اطلاع رسانی غدیر...489

میهمانی امام حسن مجتبی علیه السلام...489

نگاهی گذرا به خطبه...490

خطبه غدیریه در منابع روایی...491

شکوه غدیر در نگاه امیر المؤمنین علیه السلام...492

خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (1)...496

بزرگداشت غدیر در بهشت...496

در جوار امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر...497

فضیلت غدیر...498

خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (2)...499

ارزش روزه در عید غدیر...499

نماز روز غدیر...500

افطاری دادن در روز غدیر...500

خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (3)...503

در اجتماع شیعیان...503

روز استحکام دین...503

بیان واقعه غدیر...504

بیان اعمال روز غدیر...505

خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (4)...509

برترین عیدها...509

انگیزه عید گرفتن...510

اعمال عید غدیر...510

خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (5)...511

روز غدیر در قیامت...511

روزه گرفتن در ورز غدیر...512

ص: 22

خطبه امام رضا علیه السلام درباره غدیر...514

جایگاه غدیر در بین روزها...514

روز کمال...515

بزرگداشت در ملکوت...515

رفع قلم...515

فزونی احوال...516

فضائل غدیر...516

روز پاکیزگی...517

دیدار و تهنیت...517

روز زینت...518

اطعام اهل ایمان...518

عرضه ولایت بر آسمانیان و زمین...519

عرضه ولایت بر کوه ها...519

عرضه ولایت بر آب، ها گیاهان و پرندگان...520

مثل اهل ایمان در پذیرش ولایت...520

11. غدیر در کلام اهل بیت علیهم السلام...523

علی علیه السلام و احتجاج به حدیث غدیر...525

حضرت فاطمه علیها السلام و اتمام حجت با غدیر...527

امام حسن مجتبی علیه السلام بر فراز منبر...530

احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر...531

حدیث غدیر در بیان امام سجاد علیه السلام...531

واقعه غدیر در بیان امام باقر علیه السلام...532

امام صادق علیه السلام و ترسیم صحنه غدیر...532

امام کاظم علیه السلام و احتجاج با هارون...533

امام رضا علیه السلام و عظمت غدیر...534

امام جواد علیه السلام و پیمان هایی که گرفت شد...535

امام هادی علیه السلام و زیارت غدیریہ...535

ص: 23

امام عسکری علیه السلام و حدیث غدیر... 536

امام زمان علیه السلام... 537

12. علامه امینی و غدیر... 539

نگارش «الغدیر»... 541

مباحث جلد اول «الغدیر»... 543

مباحث جلد دوم «الغدیر»... 543

مباحث جلد سوم «الغدیر»... 544

مباحث جلد چهارم «الغدیر»... 544

مباحث جلد پنجم «الغدیر»... 544

مباحث جلد ششم «الغدیر»... 545

مباحث جلد هفتم «الغدیر»... 546

مباحث جلد هشتم «الغدیر»... 546

مباحث جلد نهم «الغدیر»... 546

مباحث جلد دهم و یازدهم... 547

تکمله «الغدیر»... 547

نقش «الغدیر» در معرفی شیعه و ایجاد وحدت اسلامی... 547

زندگینامه علامه امینی (1320) - (1390 ه. ق.)... 549

فهرست منابع... 551

13. گزارش تصویری فعالیت های غدیری... 561

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

امام صادق علیه السلام فرمودند:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أُمَّرْتًا؛ رحمت خدا بر آن کس که امر ما را زنده بگرداند (1)

با مرور اجمالی ادیان الهی و کتب آسمانی به راحتی میتوان دریافت که بعد از توحید موضوعی به پای نبوت و امامت و رهبری جامعه نمی رسد بلکه توحید حقیقی را نیز باید در بیان رهبران الهی جست و جو کرد. در قرآن و روایات نیز موضوعی مهم تر از امامت و ولایت و وصایت امیر المؤمنین و ائمه طاهرين عليهم السلام وجود ندارد.

اوج موضوع امامت و ولایت را در جریان غدیر می توان جست و جو کرد، و ریشه همه انحرافات عالم اسلام را نیز در انحراف از جریان غدیر باید دانست. و راه اصلاح و صلاح امت هم در بازگشت به غدیر و وحدت پیرامون جریان غدیر و احیای آن و رساندن پیام آن به همه جهانیان است. چرا که خدای تعالی بعد از غدیر خم حجت را بر همه تمام کرد. از این رو حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

ص: 25

فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ خُمٍ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ (1)؛ خداوند پس از غدیر خم برای هیچ کس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است.

امروزه بحران، جهان بحران مدیریت است جهان اسیر طاغوت هایی است که ملت ها را به سوی پرتگاه بی هویتی می کشانند. از این رو مدیریت جهانی امر مهمی است و پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم می خواستند این مشکل عالم را حل کنند.

از آن جا که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و سلم خاتم پیغمبران و نبوت و رسالت به آن حضرت ختم شده است آیا ممکن است بعد از ایشان این عالم تا قیامت رها شود و بدون یک مدیر الهی به حال خود واگذار شود؟ چنین چیزی از سوی خدای قادر متعال که مهر و رحمتش سراسر عالم را فرا گرفته است امری محال است.

امر ولایت و سرپرستی امت آن قدر مهم است که خدای تعالی به پیامبرش که عزیز ترین و محبوب ترین خلق عالم در نزد اوست می فرماید اگر در ابلاغ ولایت امیر مؤمنان علیه السلام کوتاهی کنی همه رسالت تو زیر سؤال می رود و رسالت خویش را ابلاغ ننموده و آن را به انجام نرسانده ای!

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (2)؛ ای پیامبر آن چه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای!

از این رو امام صادق علیه السلام روز غدیر را بزرگ ترین روز در عالم هستی می دانند و به برخی از اصحاب خویش می فرمایند:

لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ؛ شاید فکر

ص: 26

---

1- دلایل الإمامة، ص 122.

2- سوره مائده آیه 67



می کنی خدا روزی با عظمت تر از روز غدیر خم خلق کرده است!

بعد فرمودند: «لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ؛ نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند!» (1)

نتیجه زحمات همه انبیا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در روز غدیر به ثمر نشست.

بر این اساس خدای تعالی فرمود:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

غدیر خم یک اعتقاد و راه است سبک زندگی و فرهنگ است. بعثت شروع این راه بود و در غدیر به ثمر نشست و روز عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام جریان ولایت اهل بیت علیهم السلام را تثبیت کرد تا به ظهور امام زمان علیه السلام ختم شود. ان شاء الله!

آن چه پیش رو دارید تحقیقی پیرامون این رویداد مهم عالم است که به بررسی این واقعه و عظمت آن و فضائل غدیر و اعمال و آداب و مسائل پیرامونی آن پرداخته است. امید است خدای تعالی ما را با حقیقت ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام بیش از پیش آشنا کند و در سایه ولایت آن بزرگواران به سعادت دنیا و آخرت نایل بگرداند!

در پایان از همه عزیزانی که در آفرینش این اثر ماندگار سهمی داشتند، به ویژه برادر بسیار عزیزم، جناب آقای اسدی که در تدوین و ویرایش آن اهتمام ورزیدند، همچنین برادران ستاد غدیر که چاپ و نشر آن را بر عهد داشتند و نیز نشر طوبای محبت، صمیمانه تشکر می کنم و برای همه آرزوی توفیق روز افزون دارم.

ص: 27

بر همه ما واجب است که در رساندن این پیام بزرگ آسمانی کوتاهی نکنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (1) باید تا بر پایی قیامت این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

به امید آن که این اثر به زبان های مختلف دنیا ترجمه شود و پیام عالم گیر گردد.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين على بن ابى طالب و الائمة المعصومين عليهم السلام

قم مقدس / حبيب الله فرحزاد

بهار 1400/شوال 1442

ص: 28

---

1- الإحتجاج، ج 1، ص 62؛ بحار الأنوار، ج 37، ص 211.

1- احيای غدیر

اشاره

ص: 29



«وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ (1) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دل هاست

کسی که حقیقتاً تقوا در قلب و وجودش جای گرفته باشد، شعائر دینی را بزرگ می‌شمارد و احیا می‌کند دین را باید در همه جامعه و همه اقشار ظهور و بروز داد. بسیاری از احکام را نمی‌توان در خلوت به جا آورد. اعمال حج، نماز جمعه، و نماز جماعت باید علنی و در جمع باشد؛ چون این امور از احکام شعائری است و باید علنی برگزار کرد و در جامعه ظهور و بروز داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین شعائر دینی بر پا کردن جشن و سرور و مجالس شادی در روز عید غدیر است. باید با نام و یاد مولا امیر المؤمنین علیه السلام شادی‌ها را به بچه‌ها و نسل‌های بعدی انتقال داد. البته باید از شعارهای تفرقه‌انگیز و از شادی‌های حرام پرهیز کرد

اگر می‌خواهیم ایمان و تقوا در جامعه ما پررنگ شود، باید به احیا و بزرگداشت غدیر اهمیت داد عید غدیر ریشه و هویت مکتب ماست؛ باید تثبیت شود و به برگزاری هر چه باشکوه‌تر آن توجه ویژه‌ای داشت.

ص: 31

مقام معظم رهبری حفظه الله در باره مسأله غدیر می فرماید: «مسأله امامت و مسأله ولایت و زنده نگهداشتن غدیر به یک معنا زنده نگهداشتن اسلام است. مسأله فقط مسأله شیعه و معتقدین به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام نیست. اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیر المؤمنین علیه السلام حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم هم خودمان درک کنیم هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسأله غدیر می تواند وحدت آفرین باشد».<sup>(1)</sup>

## اطلاع رسانی واقعه غدیر

پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرمودند:

فَلْيُبَلِّغِ الْوَالِدُ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: (2) باید تا بر پایی قیامت این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ پیام غدیر را بر همه واجب کردند؛ حاضران باید آن را به غائبان و پدران آن را به فرزندان برسانند یعنی بذریع محبت و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را در دل ها بیفشانند باید هرچه توان داریم در طبق اخلاص بگذاریم و برای معرفی غدیر هزینه کنیم.

همان گونه که به خواندن نماز اهمیت می دهیم، باید به بزرگداشت و معرفی غدیر هم اهمیت بدهیم، امر ولایت اصل دین است. اصول دین از فروع دین مهم تر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون امکانات سه روز مردم را در غدیر خم، زیر آفتاب نگه داشتند، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کردند و فرمودند: افرادی که شاهد هستند واجب است به غائبین برسانند. پدرها وظیفه دارند جریان غدیر را به فرزندان شان برسانند. این تنها وظیفه شاهدان در غدیر خم نبود بلکه وظیفه هر مسلمانی تا روز قیامت همین است. با برگزاری مسابقات و

ص: 32

---

1- سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ 1391/08/10.

2- الإحتجاج، ج 1، ص 62؛ بحار الأنوار، ج 37، ص 211.

ترغیب و تشویق جوانان به خواندن و حفظ کردن و تحلیل و بررسی واقعه غدیر در سراسر کشور میتوان گامی بلند در این جهت برداشت

## شادی در شادی اهل بیت علیهم السلام

در روایات ما برای شیعیان علائم و نشانه‌هایی بیان شده است. یکی از نشانه‌ها شاد بودن در ایام شادی اهل بیت علیهم السلام است امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يُنْصِرُونَنَا وَيَقْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛ (1) خداوند تبارک و تعالی توجهی به زمین نمود پس ما را برگزید و برای ما پیروانی انتخاب نمود که ما را یاری کنند با شادی ما شاد باشند و در غم ما غمگین باشند.

اگر ما دوست یا فامیل یا عزیزی داریم که در غم و شادی او هیچ مشارکتی، نداریم قطعاً دوست و آشنا و فامیل او نیستیم. اگر مدعی هستیم که شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستیم اما در غم و شادی آن‌ها بی تفاوتیم، این ادعای دروغی است علامت شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام این است که در غم و شادی آن‌ها شریک باشند و با آنان همراهی و همدلی کنند.

## شادی در خور شأن

دین اسلام به شادی و نشاط اجتماعی در جای خودش همچنین به سوگواری، آن هم در جای خودش تأکید دارد. در کشور ما به موضوع شادی و نشاط اجتماعی توجه کمتری می‌شود باید نشاط و شادی را به دیگران انتقال دهیم گسترش شادی و نشاط به دیگران از بالا ترین عبادت هاست.

شرط تشیع و شیعه بودن «يَقْرَحُونَ لِفِرْحَانَا، وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» است. تا حدودی برنامه‌های حزن و اندوه و روضه خوانی را اجرا کرده ایم نه این که حقش را ادا کرده. باشیم اگر برای اربعین محرم صفر فاطمیه و ایام شهادت اهل بیت علیهم السلام کاری

ص: 33

کردیم، ذره ای از حق آن‌ها را ادا کرده ایم. اما در جهت شادی و جشن و سرور ولادت اهل بیت علیهم السلام و عیدها واقعاً کم گذاشته ایم.

جالب است که «يَقْرَحُونَ» بر «يَحْزَنُونَ» مقدم شده است! فرح و شادی در شادی اهل بیت را بر حزن و اندوه برای آنان مقدم کرده است. نباید به گونه ای جلوه کند که دین ما فقط دین دین‌گریه است.

البته گریه و عزا داری برای مصائب اهل بیت علیهم السلام در جای خودش بهترین ثواب و پاداش‌ها را دارد. با اهل بیت علیهم السلام پیوند محکم ایجاد می‌کند. اما نباید شادی‌ها در عید غدیر و ایام تولد اهل بیت علیهم السلام و جشن‌ها و عیدها به حاشیه برود. باید آن‌ها را هم پررنگ کرد.

باید برای این جشن‌ها و شادی‌ها هم موقوفات و نذوراتی قرار داد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر مثلاً برای عزا و روضه نذر و وقف کنند یا خرج کنند، ثوابش بیشتر است. در صورتی که این طور نیست هزینه کردن برای جشن‌های اهل بیت علیهم السلام اگر ثوابش بیشتر از هزینه برای عزا داری آنان نباشد کمتر نیست. به خصوص که جامعه و جوانان و نوجوانان ما نیاز بیشتری به شادی و نشاط دارند.

باید به موازات برنامه‌های روضه و عزا داری برنامه‌های شادی را هم کم‌کم و کیفیاً بیشتر کنیم. البته شادی‌ها باید حلال و در خور شأن اهل بیت علیهم السلام باشد. هر کس هر توانی دارد برای مولا امیر المؤمنین و اهل بیت علیهم السلام ارائه بدهد تا این مراسم احیا شود.

### شادی عید غدیر

چون عید غدیر بزرگ‌ترین عید دینی ماست بسیار بجاست که آن را تنها یک روز برگزار نکنیم دست کم سه روز و اگر شد یک دهه برگزار کنیم. همان طور که دو ماه محرم و صفر را در عزای امام حسین علیه السلام به سوگ می‌نشینیم، چند روزی هم جشن و شادی عید غدیر را برگزار کنیم.



قطعاً جریان عید غدیر از همه حوادث دوران عمر پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام بالاتر است. ما درباره غدیر کوتاه آمده ایم؛ از این رو مصائب سنگین بر حضرت زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام وارد شد باید همان طور که عاشورا را پر شور و هیجان برگزار می کنیم بر اساس دستور اهل بیت علیهم السلام عید غدیر را هم هر چه با شکوه تر و با عظمت تر برگزار کنیم. غدیر را باید جهانی کنیم.

روز غدیر خم روز اعلان رسمی امامت و رهبری و پیشوایی مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام و مهم ترین عید ماست که از آن به عید الله الاکبر<sup>(۱)</sup>، یعنی عید بزرگ خدای متعال تعبیر شده است. بر اساس روایات همه انبیا مأمور بودند تا این روز بزرگ را عید بگیرند.

روزی بالاتر از عید غدیر خم در عالم نداریم حتی از عید قربان و عید فطر و عید جمعه و ایام ولادت اهل بیت علیهم السلام بالا تر است. در روایات بر تعظیم و بزرگداشت این عید بسیار تأکید شده است. امام رضا علیه السلام در بیان فضیلت روز غدیر فرمودند:

لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ (۱) اگر مردم فضیلت حقیقی این روز را می دانستند، فرشتگان در هر روز ده بار با آنان مصافحه می کردند

این تعبیر برای هیچ عیدی نیامده است غدیر یک عید جهانی و فراگیر است. همه انبیای گذشته نیز این روز را جشن می گرفتند. از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان پیغمبر ما همه انبیا مأمور بودند تا این روز را جشن بگیرند.

## ماه ولایت

مقام معظم رهبری حفظه الله در جایی فرموده بودند ماه ذیحجه در رابطه با اهل بیت علیهم السلام به خصوص علی بن ابی طالب علیه السلام این قدر مناسبت دارد که

ص: 35

---

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 24، ح 52؛ الإقبال، ج 2، ص 269.

خوب است این ماه را ماه ولایت بنامیم. زمانی عده ای این ایام را به عنوان دهه مطرح کردند، گروهی آن را به عنوان پانزده روز شاد آسمانی مطرح کردند، اما ایشان فرمودند همه ماه ذیحجه را باید گرامی داشت و آن را شهر الولاية یعنی ماه ولایت نامید (1)

چون آغاز این ماه با ازدواج امیر المؤمنین علیه السلام آغاز شده و رخداد های مهمی درباره اهل بیت علیهم السلام در این ماه تحقق پیدا کرده است باید این ماه را به عنوان سنتی حسنه احیا کرد. زمانی بود که اعتکاف با تعداد بسیار اندکی برگزار می شد. اما الآن با ده ها هزار نفر برگزار می شود و سال به سال بر جمعیت معتکفین افزوده می شود این ظرفیت به این مهمی در مملکت ما وجود دارد و ما کوتاهی می کنیم.

خداوند در قرآن فرموده است:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (2)؛ تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است.

از اول خلقت آن را دوازده ماه قرار دادیم این مطلب خیلی مهم نیست. حقیقت این آیه چیز دیگری است باطن این آیه دوازده امام علیهم السلام هستند، نه یکی کمتر است و نه یکی بیشتر هر ماهی به نام یک امام است؛ چنان که امام باقر علیه السلام در روایتی در تأویل این آیه به این نکته تصریح فرموده اند. (3)

## بازخواست از ولایت

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

بِنِي الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَقِّ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ

ص: 36

1- سخنرانی در جمع عده ای از مردم 1368/11/4.

2- سوره توبه، آیه 36.

3- الغيبة (للطوسی)، ص 149.

يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ؛ (1) اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیزی به اندازه ولایت، فرا خوانده نشده است

از هیچ چیز مانند ولایت باز خواست نمی شود محل اختلاف و هجمه دشمن هم آن جاست. از این رواز ولایت بیشتر باز خواست می شود. شیطان گفت:

«لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ (2) من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها کمین می کنم

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

وَ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (3) صراط مستقیم امیر المؤمنین علیه السلام است.

شیطان بر سر صراط مستقیم می ایستد تا مردم را از آن باز دارد. می بینیم که چگونه وهابی ها با اهل ولایت مقابله می کنند. می بینیم که صهیونیست ها چگونه با فرهنگ شیعه دشمنی می کنند این ها با شیاطین هم همدست هستند و با هم همکاری می کنند

### صراط ولایت

صراط مستقیمی که می تواند دنیا را اداره کند و مشکلات را حل کند ولایت اهل بیت علیهم السلام است. در زیارت جامعه می خوانیم:

بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا؛ خداوند، به ولایت شما نشانه های روشن دین را به ما آموخت و آن چه را از دنیای مان تباه شده بود اصلاح کرد

ص: 37

---

1- الکافی، ج 2، ص 18، ح 3.

2- سوره اعراف، آیه 16.

3- الکافی، ج 1، ص 433.

اگر ولایت اهل بیت علیهم السلام را پذیرفتید خدا معلم شما می شود. آیا از این بهتر می خواهید؟ چرا از این نکته مهم غافلیم؟ کسانی که دست از ولایت اهل بیت علیهم السلام کشیدند و امیر المؤمنین علیه السلام را رها کردند، در گمراهی به سر می برند و راه را گم کرده اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَ اللَّهُ مَا بَقِيَ فِي أَيْدِيهِمْ شَيْءٌ مِّنَ الْحَقِّ إِلَّا اسْتِقْبَالَ الْكُعْبَةِ فَقَطَّ (1) به خدا سوگند چیزی از حق بر ایشان باقی نمانده جز رو کردن به سمت کعبه.

آن ها بهره ای از دین به جز رو کردن به قبله ندارند. این ها مشمول نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر واقع شدند، آنجا که فرمودند:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَحِبِّ مَنْ أَحَبَّهُ، وَأَبْغُضْ مَنْ أَبْغَضَهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاحْذُلْ مَنْ حَذَلَهُ؛ (2) بار خدایا! با دوست علی دوست باش و با دشمن او دشمن؛ هر که او را دوست می دارد دوستش بدار و هر که او را مبغوض می دارد مبغوضش بدار و هر که او را یاری می کند یاری اش کن و هر که او را وا می گذارد، او را واگذار

این نفرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را جدی بگیرید هم دعا فرمودند و هم نفرین کردند فرمودند: «وَ احْذُلْ مَنْ حَذَلَهُ». خذلان نه این است که فردی را چوب بزنی؛ خذلان یعنی این که کسی را رها کنی خذلان یعنی دست از ولایت کشیدن یعنی امیر المؤمنین و یازده امام دیگر را رها کردن یعنی این که ولایت را تبلیغ نکنی و بگویی به من چه ربطی دارد باید سینه چاک کرد و با قلم و بیان از اهل بیت علیهم السلام دفاع کرد. اگر این گونه نبودیم، یعنی خذلان.

ص: 38

---

1- الفصول المهمة، ج 1، ص 578

2- تاریخ دمشق، ج 42، ص 219، ح 8713، عن زید بن أرقم.

این که امام صادق علیه السلام در روایت فوق فرمودند: « بهره آنان از دین فقط استقبال قبله است »، یعنی تمام عبادات شان باد هواست. امام باقر علیه السلام فرمودند:

أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَا يَظُنْ وَ لَا يَلْمِ اللَّهَ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛ (1) آگاه باشید! اگر مردی همه شب به نماز برخیزد و روزش را روزه بدارد و همه مال خود را در راه خدا انفاق کند و پیوسته به زیارت خانه خدا، رود و از ولایت ولی خدا آگاه نباشد تا از او پیروی کند و همه اعمالش به راهنمایی او باشد چنین کسی را حق پاداشی از خدا به خاطر همه آن چه کرده است نیست، و نیز از اهل ایمان به شمار نمی رود.

## درخت حسد

جایگاه ولایت به گونه ای است که خدای تعالی درباره آن با هیچ کس حتی انبیای خود تعارف ندارد روایات فراوان داریم که اگر انبیا در این جا ذره ای مکث می کردند، گرفتار می شدند.

در کتاب عیون اخبار الرضاء علیه السلام، از عبد السلام هروی روایت شده است که: گفت به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم یا ابن رسول الله از درختی که آدم و حوا از آن خوردند برایم بگو تا ببینم چه درختی بود؟ چون مردم در باره آن اختلاف دارند بعضی روایت می کنند که گندم، بوده و بعضی دیگر روایت می کنند که درخت حسد بوده است. حضرت فرمودند: هر دو درست است.

عرضه داشتم با این که دو معنای متفاوت دارد چطور ممکن است هر دو درست باشد؟ فرمودند ای اباصلت یک درخت بهشتی می تواند چند نوع

ص: 39

میوه داشته باشد یک درخت هم می تواند گندم داشته باشد و هم انگور؛ چون درخت بهشت مانند درخت های دنیا نیست

آدم بعد از آن که خدای تعالی به او احترام کرد و ملائکه را واداشت تا به او سجده کنند و او را داخل بهشت کرد در دل با خود گفت: آیا خدا بشری گرامی تر از من خلق کرده است؟

خدای عز و جل از آن چه در دل او گذشت خبردار شد. پس به او ندا داد: که خود را بلند کن و به ساق عرش بنگر آدم سر به سوی عرش بلند کرد، و به ساق عرش نگریست دید در آن نوشته شده است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَرَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ لا اله الا الله محمد رسول الله و علی بن ابی طالب امیر المؤمنین و همسرش فاطمه سیده زنان، عالمیان و حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت اند.

آدم پرسید: پروردگارا، اینان چه کسانی هستند؟ خدای عز و جل فرمود:

هَؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقٍ وَ لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجَكَ عَنْ جِوَارِي؛ ای آدم، اینان ذریه تو هستند و از تو بهترند، و از همه خلائق من بهترند و اگر این ها نبودند من تو را و بهشت و دوزخ را و آسمان و زمین را خلق نمی کردم پس زنهار مبادا به چشم حسد بر اینان بنگری که از جوار من بیرون خواهی شد.

پس آدم به چشم حسد بر آنان نظر افکند و آرزوی مقام و منزلت آنان کرد و خداوند شیطان را بر او مسلط ساخت تا سرانجام از آن درخت که نهی شده بود خورد و بر حوا هم مسلطش کرد او هم به مقام فاطمه به چشم حسد نگریست،

تا آن که از آن درخت بخورد، همچنان که آدم خورد در نتیجه خدای تعالی هر دورا از بهشت بیرون کرد و به زمین فرستاد تا در جوار زمین باشند (1)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: این معنا در عده ای از روایات آمده است که بعضی از آن ها از روایات مورد بحث مفصل تر و طولانی تر است و بعضی دیگر مجمل تر و کوتاه تر (2)

### منطقه ممنوعه

بر اساس این روایت، این معنا مسلم گرفته شده است که درخت نامبرده هم گندم بوده (3) و هم حسد و این که آن دو از گندم خوردند، ولی ثمره اش حسد شد، و مقام و منزلت محمد و آل محمد علیهم السلام را آرزو کردند. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ وَأَزْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَا حِقٌّ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ؛ (4) پس خداوند شما را به شریف ترین مرتبه گرامیان، و بالاترین جایگاه های مقربان، و برترین درجات فرستاده شدگان برساند؛ آن مقامی که جز آنان هیچ کسی بدان نمی رسد و به بالاتر از آن هیچ کسی راه نمی یابد و هیچ پیشگامی بر آن، پیشی نمی گیرد و هیچ طمع کننده ای برای رسیدن به آن، طمع نمی کند.

کسی حق طمع در این مقام را ندارد تمام اسماء الهی در اینها تجلی پیدا کرده است. خداوند فرمود: اینجا منطقه ممنوعه خداست. آدم چون آرزوی این مقام ما را کرد مبتلا شد و از آن درخت منهی خورد. مشکل اصلی در طمع در ولایت

ص: 41

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 306.

2- ترجمه المیزان، ج 1، ص 217.

3- واژه شجره به درخت و گیاه هر دو اطلاق می شود؛ چه آن که در داستان یونس، به بوته کدو اطلاق شجره شده است.

4- زیارت جامعه.

اهل بیت علیهم السلام بود که همه پیامبران بر آن ولایت مبعوث شده اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَلَا يَتَنَا وَلَا يَتَنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا؛ (1) ولایت ما همان ولایت خداست که خدا هیچ پیغمبری را جز به آن مبعوث نساخت

## آثار ولایت

ولایت اهل بیت علیهم السلام ولایت کلیه الهیه است امام هادی علیه السلام فرمودند: ولایت اهل بیت علیهم السلام باعث می شود که خداوند معالم دین ما را به ما تعلیم دهد. اگر به کتب صحاح اهل سنت، بنگرید می بینید که اینها قائل به این هستند که خدای تعالی مثل انسان جسم دارد می گویند خدا مانند یک انسان دیده می شود خداوند در شب جمعه مانند جوانی سوار بر اسب می شود و به انسان ها نگاه می کند. این توحید آن هاست

«وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا»؛ اگر دنبال اهل بیت علیهم السلام رفتید، همه مشکلات دنیای تان هم حل می شود روی اهل بیت علیهم السلام خیلی سرمایه گذاری کنید.

در این میان وظیفه عالمان و دانشمندان بسی سنگین تر است. باید در بیان و نشر فضائل امیر المؤمنین و اهل بیت علیهم السلام سرمایه گذاری کنند، که کوتاهی در این امر گناهی نابخشودنی است چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعُتْرَتِهِ؛ (2) خداوند این مردم را عذاب نمی کند، مگر به خاطر گناهان، علما آن ها که حق را کتمان می کنند و از بیان فضائل علی علیه السلام و عترت او خود داری می کنند.

ص: 42

1- الکافی، ج 1، ص 437.

2- القطره من مناقب النبی و العتره، ج 1، ص 165



خدای تعالی به پیامبرش می فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ!» (1) توقفظ بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

الْمُنذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْهَادِي عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ (2) منذر رسول خدا صلی الله علیه وسلم است و هادی علی علیه السلام است.

در هجده روایت از اهل سنت هم آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هادی این امت امیر المؤمنین علیه السلام است . اما ما چهار یا پنج روایت در کتب شیعه در این باره داریم یعنی آن ها چهار برابر در این باره روایت دارند.

چرا این ها را برای مردم نگوییم؟ امیر المؤمنین علیه السلام خانه نشین شد؛ چون غدیر به فراموشی سپرده شد باید غدیر را احیا کرد باید اهل بیت علیهم السلام را به جوانان بشناسانیم.

## عامل وحدت

آیا قرآن می تواند عامل وحدت باشد؟ اگر قرآن عامل وحدت بود که تا کنون وحدت محقق شده بود؛ چون همه روی قرآن اتفاق نظر دارند داعشی ها قرآن را قبول دارند اما مسلمانان را می کُشند آن ها باطن قرآن را نگرفته اند باطن این آیه چیست؟ قرآن ما را به طریق امیر المؤمنین علیه السلام هدایت می کند

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (3) ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است،

ص: 43

1- سوره رعد آیه 7

2- بصائر الدرجات، ج 1، ص 30.

3- سوره مائده، آیه 67

کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!

این چیست که اگر نگوئی تمام رسالت هیچ می شود؟! حضرت زهرا علیها السلام در خطبه ای که ایراد کردند فرمودند:

وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ؛ (1) خداوند اطاعت ما را مایه نظام و نظم بخشیدن به امت و امامت ما را مایه امنیت از تفرقه و جدایی قرار داد

پس اهل بیت علیهم السلام عامل وحدت اند. این عامل وحدت را جدی بگیریم. الآن امیر المؤمنین علیه السلام و غدیر مظلوم و ناشناخته اند.

مقام معظم رهبری حفظه الله فرمودند: غدیر فقط مسأله جانشینی نیست توجه دادن به مسأله امامت است. ماجرای غدیر فقط نصب یک جانشین برای پیغمبر نبود؛ غدیر دو جنبه دارد یکی جنبه نصب جانشین است، جنبه دیگر قضیه توجه دادن به مسأله امامت است؛ امامت با همان معنایی که همه مسلمین از این کلمه و از این عنوان می فهمیدند (2)

## در راه ولایت

ما در عزا داری خوب به میدان آمده ایم اما به مناسبت های شاد که می رسیم، کوتاه می آییم چرا برای شادی عید غدیر و مبعث و سوم شعبان، بانیان خیر کم اند؟ چرا موقوفات برای این امور کم است؟! مردم را باید ترغیب کنید تا برای اهل بیت علیهم السلام هزینه کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ إِلَى إِمَامٍ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وُجُوهِ الْبِرِّ (3) درهمی که در راه صله امام صرف شود از دو میلیون درهمی که در، غیر آن در راه خیر دیگر صرف شود برتر است.

ص: 44

1- بحار الأنوار، ج 29، ص 223.

2- 1389/09/04 در جمع 110 هزار بسیجی در روز عید غدیر

3- الکافی، ج 1، ص 538.

مردم را ترغیب کنید تا برای این مناسبت ها برنامه ریزی کنند کسی می گفت هر کاری که مردم در نوروز برای خود و خانواده خود انجام می دهند، من در غدیر انجام می دهم تمام برنامه های شاد را برای غدیر می گذارم بچه ها آرزو می کنند غدیر زودتر بیاید. با این کار محبت علی علیه السلام در دل فرزندان قرار می گیرد

باید فرهنگ سازی کرد بزرگی می فرمود: اگر عزا داری به تاسوعا و عاشورا منحصر بود؛ این گونه جا نمی افتاد برخی اعتراض می کنند که از ده روز پیش از شهادت امام حسین علیه السلام عزا داری شروع می شود. باید گفت این هاست که عاشورا را زنده نگه داشته است. برای مراسم جشن و شادی عید غدیر هم باید پیش از آن شروع کنیم

همان طور که امام حسین علیه السلام با زندگی مردم عجین شده است؛ آب می نوشند، می گویند: «السلام عليك با ابا عبد الله لعنت بریزید!» باید غدیر هم با گوشت و پوست و خون ما عجین شود. غدیر به مراتب مهم تر از عاشورا است. امام صادق علیه السلام الان به یکی از اصحاب فرمودند:

لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ؛ شاید فکر می کنی خدا با عظمت تر از روز غدیر خم روزی را خلق کرده است!

بعد فرمودند: «لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ؛ نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند!» (1)

امام صادق علیه السلام سه بار قسم جلاله می خورند که خدای متعال روزی بالاتر از غدیر خم خلق نکرده است از عاشورا بالاتر است از فاطمیه بالاتر است

## میثاق ولایت

همه انبیا در هجدهم ذیحجه جانشین خود را تعیین می کردند؛ حضرت آدم علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام. و خدا از آنان میثاق گرفته است

ص: 45

که آن روز را تعظیم کنند. غدیر خم نتیجه و ثمره زحمات همه انبیاست

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (1) امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

آیت الله شبیری زنجانی می فرمودند: بنده معتقدم هر کس تعمداً ولایت مولا امیر المؤمنین علیه السلام را قبول نکرد مسلمان واقعی نیست؛ چون خدا می فرماید: به اسلامی راضی ام که علی بن ابی طالب امام و حجت آن باشد، و گرنه اسلام پوشالی است.

«الْيَوْمَ نَبِّئِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ (2) امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند.

وقتی حضرت علی علیه السلام ناخدای این کشتی، باشد کفار نا امید می شوند دوستان اهل بیت علیهم السلام را باید مثل جان خود بدانیم. حافظ می گوید:

مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشان دارم

اگر حامی و مبلغ اهل بیت علیهم السلام باشیم تمام دوستان خدا طرفدار ما هستند. اصلاً خدا طرفدار ماست پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى النَّارَ؛ (3) چنان چه مردم همگی دوستدار علی بن ابی طالب بودند، خداوند متعال آتش را نمی آفرید.

آتش جهنم برای بی ولایت هاست برای فاصله گرفتن از ولایت است. ماه

ص: 46

1- سوره مائده آیه 3

2- سوره مائده، آیه 3.

3- المناقب للخوارزمی، ص 67، ح 39؛ بشارة المصطفی، ص 75، عن ابن عباس

ذیحجه بسیار فرصت خوبی است. بیایید غدیر را احیا کنیم مناسب‌ها را احیا کنیم. بسیاری از آیاتی که مربوط به ولایت است مثل آیه ولایت، آیه تطهیر، آیه ذی القربی، آیه مودت آیه خاتم بخشی و آیه مباحله همه مربوط به ماه ذیحجه است. خدا می‌توانست این‌ها را جای دیگر قرار دهد. این‌ها همه برای احیا غدیر است.

## ابلاغ رسالت

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ (1) ای پیامبر! آن‌چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان. و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای!

این آیه خطاب به همه ما هم هست؛ هم به اول شخص عالم، و هم به ما. ما هم رسالت داریم تا ولایت را ابلاغ کنیم برای تبلیغ ولایت امیر المؤمنین علیه السلام تلاش کنیم. همان‌طور که حکومت ما مردم ما و هیأت‌ها برای اربعین به میدان و خداوند عنایت فرمود همه باید برای احیای غدیر هم به میدان بیایند ان شاء الله اگر برای امیر المؤمنین علیه السلام قدم بردارید، خدا یاری تان می‌دهد.

همان‌طور که برنامه اعتکاف و برنامه دهه کرامت جا افتاد، و با شور و نشاط برگزار می‌شود و دهه مهدویت برای امام زمان جشن می‌گیریم، بسیار به جاست که ماه ذیحجه ماه امیر المؤمنین علی علیه السلام و ماه ولایت و امامت نامگذاری شود.

در این ماه بیش از چهل مناسبت در رابطه با اهل بیت علیهم السلام و م-ولا امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد که مهم‌ترینش عید غدیر خم است.

در این فرصت یک ماهه این مناسبت‌ها باید بازگو شود و حقیقت دین ولایت و امامت است روشن شود. هیچ موضوعی در آیات و روایات همانند ولایت و امامت سفارش نشده است خدای متعال فرموده است:

ص: 47

«وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (1) و «ایام الله» را به آنان یاد آور!

دین ما و محتوای دین ما را احیای «ایام الله» حفظ کرده است. اگر ماه رمضان ها، مناسبت ها محرم و صفرها، جشن های نیمه شعبان و ولادت ها را حذف کنیم، چیزی از دین باقی نمی ماند و غدیر مهم ترین روزهای خداست.

### برترین اعیاد

بهترین و برترین اعیاد دینی ما، عید غدیر خم است که در روایات ما از آن به «عید الله الاکبر» تعبیر شده است. پیامبر عظیم الشان فرمودند:

يَوْمُ غَدِيرِ حُمٍ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَمَاً لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي؛ (2) روز غدیر خم بهترین اعیاد و جشن های امت من است. آن روز روزی است که خداوند متعال به من فرمان داد که برادرم علی بن ابی طالب را برای ملت خود منصوب کنم که پس از من به وسیله او رهنمون شوند.

از این رو عید غدیر به عنوان برترین و بالاترین اعیاد، در روایات ما نام گذاری شده است و می طلبد که تمامی مسلمانان، خصوصاً دوستداران اهل بیت علیهم السلام اهتمام فوق العاده به بزرگداشت و احیای عید بزرگ غدیر داشته باشند.

### نصرت امیر مؤمنان علیه السلام

امیدواریم در مراسم کاروان های شادی در روز غدیر خم کوتاهی نکنیم و به بهترین وجه در همه شهرها و آبادی ها و روستاها این امر را احیا کنیم. این کاروان های شادی می تواند برای همه مردم ما و حتی خارج از ایران از شعائر اسلامی و نشانگر احیای امر و لایت باشد.

ص: 48

---

1- سوره ابراهیم، آیه 5.

2- الأما لی (للصدوق)، ص 125

کاری کنیم که مشمول دعای پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله قرار بگیریم که در باره احیای امامت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ؛ هر کس مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام را یاری، کند خدایا تو او را یاری کن» قطعاً دعای پیامبر صلی الله علیه و آله مستجاب است امیدواریم پیام غدیر را که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله سفارش کردند به نسل بعد منتقل کنیم.

## انکار غدیر!

از مرحوم علامه امینی نقل شده است که یک عالم غیر شیعه برای اولین بار در روز عاشورا به کربلا آمده بود صحنه های عزا داری شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام را درباره امام حسین علیه السلام ندیده بود. آن شور و عظمت و سینه زنی و زنجیر زنی و گریه ها و ناله ها را مشاهده نکرده بود.

از مشاهدات خود بسیار تعجب کرد به یکی از علمای شیعه گفت: گیرم که فرزند پیغمبر شما را کشتند بنشینید قرآن، بخوانید یا مجلسی بگیرید و یاد و خاطره او را گرامی بدارید. این شور و هیجان و داد و فریاد و گریه ها برای چیست!؟

علامه امینی در جواب او فرموده بود ما در جریان غدیر، کوتاهی کردیم و اهمیت ندادیم و جشن مفصل و سرور و شادی نکردیم و شعائر دینی غدیر را بزرگ، نداشتیم بسیاری منکر غدیر خم شدند یا جریان غدیر خم را خیلی کمرنگ و کم اهمیت جلوه دادند. اگر در عاشورا کوتاه بیاییم، قطعاً تحریف خواهد شد و می گویند: امام حسین اصلاً شهید نشده و یا مظلوم نبوده و یا حقی از او پامال نشده است. این صحنه های عزا داری جریان عاشورا را احیا می کند غدیر را هم باید این گونه احیا کرد.

## توصیه به ولایت در معراج

امام صادق علیه السلام فرمودند:

عَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِائَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً مِمَّا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدْ أُوصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ

جَلَّ فِيهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْوَلَايَةِ لِعَلِّيٍّ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَكْثَرَ مِمَّا أُوصِيَتْ بِالْفَرَائِضِ (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله يك صد و بیست بار به معراج رفتند. در هر بار خدای عز و جل او را بیش از آن چه به واجبات توصیه کند، به ولایت علی و امامان علیهم السلام توصیه فرمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله یک معراج رسمی و علنی داشتند و یک صد و بیست بار به صورت غیر رسمی به معراج رفتند معراج یعنی دیدار خصوصی با خدا جایی که جبرئیل و فرشته ها و هیچ کس نیست.

در این دیدار ها بیش از همه به ولایت امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام توصیه شده است. اگر چیزی بالاتر از این بود قطعاً خدا همان را سفارش می کرد

### شخصیت والای امیر المؤمنین علیه السلام

اگر از همه این ها صرف نظر کنیم و تاریخ پیغمبر صلی الله علیه و آله را بررسی کنیم که کدام شخصیت اولین نفر بود که ایمان آورد؟ کدام شخصیت سینه سپر کرد؟ کدام شخصیت به جای پیغمبر خوابید و جان آن حضرت را حفظ کرد؟ کدام شخصیت مثل پروانه دور پیغمبر چرخید و جان و مکتب پیغمبر را حفظ کرد؟ چه کسی قلعه خیبر را فتح کرد؟ آیا جز امیر المؤمنین علیه السلام کس دیگری بود؟

کسانی هم که امیر المؤمنین علیه السلام را به جانشینی بلا فصل قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این ها مورد اتفاق همه مسلمین و همه کسانی است که امیر المؤمنین علیه السلام را می شناسند

جرج جرداق مسیحی بیش از دویست مرتبه «نهج البلاغه» را خوانده است! ایشان در بیست و شش سالگی «صوت العدالة الانسانية» را در باره امیر المؤمنین علیه السلام نوشته است. بنده که ریش هایم در حوزه علمیه سفید شده

ص: 50



است آیا چیزی در باره حضرت نوشته ام؟ یک جلد کتاب در باره غدیر نوشته ام در روز قیامت چه جوابی داریم بدهیم؟

اگر غدیر تثبیت می شد و مردم می پذیرفتند و کار به دست اهلش می رسید، اختلافی نبود، دزدی نبود خیانت نبود داعش نبود، جنایت نبود ظلم نبود فساد نبود. یک خون به نا حق ریخته نمی شد.

تمام انبیا در مشکلات شان به پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام متوسل شده اند؛ حضرت آدم تا برای امام حسین علیه السلام گریه نکرد، تا خدا را به پنج تن قسم نداد، توبه اش پذیرفته و دعایش مستجاب نشد پیغمبر، ما حضرت محمد مصطفی اصلی الله علیه و آله اولین شخصیت عالم و فخر اولین و آخرین به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

لَا أَسْتَغْنِي عَنْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (1) من در دنیا و آخرت از تویی نیاز نیستم.

### توجه به ایام غدیر و جشن مباحله

در ایام محرم مردم به صورت خود جوش موکب ها و ایستگاه های صلواتی می زنند و حتی در ایام فاطمیه مراسم عزاداری مختلفی از سوی مردم برگزار می شود اما هنوز در ایام غدیر از این دست برنامه ها کم است، در صورتی که شما از هر مرجع تقلید و هر دانشمندی بپرسید که عاشورا مهم تر است یا غدیر؟ جواب آن ها غدیر است. غدیر مهم تر از عاشورا است و قطعاً غدیر از فاطمیه مهم تر است. حضرت زهرا علیها السلام فدای ولایت و امیر المؤمنین علیه السلام و راه خدا شد.

غدیر یک جریان، یک فرهنگ و یک دین و مکتب است، باید آن را احیا کنیم. پس همان طور که ایام صادقیه ایام فاطمیه ایام محرم جا افتاده است، بیاییم، غدیر را هم از این مهموریت و غربت در بیاوریم چرا باید جشن بزرگی چون غدیر به یک روز ختم شود و قبل و بعد از آن را مورد توجه قرار ندهیم؟!

ص: 51

جشن مباحله نیز از جشن های مهم شیعیان است، این در حالی است که در بعضی از مناطق ایران این روز بزرگ نادیده گرفته شده و از روز بعد از غدیر سیاه پوشی محرم و استقبال از محرم شروع می شود که این اشتباهی بزرگ است.

انعکاس خطبه غدیری و بررسی نکات مهم این خطبه از جمله اولویت هایی است که می تواند مورد توجه اصحاب رسانه و فعالان فرهنگی قرار گیرد ائمه اطهار علیهم السلام نیز هر کدام تعابیر مختلفی در مورد عید غدیر دارند که باید مورد توجه قرار گیرد

اگر ما عاشورا را یک روز برگزار کنیم قطعاً فراموش می شود؛ از این رو ما عاشورا را دو ماه برگزار می کنیم. ده روز قبل از شهادت به استقبال می رویم. بسیاری از استان ها که قبل از محرم به استقبال می روند. اما این ظلم نسبت به مولا امیر المؤمنین علیه السلام است که غدیر را یک روز برگزار کنیم. غدیر را دست کم پانزده روز باید برگزار کرد؛ از عید قربان تا عید، مباحله که روز بیست و چهارم ذیحجه است باید کیفیت و کمیت را زیاد کنیم غدیر با یک روز بزرگداشت فراموش می شود ولی اگر پانزده روز برگزار شد شادی آن فراگیر و ماندگار می شود.

## احیای غدیر و فضای مجازی

شما در هر برنامه ای که هستید؛ در فضای مجازی در فضای تدریس، در فضای تبلیغ می توانید کار ساز باشید. شما فکر نکنید یک نفر هستید. یک نفر می تواند یک بدعت را در هم بشکند یک نفر می تواند یک سنت زیبا را در جامعه بنیان گذاری کند بیاییم برای عید غدیر فرهنگ سازی کنیم. در هر زمینه ای که می توانیم کار کنیم.

بنده برای سخنرانی به حرم حضرت عبد العظیم در شهر ری رفته بودم جوانی در صف جماعت کنار من نشسته بود. بعد از این که مرا شناخت، گفت: شما چرا از این فضاهای مجازی غافل هستید؟ گفتم چطور؟ گفت: الآن مردم حوصله

کتاب و حتی روزنامه ندارند. الآن عموم مردم سرشان در فضاهاى مجازى است.

یک طلبه ای اهل شیراز بود به من می گفت من داستان های شیرین قرآنی و روایی را به صورت رمان می نویسم و در فضای مجازی می گذارم حدود هفتاد هزار نفر از رمان های من استفاده می کنند منبر و سخنرانی اصلاً این ظرفیت را ندارد.

می گفت: من شب قدر مراسمی در مسجدم گرفتم. نهایتاً حدود سیصد نفر آمده بودند. ساعت یک نیمه شب مراسم تمام شد. تقریباً چهار ساعت تا اذان صبح مانده بود فضای مجازی را روشن کردم و به آن هایی که با من در ارتباط بودند پیام دادم. معمولاً همه در شب قدر بیدارند. بعضی از آن ها نگهبان بودند، پرستار بودند. مأمور نیروی انتظامی بودند. مراسم احیای شب قدر مجازی را شروع کردم با صوت و پیام کتبی؛ و «بک یا الله یک یا الله....» می گفت: شاید باورتان نشود، هفتاد هزار نفر با من در فضای مجازی مراسم احیا و دعای قرآن گرفتند.

تک تک ما می توانیم اثر گذار باشیم. نگوئید من معروف نیستم. نه، همه ما می توانیم کار کنیم؛ زن و مرد، کوچک و بزرگ.

جوان دیگری می گفت من یک جوان ناشناسی هستم. یک کانال زده ام و اسم آن را کربلا گذاشته ام. کلمه کربلا جاذبه دارد. می گفت: 600 هزار نفر عضو دارد. از امام حسین علیه السلام حدیث می گذارم نوحه می گذارم عکس کربلا می گذارم. فضای مجازی مرز نمی شناسد. هر کسی فارسی زبان باشد می تواند در این کانال شرکت کند.

### **بیان عظمت غدیر در فضای مجازی**

بیا بید برای غدیر در فضای مجازی هم حرکتی انجام دهیم. حدیث ها را به روز کنیم. مستندی در فضای مجازی برای غدیر پخش شد که من خیلی لذت بردم. در این مستند با افراد مختلفی مصاحبه شده بود؛ از زن و مرد با حجاب و بد حجاب، کوچک و بزرگ می پرسید شما در طول سال برای کدام یک از ایام سال امید دارید حاجت تان برآورده شود و گناهان تان آمرزیده شود؟ سؤال قشنگی است.

ما در طول سال ده ها مناسبت مهم داریم که مراسم برگزار می کنیم. تاسوعا، عاشورا اربعین شب های، قدر نیمه شعبان عرفه عید قربان عید فطر و.....

در پاسخ به این پرسش خیلی ها می گفتند عرفه امام سجاد علیه السلام در روز عرفه سائلی را دیدند که از مردم درخواست می کرد. به او فرمودند:

وَيَحْكُ أَغْيَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيُرْجَى لِمَا فِي بَطُونِ الْحَبَالِي فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيداً؛ (1) وای بر تو! آیا در این روز از غیر خدا درخواست می کنی؟! همانا که در این روز برای بچه هایی که در شکم زنان باردار هستند امید سعادت می رود.

بسیاری می گفتند: نیمه شعبان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که از امام محمد باقر علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد. امام باقر علیه السلام فرمودند:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلاً وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِنَهِّ فَاجْتِهَدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ إِلَى اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرُدَّ سَائِلاً لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً؛ (2) آن شب بعد از شب قدر برترین شب هاست. در آن شب خداوند به بندگان فضل خود را عطا می فرماید و ایشان را به من و کرم خویش می آمرزد. پس سعی و کوشش کنید در تقرب جستن به سوی خدای تعالی در آن شب که آن شبی است که خدا به ذات مقدس خود قسم یاد فرموده که سائلی را از درگاه خود تا زمانی که مطلب گناهی را درخواست نکند؛ دست خالی برنگرداند.

هر چند این ایام بسیار مهم اند و از فضیلت بسیار برخوردارند، اما جواب سؤال این نبود پاسخ صحیح را از زبان امام صادق علیه السلام بشنویم. فرمودند:

ص: 54

1- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 211.

2- وسائل الشيعه، ج 8، ص 106.

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أُعْتِقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ (1) خدای تعالی در روز غدیر همه مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را می آمرزد و از گناهان شصت ساله ایشان در می گذرد و دو برابر آن چه را در ماه رمضان و در شب قدر و در شب عید فطر از آتش دوزخ آزاد کرده است، آزاد می کند.

امیر المؤمنین واسطه رساندن خیر است و ما را از آتش جهنم در می آورد.

می گفت بعد از این که همه نتوانستند جواب صحیح را بدهند این روایت نورانی را با صدای زیبا برای مصاحبه شونده‌ها پخش می کردند و این در معرفی غدیر چقدر تأثیر گذار است.

امروز بسیاری از مردم جهان شاید سعدی و حافظ را بشناسند، اما امام علی علیه السلام را نمی شناسند، چون آن حضرت را معرفی نکرده ایم و این از کم کاری ما مبلغان و مداحان و اصحاب رسانه و اهل ولایت است.

### برترین روز در نزد خدای تعالی

صفوان بن یحیی می گوید شنیدم که امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

الثَّامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ فِي يَوْمٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهُ، وَ هُوَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ دِينَهُ لِخَلْقِهِ، وَ أَتَمَّ عَلَيْهِمْ نِعْمَهُ، وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَقَامَ وَصِيَّتَهُ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ، وَ نَصَبَهُ عَلَمًا لِأُمَّتِهِ؛ هَجْدَهُمْ ذِيحِجَةَ، بزرگترین عید الهی است. خورشید، در هیچ روزی طلوع نکرد که در نزد خدا برتر از آن روز باشد و آن همان روزی است که خدا در آن دینش را برای آفریدگانش به کمال رساند و نعمتش را بر آنان کامل کرد و دین اسلام را برایشان

ص: 55

پسندید. خداوند، پیامبری بر نینگیخت، جز آن که آن پیامبر وصیش را در چنین روزی به جای خود نهاد و رهبر امتش قرار داد

فَلْيَذْكُرِ اللَّهُ شِعْرَتَنَا عَلَىٰ مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ بِمَعْرِفَتِهِ هَذَا الْيَوْمَ دُونَ سَائِرِ النَّاسِ؛ ، پس پیروان ما باید بر نعمت بزرگ شناخت این روز که تنها به آنان عطا شده خدا را به یاد آورند.

گفتم ای پسر پیامبر خدا! در آن روز، چه کنیم؟

فرمود «آن را روزه، بدار که روزه اش برابر شصت ماه است. در آن روز به اندازه، توان به خود و عیال خود و هر که در اختیار توست، احسان کن» (1)

### امام رضا علیه السلام و بزرگداشت غدیر

امام رضا علیه السلام در این روز خطبه خواندند صله دادند، اطعام کردند. حتی برای خانم ها، چادر، النگو دستبند و جوایز فرستادند تا امر غدیر خم احیا شود.

فیاض بن محمد طرسوسی می گوید در روز غدیر در نزد امام رضا علیه السلام بودم. عده ای از یاران خاص ایشان هم در آنجا حضور داشتند. امام علیه السلام آنان را برای افطار نگاه داشته بود و برای خانه های شان غذا و هدیه و صله و پوشاک و حتی انگشتر و کفش فرستاده بود و وضعیت آنان و اطرافیان خود را تغییر داده بود.

امام علیه السلام وسایل و ابزار های کهنه خود را نیز نو کرده بود و فضیلت و سابقه آن روز را بیان می کردند (2)

### خطبه هایی برای غدیر

امام رضا علیه السلام در این روز خطبه خواندند امام صادق علیه السلام برای این روز خطبه خواندند، از امیر المؤمنین و پیامبر خدا صلی الله علیه و اله هم برای روز غدیر خطبه داریم. چهار معصوم بزرگوار در باره غدیر خطبه خوانده اند آیا اگر از من و شما پرسند،

ص: 56

1- الأُمالي للشجری، ج 1، ص 146.

2- مصباح المتهدج، ص 752؛ الإقبال، ج 2، ص 237

چقدر از این خطبه ها می دانیم، چه می گوئیم؟!

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله بر حاضران در غدیر خم واجب کردند که پیام غدیر را به همه برسانند ما نیز از روز عید قربان به مدت پانزده روز ایام شاد آسمانی را به عنوان ایام غدیریه برگزار می کنیم امید است توفیق احیای امر ولایت و غدیر خم را داشته باشیم.

از برنامه های مهمی که باید در ایام غدیر داشته باشیم احیای خطبه غدیر است. این طولانی ترین خطبه ای است که پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و اله در عمر مبارکش خواندند. خطبه های پیغمبر معمولاً خیلی کوتاه است؛ چنان که در روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: «كَانَ أَقْصَرَ النَّاسِ خُطْبَةً» (1).

اما خطبه غدیر خم آن هم در شرایط سخت در گرمای آفتاب، در مسیر سفر و بازگشت از حجة الوداع یا حجه البلاغ، طولانی ترین خطبه عمر پیامبر خداست. این خطبه را درباره غدیر خم و ولایت و اثبات امامت مولا علی علیه السلام بیان فرمودند. همه جملات این خطبه قابل تأمل است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز قبل از غدیر در باره محبت و ولایت صحبت کردند و محبت را ابلاغ کردند مولوی که حضرت در این خطبه بیان فرمودند، بدون شک به معنای امامت و ولایت و رهبری و سرپرستی است. کسی که سه روز مردم را نگه داشته و بیعت گرفته است برای ولایت و سرپرستی امت است، نه صرف محبت.

این که مردم را سه روز در آفتاب سوزان نگه دارند تا فقط اعلام دوستی کنند، خلاف عقل و عرف است مردم را نگاه داشتند برای این که وصایت و امامت و جانشینی مولا علی علیه السلام را بیان کنند از این رو فرمودند:

مَلْعُونٌ مَّنْعُونٌ مَّغْضُوبٌ مَّغْضُوبٌ مَّنْ رَدَّ قَوْلِي هَذَا عَنْ جَبْرَيْلَ عَنِ اللَّهِ

ص: 57

تَعَالَى؛ (1) نفرین شده و مورد خشم و غضب خداوند است، هر کس که این گفتار مرار د کند این از جبرئیل و از سوی خدای تعالی است این گونه بیعت گرفتن جز برای امامت و خلافت و جانشینی امیر المؤمنین علی علیه السلام نیست.

### بزرگداشت غدیر در بهشت

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودیم و مجلس، لبریز از جمعیت بود اهل مجلس از روز غدیر یاد کردند که برخی آن را انکار کردند امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم از پدرش نقل کرد که فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهُرٌ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، إِنَّ اللَّهَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَبِنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ لَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، فِيهِ مِئَةٌ أَلْفٍ قُبَّةٍ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، وَ مِئَةٌ أَلْفٍ حَيْمَمَةٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْضَرَ، تُرَابُهُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبَرُ، فِيهِ أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٍ: نَهْرٌ مِنْ حَمْرٍ، وَ نَهْرٌ مِنْ مَاءٍ وَ نَهْرٌ مِنْ لَبَنٍ وَ نَهْرٌ مِنْ عَسَلٍ، وَ حِوَالِيهِ أَشْجَارٌ جَمِيعِ الْفَوَاكِهِ، عَلَيْهِ طُيُورٌ أَبْدَانُهَا مِنْ لُؤْلُؤٍ وَ أُجْنِحَتُهَا مِنْ يَاقُوتٍ تُصَوِّتُ بِاللَّوَانِ الْأَصْوَاتِ؛ رُوزِ، غَدِيرِ دَرِ، آسْمَانِ مَشْهُورِ تَرِ از زمین است. خدا در بهشت برین کاخی دارد که خشت هایش یکی از سیم و یکی از زر است و در آن، صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن (نیز) مُشک و عنبر است. در آن چهار نهر جاری است: نهر، شراب نهر، آب نهر شیر و نهر عسل و پیرامون آن درختانی با همه گونه میوه هست که بر آن ها پرندگانی با پیکر هایی از مروارید و بالهایی از یاقوت با صدا های گوناگون نشسته اند.

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَرَدَ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ أَهْلُ السَّمَاءِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ يُهَلِّلُونَهُ، فَتَطَائِرُ تِلْكَ الطُّيُورُ فَتَقَعُ فِي ذَلِكَ الْمَاءِ وَ تَتَمَرَّغُ عَلَى ذَلِكَ الْمَسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ طَارَتْ، فَتَنْفُضُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ،

ص: 58



وَأَنَّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَيَتَهَادُونَ نِثَارَ فَاطِمَةَ؛ چون روز غدیر می شود، ساکنان آسمان با تسبیح و تقدیس و تهلیل خداوند، به آن کاخ، وارد می شوند. پس همه پرندگان می پرند و داخل آب ها می شوند و خود را به مُشک و عنبر (بهشتی) آغشته می کنند و هنگامی که فرشتگان گرد می آیند پرواز می کنند و آن مشک و عنبر را بر آن ها می افشانند و در آن، روز فرشتگان شاد باش عروسی فاطمه علیها السلام را به هم هدیه می دهند

فَإِذَا كَانَ آخِرُ ذَلِكَ الْيَوْمِ نودوا: انصَرَفُوا إِلَى مَرَاتِبِكُمْ فَقَدْ أَمِنْتُمْ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ إِلَى قَابِلٍ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ تَكْرِمَةً لِمَحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ؛ در پایان آن روز به آنان ندا می شود که به جایگاه های خود بازگردید که به خاطر بزرگداشت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، تا چنین روزی در سال، دیگر از خطا و لغزش ایمن خواهید بود.

### فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عید گرفتن روز غدیر

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَتَّخِذَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا، وَكَذَلِكَ كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَفْعَلُ؛ كانوا يوصون أوصياءهم بِذَلِكَ فَيَتَّخِذُونَهُ عِيدًا؛ (1) پیامبر خدا به امیر مؤمنان وصیت کرد که آن (روز عید) را عید بگیرد که پیامبران پیشین هم چنین می کردند؛ به اوصیای خود توصیه می کردند که (روز تعیین وصی) را عید بگیرند.

### انفاق برای غدیر

بیشتر ما مردم عبادت را فقط در اعمال خاص می دانیم؛ نماز، تلاوت قرآن، دعا و مشاهد مشرفه، در حالی که اگر به قرآن و روایات مراجعه کنیم، بسیاری

ص: 59

از چیزها هست که در عرف ما عبادت نیست ولی از عبادت های بزرگ است بلکه سرچشمه همه خیرها و خوبی هاست. امام حسن علیه السلام فرمودند:

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِدَامَةِ التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ؛ (1) شما را به تقوای الهی و تفکر مداوم سفارش می کنم؛ زیرا تفکر پدر و مادر هر خیر و خوبی است.

انسان باید جای خلوتی برای تصمیم گیری های کلان داشته باشد. فکر کند و آخرت را فدای دنیا نکند مرحوم آیت الله بهاء الدینی بیشتر تفکر داشتند. بیشترین عبادت ابو ذر تفکر بود تلاوت و نمازی که در آن تفکر و تدبر نباشد فایده چندانی ندارد

یکی دیگر از عبادت هایی که خیلی از آن غافل هستیم، احسان و گره گشایی است. این که گره ای از مشکل کسی باز کنی همسرت را خوشحال کنی از مریضی پرستاری کنی جان یک نفر را از مرگ نجات بدهی

از دیگر عبادت های پر ثمر انفاق در راه خداست از فرصت ها باید استفاده کرد و این توفیق را از دست نداد خدای تعالی خطاب به همه ما می فرماید:

«وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّبَ لَدُنِّي وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ (2) و از آن چه به شما روزی داده ایم انفاق کنید پیش از آن که مرگ یکی از شما فرارسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!»

این هشدار است برای همه ما که تا مرگ ما فرا نرسیده و قدرت انفاق در راه خدا را داریم کوتاهی نکنیم بر اساس این آیه شریفه، کسانی که دست شان از دنیا کوتاه شده است آرزوی شان این است که به دنیا برگردند و صدقه بدهند و در

ص: 60

---

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 52.

2- سوره منافقون، آیه 10.

راه خدا انفاق کنند اما راهی برای بازگشت نیست و جز حسرت و اندوه چیزی نصیب شان نمی شود

چقدر برای غدیر مایه گذاشته ایم در راه ولایت امیر المؤمنین علیه السلام چقدر هزینه کرده ایم؟ از آنچه خدا روزیمان کرده است باید انفاق و هزینه کنیم. «مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ». از مالمان، از آبروی مان از اعتبارمان از رزق های مادی و معنوی باید مایه بگذاریم. در کنار انفاق های معیشتی انفاق فرهنگی هم داشته باشیم. در کنار بسته های معیشتی یک بسته فرهنگی هم بگذاریم

## نزول آیات ولایت و «هل اتی»

چرا درباره حضرت علی علیه السلام آیه ولایت نازل شد؟

«إِنَّمَا وَ لِيُكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»؛ (1) سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

این آیه برای انگشتی که امیر المؤمنین علیه السلام در حال رکوع به سائل داد نازل شده است خدا برای انفاق امیر المؤمنین علیه السلام آیه نازل فرموده است.

سوره «هل اتی» برای چه نازل شد؟

«وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا»؛ (2) و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند!

این آیات هم برای اطعام اهل بیت علیهم السلام به مسکین و یتیم و اسیر نازل شده است پای انفاق در میان بوده است. هفده آیه که شاید در قرآن بی نظیر باشد

ص: 61

---

1- سوره مائده، آیه 55

2- سوره انسان، آیه 8.

دایره عبادت بسیار گسترده است. مرحوم آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: عالم عرصه عبودیت خداست. یکی از بزرگترین عبادت ها ذکر فضایل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام است مجالسی که برای امیر المؤمنین علیه السلام و بزرگداشت غدیر برگزار می شود از بزرگترین عبادات است احیای سیره امیر المؤمنین علیه السلام عبادت است بلکه پدر همه عبادت هاست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش ویژه می کردند که نام و یاد امیر المؤمنین علیه السلام باید در جامعه زنده بماند. فرمودند:

ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ؛ (1) یاد علی عبادت است.

همان طور که یاد خدا و یاد پیامبر خدا عبادت است یاد امیر المؤمنین هم عبادت است شاعران برای غدیر شعر، بسریند مداحان مداحی کنند نویسندگان بنویسند، گویندگان بگویند خطاط ها خطاطی کنند. هر کس هر هنری دارد برای امیر المؤمنین علیه السلام هزینه کند پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

زَيَّنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ (2) مجالس خود را با یاد و نام علی بن ابی طالب علیه السلام زینت بدهید.

مرحوم آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: ما همه امام ها را دوست داریم، ولی بیچاره علی بن ابی طالب علیه السلام هستیم.

### مجالس ذکر فضائل امیر المؤمنین علیه السلام

ام سلمه می گوید: از رسول خدا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هر زمان که گروهی گرد هم آیند و فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام را بازگو کنند، فرشتگانی از آسمان به سوی آن ها فرود آمده و اطراف آنان را می گیرند.

زمانی که گروه متفرق می شوند ملائکه به سوی آسمان عروج می کنند. دیگر

ص: 62

1- الإختصاص، ص 224.

2- بشارة المصطفى، ص 60

فرشتگان به آن‌ها می‌گویند: از شما بوی خوشی به مشام ما می‌رسد که خوشبو تر و پاکیزه تر از آن استشمام ننموده ایم.

فرشتگان پاسخ می‌دهند: ما در میان گروهی بودیم که فضائل محمد و آل محمد علیهم السلام را بازگو می‌کردند ما از بوی خوش آنان معطر شدیم. فرشتگان دیگر می‌گویند: ما را به نزد آنان ببرید.

می‌گویند آن‌ها متفرق شده اند می‌گویند ما را به آن مکانی که بودند فرود آورید تا به آن مکان تبرک جوئیم و معطر شویم. (1)

### محبت علی علیه السلام

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ؛ (2) اگر مردم بر محبت و دوستی علی علیه السلام اجتماع می‌کردند، خدای تعالی اصلاً آتش جهنم را خلق نمی‌کرد.

امیر المؤمنین علیه السلام و غدیر را فراموش کردند که گرفتار آتش سقیفه شدند و آن آتش هنوز هم هست و تا ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد. اگر می‌خواهیم آتش را خاموش کنیم، باید به غدیر برگردیم و در خط ولایت علی علیه السلام زندگی کنیم. بیایید با احیای امر ولایت و غدیر آتش جهنم را خاموش کنیم آتش غلط می‌کند محبت علی علیه السلام ما را بسوزاند محب و دوستدار علی است که آتش را خاموش می‌کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصِّرَاطِ طَفِنَتْ لَهُبُ النَّيِّرَانِ وَيَقُولُ جُزِيًا مُؤْمِنٌ فَإِنَّ نُورَكَ قَدْ أَطْفَأَ لَهْيَ؛ (3) هنگامی که مؤمن بر صراط می‌گذرد، ناگاه زبانه‌های آتش خاموش می‌شود و می‌گوید: ای مؤمن عبور کن؛ زیرا نور تو آتش مرا خاموش کرد.

ص: 63

1- بحار الأنوار، ج 38، ص 199.

2- بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ص 75.

3- بحار الأنوار، ج 89، ص 258.

ما از سیره امیر المؤمنین علیه السلام فاصله گرفته ایم. ما ثروتمندانی داریم که می توانند صدها فقیر را اداره کنند شغل ایجاد کنند ولی همه اموال را روی هم انباشت می کنند روزی می آید که حسرت می خورند که چرا آن ها را در راه خدا انفاق نکردیم

## اساس دین

اگر بخواهیم غدیر احیا شود، باید در طول سال با غدیر زندگی کنیم. امیر المؤمنین علیه السلام پدر ماست پیغمبر صلی الله علیه و آله خواستند دست این امت را در دست پدر بگذارند آدم نباید پدر خود را فراموش کند. همان طور که برای امام حسین علیه السلام و کربلا مایه می گذاریم باید برای امیر المؤمنین علیه السلام و نجف هم مایه بگذاریم؛ بلکه زیارت امیر المؤمنین علیه السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است.

ابی شعیب خراسانی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرضه داشتیم: «أَيُّمَا أَفْضَلُ زِيَارَةُ قَبْرِ أَمِي الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟» زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام از فضیلت بیشتری برخوردار است یا زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟» حضرت فرمودند:

إِنَّ الْحُسَيْنَ قُتِلَ مَكْرُوبًا فَحَقَّ عَلَى اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ وَفَضَّلَ زِيَارَةَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ كَفَضَّلَ لِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ؛ (1) بی تردید حسین علیه السلام با غم و اندوه به شهادت رسید؛ بر خدایی که یادش بزرگ باد سزااست که هر اندوهگینی نزد او حاضر می شود اندهش را برطرف سازد. و برتری زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام همانند برتری امیر المؤمنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام است.

نماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است، (2) ولی براساس روایات نماز در

ص: 64

1- بحار الانوار، ج 97، ص 262.

2- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 30

حرم مولا امیر المؤمنین علیه السلام برابر دویست هزار رکعت است! (1)

کعبه یک سنگ و نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

کعبه خیلی حرمت دارد ولی حرمت یک مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است امیر المؤمنین علیه السلام بود که کعبه را از بت و بت پرستان پاک کرد و از دین پیغمبر صلی الله علیه و آله نگهداری کرد.

هیچ عملی را خدا در عالم قبول نمی کند مگر با ولایت امیر المؤمنین علیه السلام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ بَعْدَ أَلْفِ عَامٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ مُبْغِضًا لِعَلِيٍّ وَعَتْرَتِهِ لَا كَبَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ مِنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ (2) اگر بنده ای (در مسجد الحرام) بین رکن و مقام هزار سال بعد هزار سال، خدا را عبادت کند؛ ولی با بغض علی و خاندانش خدا را ملاقات کند، خدا او را در قیامت بر دو بینی اش در جهنم افکند

کسی که این همه عبادت کند ولی با علی علیه السلام دشمنی کند و بگوید: من او را قبول ندارم او را با صورت در آتش جهنم می اندازند. چون علی محک و میزان است محور و اساس دین و مکتب ما محبت امیر المؤمنین علیه السلام است.

### مجالس اهل بیت علیهم السلام

رضاخان به زور چادر از سر خانمها، گرفت عمامه از سر علما برداشت، و روضه خوانی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را تعطیل کرد. مرحوم حاج اسماعیل

ص: 65

1- مفاتیح الجنان ص، 616 زیارت امیر المؤمنین علیه السلام

2- ملحقات الاحقاق، ج 20، ص 289-290 و ر.ک: احقاق الحق، ج 4، ص 244، به نقل از خطیب خوارزمی در المناقب، ص 52 و فرائد السمطين، جلال الدین سیوطی، ص 65؛ ینابیع الموده، ص 55.

دولابی می فرمود: در دولاب پدرم ارباب و بزرگ دولاب بود. مخفیانه عزا داری کردیم. به همین خاطر ما را به پاسگاه بردند رئیس پاسگاه با پدرم دوست بود. پدرم به او گفته بود: پسر مرا گرفته اند به پدرم گفته بود: اگر پسر شما جنایت کرده باشد خطر ندارد فقط روضه خوانی نکرده باشد!

مرحوم حاج آقای دولابی در حالی که اشک در چشماش جمع شده بود، این مطلب را نقل می کرد و می فرمود از این حرف داغی بر دل من نشسته است که کم نظیر است. این قدر در حق اهل بیت علیهم السلام ها دشمنی کردند.

مرحوم آیت الله بهجت می فرمودند: عزا داری ابا عبد الله چیزی است که هزارها واجب از آن در می آید حرف حکیمانه ای است. اگر تاسوعا و عاشورا و محرم و شب های قدر تعطیل باشد اگر غدیر تعطیل شود، چه می شود؟ مردم از دین و قرآن فاصله می گیرند اقامه عزا داری و بزرگداشت عید غدیر جزء ضروریات دین ماست. از این رو بزرگ ترین هجمه های دشمن روی ولایت است، مخصوصاً شبکه های وهابیت از این رو احیای امر ولایت از اوجب واجبات است

### فرهنگ جهانی غدیر

بزرگواری می فرمود غدیر باید یک برند شود باید این را در جامعه و دنیا جا انداخت که غدیر یک واقعه نیست یک جریان فکری است؛ بنا بر این نباید در این روز خلاصه شود شناخت غدیر مهم است اهل هنر و اهل فکر بنشینند فکر کنند و به بهترین شکل ممکن غدیر را احیا کنند حضرت علی علیه السلام همه هستی خود را در راه احیای دین گذاشت.

فرهنگ غدیر باید جهانی شود به یک روز اکتفا نکنیم. غدیر را باید در طول سال زنده نگه داریم بیاییم مقداری هم وقف غدیر کنیم. در منازل و مساجد جشن برگزار کنیم چراغانی کنیم عیدی بدهیم، لباس نو بپوشیم. دیدار مؤمنین عیادت بیماران و عفو و بخشش در این ایام را فراموش نکنیم



فروشگاه‌ها تخفیف ویژه به این ایام اختصاص بدهند. عیادت مریض‌ها برویم. غدیر باید با این حرکت‌ها پرشور شود.

## غدیر و سبک زندگی

متأسفانه غدیر در جامعه ما غریب است. وقتی ما وظیفه‌مان را نسبت به غدیر انجام داده ایم که غدیر سبک زندگی ما را بسازد. چطور شب یلدا یا عید نوروز وارد سبک زندگی مردم شده است، غدیر که عید الله‌الاکبر است هم باید سبک زندگی ما را تغییر بدهد.

اگر می‌خواهی برای همسرت لباس بخری روز غدیر، بخر، اگر می‌خواهی عیدی بدهی، روز غدیر بده. تا وقتی این سبک زندگی تغییر نکرده، معلوم است ما غدیر را بین شیعیان ترویج نکرده ایم غدیر که عید الله‌الاکبر است باید بیش از ایام دیگر بروز کند. اگر بیشتر بروز کرد معلوم است که ما تازه غدیر را یک قدری بین شیعیان تبلیغ کرده ایم

به نام امیر المؤمنین علیه السلام خدمت کنیم اگر اطعام می‌کنیم به اسم غدیر اطعام کنیم. ما با غدیر خوشبختیم، سعادت‌مندیم، آرامش داریم و این را مردم باید ببینند. اگر در جامعه ما ولایت و برائت جا افتاده بود برائت از دشمنان اهل بیت و ولایت اهل بیت و محبان اهل بیت علیهم السلام طبیعتاً آن وقت «مرگ بر اسرائیل» را هم کامل می‌فهمیدند. چون وقتی طاغوت اعظم را بشناسند، طاغوت ملحق به آن را هم می‌شناسند

ص: 67

پس از معرفی امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جانب خداوند متعال در روز غدیر خم اصحاب ائمه علیهم السلام و علمای ربانی در طی چهارده قرن تلاش فراوانی را در جهت اثبات غدیر خم نموده و هزاران اثر ماندگار در قالب کتاب شعر سخنرانی و ... از خود به جای گذاشته اند.

اما به نظر می رسد امروزه با توجه به شرایط جدید لازم است در کنار نشر آثار علمی، اقدامات مناسب دیگری را انجام داد تا مباحث غدیری را از حالت انفعال خارج نموده و به حالت فعال درآورد و یکی از این اقدامات، حرکت کاروان های غدیری در سراسر بلاد اسلامی همانند حرکت دسته های حسینی در ایام محرم و صفر و به ویژه عاشورا و اربعین است البته در قالب برنامه های شاد و هدفمند

سال هاست که کاروان های شادی غدیر به صورت مردمی و در دسته های مختلف و قالب های متنوع در روز عید غدیر خم به زیبایی و با شکوه هرچه تمام به حرکت درآمده اند حضور در کاروان های غدیری حس و حال عجیبی دارد؛ گویا یادآور حرکت کاروان حجه البلاغ رسول خدا صلی الله علیه و آله به سمت غدیر خم برای ابلاغ پیام الهی غدیر به عموم مردم است.

به حق این حرکت نمادین در راستای رساندن پیام غدیر با صدای رسا و گویا به عموم جامعه است که اگر همانند عاشورا و اربعین به صورت همگانی و بین

المللی برگزار گردد، جامعه اسلامی و جامعه جهانی را نیز از پیام غدیر آگاه بهره مند خواهد ساخت.

کاروان های زیبای غدیری به تناسب فرهنگ های مختلف در هر شهر و دیار و کشوری با ذوق و سلیقه های اشخاص گروه ها و نهادها به صورت های گوناگون و در قالب کاروان های وسایل نقلیه از قبیل دسته های بزرگ و کوچک، و در قالب هیئت های مذهبی به سمت حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام، امام زادگان عظیم الشان، یا مساجد بزرگ شهر حرکت می کنند. و گاه به صورت کاروان های دوچرخه سواری موتور سواری کاروان های ماشینی با خودرو های شخصی تریلر ها و کامیون های مزین به پرچم های غدیر و حتی قافله های زیبا و سنتی شتری با آذین های سبز غدیری در سطح شهرهای بزرگ و کوچک حرکت می کند.

از ویژگی های این کاروان های زیبا هم خوانی سرود های مذهبی، مولودی ها و ثنا خوانی اهل بیت علیهم السلام، همراه با ندای زیبای علی ولی الله است که با ایستگاه های صلواتی مردمی و خود جوش و پخش، شربت شکلات، شیرینی، پرچم های رنگی بادکنک های غدیری ویژه کودکان و ... همراه است و باعث برگزاری با شکوه و با عظمت جشن بزرگ و آسمانی عید غدیر شده و جشن های مهم ولایت و امامت را از درون خانه ها و مساجد و حسینیه ها و جلسات خصوصی به سطح جامعه کشانده و همایش های ولایت و امامت را به نوعی تبدیل به رزمایش ولایت نموده و در سطح وسیع تر و عمومی تر به جامعه منتقل می سازد.

کاروان های غدیر با ایجاد شور و ترویج شعور به احیای شعار ولایت پرداخته و با هدف ترویج امامت و ارزش ولایت همان کارکرد های عاشورا و کاربرد های اربعین را از قالب عزاداری به سمت سرور و شادی ایام ولایت و امامت در غدیر منتقل می سازد و جشن بزرگ آسمانیان را به گوشه ای از زمین منتقل ساخته و فرمایش حضرت امام علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - را محقق می سازد

که فرمودند: «روز غدیر نزد اهل آسمان مشهور تر از اهل زمین است».<sup>(1)</sup>

## پیشینه کاروانهای شادی غدیر

اگر بخواهیم به سابقه این حرکت زیبا برگردیم، باید به سراغ آثار حدیثی اهل بیت علیهم السلام و کتب تاریخی قرن های گذشته رفته و آن را مرور نماییم.

با مراجعه به ثقلین که هدایت گر بشریت تا قیام و قیامت است، متوجه این موضوع بس شگفت آور می شویم که «تجمع حول محور امامت و ولایت»، از عالم ملانک آغاز و به عالم ذر منتقل سپس در نشنه طبیعت خاکی محقق شد و در امتداد تاریخ بشریت از غدیر خم تا به امروز و از امروز تا ظهور صاحب غدیر و از آن پس نیز تا قیامت و صحرای محشر در کنار میزان الاعمال ادامه پیدا خواهد کرد. آن چه مهم است وظیفه مهم و اساسی امروز ماست تا این اصل دین را به درستی شناخته و ترویج نماییم.

بر اساس روایات عالم ذر نخستین تجمع حول محور ولایت بوده است. حضرت امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»<sup>(2)</sup> فرمودند:

كَانَ الْمِيثَاقُ مَاخُذًا عَلَيْهِمْ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِرَسُولِهِ بِالسُّبُوءَةِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيِّمَةِ بِالْإِمَامَةِ فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيُّ إِمَامِكُمْ وَ الْأَيِّمَةُ الْهَادُونَ أَنْتُمْ فَقَالُوا بَلَى فَقَالَ اللَّهُ لِنَلَا تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛<sup>(3)</sup> این پیمان عبارت بود از اقرار به ربوبیت برای خدا و نبوت برای رسول خویش و امامت برای امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام. سپس فرمود: آیا من خدای شما نیستم و محمد پیامبر تان و علی امامتان و امامان راهنما ائمه شما نیستند؟ گفتند: چرا! آن گاه فرمود:

ص: 70

1- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 24.

2- سوره اعراف، آیه 172

3- بحار الأنوار، ج 26، ص 268.

اقرار گرفتیم تا این که روز قیامت مدعی نشوید که ما از این مطلب غافل بودیم.

## اولین کاروان غدیر در عالم خاکی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدای بعثت که نبوت خود را آشکار نمودند، به مناسبت های مختلف، جانشینی امیر المؤمنین علی علیه السلام را اعلام می نمودند. اما مهم ترین اعلام رسمی و عمومی در حجه البلاغ و در غدیر خم اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کاروان عظیم حجاج را به سمت وادی غدیر حرکت دادند حتی دستور دادند زائران یمنی که مسیر شان به سمت جنوب مکه بود، بر خلاف مسیر یمن به سمت شمال مکه حرکت کنند و به مردم مکه نیز دستور دادند شهر خود را ترک نموده تا در کاروان غدیر شرکت نمایند.

اولین کاروان غدیر با شکوه هرچه تمام تر و با جمعیتی بالغ بر یک صد و بیست هزار نفر که در آن زمان جمعیتی بسیار قابل توجه بود به حرکت در آمد، و سرانجام در وادی غدیر پیمان عالم ذر را تجدید نموده و برای امامت و ولایت از امیر المؤمنین علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و این چنین دین اسلام را کامل و نعمت را بر مسلمین با بیعت بر ائمه اطهار علیهم السلام تمام نمودند.

## کاروانهای پرشکوه ملائکه در آسمان

بر اساس روایات، با انتصاب امیر المؤمنین علیه السلام به امامت و تحقق اهداف تمام انبیا و اولیای الهی در روز غدیر هر سال در چنین روزی جشن بسیار با عظمتی در آسمان ها بر پا می شود و فرشتگان الهی که عظمت این روز را بهتر و بیشتر از زمینیان درک می کنند در قالب کاروان غدیر به سمت قصرهای بهشتی حرکت نموده و جشن و سروری فوق تصور ما برگزار می نمایند (1)

ص: 71

## نخستین تجمع گسترده بشری پس از غدیر خم

پس از حادثه با عظمت غدیر خم و انتصاب الهی امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت بلا فصل و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله، هر چند خلافت غصب شد و برای شیعیان مجالی جهت برگزاری تجمع غدیری حاصل نشد، اما شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام به دنبال فرصتی مناسب بودند تا در روز غدیر خم، بزرگ ترین و مهم ترین عید اسلامی را برگزار نمایند.

شاید نخستین گزارش تاریخی در باره برگزاری تجمع غدیری و حرکت کاروان های شادی غدیر که از لا به لای کتب تاریخی به دست ما رسیده، مربوط به بیش از هزار سال قبل در بغداد می باشد

جشن و سرور در عید غدیر خم در عصر آل بویه در سال 352 قمری برگزار شد. حکومت آل بویه برای نشان دادن جایگاه این عید آن را تعطیل و جشن عمومی اعلام نمود و نهاد های حکومتی و مردم را به برگزاری جشن ها و آذین بندی شهر ها ترغیب کرد (1)

آنان در این جشن ها از طبل و شیپور استفاده می کردند به زیارت مشاهده مشرفه می رفتند، نماز عید می خواندند، شتر قربانی می کردند و شب هنگام آتش روشن کرده به جشن و شادی می پرداختند (2) چنان که گردیزی این روز را جزو روزهای بزرگ اسلامی و اعیاد شیعیان بر شمرده است. (3)

شیعیان بغداد به فرمان معز الدوله مراسم یاد بود غدیر خم را جشن گرفتند. چادر ها بر افراشتند و پارچه ها آویختند و با زینت بیرون آمدند و شب در مجلس شرطه پلیس جشن آتش افروزی بر پا کرده طبل و شیپور نواختند و روز بعد، سحر گاهان شتری قربانی کرده به زیارت مقابر رفتند.

ص: 72

---

1- البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج 11، ص 276

2- المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ابن جوزی، ج 1، ص 14

3- زین الاخبار گردیزی، ص 466

همدانی در ضمن وقایع سال 352 گفته است که در شب پنجشنبه هیجدهم ذیحجه که شیعه آن را غدیر خم می نامند در بازارها آتش افروختند، در آن شب به همان گونه که در شب های عید مرسوم است دکان ها تا صبح باز بود و افرادی طبل و شیپور می زدند و به زیارت کاظمین (مرقد حضرت امام کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام) رفتند و نماز عید به جا آوردند. و مراسم عید غدیر، سال ها به همین ترتیب برپا می شد

ابن جوزی در ضمن وقایع سال 389 گفته است که شیعه در کرخ و باب الطاق بنا بر عادت جاری خود در روز عید غدیر خیمه های بزرگ بر پا داشتند و جامه های زیبا بر آن ها آویختند و اظهار سرور کردند، در شب عید، آتش افروختند و بامداد، شتری نحر کردند (1)

### حرکت کاروان غدیر در عراق

از دیرباز تا کنون شیعیان عراق و سایر بلاد در قالب کاروان غدیری در عید سعید غدیر خم به سمت نجف اشرف به منظور زیارت امیر المؤمنین علیه السلام رهسپار می شدند علت حرکت شیعیان به سمت نجف اشرف در روز عید غدیر روایتی از امام رضا علیه السلام است که فرمودند:

أَيْنَمَا كُنْتُمْ فَاحْضُرُوا يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (2) در هر جا که باشی سعی کن در روز عید غدیر نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر شوی.

حرکت کاروان های شاد غدیری به سبک و سیاق مشابه اربعین و برپایی موكب های جشن و سرور در مسیر نورانی کربلا به سمت نجف آثار و برکات فراوانی از جمله معرفی ولایت و امامت امیر المؤمنین علی علیه السلام به جهانیان خواهد داشت که امید است در آینده نزدیک این امر محقق شده و مردم سراسر جهان در ایام غدیر به سمت نجف اشرف حرکت نمایند.

ص: 73

---

1- الکامل فی التاریخ، ج 8 ص 550.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 388.

پس از اقدام زیبای حکومت آل بویه در برگزاری جشن های غدیریه در سطح جامعه آن روز و برگزاری تجمعات و کاروان های شاد غدیری در عراق به ویژه نجف اشرف تا به امروز در هر زمان و مکانی که شیعیان موقعیت را مناسب دیده و توانسته اند در راستای عمل به توصیه و فرامین ائمه معصومین علیهم السلام، عید غدیر خم را جشن گرفته و به شادی و سرور پرداخته و تجمعات غدیری را برپا نموده اند؛ چرا که همراهی با کاروان های شاد غدیر در حقیقت ادامه دهنده مسیر ولایت از عالم ملائک و عالم ذر تا تجمع حاجیان حجه البلاغ در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری است.



با برپایی کاروان های غدیر در سراسر کشور مراجع معظم تقلید و علمای بزرگوار شیعه ضمن حمایت همه جانبه از این برنامه الهی خود نیز در این مراسم با شکوه شرکت نمودند.

### آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله

فرمودند: عید غدیر پایه ولایت بوده و همه این ها بر پایه ولایت می چرخد. عده ای از کسانی که احساس مسؤولیت می کردند دست به دست هم دادند تا موج تازه ای در غدیر ایجاد کنند از جمله برنامه هایی که بناست انجام شود، برنامه راهپیمایی از حرم تا حرم یعنی حرم حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد مقدس جمکران است که عصر روز غدیر برگزار خواهد شد که باید راهپیمایی باشکوه و عظیمی باشد بنده هم - ان شاء الله - در بخشی از راهپیمایی به مقداری که توان هست شرکت خواهم کرد

در سایر شهر ها نیز سزاوار است این برنامه اجرا شود تا غدیر فراموش نشود، غدیر از واضح ترین دلایل امامت است به مقدسات دیگران هرگز نباید اهانت کرد. در باره غدیر و اهمیت آن باید برنامه ریزی و مراسم را با شکوه و عظمت برگزار کنیم. اهمیت دادن به غدیر و این که غدیر از مظلومیت در آید برکاتی برای ملت و امت خواهد داشت. این کار باید صورت گیرد تا برخی خیال نکنند که دین تنها عزا داری دارد و به شادی اهمیت نمی دهد

## آیت الله وحید خراسانی حفظه الله

فرمودند: همه انبیا مقدمه اند. تمام وحی و تورات و انجیل و زیور و قرآن مقدمه هدایت اند. «انتم ابواب الهدی» تا باب پیدا نشود راه ابداً مسدود است. دین، مرضی به غدیر است اتمام نعمت به غدیر است عید قربان و عید فطر عید مسلمین قرار داده شده: «جعلته للمسلمین عیداً»؛ اما «عید الله الاکبر» غدیر است. لذا احیای غدیر عقلاً و شرعاً به جمیع جهات از اُلزم لوازم است. هر چه کار کنید، اظهر مصادیق احیای امر آل محمد، یوم غدیر است.

شیخ مفید عالمی است، کیف عالم او می فهمد قضیه از چه قرار است. ان شاء الله هر چه سعی و کوشش کنید در احیای غدیر اجرتان لا یعد و لا یحصی است. «رحم الله من احیاء امرنا» ان شاء الله این همت به ثمر می رسد و هر سال رونق بیشتر می شود «یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا».

مظهر این فرح غدیر است. هر هیتی برای غدیر بیرون بیاید برهانی است. ان شاء الله با همت شماها این روز احیا می شود اجر این جمع حساب ندارد در بین راه علی علی بگویند هر چه هست علی است. او «لا یدرک و لا یوصف» است: ان شاء الله این سنت احیا شود. البته رعایت مسائل شرعی را بکنند یعنی رقص و طرب نباشد.

## آیت الله صافی گلپایگانی حفظه الله

فرمودند: شایسته است که دوستداران امیر المؤمنین علیه السلام در این روز (عید سعید غدیر) مراسم جشن و سرور و شادمانی را با عظمت و شکوه بسیار برگزار نمایند و در نماز جماعت عید غدیر که مستحب است شرکت نمایند و به حالت اجتماع در جشن های این عید سعید حضور داشته باشند تجلیل از عید سعید غدیر و وظیفه همه شیعیان و دوستداران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است. احیای امر غدیر، یعنی احیای تمام دستورات شرع مقدس اسلام که اکمال دین و اتمام نعمت بزرگ خداوند می باشد

غدیر سرمایه ای است که از آن استفاده نکردیم و اگر استفاده کردیم استفاده ضعیفی بوده است. در حالی که پیشینیان اهمیت بیشتری به غدیر می دادند! حال این که چه دلیلی داشته که غدیر با گذشت زمان کمرنگ تر شده، باید بررسی و به آن توجه کرد. برای شادی در ایام شادی اهل بیت علیهم السلام فرهنگ سازی شود تا مردم در کنار عزا داری با شادی اهل بیت علیهم السلام هم آشنا شوند. (1)

## آثار و برکات بر پای کاروان غدیر

برخی از آثار فراوان کاروان های غدیری عبارت است از: احیای امر غدیر، خروج غدیر از مظلومیت خنثی سازی هجمه ها علیه، غدیر معرفی و وجه دیگری از شادی و سرور اهل بیت علیهم السلام گسترش فرهنگ تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام، و قابلیت عمل به آداب و مناسک غدیر در کاروان های غدیری

با توجه به آن که حضرات اهل بیت علیهم السلام آداب و مناسک فراوانی برای این عید با عظمت بیان فرموده اند در کنار برگزاری کاروان های غدیر می توان بسیاری از این مناسک را جامه عمل پوشاند؛ مانند برگزاری جشن های غدیری، پوشیدن لباس نو استفاده از بوی خوش احسان و انفاق دیدار با مؤمنان ذکر صلوات اطعام، شادمان کردن دیگران، هدیه دادن، تبریک گفتن، اظهار سرور و شادمانی، مصافحه کردن، آراستن خود و .... که در اعمال عید غدیر به آن خواهیم پرداخت.

بایسته های کاروان های غدیری را نیز می توان در چند نکته خلاصه کرد: برگزاری مراسم به صورت سنتی، مانند مدیحه سرایی و مولودی خوانی، رعایت مسائل شرعی و حریم محرم و نا محرم پرهیز از موسیقی، پذیرایی مناسب حتی المقذور به سبک موکب های اربعینی اجرای برنامه های مناسب و شاد برای کودکان، مانند پنخس پرچم ها رنگی و بادکنک های غدیری بین آنان، و پرهیز از مسائل اختلاف افکن و رعایت حریم واقعی وحدت.

ص: 77



## 2- استدلال های کوتاه در مسأله جانشینی

اشاره

ص: 79



از مباحثی که برای حقانیت مولا امیر المؤمنین علیه السلام و عید غدیر می توان مطرح کرد، استدلال های کوتاه و روان و ساده است روزی نبود که ما برای درس خدمت برخی از اساتید مان برسیم و از جریان ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و تبری از دشمنان شان حرفی نزنند

مرحوم آیت الله بهجت قبل از درس و بعد از آن معمولاً گفت و گویی داشتند. یک حدیث و یا آیه ای درباره موضوع ولایت و حقانیت آن مطرح می نمودند و بیان می کردند که دشمنان در حق اهل بیت علیهم السلام ایلام چقدر جفا کردند.

به استدلال های کوتاه توصیه می کردند و می نمودند: خدا می داند این استدلال های روان و ساده چه برکاتی دارد هجمه دشمن روی توحید نیست نبوت را هم عموم ادیان الهی قبول دارند موضوع مورد اختلاف چیست؟ «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ» (1) خداوند می فرماید: از خبر بزرگ می پرسند. برخی گفتند: این خبر بزرگ قیامت است ولی قیامت مهم تر است یا قیامت ساز؟ بهشت مهم تر است یا بهشت ساز؟ نبأ عظیم مولا علی علیه السلام است.

چنان که در دعای نماز غدیر می خوانیم:

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحُجَّةِ الْعُظْمَى وَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَا الْعَظِيمِ (2) عَلَى

ص: 81

---

1- سوره نبأ، آیه 1 و 2 .

2- تهذیب الاحکام، ج 3، ص 146.

امیر المؤمنین و حجت عظماء و آیت بزرگ خدا و خیر بزرگ است.

اختلاف سر ولایت است. لبه تیز شمشیر دشمن روی موضوع ولایت است. شیطان گفت: من در مسیر صراط مستقیم می نشینم. در منابع اهل سنت آمده است که صراط مستقیم صراط علی بن ابی طالب علیه السلام است.

از آن جا که به فرموده مرحوم آیت الله بهجت استدلال های روان و ساده بسیار خیر و برکت دارد، در این جا نمونه هایی از آن ها را بیان می کنیم.

## 1. جانشینان پیامبران

یکی از این استدلال ها این است که تمام انبیا جانشین داشتند. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ؛ (1) برای هر پیامبری وصی ای هست.

در آیات قرآن هم فراوان به آن اشاره شده و در تاریخ هم آمده است. حضرت آدم صلی الله، نوح نبی الله حضرت ابراهیم خلیل الله، حضرت داوود، حضرت سلیمان و تمام انبیا علیهم السلام جانشین داشتند حتی حضرت موسی علیه السلام که چهل روز به کوه طور رفت برادرش حضرت هارون را جانشین خود قرار داد و به او گفت:

«اخْلُقْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛ (2) در میان قوم من جانشینم، باش و (کار آنان را) اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن.

انتخاب جانشین برای هر انسان عاقل و مدیر و مدبر یک امر، فطری عقلی شرعی، عرفی، تربیتی اجتماعی و سیاسی است تمام مسئولین عالم، قائم مقام و معاون و جانشین دارند. هر سرپرستی حتی یک نگهبان معمولی وقتی بخواهد مرخصی برود کسی را جایگزین خود می کند که کار او را انجام دهد.

ص: 82

---

1- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 180.

2- سورة اعراف، آیه 142.



یک چوپان گوسفندان را رها نمی کند به شخصی می سپارد چطور می شود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم که برترین انبیاست و بعد او دیگر پیامبری نخواهد آمد، بدون تعیین جانشین و قائم مقام از دنیا برود و امت را رها کند. قطعاً این با هیچ منطق و معیاری سازگار نیست که پیغمبر بدون جانشین از دنیا برود.

## 2. ادامه مسیر نبوت

همان طور که نبوت و نبی را کسی جز خدا نمی تواند تعیین کند، آن کسی را هم که بناست این مسیر را ادامه بدهد، طبیعتاً مردم نمی توانند تعیین کنند. باید خداوند او را معرفی کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قول خداوند در واقعه غدیر خم همین را بیان فرمودند.

غدیر خط کش تمایز بین حق و باطل است هر طرفی که غدیر را قبول داشته، باشد طرفی است که می خواهد نبوت را استمرار بدهد. متقابلاً طرفی که غدیر را قبول نداشته باشد، طرفی است که می خواهد مسیر نبوت و هدایت را قطع و متوقف کند. چون زور شان به نبوت نرسید، سعی کردند ادامه آن را قطع کنند.

## 3. مدیر گروه

در فضای مجازی هر گروهی یک مدیر دارد که کانال را اداره می کند هر چقدر گروه کم و زیاد شود، مشکلی در گروه ایجاد نمی شود، ولی به محض این که مدیر گروه بخواهد گروه را ترک کند به او اخطار می دهد شما که می خواهی بروی چه کسی را به جای خود می گذاری؟ اگر کسی را جای خود نگذاری، تمام گروه از هم پاشیده خواهد شد. از این رو در این گروه ها چند قائم مقام وجود دارد.

همان طور که در جنگ، موته پیغمبر چندین فرمانده معین کرد که اگر اولی شهید شد، دومی فرمانده باشد اگر دومی شهید شد سومی. این تعیین جانشین سیره همه عقلای عالم است. پیامبر عظیم الشان اسلام هم که سر آمد همه عقلای عالم است محال است جانشینی برای پس از خود تعیین نکرده باشد.

#### 4. انتخاب برترین

همه فطرت‌ها وجدان‌ها و عقل‌ها انسان را به افراد داناتر قوی‌تر شجاع‌تر و مدیرتر و مدبرتر که بهتر بتواند جامعه را اداره کند ارجاع می‌دهند و گزینه برتر را انتخاب می‌کنند انسان‌ها حتی برای خرید جنس و کالایی به این طرف و آن طرف می‌روند و دنبال جنس بهتر می‌گردند بهترین و خیره‌ترین پزشک را انتخاب می‌کنند. همیشه دنبال اعلم و بهتر هستند. قرآن هم می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ [\(1\)](#) آیا آن‌ها که می‌دانند، با آن‌هایی که نمی‌دانند، مساوی‌اند؟!

یعنی آیا عالم و جاهل یکی است؟! این طور نیست. آن‌هایی که صاحب عقل و خرد هستند این را درک می‌کنند سؤال این است که بعد از پیغمبر خدا علیه السلام سراغ چه کسی برویم؟ البته ما معتقدیم این که انتخاب به دست خداست. بر فرض آن که دست ما باشد، آیا به دنبال کسی که از نظر علم، از نظر منطق، از نظر سخاوت از نظر شجاعت و همه صفات نیک سرآمد انسان‌ها و امت است می‌رویم یا به سراغ افرادی که حتی در مسائل ابتدایی دین در می‌مانند؟!

چه کسی می‌تواند همتای امیر المؤمنین علیه السلام باشد؟! چه کسی می‌تواند در علم همسان علی باشد و علوم اولین و آخرین را یک جا داشت؟! چه کسی می‌تواند در قضاوت همانند او باشد؟! چه کسی می‌تواند در مدیریت جامعه و مردم دوستی و خدمت به آنان مثل امیر المؤمنین علیه السلام باشد؟! چه کسی می‌تواند در شجاعت به پای علی علیه السلام برسد؟! چه کسی در خیر را از جا کند؟ چه کسی عمرو بن عبدود را هلاک کرد؟ چه کسی ضربتش بالا تر از عبادت جن و انس است؟!

از خلیل بن احمد پرسیدند: درباره علی علیه السلام چه می‌گویی؟ گفت: چه می‌توان گفت در حق کسی که دوستان و دشمنان فضائل وی را مخفی کردند؟ دوستان از ترس و دشمنان از حسادت و با همه اینها فضائل و مناقبش شرق و غرب عالم

ص: 84

را فرا گرفته است. (1)

## 5. هادی به حق

خدای متعال می فرماید:

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» (2) پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوار تر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی یابد مگر آن که هدایت شود؟ شما را چه شده چگونه داوری می کنید؟!

کسی که هادی به حق و صراط مستقیم است با گفتار و عملش، چراغ هدایت را روشن می کند و می تواند همه را از جهالت به سوی رستگاری برد آیا باید از چنین کسی پیروی کنیم یا کسی که خودش می گوید: من نمی دانم.

## 6. بی نیاز از همه

خلیل بن احمد فراهیدی از علمای بزرگ ادبیات عرب، در باره شخصیت امیر المؤمنین علیه السلام می گوید:

إِحْتِاجُ الْكُلِّ إِلَيْهِ، وَاسْتِغَاوُهُ عَنِ الْكُلِّ، دَلِيلٌ عَلَىٰ أَنَّهُ إِمَامُ الْكُلِّ؛ (3) نیاز همه به او و بی نیازی او از همه دلیل است بر این که او امام همه است.

شما بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله به امت اسلامی رجوع کنید ببینید آن کسی که همه کاره و حلال مشکلات است چه کسی بوده است؟ خلیفه اول و دوم و تمام صحابی در مشکلاتشان حتی در مسائل اجتماعی و سیاسی، با حضرت علی علیه السلام مشورت می کردند و از آن حضرت رهنمود می گرفتند. همه به حضرت

ص: 85

---

1- روضات الجنات، ج 3، ص 300.

2- سوره یونس، آیه 35

3- الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين عليه السلام على سائر البرية، المقدمة، ص 9.

علی علیه السلام احتیاج داشتند اما حضرت به هیچ کس احتیاج نداشت.

## 7. واژه ای برای جانشینی

ما بر اساس آیات و روایات فراوان معتقدیم که خدای متعال مولا علی علیه السلام و فرزندان او را به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله معین کرده است. اما مذاهب دیگر می گویند معین نکرده است. از آن ها می پرسیم: اگر بنا بود خدا، یا پیغمبر کسی را به عنوان جانشین پیامبر معین کنند از چه جمله ای یا چه واژه ای استفاده می کردند؟

هر جمله و واژه ای که بتواند خلافت و جانشینی را بفهماند درباره علی علیه السلام آمده است و بحمد الله تمام این جمله ها و واژه ها در کتاب های اهل سنت موجود است از باب نمونه برخی از جملات و واژه هایی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت به کار برده است بیان می کنیم: امام، خلیفه، حجه الله وصی من، وارث من باب الله، باب الرسول، مدینه العلم النبوی، وزیر من، ولی من، مولا، علی مع الحق و الحق مع علی، روحی، لحمی دمی و مهم تر از همه آیه مباهله است که حضرت علی علیه السلام را با عنوان نفس پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. به راستی اگر برخی از این تعبیرات درباره دیگری بود باز هم در خلیفه بودن او شک می کردید؟!

هم چنین واژه های اخی اولو الامر، صاحب لوائی، صراط مستقیم امام المسلمین صدیق، اکبر، فاروق اعظم و جمله های «علی خیر البشر»، «علی احقکم»، «علی اعلمکم»، «علی افضاکم»، «انت المثل الاعلی»، «انت طریق الی الله»، «أنت منی بمنزله هارون من موسی» و ده ها واژه و جمله دیگر که در بسیاری از کتب اهل سنت آمده است تک تک این ها برای اثبات خلافت علی علیه السلام و این که مولا امیر المؤمنین علیه السلام بعد از پیغمبر جانشین و وصی پیغمبر بودند کافی است.

## 8. امام زمان حضرت فاطمه علیها السلام

خدا رحمت کند مرحوم حاج میرزا ابو الفضل زاهدی را، یکی از نزدیکانش می گفت یک موقعی با ایشان به مکه مشرف شده بودیم. برای نماز به مسجد الحرام رفتیم ایشان به من گفت: بعد از نماز پیش امام جماعت مسجد الحرام برویم تا او را با دو کلمه محکوم کنم به نزد او رفتیم. آیت الله زاهدی، به امام جماعت مسجد الحرام فرمود: من از شما سؤالی دارم گفت: بفرمایید. پرسید: در منابع اهل سنت فراوان نقل شده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (1) هر کس از دنیا برود و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

یعنی کافر و بی دین از دنیا رفته است این اشاره به این دارد که ما در هر زمانی باید امامی داشته باشیم پرسید آیا این حدیث درست است؟ گفت: بله، حدیث صحیح و معتبری است و در منابع ما نقل شده است.

بعد مرحوم آیت الله زاهدی سؤال دوم را مطرح کرد. فرمود: بعد از پیغمبر طبق تاریخ و روایات، مسلماً حضرت زهرا علیها السلام چند ماهی زنده بودند. امام زمان فاطمه زهرا علیها السلام چه کسی بود؟

سه گزینه به ذهن می رسد یکی این که خدای نکرده کسی بگوید حضرت زهرا علیها السلام امام زمان نداشته که اصلاً چنین چیزی درباره حضرت زهرا علیها السلام متصور نیست. حتی خوارج هم این را نمی پسندند. دوم ممکن است بگوییم امام زمانش ابو بکر بوده است که بر اساس روایات معتبر شما، آن حضرت با ابا بکر بیعت نکرد و از دنیا رفت در حالی که بر او خشمگین بود؛ چون در کتاب های اهل سنت آمده است که حضرت زهرا علیها السلام از دنیا رفتند و بر آن دو نفر خشمگین و غضبناک بودند. (2)

ص: 87

---

1- الکافی، ج 6، ص 123؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج 19، ص 388، ج 91.

2- شرح صحیح مسلم، ج 6، ص 78.

فقط یک راه می ماند و آن این که امام زمان او که طبق آیه تطهیر از هر خطا و لغزشی پاک بوده، باید حضرت علی علیه السلام بوده باشد. وقتی مرحوم حاج میرزا ابو الفضل زاهدی سؤال را دوم مطرح کردند امام جماعت مسجد الحرام پاسخی برای آن نداشت

## 9. اسلام؛ دین کامل و جامع

مکتب ما مکتب جامع و کاملی است. مخصوصاً پیغمبر ما که پیامبر خاتم است و تا قیامت بعد از او پیغمبری نخواهد آمد باید دینی که او آورده است برای همه جهات و جوانب زندگی مردم راه حل داشته باشد و از همه ابعاد کامل و جامع باشد. قطعاً هم همین طور است.

در منابع شیعه برای تمام مسائل جزئی هم روایت داریم. حتی برای ناخن گرفتن، حمام رفتن، دستشویی رفتن، مسواک زدن، خلال دندان، لباس پوشیدن راه رفتن و تمام زوایا و شئون و جزئیات زندگی روایت داریم. معمولاً کلیات آن در قرآن آمده است و جزئیاتش در روایات شرح و بسط داده شده است.

چطور ممکن است مکتبی برای یک ناخن گرفتن برای استحمام، برای خلال دندان و صد ها از این موارد جزئی که شاید خیلی قابل توجه نباشد حکم و مطلب داشته باشد اما برای مهم ترین موضوع جامعه که موضوع امامت و حکومت و مدیریت و رهبری جامعه است ساکت باشد و بگوید هر کاری خودتان دل تان می خواهد بکنید ما کسی را تعیین نمی کنیم نظری هم درباره امامت و رهبری جامعه نمی دهیم!

این حرف نه با منطق، نه با عرف نه با قانون، شرع، نه با کتب آسمانی و سیره هیچ انسان معمولی سازگار نیست، چه رسد به اول مدیر و اول شخصیت عالم!

## 10. معیار تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله

به بزرگان اهل سنت عرض می کنیم شما در انتخاب مدیریت و زعامت جامعه چه قانونی دارید؟ یک قانون کلی به ما ارائه بدهید که بگویید ما بر اساس آن پیشوای جامعه اسلامی را تعیین می کنیم.

شما برای تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله قاعده و روال مشخص و یکسان و معتبری ندارید بعد از پیغمبر ابو بکر را برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب کردید. این بر چه اساس و معیاری بوده است؟ آیا خدای تعالی و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم او را تعیین کرده اند؟ به طور قطع چنین چیزی نیست.

اگر بگویید مردم تعیین کردند اولاً بر اساس نقل تاریخ بسیاری از اصحاب و امت، پیغمبر حتی اهل، مدینه مثل سعد بن عباد و قبيله اش و بسیاری از انصار، اصلاً بیعت نکردند. امیر المؤمنین علیه السلام را هم بعد از مدت ها با زور شمشیر و فشار مجبور کردند. سلمان و ابوذر و یاران امیر المؤمنین علیه السلام، اصلاً بیعت نکردند. بنا بر این، نمی توان ادعا کرد که با رأی مردم بر سرکار آمد.

به فرض آن که خلیفه و رهبر باید با رأی مردم باشد و ابو بکر هم با رأی مردم سر کار آمده باشد، عمر خلیفه بعدی با کدام رأی مردم بر سر کار آمد؟ می گوید: ابو بکر وصیت کرده است که عمر بعد از او بر سر کار بیاید. در نهایت معلوم نشد که شما به وصایت معتقدید، یا به رأی مردم؟!

عثمان با چه معیاری بر سر کار آمد؟ گفتند عمر شورا تشکیل داد به گونه ای هم شورا تشکیل داد که حتماً عثمان رأی بیاورد. این هم نه رأی مردم است، و نه وصیت فرد قبلی؛ یک شکل دیگری برای تعیین خلیفه است.

این پراکندگی و از هم گسیختگی ناشی از خارج شدن از روال واقعی و حقیقی تعیین خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است، در جامعه هرج و مرج ایجاد می کند. این که در یک مقطع زمانی بیست و چند ساله چند خلیفه، بیاید، هر کدام هم به یک شیوه متفاوت در شأن جامعه و دین و مکتب الهی نیست و امری ناصواب و ناجاست.

اما منطق مکتب تشیع در تعیین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله این است که امامت ادامه جریان نبوت است. همان طور که نبی و رسول از طرف خدای بزرگ باید مشخص شود، مسلماً جانشین او را هم باید خدای بزرگ مشخص کند. بر اساس آیات و روایات فراوان خدای تعالی این کار را انجام داده و امیر المؤمنین علیه السلام را به عنوان خلیفه بلا فصل رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است.

## 11. جریان غدیر خم

از دلیل های بسیار متقن و انکار ناپذیر بر حقانیت مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام جریان غدیر خم است اصل جریان غدیر خم را عموم مسلمین نقل کرده اند و آن را تقریباً همه قبول دارند منتها می گویند این که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، مولا به معنای دوست است، نه به معنای امامت و رهبری و ولایت و سرپرستی

پاسخ های فراوانی برای رد این ادعا وجود دارد و اثبات می کند مولا به معنای امام و رهبر و پیشوا و جانشین است.

آیت الله نجم الدین طوسی می فرمود: یکی از علمای بزرگ اهل سنت افریقا در قم به دیدار بنده آمده بود با او مناظره کردم گفتم: چرا شما شیعه نمی شوید؟ گفت: ما بر حقانیت خلافت بلا فصل علی علیه السلام دلیلی نداریم.

گفتم چرا دلیل داریم. گفت: برای من دلیل بیاور. گفتم: یکی از آن ها غدیر خم است. گفت: ما غدیر را قبول داریم ولی مولا به معنای دوست است. گفتم: اگر در کلمات خلفا ولی و مولا به معنی سرپرست و امام و رهبر باشد قبول می کنید؟ گفت: بله

کتاب «صحیح مسلم» را که دم دستم بود آوردم. «کتاب الجهاد» آن را باز کردم و متن عبارت را از روی کتاب برای او خواندم. در آنجا نوشته بود: وقتی ابو بکر در آستانه مرگ قرار گرفت، عمر را مولای بعد از خودش قرار داد. گفتم این مولا به چه



معناست؟ گفت: به معنای امام و خلیفه است.

گفتم: چطور اگر ابو بکر بگوید «مولا»، این مولا- به معنای دوست نیست، ولی وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله هزاران نفر را زیر آفتاب جمع کند، و کسانی را که جلوترند برگرداند، و صبر کند تا کسانی که در دنبال هستند برسند و سه روز مردم را نگه دارد و خطبه بخواند، و بگوید: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» و چهار بار از مردم اقرار بگیرد و بعد بگوید: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، آیا این مولا به معنای دوست است؟!

آیا معنا دارد پس از این همه مقدمات و آن شرایط استثنائی و غیر منتظره بگوید: هر کس من دوست او هستم این علی هم دوست اوست. بعد هم بیعت بگیرد، حتی از بانوان

این ها را که برای او شرح دادم شروع کرد به گریه کردن گفت: تا به حال کسی این مطالب را برای من نگفته بود و حقانیت شیعه را قبول کرد و اظهار تشیع کرد و گفت سه میلیون نفر طرفدار دارم و با بیان این مطالب همه را شیعه می کنم

مولا در قرآن به معنای سرپرست و امام هم آمده است. آنجا که می فرماید:

«يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ» (1) کسی را می خواند که زیانش از سودش نزدیک تر است. چه بد مولای و سرپرستی است و چه بد دمسازی است!

می گویند: معلمی به شاگردش که تکالیفش را درست انجام نمی داد، گفت: فردا ولی خودت را بیاور شاگرد هم زرنگ بود می خواست گریزی به اعتقادات معلمش که اهل سنت بود بزند.

فردا، دوست صمیمی خودش را آورد. گفت: آقا، ولی خودم را آوردم. گفت: این که ولی نیست گفت: مگر شما مولا را به معنای دوست نمی گیرید؟ این دوست است معلم پاسخ داد نه ولی به معنای سرپرست است. شاگرد به او گفت:

ص: 91

چطور در اینجا ولی را به معنای سرپرست می گیرید و در حدیث غدیر آن را به معنای دوست؟!!!

هم چنین می گویند دانشجوی مسلمانی با یک دانشجوی اهل سنت رفیق و صمیمی بودند چند بار این دانشجوی با دوستش درباره حدیث غدیر مناظره کردند ولی رفیقش زیر بار نمی رفت می گفت مولا به معنای دوست است.

یک وقتی این رفیق اهل سنت می خواست به زاهدان برود. دویست کیلومتر که رفته بود به او زنگ زد که برگرد که کار واجب و مهمی با تو دارم می پذیرد و بر می گردد. وقتی بر می گردد، از او می پرسد چه شده؟ می گوید: من می خواستم به شما بگویم شما را خیلی دوست دارم

رفیق اهل سنتش به او می گوید تو چقدر نادان هستی که من را از دویست کیلومتر راه بر گرداندی به خاطر این که بگویی دوستت دارم؟! گفت: شما چطور می گوید که پیغمبر هزار ها نفر را در گرما و در آن شرایط سخت نگه داشته تا بگوید «من علی را دوست دارم شما هم علی را دوست بدارید»؟! این را می توانست در مدینه هم بگوید این حرف نه با منطق سازگار است، و نه با عقل و عرف.

اگر یک انسان معمولی این چنین کند به ریشش می خندید چه رسد به اول شخصیت عالم هستی! آیا درست است که بگوییم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چند هزار نفر را در آفتاب نگه داشته است که بگوید: «من علی را دوست دارم»؟!!

این ابلاغ امامت و رهبری است که موجب می شود مردم را در آن شرایط جمع کند و به عنوان جانشین از آنان بیعت بگیرد.

## 12. فرقه ناجیه

مرحوم آیت الله احمدی میانجی می فرمود مرحوم علامه حلی کتابی به نام «الفین» نوشت. یعنی دو هزار دلیل بر حقانیت مولا علی علیه السلام. وقتی این کتاب را نوشت و منتشر شد یک عالم متعصب اهل سنت آن را خواند و گفت من

می روم و جواب نویسنده را می دهم حرکت کرد تا به شهر حله رسید.

دم دروازه به کشاورزی برخورد گفت خانه علامه حلی کجاست؟ این بنده خدا فهمید که این آدم غریبه است گفت چه کارش داری؟ گفت: ایشان دلایل زیادی بر حقانیت حضرت علی و خلافت بلا فصل او آورده است. می خواهم جوابش را بدهم.

گفت: من یک سؤال از شما می کنم بعد شما برو و با او بحث و مناظره کن. پرسید آیا شما قبول دارید که در کتاب های اهل سنت، این روایت از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود امت حضرت موسی علیه السلام هفتاد و یک فرقه شدند و یک فرقه از آن ها اهل نجات اند آن فرق همان ها هستند که تابع جانشین حضرت موسی علیه السلام شدند و بقیه منحرف شدند. گفت: بله. چنین حدیثی داریم.

گفت: آیا این را در کتاب های تان خوانده اید که امت حضرت عیسی علیه السلام هفتاد و دو فرقه شدند و یک فرقه آن ها اهل نجات اند و بقیه گمراه شدند. گفت: درست است. گفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرُقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ (1) امت من هم هفتاد و سه فرقه می شوند؛ یک فرقه نجات پیدا می کنند هفتاد و دو تا به بیراهه و آتش می روند.

آیا حدیث درست است؟ گفت بله گفت جان و مغز کلام ما شیعیان این است که مولا علی بن ابی طالب علیه السلام فاطمه زهرا امام حسن و امام حسین علیهم السلام که مورد اجماع همه فرق هستند اهل نجات اند.

ص: 93

---

1- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ أُمَّةَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَرَقَتْ بَعْدَهُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ افْتَرَقَتْ أُمَّةَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ إِحْدَى وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرُقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ. (الخصال، ج 2، ص 585).

ما دور این ها می گردیم حق همیشه با آن هاست. حق هر کجا هست، این ها هم هستند. آیا این اجماع و اتقافی که همه مذاهب و گروه ها روی اهل بیت علیهم السلام دارند، آیا روی خلفا و اصحاب هم دارند؟ حداقل ما شیعیان آن ها را قبول نداریم و غاصب می دانیم.

آن عالم سنی که آمده بود با علامه حلی دست و پنجه نرم کند، گفت: این کشاورز مرا مجاب کرد و پیش از این که با علامه حلی ملاقات کند به شهر خود برگشت

### 13. برداشت از سرچشمه

مرحوم آیت الله بهجت می فرمود اهل سنت چهار مذهب دارند، یک عده پیروان احمد حنبل، هستند یک عده پیرو مالک، هستند یک عده پیرو ابو حنیفه هستند و عده ای دیگر پیرو شافعی هستند هر چهار سرپرست این فرقه ها، بی واسطه و با واسطه بالاتفاق همه شاگرد امام صادق علیه السلام بوده اند و از محضر امام صادق علیه السلام بهره برده اند.

سؤال این جاست که اگر من بخواهم مرشد و رهبری برای خودم و برای اطرافیان خودم برگزینم چرا به سراغ خود امام صادق علیه السلام که استاد کل این ها بوده است نروم. غیر از این که اینها همه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاصله داشتند، ولی امام صادق علیه السلام به واسطه پدر و اجداد شان علم را سینه به سینه گرفته و از علوم جدّ بزرگوار شان پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم استفاده کرده اند و همه مذاهب، حتی کسانی که ادعای خلافت داشتند ریزه خوار سفره علم و حکمت اهل بیت علیهم السلام بودند. چرا من اصل و سرچشمه را رها کنم و از افرادی که فرع هستند پیروی کنم؟!

### 14. ظالم و امامت !!!

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ

مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ (1) (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد.

خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من به ستم کاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند)»

حضرت ابراهیم علیه السلام عظمت مقام امامت را که دید بلا فاصله گفت: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي؛ خدایا، از ذریه من هم افرادی را به این مقام برسان.» خدای متعال فرمود: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». این عهد امامت به افرادی می رسد که ظالم نباشند. یعنی مشرک و کافر نباشد، ظلم به خدا و ظلم به خلق و ظلم به خود نکرده باشند.

از این آیه استفاده می شود که مقام امامت مقام عصمت کامل است و باید از طرف خدا معین شود مقامی که ظلم در وجودش راه نداشته باشد. به قول ملا نهبندی:

لَيْسَ مَنْ أَدْنَبَ ذَنْبًا بِإِمَامٍ \*\*\* كَيْفَ مَنْ أَشْرَكَ دَهْرًا وَ كَفَرَ

می گوید: طبق این آیه کسی که یک بار گناه بکند لایق امام بودن و رهبری امت نیست، چه برسد به کسی که یک عمر مشرک و کافر بوده است. ظالم بوده و در خانه وحی را آتش زده است. چطور می شود چنین کسی رهبر و امام جامعه باشد. واقعاً انسان باید خون گریه کند که با این همه دلیل انسان بی راهه می رود!

### 15. انتخاب حضرت مهدی علیه السلام

یکی از بزرگان می گفت: من در جمع علمای اهل سنت بودم، خواستم به آن ها یک شوکی وارد کنم گفتم شما قبول دارید که حضرت مهدی علیه السلام یک روزی خواهد آمد؟ گفتند. بله چون اهل سنت هم حضرت مهدی علیه السلام را قبول دارند،

ص: 95

منتها اینکه فرزند امام عسکری علیه السلام است و الآن زنده است را قبول ندارند. بر اساس آیات و روایات حضرت مهدی علیه السلام یک روزی خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

گفتم: چه خوب است ما یک مهدی انتخاب کنیم و او را علم کنیم و همه مذاهب هم کمکش کنیم تا دنیا را پر از عدل کند گفتند: نه مهدی را باید خدا معین کند. گفتم چطور مهدی را که آخرین منجی است خدا باید معین کند، اما خلفای قبل را مردم باید تعیین کنند؟! آیا این همه وقت خدا نباید جانشینی برای پیامبر تعیین کند؟ همه سر به زیر بردند و جواب نداشتند.

## 16. نفس پیامبر صلی الله علیه و اله

از دلیل های محکم بر حقانیت مولا امیر المؤمنین علیه السلام آیه مباحله است. امام هشتم علیه السلام فرمودند: مهم ترین آیه در حق جدم امیر المؤمنین علیه السلام آیه مباحله است که در آن جا خدای متعال سنگ تمام گذاشته و فرموده است: حضرت امیر علیه السلام جان، پیغمبر است عین، پیغمبر است، نفس پیغمبر است

با وجود امیر المؤمنین علیه السلام که نفس پیغمبر است، اگر کسی سراغ دیگری برود، خطای صد در صد است. تا جان و نفس پیغمبر هست ما حق نداریم سراغ کس دیگری برویم.

احمد ذات تو و حیدر یکی است \*\*\* شهر با دروازه و با در یکی است

تو مدینه علمی و حیدر در است \*\*\* پس کلید دانش تو حیدر است

مصطفی چون گل کند عطرش علی است \*\*\* مصحف احمد به هر سطرش علی است

علی را قدر پیغمبر شناسد \*\*\* که هر کس خویش را بهتر شناسد

آدمی همیشه به دنبال انتخاب بهترین هاست به ویژه آن که آن فرد منتخب تأثیری عمیق و گسترده در جامعه و سرنوشت آن داشته باشد. و رهبر و پیشوای جامعه از این دست افراد است. با این وجود آیا ما نباید به دنبال انتخاب برترین افراد برای این مسؤلیت سنگین و مهم باشیم؟ آیا فطرت و عقل و وجدان ما نمی گوید باید به دنبال گزینش برترین افراد برای این جایگاه باشیم؟

انصافاً حضرت علی علیه السلام را با کدام یک از خلفا و صحابه می توانیم قیاس کنیم؟ در علم در شجاعت، در پشتتاز بودن در اسلام و در هزاران فضیلت دیگر برترین است پیغمبر ما در خطبه غدیر فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَّلُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى؛ (1) ای مردم، علی را برتر از همه بدانید؛ که مسلماً او پس از من از همه مردان و زنان برتر است!

آیا کسی که همه فضائل و کرامات را دارد با کسانی که حتی در مسائل جزئی در مانده اند قابل قیاس است؟ چه کسی می تواند خطبه ای مثل خطبه های علی علیه السلام بخواند دعایی مثل دعای کمیل بیاورد؟ چه کسی می تواند بدون مقدمه و تأمل خطبه بدون نقطه، یا بدون الف بخواند؟

18. حدیث «یوم الدار»

بعضی فکر می کنند پیغمبر صلی الله علیه و سلم فقط در غدیر خم حضرت علی علیه السلام را معرفی کردند. این حرف درست نیست یک مورد مهم آن در غدیر خم بود. پیغمبر صلی الله علیه و آله از روز اول بعثت و رسالتشان تا آخرین لحظه زندگی شان با رفتار و گفتار و عمل خودشان جانشینی و وصایت و خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام را به مردم گوشزد کردند. اوج آن و بخش مهم آن در عید غدیر بود.

ص: 97

حدیث مهمی که شیعه و سنی نقل کردند حدیث «یوم الدار» است اوائل بعثت بود. بر پیامبر صلی الله علیه و آله آیه نازل شد که «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (1) و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن! پیامبر صلی الله علیه و اله در آغاز رسالت مأمور بودند که به فامیل های نزدیک خود اعلام رسالت کنند و بگویند پیغمبر شده اند. این امر تا سه سال هم مخفی بود. فقط امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام و شاید یکی دو نفر دیگر ایمان آوردند.

اولین باری که خواستند اعلام دعوت عمومی کنند، با اطعام شروع کردند. آبگوشتی تهیه کردند و به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند بستگان نزدیک را دعوت کنید عموها در پیغمبر جمع شدند. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: خدای متعال مرا به پیغمبری مبعوث کرده است. من فرستاده خدا هستم. اول کسی که به من ایمان بیاورد وصی و جانشین من خواهد بود.

امیر المؤمنین علیه السلام در سن ده سالگی بودند بلند شدند و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: من اول کسی هستم که به شما ایمان آوردم پیامبر صلی الله علیه و اله از روز اول وصی و جانشین معین کردند و در جای جای دوران زندگی به علی علیه السلام می فرمودند: تو نسبت به من به منزله هارون به موسی هستی تو خلیفه من هستی تو جانشین و برادر و وزیر و شریک و معاون من هستی

### 19. دوازده امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله

در کتاب های اهل سنت این حدیث متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و سلم نقل شده است:

الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ رُكُلُهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَالْمَهْدِيُّ مِنْهُمْ؛ (2) امامان بعد از من دوازده نفرند که همه شان از قریش اند؛ نه نفر آن ها از صلب حسین و مهدی از ایشان است.

این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار صریح و روشن است و حجت را برای همه تمام

ص: 98

---

1- سوره شعرا، آیه 214.

2- کفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 106



کرده و جای هیچ‌گونه توجیه برای کسی باقی نگذارده است.

## 20. کجايند مثل امامان عليهم السلام؟

یکی از دليل‌هایی که ما می‌توانیم بر حقانیت قرآن بیاوریم، تحدی است. خود قرآن تحدی کرده است، یعنی گفته است اگر می‌توانید یک سوره، یا چند آیه مثل قرآن بیاورید و قرآن را باطل کنید اما تا به حال کسی نتوانسته مثل قرآن بیاورد.

افرادی که ادعا می‌کردند جانشین پیغمبر هستند و جای حضرت را گرفتند مثل «نهج البلاغه» بیاورند مثل «صحیفه سجادیه» بیاورند یک خطبه مثل خطبه‌های حضرت امیر علیه السلام بیاورند امیر المؤمنین علیه السلام بارها می‌فرمودند:

سلونی قَبْلَ أَنْ تَقْدِرَ دُونِي ، فَإِنَّ بَيْنَ جَنبِيْ عُلُومًا كَثِيْرَةً كَالْبِحَارِ الرَّوَاحِرِ؛ (1) از من پرسید پیش از آن که مرا از کف بدهید؛ چرا که در سینه من بسان دریا‌های بیکران دانش‌های فراوان نهفته است.

آیا کسی توانسته است این ادعا را بکند و شکست بخورد؟ همه امامان عليهم السلام از چنین دانشی برخوردار بوده‌اند و در پاسخ دادن به هیچ مسأله علمی در نمی‌ماندند.

تمام آن‌هایی که مدعی خلافت بودند، با چند سؤال در مانده می‌شدند. ولی شما یک مورد پیدا نمی‌کنید که دوازده امام دچار عجز و ناتوانی شده باشند و بگویند نمی‌دانیم.

عمر هفتاد بار گفت: «لولا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ؛ اگر علی نبود عمر هلاک شده بود.» (2) عمر در مسأله‌ای اشتباه جواب داد خانمی از پشت پرده جواب درست را داد. عمر گفت: «كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ حَتَّى الْمُحَدَّرَاتُ فِي الْبُيُوتِ؛ (3) همه مردم از عمر داناتر

ص: 99

1- إلزام الناصب، ج 2، ص 196؛ الغدير، ج 6، ص 193 و 194.

2- التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة، ص 62

3- كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ص 63 به نقل از: شرح نهج البلاغه، لابن أبي الحديد، ج 1، ص 61؛ التفسير الكبير، ج 10، ص 13؛ الدر المنثور، ج 2، ص 133.

و به احکام دین آشنا ترند، حتی زنان پرده نشین»

## 21. سه دلیل برای پیروی از اهل بیت علیهم السلام

آقای قرائتی می فرمود من پاکستان بودم، علمای اهل سنت جمع شدند برای آن ها نکات قرآنی جذاب و زیبایی گفتم خیلی خوششان آمد. در پایان صحبت یکی از اهل سنت که وهابی بود گفت شما خوب قرآن را معنا می کنی، حیف که شیعه هستی!

گفتم یک دقیقه شما به من وقت بدهید من از قرآن ثابت می کنم که چرا پیرو اهل بیت و مولا علی علیه السلام هستم.

یک: خداوند در آیه تطهیر می فرماید: این ها از هر پلیدی و لغزشی پاک هستند. آیا در مورد دیگران چنین آیه ای داریم؟ نه.

دو: خدا می فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ (1) و (سومین گروه) پیشگامان پیشگام اند. آن ها مقربان اند! آیا عقل و فطرت می گوید دنبال سابقون بروید یا دنبال کسانی که معلوم نیست کجا می روند؟

امیر المؤمنین علیه السلام در همه چیز بر دیگران سبقت دارد. ولی بزرگان شما و بزرگان مذاهب، شما بعد از دویست سال، آمدند، ابو حنیفه ها، آیا من پیرو ابو حنیفه بشوم، مالک و شافعی بشوم یا تابع حضرت علی علیه السلام بشوم؟

سه: خدا می فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ (2) خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان (ترك کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده است»

امیر المؤمنین علیه السلام در میدان جهاد رشادت ها داشت آیا خلفا جز فرار و عقب نشینی رشادتی داشتند؟ آیا من پیرو آن کسی بشوم که خدا برتری داده، یا

ص: 100

1- سوره واقعه آیه 10 و 11.

2- سوره نساء، آیه 95

## 22. صلاحیت برای امامت

امیر المؤمنین علیه السلام به سلمان و ابوذر فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله ابا بکر را با آیاتی از سوره براءت به مکه فرستادند تا آن را برای مشرکین قرائت کند. جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُوَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنْكَ؛ این کار را باید، تو یا مردی از خودت انجام دهی».

آن گاه مرا فرستاد تا آن را از ابو بکر بگیرم از او گرفتم، اما او ناراحت شد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا در این مورد آیه قرآن درباره من نازل شده است؟ فرمود: نه، ولی نباید این کار را انجام دهد، مگر من یا علی بعد امیر المؤمنین علیه السلام به سلمان و ابوذر فرمودند:

مَنْ لَا يَصْلُحُ لِحَمَلِ صَحِيفَةٍ يُؤَدِّيهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَيْفَ يَصْلُحُ لِلْإِمَامَةِ؛ (1) کسی که صلاحیت نداشته باشد چند آیه را از سوی پیامبر به مردم برساند چگونه برای امامت صلاحیت دارد؟

## 23. حقانیت اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت

مرحوم آیت الله بهجت همیشه به موضوع ولایت اشاره داشتند. می فرمودند: اگر اتفاقی پیش بیاید و تمام کتاب های شیعیان را بسوزانند و یا جمع کنند، آن قدر مدرک و سند از منابع اهل سنت برای حقانیت اهل بیت علیهم السلام و مکتبمان داریم که می توانیم هزار ها دلیل ارائه کنیم.

در کتابخانه های علمای شیعه کتاب های اهل سنت در همه زمینه ها، چه علیه ما و چه به نفع ما نوشته شده باشد وجود دارد ولی آیا آن ها اجازه می دهند که مثلاً «الغدیر» یا «المراجعات» در کتابخانه های آن ها باشد؟ نه، اجازه نمی دهند! عربستان هرگز اجازه نمی دهد، ورود آن ها را ممنوع کرده است

ص: 101

آیت الله نجم الدین طوسی که برای غدیر و امر ولایت بسیار زحمت کشیده و هزارها نفر به دست ایشان شیعه شده اند فرمود من سفری به بیروت داشتم. کتابخانه آن جا را دیدم و متوجه شدم بسیاری از کتاب هایی که آن جا چاپ می شود، احادیثی را که درباره اهل بیت علیهم السلام است از کتاب ها حذف می کنند وهایی ها پول می دهند تا آن ها را سانسور کنند بعد فرمود: مطالبی را که اهل سنت نقل می کنید از چاپ های اصلی آدرس بدهید

این دلیل بر این است که در برابر احادیثی که در منابع معتبر خودشان وجود دارد، قدرت دفاع ندارند و در مانده اند تنها راه را حذف آن احادیث از کتاب هایشان می دانند و یا انکار استناد کتاب به مؤلف و یا انکار سنی بودن او را دارند و این نهایت عجز و بی منطقی است.

## 24. اهمیت ابلاغ رسالت

پیغمبر ما از همه انبیا بیشتر زحمت کشیدند و رنج رسالت را به جان خریدند. فرمودند:

مَا أُودِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُودِيَْتُ؛ (1) هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد.

دندان مبارکش را مجروح کردند. پیشانی اش را شکستند. تهمت جنون و سحر و کذب به آن حضرت زدند بارها قصد جانش را کردند. سه سال در شعب ابی طالب علیه السلام آن حضرت را در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار دادند و از همه چیز محروم کردند.

سیزده سال در مکه در سخت ترین شرایط به سر بردند در مدینه از شر کفار و منافقان و یهود در امان نبودند. دائم علیه آن حضرت توطئه می کردند. جنگ های فراوانی بر آن حضرت تحمیل کردند زحمت های فوق العاده و طاقت فرسایی در این مدت کشیدند. آن قدر غصه دیگران را می خوردند که آیه نازل شد:

ص: 102

«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (1) گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند

می خواهی جانت را بدهی که چرا این ها مؤمن و مسلمان نمی شوند؟ با این همه زحمت در راه، رسالت خدای بزرگ به پیامبرش می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ (2) ای پیامبر! آن چه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!

می فرماید: اگر ولایت علی علیه السلام را ابلاغ نکنی همه رسالت و نبوت تویی حاصل است. واقعاً هم همین طور است. اگر برای دینی که تا قیامت پایدار است جانشینی تعیین نکنی دین به کلی از بین خواهد رفت. بر پیغمبری که افضل و خاتم پیغمبران است واجب است که جانشین تعیین کند.

پیامبری که برای تأسیس حکومت این قدر خون دل خورده است، ممکن نیست آن را رها کند و برود. ابلاغ ولایت علی علیه السلام آن قدر مهم بود که پس از آن آیه نازل شد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (3) امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

یعنی ولایت و امامت دین شما را کامل می کند روزی که رهبر امت تعیین شد خدای بزرگ می فرماید من راضی شدم که اسلام دین شما باشد. اسلامی که امیر المؤمنین علیه السلام در آن امام و خلیفه بلا فصل پیغمبر نباشد، مورد رضایت خدای

ص: 103

---

1- سوره کهف، آیه 6.

2- سوره مائده، آیه 67.

3- سوره مائده آیه 3

روزی که مولا علی علیه السلام به امامت و ولایت منصوب شد، «يَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ (1) کافران مأیوس شدند» در این روز فاتحه کفار خوانده می شود؛ چون سکان دار عالم کار را به دست گرفت.

## 25. تکبر شیطانی

شیطان شش هزار سال عبادت کرد معلم ملائکه بود. فهم و شعور و عقل داشت شیطان موعظه هایی به پیغمبران و انبیا دارد. مرحوم ملا اسماعیل سبزواری کتابی به نام «ابلیس» دارد که روایت های شیطان را آورده است. شیطان خیلی از چیزها را می داند اما چه شد که از اوج به قعر جهنم افتاد؟!

خدای متعال به او فرمود: به خلیفه من تعظیم و کرش کن و او را قبول کن. گفت: نه من بهتر هستم من به آدم سجده نمی کنم. پذیرش ولایت مهمترین عبادت و بندگی است.

امام هشتم علیه السلام فرمودند: مثل کسانی که امامت و رهبری مولا علی علیه السلام را پذیرفتند و پایدار ماندند، مثل ملائکه است که به حضرت آدم سجده کردند و قبول کردند و مقرب درگاه شدند. مثل کسانی که معاند هستند و امر خدا و پیغمبر خدا را قبول نمی کنند مثل ابلیس است که تکبر کرد (2)

## 26. بهترین بشر

اهل سنت هم نقل کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

عَلَيَّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ (3) علی علیه السلام بهترین مردم عالم است و هر کس منکر باشد کافر است.

ص: 104

1- سوره مائده، آیه 3.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 465

3- بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ص 246؛ تهذيب التهذيب، ج 9، ص 419.

جابر بن عبد الله انصاری هم در کوی و برزن مدینه می گشت و این جمله را مکرر می گفت. (1) بنا بر این اگر کسی زیر بار ولایت علی علیه السلام نرود کفر ورزیده است. چون کافر حق را می پوشاند روز روشن را انکار می کند.

ما دو منکر داریم، یک منکر معاند است. یعنی حق را می بیند، آفتاب درخشان را می بیند و زیر بار نمی رود لجاج است دو به علاوه دو چهار می شود را قبول ندارد

یک عده هم هستند که مستضعف اند. این ها کسانی هستند که حق به آن ها نرسیده است. حقانیت علی علیه السلام برای آن ها جا نیفتاده است. این ها مستضعف فکری هستند. در موقع مردن یا عالم برزخ و قیامت واقعیت ها را نشان شان می دهند و می گویند خدا بعد از پیغمبر علی بن ابی طالب علیه السلام را معین کرده است. قبول می کنید؟ می گویند بله. این ها بهشت می روند.

می گویند حق با علی و اولاد علی است. با او دشمنی کردند، حق او را پایمال، کردند تبری می جوید؟ می گویند. بله عناد. ندارند همه به بهشت می روند و یک در بهشت باب المستضعفین است

طرف صحبت ما چه کسانی هستند؟ آن هایی که حق مثل روز برای آن ها روشن می شود ولی می گویند نه یکی از وهابی ها گفته بود: اگر پیغمبر سر از قبر بیرون بیاورد و بگوید حق با علی است من قبول نمی کنم! این به خدا کفر ورزیده است.

## 27. سزاوارترین بر مردم

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روز غدیر خم فرمودند:

أَلَسْتُ أَنِّي أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ آیا من به شما از خود شما سزاوار تر نیستم؟

ص: 105

گفتند چرا فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ (1) هر که من مولای اویم علی مولای اوست خداوندا، دوست بدار هر که اورا دوست دارد و دشمن بدار هر کس با او دشمنی می کند

فرمودند: همان سرپرستی و ولایتی که بر شما دارم، علی بر شما دارد. آیا واضح تر از این می توانستند بگویند؟!

## 28. تقارن حقانیت و مظلومیت

چگونه ممکن است امیر المؤمنین علیه السلام با حضور هزاران شاهد در روز غدیر نتوانست حق خود را بگیرد در حالی که هر کس با دو شاهد می تواند به حق خویش برسد؟! این سخن امام صادق علیه السلام است. عمر بن یزید می گوید: امام صادق علیه السلام بی آن که سؤالی کرده باشم، خود فرمودند:

الْعَجَبُ لِمَا لَقِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ كَانَ لَهُ عَشْرَةُ أَلْفٍ شَاهِدٍ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى اخْتِذِ حَقِّهِ وَ الرَّجُلُ يَأْخُذُ حَقَّهُ بِشَاهِدَيْنِ؛ (2) شگفت آور است آن چه علی بن ابی طالب علیه السلام دید! ده هزار شاهد داشت ولی نتوانست حق خود را بگیرد با این که فرد با دو شاهد حق خود را می گیرد.

این خود نشانه بزرگی است بر مظلومیت امیر المؤمنین علیه السلام و جفایی که در حق آن حضرت کردند. این نقطه اوج تقارن حقانیت و مظلومیت در زندگی امیر المؤمنین علیه السلام است.

مگر امروز آوارگان و مظلومین عالم می توانند در این دنیای به اصطلاح متمدن با آن همه سازمان های عریض و طویل حقوق بشری حق خود را از ظالمان بگیرند؟!

اگر مدیریت عالم به دست با کفایت امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندانش بود، دنیا

ص: 106

1- كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 1، ص 318؛ تهذيب التهذيب، ج 7، ص 337.

2- وسائل الشيعة، ج 27، ص 238.



اصلاح می شد. اگر زیر سایه اهل بیت علیهم السلام برویم همه فسادها اصلاح می شود.

در مجالس امام حسین علیه السلام همه فرقه ها و گروه ها هستند. اوج آن در اربعین است. امام حسین علیه السلام می تواند همه را زیر یک خیمه جمع کند.

### 29. حقیقتِ حق

از روایاتی که عصمت مطلق امیرمؤمنان علیه السلام و برتری بی چون و چرای آن حضرت را بر تمام اصحاب و بلکه بر تمام امت ثابت می کند، روایت مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است که فرمودند: «عَلَيْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقِّ مَعَ عَلِيٍّ؛ (1) علی با حق است و حق با علی است».

این روایت با سند معتبر در منابع اهل سنت نیز نقل شده است. از نظر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میزان حق امیر المؤمنین است یعنی اگر دنبال حق هستید، ببینید علی کجا ایستاده است، او چه می کند انگشت اشاره ی او به کدام سو است.

آیت الله جوادی آملی می فرماید نه این که حق یک چیزی است و حضرت علی یک چیز دیگر است، نه! حق دنبال حضرت می گردد و او حقیقت حق است. حقیقت حق و تجسم حق اوست.

### 30. جبل الله

مراد از واژه «جبل» (الله) امیر المؤمنین علیه السلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان جماعتی از اصحاب خود نشسته بودند. عرب بادیه نشینی نزد ایشان آمد و رو به روی ایشان زانوزد و گفت: ای رسول خدا، من شنیده ام که خداوند در کتابش می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (2) این ریسمانی که ما به چنگ زدن به آن امر شده ایم چیست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را بر شانه

ص: 107

1- كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 20؛ تاريخ بغداد، ج 14، ص 321؛ الغدير، ج 3، ص 177.

2- سورة آل عمران، آیه 103.

علی بن ابی طالب علیه السلام زد و فرمود: «وَلَايَةُ هَذَا؛ وَلَايَةُ هَذَا» (1)

### 31. اتمام حجت در غدیر

آن گاه که فدک غضب شد، حضرت فاطمه علیها السلام به سراغ انصار رفت، برای آنان سخنرانی کرد و از ولایت الهی همسر معصومش گفت. اما آنان در جواب گفتند: ای دختر، محمد اگر این سخنان را قبل از بیعت با ابوبکر از تو شنیده بودیم با کسی جز علی بیعت نمی کردیم. فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا، (2) مگر پدرم روز غدیر خم، عذری برای کسی باقی گذاشت؟!!

ص: 108

---

1- تفسیر فرات الکوفی، ص 91؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 16.

2- الخصال، ص 173؛ بحار الانوار، ج 30، ص 124.





ماه ذیحجه یکی از پر برکت ترین ماه های سال است که اتفاقات خجسته فراوانی در آن رخ داده است. اوج این رخداد ها عید غدیر و مباحله است. بسیار بجاست که ماه ذیحجه، ماه امیر المؤمنین علی علیه السلام و ماه ولایت و امامت نام گذاری شود که در آن بیش از چهل مناسبت در رابطه با اهل بیت علیهم السلام و امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد

در این ماه صالحان و اهل عبادت و معرفت اهتمام ویژه ای به عبادت و توجه به باری تعالی داشته و آن را فرصت طلایی برای تقرب به خدای بزرگ می دانند.

### دهه اول ذیحجه

دهه اول ماه ذیحجه بسیار با اهمیت است. خداوند در قرآن به این دهه سوگند خورده است.

«وَ الْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ» (1) به سپیده دم سوگند، و به شب های ده گانه!

بر اساس برخی از روایات شب های ده گانه ای که قرآن به آن سوگند یاد کرده است، شب های دهه اول ماه ذیحجه است (2) و این سوگند به خاطر عظمت آن می باشد. این همان ده شبی است که خداوند برای حضرت موسی علیه السلام در کوه

ص: 111

---

1- سوره فجر، آیه 1 و 2.

2- تفسیر القمی، ج 2، ص 419.

طور اضافه کرد تا چهل شب تمام شود.

همچنین بر اساس تفاسیر از این دهه در قرآن نیز به «ایام معلومات» یاد شده است. (1) از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که منظور از «ایام معلومات»، ده روز اول ذیحجه است. (2)

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده است که فرمودند:

مَا مِنْ أَيَّامِ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَيَّامِ الْعَشْرِ يَعْنِي عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ؛ (3) عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی در نزد حق تعالی محبوب تر از دهه اول ذیحجه نیست.

برای شب های دهه اول این ماه بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز توصیه شده است که در هر رکعت حمد و توحید و آیه 142 سوره اعراف، «وَاعِدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً...» خوانده می شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَارَكْتَ الْحَاجَّ فِي ثَوَابِهِمْ وَإِنْ لَمْ تَحَجَّ؛ (4) هرگاه این کار را انجام دادی در ثواب حاجیان مشارکت کرده ای، هر چند حج به جا نیاورده باشی!

ص: 112

---

1- سوره حج آیه 28.

2- تهذیب الأحکام، ج 5، ص 487؛ بحار الأنوار، ج 96، ص 309.

3- وسائل الشیعة، ج 14، ص 273

4- إقبال الأعمال، ج 1، ص 317؛ وسائل الشیعة، ج 8، ص 183.

یکی از اعمال مستحب این روز که از ارزش و پاداش بلندی برخوردار است روزه گرفتن است حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند:

مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ ثَمَانِينَ شَهْرًا؛ (1) هر کس روز اول ذیحجه را روزه بگیرد خداوند روزه هشتاد ماه را برای او می نویسد

### ارسال آیات براءت

شیخ طوسی در «مصباح المتهجد» می گوید: در روز اول ذیحجه چون سوره براءت بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد آن حضرت آن را توسط ابوبکر به سوی مکه فرستاد. آن گاه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وحی شد:

أَنْتَ لَا يُؤَدِّيهَا عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ؛ مأمور رساندن این آیات، جز خودت و یا مردی از خودت نباید باشد.

از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فرستاد تا به ابوبکر ملحق شود و آن آیات را از او بگیرد و خود آن ها را ابلاغ کند. علی علیه السلام در روز سوم ذیحجه در روحاء، محلی در چهل میلی، مدینه به او رسید و آیات را گرفت و در روز عرفه و روز عید قربان،

ص: 113

در موسم حج بر اهل مکه قرائت کرد (1) در مناسبت روز دهم ذیحجه به شرح این واقعه خواهیم پرداخت.

## ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام

مرحوم سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» می گوید: مرحوم صدوق در «من لایحضره الفقیه» هم چنین شیخ طوسی در «مصباح المتهدد» روز اول ذیحجه را روز ولادت ابراهیم خلیل علیه السلام می دانند. (2) بنا بر این اول ماه ذی الحججه روز ولادت حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام، پیامبر بزرگ و بت شکن و بنا کننده خانه کعبه است.

حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از انبیای عظام الهی و از پیامبران اولوالعزم است. دین توحیدی به آن حضرت منتسب است. ایشان پدر ارجمند حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت اسحاق علیه السلام می باشد که به واسطه آن، دو نسب بسیاری از انبیا از جمله حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله به آن حضرت باز می گردد.

بر اساس روایات، حضرت ابراهیم علیه السلام 3000 سال پس از آفرینش آدم، یا 1263 پس از نوح به دنیا آمد. حضرت ابراهیم علیه السلام پسر تاریخ از نوادگان حضرت نوح علیه السلام و از پیامبران بزرگ الهی است.

حضرت ابراهیم علیه السلام در کشور بابل و در دوران حکومت «نمرود بن کنعان» چشم به جهان گشود در همان دوران کاهنان و ستاره شناسان از به دنیا آمدن کودکی که تاج و تخت نمرود را در هم می کوبد، خبر داده بودند. بر اساس این، پیش گویی نمرود دستور داد از زنان باردار مراقبت بسیار به عمل آید.

از این رو مادر حضرت ابراهیم امیله به هنگام درد زایمان رو به صحرا نهاد و فرزند خود ابراهیم را در غاری در بالای کوهی به دنیا آورد و تا سال ها او را در همان

ص: 114

---

1- مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 672

2- الاقبال الاعمال، ج 2، ص 36.



## ابراهیم خلیل الله

### اشاره

کفعمی در «مصباح» می فرماید: «وَفِيهِ وُلِدَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ اتَّخَذَهُ اللَّهُ خَلِيلًا (2)» در روز اول ماه ذیحجه ابراهیم به دنیا آمد و در همین روز خداوند او را به عنوان خلیل خود گرفت. «شیخ طوسی هم در «مصباح المتعجد» به همین نظریه معتقد است. (3)

عنوان «خلیل الله» امتیازی است برای حضرت ابراهیم علیه السلام که در قرآن نیز به آن تصریح شده است: «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (4) خلیل به معانی مختلفی آمده است که هر کدام می تواند بر حضرت ابراهیم علیه السلام منطبق باشد.

1. خلیل به معنای ولی و دوستی است که در مودت او خللی نباشد. خداوند به ابراهیم و ابراهیم به خداوند محبت کامل داشته است. محبت الهی سر تا پای وجود او را فرا گرفته بود به گونه ای که جایی برای محبت غیر خدا وجود نداشت.

2. خلیل به معنای فقیر هم آمده است و خُلَّتْ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی این که او به غیر خدا نیازی نداشت

3. خلیل شخص، به معنای صاحب اسرار اوست. از ماده «خَلَّ»، یعنی لایه دار بودن است و خلیل بودن ابراهیم از این رو است که او امانت دار اسرار الهی و برگزیده او و از الهام های غیبی و معارف الهی به طور کامل برخوردار بوده است.

روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به برخی از این معانی تصریح دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توضیح معنای خلیل فرمودند وقتی می گوئیم ابراهیم خلیل الله است، لفظ خلیل از «الْخَلَّةِ» یا «الْخُلَّةِ» گرفته شده است.

«الْخُلَّةِ» به معنای احتیاج و فقر است. او محتاج و فقیر در خانه خداست و

ص: 115

1- تفسیر القمی، ج 1، ص 206؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 29.

2- المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)، ص 514.

3- مصباح المتعجد، ص 671

4- سوره نساء، آیه 125.

از دیگران بی نیاز است و این معنا وقتی آشکار می شود که خواستند ابراهیم را با منجنیق در آتش بیندازند. خداوند به جبرئیل دستور داد که بنده ام ابراهیم را دریاب جبرئیل در وسط آسمان با ابراهیم ملاقات کرد و گفت: هر فرمانی داری بگو که مرا برای یاری تو فرستاده اند! ابراهیم علیه السلام در جواب جبرئیل گفت:

بَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ إِنِّي لَا أَسْأَلُ غَيْرَهُ وَلَا حَاجَةَ لِي إِلَّا إِلَيْهِ؛ (1) بلکه خدا کافی است و خوب وکیل و نگهبانی است. از غیر او درخواستی ندارم و به کسی غیر از او محتاج نیستم

از این رو خدای تعالی او را خلیل خود نامید؛ یعنی از دیگران بی نیاز و محتاج و فقیر در خانه اوست.

اگر خلیل را از «الْخُلَّة» بگیریم معنایش این است که بر اموری از اسرار اطلاع دارد که دیگری مطلع نیست (2)

عامل تشریف حضرت ابراهیم علیه السلام به این منزلت سجده فراوان بر زمین، کثرت صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، درخواست نکردن از غیر خداوند، پاسخ مثبت به درخواست دیگران، اطعام نماز، شب مدارا و مهربانی با مساکین و آشکار ساختن سلام دانسته شده است.

همه این عوامل می تواند در خلت ابراهیم علیه السلام مؤثر باشد؛ چنان که خلت جز با اجتماع این ویژگی ها در شخص امکان ندارد همه این عوامل در روایات ما ذکر شده است.

1. حضرت رضا علیه السلام به نقل از حضرت صادق علیه السلام می فرمودند:

إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِأَنَّهُ لَمْ يَرِدْ أَحَدًا وَ لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا قَطُّ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (3) خداوند به این دلیل ابراهیم علیه السلام را (از بین انبیا) خلیل خود

ص: 116

1- لإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج 1، ص: 24

2- بحار الأنوار، ج 9، ص 260.

3- علل الشرائع، ج 1، ص 34.

نمود چون هیچ کس از او چیزی درخواست نکرد که او را رد کند و نیز هرگز از غیر خدا چیزی سؤال ننمود و درخواستی نکرد.

## 2. حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمودند:

إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ (1) خداوند ابراهیم را به این جهت خلیل خود گردانید که بر محمد و آل محمد بسیار صلوات می فرستاد.

3. ابن ابی عمیر می گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا؛ چرا خدای عز و جلّ حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود گردانید؟» حضرت فرمودند:

لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ؛ (2) برای آن که بسیار بر زمین سجده می کرد.

4. جابر بن عبد الله الانصاری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند:

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامُ؛ (3) خداوند ابراهیم را خلیل خود نگردانید، مگر برای اطعام و غذا دادن به مردم و نماز خواندن در نیمه های شب در حالی که مردم همه در خواب بودند.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: وقتی فرستادگان پروردگار متعال نزد ابراهیم علیه السلام آمدند، آن حضرت گوساله ای بریان شده بر ایشان حاضر کرد و فرمود از آن بخورید عرضه داشتند از آن نمی خوریم تا ثمن و قیمتش را به ما بگویی حضرت فرمود:

ص: 117

1- علل الشرائع، ج 1، ص 34.

2- علل الشرائع، ج 1، ص 34

3- علل الشرائع، ج 1، ص 35

إِذَا أَكَلْتُمْ فَقُولُوا بِسْمِ اللَّهِ وَإِذَا فَرَعْتُمْ فَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ وقتی خواستید تناول کنید، بگویید بسم الله و پس از فراغت از آن بگویید: الحمد لله.

امام علیه السلام فرمودند: جبرئیل ملتفت اصحاب و همراهانش که چهار تن بودند و او رئیس ایشان بود شد و به آن ها فرمود: «حَقُّ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ هَذَا خَلِيلًا؛ سزاوار است که خداوند متعال او را خلیل خود قرار دهد.» (1)

البته خلت مرتبه ای از مراتب محبت است محبت مراتبی هم دارد که ابراهیم خلیل علیه السلام به آن راه نیافته است و آن ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله است که با لقب «حبیب الله» از سوی خدای متعال ملقب گشته است.

### جایگاه امامت

تشرف حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام خلت پس از نبوت حضرت بوده است. در روایات متعددی نیز تصریح شده که مقام خلت، پس از نبوت و رسالت و پیش از امامت وی بوده است. بنا بر این مقام و جایگاه امامت بسی فراتر از مقام خلت است. چنان که امام باقر علیه السلام در روایتی به مرتبه امامت که فوق همه مراتب است تصریح کرده و فرموده اند:

إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ إِمَامًا فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَقَبِضَ يَدَهُ قَالَ لَهُ يَا إِبْرَاهِيمُ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَمِنْ عِظْمِهَا فِي عَيْنِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِّ «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ (2) خدای تعالی ابراهیم علیه السلام را ابتدا به بندگی پذیرفت پیش از آن که او را به پیغمبری بپذیرد؛ و او را به پیغمبری پذیرفت پیش از آن که به رسالتش گیرد؛ و به رسالتش گرفت، پیش از آن که خلیلش گیرد؛ و خلیلش گرفت، پیش از آن که

ص: 118

1- علل الشرائع، ج 1، ص 35.

2- الکافی، ج 1، ص 175؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 12.

امامش گیرد و چون این مقامات را برایش فراهم نمود - امام پنج انگشت خود را برای نمودن این پنج مقام جمع کرد - به ابراهیم علیه السلام گفت: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ من تو را برای مردم امام قرار دادم!» از بس این مرتبت در چشم ابراهیم علیه السلام بزرگ آمد، گفت: «پروردگارا، و از فرزندان من هم امام قرار می دهی؟ خداوند فرمود: پیمان من به ستم کاران نمی رسد»

### بشارت مقام خلت

خداوند ابراهیم را خلیل خود گردانید و بشارت خلیل بودن را «ملك الموت» آورد، در حالی که به صورت جوانی خوش رو ظاهر شده و دو لباس سفید پوشیده بود و چنان با طراوت بود که گویی از سرش آب و روغن می ریخت

حضرت ابراهیم علیه السلام بسیار با غیرت بود روزی از پی کاری بیرون رفت و در را بست چون بازگشت و در را گشود دید مردی در نهایت حسن و به منتها درجه جمال، میان خانه ایستاده است. غیرت آن حضرت به جوش آمد، به گونه ای که از جای به در رفت و سخت منقلب و ناراحت گردید. گفت: ای بنده خدا چه کسی تو را داخل خانه من نموده است؟ عرض کرد: خدای خانه مرا داخل خانه نموده است.

فرمود: خدای خانه سزاوار تر از من است تو کیستی؟ عرض کرد: ملك الموت. آن حضرت وحشت کرد و فرمود: آیا برای قبض روح من آمده ای؟ گفت: برای چنین امری نیامده ام بلکه خداوند بنده ای را خلیل خود گردانیده و آمده ام که این بشارت را به او برسانم.

فرمود: آن بنده کیست؟ شاید بتوانم خود را به او برسانم و تا زنده هستم به او خدمت نمایم گفت: آن بنده خاص تویی آن حضرت خرسند و خوشحال گردید و نزد ساره همسر خود آمد و فرمود: خداوند مرا خلیل خود گردانیده است. (1)

ص: 119

## ازدواج امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام

روز اول ذیحجه بنا بر نقل «شیخ طوسی»، روز ازدواج امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در سال دوم هجری است. (1) برخی نیز آن را روز ششم ذیحجه ذکر کرده اند. (2) در تقویم رسمی ایران روز اول ماه ذیحجه به عنوان روز ازدواج ایشان درج شده است.

ازدواجی به این با برکتی در عالم نداریم این یک ازدواج مبارک به معنای واقعی کلمه است. زوج و زوجه هر دو در کمال عصمت و یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل این دو بزرگوارند.

این زیبا ترین پیوند آسمانی است که در جهان اسلام نمونه آن تکرار ناشدنی است. در این روز مبارک حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام، برترین بانوی جهان پیمان عشق بستند و خداوند متعال برترین فرستاده خود را شاهد این ازدواج قرار داد.

سال روز ازدواج مبارک حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام که به عنوان روز ازدواج نام گذاری شده است برای کسانی که زندگی خود را با خاطره های زیبا از سال روز ازدواج امام علی و حضرت فاطمه علیها السلام آغاز می کنند بسیار فرخنده است.

ازدواج این دو بزرگوار به امر الهی، از امتیازاتی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به آن افتخار می کردند در این پیوند مبارک فرشتگان آسمان در سرور و شادمانی و بهشتیان به زینت و زیور آراسته شده بودند.

### مراسم خواستگاری

درباره خواستگاران حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خواستگاری امیر المؤمنین علیه السلام روایت های متفاوتی نقل شده است که به طور اجمال به یکی از آن ها می پردازیم.

قبل از خواستگاری امیر المؤمنین علیه السلام، عمر و ابوبکر، حضرت فاطمه را از پیامبر

ص: 120

1- مسار الشیعه، ص 36؛ مصباح المتهجد، ص 671؛ مصباح کفعمی، ج 2، ص 600.

2- عیون المعجزات، ص 87؛ وقایع الایام، ص 152.

خواستگاری نموده بودند و هر دوی آن‌ها پاسخی با این مضمون از پیامبر شنیده بودند که پیامبر صلی الله علیه و اله درباره ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام منتظر وحی الهی است.

زمانی که حضرت علی علیه السلام اقدام به خواستگاری ایشان نمودند، پیامبر صلی الله علیه و اله در منزل ام سلمه بودند. هنگامی که در زدند ام سلمه پرسید: کیست؟ قبل از آن که علی علیه السلام پاسخ بدهد پیامبر دستور داد در را باز کن و بگو داخل شود. «فَهَذَا رَجُلٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيُحِبُّهُمَا؟» او کسی است که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز آن‌ها را دوست دارد!

حضرت علی علیه السلام وارد شد سلام کرد و در حضور رسول خدا صلی الله علیه و اله نشست و چشمان خود را بر زمین دوخت شرم از پیامبر صلی الله علیه و اله مانع گفتن خواسته اش می شد پیامبر صلی الله علیه و اله که، خود علی علیه السلام را بزرگ کرده و از روحيات او با خبر بود سکوت را شکست و فرمود «می بینم برای حاجتی این جا آمده ای. خواسته ات را بر زبان آور و آن چه در دل داری باز گو که خواسته ات پیش من پذیرفته است.»

علی علیه السلام با سخنانی شیرین خواسته اش را چنین باز گو کرد: «پدر و مادرم فدای شما وقتی خرد سال بودم مرا از عمویتان ابو طالب و فاطمه بنت اسد گرفتید. با غذای خود و به اخلاق و منش خود بزرگم کردید نیکی و دل سوزی شما در باره من از پدر و مادرم بیشتر و بهتر بود تربیت و هدایت من به دست شما بوده و شما ای رسول خدا، به خدا سوگند ذخیره دنیا و آخرت من می باشید. ای رسول خدا! اکنون که بزرگ شده ام دوست دارم خانه و همسری داشته باشم تا در سایه انس با او آرامش یابم. آمده ام تا دخترتان فاطمه را از شما خواستگاری کنم. آیا مرا می پذیرید؟»

چهره پیامبر صلی الله علیه و اله چون گل شکفته شد گویا انتظار این لحظه را می کشید خوشحال شد ولی جواب قطعی را بر عهده حضرت فاطمه علیها السلام گذاشت. وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله خبر خواستگاری علی علیه السلام را به فاطمه علیها السلام دادند، فاطمه علیها السلام به نشانه رضایت از این پیوند سکوت کردند و این گونه بود که این خواستگاری

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌّ عَلَى الْأَرْضِ؛ (2) اگر خداوند متعال امیر المؤمنین علی علیه السلام را خلق نمی کرد در تمام زمین انسانی که هم طراز و شایسته همسری با حضرت فاطمه علیها السلام باشد یافت نمی شد

### دعای پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فاطمه علیها السلام را برای من تزویج نمود، آن گاه نزد من آمد و دستم را گرفت و فرمود به نام خدا برخیز و بگو: «عَلَى بَرَكَاتِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» سپس مرا آورد و نزد حضرت زهرا اطهر علیها السلام نشانید، آن گاه فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَحِبَّهُمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا وَ إِنِّي أُعِيدُ هُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛  
بار خدایا! اینان نزد من محبوب ترین خلق تو می باشند. تو ایشان را دوست داشته باش، و خیر و برکت به فرزندانشان عطا بفرما ایشان را محفوظ بدار پروردگارا من ایشان و ذریه ایشان را از شر شیطان رجیم به تو می سپارم

### تهیه جهیزیه

پس از خواستگاری و مراسم عقد زمان آن رسید که علی علیه السلام برای آغاز زندگی جدید خود با حضرت فاطمه علیها السلام وسایلی را فراهم کند. علی علیه السلام در آن زمان شمشیر و زره را به عنوان دارایی خود داشت که توسط آن ها در راه خدا جهاد می کرد

ص: 122

1- كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 1، ص 354؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 126

2- الأما لي (للطوسي)، ص 43؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 97.



و شتری که در باغ های مدینه با آن کار می کرد تا از مهمانی انصار بی نیاز باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم پذیرفتند که علی علیه السلام زره خود را بفروشد و مبلغ آن را به عنوان بخشی از مهریه حضرت فاطمه علیها السلام در اختیار پیامبر قرار دهد

زره به قیمت چهار صد درهم به فروش رفت پیامبر مقداری از آن را به بلال داد تا برای یگانه دختر پیامبر عطر خریداری کند باقیمانده آن را نیز در اختیار عمار یاسر و گروهی از اصحاب خود قرار داد تا لوازم منزل برای زندگی حضرت فاطمه علیها السلام خریداری کنند (1) از صورت جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام می توان به وضع زندگی ساده بانوی بزرگوار اسلام به خوبی پی برد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام را به ساده ترین و راحت ترین روش زمان خود انجام داد تا الگویی نیک برای جوانانی باشد که در آستانه ازدواج قرار دارند. مهریه 500 درهمی فاطمه علیها السلام هم به همین دلیل تعیین شد.

ص: 123

---

1- الأُمالي (للطوسي)، ص 40؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 94.

## شهادت امام باقر علیه السلام

بنابر قول مشهور رخداد شهادت امام باقر علیه السلام در روز هفتم ذیحجه سال 114 هجری بوده است. از آن جا که تلاش امویان بر از یاد بردن نام و نشان اهل بیت علیهم السلام بوده است، بی تردید وصیت امام باقر علیه السلام به اقامه سوگواری برای ایشان در سرزمین منا، به وقت حضور و تجمع حاجیان در آن مکان آن هم به مدت ده سال و تعیین مبلغ مشخصی برای آن برای احیای نام و یاد ایشان، (1) نوعی مبارزه با امویان به شمار می رود (2)

آن حضرت در روز جمعه نخستین روز ماه رجب سال 57 هجری قمری در مدینه تولد یافت و نسبش از هر دو سو علوی و فاطمی است مادرش فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام زنی ممتاز بود که به فرموده امام صادق علیه السلام در آل حسن علیه السلام نظیر نداشت. (3)

امام باقر علیه السلام در طول عمر 57 ساله خود با رخداد های گوناگون مواجه بود می توان گفت: تلخ ترین آن در سن چهار سالگی بود که با حضورش در نهضت حضرت سید الشهداء علیه السلام در سال 61 هجری ناگواری های بسیاری را تحمل کرد

ص: 124

---

1- الکافی، ج 5، ص 117.

2- باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص 365.

3- الکافی، ج 1، ص 469، ح 2.

که بخشی از آن‌ها در گزارش‌های آن حضرت نمود دارد.

دوران زندگی آن حضرت با حکمرانی ده تن از خلفای بنی امیه و بنی مروان از معاویه تا هشام بن عبد الملک هم زمان بود و مدت نوزده ساله امامت، با پنج خلیفه، مروان ولید و، سلیمان پسر عبد الملک عمر بن عبد العزیز یزید بن عبد الملک، و هشام بن عبد الملک معاصر بود. (1)

### مرجعیت فکری و دینی

امام باقر علیه السلام در این مدت با تأسیس دانشگاه اهل بیت علیهم السلام به پرورش شاگردانی پرداخت که تعداد آنان به گزارش شیخ طوسی به 466 نفر می‌رسید. (2)

بدین جهت باز ماندگان صحابه و بزرگان تابعین و رؤسای فقیهان مسلمان از آن بزرگوار در خصوص اخبار پیشینیان پیامبران، جنگ‌های پیامبر علیه السلام، و سیره و سنت آن حضرت و نیز فقه و تفسیر و حدیث روایت می‌کردند؛ به حدی که امام علیه السلام و ضرب المثل فضیلت شده بود. (3)

فضیلت‌های امام باقر علیه السلام به حدی انتشار یافته بود که آوازه آن نظر اقشار مختلف جامعه را متوجه ایشان کرد و مرجعیت فکری و دینی مردم را به آن حضرت سپرد؛ به گونه‌ای که توده‌های مردم پرسش‌های خود درباره توحید و آغاز آفرینش و مسائل حج و تاریخ پیامبران و آداب و سنن را نزد وی می‌بردند و به ایشان مراجعه می‌کردند؛ چنان که صاحبان فکر و نحله‌های مختلف نیز در حل بسیاری از مشکلات علمی از محضر آن حضرت بهره می‌گرفتند. حتی برخی از مشکلات مالی مردم نیز به کرامت ایشان سامان می‌یافت.

امام باقر علیه السلام یکی از روایان واقعه غدیر هستند که به تفصیل و با ذکر جزئیات این واقعه را بیان فرموده‌اند و روایت امام باقر علیه السلام یکی از متقن‌ترین منابع خطبه

ص: 125

---

1- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 4، ص 120.

2- رجال شیخ طوسی، ص 102 تا 142.

3- باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص 350.

غدیر به شمار می آید هم چنین به مناسبت های مختلف به واقعه غدیر اشاره فرموده اند.

## ولادت ابراهیم، فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

محمد بن ابراهیم بن عبد الله آخرین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله است. مادرش ماریه قبطیه، کنیزی بود که مُقَوِّس حاکم، اسکندریه، در سال ششم هجری به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه کرد.

ماریه کنیزی سفید و زیبا روی و مورد علاقه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که پس از اسلام آوردن، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به همسری برگزید و او را در نخلستانی که امروز به «مَشْرَبه ام ابراهیم» معروف است و از اموال بنی نضیر بود، جای داد. (1)

ابراهیم در ذیحجه سال هشتم هجری در مدینه به دنیا آمد. خبر ولادت او را قابله ماریه سَلَمی، کنیز آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شوهرش ابورافع آورد. ابورافع مزده تولد ابراهیم را به پیامبر داد و آن حضرت غلامی را برای مزدگانی به ابورافع بخشید و فرمود امشب دارای فرزندی شدم و نام پدرم ابراهیم را بر او نهادم همچنین فرمود این پسر مادرش را از بردگی آزاد کرد.

بعد از تولد، ابراهیم جبرئیل با کنیه «ابو ابراهیم» نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و بر ایشان سلام داد (2) روز هفتم ولادت، ابراهیم رسول خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی را به رسم، عقیقه قربانی کرد و به وزن موهای سر او میان فقیران نقره تقسیم کرد. سپس دستور داد آن موها را دفن کنند. (3) این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان سنت ایشان، تأکیدی بر استحباب این رسم هنگام ولادت فرزند است

بعد از تولد، ابراهیم زنان انصار بسیار مشتاق بودند تا به وی شیر دهند. پیامبر او را به ام، برده دختر منذر بن زید از طایفه بنی نجار و همسر براء بن اوس سپرد.

ص: 126

---

1- طبقات، ج 1، ص 107.

2- طبقات، ج 1، ص 108.

3- الاستیعاب، ج 1، ص 50

ایشان هر روز برای دیدن فرزندش ابراهیم به قبیله بنی نجار می رفت و خواب قیلوله نیم روز خود را کنار پسرش ابراهیم انجام می داد

رسول خدا صلی الله علیه و سلم ابراهیم را شبیه خود می دانست. ابن سعد در روایتی از عایشه آورده است روزی رسول خدا علیه السلام ابراهیم را همراه خود نزد عایشه برد و به او فرمود: «انظری إلیَّ شَبَّهَ بی؛ شباهتش را به من بنگر!» عایشه گفت: شباهتی نمی بینم. فرمود: مگر سفیدی او را نمی بینی؟ عایشه پاسخ داد: هر کودکی که دوران جنینی اش کوتاه، باشد سفید و فربه می شود (1)

باردار شدن ماریه از پیامبر سبب نا خوشایندی برخی از همسران ایشان شد. نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله به ماریه (همانند زنان آزاد) دستور حجاب داد این بر زنان ایشان ناخوش آمد و سبب حسادت آنان به ماریه شد. (2) گویا همین امر سبب انتقال ماریه به بیرون مدینه گشت

### فدایی امام حسین علیه السلام

ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت کرده است: در خدمت نبی مکرم صلی الله علیه و سلم بودم و فرزندش ابراهیم بر زانوی چپ و حسین بن علی علیه السلام بر زانوی راست او نشسته بودند و آن حضرت گاهی این را می بوسید و گاه آن را

ناگاه جبرئیل از جانب پروردگار جهان بر آن حضرت نازل شد. چون حالت وحی از حضرت بر طرف گشت فرمود جبرئیل نزد من آمد و گفت ای محمد پروردگار تو بر تو سلام می رساند و می گوید من این دو را با هم برای تو نمی گذارم. یکی را فدای دیگری کن

پیغمبر صلی الله علیه و سلم نگاهی به ابراهیم کرد و بگریست و گفت: مادر او کنیزکی است و اگر رحلت کند کسی غیر از من بر او محزون نگردد و مادر حسین فاطمه است و پدرش علی پسر عم من است که گوشت و خون من است.

ص: 127

---

1- طبقات، ج 1، ص 86.

2- طبقات، ج 1، ص 108.

اگر حسین از دنیا، برود دخترم و پسر عمّم و خود من بر او محزون می شویم، و من حزن خویش را بر حزن آن ها برگزیدم ای جبرئیل! ابراهیم در گذرد که او را فدای حسین کردم غم از دست دادن ابراهیم برای پیامبر صلی الله علیه و اله بسیار دشوار بود، ولی پیامبر صلی الله علیه و اله به خاطر خدا به چنین مصیبتی رضایت داد.

ابن عباس گفت: ابراهیم پس از سه روز رحلت کرد و پیغمبر صلی الله علیه و اله هرگاه حسین علیه السلام را می دید به سوی او می آمد، او را می بوسید و به سینه می چسبانید و ثنای او را می مکید و می گفت:

فَدَيْتُ مَنْ فَدَيْتُهُ بِأَبْنِي إِبْرَاهِيمَ فَدَايَ أَنْ كَمَا فَرَزْنَا خُودَ إِبْرَاهِيمَ رَا فِدَايَ أَوْ كَرْدَم. (1)

## وفات و دفن

ابراهیم پس از یک سال و اندی روز سه شنبه دهم ربیع الاول سال دهم هجری وفات یافت برخی وفات او را در هجدهم رجب همان سال دانسته اند. مدت عمر وی را به اختلاف 16 یا 18 یا 22 ماه گفته اند. بنا بر این که او در ذیحجه سال هشتم زاده شده و در ربیع الاول سال دهم رحلت کرده باشد، 16 ماه زنده بوده است رسول خدا صلی الله علیه و اله بعد از در گذشت او فرمود او در بهشت دایه ای دارد که باقیمانده مدت شیرخواری اش را کامل خواهد کرد»

## در اندوه ابراهیم

پیامبر در مرگ فرزندش ابراهیم سخت اندوهگین شد و گریست. از ایشان پرسیدند: آیا شما هم گریه می کنید؟ فرمود:

تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ يَحْزَنُ الْقَلْبُ وَ لَا تَقُولُ مَا يُسْخِطُ الرَّبَّ؛ (2) دل می سوزد و چشم اشک می ریزد؛ اما سخنی نمی گوئیم که خدا را به خشم آورد.

ص: 128

---

1- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 81؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 153.

2- بحار الأنوار، ج 22، ص 157.

بعد از درگذشت، ابراهیم، رسول خدا صلی الله علیه و سلم دستور داد تا علی بن ابی طالب علیه السلام او را برای دفن آماده کند علی علیه السلام او را غسل داد و کفن کرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: او را در کنار یار پیش گام خود عثمان بن مظعون دفن می کنیم. به دستور پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله ابراهیم را در قبرستان بقیع و کنار قبر عثمان بن مظعون که رسول خدا صلی الله علیه و اله به او بسیار علاقه داشت در منطقه رحاء بقیع دفن کردند.

هنگام دفن ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام دستور داد تا وارد قبر شود و سنگ لحد را بگذارد. مردم گمان کردند جایز نیست کسی وارد قبر فرزند خود شود. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود حرام نیست که در قبر فرزندان خویش وارد شوید؛ اما از این بیمناکم که وقتی در قبر وارد شوید و کفن را از صورت فرزندان کنار زنید شیطان با شما بازی کند تا در بی تایی افراط ورزید و اجر و پاداش شما تباه شود. بعد از دفن، ابراهیم پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور داد بر روی قبر وی آب بپاشند. (1)

### خورشیدگرفتگی در فوت ابراهیم

هنگام مرگ ابراهیم خورشید گرفت مردم پنداشتند که خورشید گرفتگی به سبب درگذشت اوست. رسول خدا صلی الله علیه و سلم دستور داد مردم در مسجد گرد آیند. سپس فرمود:

إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعَانِ لَهُ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ؛ (2) خورشید و ماه دو نشانه خدایند که به امر او جریان دارند و مطیع او هستند و برای مرگ یا زندگی کسی نمی گیرند.

### طعنه به رسول خدا صلی الله علیه و اله

پس از مرگ، ابراهیم برخی از زنان رسول خدا صلی الله علیه و اله طعنه زدند که اگر محمد پیامبر بود فرزندش نمی مُرد. برخی نیز ایشان را ابتر نامیدند. عده ای از مردم

ص: 129

1- بحار الأنوار، ج 22، ص 156.

2- بحار الأنوار، ج 22، ص 155

گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله از شدت بی تابی و ناراحتی فراموش کرد بر فرزندش نماز بگزارد جبرئیل فرود آمد و سخنان مردم را به رسول خدا خبر داد.

پیامبر رو به روی جمعیت ایستاد و فرمود جبرئیل سخنان شما را به من خبر داد. اما چنان نیست که گفتید خداوند متعال پنج نماز بر شما واجب کرده و امر فرموده که نماز میت نخوانم، مگر بر جنازه ای که نماز خوانده باشد، یا به صورت تمرینی بتواند نماز بخواند.

مقصود از این جمله اخیر آن است که دست کم آن کودک به هفت سالگی رسیده باشد از این رو در فقه شیعه نماز میت تنها بر جنازه کودکی واجب است که شش سال او تمام شده باشد. بر پایه روایتی از امام کاظم علیه السلام پس از درگذشت ابراهیم سه سنت جریان یافت که مستند فقها برای سه حکم فقهی شد؛ از جمله استحباب نماز میت بر کودک و نه وجوب آن (1).

ص: 130



هشتم ذیحجه روز ترويه است و این روزی است که حجاج نیت حج تمتع می نمایند و محرم شده از مکه به سمت منا حرکت می نمایند و شب را در آن جا بیتوته می کنند و صبح عرفه به جانب عرفات رهسپار می گردند.

علت نامگذاری این روز بدان جهت است که در منی و عرفات آب وجود ندارد و حاجیانی که قصد وقوف در منی و عرفات را دارند باید از مکه معظمه برای خویش آب تهیه کرده و به همراه خود ببرند و چنین حالتی را «ترويه» می نامند.

هنگامی که حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام کار ساخت کعبه را به پایان بردند و به زیارت آن پرداختند جبرئیل امین در روز هشتم ذیحجه، بر آنان نازل شد و به ابراهیم علیه السلام گفت: «يَا اِبْرَاهِيمُ قُمْ فَاَزْتَوِ مِنَ الْمَاءِ؛ ای ابراهیم، برخیز و برای خود آب تهیه کن» زیرا در منی و عرفات آب وجود ندارد. بدین لحاظ روز هشتم ذیحجه روز «ترويه» نامیده شد. (1)

روز ترويه در اصل روز آماده شدن برای ورود به عرفات و عید قربان است و از روزهای مهم ماه ذیحجه است که آداب و اعمالی مخصوص دارد. بر اساس

ص: 131

روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام روزه گرفتن در آن کفاره شصت سال است. (1)

## نخستین حج ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

هنگامی که حضرت اسماعیل علیه السلام به سنین میان سالی رسید، خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد که بار دیگر از شام به مکه رود و با یاری اسماعیل علیه السلام خانه خدا را تجدید بنا کند حضرت ابراهیم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا، در چه مکانی آن را بنا کنیم؟ وحی شد، در همان مکانی که پیش از تو حضرت آدم در آن قبه ای بنا نهاده بود.

آن گاه جبرئیل مکان بیت الله را به ابراهیم علیه السلام نشان داد و برای وی، حدود و مساحت آن را معین نمود و پایه های آن را از بهشت آورد و هم چنین خداوند متعال سنگی را که از برف سفیدتر بود از بهشت برای حضرت ابراهیم علیه السلام نازل کرد، ولی پس از نصب بر دیوار کعبه و دست زدن مشرکان و کافران بر آن به رنگ سیاه درآمد و به «حجر الاسود» معروف شد.

به هر حال حضرت اسماعیل علیه السلام از کوه «ذی طوی» سنگ می آورد و حضرت ابراهیم علیه السلام دیوار خانه خدا را می چید وی هنگامی که دیوار را به مقدار نه ذراع از زمین بالا آورد سنگ بهشتی را بر بدنه آن مکانی که هم اکنون قرار دارد، نصب کرد. او برای کعبه دو در گذاشت، یکی به سمت شرق و دیگری به سمت غرب و این گونه خانه کعبه محل ولادت امیر المؤمنین علیه السلام بنا شد.

آن گاه جبرئیل امین حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام را به عرفات و منی راهنمایی کرد و اعمال حج را به آنان آموخت، همان طوری که پیش از آن، به حضرت آدم علیه السلام آموخته بود (2).

در قرآن کریم آیات متعددی به این ماجرا پرداخته و آن را از زوایای گوناگون تشریح نموده است از جمله آیه های 125 تا 132 سوره بقره، داستان ساخت

ص: 132

1- الاقبال بالاعمال الحسنه ، ج 2، ص 49.

2- تفسیر القمی، ج 1، ص 62؛ بحار الأنوار، ج 96، ص 38.

کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام و درخواست های حضرت ابراهیم علیه السلام از محضر پروردگار متعال را بیان نموده است.

### حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کوفه

بیشتر مورخان نوشته اند: امام حسین علیه السلام در روز هشتم ذیحجه، پیش از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل از مکه به سمت کوفه خارج شدند. به ویژه این که در نامه آن حضرت که از راه عراق به مردم کوفه فرستادند آمده است:

وَقَدْ سَخَصْتُ إِلَيْكُمْ مِنْ مَكَّةَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِثَمَانَ مَضَيْنَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْكُمْ رَسُولِي فَأَنْكَمَشُوا فِي أَمْرِكُمْ وَجِدُوا فَإِنِّي قَادِمٌ عَلَيْكُمْ فِي أَيَّامِي هَذِهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ؛ (1) و من در روز سه شنبه هشتم ماه ذیحجه، روز، ترویبه از مکه به سوی شما رهسپار شدم و چون این فرستاده من (قیس بن مسهر یا عبد الله بن یقطر) به شما رسید در کار خود بشتابید و کوشش کنید؛ زیرا من همین روزها بر شما وارد می شوم و السلام علیکم ورحمة الله.

### ناتمام ماندن حج امام حسین علیه السلام!

این سخن مشهور که امام حسین علیه السلام حج خود را نیمه تمام گذاشت سخن نادرستی است؛ زیرا امام علیه السلام در روز هشتم ذیحجه (یوم ترویبه) از مکه خارج شد؛ در حالی که اعمال حج که با احرام در مکه و وقوف در عرفات شروع می شود، از شب نهم ذی الحجه آغاز می شود.

بنا بر این، امام علیه السلام وارد اعمال حج نشده بود تا آن را نیمه تمام گذارد. ایشان در هنگام ورود به مکه عمره مفرده انجام دادند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

قَدْ اعْتَمَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ وَ النَّاسُ يَرْوَحُونَ إِلَيَّ مَنِّي وَ لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ؛ (2)

ص: 133

1- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 70.

2- الكافي، ج 4، ص 535.

جدم حسین بن علی علیه السلام در ماه ذیحجه لباس عمره پوشید، سپس روز هشتم ذیحجه راهی عراق شد در حالی که حاجیان راهی منی بودند. اگر کسی مایل نباشد که در مراسم حج شرکت کند، مانعی ندارد که در ماه ذیحجه عمره خالص به جا بیاورد.

### دلیل خروج امام علیه السلام از مکه

می توان دلایل این خروج را به طور خلاصه چنین ذکر نمود: 1. خطر جانی 2. شکسته نشدن حرمت بیت الله الحرام . امام علیه السلام به عبد الله بن زبیر فرمود:

وَ اللّٰهُ ، لِأَنَّ اقْتَلَ خَارِجاً مِنْهَا بِشِبْرِ، أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ اقْتَلَ دَاخِلًا مِنْهَا بِشِبْرِ، وَ اِيْمَ اللّٰهُ ، لَوْ كُنْتُ فِي جُحْرِ هَامَةَ مِنْ هَذِهِ الْهُوَامِ لَأَسْتَخْرَجُونِي حَتَّى يَقْضُوا فِي حَاجَتِهِمْ (1) به خداوند سوگند اگر یک وجب خارج از مکه کشته شوم برای من دوست داشتنی تر است تا آن که به اندازه یک وجب در داخل مکه کشته شوم به خداوند سوگند اگر من به لانه ای از لانه جانوران پناه برم مرا از آن بیرون خواهند کشید تا آن چه را از من می خواهند به دست آورند. (یعنی از من بیعت بگیرند در غیر این صورت مرا به قتل برسانند.)

\* بنا به روایت شیخ مفید، امام کاظم علیه السلام در آخرین ماه های سال 179 قمری، به فرمان هارون الرشید دستگیر و راهی عراق شد و در هشتم ذیحجه وارد زندان بصره گردید و پس از یک سال از آن جا به بغداد فرستاده شد. (2)

ص: 134

---

1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 385؛ وقعة الطف، ص 152.

2- نگاه کنید: به الارشاد، ص 579؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 307.

نهم ماه ذیحجه، روز عرفه و آغاز اعمال حج تمتع است. این روز در تمام سال برای دعا و عبادت امتیاز دارد. همان طور که در میان شب های سال هیچ شبی به اندازه شب قدر اهمیت ندارد بعد از ظهر روز عرفه نیز در میان روز های سال از امتیاز ویژه ای برخوردار است

هر چند در روز عرفه حضور در کنار قبر مطهر سید الشهداء علیه السلام و نیز تشرف به حج و وقوف در صحرای عرفات فضیلت و توفیق عظیمی است، اما دعا و درخواست از پیش گاه خداوند رحمان و رحیم در عصر روز عرفه برای هر کس در هر کجا که باشد بسیار مغتنم است. امام سجاد علیه السلام در دعای روز عرفه عرضه می دارند:

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَهُ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَقَضَّيْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ؛  
(1) بار خدایا این روز عرفه است روزی است که آن را شریف و گرامی و بزرگ داشته ای و رحمت خود را در آن گسترده، و عفو را انعام، نموده و عطایت را در آن بسیار کرده و به سبب آن بر بندگانت تفضل و احسان فرموده ای

ص: 135

## روز دعا و درخواست از خداوند

امام باقر علیه السلام فرمودند:

يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ دُعَاءٌ وَ مَسْأَلَةٌ؛ (1) روز عرفه روز دعا و درخواست از خداوند است.

از جمله دعا های آن روز دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السلام است که مجموعه ای گران قدر از ناب ترین معارف توحیدی و والاترین دروس معرفت الله و تهذیب نفس است. و نیز دعای روز عرفه امام سجاد علیه السلام که چهل و هفتمین دعای صحیفه سجادیه، این زبور آل محمد صلی الله علیه و آله است

در روز عرفه حجاج از شهر مکه به صحرای عرفات آمده و در آن جا به راز و نیاز و دعا پرداخته و پس از نماز ظهر و عصر این دعا را در آن وادی رحمت می خوانند. سپس به سمت سرزمین مشعر الحرام حرکت می کنند تا در روز عید قربان در سرزمین منا باشند

امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره راز و قوف در عرفات فرمود: «عرفات، خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه آن قدر تضرع کند تا لایق ورود به حرم شود.» (2)

### مباهات خدای متعال

عصر روز عرفه و ظهر روز دهم که حاجیان در منا حضور دارند، خدای سبحان به فرشتگان مباهات می کند و می فرماید

لَهُمْ هُوَ لَاءِ عِبَادِي وَإِمَائِي حَضْرُونِي هَاهُنَا مِنَ الْبِلَادِ الصَّحِيحَةِ الْبَعِيدَةِ شُغْتًا غَيْرًا قَدْ فَارَقُوا شَهْرَاتِهِمْ وَ بِلَادَهُمْ وَ أَوْطَانَهُمْ وَ أَخْدَانَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي؛ (3) اینان بندگان من هستند که از راه های، دور با چهره های غبار آلود

ص: 136

1- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 88

2- نگاه کنید به: الکافی، ج 4، ص 224

3- بحار الأنوار، ج 96، ص 259

و مشکلات بسیار به این جا آمده اند و به خاطر جلب خشنودی من لذت ها را کنار گذاشته اند و شهر و وطن و دوستان خود را رها کرده اند.

این، روز برای تقویت معرفت الهی و رابطه عمیق تر با خداوند متعال و شناخت صفات جمال و جلال، پروردگار بسیار مناسب و مغتنم است.

این روز به ویژه برای کسانی که در سرزمین پر خاطره و انسان ساز عرفات باشند و در مناسک حج شرکت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود؛ آنان که در لباس سفید، احرام با قلبی مملو از عشق خداوند دعای عرفه امام حسین علیه السلام را در سرزمین عرفات زمزمه می کنند از این زلال معرفت، ناب بیش از دیگران سیراب می شوند

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: خداوند بر اهل عرفات نعمت داده به وسیله آنان بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید

يا مَلَائِكَتِي، انظروا إلى عبادي شعثا غبرا، أقبلوا يَصْرِبُونَ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَجَبْتُ دُعَاءَ هُمْ ، وَشَفَعْتُ رَغَبَتَهُمْ ، وَهَبْتُ مُسِيئَتَهُمْ لِمُحْسِنِهِمْ، وَأَعْطَيْتُ مُحْسِنَهُمْ جَمِيعَ مَا سَأَلَنِي، غَيْرَ التَّبَعَاتِ الَّتِي بَيْنَهُمْ (1) أَي فرشتگان من به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری، راه سپرده اند و آمده اند شما را گواه می گیرم که دعای شان را مستجاب کردم خواسته شان را بر آوردم خطا کار شان را به خاطر نیکو کار شان بخشیدم و به نیکوکار شان هر چه که از من خواست عطا کردم؛ جز تبعاتی را که میان خودشان دارند (حق الناس)

امام سجاد علیه السلام در روز عرفه صدای سائلی را شنید که از مردم درخواست می کرد، به او فرمودند:

وَيَحْكُ أَغْيَرَ اللَّهِ تَسَأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيُرْجَى لِمَا فِي بَطْنِ الْحَبَالَى فِي

ص: 137

هَذَا الْيَوْمَ أَنْ يَكُونَ سَعِيدًا: (1) وای بر تو! آیا در چنین روزی از غیر خدا درخواست می کنی؟! در حالی که در این روز برای بچه هایی که در شکم مادران هستند امید سعادت و خوشبختی می رود.

امام سجاد علیه السلام همواره می فرمودند:

يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ لَا يَسْأَلُ فِيهِ أَحَدٌ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛ (2) روز عرفه روزی است که هیچ کس نباید جز از خدای تعالی درخواست کند

## دعا برای دیگران

در روز عرفه، مخصوصاً دعا برای مؤمنان و دوستان بسیار سفارش شده است، چه آنان که زنده اند و چه کسانی که از دنیا رفته اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِذَا دَعَا الرَّجُلُ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ ضِعْفِ مِثْلِهِ وَإِذَا دَعَا لِنَفْسِهِ كَانَتْ لَهُ وَاحِدَةٌ فَمِائَةُ أَلْفٍ مِثْلُهَا خَيْرٌ مِنْ وَاحِدَةٍ لَا يُدْرَى يُسْتَجَابُ لَهُ أَمْ لَا: (3) چون کسی غیباً برادر خود را دعا کند، وی را از فراز عرش ندا دهند و برای تو صد هزار برابر آن چه برای برادر خود خواستی مقرر است و چون برای خود دعا کند، همان يك چیز که خواسته است به او داده خواهد شد بنا بر این آن صد هزار دعای ضمانت شده از این يك دعا که اجابتش معلوم نیست بهتر است

در روز عرفه مثل شب قدر همه باید برای دعا و نیایش بسیج شوند که برای دعا کردن روزی بهتر از روز عرفه نداریم.

انسان گناهان متفاوتی دارد. برخی از آن ها نابخشودنی به نظر می رسند. از آن جا که لطف و کرم الهی در عرفات بسیار متبلور است حتی این گونه گناه کاران هم در عرفات بخشوده می شوند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 138

1- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 211.

2- الأصول الستة عشر، ص 341

3- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 212



مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ (1) برخی از گناهان هستند که جز در لاق و عرفات بخشوده نمی شوند

## عرفه و عرفات

اما چرا این روز را عرفه و آن سرزمین را عرفات نام نهادند؟ تعبیرهای زیادی هست. یکی از آن‌ها این است: جبرئیل در آن جا به ابراهیم علیه السلام گفت:

هَذِهِ عَرَفَاتٌ فَأَعْرِفْ بِهَا مَنَاسِكَكَ وَاعْتَرِفْ بِذُنُوبِكَ فَسَمِّيَ عَرَفَاتٍ (2) این عرفات است. مناسک خود را در این جا بشناس و به گناه خود اعتراف کن از این رو آن مکان عرفات نامیده شده است.

عرفات هم سرزمین دعا و معرفت است و هم اعتراف به گناه و درخواست از خدای تعالی امام صادق علیه السلام می فرماید:

سُمِّيَ الْمُعْرِفَ لِأَنَّ آدَمَ اعْتَرَفَ فِيهِ بِذُنُوبِهِ؛ (3) این روز عرفه نامیده شد؛ زیرا آدم در آن به گناه خود اعتراف کرد.

خداوند عصر روز عرفه را برای وقوف و دعا و درخواست اختصاص داده است؛ چون عصیان آدم در آن زمان بود و در همان زمان توبه او پذیرفته شد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنَّ الْعَصْرَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي عَصَى فِيهَا آدَمُ رَبَّهُ وَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أُمَّتِي الْوُقُوفَ وَالتَّضَرُّعَ وَالدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَتَكْفَلَ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَنْصَرِفُ فِيهَا النَّاسُ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَلْقَى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (4) عصر همان ساعتی است که آدم از خدا نافرمانی کرد و خدای عزوجل بر امتم وقوف و

ص: 139

1- دعائم الإسلام، ج 1، ص 294

2- الکافی، ج 4، ص 207.

3- بحار الأنوار، ج 96، ص 44.

4- الأُمالي (للصدوق)، ص 194.

زاری و درخواست در بهترین جاها را واجب نمود و برای آن‌ها بهشت را ضمانت کرد و ساعتی که مردم از عرفات کوچ می‌کنند، همان ساعت است که خدا کلماتی به آدم تلقین کرد و توبه او را پذیرفت و اوست که بسیار توبه می‌پذیرد و مهربان است.

بنا بر این انسان‌های گنه‌کار هم باید در این زمان و در بهترین مکان‌های روی زمین از خدای تعالی طلب غفران و بخشش کنند حضرت آدم علیه السلام در این روز به خطایش اعتراف کرد و به خاطر این اعتراف خدا او را انتخاب کرد و به عنوان خلیفه خودش برگزید. انسان همیشه در برابر خدای تعالی باید انگشت اتهام را به طرف خودش بگیرد.

### بخشش گناهان

خدا در سوره فجر به دهه اول ذیحجه قسم خورده است و اوج این ایام شب و روز عرفه است. برای انس و ارتباط با خدا و توبه در روزها، روزی مثل روز عرفه نداریم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يَغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ؛ (1) اگر کسی در ماه مبارک رمضان مورد مغفرت الهی قرار نگیرد، غفرانی برای او نیست مگر آن که عرفه را درک کند.

در روز عرفه روزه گرفتن مستحب است ولی اگر روزه گرفتن مانع انجام دعا می‌شود، روزه را نگیرید؛ زیرا دعا مهم‌تر است.

### عنايات خداوند به زائران امام حسين عليه السلام

در روز عرفه خدا رحمتش را سرازیر می‌کند و اول به زوار قبر امام حسین علیه السلام نظر می‌کند و بعد به حجاج و کسانی که در سرزمین عرفات هستند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ص: 140

مَنْ فَاتَتْهُ عَرَفَةُ بِعَرَفَاتٍ فَأَذْرَكَهَا بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمْ يَفْتُهُ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَبْدَأُ بِأَهْلِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ ثُمَّ قَالَ يُخَالِطُهُمْ بِنَفْسِهِ؛ (1) کسی که روز عرفه را در عرفات درک نکند ولی آن را کنار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام درک نماید، عرفه از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتدا کسانی را که در کنار قبر آن حضرت هستند مورد نظر و التفات قرار داده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می گیرد.

باید در این روز ارتباط قلبی با خدا ایجاد کنیم. همه دنبال آرامش اند بیشتر مردم فکر می کنند آرامش در پول و مقام و مدرک است، ولی این طور نیست. روز عرفه روز پیدا کردن گمشده ماست و گمشده ما خداست. اگر به خدا برسیم، تمام مشکلاتمان حل می شود

## شناخت خدا

روز عرفه یادآور دعا و مناجات امام حسین علیه السلام با خدای تعالی در عرفات است دعایی که دارای مضامین بلند و همه درس توحید و خدا شناسی است. سعی کنید دعای عرفه را با دقت و توجه بخوانید امام حسین علیه السلام در بخشی از این دعا به خدای تعالی عرضه می دارند:

مَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؛ آن که تو را از دست داد، چه یافت؟! و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟!!

در این روز با بندگی کردن و توجه به خدای مهربان خدا را بشناسیم که کمترین درجه شناخت و معرفت خدا انسان را از دغدغه های دنیا راحت می کند نباید نسبت به دنیا حریص و وابسته باشیم؛ اگر وابسته نباشیم اسیر دنیا نمی شویم و انفاق می کنیم

ص: 141

مرحوم آیت الله بهاء الدینی می فرمود اگر کسی کمی با دستگاه خدا آشنا شود، همه چیز دنیا برایش بی ارزش می شود. امام سجاد علیه السلام در مناجات محبین عرضه می دارد:

إلهي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا (1) بار الها چه کسی شیرینی محبت تو را چشید و پس از آن در پی جایگزینی برایت برآمد؟! چه کسی به نزدیکی با تو انس گرفت و پس از آن خواستار جا به جایی از کنارت شد؟!

باید برای معرفت خدا تلاش کنیم تا خدا خودش را به ما نشان بدهد. کسی که به خدا اعتماد کند، خدا دلش را مسرور می کند و درونش آرام می شود. کسی که به خدا توکل کند خدا همه امور او را کفایت می کند

مرحوم آیت الله بهاء الدینی می فرمود: مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) پانزده سال عهده دار اداره حوزه بود. مرحوم آیت الله حجت هم در آن زمان از بزرگان حوزه بود و باطن افراد را می دید.

آیت الله حائری نماینده ای به منزل آیت الله حجت می فرستد و می فرماید در خلوت به ایشان بگویند که اگر کاری داشتند عبد الکریم در خدمت ایشان است.

آن نماینده پیام آیت الله حائری را به آیت الله حجت می رساند. آیت الله حجت در پاسخ می گویند: سلام مرا به آقا برسان و بگو: ما به کریم (خدا) خیلی احتیاج داریم، ولی به عبد الکریم احتیاجی نداریم.

باید بت ها را بشکنیم و معرفت پیدا کنیم اگر انسان محتاج به انسان محتاج تکیه کند بی عقلی است کسی که به خدا معرفت پیدا کند از چیزی وحشت نمی کند از غربت احساس تنهایی نمی کند تمام تاریکی ها برای او روشن می شود ضعف ها را جبران می کند و شفای تمام درد های اوست.

ص: 142

بر اساس برخی از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة الوداع، روز عرفه و در سرزمین عرفات برای اهل عرفات خطبه بسیار مهمی خواندند و برای آنان بسیار دعا کردند.

وجود مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله در شامگاه عرفه، هنگامی که حاجیان کم کم می خواهند از عرفات به طرف مشعر بروند در حضور همه قیام کردند و به مقام و منزلت امیر المؤمنین علیه السلام و محبت آن حضرت اشاره کرده و فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَا هِيَ بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ عَامَّةً، وَ عَفَرَ لَكُمْ عَامَّهُ، وَ بَاهِي بَعْلِي خَاصِهِ، وَ عَفَرَ لَهُ خَاصِهِ؛ خداوند به وسیله شما به ملائکه افتخار و مباحات می کند و همه شما را می بخشد؛ و درباره علی یک مباحات ویژه ای است، و یک مغفرت ویژه

بعد فرمودند:

إِنِّي قَائِلٌ لَكُمْ قَوْلًا غَيْرَ مُحَابٍ فِيهِ لِقِرَابَتِي إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعَدَ مَمَاتِهِ؛ (1) این سخن نه از روی دوستی و خویشی است که سعادت مند تنها کسی است که علی را در حیاتش و در مماتش دوست داشته باشد.

روز عرفه نیز از روزهایی است که آیات برائت توسط امیر المؤمنین علیه السلام برای اهالی مکه قرائت شد. (2)

### پذیرش توبه حضرت آدم علیه السلام

آدم و حوا علیهما السلام روز اول ذیقعد از بهشت بیرون رانده شدند. وقتی که از بهشت دنیا خارج شدند، در سرزمین مکه فرود آمدند. حضرت آدم بر کوه صفا در کنار

ص: 143

1- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 9، ص 168؛ بحار الأنوار، ج 40، ص 81.

2- الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 2، ص 36.

کعبه، هبوط کرد و در آن جا سکونت گزید و از این رو آن کوه را صفا گویند که آدم صفی الله (برگزیده خدا) در آن جا وارد شد.

حضرت حوا بر روی کوه مروه (که نزدیک کوه صفاست) فرود آمد و در آنجا سکونت گزید آن کوه را از این رو مروه گویند که مرثه یعنی زن که منظور حوا باشد در آن سکونت نمود.

بر اساس روایت امام صادق علیه السلام آدم - علی نبینا و آله و علیه السلام - پس از خروج از بهشت و فرود به دنیا چهل روز هر بامداد بر فراز کوه صفا با چشم گریان در حال سجود بود. جبرئیل بر آدم فرود آمد و پرسید: ای آدم، چرا گریه می کنی؟!

گفت: چگونه می توانم گریه نکنم در حالی که خداوند مرا از جوارش بیرون رانده و در دنیا فرود آورده است. گفت ای آدم به درگاه خدا توبه کن و به سوی او بازگرد گفت: چگونه توبه کنم؟

جبرئیل در روز هشتم ذیحجه (یوم الترویه) آدم را به سرزمین منی برد تا شب را آن جا بماند و صبح روز بعد (روز عرفه) به صحرای عرفات رفت و به تعلیم جبرئیل عصر عرفه غسل کرد و پس از نماز عصر در عرفات وقوف کرد و به تعبیر قرآن کریم «کلماتی» را از پروردگار دریافت کرد. (1)

از ابن عباس روایت شده که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و سلم درباره کلماتی که آدم از پروردگارش دریافت نمود و خداوند توبه او را پذیرفت پرسیدم فرمود

سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ عَلَيْهِ؛ (2) از خداوند به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین در خواست کرد که توبه او را بپذیرد، خداوند هم پذیرفت.

مرحوم مجلسی در «بحار الانوار» و کفعمی در «مصباح» نقل کرده اند که

ص: 144

1- بنگرید به بحار الأنوار، ج 11، ص 178

2- الخصال، ج 1، ص 270.

پذیرش توبه حضرت آدم علیه السلام در روز بیست و یکم ذیحجه اتفاق افتاد. (1)

## فرمان سپردن میراث انبیا به علی علیه السلام

یکی از مناسبت های نهم ذیحجه فرمان تسلیم میراث انبیا به امیر المؤمنین علیه السلام است.

بنا بر آن چه در متون روایی آمده است تمام آثار نبوت که به گونه ای نشانه پیامبری انبیای پیشین بوده است؛ مانند تابوت الواح و عصای موسی علیه السلام، صحف ابراهیم علیه السلام، انگشتری سلیمان علیه السلام، پیراهن یوسف علیه السلام و از همه مهم تر دانش پیامبران در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و پس از ایشان یکی پس از دیگری به امامان به ارث می رسد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدْ أَنْتَهَى إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ (2) هر پیامبری، آن چه از دانش و غیر دانش به ارث برده است، سر انجام، همه آن ها، به آل محمد صلی الله علیه و آله می رسد

بنابر روایت امام باقر علیه السلام در حجة الوداع چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات وقوف فرمود جبرئیل به حضورش رسید و گفت ای محمد خدای عز و جل سلامت می رساند و می فرماید همانا مرگ تو نزدیک و مدت عمرت سپری شده است و من تو را به چیزی که از آن چاره و گریزی نیست پیش می برم. بعد فرمود:

فَاعْهَدْ عَهْدَكَ وَتَقَدَّمْ وَصِيَّتَكَ وَاعْمِدْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْعِلْمِ وَمِيرَاتِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَالسَّلَاحِ وَالتَّابُوتِ وَجَمِيعِ مَا عِنْدَكَ مِنْ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ فَسَلِّمْهَا إِلَى وَصِيكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (3) اکنون وصیت خویش را فراهم ساز و آن چه از علوم و میراث علوم پیامبران پیش از تو و سلاح و تابوت سکینه نزد تو هست و همه

ص: 145

1- بحار الأنوار، ج 95، ص 189؛ مصباح كفعمی، 515.

2- الكافي، ج 1، ص 232، ح 5.

3- روضة الواعظین، ج 1، ص 89.

آیات پیامبران پیشین را به وصی و خلیفه بعد از خودت تسلیم کن که او حجت بالغه من بر مردم است و او علی بن ابی طالب علیه السلام است.

## سد الابواب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه منوره و تشکیل نظام اسلامی، در آغازین روز های حضورش در این شهر اقدام به ساختن مسجد نمود تا پایگاه و محل گرد همایی و عبادت مسلمانان باشد مهاجرانی که از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت کرده و فاقد خانه و مسکن بودند، همین مسجد را خوابگاه خویش قرار دادند.

اما پس از مدتی پیامبر علیه السلام آنان را از خوابیدن و بیتوته کردن در مسجد به خاطر حفظ شئون اسلامی و احترام به اماکن مقدس باز داشت و دستور داد تا برای خویش خانه هایی بسازند و از مسجد بیرون روند.

مهاجران، خانه هایی در اطراف مسجد ساختند ولی هر کدام از آنان دری به مسجد گشودند تا ضمن ابراز علاقه مندی به مسجد رفت و آمد آنان به مسجد آسان شود و برای درک نماز جماعت توفیق بیشتری داشته باشند.

از این وضعیت بود تا این که جبرئیل امین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و به آن حضرت وحی کرد که خداوند سبحان می خواهد مسجد پاک و نظیف بماند و رفت و آمد مسلمانان در آن در حال پاکی و طهارت باشد؛ بدین جهت تمام در هایی که به آن گشوده شده است باید بسته شوند جز در خانه علی علیه السلام که از این امر استثناست

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معاذ بن جبل را مأموریت داد که این خبر را به مسلمانان برساند و بگوید در های خود را به سوی مسجد النبی ببندند. معاذ بن جبل پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله را به صحابه آن حضرت ابلاغ کرد و همگی اطاعت کردند و در های خود را بستند برخی از آنان در صدد چانه زنی بر آمده و برای خود امتیاز



روایت شده است که عمر بن خطاب پس از دریافت پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد آن حضرت رفت و به وی عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعِّ لِي بِقَدْرٍ مَا أَنْظُرُ إِلَيْكَ بِعَيْنِي؛ ای رسول خدا از تو خواهش دارم که به اندازه دیدن چشم مرا معاف داری تا من از آن سوراخ تو را و داخل مسجد را بنگرم.» پیامبر صلی الله علیه و آله از پذیرش درخواست عمر بن خطاب امتناع نمود و فرمان داد که کلاً باید بسته شود.

بر اساس این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه ندادند حتی روزنه ای از خانه عمر به مسجد باز باشد. در برخی از روایات اهل سنت آمده است که این درخواست از سوی ابو بکر بوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله به او اجازه داده اند که روزنه ای به مسجد داشته باشد و این را از فضائل ابو بکر برشمرده اند در این زمان هم نشانه ای به این عنوان در مسجد النبی جای گذاری کرده اند و آن را «خوخه ابو بکر» نامیده اند.

این امر بر برخی از صحابه و ریش سفیدان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد و پشت سر آن حضرت گلایه و شکوه نمودند. این خبر به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در مسجد مدینه برای آنان خطبه خواندند و در ضمن آن فرمودند:

قَدْ بَلَغَنِي مَا قُلْتُمْ فِي سِدِّ الْأَبْوَابِ وَاللَّهِ مَا أَنَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ فَعَلَهُ وَإِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ مُوسَى أَنْ يَتَّخِذَ بَيْتًا ظَهْرًا لَا يُجْنَبُ فِيهِ إِلَّا هُوَ وَهَارُونَ وَابْنَاهُ يَعْنِي لَا يُجَامِعُ فِيهِ غَيْرُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أَتَّخِذَ هَذَا الْبَيْتَ ظَهْرًا لَا يَنْكُحُ فِيهِ إِلَّا أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَاللَّهُ مَا أَنَا أَمَرْتُ بِسِدِّ أَبْوَابِكُمْ وَلَا فَتَحْتُ بَابَ عَلَقِ بَلِ اللَّهُ أَمَرَنِي بِهِ؛ [\(1\)](#) آن چه در باره بسته شدن در ها، گفتید خبرش به من رسید به خدا سوگند من (از پیش خود) آن را انجام ندادم بلکه این فرمان الهی بود که از طریق من به شما ابلاغ گردید

ص: 147

خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد که خانه پاکی را برای عبادت و پرستش برگزیند و کسی در آن به جنابت نرسد مگر خود موسی علیه السلام و برادرش هارون و فرزندان هارون یعنی غیر از آنان کسی در آن آمیزش انجام ندهد.

خدای سبحان به من نیز وحی فرستاد که این خانه (مسجد النبی) را پاکیزه نگه دارم و کسی در آن نکاح انجام ندهد و به حالت جنابت وارد نشود جز من علی حسن و حسین که از این فرمان مستثنا شدیم.

به خدا سوگند من بسته شدن در های شما را و باز بودن در خانه علی را فرمان ندادم بلکه این خدای بزرگ بود که به من چنین فرمانی داد.

به هر روی خداوند سبحان بار دیگر فضیلت و برتری علی علیه السلام را پس از پیامبر صلی الله علیه و اله بر تمامی خلائق از جمله بر همه اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و اله اثبات و آشکار نمود.

حدیث سد ابواب فضیلتی انحصاری برای حضرت علی علیه السلام است. حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث سد ابواب و بیان این نکته که این حدیث صحیح الاسناد است، می نویسد از عمر بن خطاب نقل شده است که گفت: به علی سه خصلت عطا شد که دوست داشتم یکی از آن ها برای من بود. به او گفتند: این سه خصلت چیست؟ گفت پیامبر فاطمه را به ازدواج او در آورد؛ او را در مسجد سکونت داد و حلال کرد برای او آن چه برای خودش حلال بود؛ و پرچم را در روز خیبر به دست او داد (1).

تاریخ دقیق واقعه سد ابواب در منابع حدیثی و تاریخی نیامده است. علامه مجلسی بدون مشخص کردن سال وقوع روز عرفه را برای آن ذکر کرده است. (2)

ص: 148

---

1- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 125.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 384.

مرحوم مجلسی در «بحار الانوار» نقل کرده است که معراج پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در روز نهم ذیحجه بوده است. (1)

معراج ماجرای عروج پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله از مسجد الاقصی به آسمان هاست. بر اساس گزارش منابع اسلامی پیامبر صلی الله علیه و اله در شبی، از مکه به مسجد الاقصی انتقال یافت و از آن جا به آسمان عروج کرد.

آن حضرت در شب معراج با برخی از ملائکه دیدار و گفت و گو کرد و اهل بهشت و اهل جهنم را مشاهده نمود بر اساس احادیث پیامبر در شب معراج، با برخی از پیامبران نیز دیدار کرد و گفت و گویی هم میان آن حضرت و خداوند انجام گرفت که به حدیث معراج شهرت یافته است. (2)

داستان معراج در احادیث شیعه و اهل سنت به صورت متواتر آمده است؛ البته در باره جزئیات آن مانند، زمان، مکان، تعداد، چگونگی و جسمانی یا روحانی بودن آن اختلاف نظر وجود دارد قرآن نیز در دو سوره اسراء و نجم به داستان معراج پرداخته است. به هر حال معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم از مشهورترین معجزات حضرت است

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَصِرْتُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ جَمَعَ اللَّهُ إِلَيَّ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالْمَلَائِكَةَ فَأَذَّنَ جِبْرَيْلُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ ثُمَّ قَدَّمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَصَلَّى بِهِمْ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ بِمَ تَشْهَدُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، رَسُولَ خِذَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُود: «زمانی که مرا به آسمان بردند در آسمان چهارم بودم که خداوند تمام پیامبران صدیقان و فرشتگان را جمع نمود».

ص: 149

1- بحار الأنوار، ج 95، ص 188.

2- بحار الأنوار، ج 37، ص 339

(امام علیه السلام ادامه دادند که) جبرئیل اذان و اقامه نماز را گفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله جلو رفته و با آن ها نماز گزارد. بعد از نماز (پیامبر صلی الله علیه و آله به آن ها) فرمود: «به چه چیزی گواهی می دهید؟» گفتند: «گواهی می دهیم خدایی جز خدای یکتا نیست و تو رسول خدایی و علی امیر مؤمنان است.»

اصل جریان معراج و صعود رسول خدا صلی الله علیه و آله به آسمان ها برای مشاهده آثار عظمت خدا، از مسلمات و ضروریات دین اسلام است (1) و هیچ راهی برای انکار آن وجود ندارد؛ زیرا قرآن کریم به صراحت از آن خبر داده و روایات رسیده در باره آن نیز متواتر است. (2)

اما این که این جریان چند بار و در چه سالی و در کدام ماه و چه شبی اتفاق افتاده، مورد اختلاف است. از آیات قرآن کریم استفاده می شود که این برنامه حداقل دو بار اتفاق افتاده است. در برخی از روایات شیعه بیش از این ها و تا صد و بیست بار نیز نقل شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

عُرِّجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى السَّمَاءِ مِائَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً مِمَّا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْصَى اللَّهُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَالأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ (3) پیامبر صلی الله علیه و آله یک صد و بیست بار برای معراج به آسمان برده شد، در هر بار خدای سبحان درباره ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از او بیش از سایر واجبات توصیه و تأکید نمود.

بنا بر این حدیث همه اقوال مربوط به زمان معراج صحیح خواهد بود؛ زیرا هر یک از راویان زمان معراجی را نقل کرده که از آن آگاه شده است.

ص: 150

1- الغدير، ج 5، ص 16.

2- الميزان في تفسير القرآن، ج 13، ص 32.

3- بصائر الدرجات، ص 79، ح 10؛ بحار الانوار، ج 18، ص 387 و ج 23، ص 69.

مشهور میان علمای فریقین آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این سیر زمینی و آسمانی را در حال بیداری و با همین جسم و روح انجام داده اند و توجیه آن به چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی و یا جسمی مثالی و . . . با ظاهر آیات و روایات مخالف است.

طبرسی می گوید: «نظر اکثر مفسران قرآن و ظاهر مذهب و روایات شیعه این است که خدای تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله را با همین جسم سالم و زنده و بیدار، به آسمان برد تا این که حضرت ملکوت آسمان ها را با چشمش مشاهده کرد. (1)

### ولادت حضرت عیسی علیه السلام

بنا بر فرموده کفعمی در «مصباح»، روز نهم ذیحجه روز ولادت حضرت عیسی علیه السلام است. (2)

حضرت عیسی بن مریم علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است که هم تولد و هم زندگی و هم پایان کار او همراه با معجزه بوده است. او با اراده خداوند، بدون داشتن پدر، از مادری پاک دامن و موحد به نام مریم به دنیا آمد.

حضرت مریم علیها السلام دختر عمران از بانوان فرزانه و از شخصیت های برجسته بنی اسرائیل بود. پدر مریم علیها السلام به نام عمران از نسل حضرت سلیمان علیه السلام و از علمای برجسته و پارسا و عابد بنی اسرائیل به شمار می آمد

نام مریم علیها السلام 34 بار در قرآن آمده است و یک سوره قرآن هم به نام مریم است که در بخشی از آن به ماجرای ولادت حضرت عیسی علیه السلام و سخن گفتن او در گهواره و بخشی از زندگی او و چگونگی دعوتش می پردازد

ص: 151

---

1- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 264.

2- المصباح للكفعمی، ص 515

قبل از آن که حضرت عیسی علیه السلام متولد شود فرشتگان از جانب خدای تعالی مریم علیها السلام را به تولد او مژده دادند و شخصیت آن حضرت را معرفی کردند:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ يَحْيَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (1) به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان (از جانب خدا) به مریم گفتند: خداوند تو را به کلمه ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش مژده می دهد که نامش مسیح عیسی بن مریم است در حالی که در دو جهان، انسان برجسته و از مقربان درگاه خدا خواهد بود.

حضرت عیسی علیه السلام تحت سرپرستی مادرش مریم علیها السلام بزرگ شد و در سن دوازده سالگی به مجلس عابدان و پارسایان و اندیشمندان راه یافت و با آن ها به مباحثه و مناظره پرداخت. آثار عظمت و معرفت فوق العاده، در همان نوجوانی در چهره اش دیده می شد

حضرت عیسی علیه السلام در سی سالگی مبعوث به رسالت شد، هر چند بر اساس آیه 30 سوره مریم «وَجَعَلْنِي نَبِيًّا» هنگام کودکی در گهواره سخن گفت و خود را پیامبر خواند ولی رسمیت رسالتش از سی سالگی بود  
او دارای معجزات فراوان از جمله درمان نمودن بیماری های لا علاج و زنده کردن مردگان بود.

کتاب انجیل بر او نازل شد و دارای شریعت مستقل بود، و بنی اسرائیل را به سوی خدای یکتا و بی همتا دعوت میکرد و بر اثر شرایط خاص زندگی و اجبار به سفرهای متعدد برای تبلیغ دین خدا ازدواج نکرد و ناگزیر بود که به طور مجرد زندگی کند.

عیسی علیه السلام سی و سه سال عمر کرد یهودیان او را دستگیر کردند تا بکشند

ص: 152

خداوند او را از دست آن‌ها نجات داد و به آسمان برد. وی در روزهای آخر عمر، شمعون را وصی و جانشین خود نمود. (1)

## ولادت حضرت عیسی و ولادت امیر مؤمنان علیه السلام

نکته ای زیبا که حکایت از مقام والای امیر المؤمنین علیه السلام می‌کند این است که با این که حضرت مریم علیها السلام از هر نظر پاک بود و همواره در محراب عبادت به سر می‌برد و خدمت گزار ظاهر و باطن بیت المقدس بود هنگام زایمان، از جانب خداوند به او خطاب شد از مسجد بیرون برو و به تعبیر قرآن به مکان دور دستی رفت.

﴿فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا﴾: (2) پس مریم به عیسی آبتن شد و با او به مکان دور افتاده ای پناه جست

ولی در مورد ولادت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگامی که مادرش فاطمه بنت اسد علیها السلام مشغول طواف کعبه بود و درد زایمان او را فرا گرفت دیوار کعبه شکافته شد و ندایی به او رسید که وارد خانه کعبه شو فاطمه علیها السلام داخل خانه کعبه شد و آن دیوار ترمیم یافت و حضرت علی علیه السلام در درون کعبه، یعنی در مقدس ترین مکان متولد شد

این واقعه بر اساس اخبار متواتری است که اهل سنت نیز بر تواتر آن اذعان دارند. از جمله حاکم نیشابور در «المستدرک» می‌گوید:

وَقَدْ تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وَ لَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ - كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ - فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ؛ (3) اخبار متواتر بر آن دلالت دارد که فاطمه بنت اسد امیر المؤمنین علیه السلام را در درون کعبه به دنیا آورد.

و این یک افتخار بزرگی است که بیان گر عظمت حضرت علی علیه السلام در مقایسه با

ص: 153

1- نگاه کنید به بحار الانوار، ج 14

2- سوره مریم، آیه 22.

3- المستدرک، ج 3، ص 483

حضرت عیسیٰ علیه السلام است، با این که قرآن حضرت عیسیٰ علیه السلام را بسیار می ستاید و می فرماید: «وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ»؛ (1) در دو جهان، انسان برجسته و از مقربان درگاه خدا خواهد بود».

\* روز نهم ذیحجه نیز روز شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام پسر عمو و از یاران پر افتخار امام حسین علیه السلام است که در پنجم شوال سال 60 هجری قمری برای سامان بخشیدن به قیام شیعیان کوفه بر ضد یزید بن معاویه، به عنوان نماینده آن حضرت وارد کوفه شد و در پی بی وفایی کوفیان و درگیری وی با نیروهای ابن زیاد والی کوفه دستگیر و در نهم ذیحجه همان سال به شهادت رسید. (2)

ص: 154

---

1- سوره آل عمران آیه 45

2- نگاه کنید به: الارشاد، ص 380 .



در دهم ذیحجه که عید قربان است و همه آماده رفتن به منا و اعمال حج می شوند، پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله در رابطه با اهل بیت علیهم السلام خطبه خواندند و بیاناتی فرمودند و حدیث ثقلین را بیان کردند (1)

حدیث ثقلین از احادیث بسیار مهمی است که اهل سنت و شیعه هر دو با سند های متعدد از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت کرده اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم بارها در طول زندگانی خویش به ویژه در روزهای پایانی عمر خود مسلمانان را به دو چیز قرآن و اهل بیت (عترت) خود سفارش کردند و راه سعادت امت اسلامی را در پیروی از این دو با هم دانستند.

### متن حدیث

این حدیث در نقل های مختلف با عبارت های گوناگون آمده است اما محتوای همه آن ها یکی است. مرحوم طبرسی در کتاب «احتجاج» از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

أَمَّا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ فِيكُمْ نَبِيِّكُمْ حَيْثُ يَقُولُ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا

ص: 155

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا (1) آیا این حدیث پیغمبر تان در حج وداع به شما نرسیده که فرمود: «من در میان شما دو چیز گران سنگ می گذارم اگر بدان تمسک جویند، هرگز پس از من گمراه نشوید قرآن و عترت من اهل بیتم و این دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من درآیند پس بنگرید چگونه در باره آن دو رفتار می کنید»

## اهمیت حدیث ثقلین

حدیث ثقلین در موضوع ولایت و امامت اگر بی نظیر نباشد، بسیار کم نظیر است. این حدیث از جهات مختلفی دارای اهمیت است:

1. از نظر دلالت بسیار قوی و روشن و از نظر سند روایت متواتری است که در منابع شیعه و سنی به صورت گسترده مطرح شده است. از مجموع مصادر و منابع این روایت استفاده می شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نه یک بار، بلکه بارها این حدیث را بیان فرموده اند.

2. به وسیله حدیث ثقلین ثابت می شود که «اولو الامر» در قرآن کریم، ائمه اطهار علیهم السلام هستند که بر مردم واجب است که از آن ها اطاعت و پیروی کنند و اطاعت از آن ها سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

3. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عامل رستگاری و سعادت امت اسلامی را در این حدیث شریف، اطاعت و تمسک به قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام معرفی نموده اند. حدیث ثقلین در واقع منشور رستگاری امت اسلامی است که بدون شک چنین رستگاری و سعادت در گرو عمل به دستورات آن ها و پیروی از آن دو امانت گران سنگ می باشد

اما متأسفانه گروهی پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بین آن دو امانت بزرگ جدایی

ص: 156

انداختند؛ به طوری که عده ای از آنان گفتند: «حَسَّ بُنَا كِتَابُ اللَّهِ؛ (1) کتاب خدا ما را بس است». در حالی که این کلام شان هم دروغی بیش نیست به کتاب خدا هم ایمان نداشتند؛ که اگر ایمان داشتند به آن عمل می کردند. مگر نه این است که قرآن امر به اطاعت از اولی الامر و دعوت به اهل بیت علیهم السلام می کند؟!

4. با توجه به محتوای حدیث شریف ثقلین نتیجه می گیریم که بین قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام هیچ گونه اختلاف و تعارضی وجود ندارد؛ چون از نظر عقل و منطق، معرفی دو چیز متعارض با یکدیگر در کنار هم، قابل قبول نبوده و کار شایسته ای نیست

اگر احیاناً بین قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام تعارضی مشاهده شود، این تعارض یا از آن روایان حدیث است و یا ما قادر به درک معنای حقیقی آن ها نیستیم. اهل بیت علیهم السلام به طور کلی هیچ گاه بر خلاف قرآن کریم سخنی نمی گویند، بلکه آن ها مفسران حقیقی قرآن کریم هستند. و اصولاً خود آن ها دستور داده اند که هر چیز - سخن عمل و تقریر - مخالف با قرآن کریم را کنار بگذاریم و به چنین مطالبی اعتنا نکنیم

### منابع و سند حدیث

این حدیث از روایاتی است که مورد قبول علمای شیعه و اهل سنت و در منابع هر دو گروه آمده است.

بنا بر گفته کتاب «حدیث الثقلین و مقامات اهل البیت» نوشته احمد، ماحوزی از علمای اهل سنت این حدیث را بیش از 25 نفر از صحابه نقل کرده اند.

بحرانی صاحب کتاب «غایة المرام و حجة الخصام»، این حدیث را به 39 طریق از کتاب های اهل سنت نقل کرده است بنا بر نقل کتاب یاد شده، این حدیث

ص: 157

در کتاب های «مسند احمد»، «صحیح مسلم»، «مناقب» ابن المغازلی، «سنن ترمذی»، «العمدة» ثعلبی، «مسند ابی یعلی»، «المعجم الاوسط» طبرانی «العمدة» ابن البطریق، «ینابیع المودة قندوزی»، «الطرائف ابن المغازلی»، «فرائد السمطین» و «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است.

همچنین گفته است: در منابع شیعه 82 حدیث با مضمون حدیث ثقلین نقل شده است که در کتاب های «الکافی»، «کمال الدین»، «امالی صدوق»، «امالی مفید»، «امالی طوسی»، «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، «الغیبة» نعمانی، «بصائر الدرجات» و بسیاری از کتب دیگر جمع آوری شده است. (1)

## زمان و مکان صدور حدیث

پیامبر صلی الله علیه و آله «حدیث ثقلین» را در موارد مختلف و به مناسبت های گوناگون بیان نموده اند. مواردی که این حدیث در کتب اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده عبارت اند از:

1. هنگام بازگشت از طائف بعد از فتح مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله برخاستند و خطبه ای خواندند و این حدیث را بیان فرمودند و نکات مهمی را یادآور شدند. (2)

2. در جحفه که یکی از میقات های حج است (و محلی است میان مکه و مدینه) این حدیث را ایراد فرمودند؛ همان گونه که ابن اثیر در «اسد الغابه» در حالات عبد الله بن حنطب آورده است که می گوید:

خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْجُحْفَةِ فَقَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ إِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَنْ إِيْتِنِّي عَنِ الْقُرْآنِ وَعَنْ عَيْتِي؛ (3) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرزمین جحفه برای ما خطبه ای خواند و فرمود: آیا من اولی به شما از خودتان نیستم؟ عرض کردند: آری ای رسول

ص: 158

1- غایة المرام و حجة الخصام، ج 2، ص 304-320.

2- الصواعق المحرقة، ج 2، ص 438

3- اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج 1، ص 599

خدا فرمود: من از شما (در قیامت) از دو چیز سؤال خواهم کرد، از قرآن و عترتم!

3- در ایام حج روز عرفه هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و اله بر شتر خود سوار بودند و خطبه می خواندند این حدیث را ایراد فرمودند. این همان چیزی است که ترمذی از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده و می گوید رسول خدا صلی الله علیه و اله را هنگام حج روز عرفه دیدم که بر شتر مخصوص خود سوار بود و خطبه می خواند. شنیدم که می فرمود:

يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَحَدْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي، أَهْلَ بَيْتِي؛ (1) ای مردم من در میان شما دو چیز گذاردم که اگر آن ها را بگیرید، (و دست به دامن آنان زنید) هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و عترتم اهل بیت.

4. پیامبر صلی الله علیه و اله در حجة الوداع، در مسجد خیف فرمودند:

أَلَا وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الثَّقَلَيْنِ؟ قَالَ: كِتَابُ اللَّهِ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، طَرَفٌ بِيَدِ اللَّهِ وَطَرَفٌ بِأَيْدِيكُمْ، فَتَمَسَّ كُؤًا بِهِ لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ تَزُولُوا وَعِترَتِي وَأَهْلُ بَيْتِي، فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ كَاصِّبِ هَاتَيْنِ؛ (2) آگاه باشید من از شما از ثقلین سؤال می کنم عرض کردند: ای رسول خدا، ثقلین چیست؟ فرمود: ثقل اکبر قرآن مجید است که يك سوی آن در دست (قدرت) خدا و سوی دیگرش در دست شماست پس به آن تمسك جویند که هرگز گمراه نخواهید شد و هرگز لغزش نخواهید داشت، و «ثقل دیگر» عترتم و اهلبیتم هستند؛ زیرا خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند،

ص: 159

1- الجامع الصحيح سنن الترمذی، ج 5، ص 662 باب «مناقب اهل بیت النبي عليهم السلام، ح 3786.

2- تفسیر القمی، ج 1، ص 3؛ بحار الأنوار، ج 23، ص 129، باب 7، ح 61.

مانند این دو انگشت من که در کنار هم قرار دارند.

5. در غدیر خم، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع بر می گشتند، ضمن بیانات مفصل خود، «حدیث ثقلین» را بیان فرمودند این همان چیزی است که هم در «صحیح مسلم» و هم در «خصائص نسائی» آمده است. در «صحیح مسلم» که از معروف ترین منابع دست اول اهل سنت می باشد، از زید بن ارقم نقل می کند که گفت:

قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فِينَا خَطِيبًا بِمَاءٍ يُدْعَى خُمًّا، بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَوَعَظَ وَذَكَرَ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا بَعْدُ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّا أَنَا بَشَرٌ، يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ، فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ، فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ، فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلَ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛ (1) رسول خدا صلی الله علیه و اله، در میان ما برخاست و خطبه خواند. در محلی که آبی بود که خُم نامیده می شد (غدیر خم) و در میان مکه و مدینه قرار داشت. پس حمد خدا را به جا آورد و بر او ثنا گفت و موعظه کرد و پند و اندرز داد. سپس فرمود: اما بعد؛ ای مردم من بشری هستم و نزدیک است فرستاده پروردگارم بیاید و دعوت او را اجابت کنم و من در میان شما دو چیز گران مایه به یادگار می گذارم؛ نخست کتاب خدا که در آن هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوئید. سپس فرمود: و اهل بیتم را به شما توصیه می کنم که خدا را در باره اهل بیتم فراموش نکنید، به شما توصیه می کنم که خدا را در باره اهل بیتم فراموش نکنید.

ص: 160

---

1- صحیح مسلم، ج 4، ص 1873، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»

6. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیماری، وفات هنگامی که آخرین وصایای خود را بیان می فرمودند توصیه به تقلین کرده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ يُوشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضًا سَرِيعًا فَيُنْطَلِقُ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعَذِرَةً إِلَيْكُمْ إِلَّا أَنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، وَعَظَمْتُ أَهْلَ بَيْتِي ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَفَعَهَا، فَقَالَ هَذَا مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَهَا عَلَى الْحَوْضِ فَاسْئَلُوهُمَا مَا خَلَّفْتُ فِيهِمَا؛ (1) ای مردم من به زودی از میان شما خواهم رفت و من نسبت به همه شما اتمام حجت کردم آگاه باشید من در میان شما کتاب پروردگار بزرگم و عترتم، اهل بیتم را به یادگار می گذارم. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و بلند کرد و فرمود: این (علی) با قرآن است و قرآن با علی است و هرگز از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض (کوثر) نزد من آیند. پس از آن دو سؤال کنید از آن چه در آن ها به یادگار گذاشتم.

این همه تکرار و تأکید در مقام های مختلف در مدینه، در ایام حج، در روز عرفه و مسجد خیف (در ایام منی) و در وسط راه مکه و مدینه و در موارد دیگر، دلیلی است روشن و برهانی است قوی و گویا بر این که مسأله تمسک به این دو وجود گران مایه مسأله ای سرنوشت ساز و پر اهمیت بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته اند مسلمانان را به اهمیت آن دو آگاه سازند تا گمراه نشوند.

و عجیب است اگر ما با این همه تکرار و تأکید دست از دامن آن ها برداریم و خود را به دست گمراهی بسپاریم و یا با توجیه های نادرست از اهمیت آن ها بکاهیم به راستی چگونه می توان به سادگی از کنار حدیثی گذشت که مورد اتفاق همه مسلمانان است و در منابع معروف و دست اول آمده است، و نه در سندش شك و تردیدی است و نه در دلالتش ابهامی وجود دارد؟!!

کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان رسول خدا و خاتم پیامبران و امین وحی الهی

ص: 161

می شناسد و تأکید او را در تمسک به این دو چیز گران مایه آشکارا می بیند و عدم گمراهی را در پیروی از آن دو می شمرد باید بداند که راز مهمی در این امر نهفته است و اصل مهمی از اصول اسلامی در آن جای گرفته است. (1)

## پیامهای حدیث ثقلین

از این حدیث چند پیام مهم را می توان دریافت کرد که جزو باور های شیعه هستند.

### 1. لزوم تبعیت از اهل بیت علیهم السلام

در این روایت اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن قرار داده شده اند و همان طور که بر مسلمانان تبعیت از قرآن لازم است تبعیت از اهل بیت علیهم السلام نیز لازم است.

### 2. مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام

از آنجا که قرآن منبع اصلی عقاید و احکام عملی همه مسلمانان است و این حدیث نیز اهل بیت علیهم السلام را همراه جدایی ناپذیر قرآن معرفی می کند به سادگی می توان نتیجه گرفت که اهل بیت علیهم السلام نیز یک مرجع علمی خطا ناپذیر در همه زمینه های علوم اسلامی اند

3. قرآن و اهل بیت علیهم السلام همیشه همراه یکدیگر و جدایی ناپذیرند آن ها که طالب حقایق قرآن، هستند باید دست به دامن اهل بیت علیهم السلام بزنند. در برخی از روایات آمده است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «أَنْهَمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كِإِصْبَعَيْ هَاتَيْنِ، وَ جَمَعَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ». یعنی دو انگشت سبابه از هر دو دست را به هم چسباندند و فرمودند: قرآن و اهل بیت علیهم السلام از هم جدا نمی شوند تا (در قیامت) در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (2)

کسانی که می گویند «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ؛ قرآن برای ما کافی است»، سخنی

ص: 162

1- پیام قرآن، ج 9، ص 72.

2- تفسیر القمی، ج 1، ص 173



می گویند که با قرآن سازگار نیست. قرآن می گوید نماز را به پا دار اما کیفیتش چگونه است؟ باید اهل بیت پیغمبر علیهم السلام راهنمایی کنند. امکان ندارد ما منهای اهل بیت علیهم السلام از قرآن استفاده کنیم.

4. بر اساس این حدیث اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن قرار می گیرند، پس حکم آن ها حکم قرآن است. روشن است که مخالفت با قرآن ضلالت و گمراهی است، در نتیجه مخالفت با اهل بیت علیهم السلام نیز ضلالت و گمراهی خواهد بود.

بنابراین، همان گونه که پیروی از قرآن بدون هیچ گونه قید و شرط بر همه مسلمین واجب است پیروی از اهل بیت علیهم السلام نیز بدون قید و شرط واجب است

5. اهل بیت علیهم السلام معصوم اند؛ زیرا جدایی ناپذیر بودن آن ها از قرآن از يك سو، و لزوم پیروی بی قید و شرط از آنان از سوی دیگر، دلیل روشنی بر معصوم بودن آن ها از خطا و اشتباه و گناه است؛ چرا که اگر آن ها گناه یا خطایی داشتند، از قرآن جدا می شدند و پیروی از آنان مسلمانان را از ضلالت و گمراهی بیمه نمی کرد. این که می فرماید: «با پیروی از آنان در برابر گمراهی ها مصونیت دارید»، دلیل روشنی بر عصمت آن هاست.

6. از همه مهم تر این که پیامبر صلی الله علیه و آله این برنامه را برای تمام ادوار تاریخ مسلمین تا روز قیامت تنظیم کرده می فرماید «این دو همیشه با هم هستند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند». این به خوبی نشان می دهد که در تمام طول تاریخ اسلام، فردی از اهل بیت علیهم السلام به عنوان پیشوای معصوم وجود دارد و همان گونه که قرآن همیشه چراغ هدایت است آن ها نیز همیشه چراغ هدایت اند؛ پس باید کاوش کنیم و در هر عصر و زمان آن ها را پیدا کنیم و این خود یکی از ادله اثبات وجود امام زمان علیه السلام است.

جالب این که سمهودی، شافعی از علمای معروف قرن نهم و دهم هجری صاحب کتاب «وفاء الوفاء»، در یکی از نوشته های خود به نام «جواهر العقدین» که درباره «حدیث ثقلین» نگاشته است می گوید: «إِنَّ ذَلِكَ يُفْهِمُ وَجُودَ مَنْ يَكُونُ

أَهْلًا لِلتَّمَسُّكِ بِهِ مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّ وَالْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَجُدُوا فِيهِ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ حَتَّى يَتَوَجَّهُ الْحَثُّ الْمَذْكُورُ إِلَى التَّمَسُّكِ بِهِ كَمَا أَنَّ الْكِتَابَ الْعَزِيزِ كَذَلِكَ؛ (1) این حدیث می فهماند که در هر زمانی تا روز قیامت در میان اهل بیت علیهم السلام کسی وجود دارد که شایستگی تمسک و پیروی دارد؛ همان گونه که قرآن مجید نیز چنین است. «(2)

7. از این حدیث شریف استفاده می شود که جدا شدن یا پیشی گرفتن از اهل بیت علیهم السلام مایه گمراهی است و هیچ انتخابی را نباید بر انتخاب آن ها مقدم داشت

### راویان حدیث ثقلین

طی سیزده قرن 150 نفر از علمای اهل سنت این حدیث را در آثار خود بیان کرده اند چهل نفر از صحابه صد نفر از تابعین و بسیاری از عالمان بزرگ در زمان های مختلف این حدیث را روایت کرده اند بسیاری از محدثان و صاحب نظران در علم حدیث و علمای بزرگ اهل سنت این حدیث را صحیح در کتب خود نقل کرده اند.

### ابلاغ آیات براءت

چنان که پیش از این در مناسبت های روز اول ذیحجه گفتیم، آیات براءت روز اول ذیحجه نازل شده و در همان روز پیامبر صلی الله علیه و اله ابو بکر را به همراه آیات به مکه گسیل داشت تا آن ها را به اهالی مکه ابلاغ کند. پس از ارسال آن، به پیامبر علیه السلام وحی نازل شد که این آیات را یا خودت و یا کسی از خودت باید ابلاغ کند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و اله علی علیه السلام را فرستاد تا آیات را از وی بگیرد و خود آن را ابلاغ کند.

روز دهم ذیحجه چنان که قرآن به آن تصریح فرموده است یکی از روزهایی است که آیات براءت در آن ابلاغ شد.

ص: 164

---

1- عبقات الانوار، ج 20، ص 278.

2- پیام، قرآن، ج 9، ص 75

«وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»؛ (1) و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند

بنا بر این، این روز، روز ابلاغ آیات برائت و خواندن آیات آغازین سوره برائت توسط امیر المؤمنین علی علیه السلام در اجتماع مشرکان در مکه است. این آیات در پایان سال نهم هجری نازل شد و پیامبر علیه السلام مأمور شد در ذیحجه همان سال به هنگام اجتماع مشرکان، این آیات را به آنان ابلاغ کند.

این واقعه به صورت متواتر و در منابع بسیاری از شیعه و اهل سنت نقل و از فضائل علی علیه السلام شمرده شده است خود آن حضرت نیز برای اثبات برتری خویش بر دیگر صحابه و استحقاقش برای خلافت به این واقعه استدلال کرده است. (2)

### شرح واقعه

با نزول آیات برائت پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه یافت در ذیحجه همان سال، هنگام اجتماع مشرکان در مکه آیات را به آنان ابلاغ کند. در باره چگونگی این ابلاغ در منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی آمده است چون ده آیه از سوره برائت بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله ابو بکر را فرا خواند و او را فرستاد تا آیات را برای مردم مکه بخواند.

ابو بکر به طرف مکه حرکت کرد و مقداری هم راه پیموده بود که جبرئیل به حضور حضرت رسول صلی الله علیه و سلم رسید و گفت: «إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ عَلِيٌّ؛ مأمور تبلیغ این آیات باید خودت و یا علی باشی.» در روایتی دیگر آمده است: «لَا يُؤَدِّي

ص: 165

1- سوره توبه، آیه 3.

2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 340؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 190

عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِّنْكَ؛ (1) این مهم را انجام نمی دهد، مگر تو و یا مردی از تو».

از این رو امیر المؤمنین علیه السلام را طلبید و او را برناقه «عصباء» (شتر مخصوص خود) سوار کرد و فرمود هر چه زودتر خود را به ابو بکر برسان و آیات را از وی بگیر و در موسم حج برای مردم قرائت کن

علی علیه السلام خود را به ابو بکر رساند و جریان را به او گفت و آیات را از وی گرفت. ابو بکر گفت: آیا درباره من آیه ای نازل شده که مرا از این مأموریت باز داشته است؟ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود در باره شما آیه ای نازل نشده، ولیکن این آیات را جز، پیغمبر و من دیگری نباید تبلیغ کند

علی علیه السلام آیات را از وی گرفت و به طرف مکه به راه خود ادامه داد و وارد شهر مکه شد و آیات برائت را در روز عید و ایام تشریق که هنگام اجتماع مردم بود به آنان ابلاغ کرد. (2)

### فراوانی منابع

این واقعه را منابع حدیثی و تاریخی بسیاری هم شیعه و هم سنی، نقل کرده اند. علامه امینی نام هفتاد و سه منبع را که این واقعه را نقل کرده اند می آورد و هم چنین می نویسد: این حدیث به صورت متواتر از روایان گوناگون نقل شده است. (3)

### فضای حاکم بر مکه

شهر مکه که بزرگ ترین پایگاه شرک در مقابل پیامبر صلی الله علیه و اله بود، در سال هشتم هجری در واقعه فتح مکه به دست مسلمانان افتاد؛ اما این به معنای پایان یافتن بت پرستی و اسلام آوردن همه ساکنان مکه و دیگر مناطق شبه جزیره نبود. حتی برخی از قبایل در برابر اسلام مقاومت می کردند. در نهایت در سال نهم هجری که

ص: 166

1- الخصال، ج 2، ص 369

2- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 125؛ بحار الأنوار، ج 21، ص 274.

3- الغدير، ج 6، ص 341.338.

مشهور به «سنة الوفود» است، قبایل بسیاری هیئت هایی را به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند و اسلام آوردن خویش را اعلام کردند. بنا بر این، با تغییر معادله سیاسی به نفع اسلام، آیات برائت نازل شد که وجود شرک را نپذیرفتنی و تحمل ناپذیر می خواند. (1)

امیر المؤمنین علیه السلام وقتی به مکه رفتند که مردم به خون آن حضرت تشنه بودند؛ چون در جنگ ها بزرگان آن ها را کشته بودند ولی با کمال صلابت و شجاعت، از مشرکین و کفار اعلان برائت کردند

## محتوای پیام

علی علیه السلام بعد از ظهر روز عید قربان به مکه رسید و خود را فرستاده پیامبر صلی الله علیه و اله معرفی کرد و آیات آغازین سوره برائت (سوره توبه) را قرائت کرد و سپس فرمود: «از این پس کسی نباید عریان طواف کند و هیچ مشرکی حق ندارد سال آینده به زیارت بیاید و هر کس از مشرکان با رسول خدا پیمان بسته است اعتبارش چهار ماه است (2)

گفته شده است این برداشتن امان از مشرکان به دلیل عهد شکنی آنان بود؛ چرا که خداوند در ادامه آیات ابتدایی سوره برائت می فرماید: با مشرکانی که عهد شکنی نکرده اند عهد را تا پایان مدتش ادامه دهید. (3)

راوی گفت: هنگامی که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد مکه شد، شمشیر خود را از غلاف بیرون کشید و فرمود به خداوند قسم هر کس امروز بخواهد برهنه طواف کند او را با این شمشیر خواهم کشت مردم پس از این مجبور شدند لباس بپوشند و طواف کنند. (4)

ص: 167

---

1- دانشنامه امام علی، 1380ش، ج 8، ص 209.

2- تفسیر العیاشی، 1380ق، ج 2، ص 74، ذیل سوره توبه

3- المیزان، 1390ق، ج 9، ص 147.

4- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 125

واقعه ابلاغ آیات برائت در آثار شیعه و سنی جزو فضایل امیر المؤمنین علیه السلام بیان شده است

برخی از اهل سنت گفته اند: عزل ابو بکر در این واقعه و اعزام علی علیه السلام دلیلی بر برتری علی علیه السلام نیست؛ چرا که این اعزام به این سبب بود که لغو پیمان باید به دست کسی انجام می شد که آن را منعقد کرده است، یا یکی از خویشاوندان او (یعنی خود پیامبر صلی الله علیه و اله یا علی علیه السلام که خویشاوند پیامبر است).

اما علمای شیعه بر آن اند که مأموریت علی علیه السلام گواه بر مشترک بودن رسالت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و اله است؛ زیرا این مأموریت فقط برائت جستن از مشرکان نبود که وظیفه و رسالت همه مؤمنان است بلکه افزون بر آن، اعلام و ابلاغ احکام الهی جدید نیز بود (1).

این پرسش نیز در این جا مطرح است که کسی که صلاحیت ابلاغ پیام پیامبر صلی الله علیه و اله را ندارد چگونه می تواند شایستگی برای خلافت رسول الله صلی الله علیه و اله را داشته باشد؟!

### عید قربان

روز دهم ذیحجه عید قربان یکی از عید های بزرگ مسلمانان است. در عید سعید قربان حاجیانی که به زیارت خانه خدا رفته اند به دستور خداوند و برای رضای او قربانی می کنند و خاطره پیامبر بزرگ الهی حضرت ابراهیم علیه السلام را زنده و گرمی می دارند.

خداوند برای آزمودن ایمان و اخلاص به حضرت ابراهیم علیه السلام مأموریت داد تا فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام را در راه خدا قربانی کند. حضرت ابراهیم علیه السلام با وجود دشواری این کار به فرمان الهی گردن نهاد و برای اجرای این مأموریت مهیا

ص: 168

شد، اما هرچه تلاش کرد کارد گلوی فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام را نبرد.

در این حال به حضرت ابراهیم علیه السلام خطاب شد از امتحان الهی سر بلند بیرون آمده است و آن گاه گوسفندی فرستاده شد تا وی آن را به جای حضرت اسماعیل علیه السلام قربانی کند.

این ماجرای عبرت انگیز درس فداکاری از خود گذشتگی، غلبه بر هوای نفس و تسلیم در برابر فرمان خداوند است به همین دلیل مسلمانان جهان نیز روز دهم ذیحجه را به عنوان یک عید بزرگ و با شکوه اسلامی گرامی می دارند و از آن درس اخلاص و بندگی می آموزند.

این ایثار و عشق ابراهیم علیه السلام به انجام فرمان خدا فریضه ای برای حجاج می گردد تا در این روز قربانی کنند. قرآن ماجرای موفقیت ابراهیم علیه السلام را این گونه گزارش می کند

«فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ»؛ (1) هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی!)» ما این گونه، نیکو کاران را جزا می دهیم این مسلماً همان امتحان آشکار است ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم و نام نیک او را در امت های بعد باقی نهادیم!

### اعمال عید قربان

عبادت در شب و روز عید قربان به ویژه برای حاجیان بسیار سفارش شده و احیای شب عید قربان و دعا نماز و نیایش بسیار فضیلت دارد.  
امیر المؤمنین علیه السلام

ص: 169

فرمودند: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید قربان برای مردم خطبه می خواند می فرمود:

هَذَا يَوْمُ الشَّحِّ وَالْعَجِّ فَالْتَّجُّ مَا تُهَرِّقُونَ فِيهِ مِنَ الدِّمَاءِ فَمَنْ صَدَقَتْ نَيْتُهُ كَانَ أَوَّلَ فِطْرَةٍ لَهُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَالْعَجُّ الدُّعَاءُ فَعِجُوا إِلَى اللَّهِ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْصَرِفُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ أَحَدٌ إِلَّا مَغْفُورًا لَهُ إِلَّا صَاحِبَ كَبِيرَةٍ مُصِرًّا عَلَيْهَا لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِالْإِقْلَاعِ عَنْهَا؛ (1) امروز، روز «شج» و «عج» است؛ روز «شج» است، بدین خاطر که خون قربانی ها را می ریزید. هر کس نیت خالصانه و صادقانه داشته باشد اولین قطره خونی که روی زمین ریخته می شود کفاره گناه او خواهد بود و روز «عج» است یعنی روز دعاست. پس به درگاه خدا ناله بزنید و انابه داشته باشید؛ زیرا به خدایی که جان محمد به دست اوست از این سرزمین کسی محروم و نا آمرزیده بر نمی گردد، مگر این که مرتکب گناه کبیره ای شده باشد که بر آن اصرار و ابرام داشته و تصمیم نداشته باشد وجود خویش را از چنگال آن گناه آزاد گرداند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که از پدرانش چنین نقل فرمودند: «علی علیه السلام دوست داشت چهار شب از سال خود را (برای عبادت) فارغ نماید؛ شب اول، رجب شب نیمه شعبان شب عید فطر و شب عید قربان.»

به این صورت که دل او در یاد خدا و بدنش مشغول فرمان برداری و عبادت خدا بوده و در طول شب هیچ چیزی حتی مناجات او را از خداوند غافل ننماید؛ مگر این که مشغول شدن به این مناجات نیز برای خدا و به خاطر او باشد که این مطلب اولین درجه مراقبت می باشد (2).

از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمودند:

ص: 170

1- دعائم الإسلام ج 1 ص 184. بحار الأنوار، ج 96، ص 301

2- ملکی تبریزی میرزا جواد المراقبات بی جا، اخلاق، اول، 1375، ص 454.



مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ النَّحْرِ مِنْ دَمٍ مَسَّ فُؤُوكَ وَ مَسَّ فِي فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ أَوْ ذِي رَحِمٍ قَاطِعٍ يَأْخُذُ عَلَيْهِ بِالْفَضْلِ وَيَبْدَأُ بِالسَّلَامِ أَوْ رَجُلٍ أَطْعَمَ مِنْ صَالِحٍ سُكَّهِ ثُمَّ دَعَا إِلَى بَقِيَّتِهَا جِيرَانَهُ مِنَ الْيَتَامَى وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْمَمْلُوكِ وَ تَعَاهَدَ الْأَسْرَاءَ؛ (1) در روز عید قربان چیزی با فضیلت تر از پنج چیز نیست قربانی کردن یا راه رفتن در جهت نیکی به پدر و مادر یا خویشاوندی که قطع رحم کرده تا به او چیزی ببخشد و آغاز سلام کند، یا مردی که از بهترین جای قربانی اش به دیگران اطعام کند و بقیه آن را به همسایگان از یتیمان و بیچارگان و بردگان بدهد و از اسیران دل جویی کند.

در شب و روز عید قربان زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است. از دیگر اعمال مستحب روز عید قربان، غسل، نماز عید، خواندن دعای ندبه، قربانی کردن و تکبیرات مخصوص است که در «مفاتیح الجنان» آمده است. بر اساس منابع دینی روزه گرفتن در عید قربان مانند عید فطر حرام است.

### فضیلت قربانی

یکی از اعمال این عید بزرگ قربانی کردن است قربانی به حاجیان اختصاص ندارد، بلکه قربانی در این روز برای غیر حاجیان نیز سنت مؤکد است. هر کس بسته به استطاعت مالی خود در این روز قربانی می کند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْأُضْحِيَّةِ لَأَسَدَتُوا وَ صَدَّعُوا إِنَّهُ يُغْفَرُ لِصَاحِبِ الْأُضْحِيَّةِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِهَا؛ (2) اگر مردمان بدانند که چه ثوابی در قربانی است هر آینه قرض می کنند و قربانی می کنند؛ به درستی که اولین قطره خون قربانی که بر زمین می ریزد همه گناهان صاحبش بخشوده می شود.

ص: 171

1- الغایات ص 93. بحار الأنوار، ج 96، ص 301.

2- علل الشرائع، ج 2، ص 440.

هم چنین از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است: «ام سلمه» (که بعد از حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بود) خدمت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله، گاهی عید قربان فرا می رسد و من بهای قربانی ندارم، آیا قرض کنم و قربانی کنم؟ حضرت فرمودند:

فَاسْتَقْرِضِي فَإِنَّهُ دَيْنٌ مَّقْضِيٌّ؛ (1) قرض کن که این قرضی است که ادا می شود

## تقسیم گوشت قربانی

درباره گوشت قربانی در احادیث آمده است که امامان معصوم علیهم السلام یک سوم قربانی را به همسایگان و یک سوم آن را به نیازمندی که درخواست داشتند می دادند، و یک سوم باقی مانده را برای خانواده خود نگه می داشتند. (2)

## نمادی از ایثار در راه محبوب

قربانی کردن گوسفند نماد این است که نفس و هوی و هوس خود را در راه خدا از بین ببری چرا عید قربان با نام حضرت ابراهیم علیه السلام گره خورده است؟ چون حضرت ابراهیم علیه السلام ایثار و فداکاری کرد.

مرحوم نراقی در کتاب «معراج السعاده» می نویسد: خداوند تبارک و تعالی مال بسیاری به ابراهیم خلیل علیه السلام داده بود به طوری که 400 سگ گله، نگهبان گوسفندانش بودند. فرشتگان گفتند: دوستی ابراهیم با خداوند به خاطر مال و نعمت های فراوانی است که خداوند به او عطا کرده است

خداوند تبارک و تعالی برای این که به آن ها نشان دهد که این چنین نیست که گمان کرده اند به جبرئیل فرمود: برو در جایی که حضرت ابراهیم صدایت را بشنود و مرا یاد کن. جبرئیل امین بالای تپه ای رفت وقتی که ابراهیم خلیل الله به

ص: 172

---

1- علل الشرائع، ج 2، ص 440

2- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 493.

نزد گوسفندانش بود، با صدای دل نشین و نوای ملکوتی گفت: «سُبُوْحُ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ».

وقتی ابراهیم خلیل علیه السلام نام دوست خود و کلام حق را شنید، به شوق آمد و فریاد زد:

این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست

تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست

دل زنده می شود به امید وفای یار

جان رقص می کند به سماع کلام دوست

خلیل حق به اطرافش نگاه کرد تا گوینده را پیدا کند، دیدند شخصی بالای تپه ایستاده است. به نزد وی دوید و گفت شما بودید که نام دوست مرا آوردید؟ گفت بلی خلیل حق گفت ای بنده خدا نام دوست من و نام حق را یک بار دیگر بگو، ثلث گوسفندانم از آن تو جبرئیل امین با آوازی خوش باز نام حق را تکرار نمود.

حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: یک بار دیگر بگو نصف گوسفندانم از آن تو. باز جبرئیل ذکر تقدیس و تنزیه را گفت خلیل حق در آن لحظه از کثرت ذوق و شوق بی قرار شد و گفت همه گوسفندانم از آن تو یک بار دیگر نام دوست مرا ببر! جبرئیل باز فرمود: «سُبُوْحُ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ».

خلیل حق هر بار که این ذکر را می شنید اشتیاقش بیشتر و اشتعالش افزون می گشت آخر دید دستش خالی است و سخت مشتاق استماع نام محبوب خویش است. گفت: دیگر چیزی ندارم به شما بدهم، چوپان گوسفندانم می شوم یک بار دیگر نام دوست مرا ببر!

جبرئیل یک بار دیگر ذکر «سُبُوْحُ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» را تکرار کرد ابراهیم خلیل علیه السلام فرمود مرا با گوسفندان خود ضبط کن. جبرئیل امین گفت ای خلیل

حق، مرا حاجت به گوسفندان تو نیست، من جبرئیل امین هستم و حقاً جای آن داری که خداوند متعال تو را دوست و خلیل خود گردانده که در وفاداری کاملی و در مرتبه، دوستی صادق و در شیوه طاعت مخلص و ثابت قدم (1)

ما چقدر حاضر هستیم برای محبوبمان هزینه کنیم؟ چقدر حاضریم برای اهل بیتی که همه هستی خود را برای ما گذاشتند خرج کنیم؟

### قربانی ابراهیم علیه السلام

امتحان دیگر ابراهیم علیه السلام در مورد فرزندش اسماعیل بود که خدا امر کرد عزیز دلبنده خود را هم در راه من قربانی کن حضرت ابراهیم علیه السلام به قصد قربانی آمد ولی خداوند امر کرد که چاقو نبرد و گوسفندی از بهشت آمد و این نمادی شد که از تعلقات خود بگذریم و قربانی کنیم و از آن امتحان سر بلند بیرون بیاییم.

به ما وقتی می گویند یک پنجم از مازاد هزینه های خود را به عنوان خمس بدهید، دست و پای ما می لرزد. حاضر نیستیم از پول بگذریم، آیا می توانیم فرزندانمان را فدا کنیم؟

امتحان دیگر ابراهیم علیه السلام این بود که یک تنه بت ها را شکست و حاضر شد با منجنیق او را درون آتش بیندازند. اگر حضرت ابراهیم می دانست که آتش گلستان می شود که صحنه سازی و تئاتر بود این هنر نیست حضرت ابراهیم می دانست که لحظاتی بعد خاکستر می شود ولی دست به چنین اقدام شجاعانه ای زد. خیلی مهم است که در راه خدا از مال و جان و فرزند و آبرو بگذریم، از خود خواهی ها و نفسمان بگذریم

### تجلی خدا در کوه طور

حضرت موسی علیه السلام پس از رها کردن بنی اسرائیل از استبداد فرعون مصر و تشکیل نظام توحیدی برای عبادت و دریافت کتاب مقدس تورات به کوه طور

ص: 174

---

1- معراج السعادة، متن، ص 748، به نقل از لئالی الاخبار، ج 1، ص 96.

رفت. حضرت موسی علیه السلام تا آن عصر پیرو آیین ابراهیم علیه السلام بود، و همان را برای بنی اسرائیل تبلیغ می کرد.

قوم حضرت موسی علیه السلام در انتظار برنامه های جدید و کتاب آسمانی جدید موسی علیه السلام بودند، تا به آن عمل کنند خداوند سبحان به وی وعده داد که او به کوه طور رود و در آن جا چهل روز اقامت گزیند و به راز و نیاز با پروردگارش پردازد و در همان جا، موفق به دریافت «الواح آسمانی» و یا کتاب مقدس تورات گردد.

حضرت موسی علیه السلام شادمان شد و برادرش هارون علیه السلام را جانشین خویش نمود و خود به سوی طور رهسپار شد و از اول ذی القعدة تا دهم ذیحجه به مدت چهل شب و روز در آن جا به عبادت پرداخت. (1)

حضرت موسی علیه السلام به هنگام رفتن به کوه طور به ب-رادرش هارون علیه السلام سفارش های لازم را نمود و او را به صلاح و سداد و اصلاح امت و مبارزه با فساد و فتنه فراخواند. و به آن ها فرمود: «برادرم هارون را در میان شما می گذارم و برای سی روز از میان شما غیبت می کنم و به کوه طور می روم تا احکام شریعت (و الواح تورات) را برای شما بیاورم».

### درخواست مشاهده خدای تعالی

از سوی دیگر جمعی از بنی اسرائیل با اصرار و تأکید از حضرت موسی علیه السلام خواستند که خدا را مشاهده کنند و اگر او را مشاهده نکنند هرگز ایمان نخواهند آورد. موسی علیه السلام هر چه آن ها را نصیحت کرد، فایده نداشت. سرانجام حضرت موسی علیه السلام را از میان آن ها هفتاد نفر را برگزید و همراه خود به میعاد گاه پروردگار (کوه طور) برد موسی علیه السلام در کوه طور تقاضای بنی اسرائیل را چنین عرضه داشت:

«رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ»؛ پروردگارا، خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم.

ص: 175

«لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنْ أَنْظِرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنَّ اسَّ تَمَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي»؛ (1) هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه، بنگر اگر در جای خود ثابت ماند مرا خواهی دید.

ناگاه خداوند در کوه تجلی کرد و کوه نابود و همسان زمین شد. حضرت موسی علیه السلام از مشاهده این صحنه هول انگیز چنان وحشت زده شد که مدهوش بر روی زمین افتاد و این هفتاد نفر همه هلاک شدند وقتی حضرت موسی علیه السلام به هوش آمد، عرض کرد:

«سُبْحَانَكَ تَبَّتْ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (2) پروردگارا! تو منزّه هستی، من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم و من از نخستین مؤمنان هستم.

این همان تجلی قدرت خدا بر کوه بود؛ چرا که قوم حضرت موسی علیه السلام از موسی خواسته بودند که از خدا بخواهد خود را نشان دهد با این که خداوند دیدنی نیست. تجلی خدا بر کوه طور و هلاکت هفتاد نفر از قوم موسی علیه السلام و مدهوش شدن خود موسی علیه السلام هم مجازات آن ها بود که چنین تقاضایی کرده اند، و هم نشان دادن قدرت الهی بود تا آن ها با دیدن جلوه های قدرت الهی با چشم باطن خدا را بنگرند.

موسی علیه السلام وقتی که به هوش آمد و هلاکت نمایندگان بنی اسرائیل را دید، عرض کرد:

«رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا» (3) پروردگارا! اگر تو می خواستی می توانستی آن ها و مرا پیش از این هلاک کنی! (یعنی من چگونه پاسخ قوم را بگویم که بر نمایندگان آن ها

1- سوره اعراف، آیه 143

2- سوره اعراف، آیه 143

3- سوره اعراف، آیه 155.

چنین گذشت) آیا ما را به خاطر کار سفیهان از ما هلاک می کنی؟!

سپس با تضرع و زاری گفت: «پروردگارا می دانیم که این آزمایش تو بود که هر که را بخواهی (و سزاوار بدانی) با آن گمراه می کنی و هر کس را بخواهی (و شایسته بینی) هدایت می نمایی بار الها تنها تو ولی و سرپرست ما هستی ما را ببخش و مشمول رحمت خود قرار ده تو بهترین آمرزندگان هستی!» (1)

### بازگشت به قوم

سرانجام هلاک شدگان زنده شدند و به همراه حضرت موسی علیه السلام به سوی بنی اسرائیل باز گشتند و آن چه را دیده بودند برای آن ها باز گو کردند. حضرت موسی علیه السلام در همین سفر الواح تورات را از خداوند گرفت. و خداوند در کوه طور به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

«یا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ»؛ (2) ای موسی! من تو را با رسالت های خویش و سخن گفتنم (با تو) بر مردم برگزیدم پس آن چه را به تو داده ام محکم بگیر و از شکر گزاران باش

و برای مردم در الواح (تورات) از هر موضوعی اندرزی نوشتیم و از هر چیز بیانی کردیم پس آن را با جدیت بگیر و به قوم خود بگو به نیکو ترین آن ها عمل کنند و آن ها که به مخالفت بر می خیزند کیفر شان دوزخ است و به زودی خانه فاسقان را به شما نشان خواهیم داد.

به این ترتیب موسی علیه السلام در میعاد گاه طور شرایع و قوانین آیین خود را به صورت صفحه هایی از تورات، از درگاه الهی گرفت و به سوی قوم بازگشت تا آن ها را در

ص: 177

1- سوره اعراف، آیه 155

2- سوره اعراف، آیه 144 و 145

## اربعین موسوی

اربعین موسوی یا اربعین، کلیمی در اصطلاح به سی روز ماه ذیقعدہ به علاوه ده روز اول ذیحجه گفته می شود که بر اساس روایات خداوند در این ایام حضرت موسی علیه السلام را به کوه طور فراخواند و سی روز (تا پایان ماه ذیقعدہ) با آن حضرت وعده نمود و سپس با افزودن ده روز اول ذیحجه آن را تکمیل فرمود

چون این چهل روز در آیات قرآن و روایات دوره عبادت حضرت موسی کلیم الله علیه السلام در خلوت خود با خداوند بوده و پس از این چهل روز بود که خداوند تورات را بر آن حضرت نازل، نمود این ایام را اربعین موسوی یا اربعین کلیمی می نامند.

حضرت موسای کلیم علیه السلام در این ایام حالتی خاص داشت و از جذبات الهی به شکلی مخصوص بهره مند بود. در روایت آمده است:

أَنَّهُ مَا أَكَلَ وَ مَا شَرِبَ وَ لَا نَامَ وَ لَا اسْتَهَى شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ فِي ذَهَابِهِ وَ مَجِيئِهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً شَوْقاً إِلَى رَبِّهِ؛ (1) حضرت موسی علیه السلام چهل روز از شدت جذبات الهی و شوقی که داشت نه در رفتن و نه در آمدن، نه چیزی خورد و نه چیزی نوشید و نه خوابید و نه اشتهای چیزی را داشت.

در دعاها به حالات خاص آن حضرت در این ایام و تجلیات خاص خداوند برای آن حضرت مکرراً اشاره شده است.

عدد چهل و اربعین گرفتن بر اساس روایات و تجربه اهل معنا اثری خاص بر وصول انسان به کمالات دارد از این رو در میان اهل سلوک متداول است که بسیاری از عبادات را در دوره های چهل روزه به جا می آورند.

ماه ذیقعدہ نخستین ماه از سه ماه حرامی است که به هم پیوسته اند. (ذیقعدہ و ذیحجه و محرم) و ماه های حرام دارای حرمتی خاص در عالم ملکوت و در

ص: 178



عالم ظاهر هستند. اسباب استجاب دعا در آن ها فراهم است و بارگناه در آن ها سنگین تر از اوقات دیگر است. بر این اساس همواره سالکین الی الله را به مراقبه بیشتر در این ماه ها دعوت می کنند

ده روز اول ماه ذیحجه نیز از شریف ترین اوقات سال است تا آن جا که بر اساس روایت هیچ دهه ای در نزد خداوند از این ده روز محبوب تر نیست. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند

مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَيَّامِ الْعَشْرِ يَعْنِي عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ؛ (1) عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی در نزد حق تعالی محبوب تر از دهه اول ذیحجه نیست.

از این رو این دوره چهل روزه بسیار سزاوار توجه و عبادت و مراقبه شده است. بزرگان اهل معرفت به تجربه یافته اند که عبادت و مراقبه خاص در این چهل روز آثار بسیار مهمی دارد و تأکید بسیار زیادی بر عبادت و مراقبه در آن دارند.

در دهه اول ماه ذیحجه که اوج اربعین موسوی است، هر شب دو رکعت نماز میان مغرب و عشا خوانده می شود و در هر رکعت بعد از حمد یک بار سوره توحید و یک بار آیه شریفه «وَاَعْدُنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمِ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» قرائت گردد که اگر چنین شود انسان با حجاج در ثواب حج شان شریک می گردد. (2)

از این روایت و این دستور به روشنی فهمیده میشود که این ایام که اتمام اربعین حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - است، مخصوص به آن حضرت نبوده است بلکه ایامی است برای کسب فیض برای همه مؤمنین و در عبادت در آن ایام برای کسب فیض از رحمت الهی به آن ماجرا اشاره نموده و از خداوند تمنای برکت می کنیم.

ص: 179

1- وسائل الشیعة، ج 14، ص 273.

2- اقبال الاعمال، ج 2، ص 35.

حضرت موسی علیه السلام به راستی برای خودش تقاضای مشاهده کرد، ولی منظور او مشاهده با چشم نبود که لازمه آن جسمیت خدای تعالی بوده باشد، و با مقام موسی علیه السلام سازگار نباشد بلکه منظور یک نوع ادراک و مشاهده باطنی و یک شهود کامل روحی و ایمانی بوده است.

حضرت موسی علیه السلام می خواست به چنین مقامی از شهود و معرفت برسد در حالی که رسیدن به چنین مقامی در دنیا ممکن نیست، اگرچه در آخرت که عالم شهود و عالم بروز است امکان دارد.

از این رو خداوند در پاسخ حضرت موسی علیه السلام گفت: چنین رؤیتی هرگز برای تو ممکن نیست و برای اثبات، مطلب جلوه ای بر کوه کرد و کوه از هم متلاشی شد، و بالاخره حضرت موسی علیه السلام از این درخواست توبه نمود. (1) روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام بر این مطلب تصریح دارد. فرمودند:

فَكَأَنْتَ مَسْأَلُهُ تِلْكَ أَمْرًا عَظِيمًا وَسَأَلَ أَمْرًا جَسَدِيًّا فَعُوقِبَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَنْ تَرَانِي فِي الدُّنْيَا حَتَّى تَمُوتَ فَتَرَانِي فِي الْآخِرَةِ (2)  
درخواست او امری بزرگ و عظیم بود از این رو مجازات شد و خداوند تبارک و تعالی فرمود: «مرا در دنیا نخواهی دید تا این که جان دهی و آن گاه مرا در آخرت می بینی.»

### جلوه یکی از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام

در روایت آمده است که این جلوه جلوه یکی از شیعیان مولا- امیر المؤمنین علیه السلام بوده است چنان که امام صادق علیه السلام می فرمایند

إِنَّ الْكُرُوبِيِّينَ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا مِنَ الْخَلْقِ الْأَوَّلِ جَعَلَهُمُ اللَّهُ خَلْفَ الْعَرْشِ لَوْ

ص: 180

1- المیزان، ذیل آیه 143 سوره اعراف

2- بحار الأنوار، ج 90، ص 13؛ التوحید، ص 261

فُسِّمَ نُورٌ وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِكِفَائِهِمْ؛ همانا کروبیان، قومی از شیعه ما و از خلق نخستین می باشند و خدا آنان را در بهشت عرش قرار داده است و اگر یک نور از آنان بر اهل زمین می تابید، برای اهل زمین کافی بود

سپس فرمودند:

إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْ سَأَلَ رَبَّهُ مَا سَأَلَ أَمَرَ وَاحِدًا مِنَ الْكُرُوبِيِّينَ فَتَجَلَّى لِلْجَبَلِ فَجَعَلَهُ دَكًّا (1) وقتی که موسی علیه السلام آن خواسته را از پروردگارش طلب کرد، کرد خدای تعالی به یکی از کروبیان فرمان داد و او بر کوه جلوه کرد و آن را همسان خاک قرار داد

حضرت موسای کلیم علیه السلام می خواست خدای متعال را با عالی ترین مرتبه ایمان ببیند، یعنی می خواست حقیقت مقامات امیر المؤمنین علیه السلام در این دنیا بر قلبش تجلی کند و با کُنه نورانیت امیر المؤمنین علیه السلام خدا را در این دنیا ببیند و این در این دنیا ممکن نیست از این رو وقتی تجلی کرد کوه متلاشی شد و هفتاد نفر از بنی اسرائیل از دنیا رفتند و حضرت موسی علیه السلام هم بیهوش بر زمین افتاد. یعنی تاب تجلی نور یکی از شیعیان کامل اهل بیت علیهم السلام را نداشتند. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»

### تجلی نور الهی بر کوه انانیت

در عید قربان نور الهی بر کوه تجلی کرد و کوه متلاشی شد از این تجلی هفتاد نفر بنی اسرائیل که همراه حضرت موسی علیه السلام بودند، مردند خود حضرت موسی علیه السلام هم بیهوش شد. اگر این نور بر کوه انانیت انسان هم تجلی کند آن را با خاک یکسان می کند از آن پس از جان و مال و آبرویش در راه خدا می گذرد. اگر با خانمش با دوستش رفیقش ارباب رجوعش بگو مگو دارد، گذشت می کند

ص: 181

یک استاد اخلاق و عرفانی بود که شاگرد های زیادی تربیت می کرد یکی از شاگردان دچار مشکلی شد و بیست سال به مسافرت رفت. بعد از بیست سال برگشت. خیلی حسرت می خورد که بیست سال نبودم. به استادش گفت: من بیست سال سر درس شما نبودم می شود خلاصه و چکیده آن بیست سال را به من انتقال بدهید؟

فرمود: بله خلاصه همه درس های اخلاق و عرفان در یک جمله بسیار کوتاهی است که روی ناخن هم می توانی بنویسی و آن این است: «ذبح نَفْسِكَ وَ الْآفَلَا نَفْسَتِ رَاقِرْبَانِي كُنْ وَ كَرْنَهْ هِيْجْ فَايْدَهْ اِيْ نَدَارْدَا!» «من» را زیر پا بگذار و پرچم خدا را بلند کن تا خدا یک قدم بیشتر نیست. هرکس روی خودش پا گذاشت رستگار شد خلاصه همه اخلاق و عرفان این است که خودت را قربانی کنی، و گر نه اگر میلیون ها سال هم عبادت کنی دور خود می چرخي

### نواضع حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام پیامبر بسیار بزرگی است. الان بیشترین پیرو را در روی کره زمین دارد، هر چند بعد از آمدن پیغمبر اسلام دین انبیای دیگر منسوخ است و باید اسلام را بپذیرند.

قرآن می گوید نصاری به ما نزدیک تر هستند در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام بیشتر از همه، مسیحی ها به امام زمان علیه السلام گرایش پیدا می کنند؛ چون حضرت عیسی علیه السلام ظاهر می شود و با امام زمان بیعت می کند و جزء خدمت گزاران و سربازان امام زمان علیه السلام است، مسیحی ها همه ایمان می آورند و زود تسلیم می شوند.

حضرت عیسی علیه السلام همسر نداشتند و ازدواج نکردند، خانه و زندگی نداشتند. یک سری حواریین اطراف آن حضرت جمع شدند و در تبلیغ دین به ایشان کمک می کردند حضرت عیسی علیه السلام با این ها بسیار یگانه بود

یک روز حضرت عیسی علیه السلام به حواریین: فرمود من خواسته ای از شما دارم حاجت مرا برآورده کنید. شاید آن ها اگر می دانستند چه می خواهد بگوید قبول نمی کردند گفتند در خدمت هستیم

حضرت عیسی علیه السلام ظرف آبی آورد و فرمود: می خواهم پای همه شما را بشویم. گفتند خجالت می کشیم. عیسی، روح الله و نماینده خداست و پای شاگردان خود را می شوید. عرض کردند: «ای روح خدا، ما سزاوار تر به این کار هستیم.»

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «سزاوار ترین انسان به تواضع و فروتنی، عالم است، من این گونه به شما تواضع نمودم تا بعد از من شما نسبت به مردم این گونه تواضع کنید.» آن گاه افزود:

بِالتَّوَّاضِعِ تُعْمَرُ الْحِكْمَةُ لَا بِالتَّكْبَرِ وَ كَذَلِكَ فِي السَّهْلِ يَنْبُتُ الزَّرْعُ لَا فِي الْجَبَلِ؛ (1) بنای حکمت با تواضع ساخته می شود، نه با تکبر، و هم چنین زراعت در زمین نرم می روید، نه در زمین سخت.

همان طور که در سنگ سفت گیاه نمی روید قلب هایی هم که مغرور و متکبر است درونش خیر و برکت و علم و معارف الهی رویش ندارد. قلبی که متواضع است، حکمت و معارف و حقایق در آن رویش دارد. آدم های مغرور و متکبر به درد تازیانه جهنم می خورند.

شیطان چند هزار سال عبادت کرد اما به هنگام امتحان وقتی خدا به او گفت: به بهتر از خودت سجده کن نکرد و خودش را زیر پا گذاشت. مرحوم حاج آقای دولابی می فرمودند بعضی هفتاد سال است دور خود می چرخند، در کار خودش است و نمی خواهد خدا را راضی کند می خواهد خودش را راضی کند

خدا را باش و خود را. نباش تمام غصه های ما و غم های ما این است که چرا حرف من نشده و حرف خدا شد؟ با خدا قهر می کنیم، چون حرف ما را پیاده

ص: 183

نکرده است.

خدا به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «أَسْلَمَ؛ تسلیم شو!» گفت: «أَسَدَلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (1) در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم»

## معنای اسلام

حضرت امیر علیه السلام فرمودند: من اسلام را طوری معنا کنم که هیچ کس معنا نکرده باشد. بعد فرمودند:

إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ؛ (2) اسلام همان تسلیم است.

«أسلم» یعنی تسلیم خدا شو خودت را در اختیار خدا قرار بده. مثل کسی که در جنگ دست بالا می کند و می گوید تسلیم هستم. بعضی از ما هفتاد سال با خدا می جنگیم که چرا برای من نشد؟ چرا خدا به من پسر نداد؟ کم داد یا زیاد داد؟ آخر هم همان شود که خدا می خواهد.

مرحوم حاج آقای دولابی میفرمود: لات ها می گویند باید لنگ بیندازی یعنی تسلیم شوی. ایشان می فرمود هرچه سرمایه داری هرچه عقل و فکر و تدبیر داری، لنگ بخرو برای خدا لنگ بینداز.

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ (3) من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم!

قلوب را به کسی می دهم که مرا خلق کرده است. بزرگ ترین تعریفی که خدا از حضرت ابراهیم می کند، این است:

«كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ (4) ابراهیم موحدی خالص

ص: 184

1- سوره بقره، آیه 131.

2- الکافی، ج 2، ص 45

3- سوره انعام، آیه 79.

4- سوره آل عمران، آیه 67

و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود.

مشرک نبود یعنی خدا را در همه جا بر خودش و نفسش و دیگران مقدم می کرد. شرک واقعی این است که «من» را بر خدا مقدم کنم خدا می گوید: این کار را بکن، می گویم نه. باید غرور خود را بشکنیم.

ص: 185

## عقد اخوت بين پیامبر صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام

مرحوم علامه مجلسی در «بحار الانوار» به نقل از شیخ طوسی می گوید: روز هجدهم ذیحجه روزی است که پیامبر صلی الله علیه و اله با علی علیه السلام عقد اخوت بست. «الثاني عَشْرَ مِنْهُ آخَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا» (1)

### عقد اخوت

عقد أُخُوْت پیوندی است که بین دو مسلمان بسته می شود تا با یکدیگر برادر باشند. فایده این عقد این است که هر کدام از دو طرف عقد، دیگری را در همه چیز ترجیح دهد؛ مثلاً اگر فرد حاجتی دارد، کسی که با او عقد بسته، او را بر دیگران مقدم کند و در رفع حاجتش بکوشد بلکه در اعمال مستحبی، او را شریک کند. در عبارت عربی صیغه این عقد آمده است که دو برادر هر حقی را از همدیگر جز دید و بازدید دعا کردن و شفاعت در آخرت ساقط می کنند.

این عقد تعهداتی همچون ارث بردن از یکدیگر و محرم شدن را ایجاد نمی کند؛ بنا بر این، دو نفر که عقد اخوت بسته اند از هم ارث نمی برند و هیچ گونه رابطه محرمیت میان وابستگان آنان ایجاد نمی شود این عقد، فقط میان دو مرد یا دو زن بسته می شود و هیچ زن و مردی نمی توانند این عقد را بین خود جاری کنند و

ص: 186



## عقد اخوت در عید غدیر

مستحب است برادران و خواهران ایمانی در روز عید غدیر عقدی را بین خود برقرار سازند که مفاد آن اخوت و هم دلی در دنیا و دستگیری از همدیگر در آخرت است. دو مرد یا دوزن دست راست خود را به هم می دهند و یکی از آنان صیغه عقد اخوت را می خواند و دیگری مفاد آن را قبول می کند. یکی از آن دو نفر می گوید:

وَ اَخِيَّتِكَ فِي اللَّهِ وَ صَافِيَّتِكَ فِي اللَّهِ وَ صَافِحَتِكَ فِي اللَّهِ وَ عَاهَدْتُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ كُتُبَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيَاءَهُ وَ الْأَيَّةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَى أَنِّي إِن كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الشَّفَاعَةِ وَ أُدْنَى لِي بِأَن أَدْخَلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مَعِيَ بِرَأْسِ خَدَايَا تُوْبْرَادِي وَ صَافَا (يكرنگی) می ورزم و برای خدا دستم را در دستت قرار می دهم و در پیش گاه خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگان او عهد می کنم که اگر از اهل بهشت و شفاعت باشم و اجازه ورود در بهشت را، یابم بدون تو وارد بهشت نشوم.

سپس طرف دیگر در جواب او می گوید: « قَبِلْتُ؛ قبول کردم». باز نفر اول می گوید:

أَسَقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَ الدُّعَاءَ وَ الزِّيَارَةَ؛ تمام حقوق برادری به جز حق شفاعت و دعا و دید و بازدید را از تو ساقط کردم.

و نفر دوم می گوید « قَبِلْتُ قبول کردم.» (1)

لازم نیست صیغه عقد اخوت حتماً به عربی خوانده شود، بلکه اگر آن را به فارسی یا زبان دیگری هم جاری کنند صحیح است؛ اما باید الفاظی را به کار برند که معنای این عقد را برساند

اگر دو خانم، بخواهند با هم عقد خواهری برقرار کنند، در صورت خواندن عقد

ص: 187

به عربی، باید ضمیر های مذکر را تبدیل به ضمیر های مؤنث کنند.

## پیشینه اخوت

مفهوم برادری دینی در فرهنگ صدر اسلام و ترویج آن از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مهاجران و انصار پس از هجرت به مدینه از کهن ترین نمونه های کاربرد تعبیر برادری میان مسلمانان و در شمار اصلی ترین راه کار های پیامبر صلی الله علیه و اله محسوب می شود.

میان مورخان مشهور است که پیامبر پیش از هجرت به مدینه بین مسلمانان مکه که بعد ها مهاجران لقب گرفتند عقد اخوت بست تا در تحمل آزار و اذیت های مشرکان و نیز مشکلاتی که در آینده در راه هجرت برای آنان پیش می آمد، یاور یکدیگر باشند.

آن گونه که در منابع تاریخی آمده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان ابو بکر و عمر، حمزة بن عبد المطلب و زید بن حارثه عثمان و عبد الرحمان بن عوف زبیر و ابن مسعود، بلال و عبادة بن حارثه، مصعب بن عمیر و سعد بن ابی وقاص و... عقد اخوت بست. (1)

## عقد اخوت در مدینه

پنج ماه و به نقلی هشت ماه پس از هجرت مسلمانان به مدینه، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «در راه خدا، دو تا دو تا با یکدیگر برادر شوید». (2) بنا بر مشهور تعداد آن ها 90 نفر بوده است؛ 45 نفر از مهاجران و 45 نفر از انصار (3).

ص: 188

---

1- الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج 3، ص 345

2- السيرة النبوية، ج 1، ص 504-505.

3- الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج 4، ص 227.

اخوتی که در سال نخست هجری برقرار شد نقش مهمی در روابط میان مسلمانان داشت ولی آن چه اهمیت بیشتری دارد برادری همه مسلمانان با یکدیگر است که در سال نهم هجری با نزول آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (1) بر آن تأکید شد. هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر میان افرادی که شبیه و نظیر یکدیگر، بودند پیمان برادری بست؛ از جمله میان ابو بکر و عمر ابوذر و ابن مسعود سلمان و حذیفه، مقداد و عمار، عایشه و حفصه ام سلمه و صفیه.

### برادری پیامبر صلی الله علیه و اله با علی علیه السلام

پیوند برادری میان علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و اله جزو متواترات تاریخی است به جز منابع شیعی بسیاری از منابع اهل سنت نیز این واقعه را نقل کرده اند که علامه امینی در کتاب «الغدیر» به پنجاه مورد از آن ها اشاره کرده است. (2)

پیامبر صلی الله علیه و اله چندی پیش از مهاجرت به ، مدینه میان مهاجران عقد اخوت بست و خود نیز با امام علی علیه السلام عقد اخوت بست در منابع آمده است: وقتی پیامبر بین اصحاب خود عقد اخوت، بست، علی علیه السلام گریان نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و گفت: میان اصحاب برادری برقرار کردی و مرا با هیچ کس برادر نساختی! پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (3) تو برادر من در دنیا و آخرت هستی!

در نقل دیگری آمده است پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ أَخِي؛ آیا خشنود نمی شوی که برادر من باشی؟

حضرت علی علیه السلام گفت: چرا پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

ص: 189

1- سوره حجرات، آیه 10.

2- الغدیر، ج 3، ص 162-180.

3- السیرة الحلبیه، ج 2، ص 125.

وَ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ (1) تو در دنیا و آخرت برادر من هستی

پس از هجرت به مدینه نیز پیامبر صلی الله علیه و آله بین مهاجران و انصار پیوند اخوت برقرار کرد ولی حضرت علی علیه السلام را با هیچ یک از انصار برادر نساخت و خود با او عقد اخوت بست و فرمود: «أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (2) تو برادر من در دنیا و آخرت هستی!» (3)

### هدف از برقراری عقد اخوت

از مهمترین دغدغه های پیامبر صلی الله علیه و آله چگونگی برقراری عدالت اجتماعی در میان همه مردم بوده است و لازمه پدیدار گشتن چنین عدالتی، از یک سو بر افتادن تضاد های طبقاتی و از دیگر سو ایجاد پیوند های قرابت میان آحاد مردمان بوده است به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله پیوند برادری دینی را به عنوان راه کاری عملی برای شکل گیری برادری و برابری میان همه انسان ها برقرار ساخته است.

از بین بردن کینه ها و دشمنی ها زدودن غربت و تنهایی مهاجران و جایگزین کردن پیوند ایمانی به جای پیوند های قومی و نژادی نیز از جمله اهداف عقد اخوت شمرده شده است.

تا پیش از نزول آیه دهم از سوره حجرات گمان می شد که ایجاد پیوند برادری میان مسلمانان تنها کاری هوشمندانه و خردمندانه از سوی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام یک رهبر دینی و سیاسی با هدف بنیان نهادن جامعه ای اسلامی و فراهم آوردن پشتوانه معنوی برای آن بوده است، اما با نزول این آیه معلوم شد که این پیوند افزون بر یک شیوه سیاسی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی بین امت اسلام، بخشی از آیین اجتماعی اسلام است که خداوند متعال تشریح کرده است.

ص: 190

1- شرح الاخبار، ج 2، ص 178.

2- السيرة الحلییه، ج 2، ص 125

3- اعیان الشیعه، ج 2، ص 27.

## اعطای لقب «امیر المؤمنین» برای علی علیه السلام

در روز سیزدهم ذیحجه پس از پایان اعمال حج جبرئیل امین نازل گردید و از سوی خداوند متعال لقب «امیر المؤمنین» را آورد و آن را به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام اختصاص داد و خود نیز با همین لقب به آن حضرت سلام نمود.

در کتاب «امالی صدوق» و «بحار الانوار» به این واقعه این چنین اشاره شده است جبرئیل با لفظ امیر المؤمنین به علی علیه السلام سلام داد و علی علیه السلام عرض کرد:

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْمَعُ الْكَلَامَ وَلَا أَحْسُ الرُّؤْيَةَ؛ يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَلَامِي مِي شَنُومِ وَ كَسِي رَا نَمِي بَيْنِمِ؟

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

يَا عَلِيُّ هَذَا جِبْرَائِيلُ أَتَانِي مِنْ قِبَلِ رَبِّي بِتَصَدِيقٍ مَا وَعَدَنِي؛ اَيْنَ جِبْرَائِيلُ اسْت، از جانب خدا برای تصدیق آن چه خدا به من وعده داده آمده است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله دستور داد تا مردان یکی یکی با این لقب بر حضرت علی علیه السلام سلام کنند و بگویند: «السلام عليك يا امير المؤمنین» و به بلال فرمودند: اعلام نماید فردا کسی جز بیماران باقی نماند و همه به سمت غدیر خم حرکت کنند. (1)

ص: 191

امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز عید غدیر به بیان واقعه روز غدیر پرداخته اند و نیز به این لقب اشاره کرده و فرموده اند

فَدَايَ مُبَلِّغًا وَحَيْكَ وَرِسَالَتِكَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ وَ مَنْ كُنْتُ وَ لِيَهُ فَعَلَيْهِ وَ لِيَهُ وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلَيْهِ أَمِيرُهُ؛ (1) پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که وحی و رسالت تو را تبلیغ می کرد ندا سر داد و فرمود: «هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست و هر کس من ولی و سرپرست او هستم علی ولی و سرپرست اوست. و هر کس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست.»

## لقب اختصاصی

درباره اختصاص داشتن لقب «امیر المؤمنین» به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان لقبی اختصاصی که از طرف خداوند به عنوان فضایل ایشان فرستاده شده است، احادیثی از ائمه هدی علیهم السلام به ما رسیده است.

از جمله، شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به امام قائم علیه السلام به عنوان امیر المؤمنین سلام می کنند؟ فرمودند خیر، آن نام را خدا مخصوص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داده است. پیش از او کسی بدان نام نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود نبندد.

عرض کرد: قربانت پس چگونه بر حضرت قائم سلام کنند؟ فرمودند: می گویند: «السلام عليك يا بقية الله». سپس این را قرائت فرمودند:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ (2) اگر مؤمن هستید «بقية الله» برای شما بهتر است. (3)

چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که در غدیر خم ایراد کردند فرمودند:

ص: 192

1- تهذیب الأحكام، ج 3، ص 144.

2- سوره هود، آیه 86

3- الکافی، ج 1، ص 411

أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةٌ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ؛ (1) هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیر المؤمنین خوانده شود هشدار که پس از من امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد

## سرآمد اهل ایمان

لقب «امیر المؤمنین» از مهم ترین القاب علی علیه السلام است. به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم امر کردند که به آن حضرت سلام نموده و او را بدین لقب نام برند و تحیت بگویند.

این لقب عنوان اعتباری نیست بلکه بیان حقیقت و کشف سری است که در آن حضرت موجود بوده است. امیر المؤمنین یعنی شخصی که از نقطه نظر ایمان رئیس و سپهسالار مؤمنین است. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةً فِيهَا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، إِلَّا وَعَلَى رَأْسِهَا وَأَمِيرُهَا: (2) آیه ای در قرآن نازل نشده که در آن «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» باشد، جز این که علی سرآمد و امیر آن است.

پس از آن که علی علیه السلام در کعبه تولد یافت ابو طالب فرزند خود را در آغوش گرفت و می بوسید. دیدند طفل سه روزه در حالی که متوجه باب السلام است مانند طفلی يك ساله اظهار وجود می کند و می خندد. نگاه کردند دیدند رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از باب السلام وارد شده و به سوی آنان می آید.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و طفل را به آغوش گرفته و بوسیدند. همین که چشم مولود ابو طالب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله افتاد عرض کرد «السلام عليك يا رسول الله» و بلافاصله شروع به خواندن آیات سوره مؤمنون کرد. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ...»

ص: 193

1- روضة الواعظین، ج 1، ص 94.

2- بحار الأنوار، ج 35، ص 352.

در این آیات خدای تعالی نشانه های اهل ایمان را بیان می کند رسول اکرم علیه السلام فرمودند:

قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ أَنْتَ وَاللَّهُ أَمِيرٌ هُمْ، تَمِيرُهُمْ مِنْ عُلُومِكَ فَيَمْتَارُونَ، وَأَنْتَ وَاللَّهُ دَلِيلُهُمْ وَبِكَ يَهْتَدُونَ؛ مؤمنان به توستگار می شوند، تو امیر آنان هستی، از علوم خود آنان را تغذیه می کنی، و آنان توشه علمی خود را از تو دریافت میکنند؛ و به خدا سوگند تو دلیل رستگاری هستی و آنان به واسطه تو هدایت می شوند

هر دلی که طعم ایمان و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را چشیده باشد به فلاح و رستگاری خواهد رسید هر دل و قلبی قابلیت پذیرش این امانت الهی را ندارد فقط دل و قلب مؤمن است که ظرفیت ولایت او را دارد این مؤمنین هستند که روشنایی وجود امیر المؤمنین علیه السلام را درک کرده اند.

### پیشینه لقب امیر المؤمنین

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَتَى سَمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ سَمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشَّهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَلَىٰ فَقَالَ تَعَالَىٰ أَنَا رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ؛ اگر مردم می دانستند علی چه زمانی به امیر المؤمنین ملقب شد، هرگز فضیلت او را انکار نمی کردند. علی هنگامی به این نام نامیده شد که آدم هنوز خلق نشده بود خداوند عز و جل فرمود و زمانی که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آن ها را برگرفت؛ و آن ها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» پس خداوند فرمود: «من خدای شما هستم»



و محمد پیامبر شما و علی امام و امیر شما می باشد.

پیامبر خدا علیه السلام فرمودند وقتی که در شب معراج به آسمان ها عروج کردم فاصله دو قوس کمان یا کمتر بود خداوند آن چه را که باید به من وحی کند وحی فرمود بعد فرمود

يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا سَمَّيْتُ بِهِ أَحَدًا قَبْلَهُ وَلَا أُسَمِّي بِهِدًا أَحَدًا بَعْدَهُ (1) ای محمد به علی بن ابی طالب، امیر المؤمنین از جانب من سلام برسان و بدان که من هیچ کس را قبل از او به این لقب (امیر المؤمنین) ملقب نکرده بودم و بعد از این هم ملقب نخواهم کرد

عبد الله بن عباس می گوید: به خدا قسم ما علی را به امیر المؤمنین نام نبردیم تا این که رسول خدا صلی الله علیه و اله او را به آن نام گذاری کرد روزی با رسول خدا صلی الله علیه و اله در یکی از کوچه های مدینه می رفتیم که علی ابن ابی طالب از راه رسید و به رسول خدا این گونه سلام کرد: «السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته» پیامبر نیز در پاسخ فرمود: «وعلیک السلام یا امیر المؤمنین»

از لقبی که رسول خدا به علی بن ابی طالب داد تعجب کردم به پیامبر گفتم «ای رسول خدا، آن چه درباره پسر عمویم علی گفتی، از روی محبت و دوستی شخصی با او بود یا لقبی از ناحیه خداوند بود؟» رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: «نه، به خدا سوگند، آن چه درباره علی، گفتم با چشم خودم دیده ام.» پرسیدم: «ای رسول خدا چه دیدید؟» پیامبر فرمود

لَيْدَةَ أُسْرِي بِي فِي السَّمَاءِ مَا مَرَزْتُ بِبَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَرَأَيْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ آدَمُ بِسَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ؛ در شب معراج به هر دری از دریهای بهشت نظر می کردم، روی آن نوشته شده بود علی بن ابی طالب از هفتاد هزار سال پیش از خلقت

ص: 195

آدم امیر المؤمنین بوده است. (1)

### سلام با عنوان «امیر المؤمنین» در غدیر

در روایات شیعه هم چنین آمده است که در جریان واقعه غدیر نیز پیامبر اسلام، علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود و مولای همه مسلمانان معرفی کرد و از همگان خواست تا به علی با لقب «امیر المؤمنین» سلام کنند.

بر این اساس مسلمانان با تبعیت از این خواسته پیامبر، دسته دسته وارد خیمه علی علیه السلام شدند و به همان نحوه که پیامبر امر کرده بود، به او سلام کردند. (2)

بر اساس روایات دیگری پیامبر همین نحوه سلام را از هفت نفر که ابو بکر، عمر، طلحه و زبیر از جمله آن ها بودند خواست که آن ها درخواست پیامبر را اجابت کردند. (3)

### مصادره لقب امیر المؤمنین

ابن خلدون مورخ اهل سنت در باره کاربرد لقب امیر المؤمنین در باره عمر بن خطاب گفته است، صحابه ابو بکر را خلیفه رسول الله می نامیدند پس از او عمر بن خطاب را خلیفه رسول الله نامیدند اما چون این کلمه سنگین بود و از قضا یکی از صحابه که به اختلاف نامش عبد الله بن جحش یا عمر و عاص یا مُغیرة بن شُعبه و یا ابو موسی اشعری دانسته شده است، عمر را امیر المؤمنین خطاب کرد از این رو صحابه خوششان آمد و تصویب کردند که او را به این لقب بخوانند. (4)

بر اساس برخی گزارش ها شخص خلیفه دوم در این نام گذاری نقش داشته است. (5)

ص: 196

1- بحار الانوار، ج 37، ص 339، ح 84.

2- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 176

3- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 48

4- دیوان المبتدأ و الخبر، ج 1، ص 283.

5- تاریخ الامم و الملوك، ج 4، ص 208.

در طول تاریخ حکومت های مسلمان پس از پیامبر اکرم علیه السلام، لقب امیر المؤمنین کاربرد سیاسی و دینی یافته و برای اشاره به کسانی که مدعی خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند به جز ابوبکر و نیز خلفای بنی امیه و بنی عباس همواره به کار می رفته است. (1)

ص: 197

---

1- دیوان المبتدأ والخبر، ج 1، ص 283.

## اعطای فدک به فاطمه علیها السلام

علامه مجلسی به نقل از شیخ طوسی روز چهاردهم ذیحجه را روز واگذاری فدک به حضرت زهرا علیها السلام بر شمرده است. (1)

فدک دهکده ای آباد و نام منطقه ای حاصل خیز در 130 کیلومتری مدینه در شرق خیبر است که در سال هفتم هجری بدون خون ریزی به دست پیامبر صلی الله علیه و آله فتح شد. بنا بر حکم صریح قرآن سرزمین هایی که بدون درگیری نظامی به فتح مسلمانان درآیند «فیئ» و ملک شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله می شوند و مسلمانان دیگر حقی در آن ندارند و پیامبر صلی الله علیه و آله می تواند هر گونه مصلحت بداند در باره آن ها تصمیم بگیرد.

پس از نزول آیه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»، (2) پیامبر به فرمان خدا در زمان حیات خویش فدک را به فاطمه زهرا علیها السلام بخشید و در همان مجلس سندی نیز تنظیم کرد که امیر مؤمنان علیه السلام و ام ایمن گواهان آن بودند حضرت زهرا علیها السلام نماینده ای برای خود برگزید تا امور فدک را از نزدیک اداره کند و کارمندانی نیز به فرمان او در آورد فدک در سه سال پیش از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در دست فاطمه علیها السلام بود و بنی هاشم از محصول آن بهره می بردند.

ص: 198

---

1- بحار الأنوار، ج 95، ص 188.

2- «و حق خویشاوند را به او برسان!» سوره اسراء، آیه 26

پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه، اول نماینده حضرت زهرا علیها السلام را اخراج کرد و فدک را به بهانه حدیث ساختگی «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ»، (1) به تصرف خویش در آورد.

امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام از راه های گوناگون کوشیدند فدک را باز پس گیرند و برای اثبات مالکیت خود استدلال و احتجاج کردند. حضرت زهرا علیها السلام هم در خطبه معروف خویش از غصب آن انتقاد می نماید و با استناد به آیات قرآن ادعای آنان را در این که پیامبر ارث باقی نمی گذارد رد می کند علاوه بر این که فدک مدت ها در اختیار حضرت فاطمه علیها السلام بود و از این رو نیازی نبود آن حضرت برای اثبات مالکیت خویش بینه اقامه کند؛ اما از او بینه و شاهد خواستند.

سرانجام با این که حضرت فاطمه علیها السلام بینه و شاهد اقامه کرد نپذیرفتند و فدک را باز نگرداندند. فاطمه علیها السلام از ابو بکر غضبناک شد و دیگر هیچ گاه با او سخن نگفت

### اهداف غصب فدک

فدک بسیار بزرگ، بود نخل های آن به تعداد نخل های کوفه امروز و محصول خرمای آن بیشتر از خیبر بود ابو بکر و عمر هدف شان از جلوگیری فاطمه علیها السلام از در اختیار داشتن آن این بود که علی علیه السلام به کمک محصولات و غله آن در مخاصمه ای که در باره خلافت داشت قدرت نگیرد بنا بر این غصب فدک جنبه سیاسی داشت و می خواستند دست اهل بیت علیهم السلام را از امور مالی کوتاه کرده و به پشتوانه اقتصادی آنان ضربه بزنند.

فدک پیوسته در تاریخ به عنوان نشانه ای روشن از ظلم به اهل بیت علیهم السلام مطرح

ص: 199

---

1- « ما گروه انبیا چیزی به ارث نمی گذاریم.» الإحتجاج، ج 1، ص 104.

بوده و ابعادی فراتر از تصرف یک مزرعه و باغ یافته است. کوتاه کردن دست اهل بیت علیهم السلام از آن نمادی از کنار گذاشتن سیاسی بوده و فدک مترادف با حکومت شده است.

گواه این مطلب سخن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به هارون الرشید است که فدک را همه قلمرو و وسعت اسلام دانست که حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و دیگران غصب کرده اند (1)

فاطمه علیها السلام نیز با طرح مسأله فدک به عنوان نشانه ای از غصب و زور غاصبان خلافت می کوشید تا حکومت آنان را محکوم کند و پافشاری آن حضرت از این رو بود، نه به خاطر ارزش اقتصادی آن (2)

بنا بر این، فدک برای شیعیان تنها یاد آور یک نزاع مالی نیست، بلکه نمادی از مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام و امیر المؤمنین علیه السلام است که با نام آنان گره خورده و ارزش اعتقادی یافته است

### فدک در گذر تاریخ

بعد از امیر المؤمنین علیه السلام معاویه فدک را به مروان بن حکم داد؛ اما بعد ها آن را پس گرفت. با روی کار آمدن مروان بن حکم فدک دوباره به تصرف او در آمد و آن را به پسرش عبد العزیز بخشید و از او به پسرش عمر بن عبد العزیز رسید که با توجه به اوضاع سیاسی دوران خود فدک را به اولاد فاطمه علیها السلام برگرداند؛ اما پس از وی پادشاهان، اموی فدک را پس گرفتند

سفاح خلیفه عباسی فدک را به فرزندان فاطمه علیها السلام داد؛ اما منصور، آن را پس گرفت در روزگار مأمون گروهی از سادات به وی شکایت بردند که فدک را پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام بخشید مأمون با توجه به نظر فقها فدک را به اولاد

ص: 200

---

1- مناقب، ج 4، ص 320؛ بحار الأنوار، ج 29، ص 200.

2- فرهنگ غدیر، ص 455.

فاطمه علیها السلام داد؛ اما حاکمان بعد از او فدک را به تصرف خود در آوردند. (1)

فدک در حال حاضر به نام «الحائط» در مرز شرقی خیبر قرار دارد و شامل تعدادی روستا و دارای بیش از یازده هزار سکنه و سرزمینی پوشیده از نخلستان و برخوردار از امکانات کشاورزی است. (2)

## شق القمر

شب چهاردهم ذیحجه مشرکان، مکه یا بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام چهارده تن از اصحاب عقبه از آن حضرت درخواست معجزه کردند و گفتند: هر پیامبری دارای معجزه است معجزه شما در این شب چه می تواند باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما از من چه معجزه ای می خواهید؟ آنان گفتند اگر خدا با توست و تو در نزد او قدر و منزلتی داری از او بخواه که قرص قمر ماه را دو قطعه کند و آن دورا از هم جدا نماید.

پیامبر صلی الله علیه و اله درباره پیشنهاد آنان می اندیشید که جبرئیل امین بر او نازل شد و عرض کرد ای محمد خدای سبحان به تو سلام می رساند و می فرماید: هر چیزی در این عالم را به فرمان تو در آوردم هر چه از من بخواهی اجابت کنم. آن گاه، آن حضرت سرش را به سوی آسمان بلند کرد و به ماه دستور داد که به دو نیم شود. در همان حال ماه به دو نیمه شد و معجزه الهی به وقوع پیوست.

پیامبر صلی الله علیه و اله و پیروان او به سجده رفته و خدای قادر و سبحان را شکر نمودند. ، آن گاه به آن حضرت :گفتند آیا امکان دارد که دو نیمه ماه به هم بپیوندند و همانند سابق شود؟ پیامبر صلی الله علیه و اله اشاره ای به دو پاره ماه کرد و دستور داد که به هم بپیوندند. مشرکان مکه و یا اصحاب عقبه بار دیگر از آن حضرت درخواست کردند که وی معجزه کرده و بالای ماه را بشکافد

آن حضرت برای اتمام حجت بر آنان بار دیگر اشاره به ماه کرد و فرمان داد

ص: 201

1- فرهنگ شیعه، ص 357

2- فرهنگ غدیر، ص 455

که در بالای شکافی پدید آید در همان لحظه انشقاقی پدید آمد و بالای ماه شکافته شد و معجزه «شق القمر» به وقوع پیوست پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروانش سجده شکر کرده و خدای سبحان را که چنین معجزه ای به پیامبرش عنایت کرد سپاس گفتند آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به ماه اشاره کرد که به حال سابقش برگردد.

مشرکان و کافران که با چشم خود شاهد این معجزه الهی بودند، به عهد شان وفا نکرده و برای ایمان آوردن به پیامبر صلی الله علیه و آله بهانه آوردند و گفتند: ما منتظر بازگشت مسافران مان از شام و یمن می مانیم اگر آنان نیز این معجزه را دیده باشند به تو ایمان می آوریم و در غیر این صورت معلوم می شود که بر ما سحر و جادو کردی و دشمنی ما نسبت به تو افزون می گردد.

به هر حال مشرکان با این بهانه از زیر بار عهد و پیمان شان شانه خالی کرده و به آن حضرت ایمان نیاوردند و گفتند کار محمد صلی الله علیه و آله سحر و جادو بود.

اکثر قریب به اتفاق علما، مفسران و مورخان اسلامی معجزه شق القمر را تأیید کرده و شأن نزول آیه 54 سوره قمر را در همین رابطه می دانند؛ (1) آن جا که می فرماید:

«اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَانْ يَرُوا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» (2)

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت و هر گاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده می گویند این سحری مستمر است»

به طوری که در بعضی از روایات آمده است، معجزه شق القمر در اوائل شب چهاردهم ذیحجه سال ششم بعثت یعنی پنج سال قبل از هجرت اتفاق افتاده است. (3)

ص: 202

---

1- تفسیر القمی، ج 2، ص 341؛ بحار الأنوار، ج 17، ص 352.

2- سوره قمر، آیه 1 و 2.

3- المیزان فی تفسیر القرآن، ج 19، ص 62.



معجزه چنان که از لفظش پیداست یعنی عاجز کننده و آن کار خارق العاده ای است که نوع بشر حتی نوابغ در تمام زمان ها از آوردن آن عاجز باشند، و اساساً معجزه فراتر از نیروی بشر است و پیامبران به اراده و مشیت خدا برای اثبات درستی ادعای رسالت خویش انجام می دهند و دعوت به مقابله نیز می نمایند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در تعریف معجزه می فرماید:

وَالْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءُهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُهُ لِيُعْرَفَ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كَذِبِ الْكَاذِبِ؛ (1) معجزه نشانه ای از خداوند است که آن را جز به پیامبران و فرستادگان و حجت های خود نمی دهد تا به وسیله آن راست گویی (مدعیان ارتباط با خدا) از دروغ گویی (مدعیان دروغین) شناخته شود.

بنا بر این معجزه شق القمر همانند معجزات دیگر پیامبران، مثل معجزه عصای حضرت موسی علیه السلام و زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام که در قرآن به آن ها تصریح شده است، هرچند امری محال نیست، ولی خارق عادت و فوق طاقت و توان بشر است و امری است الهی و در معادلات و محاسبات علمی ما نمی گنجد

البته انسان های معاند هر معجزه ای ببینند زیر بار نخواهند رفت و بر انکار خودشان پافشاری می کنند چنان که در معجزه شق القمر این چنین بود، ولی کسانی که در جست و جوی حقیقت هستند آن را با جان و دل می پذیرند.

ص: 203

## ولادت امام هادی علیه السلام

بنا بر نظریه مشهور حضرت علی بن محمد الهادی علیهما السلام، امام دهم شیعیان، در روز پانزدهم ذیحجه سال 212 هجری در قریه صریا که حوالی مدینه طیبه است دیده به جهان گشود.

کنیه امام هادی علیه السلام «ابو الحسن» است. علاوه بر آن حضرت، سه تن از امامان معصوم دیگر، یعنی امام علی بن ابی طالب علیه السلام، امام موسی بن جعفر علیهما السلام، و امام رضا علیه السلام نیز دارای این کنیه می باشند

کنیه «ابوالحسن» به طور مطلق برای علی علیه السلام قرار داده شده و به امام موسی بن جعفر علیه السلام «ابوالحسن اول» و به امام رضا علیه السلام «ابوالحسن ثانی» و امام هادی علیه السلام «ابوالحسن ثالث»، و نیز «ابوالحسن الماضی» گفته می شود. (1)

مادر امام هادی علیه السلام، بانویی شریف و نجیب به نام «سمانه مغریه» است. آن حضرت فرمودند:

أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَلَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ لَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِينَ وَ الصَّالِحِينَ؛ (2) مادرم به حق من عارف و از بهشتیان

ص: 204

1- باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام؛ منتهی الامال، ج 2، ص 514.

2- دلائل الإمامة، ص 410

است و شیطان سرکش به او نزدیک نمی شود و مکر جباران به وی نمی رسد. او در پناه خدایی است که نمی خوابد و مادر صدیقان و صالحان را به خود وا نمی گذارد

## دوران امامت

امام هادی علیه السلام در دوران حیات خود که در حدود چهل و دو سال به طول انجامید سی و چهار سال مسئولیت امامت را بر عهده داشتند. آن حضرت در هشت سالگی به امامت رسیدند و چون پدر بزرگوار شان حضرت جواد علیه السلام در حدود هفت سالگی این مسئولیت را عهده دار شده بودند، مسأله کم سن و سال بودن ایشان برای پذیرش امامت موجب شگفتی و تردید نشد.

از این رو پیروان امام جواد علیه السلام پس از شهادت آن حضرت در امامت امام هادی علیه السلام تردیدی نکردند جز اندکی از آنان که مدتی به برادر ایشان موسی مبرقع روی آوردند و پس از چندی به امام هادی علیه السلام باز گشتند.

آن حضرت در بخش نخست امامتش در مدینه می زیست و ضمن پاسخ گویی به پرسش های شیعیان به تقویت نهاد وکالت پرداخت و بدین طریق به ساماندهی امور مالی و وجوهات و پاسخ گویی به پرسش مردم اقدام فرمود و در باره رهبری شیعیان در مدینه و دیگر شهرها به پیشرفت هایی نیز دست یافت (1)

متوکل عباسی که از این وضعیت احساس خطر می کرد با بهانه جویی های مختلف، امام علیه السلام را به سامرا فرا خواند و تحت نظر گرفت. (2)

از اینجا بود که بخش دوم امامت آن حضرت آغاز شد. در این بخش به گونه ای دیگر به انجام وظیفه پرداخت که برخی از آن ها مبارزه فرهنگی با انحرافات از قبیل فتنه خلق، قرآن که موجب تفرقه انگیزی میان گروه ها شده بود، فتنه غلو و، غالیان فساد اخلاقی حاکمان و ... است.

ص: 205

---

1- الغیبة للطوسی، ص 349 تا 351

2- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 2، ص 310.

امام علیه السلام با شیوه‌هایی مانند گفتمان، علمی مکاتبه، گسترش معارف ناب در قالب زیارت‌ها ترغیب به دعا روایت‌ها تربیت شاگردانی برای پاسخ‌گویی به مبارزه با این آسیب‌ها بر آمد

هرچند عباسیان این فعالیت‌های امام علیه السلام را بر نمی‌تابیدند و با دستگیری، شکنجه و قتل وکیلان امام علیه السلام به مقابله با آن حضرت پرداختند، لیکن به مقصودشان دست نیافتند و سرانجام به مسموم کردن و شهادت رسانیدن آن حضرت روی آوردند؛ ولی این پایان کار نبود و فعالیت‌های نهادینه شده امام هادی علیه السلام به دست فرزندشان امام عسکری علیه السلام استمرار یافت. (1)

## دو یادگار امام هادی علیه السلام

از امام هادی علیه السلام دو یادگار بسیار زیبا و مهم به جای مانده است: زیارت جامعه کبیره که یک دوره «امام شناسی» است؛ و زیارت غدیریه که یک دوره «امیر المؤمنین شناسی» است.

### زیارت جامعه

زیارت جامعه دارای مضامین بسیار عالی است و از زبان امام هادی علیه السلام و در پاسخ به خواسته یکی از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام صادر شده، و بیان‌گر مقام والای امامت است. (2)

علامه مجلسی درباره زیارت جامعه کبیره نوشته است: «این زیارت کامل‌ترین زیارت‌هاست که از دور یا نزدیک خوانده می‌شود.» (3) مجلسی اول نیز در شرح «من لا یحضره الفقیه» می‌گوید این زیارت بهترین زیارت و کامل‌ترین آن‌هاست و من همواره در پرتو آن به زیارت ائمه اطهار علیهم السلام در اعتاب مقدسه نایل می‌شدم»

مرحوم آیت الله بهجت هر روز این زیارت را می‌خواندند. حضرت امام

ص: 206

-1

-2- باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص 482 و 483

-3- زاد المعاد، ص 301 .

خمینی رحمه الله چهارده سالی که نجف بودند هر روز زیارت جامعه را می خواندند.

بر زیارت جامعه کبیره امام هادی علیه السلام که منشور امامت و ولایت است، شرح های زیادی نوشته شده است.

این زیارت عارفانه که انشاء و گفتار امام هادی علیه السلام نسبت به سایر امامان علیهم السلام است از زیبایی های خاصی برخوردار است در این زیارت که آن را به حق می توان یک دوره امام شناسی نامید حضرت به بیش از دویست فضیلت و منقبت از اهل بیت علیهم السلام اشاره می کند که با در نظر گرفتن این فضیلت ها در کنار سایر معارف، اهمیت این عرفان نامه بر همگان آشکار می گردد. هر جمله از این زیارت توصیف بعدی از ابعاد والا و بلند امامت است.

### **ویژگی های زیارت جامعه**

در این زیارت امام علیه السلام به رابطه امامان علیهم السلام با خداوند و جای گاه آنان در نظام خلقت و وظیفه و رسالت ما در برابر آن بزرگواران پرداخته است.

باید اذعان کرد که مقام رفیع امام را کسی جز امام معصوم نمی تواند تبیین کند. امام هادی علیه السلام در این زیارت نامه امامان معصوم علیهم السلام را امامان هدایت، چراغ های تاریکی ها نشانه های پرهیز کاری صاحبان خرد پناه گاه مردمان، نمونه های اعلای الهی و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، معرفی کرده است.

هم چنین آن ها را جایگاه های شناسائی خدا و مسکن های برکت خدا و معدن های حکمت خدا و نگهبانان سر پروردگار و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیامبر خدا صلی الله علیه و اله دانسته است.

آنان دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به راه های خوشنودی خدا و استقرار یافتگان در فرمان پروردگار و کاملان در محبت خدا و مخلصان در توحید و آشکار کنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی او هستند که هرگز بر خداوند در گفتار پیشی نگیرند.

در این زیارت گران سنگ امامان علیهم السلام به عنوان نمایندگان خدا و برگزیدگان او و گنجینه دانش پروردگار و راه و نور و برهان روشن، او پیشوایان راهبر و راه یافته و معصوم و گرامی و مقرب و پرهیز کار و راست گو و زبده ای معرفی شده اند که فرمان برداران خدا و قیام کنندگان به فرمان او و انجام دهندگان خواسته اش می باشند.

خداوند امامان را پسندید تا جانشینانش در زمین و حجت های او بر بندگانش و یاورانی برای دیش و نگهبانان برای رازش و گنجینه داران برای دانشش و مفسران وحی اش و پایه های توحیدش و گواهان بر خلقش و نشانه هایی برای بندگانش باشند

در این زیارت می خوانیم که خداوند امامان را به صورت نور هایی آفرید و گرداگرد عرش قرار داد و با آوردن شان در این جهان بر ما منت نهاد، و در خانه هایی قرار شان داد که نام و یاد او در آن ها برده شود. امامان وجود های گران بهایی هستند که فرمان برداری از آنان فرمان برداری از پروردگار عالم می باشد.

آن چه را که خداوند به امامان داده به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر شخص شریفی در برابر مقام رفیع شان سر به زیر آورده، و هر متکبری به فرمان برداری آنان گردن نهاده و هر گردن کشی فروتن گشته است و زمین به نور وجود شان روشن شده است.

در زیارت جامعه از امامان علیهم السلام به عنوان کسانی یاد شده که خداوند عالم وجود را به برکت شان آغاز کرد و به آنان نیز به پایان خواهد رساند به خاطر وجود مقدس امامان علیهم السلام است که باران می بارد و به یمن وجود و برکت شان خداوند آسمان را ننگه می دارد و به وسیله آنان غم و اندوه زدوده شده و هر سختی و ناگواری برطرف می شود.

این امام است که خداوند به وسیله او ما را از ذلت و بدبختی بیرون آورده و از سختی ها و گرفتاری ها نجات داده و گشایشی حاصل می کند.

خداوند متعال، به وسیله امام، معصوم ما را از پرت گاه هلاکت و نابودی و از آتش جهنم نجات می دهد و به وسیله دوستی و پیروی از آنان، دستورات دین مان را تعلیم می دهد.

### وظیفه ما در برابر امام

با توجه به دور نمای مختصری که از شخصیت امام معصوم، با استفاده از زیارت جامعه به دست آمد باید پرسید وظیفه ما در برابر این وجود های مقدس چیست؟

امامانی که به فرموده امام هادی علیه السلام نامشان زیبا و شیرین است و جان شان بزرگوار است و مقام شان بزرگ است و شان و منزلت شان برجسته است، و وعده های شان راست است و سخن و گفتار شان نور است و فرمانشان رشد و رستگاری است و سفارش شان به پرهیزکاری است و عادت و روش آن ها احسان و نیکی است و شیوه شان بزرگواری است و رفتار شان حق و راستی است

آیا نباید در شناخت این بزرگواران کوشش بیشتری کرد؟ آیا سزاوار است که با وجود این همه اوصاف زیبا و منقبت های بی شمار از این وجود های مقدس غافل باشیم و حقشان را آن طور که باید شناسیم؟

چه زیبا امام هادی علیه السلام بیان می کند و از ما نیز می خواهد که چنین بگوییم و بر همین عقیده باشیم:

خدا را و همچنین شما را گواه می گیرم که من به شما و به آن چه شما به آن ایمان دارید ایمان دارم و نسبت به دشمن شما کافر و به مقام شما بینایم و دوست دار شما و دوست دار دوستان شما هستم بغض دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آن هایم. با هر که با شما در صلح است در صلح هستم و با هر کس که با شما در جنگ است در جنگ هستم

در این زیارت بیشتر از هر چیز به معرفی صفات عالی ائمه معصوم علیهم السلام و مقام

قرب آن‌ها و این‌که شیعه چه شناختی و چه رفتاری در قبال آن‌ها باید داشته باشد پرداخته شده است و درس امام‌شناسی و وظیفه‌شناسی مردم در برابر امام است.

## زیارت غدیریه

زیارت غدیریه امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر، یکی دیگر از شاه‌کارهای امام هادی علیه السلام است. همان‌طور که زیارت عاشورا را در ایام سال می‌خوانیم مرحوم شیخ عباس قمی می‌فرماید زیارت غدیریه را هم در طول سال هر روز از دور و نزدیک می‌توان خواند. (1)

محور این زیارت، تولی و تبری و محتوای آن بیان فضائل امام علی علیه السلام است و در حقیقت یک دوره امیر المؤمنین شناسی است. هر چند زیارت غدیریه را در هر موقع از سال از نزدیک و دور می‌توان خواند ولی سفارش شده، به ویژه در روز غدیر خوانده شود.

زمانی که متوکل، خلیفه عباسی، امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند، در روز غدیر امام علیه السلام به نجف رسید و امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد. (2) که متن آن به زیارت غدیریه مشهور است.

این زیارت نامه را ابن مشهدی از شاذان بن جبرئیل قمی، از محمد بن علی طبری از ابوعلی طوسی از پدرش شیخ طوسی از شیخ مفید، از ابن قولویه، از کلینی، از علی بن ابراهیم قمی از پدرش از حسین بن روح نوبختی و عثمان بن سعید، عمری، از امام حسن عسکری علیه السلام اما از امام هادی علیه السلام روایت کرده اند. (3)

گفته شده است در وثاقت هیچ یک از راویان این زیارت نامه تردید نشده است. هم‌چنین محدث قمی نوشته است: «کمتر حدیثی به قوت سند این زیارت نامه می‌رسد.» (4)

ص: 210

---

1- مفاتیح الجنان ص 636 زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر

2- حیات -فکری-سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص 693

3- المزار الکبیر، ص 263.

4- هدیه الزائرین، ص 241.



این زیارت مشتمل بر استدلال‌هایی از قرآن روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمات تاریخی است که بیان‌گر مرتبت و منزلت امیر المؤمنین علیه السلام است. در این زیارت بیش از هفتاد آیه قرآن به صورت کامل، یا بخشی از آن به گونه صریح، یا غیر مستقیم آمده است.

همچنین احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره منزلت و مقام بی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و وصایت و خلافت بلا فصل آن حضرت آمده است. در این زیارت نیز به بخش‌هایی از تاریخ که شیعه و سنی آن را قبول دارند، اشاره شده و به غصب خلافت و ستم‌هایی که به ایشان روا داشته شده، پرداخته شده است.

زیارت با سلام بر رسول خدا آغاز شده و با سلام بر انبیای الهی و فرشتگان مقرب و عباد صالح خداوند ادامه می‌یابد در این زیارت امام هادی علیه السلام شش سلام به امیر المؤمنین علیه السلام دارند که در پی هر سلام اوصاف و مناقب علی علیه السلام آمده است، منقبت‌هایی که همه آن‌ها در احادیث نبوی وجود دارد.

امام لقب «امیر المؤمنین» را در این زیارت ده بار به کار برده‌اند؛ که پنج بار آن را همراه با سلام سه بار برای شهادت (أشهد)، و دو بار برای لعن دشمنان حضرت استفاده کرده‌اند. سیزده بار از لفظ «أشهد» استفاده کرده‌اند، که با هر شهادتی چندین فضیلت از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام بیان می‌شود. هفت بار لفظ «مولای» و «مولی المؤمنین برای امیر المؤمنین علیه السلام به کار رفته است.

در طول زیارت مجموعه‌ای از صفات امیر المؤمنین علیه السلام بیان می‌شود که نشان‌گر بندگی محض ایشان از اوامر الهی و اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و سلم است و قرآن و احادیث و تاریخ نیز روشن‌گر آن است.

در این زیارت نامه در راستای هدف اثبات فضائل حضرت امیر علیه السلام به جنگ‌هایی که حضرت در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله در آن‌ها شرکت کردند، از جمله جنگ بدر احزاب احد حنین و خیبر و جنگ‌های زمان حکومت حضرتش که

ناکثین مارقین و قاسطین به ایشان تحمیل کردند نیز اشاره شده است. در بخش آخر به پا داشتن حقیقت و عدالت از طرف حضرت علی علیه السلام مطرح می شود.

در آخر زیارت امام علیه السلام چند گروه را که در حق انبیا و اوصیای انبیا ظلم کردند لعن می کنند و از خداوند می خواهند ایشان را در زمره کسانی که به واسطه ولایت و محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و اله به فوز و سعادت رسیده و ایمن از عذاب گردیدند، قرار دهد.

ص: 212

## عید غدیر

روز هیجدهم ذیحجه، از ایام الله و از عید های بزرگ اسلام و جهان تشیع است. در میان همه روزها روزی به بزرگی و شرافت آن وجود ندارد مفضل بن عمر می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم برای مسلمانان چند عید است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار عید

گفتم: عید فطر و عید قربان و جمعه را که از عید های بزرگ مسلمانان است می شناسم ولی عید چهارم کدام است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند:

أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا (1) عظیم ترین و شریف ترین عید ها، روز هیجدهم ذیحجه است. و آن، روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بر پا داشت و او را رهبر و راهنما برای مردم قرار داد

این روز به خاطر رویداد مهم و سرنوشت ساز تعیین جانشین از سوی خداوند متعال برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عظیم ترین و شریف ترین روز سال محسوب می گردد و دوست داران اهل بیت علیهم السلام و مسلمانان حقیقت گرا را غرق در شادی و شادمانی می کند.

ص: 213

پیامبران الهی روز بعث و برانگیخته شدن شان برای هدایت جامعه را هم چون روز غدیر گرامی می داشتند. و با تعیین جانشین در روز غدیر، آن را ارج می نهادند. از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَكَانَ يَوْمٌ بَعْثُهُ مِثْلَ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَعَرَفَ حُرْمَتَهُ إِذْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ وَصِيًّا وَخَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؛ (1) تمام پیامبرانی که خداوند فرستاده است روز بعثت خود را به اندازه روز غدیر ارج می نهادند و در این روز با تعیین جانشین و خلیفه ای برای امت بعد از خود حرمت این روز را می شناختند و آن را گرامی می داشتند.

شیخ مفید در «مسار الشیعه» می نویسد: در این روز مبارک، رویداد های بزرگی برای برخی از پیامبران الهی علیهم السلام به وقوع پیوست:

1. چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند:

هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ؛ روز غدیر روزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرودیان رهایی یافت و به شکرانه آن روز را روزه گرفت.

قرآن کریم به واقعه نجات یافتن حضرت ابراهیم علیه السلام ما از آتش اشاره کرده و فرموده است:

«قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (2) گفتند: «او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است!» (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سالم باش!»

ص: 214

1- إقبال الأعمال، ج 1، ص 465.

2- سوره انبیاء، آیه 68 و 69.

2. در این روز حضرت موسی علیه السلام بر ساحران فرعون پیروز شد و سحر های ساحران فرعون را از بین برد؛ قرآن کریم در این باره فرموده است:

«فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَوَاحِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ» (1)؛ سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آن ها را بلعید! فوراً همه ساحران به سجده افتادند. گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، پروردگار موسی و هارون!»

3. در این روز حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون را به جانشینی خویش برگزید و در میان قوم بنی اسرائیل درباره فضائل و شایستگی هایش به سخنرانی پرداخت و این قوم را بر تصمیم خویش شاهد گرفت.

4. در این روز حضرت عیسی بن مریم علیه السلام جانشینی شمعون صفا را در نزد پیروانش آشکار کرد و وی را رسماً وصی خود گردانید.

5. در این روز حضرت سلیمان بن داوود علیه السلام، آصف بن برخیا را جانشین خویش کرد و مردم را بر این تصمیم خویش شاهد گرفت و با دلایل و بینات روشن شایستگی های وی را به اثبات رساند و این روزی است که برکات آن بسیار عظیم است. (2)

6. بنا بر حدیثی از میثم تمار که از خواص اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از حواریان و صاحبان سر آن حضرت است در این روز کشتی حضرت نوح علیه السلام پس از فروکش کردن طوفان برکوه جودی استقرار یافت (3)

ص: 215

---

1- سوره شعراء، آیه 45 تا 48

2- مسار الشیعه، ص 40

3- بحار الأنوار، ج 45، ص 202.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از حجة الوداع باز می گشت، در مسیر باز گشت به غدیر خم که سه میل قبل از جحفه است رسید. جبرئیل نزد او آمد و فرمان داد آنان را که جلورفته بودند به این مکان برگردانند و کسانی را هم که از دنبال می رسیدند همه را آن جا نگه داشتند تا پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به امامت منصوب فرماید و آن چه را که خداوند درباره علی نازل فرموده است به آنان ابلاغ کند.

آن جا چند درخت بود پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد زیر آن درخت ها با سنگ چیزی شبیه منبر بسازند که بر مردم مشرف باشد مردم باز گشتند و عقب تر مانده ها در مکان اجتماع توقف کردند و رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر فراز آن سنگ ها رفت و حمد و ثنای خدا را به جا آورد سپس فرمود... بدانید که جبرئیل سه بار به حضور من آمد و از سوی پروردگار من که اصل و مایه سلام است به من امر کرد که در چنین اجتماعی به پا خیزم و به همه افراد سیاه و سپید اعلام کنم

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِيَّ وَوَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِيَّ وَالْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ علی بن ابی طالب علیه السلام برادر و جانشین و وصی و امام بعد از من است منزلت و محل او نسبت به من منزلت و محل هارون نسبت به موسی است جز این که پس از من پیامبری نیست و همانا پس از خدا و رسول خدا علی ولی شماست. (1)

«حدیث منزلت» از احادیث مشهور نبوی و مورد قبول عالمان شیعه و سنی می باشد. این حدیث به معرفی جای گاه و منزلت امیر المؤمنین علیه السلام و نسبت وی با نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و برتری موقعیت آن حضرت بر دیگر صحابه پرداخته و از نظر عالمان شیعی از احادیث متواتر و از جمله دلایل شایستگی علی علیه السلام برای

ص: 216

## نقل های حدیث منزلت

از مشهورترین نقل های این حدیث آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند

أَنْتَ مَتَّى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (1) مقام تو نسبت به من همانند مقام هارون است نسبت به موسی، جز آن که پیامبری پس از من نیست

این حدیث با تعابیر و الفاظ مختلف و در زمان ها و مکان های گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است، از جمله روز پیمان اول برادری، قبل از هجرت به مدینه، روز پیمان دوم برادری، پنج ماه بعد از هجرت به مدینه، در منزل ام سلمه، در روز غدیر و از همه مشهورتر در غزوة تبوك.

محدثین اهل سنت از جمله بخاری و مسلم نیز از نقل این حدیث شریف در کتب روایی خود غافل نبوده اند حاکم نیشابوری این حدیث را صحیح الاسناد دانسته و از ابن عباس نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غزوة تبوك این حدیث را بیان فرموده است

نقل های مختلف حدیث منزلت همه این مضمون مشترک را دارند که جای گاه و منزلت علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله همانند جای گاه هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام است. اختلافات اندکی هم که در تعابیر این حدیث وجود دارد، از تکرار آن در مناسبت های مختلف و نیز نقل به معنا در احادیث، نشأت گرفته است.

مرحوم میر حامد حسین همه اسامی رجال و صور و الفاظ حدیث منزلت و اسناد صحت آن را در مجلد دوم از منهج دوم «عقبقات الانوار» جمع آورده است و

ص: 217

این مجلد را به حدیث منزلت اختصاص داده است.

## دلالت «حدیث منزلت»

این حدیث علاوه بر فضیلت امیر المؤمنین علیه السلام، بر خلافت و عصمت ایشان نیز دلالت دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به جز نبوت همه فضائل و ویژگی ها و مناصب هارون را برای آن حضرت ثابت کرده است

بنا بر آیات قرآن حضرت موسی علیه السلام از خدا خواست تا برادرش هارون را وزیر او سازد و در امر رسالت شریکش گرداند تا یاری اش دهد. (1) خداوند هم با درخواست او موافقت کرد و هارون در غیاب، موسی جانشین او شد. (2) بنا بر این تمام مناصب حضرت موسی علیه السلام برای برادرش نیز بوده است. اگر او بعد از موسی علیه السلام زنده می ماند جانشین وی می شد (3)

## جای گاه علی علیه السلام بر اساس حدیث منزلت

هارون نزد موسی دارای مقام ها و جای گاه های فراوانی بوده است و از این جا می توان به عظمت مقام علی علیه السلام و سزاواری او بر خلافت بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم پی برد با تکیه بر ماجرای هارون و موسی در قرآن کریم می توان نتیجه گرفت:

1. هارون وزیر و شریک موسی علیه السلام در کارش بود، پس علی علیه السلام نیز در امر خلافت و ولایت، جز نبوت، شریک پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

2. هارون دومین شخصیت بعد از موسی علیه السلام در میان بنی اسرائیل بود، علیه السلام هم در میان امت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود.

3. هارون برادر موسی علیه السلام بود و علی علیه السلام هم به دلیل حدیث متواتر «مؤاخات» و عقد اخوت بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام که در کتب شیعه و سنّی نقل شده است برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

ص: 218

---

1- سوره طه، آیه 32.

2- سوره اعراف، آیه 142

3- هارون چهل سال پیش از حضرت موسی علیه السلام درگذشت



4. هارون برترین فرد قوم موسی علیه السلام نزد خدا و پیامبرش بود، علی علیه السلام نیز چنین بود.

5. هارون به طور مطلق خلیفه موسی علیه السلام در غیبتش بود، علی علیه السلام نیز چنین بود، به ویژه با تصریح پیامبر در جریان تبوک که فرمودند: « لَا يُنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي؛ (1) سزاوار نیست من از مدینه خارج شوم، مگر وقتی که تو جانشین من باشی»

6. هارون عالم ترین فرد قوم موسی علیه السلام بود، علی علیه السلام هم به تصریح پیامبر صلی الله علیه و اله عالم ترین فرد بعد از پیامبر بود.

7. هارون محبوب ترین فرد نزد خدا و موسی علیه السلام بود علی علیه السلام نیز این گونه بود.

8. خدا پشت موسی علیه السلام را با برادرش هارون نیرومند و محکم ساخت، پشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هم با علی علیه السلام (2)

ص: 219

---

1- عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، ص 86؛ بحار الأنوار، ج 38، ص 242

2- رجوع کنید به عبقات الانوار، ج 2، دفتر 1، ص 86 - 129.

## اقدام مردم برای بیعت با حضرت علی علیه السلام

پس از آن که عثمان بن عفان سومین خلیفه به دست مسلمانان معترض و انقلابیون مهاجر مصری در خانه اش کشته شد و مخالفان خلیفه به پیروزی رسیدند، همگی در مسجد النبی صلی الله علیه و سلم گرد هم آمده و درباره انتخاب خلیفه ای دیگر به گفت و گو پرداختند.

از میان اعضای شورای شش نفره ای که عمر بن خطاب دومین خلیفه برای انتخاب خلیفه پس از خود تعیین کرده بود، دو نفر یعنی عبد الرحمن بن عوف و عثمان بن عفان از دنیا رفته و چهار نفر دیگر یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، سعد بن ابی وقاص، زبیر بن عوام و طلحه بن عبید الله در قید حیات بودند و اکثر قریب به اتفاق، مردم خواهان آن بودند که یکی از آنان مقام خلافت را بر عهده گیرد

ولی مظلومیت امیر مؤمنان علیه السلام پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غضب خلافت از وی از يك سو و حق گرایی و عدالت خواهی آن حضرت از سوی دیگر مردم انقلابی و مسلمانان واقعی و دل سوز را واداشت که بیش از همه، تمایل به انتخاب آن حضرت داشته باشند.

بدین جهت چندین تن از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان مبارز و

سردسته های مخالفان عثمان مانند عمار یاسر ابو ایوب انصاری، ابو هیثم بن تیهان رفاعه بن رافع مالک اشتر نخعی خزیمه بن ثابت و مالک بن عجلان در میان مردم از شایستگی ها و فضایل امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام داد سخن داده و مردم را یکپارچه به سوی خانه حضرت علی علیه السلام به راه انداختند و از آن حضرت مصرانه درخواست پذیرش خلافت اسلامی را نمودند .

حضرت علی علیه السلام به مدت بیست و پنج سال از حق طبیعی و الهی خویش محروم مانده بود و هم اینک زمانی مردم به وی روی آوردند که فتنه و آشوب سراسر عالم اسلام را فرا گرفته بود آن حضرت آینده خلافت را چندان روشن نمی دید و بدین لحاظ از پذیرفتن آن امتناع نمود و فرمود: اگر من وزیر شما باشم بهتر است از این که امیر شما قرار گیرم و هر کس را شما برگزینید، من نیز به آن راضی خواهم بود.

ولی مردم فریاد می زدند که ما جز تو کسی را شایسته این مقام نمی بینیم و می خواهیم بار دیگر سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله در میان مسلمانان زنده گردد. امام علی بن ابی طالب علیه السلام که با اصرار مهاجر و انصار مدینه و مسلمانان انقلابی شهرهای مختلف مانند کوفه بصره مصر و یمن رو به رو بود، چاره ای جز پذیرش درخواست آنان نداشت. ولی از باب این که رأی دادن مردم و بیعت آنان با حضرت تنها حالت احساسی و عاطفی نداشته و همراه با اندیشه و تدبیر باشد آنان را به روز دیگر وعد داد که اگر ثابت قدم بوده و درخواست خود اصرار داشته، باشند با حضور صحابه کبار و بزرگان مهاجر و انصار در مسجد النبی صلی الله علیه و آله گرد هم آمده و با وی بیعت نمایند.

مردم برای روز، بعد به انتظار نشسته و برای بیعت با امیر مؤمنان علیه السلام لحظه شماری می کردند تا این که خورشید فروزان روز نوزدهم ذیحجه، مدینه منوره را تابناک و روشن کرد و مردم دوست دار ولایت و منتظران طلوع حقیقت را به مسجد النبی صلی الله علیه و سلم کشانید.

در این هنگام مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به همراه یاران وفا دار و صحابه کبار وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله شد و با حضور خود جمعیت انبوه را به وجد و شادمانی آورد و با صلوات و سلام آنان بر فراز منبر رسول خدا صلی الله علیه و سلم قرار گرفت و با خواندن خطبه ای بار دیگر از آنان درخواست نمود که از وی صرف نظر کرده و شخص دیگری را به این مقام برگزینند ولی مردم یکپارچه فریاد بر داشتند که غیر از تو کسی را برای این مقام شایسته نمی دانیم و بر خاستند و به صف ایستاده و منتظر بیعت با آن حضرت شدند.

نخستین کسی که پیش دستی کرد و در صف مقدم با آن حضرت بیعت کرد، طلحة بن عبید الله بود می گویند دست وی و یا یکی از انگشتانش در یکی از جنگ ها مصدوم شده و شل بود و چون با آن دست بیعت کرد، یکی از حاضران در مجلس به نام قبیصة بن جابر اسدی گفت: «انا لله و انا الیه راجعون»، عجب حالتی! اول دستی که بر دست امیر مؤمنان علیه السلام به بیعت داده شد، دست شل است. به خدا سوگند که بیعت طلحه پایدار نماند و ناقص گردد.

به هر روی تمامی مهاجران و انصار مدینه و انقلابیون و مهاجران شهر های مختلف در آن روز با آن حضرت بیعت کرده و به شادمانی پرداختند. تنها عده ای اندک از مهاجران و انصار مدینه با آن حضرت بیعت نکرده و خود را با این رفتار شان منزوی و رسوا نمودند تعداد آنان در حدود ده نفر بود.

سرانجام حضرت علی علیه السلام که جانشین منصوب و منصوص رسول خدا صلی الله علیه و اله بود، پس از بیست و پنج سال محرومیت از حق خویش به یاری خدای بزرگ و همت مسلمانان حقیقت گرا در نوزدهم ذیحجه سال 35 قمری به خلافت اسلامی نایل آمد و زمام امور مسلمانان را به دست با کفایت خویش گرفت. (1)

ص: 222

---

1- مسار الشیعة، ص 40؛ الفتوح ابن اعثم کوفی، ص 389؛ انساب الاشراف / ترجمه امیر المؤمنین علیه السلام ص 115؛ تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 574

## جشن عروسی حضرت امیر علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام

کفعمی می گوید: «وَلَيْلَةَ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْهُ دَخَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الزَّهْرَاءِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَكَانَتْ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ؛ شَبُّ نَوَازِدِهِمْ ذِيحِجَّةِ شَبُّ عَرُوسِي حَضْرَتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَضْرَتِ زَهْرَاءِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اسْتِ وَأَنْ شَبُّ، شَبُّ جُمُعَةٍ بُوَد.» (1)

حضرت علی علیه السلام نخستین امام شیعیان و جانشین منصوب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه منوره با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و خانواده پاک و پاکیزه ای را در جهان هستی پایه گذاری نمود.

این ازدواج از مهم ترین اتفاقات تاریخ شیعه است؛ زیرا سلسله امامان شیعه ثمره این ازدواج هستند بر اساس احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وحی الهی، حضرت فاطمه علیها السلام را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در آورد.

### بخشیدن پیراهن عروسی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای شب عروسی فاطمه علیها السلام پیراهنی آماده ساخت و ایشان پیراهن دیگری نیز داشت که اصلاح شده بود شب عروسی او بود که بی نوایی در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان لباس طلبید حضرت فاطمه علیها السلام برخاست و نخست پیراهن اصلاح شده خویش را در بسته ای نهاد تا در راه خدا به او انفاق کند؛ اما ناگهان این آیه شریفه قرآن را به خاطر آورد:

«لَنْ تَسْأَلُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ (2) شما به اوج نیکی و نیکوکاری نخواهید رسید مگر آن که از آن چه دوست می دارید در راه خدا انفاق نمایید

از این رو فاطمه علیها السلام بازگشت و پیراهن عروسی خویش را از تن درآورد و به آن زن بی نوا انفاق کرد و همان جامه عادی خویش را پوشید. هنگامی که خواستند

ص: 223

1- المصباح للكفعمی، ص 515

2- سوره آل عمران، آیه 92

عروس گران مایه را به خانه امیر مومنان علیه السلام ببرند فرشته وحی فرود آمد و پس از سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله گفت ای پیامبر خدا پروردگارت درود نثارت می کند و به من دستور داده است که سلام و درودی گرم نثار فاطمه نمایم و به همراه من ارمغانی از لباس های بهشت نیز که از دیبای سبز تهیه شده است برای او فرستاده است. (1)

## کاروان عروسی

پیغمبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله دختران عبد المطلب و زنان مهاجرین و انصار را دستور داد تا با حضرت فاطمه حرکت نمایند اظهار فرح و خوشحالی کنند، رجز بخوانند تکبیر بگویند حمد خدای را به جای آورند، ولی سخنی نگویند که خدا ناراضی باشد.

جابر می گوید: پیامبر خدا فاطمه زهرا علیها السلام را بر ناقه شخصی و به روایتی بر استر شخصی خود سوار کرد و سلمان مهار آن را گرفت (2)

## توصیه های رسول خدا صلی الله علیه و اله

هنگامی که کاروان عروس به خانه رسید پیامبر امیر مؤمنان علیه السلام را فرا خواند و پس از آمدن او دختر سر فرازش را خواست و دستش را گرفت و در دست علی علیه السلام نهاد و فرمود:

بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللهِ يَا عَلِيُّ نِعْمَ الزَّوْجُ فَاطِمَةُ وَ يَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبَعْلُ عَلِي (3) علی جان! خداوند همسری دختر پیامبر خدا را به تو مبارک سازد یا علی، فاطمه خوب همسری است ای فاطمه، علی خوب شوهری است!

یکی از سفارش هایی که پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله در شب عروسی به مولا امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند و برای همه ما سرمشق زندگی است، این است که

ص: 224

---

1- فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص 199-200

2- بحار الأنوار، ج 43، ص 115.

3- بحار الأنوار، ج 43، ص 96.

فرمودند:

ادْخُلْ بَيْتَكَ وَ الطُّفْ بِزَوْجَتِكَ وَ اِرْفُقْ بِهَا؛ داخل بیت خویشان شو و در باره همسرت مهربانی و مدارا کن

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَىٰ أَمْرٍ حَتَّىٰ قَبِضَ بِهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتُ بَنِيَّ وَلَا عَصَتُ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّشُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ (1) به خدا سوگند که هرگز بر او غضب نکردم و او را بر امری اکراه ننمودم تا به جوار رحمت حق پیوست، و او نیز هرگز مرا نرنجانید و نافرمانی نکرد و هر گاه که به او نگاه می کردم، غم و اندوهم را برطرف می نمود.

إن شاء الله زندگی ما هم زهرا گونه و علی گونه باشد و با هم یگانه باشیم و با محبت زندگی کنیم

ص: 225

---

1- كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 1، ص 363.

## ولادت امام کاظم علیه السلام

مرحوم طبری در «دلائل الامامه» ماه ذیحجه را ماه ولادت با سعادت موسی بن جعفر علیها السلام گزارش کرده است. برخی نیز آن را در هفتم صفر می دانند. اما چون روز هفتم سفر با شهادت امام مجتبی علیه السلام مصادف است، روز بیستم ذیحجه را در تقویم به عنوان روز ولادت امام کاظم علیه السلام ثبت کرده اند، تا فرصتی برای شادمانی ولادت آن حضرت مهیا باشد.

آن حضرت بنا بر قول صحیح تر در سال 128 قمری در دهکده ای به نام «ابواء» مکه و مدینه به دنیا آمد. (1) ابواء منزلی است بین مکه و مدینه، و از دهات اطراف مدینه است که حضرت آمنه علیها السلام مادر گرامی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن جا دفن شده است.

ابو بصیر می گوید سالی که موسی بن جعفر علیهما السلام متولد شد، من در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم وارد ابواء که شدیم امام برای ما و اصحاب سفره ای مرتب و عالی ترتیب داد. مشغول غذا خوردن بودیم که حمیده پیغام داد: حالت زایمان به من دست داده است. طبق دستور شما که فرموده بودی در هنگام تولد این فرزند شما را مطلع کنم اینک اطلاع دادم.

ص: 226

---

1- ابواء منزلی است بین مکه و مدینه از دهات اطراف مدینه است که آمنه مادر پیغمبر صلی الله علیه و آله اسلام در آن جا دفن شده است.



حضرت صادق علیه السلام با شادی و خوشحالی از جای حرکت کرد. طولی نکشید که با خنده و خوشحالی تمام در حالی که آستین بالا زده بود برگشت. گفتم: خدا شما را خندان داشته باشد و چشمتان روشن، باد بالاخره کار حمیده چه شد؟ فرمود:

وَقَدْ وَهَبَ لِي غُلَامًا وَهُوَ خَيْرٌ مِنْ بَرِّ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ؛ خدا به من پسری عنایت فرمود که بهترین موجود روی زمین است.

جریانی را حمیده برایم نقل کرد که من خود از او بهتر می دانستم عرض کردم آقا حمیده چه گفت؟ فرمود حمیده می گفت هنگام تولد با دو دست روی زمین آمد و سر به سوی آسمان بلند نمود. به او گفتم: این نشانه پیامبر و جانشینان بعد از اوست. (1)

شاید این روایت تأییدی باشد بر این که ولادت حضرت در ماه ذیحجه رخ داده است؛ چون معمولاً ائمه علیهم السلام پس از انجام اعمال حج توقف چندانی در مکه نداشته اند

حمیده، مادر امام کاظم علیه السلام دختر صاعد بربری بود که امام صادق علیه السلام از او به پاکی و پاک دامنی و بزرگی یاد می کرد (2)

## دوران امامت

امام کاظم علیه السلام در بیست سالگی به امامت رسید و در طول امامت سی و پنج ساله خود راه پدر را پی گرفت و به اقتضای شرایط زمانی بهترین راه را گسترش علوم و معارف دینی و تربیت شاگردان و فرهیختگان، و در نتیجه تحکیم مبانی دینی و پایه های اعتقادی مردم می دانست

در این راستا با ارتباطاتی که با دوستان و پیروانش در شهرها داشت، احادیث

ص: 227

---

1- المحاسن، ج 2، ص 314؛ بحار الأنوار، ج 48، ص 2.

2- الکافی، ج 1، ص 477

فراوانی در موضوعات گوناگون فکری و عملی به یادگار گذاشت که عمدتاً در جوامع روایی ما به ثبت رسیده است آن امام همام بدین روش توانست صراط مستقیم رسالت نبوی و تشیع امامی را در شرایط فکری و اجتماعی پر التهاب دوران خود حفاظت و رهبری کند.

حاکمان عباسی به ویژه هارون الرشید این همه کار فرهنگی را بر نتابیدند و به حبس و آزار آن امام عزیز پرداختند و سرانجام آن حضرت را در سال 183 قمری در سن 55 سالگی در زندان به شهادت رساندند. (1)

\* یکی از وقایعی که در این روز در سرزمین غدیر رخ داد و حقانیت غدیر و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را تأیید و تصدیق کرد عذابی آسمانی بود که خداوند آن را بر شخصی به نام حارث فهری که منکر امر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بود و یارای دیدن آن را نداشت فرو فرستاد ذکر این واقعه به تفصیل در فصل «پس از غدیر» با عنوان معجزه غدیر خواهد آمد.

ص: 228

---

1- باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص 397.

## حدیث بساط و آیه اولی الامر سیرهوایی به غار اصحاب کھف

حدیث بساط جریان شگفت انگیز سیر فضایی امیر المؤمنین علیه السلام با فرش پرنده است که به همراه جمعی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله از جمله ابوبکر و عمر انجام گرفته است. این سفر برای اثبات برتری و ولایت علی علیه السلام بر دیگران، در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله از مدینه تا غار اصحاب کھف انجام شده است

در همه روایات به جز روایت ثعلبی اصحاب کھف فقط به سلام حضرت علی علیه السلام پاسخ می گویند و از پاسخ گویی به دیگران سرباز می زنند.

بنا بر آن چه علامه مجلسی نقل نموده است، حدیث بساط (سفر امیر المؤمنین علیه السلام با قالیچه پرنده به غار اصحاب کھف) در روز بیست و یکم و یا بیست و هفتم ماه ذیحجه اتفاق افتاده است. (1) حکایت آن بنا بر نقل انس بن مالک خدمت کار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله چنین است

روزی قالیچه ای برای رسول خدا صلی الله علیه و اله هدیه آوردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مرا خواسته و فرمودند: آن ده نفر (ابو بکر، عمر، طلحه، زبیر، عبد الرحمن بن عوف و...) را حاضر کن! وقتی آنان آمدند، رسول خدا صلی الله علیه و اله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: این

ص: 229

ده نفر را بر این فرش سوار کن و آنان را به زیارت اصحاب کهف برده و باز گردید. آن گاه به من فرمودند: ای انس! تو نیز با آنان برو و هر چه می بینی پس از بازگشت برای من نقل کن.

هنگامی که همگی بر آن فرش سوار شدند امیر المؤمنین علیه السلام خطاب به باد فرمودند: «يَا رِيحُ احْمِلِينَا اِي بَاد مَا رَا حَرَكْتَ دَه!» ناگاه ما در هوا بودیم. آن گاه فرمود: «سَيُرُوا عَلَيَّ بَرَكَهَ اللّٰه؛ به برکت خدا سیر کنید پس آن چه خدا می خواست سیر کردیم. تا آن که به فرمان امیر المؤمنین علیه السلام بر زمین نشست.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا می دانید این چه سرزمینی است؟! گفتیم خدا و رسول و وصی او بهتر می دانند حضرت فرمودند این سرزمین اصحاب کهف است. برخیزید تا نزد آنان رفته و بر آنان سلام کنیم. وقتی به غار اصحاب کهف وارد شدیم، ابتدا ابو بکر سپس عمر و پس از آن ما بقی صحابی و من به اصحاب کهف سلام کردیم اما هیچ یک از ما جوابی نشنیدیم.

پس از آن امیر المؤمنین برخاست و فرمودند: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِیْمِ الَّذِیْنَ كَانُوا مِنْ اٰیَاتِ اللّٰهِ عَجَبًا». ناگهان همه اصحاب کهف با هم گفتند: «وَعَلَیْكَ السَّلَامُ يَا وَصِيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ».

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند ای اصحاب کهف چرا جواب سلام دیگران را ندادید؟! آنان گفتند ای خلیفه رسول خدا ما گروهی هستیم که به خدا ایمان آورده و خداوند نیز هدایت خود را بر ما افزوده است و ما اجازه نداریم که جواب سلام کسی را بدهیم، مگر آن که آن شخص پیامبر یا وصی پیامبر باشد. و جواب سلام تو را دادیم؛ چرا که تو وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و سلم خاتم انبیا و سید الوصیین هستی.

امیر المؤمنین علیه السلام به ما فرمودند: آیا شنیدید ای اصحاب رسول خدا؟ همه گفتند آری یا امیر المؤمنین سپس فرمودند همگی بر قالیچه سوار شوید تا بازگردیم صبح به مدینه رسیدیم و نماز را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندیم و

به تعقیبات مشغول شدیم.

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رو کرده و فرمودند: ای انس! آیا تو خود می گویی یا من بگویم آن چه را دیدی و شنیدی؟! گفتم: ای رسول خدا، سخن شما شیرین تر است

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن چه را که اتفاق افتاده بود، از ابتدا تا انتها بیان نموده و فرمودند: ای انس هر گاه پسر عمویم علی از تو گواهی طلبید، آیا بر آن چه اتفاق افتاده است گواهی خواهی داد؟ گفتم: آری ای پیامبر خدا!! (1)

این معجزه رسول خدا صلی الله علیه و آله همانند معجزه حضرت سلیمان علیه السلام است که قرآن به آن تصریح کرده و فرموده است: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ غَدُوها شَهْرٌ وَرَواحُها شَهْرٌ»؛ (2) و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر يك ماه را می پیمود و عصر گاهان مسیر يك ماه را.

### بیعت بر اطاعت امیر مؤمنان علیه السلام

در روایت جابر بن عبد الله انصاری و سلمان فارسی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن که از تمام مسافران قالیچه بر این معجزه اقرار و اعتراف گرفتند فرمودند: من مأموریت دارم که از شما بیعت بگیرم که با علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت نموده و از او اطاعت کنید آن گاه این آیه را تلاوت فرمودند:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (3) ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر (اوصیای پیامبر) را! (4)

ص: 231

1- الفضائل (لابن شاذان القمی)، ص 164

2- سوره سبأ، آیه 12

3- سوره نساء، آیه 59

4- سعد السعود للنفوس منضود ص 114

انس می گوید پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و اله و غضب خلافت، روزی امیر المؤمنین علیه السلام در جمع بسیاری به من فرمود ای انس، حکایت روز بساط را نقل کن اما من گفتم یا علی من پیر شده ام و همه چیز را فراموش کرده ام

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر بعد از سفارش رسول خدا صلی الله علیه و اله در بیان حدیث بساط کوتاهی کنی، حق تعالی یک سفیدی از برص را بر چهره تو و یک آتش در درون تو، و یک کوری را در چشم تو می افکند که نمی توانی آن را پنهان کنی. و من از آن مجلس بر نخواستم مگر آن که به آن سه مرض گرفتار شدم. و انس به همان حال بود تا از دنیا رفت. (1)

### سند حدیث بساط

حدیث بساط از احادیث معتبری است که علمای فراوانی در کتب خود آن را از طرق مختلف نقل فرموده اند روایت انس بن مالک در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و با عنوان بساط «فرش» و روایت سلیمان فارسی در زمان امیر المؤمنین علیه السلام با عنوان غمام «ابر» نقل شده است.

با توجه به اختلاف متن ممکن است این حکایت دو مرتبه و در دو زمان جدا گانه و با دو کیفیت اتفاق افتاده باشد در کتب مربوط به فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام روز واقعه این ماجرا بیست و یکم یا بیست و پنجم ذیحجه» را «یوم البساط» نامیده اند. (2)

### عصمت اولی الامر

از نظر مفسران، شیعه آیه اولی الامر بر عصمت اولو الامر دلالت دارد. استدلال شیعیان بر دلالت این آیه بر عصمت اولی الامر بر دو نکته مبتنی است

ص: 232

1- الروضة فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (لابن شاذان القمی)، ص 206.

2- الفضائل (لابن شاذان القمی)، ص 164؛ ص 204؛ بحار الأنوار، ج 41، ص 217.

1. خداوند در این آیه به اطاعت مطلق از اولی الامر دستور داده است. هر گاه خداوند به اطاعت بی قید و شرط از کسی فرمان دهد آن فرد معصوم خواهد بود؛ چون اگر معصوم نباشد و دستور به انجام دادن گناه بدهد، اجتماع تقیضین لازم می آید؛ یعنی هم باید از او اطاعت کرد بنا بر فرمانی که خداوند داده است، و هم اطاعت نکرد بنا بر این که انسان نباید گناه کند

2. اطاعت از اولی الامر در آیه بدون تکرار فعل «أطیعوا»، به دنبال اطاعت از «الرسول» آمده است و از آن جا که اطاعت از رسول به دلیل معصوم بودنش، به طور مطلق واجب است، اطاعت از اولی الامر نیز همانند آن بدون قید و شرط خواهد بود و این، نشان از معصوم بودن اولی الامر است.

در میان مفسران اهل سنت نیز کسانی چون فخر رازی با استدلالی مشابه استدلال بالا، دلالت این آیه بر عصمت اولی الامر را پذیرفته اند.

### مصدق اولی الامر

روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد که مراد از «اولی الامر» را ائمه معصومین علیهم السلام معرفی می کنند از جمله جابر بن یزید جعفی می گوید: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت وقتی خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرستاد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، گفتم: یا رسول الله، خدا و رسولش را شناخته ایم اولو الامری که خداوند طاعت آن ها را مقرون به طاعت خود کرده چه کسانی هستند؟

فرمود: ای جابر آن ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند؛ اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر او را می بینی، و آن گاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان.

و پس از او جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن

علی و علی بن محمد و حسن بن علی و پس از او همنام و هم کنیه من حجّة الله در زمینش و بقية الله در بین عبادش فرزند حسن بن علی،  
ائمه مسلمین خواهند بود.

او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب شود غیبتی که بر  
عقیده به امامت او باقی نماند مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است. (1)

بر اساس همین آیه است که در دعای فرج از محمد و آل محمد علیهم السلام به عنوان اولی الامر یاد می کنیم و اطاعت آنان را بر خود  
واجب می شماریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ؛ خداوندا بر محمد و آل محمد درود  
فرست، صاحبان امر آنان که اطاعتشان را بر ما واجب کردی و این گونه مقام و منزلتشان را به ما شناسندی

ص: 234

---

1- کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 253؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 250.



## شهادت میثم تمار

میثم تمار یکی از خواص اصحاب و یاران سرّ علی علیه السلام و شیفتگان ولایت آن حضرت است از جمله مسائلی که در مورد او شهرت دارد، پیشگویی ها و وقایعی است که بعداً تحقق یافت. بنا بر نقل شیخ مفید در «ارشاد»، در ماه ذیحجه سال 60 هجری ده روز پیش از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، به دلیل وفاداری به آن حضرت به دست ابن زیاد والی یزید در کوفه به دار آویخته شده و به شهادت رسید. (1)

## پیشینه میثم

میثم فرزند یحیی از «سرزمین نهروان» منطقه ای میان عراق و ایران است. میثم اوائل هجرت در نهروان متولد شد و پس از رسیدن به سن رشد، به کارهای عادی یا شغل خرما فروشی که شغل پدرش نیز بود مشغول شد، تا این که در سال 16 هجری در فتح مدائن به دست لشکریان اسلام اسیر گشت و به خدمت و بندگی مسلمانان گمارده شد.

ایام بردگی میثم تا سال 37 هجری طول کشید. در این مدت احتمالاً در کوفه به سر برده و به دین اسلام مشرف شده است. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس

ص: 235

دانسته اند. او را «ابو سالم» هم می خواندند (1) وی ابتدا غلام زنی از طایفه بنی اسد بود امیر المؤمنین علیه السلام او را از آن زن خریده و آزادش کردند. (2)

آن حضرت پیش تر، سرگذشت و سرنوشت میثم تمار را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و سلم شنیده بودند میثم هم از پیش شیفته اهل بیت علیهم السلام و علاقه مند به آن عترت پاک بود اما اولین برخورد حضوری و دیدار میثم با آن حضرت در دوران خلافت امام انجام گرفت. به دنبال همین برخورد و ملاقات بود که حضرت تصمیم گرفت میثم را از صاحبش بخرد و سپس آزاد کند.

در اولین ملاقات علی علیه السلام با میثم حضرت پرسیدند: نامت چیست؟ گفت: سالم امام فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که پدرت نام تو را «میثم» گذاشته است به همان نام برگرد و کنیه ات را «ابو سالم» قرار بده. گفت: خدا و رسول و امیر مؤمنان راست گفتند. (3)

### در مکتب امیر المؤمنین علیه السلام

آشنایی میثم با مولایش علی علیه السلام برای او توفیقی بزرگ و سعادت‌آرزی ارزشمند بود. از این رو به شاگردی در مکتب علی گردن نهاد و دریچه قلبش را به روی معارف علوی گشود و جان تشنه اش را از چشمه زلال علوم آن حضرت سیراب کرد.

آن حضرت هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی های بسیاری را به او آموخت و میثم را با اسرار و راز های نهانی آشنا ساخت. از این رو میثم از علومی بهره مند و برخوردار بود که فرشتگان مقرب و رسولان الهی از آن آگاه بودند. (4)

میثم علم تفسیر قرآن را نزد حضرت علی علیه السلام فرا گرفت و از معارفی که از

ص: 236

1- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 552.

2- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 323

3- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 323.

4- سفينة البحار، ج 8، ص 21.

آن حضرت آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت میثم یکی از مؤلفان شیعه به حساب می آید. او صاحب سرّ امیر المؤمنین علیه السلام بود و آن حضرت وی را به طریق فهمیدن حوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، آشنا کرده بود.

میثم، گاهی برخی از آن ها را برای مردم بازگو می کرد و مایه اعجاب دیگران می شد. این دانش و آگاهی از عاقبت افراد و پیش گویی ها در اصطلاح به علم منایا و بلایا معروف است که امامان معصوم علیهم السلام به کسانی که آمادگی و استعداد و راز داری و ظرفیت و کشش آن را داشتند می آموختند. میثم تمار، دست پرورده این مکتب بود هرچند که اشخاص فرو مایه و مغرض یا جاهل و نادان او را به دروغ گویی متهم می کردند (1)

میثم برای گذران زندگی در بازار کوفه خرما فروشی می کرد؛ از این رو، به او لقب تمار داده اند (2)

### صمیمیت و یگانگی

صفا و صمیمیتی که میان علی علیه السلام و میثم بود و میزان رابطه مودت آمیزشان را از انس و الفت این دو نسبت به هم می توان شناخت. حضرت، حتی به مغازه خرما فروشی میثم می رفت و در آن جا با او صحبت می کرد و قرآن و معارف دین را به او می آموخت.

یک بار امیر المؤمنین علیه السلام میثم را به دنبال کاری فرستاد و تا بازگشت او، خود در مغازه میثم مانند یک مشتری برای خریدن خرما مراجعه کرد. حضرت فرمود: پول را بگذار و خرما بردار! وقتی میثم برگشت و از این معامله با خبر شد، دید پول های آن شخص تقلبی است. قضیه را به حضرت گفت. علی علیه السلام فرمود: «آنان هم خرما را تلخ خواهند یافت.» در همین گفت و گو بودند که آن مشتری، خرما ها را باز

ص: 237

---

1- بحار الأنوار، ج 34، ص 302.

2- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 329

آورد و گفت: این خرما تلخ است. (1)

این، نهایت خلوص بین آن دو و موقعیت میثم را نزد امام علیه السلام می رساند که آن حضرت در حالی که امیر مؤمنان و رهبر امت و عهده دار حکومت اسلامی است در دکان میثم خرما فروشی هم می کند

### شبی با مولا

علاوه بر این نزدیکی معنوی میثم با امیر مؤمنان علیه السلام را در لحظه ها و موقعیت های دیگر هم می توان دید از جمله این که میثم، پا به پای افراد زبده ای چون کمیل در مواقف نیایش و عبادت مولا حضور می یافت و انیس شبهای عرفانی آن حضرت و راز و نیازهای امام با پروردگار بود.

میثم نقل می کند شبی از شب ها مولایم امیر مؤمنان علیه السلام من را با خود به صحرای بیرون کوفه برد تا این که به مسجد جعفری رسید رو به قبله کرد و چهار رکعت نماز خواند و پس از سلام نماز و تسبیح دست هایش را به دعا باز کرد و گفت:

إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَ قَدْ عَصَيْتُكَ وَ كَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَ قَدْ عَرَفْتُكَ وَ حُبُّكَ فِي قَلْبِي مَكِينٌ مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً ..... (2) خدایا چگونه بخوانمت در حالی که نافرمانی کرده ام و چگونه نخوانمت که تو را شناخته ام و دلم خانه محبت توست. دستی پر گناه و چشمی پر امید به سویت آورده ام....!!

و سپس به سجده رفت و صورت بر خاک نهاده و صد بار گفت: «العفو! العفو!». سپس برخاست و از آن مسجد بیرون رفت من نیز در پی آن حضرت بودم تا به صحرا رسیدیم. آن گاه پیش پای من خطی کشید و فرمود: مبادا که از این خط بگذری و من را همان جا گذاشت و خود رفت.

ص: 238

1- بحار الأنوار، ج 41، ص 268.

2- المزار (للشهيد الأول)، ص 270

شبی تاریک بود. پیش خود گفتم مولایم را چرا تنها گذاشتم؟! او دشمنان بسیاری دارد اگر مساله ای پیش آید پیش خدا و پیامبر چه عذری خواهم داشت؟ هر چند که بر خلاف دستور اوست، ولی در پی او خواهم رفت تا ببینم چه می شود

رفتم و رفتم تا او را بر سر چاهی یافتم که سر در داخل چاه کرده و با چاه سخن می گوید. حضور مرا حس کرد و پرسید: کیستی؟ گفتم: میثم. فرمود: مگر به تو دستور ندادم که از آن خط فراتر نیایی؟ گفتم چرا مولای من لیکن از دشمنان نسبت به جانت ترسیدم و دلم طاقت نیاورد پرسید: از آن چه گفتم، چیزی هم شنیدی؟ گفتم نه ای مولای من آن گاه این اشعار را خطاب به من خواند:

وَ فِي الصُّدْرِ لُبٌّ - اَنَاثُ \*\*\* إِذَا صَاقَ لَهَا صَدْرِي

نَكَتُ الْأَرْضَ بِالْكَفِّ \*\*\* وَأَبْدَيْتُ لَهَا سِرِّي

فَمَهْمَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ \*\*\* فَذَاكَ النَّبْتُ مِنْ بَدْرِي

در سینه ام اسراری است که هر گاه فراخنای سینه ام احساس تنگی می کند

زمین را با دست کنده و راز خویش را با زمین در میان می گذارم!

وقتی زمین می روید آن گیاه از بذر و دانه ای است که من کاشته ام (1)

میثم تمار نیز یکی از شاگردان والا مقام در مکتب تفسیری علی علیه السلام بود. میثم علم تأویل معانی قرآن را از آن حضرت فرا گرفت و در قرآن شناسی دانا و بصیر گردید.

### پیشگویی های میثم

روزی میثم با ابن عباس مفسر قرآن و شاگرد امیر المؤمنین علیه السلام در مدینه دیدار کرد و به او گفت: آن چه از تفسیر قرآن می خواهی بپرس! من تمام قرآن را نزد علی علیه السلام

ص: 239

فرا گرفتیم و آن حضرت تأویل قرآن را به من تعلیم فرمود.

ابن عباس که مراتب فضل و علم و تقوای میثم را می دانست، کاغذ و دواتی طلبید تا سخنان میثم را در باره تفسیر قرآن بنویسد. میثم پیش از بیان تفسیر گفت ای ابن عباس چگونه خواهی بود وقتی که مرا مصلوب و به دار آویخته بینی، نهمین نفری که چوبه دارش هم کوتاه تر از دیگران است؟... ابن عباس گفت کاهن هم که هستی؟ و خواست که کاغذ را پاره کند.

ابن عباس از علم به آینده بی بهره بود، و چون چنین خبر و پیش گویی را از میثم شنید که از جزئیات شهادتش خبر می دهد برایش غیر قابل هضم بود؛ از این جهت این گونه برخورد کرد اما میثم گفت آرام تر!... آن چه را از من می شنوی بنویس و نگهدار! اگر آن چه می گویم راست بود نگاهش دار و اگر باطل بود، آن گاه پاره اش کن... و ابن عباس پذیرفت که چنان کند (1)

میثم از بسیاری حوادث آینده آگاهی داشت و گاهی آن ها را پیش گویی می کرد. این را نیز از مولایش امیر المؤمنین علیه السلام فرا گرفته بود از سرنوشت خود و افراد دیگر و از وقایعی که بعداً به وقوع خواهد پیوست آگاه بود. از این رو او را از «اصحاب سر» حضرت امیر علیه السلام می دانستند

نمونه هایی از علم غیب میثم و اطلاع او از حوادث آینده عبارت بود از پیش گویی مرگ معاویه، خبر شهادت امام حسین علیه السلام برای زنی مکی، به نام جبلة دستگیری خویش توسط سر کرده طایفه خود و شهادتش به دستور ابن زیاد و آزادی مختار بن ابی عُبَیْدَه ثقفی از زندان

### پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام

میثم پس از شهادت حضرت علی علیه السلام در خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام بود ولی ملازمت او با امام حسن علیه السلام محدود به مدت زمانی بود که امام علیه السلام در کوفه

ص: 240

حضور داشتند و چون زندگی او در کوفه بود نتوانست با امام به مدینه مشرف شود، ولی در زمان امام حسین علیه السلام گاهی به مکه و مدینه مشرف و به خدمت آن حضرت می رسید و حتی در آخرین سفری که به مدینه داشت، امام را در مدینه نیافت و بدون این که امام را زیارت، کند به کوفه مراجعت نمود. وی بعد از مراجعت به فرمان ابن زیاد دستگیر و زندانی شد

او به معرفی امیر المؤمنین علیه السلام بسیار مشتاق بود و افکار عامه مردم را متوجه حقانیت امام و عظمت امام می نمود و حتی مدتی که از چنگال ابن زیاد فراری بود در هر فرصت مناسب مناقب و فضائل علی را بیان می کرد.

### میثم بر چوبه دار

میثم در سال 60 هجری پس از آن که به مدینه رفت و با رسول خدا صلی الله علیه و آله وداع نمود پس از بازگشت به کوفه به دستور ابن زیاد دستگیر و زندانی شد او را بر همان درختی دار زدند که حضرت علیه السلام خبرش را به او داده بود و نحوه شهادتش را گفته بود.

میثم همراه نه نفر دیگر در یک روز به دار کشیده شد، ولی محل دار های آنان متفاوت بود و چنان که علی علیه السلام به او فرموده بود، چوبه دار میثم از دیگران کوتاه تر و نزدیک منزلش بود پس از شهادت میثم ابن زیاد از دفن او جلوگیری کرد، تا آن که سه روز پس از شهادتش چند تن از خرما فروشان کوفه، شبانه، جسد وی را از چوبه دار ربودند و در قبری میان گودال آب در سرزمین قبیلۀ مراد به خاک سپردند (1)

\* از وقایع مهمی که در شب بیست و دوم ذیحجه رخ داد و توطئه دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امر ولایت امیر المؤمنین را آشکار کرد توطئه هر شی است که در فصل «پس از غدیر» به آن می پردازیم

ص: 241

### اشاره

مباهله صدور حدیث شریف کساء و نزول آیه تطهیر، و روز بخشش انگشتر توسط امیر المؤمنین علیه السلام و نزول آیه ولایت از وقایع مهم بیست و چهارم ماه بزرگ ذیحجه است.

### روز مباهله

کفعمی در «مصباح» و مرحوم محدث قمی در «وقایع الایام» گفته اند که در روز بیست و چهارم ذیحجه واقعه مهم مباهله روی داده است.

### معنای مباهله

مباهله به معنای رها ساختن و لعنت کردن آمده است و در اصطلاح به عملی گفته می شود که دو یا چند نفر که در مسأله مهم دینی با یکدیگر اختلاف دارند، در یک جا جمع شوند و با تضرع به درگاه خداوند، از او بخواهند آن را که بر باطل است رسوا و مجازات کند. تفاوت میان مباهله و لعنت کردن آن است که مباهله از شدت و تأکید بیشتری برخوردار است.

### دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله

پس از فتح مکه معظمه و طائف و مسلمان شدن اهالی یمن و عمان، تقریباً تمامی مناطق جزیره العرب در پوشش نظام اسلامی و حکومت توحیدی پیامبر



اکرم صلی الله علیه و سلم قرار گرفت، اما در این منطقه بزرگ عربی اقوام، قبایل و طوایفی بودند که هنوز در برابر اسلام تسلیم نشده و یا حتی دشمنی و فتنه انگیزی می کردند.

منطقه نجران که در حد فاصل حجاز و یمن قرار دارد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تنها منطقه مسیحی نشین حجاز بود که مسیحیان مقیم آن با پشتیبانی های کشور های مسیحی شاخ و شمال آفریقا و قیصر روم ادامه حیات می دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای بزرگان این منطقه نامه هایی ارسال کرد و آنان را به پذیرش دین اسلام و یا پرداخت جزیه (مالیات ویژه اهل کتاب) فرا خواند.

سران مسیحی نجران در باره نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به مشورت پرداخته و با افراد زیادی در این باره گفت و گو کردند ولی به خاطر تبلیغات و فضای ویژه مسیحیان در آن منطقه آنان هیچ یک از پیشنهاد های رسول خدا صلی الله علیه و آله را نپذیرفتند و برای رفع این معضل سه تن از بزرگان نجران یعنی ابو حارثه بن علقمه (اسقف اعظم نجران و نماینده رسمی کلیسای روم در حجاز)، عبد المسیح بن شرحبیل معروف به عاقب (پیشوای اهالی این منطقه) و اهتم (یا ایهم) بن نعمان معروف به سید (شخصی کهن سال و ریش سفید و مورد احترام نجرانیان) به همراه ده تن و به روایتی سی تن و به روایتی دیگر شصت تن از مسیحیان نجران عازم مدینه منوره شده تا با رسول خدا صلی الله علیه و آله و به گفت و گو پردازند و راه حلی پیدا نمایند.

### **دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله**

آنان پس از ورود به مدینه منوره در مسجد النبی بر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله وارد شدند، ولی پیامبر صلی الله علیه و اله اعتنای چندانی به آنان ننمود. مسیحیان که علت آن را نمی دانستند به نزد عثمان بن عفان و عبد الرحمن بن عوف که پیشینه آشنایی با آنان را داشته رفتند و علت آن را جو یا شدند ولی آن دو نیز چیزی در این باره نمی دانستند و آنان را به نزد امام علی بن ابی طالب علیه السلام برده و از آن حضرت علت آن را پرسیدند.

علی علیه السلام فرمودند: چون شما با لباس های فاخر و تزئین کرده و صلیب به گردن آویخته وارد مسجد شدید پیامبر صلی الله علیه و اله را از کردار تان ناخوش آمد باید لباس های خود را تغییر داده و با وضع ساده و بدون هیچ گونه تزئین به زر و زیوری بر آن حضرت وارد شوید تا مورد استقبال ایشان قرار گیرید.

مسیحیان نجران بر اساس فرموده حضرت علی علیه السلام لباس و ظاهر خود را تغییر داده و با وضع ساده و عادی بر پیامبر صلی الله علیه و اله وارد شدند و با آن حضرت به گفت و گو پرداختند.

پیامبر صلی الله علیه و اله با آنان درباره توحید و شرک نحوه آفرینش حضرت عیسی علیه السلام او ارتباط وی با خدای سبحان و باطل دانستن عقاید مسیحیان گفت و گو کردند، اما سران نجران گفتار آن حضرت را نپذیرفته و بر عقاید باطل خویش اصرار ورزیدند.

### پیشنهاد مباحله

آنان برای فرار از پذیرش، حق پیشنهاد مباحله دادند. بدین معنا که در وقت معین در جایی به عبادت و راز و نیاز به درگاه خداوند متعال پرداخته و بر طرف مقابل نفرین کنند تا خداوند متعال بر دروغ گو و باطل گرا عذابی نازل کرده و او را نابود سازد. در همین زمان بر پیامبر صلی الله علیه و اله آیه ای نازل شد و از مباحله با مسیحیان استقبال کرد

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ (1) پس هر کس با تو در باره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آن که به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغ گویان (و

ص: 244

کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

بنا بر این طرفین به مباحله رضایت داده و قرار شد در روز دیگر در مکانی در بیرون شهر مدینه گرد هم آمده و اقدام به مباحله نمایند سران نجران پیش از رسیدن به مکان مباحله به یکدیگر گفتند اگر رسول خدا صلی الله علیه و سلم با فرمانده هان و یاران خود به مباحله آمد، معلوم است که مقاصد دنیوی دارد و از رسالت و نبوت او خبری نیست و ما باید با وی مباحله کنیم.

اما اگر با فرزندان و اهل بیتش برای این کار اقدام کرد، معلوم می شود که او مقاصد دنیوی ندارد و قصدش هدایت و راهنمایی انسان ها از جهالت و کفر و شرک است در آن صورت مباحله کردن با او خطرناک است و باید به او ایمان آورد و یا حداقل با وی مصالحه کرد

### انصراف مسیحیان از مباحله

موعده مقرر فرارسید و پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه دخترش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دامادش حضرت علی علیه السلام و دو سبطش حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام از مدینه حرکت کرد و به جای گاه مقرر رفت. مسلمانان مدینه نیز آن حضرت را مشایعت کرده و با ذکر صلوات، سلام و تکبیر آنان را همراهی می نمودند

مسیحیان نجران، زودتر از پیامبر صلی الله علیه و آله در مکان مقرر اجتماع کردند. آنان همین که دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک ترین اقربا و اهل بیت ویژه خویش را برای مباحله آورد احساس خطر کرده و از مبارزه و مباحله با آن حضرت منصرف شدند و منظره زیبا و نور بخش حضور پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین علیهما السلام آنان را مات و مبهوت کرد به ناچار از مباحله سرباز زده و به آن حضرت پیشنهاد مصالحه دادند.

بدین ترتیب در برابر عظمت و حقانیت دین مبین اسلام سر فرود آورده و به یکی

از پیشنهاد های پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی پرداخت جزیه و کمک به مسلمانان در جنگ با دشمنان اسلام رضایت دادند و صلح نامه ای در این باب نوشتند و طرفین امضا نمودند.

این واقعه علاوه بر این که یکی از معجزات بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله است، دلیل روشنی بر حقانیت و معصومیت خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی حضرت، علی حضرت فاطمه امام حسن و امام حسین - صلوات الله علیهم اجمعین - می باشد.

در مدینه در محل مباحله مسجدی به نام «مسجد المباحله» ساخته اند. الآن نزدیک به مسجد النبی واقع شده است و به آن «مسجد الاجابه» می گویند.

### همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله

خدای تعالی به پیامبرش فرمود برای مباحله خودت تنها نرو باید «ابناء» که حسن و حسین علیهما السلام هستند و «نساء» که حضرت زهرا علیها السلام است و «انفس» و کسی که به منزله نفس و جان شما یعنی مولا علی علیه السلام را هم برای مباحله ببری.

این در حالی بود که ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله در آن زمان در حیات بود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله او را به همراه نبردند و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای حضور در مباحله فرا خواند نشدند.

پیغمبر ما صلی الله علیه و آله قطعاً مستجاب الدعوه است و نفرینش هم به اجابت می رسد، ولی کار بدون اهل بیت علیهم السلام پیش نمی رود. آن ها هم به منزله پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

مأمون از امام هشتم علیه السلام پرسید: مهم ترین آیه درباره علی علیه السلام چه آیه ای است؟ فرمود: آیه مباحله؛ چون خدای متعال سنگ تمام گذاشته و در آیه مباحله علی علیه السلام را نفس پیغمبر و جان پیغمبر و روح پیغمبر و عین پیغمبر شمرده است. (1) بنا بر این این روز را هم باید جشن بگیریم و عظمت عید مباحله را به همه عالم برسانیم.

ص: 246

محمد بن ابی عمیر از محمد بن حکیم از ابی مسروق روایت کرده است که می گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم ما در بحث با مخالفین ولایت شما، آیه کریمه سوره نساء را می آوریم که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (1) اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر (اوصیای پیامبر) را

آنان در پاسخ می گویند این آیه در مورد اطاعت از فرمانده هان لشکر هایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جنگ می فرستادند، (و ربطی به مسأله امامت ائمه علیهم السلام ندارد)

با آنان به آیه سوره مائده احتجاج می کنیم که می فرماید:

«إِنَّمَا وَ لِيُكْمِ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (2) سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. (3)

می گویند خداوند متعال در این آیه دستور اطاعت از مؤمنین به طور کلی را صادر کرده نه اشخاص معین آن گونه که شما می گوئید.

و هرگاه به آیه سوره شوری استدلال می کنیم که می فرماید:

«قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (4) بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم).

ص: 247

1- سوره نساء، آیه 59

2- سوره مائده، آیه 55.

3- آیه در شأن علی علیه السلام که در رکوع نماز صدقه داده بود، نازل گردیده؛ چون در ادامه می فرماید: «و در حال رکوع زکات می دهند».

4- سوره شوری، آیه 23

می گویند این آیه در مورد نزدیکان مسلمین است، (نه خصوص نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله) (1)

ابی مسروق می گوید: هر دلیلی که در ذهنم بود در حضور حضرت ذکر کردم که ایشان در پاسخ به من فرمودند:

إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ؛ هرگاه چنین چیزی پیش آمد، اینان را به مباحله دعوت کن

گفتم چه کار کنم؟ فرمود سه روز خود را اصلاح کن - گمان می کنم فرمود روزه بگیر و غسل بنما - آن گاه با هم به بیابان بروید، بعد انگشتان دست راست خود را در انگشتان دست او قرار بده و اول از خود شروع کرده بگو:

قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ إِنْ كَانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقًّا وَادَّعَى بَاطِلًا فَانزِلْ عَلَيْهِ حُسًّا بَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ ای خدایی که پروردگار آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه ای! ای خدایی که هم غیب را می دانی و هم شهادت را ای خدای رحمان و رحیم! اگر ابو مسروق حرف حقی را انکار می کند و مدعی سخن باطلی است بر او از آسمان تیر یا عذابی دردناک فرود آور

آن گاه دعا را به او برگردان و بگو

وَإِنْ كَانَ فَلَانٌ جَحَدَ حَقًّا وَادَّعَى بَاطِلًا فَانزِلْ عَلَيْهِ حُسًّا بَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ و اگر فلانی حقی را انکار می کند و مدعی باطلی است، بر او از آسمان تیر یا عذابی دردناک فرود آور.

آن گاه حضرت فرمود:

فَإِنَّكَ لَا تَلْبَثُ أَنْ تَرَى ذَلِكَ فِيهِ فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يُجِيبُنِي إِلَيْهِ؛ (اگر

ص: 248

---

1- پوشیده نماند که مفسرین به این توجیهاست سست، پاسخ داده اند.

چنین کنی، به زودی عذاب بر او فرود می آید و) احتیاجی به درنگ نیست. به خدا سوگند مخلوقی را نیافتم که دعوت من برای مباحله را پاسخ مثبت گوید (و حاضر به مباحله با من شود). (1)

شارحان گفته اند: کلام آخر ممکن است از ابن مسروق باشد.

## پیام آیه مباحله

درباره آیه مباحله آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَا سَوَى اللَّهِ قَطُّ امْرَأَةً بَرِّجَلٍ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ تَسْوِيَةِ اللَّهِ فَاطِمَةَ بَعْلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحَاقِقُ وَالْحَاقِقَةُ وَهِيَ امْرَأَةٌ بِأَفْضَلِ رِجَالِ الْعَالَمِينَ؛ هیچ گاه خداوند زنی را مساوی مردی قرار نداد جز مساوی قرار دادن فاطمه با علی علیه السلام خداوند فاطمه را - در حالی که زن بود - به با فضیلت ترین مردان عالم ملحق نمود.

وَكَذَلِكَ مَا كَانَ مِنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْحَاقِقِ اللَّهُ إِيَّاهُمَا بِالْأَفْضَلَيْنِ الْأَكْرَمَيْنِ لَمَّا أَدْخَلَهُمْ فِي الْمُبَاهَلَةِ؛ و همچنین خداوند حسن و حسین علیهما السلام را (در حالی که کودکی بیش نبودند) به با فضیلت ترین و گرامی ترین مردان عالم) ملحق نمود و آنان را در اصحاب مباحله داخل ساخت.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

فَأَلْحَقَ اللَّهُ فَاطِمَةَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فِي الشَّهَادَةِ وَالْحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ بِهِمْ؛ خداوند فاطمه را در شهادت به محمد و علی ملحق کرد و حسن و حسین را به آنان ملحق ساخت

خداوند تعالی فرمود:

«فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ

ص: 249

فرزندان حسن و حسین علیهما السلام بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را آورد و پیش روی خود نشانده... اما انفسنا علی بن ابی طالب علیه السلام بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وی را آورد و سمت راست خود نشانده و به اهل نجران فرمود: الآن بیاید تا با هم مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان نهیم. آن گاه رسول خدا فرمودند:

اللَّهُمَّ هَذَا نَفْسِي وَ هُوَ عِنْدِي عَدْلُ نَفْسِي اللَّهُمَّ هَذِهِ نِسَائِي أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ خداوندا، این (علی)، نفس من است، او نزد من همانند نفس من است. خداوندا، این (فاطمه)، زنان من است که با فضیلت ترین زنان عالم است.

و نیز فرمود:

وَقَالَ اللَّهُمَّ هَذَانِ وَ لَدَائِي وَ سِنِّي فَأَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبُوا وَ سَلْمٌ لِمَنْ سَالَمُوا؛ خداوندا این دو فرزند و دو سبط من اند؛ من با کسانی که با آنان ستیز کنند در ستیزم و با کسانی که با آنان در سلم و سلامت هستند در سلم و آشتی هستم.

مَيِّزَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ ذَلِكَ الصَّادِقِينَ مِنَ الْكَاذِبِينَ فَجَعَلَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَمَّا مُحَمَّدٌ فَهُوَ أَفْضَلُ رِجَالِ الْعَالَمِينَ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَهُوَ نَفْسُ مُحَمَّدٍ أَفْضَلُ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَهُ وَ أَمَّا فَاطِمَةُ فَأَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَمَّا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَسَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ خداوند در این هنگام راست گویان را از دروغ گویان مشخص و جدا نمود و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را راست گوترین راست گویان و با فضیلت ترین مؤمنان قرار داد.

اما محمد که با فضیلت ترین مردان عالم است. اما علی که جان

ص: 250



محمد و با فضیلت ترین مردان عالم بعد از پیامبر است. و اما فاطمه که با فضیلت ترین زنان عالم است. (1)

### فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله

این آیه ثابت می کند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و اله هستند؛ چون می فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَ كُمْ»؛ به آن ها بگو: ما فرزندان مان را می آوریم شما هم فرزندان خود را بیاورید. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ خَاصَّةً وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِي وَ مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِنَّ كُلَّ بَنِي بِنْتِ يُسُوبَ إِلَى أَبِيهِمْ إِلَّا أَوْلَادَ فَاطِمَةَ فَإِنِّي أَنَا أَبُوهُمْ؛ (2) خدای عز و جل ذریه و فرزند هر پیغمبری را از صلب وی آفرید ولی ذریه مرا از صلب من و صلب علی بن ابی طالب قرار داد پسران هر دختری به پدرشان منسوب می شوند غیر از فرزندان فاطمه که من پدر ایشان می باشم

هم چنین در خطبه ای که در غدیر خم ایراد کردند فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ (3) هان مردمان فرزندان هر پیامبری از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل علی است

### جان پیامبر صلی الله علیه و آله

در میان همه بانوان، عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان «نِسَاءَنَا»؛ یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و اله مطرح است. و از میان مردان عالم از حضرت علی علیه السلام به عنوان

ص: 251

1- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص 657؛ بحار الأنوار، ج 37، ص 48

2- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 2، ص 387؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 284

3- روضة الواعظین، ج 1، ص 95

«أَنْفَسَنَا» و جان و روح پیامبر صلی الله علیه و اله نام برده شده است. خدا به پیغمبر صلی الله علیه و اله می فرماید: فردا که می آیی جانت را هم بیاور.

فخر رازی می گوید این آیه ثابت می کند علی علیه السلام افضل از همه انبیاست. وقتی می گوید علی علیه السلام عین پیامبر صلی الله علیه و اله است، یعنی همه کمالاتی که پیغمبر دارد از علم و معرفت و عصمت و طهارت و پاکی و قرب و همه فضیلت ها برای حضرت علی علیه السلام ثابت می شود جز این که نبوت خاتمه پیدا کرده و پیامبر نیست.

بارها گفت محمد که علی جان من است \*\*\* هم به جان علی و جان محمد صلوات

براین اساس این آیه یکی از محکم ترین دلیل ها برای حقانیت اهل بیت علیهم السلام است. خدا در این آیه اهل بیت علیهم السلام را بالا برده است ولایت حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام چیزی نیست که بخواهیم بزرگ کنیم بزرگ هست.

غدیر و این ایام را جدی بگیریم و استغفار کنیم. ما دو نوع گناه داریم یکی گناه نسبت به فروع، یکی هم گناه بی ولایتی که قابل بخشش نیست. نسبت به غدیر و مباحله بی تفاوت نباشیم روز مباحله هم چون روز غدیر باید احیا شود.

به مباحله مثل عید غدیر باید اهمیت داده شود برای حقانیت اهل بیت علیهم السلام باید در عالم فریاد بزنیم آیه مباحله می گوید حضرت علی از حضرت زهرا بالاتر است از امام حسن و امام حسین بالاتر است چون برای حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین می گوید: «نساءنا و أبناءنا» ولی برای حضرت علی می گوید «انفسنا». علی جان پیغمبر است.

من کی ام لیلی و لیلی کیست من \*\*\* هر دو یک روحیم اندر دو بدن

### مناظره اهل بیت علیهم السلام با آیه مباحله

یکی از آیاتی که اهل بیت علیهم السلام برای اثبات حقانیت امیر مؤمنان علی علیه السلام در برابر دشمن به آن استناد کرده اند آیه مباحله است خدا در این آیه به پیامبرش

می گوید فردا که می آیی جان خودت را بیاور.

مأمون به امام رضا علیه السلام اشکال کرد و گفت: منظور از جان یعنی خود پیغمبر. امام هشتم علیه السلام فرمود وقتی خدا می گوید جان خودت را بیاور، خود پیغمبر که هست پس باید یکی غیر از پیغمبر باشد و آن کسی جز حضرت علی علیه السلام نیست.

امام حسن علیه السلام نیز در مناظره با معاویه درباره مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران فرمودند:

فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْأَنْفُسِ مَعَهُ أَبِي، وَمِنَ الْبَنِينَ إِبْرَاهِيمَ وَأَخِي، وَمِنَ النِّسَاءِ أُمِّي فَاطِمَةَ مِنَ النَّاسِ جَمِيعًا، فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَلَحْمُهُ وَدَمُهُ وَنَفْسُهُ، وَنَحْنُ مِنْهُ وَهُوَ مِنَّا؛ (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مباحله از میان تمام مردم پدرم را به عنوان مصداق «انفس»، و من و برادرم را به عنوان مصداق «ابناء»، و مادرم را به عنوان مصداق «نساء» با خود برد. پس ما خانواده او و گوشت و خون و نفس او هستیم و ما از او و او از ماست.

### مباحله و آیه تطهیر

علامه طباطبائی رحمه الله درباره آیه مباحله می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مقام امتثال این فرمان از «انفسنا» به غیر از علی علیه السلام و از «نساتنا» به جز فاطمه علیها السلام و از «ابنائنا» به جز حسنین علیهما السلام را نیاورد معلوم می شود برای کلمه اول به جز علی علیه السلام و برای کلمه دوم به جز فاطمه علیها السلام و برای کلمه سوم به جز حسنین علیهما السلام مصداقی دیگر نیافت. گویا منظور از «ابناء» و «نساء» و «انفس» همان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بوده است؛ هم چنان که در بعضی روایات به این معنا تصریح شده است.

بعد از آن که رسول خدا صلی الله علیه و سلم نام بردگان را با خود آورد عرضه داشت: «اللَّهُمَّ

ص: 253

هُؤَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي؛ بار الها اینان اند اهل بیت من» چون این عبارت می فهماند که پروردگارا، من به جز اینان کسی را نیافتم تا برای مباحله دعوت کنم. (1)

نظر علامه طباطبائی رحمه الله را برخی از نقل های جریان مباحله که به نزول آیه تطهیر در آن روز نیز اشاره کرده اند تأیید می کند به عنوان نمونه شیخ عباس قمی در «وقائع الایام» و «زاد المعاد» می گوید:

روز بیست و چهارم ذیحجه بنا بر اشهر روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران مباحله کرد و پیش از آن که خواست مباحله کند، کسا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را زیر کسا وارد نمود و گفت

اللَّهُمَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلٌ بَيْتٍ هُمْ أَحْصُ الْخَلْقِ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ وَ هُؤَلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً؛ پروردگارا، برای هر پیغمبری اهل بیتی بوده است که نسبت به او مخصوص ترین خلق خدا بوده اند خداوندا این ها اهل بیت من اند پس پلیدی و گناه را از آنان دور کن و کاملاً پاکشان کن!

پس جبرئیل نازل شد و این آیه را در شأن ایشان آورد

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (2) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک گرداند.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را برای مباحله به خارج مدینه برد. (3) زمخشری نیز در تفسیر «کشاف» ذیل آیه مباحله به نقل از عایشه به این مطلب اشاره می کند (4)

ص: 254

---

1- المیزان في تفسير القرآن، ج 3، ص 237

2- سوره احزاب، آیه 33.

3- زاد المعاد، ص 217؛ وقایع الایام، ص 177.

4- تفسیر الکشاف، ج 1، ص 369.

آیه تطهیر صرف نظر از این که در شان چه کسانی نازل شده باشد، گویای فضیلتی بی نظیر برای آن افراد است. به همین جهت مجادله های کلامی فراوانی پیرامون این آیه شریفه در گرفته است.

شیعه با استناد به متن آیه و نیز روایاتی که در شأن نزول این آیه آمده است، برخی از اصول بنیادین مذهب تشیع مانند امامت و عصمت اهل بیت علیهم السلام را استوارتر ساخته است.

امامان شیعه همواره به این آیه مباهات کرده و آن را دلیل حقانیت خود می دانستند. امیر المؤمنین علیه السلام در روز شورا با توجه به این آیه فرمود:

تَشَدُّتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ آيَةَ التَّطْهِيرِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شِمَا رَا بِهِ خَدَا قَسَمَ مِي دَهَمَ آيَا دَر مِيَان شِمَا كَسِي هَسْت كِه آيَه تَطْهِيرِ دَر بَارَه اَو بَر رَسُولِ خَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَاذَلْ شَدَه بَاشَد؟

اعضای شورا همگی جواب دادند نه (1)

امام حسن علیه السلام هم پس از پذیرش صلح در سخنرانی خود در حضور معاویه ضمن بر شماری فضایل و کمالات خاندان خود به این حادثه تاریخی اشاره کرده است. (2)

## مضمون آیه

این آیه شریفه بیان می کند که اراده خداوند بر این امر تعلق گرفته است که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله از هر رجس و پلیدی پاک باشند. تعبیر «يُطَهِّرُكُمْ» در پی «لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ» تأکیدی بر طهارت و پاکیزگی به دنبال دور شدن پلیدی ها است و «تَطْهِيرًا» که مفعول مطلق است نیز تأکیدی دیگر برای طهارت به شمار

ص: 255

1- الخصال، ج 2، ص 561

2- الأماي (للطوسي)، ص 565.

می رود. «الرَّجْسَ» که با الف و لام جنس است هر گونه پلیدی فکری و عملی اعم از شرك، کفر، نفاق و جهل و گناه را در بر می گیرد. (1)

در اینجا دو پرسش مطرح است:

1. این که آیا اراده خداوند (يُرِيدُ اللهُ...) که در این آیه مطرح شده است، اراده تکوینی است یا اراده تشریحی؟

2. این که مصادیق اهل بیت در این آیه چه کسانی هستند؟

## اراده تکوینی یا تشریحی

اراده تکوینی اراده ای است که به فعل خود خداوند تعلق می گیرد، بنا بر این تخلف از آن امکان ندارد و تحقق آن حتمی است مانند این که خداوند اراده کرد آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت شود و این اراده بی درنگ محقق شد. در قرآن کریم اراده تکوینی خداوند این گونه توصیف می شود:

«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ (2) فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود!

اراده تشریحی خداوند اراده ای است که به فعل بندگان تعلق می گیرد. بنا بر این، تحقق آن حتمی نیست؛ مانند اراده و خواست خداوند در انجام واجبات و پرهیز از محرّمات که ممکن است در موارد فراوانی محقق نشود.

اگر اراده خداوند در این آیه تکوینی باشد معنای آیه آن است که خداوند خود اهل بیت پیامبر علیهم السلام را از هر رجس و پلیدی پاک و طاهر نموده است و این امر قطعاً محقق شده است. (3)

ص: 256

---

1- المیزان، ج 16، ص 312، ذیل آیه.

2- سوره یس، آیه 82

3- البته اراده تکوینی با جبر ملازم نیست؛ زیرا اراده تکوینی خدا بر آن چه در عالم تحقق یافته است و می یابد تعلق می گیرد چه از مسیر انتخاب فاعل مختار باشد و چه از طریق فاعل های جبری و طبیعی و اهل بیت علیهم السلام به دلیل شایستگی ذاتی و اکتسابی در عین قدرت و اختیار برای گناه کردن به اختیار خودشان گناه نمی کنند. (تفسیر نمونه، ج 17، ص 292).

و اگر اراده تشریحی باشد معنای آیه آن است که خداوند اراده نموده است که اهل بیت علیهم السلام با انجام طاعات و عبادات و ترک محرمات از هر رجس و پلیدی پاک گردند

علمای شیعه تکوینی بودن اراده خداوند در این آیه را به دلایل زیر مسلم می دانند:

1. اراده تشریحی خداوند مبنی بر دور بودن از پلیدی ها و پاکیزگی انسان ها با انجام تکالیف به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله اختصاص ندارد، بلکه خداوند اراده کرده است همه انسان ها از پلیدی ها بر حذر و به طهارت و پاکیزگی متصف باشند؛ چنان که در دستور به غسل و وضو می فرماید:

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ»؛ (1) خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد

2. قرینه دیگری که اراده تکوینی را در این آیه نشان می دهد، این است که به استناد روایات فراوانی که در شأن نزول خواهد آمد این آیه در منقبت و ستایش اهل بیت علیهم السلام است و اگر اراده صرفاً تشریحی باشد دیگر منقبتی نخواهد بود؛ زیرا این اراده برای همه وجود دارد. (2)

### اهل بیت چه کسانی هستند؟

در این که اهل بیت در این آیه چه کسانی هستند آراء مختلفی وجود دارد همه مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت معتقدند که مقصود از «اهل البیت» در این آیه خمسه طیبه، یعنی پیامبر صلی الله علیه و اله علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند. اما آن چه در میان اهل سنت شهرت دارد این است که اهل بیت افزون بر

ص: 257

---

1- سوره مائده، آیه 5.

2- مجمع البیان، ج 8، ص 560

این پنج نفر شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می شود.

اگر به منابع تفسیری و حدیثی فریقین نگاه کنیم، خواهیم دید که تعداد قابل توجهی از روایات مربوط به آیه تطهیر در باره اختصاص آیه به اصحاب کساء می باشد. بر اساس این روایات متواتر و صحیح آیه تطهیر در اواخر زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در خانه ام المؤمنین، ام سلمه نازل شد.

حسکانی در «شواهد التنزیل» بیش از صد و سی حدیث در این زمینه نقل کرده است. (1) در مضمون بسیاری از این احادیث آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را زیر کساء قرار داد و آیه تطهیر نازل شد (2)

البته در برخی از این احادیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه آنان را جمع کرد و بر آنان کسائی قرار داد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی». این روایات به حدیث کساء شهرت یافته اند. (3)

علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می نویسد: این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیشتر آن ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده اند. (4)

### معرفی اهل بیت علیهم السلام ایلام در گفتار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پس از نزول آیه تطهیر بر معرفی اهل بیت علیهم السلام و این که اهل بیت چه کسانی هستند اهتمام ویژه ای داشت این اهتمام را به خوبی می توان در سخنان و رفتارشان مشاهده کرد

ص: 258

1- شواهد التنزیل، ج 2، ص 33 - 139.

2- صحیح مسلم، ج 8، ص 276؛ جامع البیان، مج 12، ج 22، ص 12.

3- سنن ترمذی، ج 6، ص 289؛ مجمع البیان، ج 8، ص 559

4- المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 311.



احادیث فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیعه و سنی روایت شده است که اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر را منحصر در آل کسا و ائمه معصومین علیهم السلام می داند. از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خَمْسَةِ فِيَّ وَ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ (1) این آیه (آیه تطهیر) در باره من و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَلَوْ سَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَلَمْ يُبَيِّنْ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ لَا دَعَا هَا أَلْ فُلَانٍ وَ أَلْ فُلَانٍ؛ اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله ساکت نشسته و اهل بیت خود را مشخص نمی کرد، خاندان فلان و خاندان فلان آن را برای خود ادعا می کرد.

ولی خداوند عز و جل در کتاب خود جهت تصدیق پیامبرش آیه تطهیر را نازل کرد و فرمود: «همانا خدا فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» (در آن هنگام) علی حسن، حسین و فاطمه علیهم السلام حضور داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن ها را در خانه ام سلمه زیر «کساء» قرار داد و سپس گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ تَقْلًا وَ هُوَ لَأَهْلُ بَيْتِي وَ ثَقْلِي؛ خدایا، همانا برای هر پیامبری اهلی و خاندانی است و اینان اهل بیت و خاندان من اند.

ام سلمه گفت: آیا من از اهل بیت تو نیستم؟ پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ وَ لَكِنَّ هُوَ لَأَهْلِي وَ ثَقْلِي؛ تو بر خیر هستی ولی اینان اهل بیت و خاندان من اند.» (2)

حاکم نیشابوری از علمای اهل سنت نیز نظیر همین روایت را نقل کرده و

ص: 259

1- الميزان في تفسير القرآن، ج 16، ص 318

2- الكافي، ج 1، ص 287.

می گوید این حدیث با شرط بخاری (برای صحت حدیث) موافق و صحیح است؛ ولی وی آن را نیاورده است. (1) گفتنی است که در منابع فراوان دیگری که همگی از منابع معروف اهل سنت به شمار می آیند، تقریباً همین مضمون یاد شده در خصوص نزول آیه تطهیر و اختصاص آن به پنج تن آل عبا علیهم السلام موجود است.

### روش عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اهل بیت علیهم السلام

از روش های دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی اهل بیت علیهم السلام و این که آنان چه کسانی هستند روش عملی آن حضرت است که در روایات فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله مدت زیادی هر روز صبح به در خانه حضرت علی و فاطمه علیهم السلام می آمد و به آنان با عنوان اهل بیت خطاب می کرد

چون آیه بر پیامبر صلی لله علیه و اله نازل شد که:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (2) و خانواده خود را به نماز فرمان ده، و بر انجام آن شکیبا باش!

بر اساس روایات متعدد پیامبر صلی الله علیه و اله برای انجام این فرمان الهی هر روز قبل از اقامه نماز به در خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام می رفت و پس از فرا خوانی آن ها به نماز، آیه تطهیر را خطاب به آن ها می خواند. جالب این است که در منابع اهل سنت آمده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله تا چهل روز هر روز صبح به در خانه مولی علی و حضرت زهرا علیهما السلام می آمدند و می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبْتُمْ أَنَا سَلِيمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ (3) سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

ص: 260

1- المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 416.

2- سوره طه، آیه 132.

3- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج 5، ص 199.

اهل بیت بشتابید به سوی نماز «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک گرداند.» من با کسی که با شما در جنگ است در جنگ هستم، و با کسی که با شما در صلح است در صلح هستم

در روایات برای این عمل پیامبر صلی الله علیه و اله مدت شش ماه و هفت ماه و هشت ماه هم آمده است (1)

هرچند در تعداد دفعات آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به در خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام و سلام دادن به آن ها و فرا خواندن آن ها به نماز و نیز قرائت آیه شریفه، تطهیر اختلافاتی وجود دارد اما این اختلاف ها چندان مهم نمی نماید و به نظر می رسد در مشاهده راوی حدیث ریشه دارد آن چه مهم می نماید، این است که پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و اله این کار را انجام داده است تا کسی در این که مصداق اهل بیت در این آیه تنها آل کسا هستند تردید نکند.

### تنها در شأن خمسه طیبه

مشاهده روایات بی شمار در این زمینه که بسیاری از آن ها را اهل سنت نقل نموده اند جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که این آیه تنها در شأن خمسه طیبه نازل شده است و به هیچ وجه شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نمی شود، تا چه رسد به این که تنها در حق همسران پیامبر نازل شده باشد. برای اثبات این مطلب نیز دلایل فراوانی ذکر کرده اند که در اینجا به برخی از آن ها می پردازیم.

1. آیه تطهیر در بین آیاتی از سوره احزاب قرار گرفته است که مربوط به همسران رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله است؛ چون خداوند متعال در آیات 28 تا 34 این سوره همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مورد خطاب قرار داده و دستور های مهمی به آن ها داده است همین امر باعث شده است که برخی نزول آیه تطهیر را مربوط به همسران پیامبر بدانند یا این که دست کم آن ها را نیز در کنار خمسه طیبه از

ص: 261

---

1- الدر المنثور في تفسير المأثور، ج 5، ص 199.

اگر چه سیاق یکی از قرائن در تفسیر آیه است اما دلیلی قطعی و تخلف ناپذیر نیست بلکه اگر دلیلی بر خلاف آن وجود داشت، باید دست از سیاق برداشت و به آن دلیل تمسک کرد؛ زیرا اولاً این از عادت فصاحت که در کلام خود از يك خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند. قرآن کریم مملو از این موارد است. (1)

ثانیاً: امام صادق علیه السلام می فرماید:

یا جابر! وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ، إِنَّ الْآيَةَ لَتَنْزِلُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطَهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ؛ (2) ای جابر! هیچ چیزی مثل آن (قرآن) از عقل (و قیاس) مردم دور نیست؛ زیرا اول آیه درباره يك چیز، وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره چیز سومی فرود می آید.

ثالثاً: گاهی متکلم در کلام خود سخنی را به گونه جمله معترضه بیان می دارد و استفاده از جمله معترضه در قرآن کریم بی سابقه نیست و می توان برای آن نمونه های متعددی در قرآن کریم یافت.

در آیه تطهیر نیز دلایل و قرائن قطعی وجود دارد که این بخش از آیه با سیاق آیات همراه نیست

1. همه ضمائر در جمله های قبل و بعد آیه مؤنث است و ضمائر فقط در این بخش آیه تغییر یافته و به صورت جمع مذکر آمده است. اگر خطاب هم چنان تنها به همسران بود تغییر در ضمائر وجهی نداشت. بنا بر این به طور قطع مخاطبان آیه نمی توانند تنها همسران پیامبر باشند.

2. بر اساس روایات یاد شده آیه تطهیر شأن نزولی مستقل از آیات مربوط

ص: 262

1- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 8، ص 560

2- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 12.

به همسران حضرت دارد و الزامی ندارد که از سیاق آیات پیروی کند. علامه طباطبایی می گوید: «حتی یک روایت بر نزول این آیه در ضمن آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و اله وارد نشده است و کسی نیز آن را ذکر نکرده است، حتی کسانی که قائل به اختصاص این آیه به همسران پیامبر صلی الله علیه و اله هستند، چنان که به عکرمه و عروه نسبت داده می شود. بنا بر این آیه تطهیر به حسب نزول جزو آیات همسران پیامبر و متصل به آن نیست. (1)

3. علاوه بر این، سیاق مربوط به آیات همسران پیامبر سیاقی همراه با عتاب است و هیچ گونه ستایشی در آن نیست؛ در حالی که سیاق آیه تطهیر، سیاق تمجید است. افزون بر این که برخی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن کریم، سرزنش شده اند. برخی جنگ جمل را راه اندازی کردند که به کشته شدن هزاران مسلمان انجامید.

4. چگونه به سیاق تمسک نماییم در حالی که همسران پیامبر صلی الله علیه و اله خود را مصداق آیه تطهیر ندانسته و به آن استناد نکرده اند در حالی که خمسه طیبه بارها به آن استناد کرده و فضایل خود را یاد آور شده اند و هیچ کس با آن ها مخالفت نکرده است.

این خود شاهدی بر این مسأله است که در صدر اسلام مسلمانان هیچ تردیدی نداشتند که منظور از اهل بیت علیهم السلام در آیه تنها خمسه طیبه هستند. در تاریخ اسلام غیر از اهل بیت علیهم السلام کسانی را سراغ نداریم که پس از نزول آیه تطهیر خود را مصداق آن معرفی کرده باشند.

5. در هیچ يك از روایات صحیح و متواتر نقل نشده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احدی از همسران خود را در زیر کساء راه داده باشند.

6. روایات تسلیم (سلام دادن پیامبر) که جزئی از روایات مربوط به آیه تطهیر

ص: 263

است، از اصحاب نام داری هم چون عبد الله بن عباس ابو سعید الخدری، انس مالک، ابو الحمراء و نیز امامان معصوم علیهم السلام، مانند حضرت علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام نقل شده است و اسناد تعدادی از آن ها از نظر فریقین صحیح و قابل قبول است بنا بر این با وجود اختلاف در تعداد دفعات این کار می توان گفت که این کار اصولاً از حوادث مسلم و غیر قابل انکار است که به خوبی مصادیق اهل بیت را مشخص می نماید.

### برکات خواندن حدیث کسا

خواندن حدیث کسا برکات فراوانی دارد. بسیاری از بزرگان مثل مرحوم آیت الله بهجت و مرحوم آیت الله بهاء الدینی سفارش به خواندن حدیث کساء می کردند. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی کتابی درباره آیه تطهیر نوشته اند. این آیه دلیل محکمی است بر این که اهل بیت علیهم السلام اشتباه خطا، ناپاکی و پلیدی ندارند و در عصمت کامل به سر می برند.

### خاتم بخشی و آیه ولایت

شیخ مفید در «مسار الشیعه»، کفعمی در «مصباح»، و محدث قمی در «وقایع الایام» و «مفاتیح الجنان» نوشته اند در این روز امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله انگشتر خود را در حالت رکوع به سائل بخشید و آیه ولایت در شأن آن حضرت نازل شد. (1) شیخ طوسی نیز گفته است: خاتم بخشی روز بیست و چهارم ذیحجه بوده است. (2) خداوند در این آیه می فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (3) سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و

ص: 264

1- مسار الشیعه، ص 42؛ وقایع الایام، ص 177.

2- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 327.

3- سوره مائده، آیه 55.

آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند

## بیان آیه

امام رضا علیه السلام فرمودند:

جَعَلَ وَلَا يَتَّهَمُ مَعَ طَاعَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَقْرُونَةَ بِطَاعَتِهِ؛ (1) خداوند (در این آیه) طاعت و ولایت ائمه علیهم السلام و طاعت و ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله را با طاعت و ولایت خود مقرون ساخته است.

امام صادق علیه السلام در بیان این آیه فرمودند:

إِنَّمَا يَعْنِي أَوْلَىٰ بِكُمْ أَيُّ أَحَقُّ بِكُمْ وَبِأُمُورِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي عَلِيًّا وَأَوْلَادَهُ الْأُئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (2) یعنی اولویت دارترین افراد به شما و سزاوارترین آن ها به شما و به کارهای شما و خود شما و اموال، شما خدا و رسولش و کسانی هستند که ایمان آوردند یعنی علی و اولاد ائمه علیهم السلام او تا روز قیامت

اخبار بسیاری از عامه و خاصه درباره خاتم بخشی امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است و همه مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (3)

## شأن نزول

در شأن نزول این آیه روایات فراوانی نقل شده است که همه در مضمون، هم سان هستند. در این جا به یکی از آن ها بسنده می کنیم.

ص: 265

---

1- الأُمالي (للصدوق)، ص 531

2- الکافي، ج 1، ص 288.

3- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج 3، ص 2؛ تفسير الصافي، ج 2، ص 46.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: جمعی از یهودیان، مانند عبد الله بن سلام و اسید و ثعلبه و بنیامین و سلام و ابن صوریان مسلمان شدند و نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله آمدند و گفتند: «ای پیامبر خدا، موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصی خود کرد و وصی شما کیست؟ چه کسی پس از شما سرپرست ماست؟» در این هنگام این آیه نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: «برخیزید!» برخاستند و به سوی مسجد آمدند سائلی داشت از مسجد بیرون می آمد به او فرمودند: «ای سائل کسی چیزی به تو نداد؟» گفت «چرا این انگشتر را داد.» حضرت پرسیدند: «چه کسی آن را به تو داد؟» اشاره ای به امیر المؤمنین علیه السلام کرد و گفت: این مردی که نماز می خواند» پرسیدند: «در چه حالی این انگشتر را به تو داد؟» گفت: «در حال رکوع.»

در این هنگام پیغمبر صلی الله علیه و اله تکبیر، گفتند اهل مسجد هم تکبیر گفتند. بعد به آن گروه فرمودند: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَوَلِيُّكُمْ بَعْدِي؛ علی بن ابی طالب پس از من ولی شماست.» آنان گفتند: «رَضِيَ بِنَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا؛ به پروردگاری خدا و به دین اسلام و به پیغمبری محمد، و به ولایت علی بن ابی طالب خوشنودیم در این هنگام خدای تعالی این آیه را نازل کرد

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ (1) و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است (2)

ص: 266

1- سوره مائده، آیه 56

2- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 3، ص 3



حسان بن ثابت در این باره چنین سروده است:

أَبَا حَسَنَ تَقْدِيكَ نَفْسِي وَمُهْجَتِي \*\*\* وَكُلَّ بَطِيءٍ فِي الْهَدَىٰ وَمُسَارِعِ  
أَيْدِهِبُ مَدْحِي وَالْمُحَبَّرُ ضَائِعًا \*\*\* وَمَا الْمَدْحُ فِي جَنْبِ الْإِلَهِ بِضَائِعِ  
وَأَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ إِذْ كُنْتَ رَاكِعًا \*\*\* زَكَاةً فَذَنْتُكَ النَّفْسُ يَا خَيْرَ رَاكِعِ  
فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ خَيْرَ وَلايَةٍ \*\*\* فَبَيَّنَهَا فِي نَبَاتِ الشَّرَائِعِ

ای ابوالحسن جان و دل من و هر کسی که در هدایت کند یا تند است فدای تو باد!

آیا مدح من و سخن آراسته تباه می گردد؟ در حالی که مدح برای خدا تباه نخواهد شد.

و تو کسی هستی که در حالی که در رکوع بودی زکات دادی جانم فدایت ای بهترین رکوع کنندگان!

پس خدا درباره تو بهترین نوع ولایت را نازل کرد و آن را در درخشندگی های شرایع بیان نمود. (1)

### اهمیت آیه ولایت

این آیه فضیلت بزرگی برای مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام است که در قرآن مجید بیان گردید و خداوند متعال با نزول چنین آیه هایی زمینه معرفی آن حضرت را برای جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم می کرد تا پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله امت اسلام بدون رهبر و پیشوا نمانند.

این حادثه هر چند ممکن است در نظر بعضی کوچک باشد، ولی بسیار عظیم و دارای اهمیت است؛ چون یکی از آیات الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد که در اثر نزول آن پیامبر صلی الله علیه و آله پرده از یک مسأله بسیار مهم برداشتند و آن ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بود.

ص: 267

1- شواهد التنزیل، ج 1، ص 234؛ بشارة المصطفی، ص 266؛ بحار الأنوار، ج 35، ص 196.

امام سجاد علیه السلام فرمودند: هنگامی که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» نازل شد، عده ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه جمع شدند و به یکدیگر می گفتند: «در باره این آیه چه می گوئید؟» بعضی از آن ها گفتند: «اگر به این آیه کافر شویم، به سایر آن ها نیز کافر شده ایم، و اگر به این آیه ایمان آوریم و آن را بپذیریم، این خود خواری ماست؛ زیرا پسر ابی طالب بر ما مسلط می شود».

گفتند: «ما می دانیم که محمد صلی الله علیه و آله در آن چه می گوید صادق است، اما ما او را ولی خود قرار می دهیم و آن چه را که علی علیه السلام ما را به آن امر کند، اطاعت نخواهیم کرد.»

امام سجاد علیه السلام فرمودند: پس از آن، این آیه نازل شد:

«يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»؛ (1) نعمت خداوند را می شناسند و سپس آن را انکار می کنند.

یعنی ولایت علی علیه السلام را می دانند اما اکثر آن ها به ولایت ایمان ندارند (2)

### آیه ولایت و غدیر

امام باقر علیه السلام فرمودند: خدای عزّ و جلّ رسولش را به ولایت علی علیه السلام امر کرد و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» را بر او نازل فرمود و ولایت اولو الامر را واجب ساخت. مردم ندانستند مقصود از ولایت چیست.

خدا به محمد صلی الله علیه و آله امر فرمود تا ولایت را برای آن ها توضیح دهد، چنان که نماز و زکات و روزه و حج را توضیح داد چون امر به ولایت از جانب خدا به پیغمبر رسید، آن حضرت دلتنگ شد و ترسید مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند.

ص: 268

1- سوره نحل، آیه 83.

2- تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج 4، ص 100؛ الکافی، ج 1، ص 427؛ بحار الأنوار، ج 24، ص 63.

از این جهت دل‌تنگ شد و به پروردگارش مراجعه کرد خدای عز و جل به او وحی فرستاد

«يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ» (1) ای پیامبر آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملا (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

او هم امر خدای- تعالی ذکره- را اعلان کرد و به امر ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت بانگ زد و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند. (2)

مباهات خدا به امیر مؤمنان علیه السلام

در چند مورد خدای متعال نزد فرشتگان به امیر مؤمنان علیه السلام مباهات می‌کند ابن شهر آشوب از کتاب ابو بکر شیرازی نقل کرده است وقتی سائل انگشتر را از دست حضرت علی علیه السلام بیرون آورد برای آن حضرت دعا کرد و رفت. خداوند در برابر این اخلاص و ارادتی که حضرت علی علیه السلام نسبت به خدای خویش ابراز کرد، نزد فرشتگان به آن حضرت مباهات کرد و فرمود:

مَلَائِكَتِي أَمَا تَرَوْنَ عَبِيدِي جَسَدُهُ فِي عِبَادَتِي وَقَلْبُهُ مُعَلَّقٌ عِنْدِي وَهُوَ يَتَصَدَّقُ بِمَالِهِ طَلَبًا لِرِضَايَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي رَضِيْتُ عَنْهُ وَعَنْ خَلْفِهِ يَعْنِي دُرَيْتَهُ (3) فرشتگانم، آیا به بنده ام نگاه نمی‌کنید که چگونه بدنش در عبادتم و قلبش در اختیار من می‌باشد و در همان حال برای خشنودی من با مال خود انفاق می‌کند و صدقه می‌دهد؟! شما را شاهد می‌گیرم که من از او و فرزندانش راضی هستم.

ص: 269

1- سوره مائده، آیه 68

2- الکافی، ج 1، ص 289؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 317.

3- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 3، ص 4

روایت شده است که عمر گفت: به خدا قسم من چهل انگشتر را در حال رکوع صدقه دادم تا چیزی که درباره علی علیه السلام نازل شد درباره من هم نازل شود اما چیزی نیامد (1)

### منقبت حضرت علی علیه السلام

راوی می گوید امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: از اصحاب پیغمبر آنان که مطالب را نیکو به خاطر می سپارند می دانند که در میان آنان کسی نیست که دارای منقبتی باشد مگر این که من شریک او بوده ام و بر او برتری داشتم. من هفتاد صفت نیکو دارم که احدی از آنان، آن را ندارند.

گفتم: ای امیر المؤمنین، آن ها را بگو فرمود: نخستین منقبت من این است که یک چشم به هم زدن مشرک به خدا نبودم و لات و عزی را نپرستیدم... اما شصت و پنجم این که من در مسجد نماز می خواندم که سائلی آمد و چیزی خواست و من در رکوع بودم. انگشتر خود را در دسترس او قرار دادم. خدای تبارک و تعالی این آیه را درباره من نازل فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (2)

### احتجاج امیر المؤمنین علیه السلام به آیه ولایت

از آیاتی که امیر المؤمنین علیه السلام در شورای شش نفره ای که عمر برای نصب عثمان به خلافت پس از خودش تعیین کرد با آن احتجاج کردند و آن را دلیل حقانیت خود بر شمردند آیه ولایت است. فرمودند:

نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ نَزَلَتْ فِيهِ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ، غَيْرِي ؛ (3) شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که آیه

ص: 270

1- الأُمالي (للصدوق)، ص 124

2- الخصال، ج 2، ص 572؛ بحار الأنوار، ج 31، ص 432.

3- الإحتجاج، ج 1، ص 139؛ بحار الأنوار، ج 31، ص 336.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» درباره او نازل شده باشد؟

## بهای انگشتر

امام صادق علیه السلام فرمودند: انگشتری که امیر المؤمنین علیه السلام آن را صدقه داد، چهار مثقال بود. حلقه آن از نقره بود و نگین آن پنج مثقال و جنس آن یاقوت قرمز بود و به اندازه خراج شام ارزش داشت خراج شام سی صد بار شتر از نقره بود و چهار بار شتر از طلا این انگشتر از مروان بن طوق بود امیر المؤمنین علیه السلام او را کشت و انگشترش را از انگشترش بیرون آورد و آن را به همراه همه غنائم به پیامبر علیه السلام داد. پیامبر صلی الله علیه و اله به او دستور داد که انگشتر را نگه دارد. (1)

پیامبر به عنوان تقدیر و ارج نهادن به عمل خالصانه اش انگشتر را به او هدیه کرد خداوند نیز برای آزمایش امیر مؤمنان علیه السلام و نشان دادن روش زاهدانه او که حاضر است آن انگشتر گران بها را در راه خدا بدهد سائلی را به مسجد فرستاد و با یک زمینه سازی آن حضرت را به عنوان رهبر و جانشین پس از پیامبر صلی الله علیه و اله به جامعه اسلامی معرفی کرد

## نماز و انفاق؟!

هم نماز و عبادت حضرت علی علیه السلام و هم انفاق و تصدق او برای خدا بود. از این رو مانعی ندارد که آن حضرت غرق نماز باشد و صدای سائل به گوشش برسد و برای رضای خدا در وسط نماز انفاق کند.

گاهی معصومین علیهم السلام با حفظ حضور قلب به عالم ماده نیز توجه داشته اند. روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز جماعت را زودتر از سایر روزها به پایان رساند. برخی علت این کار را جویا شدند. آن حضرت فرمودند: «أَمَّا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؛ آیا گریه کودک را نشنیدید؟ حضرت فرمودند: نماز را زود تر از روزهای دیگر به پایان رساندم تا مادر، بچه اش را آرام کند. (2)

ص: 271

1- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 326؛ تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 4، ص 110.

2- الکافی، ج 6، ص 48؛ بحار الأنوار، ج 85، ص 93.

## نزول «هل اتي»

شیخ مفید در «مسار الشیعه» و سید بن طاووس در «الاقبال» به نقل از شیخ طوسی در «مصباح» و محدث قمی در «وقایع الایام» و «مفاتیح الجنان» روز بیست و پنجم ذیحجه را روز نزول سوره «هل اتي» می دانند (1).

بر اساس روایات پر شماری که در منابع شیعه و سنی آمده است، این سوره در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و به همین مناسبت این روز در تاریخ جمهوری اسلامی ایران با عنوان «روز خانواده» نامیده شده است.

علامه امینی در «الغدیر» سی و چهار نفر از دانشمندان اهل سنت از جمله اسکافی ترمذی، طبری ابن عبدربه ابن، مردویه، ثعلبی، واحدی زمخشری و خوارزمی را نام برده است که این شأن نزول را گزارش کرده اند (2).

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در چند مورد به آیات این سوره بر فضیلت خود احتجاج کرده است. (3) از این رو سوره «هل اتي» همواره از فضایل اهل بیت علیهم السلام به شمار آمده است.

ص: 272

- 
- 1- مسار الشیعه، ص 42؛ مصباح المتهجد، ص 767؛ الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 2، ص 374؛ وقایع الایام، ص 178
  - 2- الغدیر، ج 3، ص 107 - 111.
  - 3- الاحتجاج، ج 1، ص 164 - 165؛ المیزان، ج 20، ص 134.

در شأن نزول مشهور این سوره از ابن عباس نقل شده است: حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه جمعی به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند تا برای شفای فرزندان خود نذری کند.

حضرت علی و فاطمه علیهما السلام و کنیزشان (فضه) نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند سه روز روزه بگیرند. حسنین علیهما السلام از بیماری شفا یافتند و آنان روزه گرفتند در حالی که چیزی در خانه آنان نبود حضرت علی علیه السلام از شمعون خیبری سه صاع جو قرض گرفت

فاطمه علیها السلام يك صاع آن را آرد کرد و پنج قرص نان پخت. هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد مسکینی مسلمان هستم غذایی به من، دهید خداوند به شما از غذا های بهشتی عطا کند آنان مسکین را بر خود مقدم داشتند و در آن شب جز آب نوشیدند.

روز دوم را هم چنان روزه گرفتند و به هنگام افطار یتیمی بر در خانه آمد و غذای خود را به وی دادند. در سومین روز نیز به هنگام افطار اسیری بر در خانه آمد و آنان سهم غذای خود را به او بخشیدند.

صبح هنگام امیر المؤمنین علیه السلام دست حسنین علیهما السلام را گرفته و به نزد پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن ها را مشاهده کرد که از شدت گرسنگی می لرزیدند. فرمود: مشاهده چنین حالی در شما برای من بسیار دشوار است. سپس برخاست و به همراهی آنان وارد خانه فاطمه علیها السلام شد دخترش را دید که در محراب ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده و چشم هایش به گودی نشسته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد این سوره را بگیر خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می گوید آن گاه سوره

«هل اتي» را بر او خواند. (1)

بنا به روایتی در آن روز برای اهل بیت علیهم السلام فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی از آسمان فرود آمد و آن را تا هفت روز تناول کردند. (2) بدین گونه خداوند سبحان از ایثار و از خود گذشتگی حضرت علی علیه السلام و خانواده بی نظیرش تقدیر کرد و قلب پیامبر صلی الله علیه و آله را تسلا بخشید.

### مدنی بودن سوره

روشن است که این شأن نزول با مدنی بودن این سوره سازگار است؛ زیرا ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در مدینه بوده است. (3) بر اساس همین روایات شیعه بر نزول همه این سوره یا حداقل بخش نخست آن (تا آیه 22) در مدینه اتفاق دارد (4) چنان که مشهور اهل سنت نیز آن را مدنی دانسته اند (5)

مفسران برای اثبات مدنی بودن سوره انسان افزون بر روایات به شواهد و قراین دیگری نیز استناد جسته اند علامه طباطبایی از سیاق آیات آن به ویژه از آیات «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» و «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ» استفاده کرده است که این آیات از داستانی واقعی خبر می دهد و از بودن «اسیر» در میان کسانی که به دست آن ابرار اطعام شده اند، نتیجه می گیرد که این آیات مدنی است؛ زیرا مسلمانان در مکه اسیری در اختیار نداشته اند (6)

ص: 274

- 
- 1- الکشاف، ج 4، ص 670؛ مجمع البیان، ج 10، ص 611 - 614؛ روح المعانی مج 16، ج 29، ص 269 - 270
  - 2- الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 2، ص 376.
  - 3- تاریخ طبری، ج 2، ص 213؛ ترجمة الامام الحسين عليه السلام، ص 235؛ العدد القویه، ص 28.
  - 4- تفسیر القمی، ج 2، ص 390؛ التبیان، ج 10، ص 211؛ المیزان، ج 20، ص 121.
  - 5- کشف الاسرار، ج 10، ص 316؛ تفسیر قرطبی، ج 19، ص 77.
  - 6- المیزان، ج 2، ص 135.



به گفته برخی مفسران از لطایف این سوره این است که خدای سبحان برای رعایت حرمت بتول و نور چشم رسول حضرت فاطمه علیها السلام در شمار نعمت های بهشتی از «حور العین سخن نگفته است و به ذکر خدمت کاران جوان و جاویدان بسنده کرده است. (1) با این که حور العین از مهم ترین نعمت هایی است که در سایر موارد در شمار نعمت های بهشتی بیان می شود (2)

خدای متعال در این سوره از این ایثار و از خود گذشتگی تشکر می کند و همه نعمت های فراوان بهشتی را که در این سوره بیان فرموده است، جزای ایثار بزرگ اهل بیت علیهم السلام بر می شمارد

«إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»؛ (3) این پاداش شماست و سعی و تلاش شما مورد قدر دانی است

خداوند نعمت هایی را که در این سوره آورده است هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی در هیچ کجای قرآن نیاورده است.

### فضیلت تلاوت سوره «هل آتی»

در فضیلت تلاوت این سوره مبارکه چند روایت نقل شده است که به ذکر سه حدیث اکتفا می شود

الف) در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

مَنْ قَرَأَ سُورَةَ هَلْ آتَى كَمَا نَزَلَتْ عَلَى اللَّهِ جَدَّةً وَ حَرِيْرًا وَ مَنْ أَدْمَنْ قِرَاءَتَهَا قَوِيَتْ نَفْسُهُ الضَّعِيفَةُ وَ... (4) کسی که سوره «هل آتی» را بخواند، پاداش او بر خدای سبحان بهشت و لباس های بهشتی است و کسی

ص: 275

---

1- روح المعانی مج، 16، ج 29، ص 271.

2- المیزان، ج 20، ص 131

3- سوره انسان، آیه 22.

4- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 543

که به قرائت آن مداومت کند نفس ضعیف او تقویت می شود.

ب) امام صادق علیه السلام فرموده اند:

أَنَا ضَامِنٌ لِكُلِّ مَنْ كَانَ مِنْ شَيْءٍ يَعْتَنِي إِذَا قَرَأَ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنْ يَوْمِ الْخَمِيسِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ثُمَّ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ أَنْ يَدْخَلَ الْجَنَّةَ آمِنًا بغير حسابٍ عَلَى مَا فِيهِ مِنْ ذُنُوبٍ وَعُيُوبٍ، وَلَمْ يَنْشُرِ اللَّهُ لَهُ دِيْوَانَ الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يُسْأَلَ مَسْأَلَةَ الْقَبْرِ، وَإِنْ عَاشَ كَانَ مَحْفُوظًا مَسْئُورًا مَصْرُوفًا عَنْهُ آفَاتُ الدُّنْيَا كُلِّهَا، وَلَمْ يَتَعَرَّضْ لَهُ شَيْءٌ مِنْ هَوَامِ الْأَرْضِ إِلَى الْخَمِيسِ الثَّانِي، إِنْ شَاءَ اللَّهُ (1) من ضامنم برای هر یک از شیعیانم که در نماز صبح روز پنجشنبه سوره انسان را بخواند آن گاه اگر در آن شب یا روز بمیرد با امنیت و بدون حساب از گناہانی که انجام داده و عیوبی که دارد وارد بهشت شود و خدای تعالی دیوان حسابرسی را در روز قیامت برای او نگشاید و در قبر از او پرسشی نشود؛ و اگر زنده بود در حفظ و امان الهی است و همه آفات دنیا از او برداشته می شود و چیزی از جنبنده های زمینی تا پنجشنبه بعد به او آسیبی نرساند.

ج) در سیره امام رضا علیه السلام آمده است که آن حضرت در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه در رکعت اول سوره حمد و سوره انسان و در رکعت دوم بعد از حمد سوره غاشیه را قرائت می کردند و می فرمودند

فَإِنَّ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ الْيَوْمَيْنِ؛ (2) هر کس این دو سوره را در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه بخواند خداوند او را در این دو روز از شر و بدی در امان می دارد.

\* یکی از وقایعی که در ماه ذیحجه سال 63 هجری رخ داد، واقعه تلخ و جنایت بار حرّه توسط یزید بن معاویه است. برخی آن را در دوم ذیحجه دانسته اند

ص: 276

1- الأصول الستة عشر، ص 123؛ بحار الأنوار، ج 82، ص 66.

2- وسائل الشیعة، ج 6، ص 122

و برخی دیگر دو سه روز مانده به پایان ماه ذیحجه.

یزید بیش از سه سال و اندی حکومت نکرد اما در این مدت کوتاه هولناک ترین فجایع را انجام داد که رخداد عاشورا در کربلا نخستین آن ها، و فاجعه حره در مدینه گسترده ترین آن ها بود.

مورخان از جمله دینوری آمار کشته شدگان در این فاجعه را بیش از ده هزار نفر اعلام کرده اند که از این تعداد هشتاد تن از اصحاب پیامبر و هفت صد نفر از مهاجرین و انصار و ده هزار نفر از تابعان و موالی بوده اند (1) و هتک حرمت هایی که زبان یارای گفتن آن را ندارد این واقعه معروف را شیعه و سنی نقل کرده اند. (2)

ص: 277

---

1- الامامة والسياسة، ج 1، ص 239.

2- وقائع الايام، ص 182.







## برترین عید امت پیامبر صلی الله علیه و آله

بر اساس اهمیت واقعه غدیر و روایاتی که درباره فضیلت عید غدیر نقل شده است بی تردید می توان آن را بزرگ ترین عید الهی دانست که هیچ عیدی به فضیلت آن نمی رسد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

يَوْمُ غَدِيرِ حُمِّ أَفْضَلِ أَعْيَادِ أُمَّتِي وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهِ بَنَصِبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَمًا لِأُمَّتِي، يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي، وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ، وَ أَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النِّعْمَةَ، وَ رَضِيَ لِهِمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (1) روز غدیر خم برترین عید امت من است و آن، روزی است که خداوند متعال به من فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب را نشانه ای برای امتم قرار دهم تا پس از من بدان راه یابند و آن روزی است که خداوند دین را در آن به کمال رساند و نعمت را بر امتم کامل کرد و دین اسلام را بر ایشان پسندید.

## شکوه مندی غدیر

امیر مؤمنان در یکی از سال های دوران خلافت خویش که جمعه و غدیر با هم مصادف شده بودند بالای منبر رفتند و پس از حمد و ثنای الهی خطبه ای

ص: 281

---

1- الأمالي للصدوق، ص 188، ح 197؛ بشارة المصطفى، ص 23؛ الإقبال، ج 2، ص 264

دربارهٔ جمعه و روز عید غدیر ایراد کردند که در بخشی از آن درباره شکوهمندی غدیر آمده است:

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ، وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ، وَوَضَّحَتِ الْحُجُجُ، وَهُوَ يَوْمُ الْإِيضَاحِ وَ الْإِفْصَاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصِّرَاحِ، وَ يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ، وَ يَوْمُ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَ يَوْمُ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ؛ (1) بی گمان، این روز، روزی شکوهمند است. در این روز است که فَرَج (گشایش) واقع شد و درجه ها رفیع گشت و حجت ها آشکار گردید و آن، روز آشکار کردن و روشن نمودن جای گاه نمایان [ولایت] و روز کمال دین و روز پیمان بسته شده و روز شاهد و مشهود است

### بزرگ ترین عید

حسن بن راشد می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! آیا به جز دو عید (فطر و قربان) عید دیگری برای مسلمانان هست؟

فرمود: «نَعَمْ يَا حَسَنُ، أَعْظَمُهُمَا وَأَشْرَفُهُمَا؛ آری، ای حسن، از آن دو، بزرگ تر و والا تر نیز هست».

گفتم: پس آن کدامین روز است؟ فرمود:

هُوَ يَوْمٌ نَصَبَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ فِيهِ عَلِمَ لِلنَّاسِ؛ (2) روزی که امیر مؤمنان که درودها و سلام خدا بر او باد به خلافت منصوب شد و به عنوان نشانه ای برای مردم قرار گرفت.

### شریف تر از عید قربان و عید فطر

امام صادق علیه السلام این روز را روز بر افروخته شدن چراغ دین خواندند و به وابستگان و پیروانش که در مجلس شان حاضر بودند فرمودند

ص: 282

1- مصباح المتهدج، ص، 752، ح 843؛ الإقبال، ج 2، ص 254

2- الكافي، ج 4، ص 148، ح 1؛ مصباح المتهدج، ص 736؛ من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 90.



أَتَعْرِفُونَ يَوْمًا شَدَّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ وَأَظْهَرَ بِهِ مَنَارَ الدِّينِ، وَجَعَلَهُ عِيدًا لَنَا وَلِمَوَالِينَا وَشِيَعَتِنَا؛ أَيَا رُوزِي رَا كِه خُداوند، اسلَام رَا دَر آن مُحَكَّم سَاخَت وَ چَرَاغ دِين رَا بَر افروخت وَ آن رَا بَرای مَا وَ وابستگان وَ پیروان مَان عید قرار داد می شناسید؟

گفتند خدا و پیامبرش و فرزند پیامبرش آگاه ترند ای سرور ما آیا آن روز روز فطر است؟ فرمود: «نه» گفتند: آیا روز عید قربان است؟ فرمود:

لا، وَ هَذَا يَوْمَانِ جَلِيلَانِ شَرِيفَانِ، وَ يَوْمَ مَنَارِ الدِّينِ أَشْرَفُ مِنْهُمَا؛ وَ هُوَ الْيَوْمُ الثَّامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمَّا انصَرَفَ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَ صَارَ بَعْدِيَرِ حُمِّ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَهْبِطَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَتَّ قِيَامَ الظَّهْرِ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَ أَمْرُهُ أَنْ يَقُومَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَنْ يَنْصِبَهُ عَلَمَاً لِلنَّاسِ بَعْدَهُ، وَ أَنْ يَسْتَخْلِفَهُ فِي أُمَّتِهِ. نه! (1) وَ الْبَتَّةِ اَيْنَ دُورِوز، بزرگ وَ والايند؛ ولي روز بر افروختن چراغ دين از آن دو، والا تر است وَ آن، روز هجدهم ذیحجه است. پیامبر خدا صلى الله عليه و اله چون از حجة الوداع بازگشت و به غدیر خم رسید، خداوند عز و جل به جبرئیل علیه السلام فرمان داد که هنگام نماز ظهر آن روز به نزد پیامبر برود و به او فرمان دهد که به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام قیام کند و او را برای مردمان پس از خود منصوب کند و در میان امتش به جای خود بگمارد

### برترین روز در نزد خدای تعالی

صفوان بن یحیی می گوید: شنیدم که امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

الثَّامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ فِي يَوْمٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهُ، وَ هُوَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ دِينَهُ لِحَلْقِهِ، وَ أَتَمَّ عَلَيْهِمْ نِعَمَهُ، وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَقَامَ وَصِيَّتَهُ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ.

ص: 283

وَنَصَّ بِهِ عَلَمَا لَأَمْتِهِ؛ هَجْدَهُمْ ذِيحِجَه، بزرگ ترین عید الهی است. خورشید، در هیچ روزی طلوع نکرد که در نزد خدا بر تر از آن روز باشد و آن همان روزی است که خدا در آن دینش را برای آفریدگانش به کمال رساند و نعمتش را بر آنان کامل کرد و دین اسلام را بر ایشان پسندید. خداوند پیامبری بر نینگیخت، جز آن که آن پیامبر وصیتش را در چنین روزی به جای خود نهاد و رهبر امتش قرار داد

فَلْيَذْكُرِ اللَّهُ شَيْعَتُنَا عَلَى مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ بِمَعْرِفَتِهِ هَذَا الْيَوْمَ دُونَ سَائِرِ النَّاسِ؛ (1) پس پیروان ما باید بر نعمت بزرگ شناخت این روز که تنها به آنان عطا شده خدا را به یاد آورند.

### عظمت روز غدیر خم

امام رضا علیه السلام فرمودند:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةٌ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا تُزْفُ الْعَرُوسُ إِلَى خَدْرِهَا؛ چون روز قیامت شود چهار روز به سوی خدا می شتابند، آن گونه که عروس را در شب زفاف به حجله می برند

سؤال شد آن روزها چه روزهایی است؟ فرمودند:

يَوْمَ الْأَضْحَى، و يَوْمَ الْفِطْرِ، و يَوْمَ الْجُمُعَةِ، و يَوْمَ الْغَدِيرِ، و إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَ الْفِطْرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ؛ روز قربان و فطر و جمعه و غدیر و روز غدیر در میان قربان و فطر و جمعه مانند ماه است در میان ستارگان

و هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ مِنَ النَّارِ، فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ؛ و آن، روزی است که ابراهیم خلیل علیه السلام از آتش نجات یافت و آن روز را برای سپاسگزاری از خدا روزه گرفت.

ص: 284

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الَّذِينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمًا وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وَصَاءَتَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمُ؛  
و آن روزی است که خداوند در آن با راهنما قرار دادن علی علیه السلام به دست پیامبر صلی الله علیه و اله، دین را به کمال رساند و فضیلت و وصایت او را آشکار کرد و او آن روز را روزه گرفت.

وَ إِنَّهُ لِيَوْمُ الْكَمَالِ وَ يَوْمُ مَرْغَمَةِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمٌ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الشَّيْعَةِ وَ مُجِي آلِ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ الدِّينَ يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا  
عَمِلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْشُورًا؛ و آن، روز کمال دین و به خاک مالیده شدن بنی شیطان است و روزی است که اعمال شیعه و  
دوست داران آل محمد علیهم السلام پذیرفته می شود و آن همان روزی است که خداوند دین را کامل کرد و اعمال مخالفین را رد می کند  
و آن ها را ناچیز می شمارد

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَنْصِبَ كُرْسِيَّ كَرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ يَصَدَّ عَدُوَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ  
الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ يُثْنُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِشَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُحِبِّيهِمْ مِنْ وُلْدِ آدَمَ؛ و آن  
همان روزی است که جبرئیل علیه السلام کرسی کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور قرار می دهد و بالای آن می رود و ملائکه نزد وی  
جمع می شوند و بر محمد درود و تهنیت می فرستند و برای شیعیان علی و ائمه علیهم السلام و محبان آن ها از بنی آدم استغفار می کنند

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُجِيبِي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ شَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ لَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ  
شَيْئًا مِنْ خَطَايَا هُمْ كَرَامَةٌ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ؛ و آن همان روزی است که خداوند کاتبان اعمال مردم را فرمان می دهد که به مدت سه  
روز از روز غدیر از نوشتن اعمال دوستان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن ها خودداری

کنند و چیزی علیه آن‌ها به احترام محمد و علی و ائمه علیهم السلام ننویسند. وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذَوِي رَحْمِهِ؛ و آن همان روزی است که خداوند آن را برای محمد و آل او قرار داده است.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبْدَ فِيهِ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ يُعْتَمِدُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ؛ و آن همان روزی است که خداوند بر حال کسی که در آن روز عبادت کند و یا بر خود و اهل و عیالش و برادرانش انفاق کند می‌افزاید و او را از آتش آزاد می‌کند

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعْيَ الشَّيْعَةِ مَشْكُوراً وَ ذَنْبَهُمْ مَغْفُوراً وَ عَمَلَهُمْ مَقْبُولاً و آن همان روزی است که خداوند در آن روز سعی شیعیان را مشکور و گناهان آن‌ها را مغفور و اعمال آن‌ها را مقبول قرار می‌دهد

وَ هُوَ يَوْمُ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَ يَوْمُ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ وَ يَوْمُ الْحَبَاءِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ يَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ وَ يَوْمُ الْبِشَارَةِ وَ الْعِيدِ الْأَكْبَرِ؛ و آن، روز برطرف شدن اندوه‌ها و فرو ریختن گناهان و روز عطاها و بخشش‌هاست و روز نشر علم و روز مژده و بشارت و عید اکبر است.

وَ يَوْمٌ يُسَدُّ تَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءِ وَ يَوْمُ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ وَ يَوْمُ لُبْسِ الثِّيَابِ وَ نَزْعِ السَّوَادِ وَ يَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَ يَوْمُ نَفْيِ الْعُمُومِ [الْهُمُومِ] وَ يَوْمُ الصَّفْحِ عَنِ مُذْنِبِي شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (1) و آن، روز استجابت دعا و روز موقف عظیم و روز پوشیدن جامه نیکو و در آوردن لباس‌های سیاه، و روز شرط مشروط (و تعهدی که گرفته شده) و زدودن غم‌ها و گذشت از شیعیان گناه کار امیر المؤمنین علیه السلام است.

### بخشش خداوند

امام رضا علیه السلام به ابن ابی نصر فرمودند:

ص: 286

أَيْنَمَا كُنْتَ فَاحْضُرِ يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً، وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَ الدَّرْهُمَ فِيهِ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِإِخْوَانِكَ الْعَارِفِينَ، فَأَفْضَلُ عَلَى إِخْوَانِكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ سُرِّ فِيهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ رَوْزِ غَدِيرِ هَرِ كَجَا بُودِي، نَزْدِ (مَزَارِ) أَمِيرِ مُؤْمِنَانِ حَاضِرِ شُو، كِه خَدَاوَنْدِ (دَرِ اَيْنِ رَوْزِ) كِنَاهَانِ شِصْتِ سَالِهَ هَرِ مَرْدِ وَ زَنِّ بَا اِيْمَانِ وَ مُسْلِمَانِ رَا مِي آْمَرَزْدِ وَ دُو بَرَابَرِ كَسَانِي كِه دَرِ مَاهِ رَمَضَانَ وَ شَبِّ قَدْرِ وَ شَبِّ عِيدِ فِطْرِ اَزْ آتَشِ رِهَانِيْدِهَ اَزَادِ مِي سَاZِدِ وَ اِنْتِاقِ يَكِ دِرْهَمِ دَرِ اَن رَوْزِ بِه بَرَادَرَانِ حَقِّ اَشْنَايِ خُودِ بَرَابَرِ هَزَارِ دِرْهَمِ (دَرِ رَوْزِ هَايِ دِيْكَرِ) اِسْتِ پَسِ دَرِ اَيْنِ رَوْزِ بِه بَرَادَرَانْتِ اِحْسَانِ كِنِ وَ هَرِ مَرْدِ وَ زَنِّ بَا اِيْمَانِ رَا دَرِ اَن خُوشِ حَالِ كِنِ

بر اساس روایات فراوان ماهی بر تر از ماه رمضان نداریم و شبی هم افضل از شب قدر نداریم شب قدر شبی است که یک سوره قرآن درباره عظمت آن نازل شده است.

ولی امام رضا علیه السلام فرمودند: به برکت مولا امیر المؤمنین علیه السلام در عید غدیر دو برابر کسانی که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش آزاد شده اند در روز عید غدیر آزاد می شوند. شب های قدر و شب آخر ماه رمضان میلیون ها نفر از آتش جهنم آزاد می شوند. دو برابر آن را خدای تعالی در عید غدیر خم از آتش جهنم آزاد می کند.

این ها همه به برکت مولا امیر المؤمنین علیه السلام است. باید آن را قدر بدانیم. شب قدر و ماه رمضان و قرآن و پیامبر مان همه مدیون مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام و زحمات طاقت فرسای این امام بزرگوار است.

سپس فرمودند: «ای اکوفیان خیری فراوان به شما عطا شده و شما از کسانی هستید که خداوند دل های شان را به ایمان آزموده است. شما را خوار و مقهور

می سازند و آزمایش می شوید و بلاها بر شما سرازیر می شود سپس باز کننده گره های بزرگ، آن را می گشاید.»

## مصافحه فرشتگان

بعد فرمودند:

وَاللّٰهُ لَوْ عَرَفَ النَّاسَ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيْقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَاتٍ، وَ لَوْلَا اَنِي اَكْرَهُ التَّطْوِيلَ لَذَكَرْتُ مِنْ فَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ وَمَا اَعْطَى اللّٰهُ فِيْهِ مَنْ عَرَفَهُ مَا لَا يُحْصَى بِعَدَدٍ؛ (1) به خدا سوگند، اگر مردم، فضیلت حقیقی این روز را می دانستند، فرشتگان با آن ها در هر روز، ده بار مصافحه می کردند و اگر نبود که دراز گویی را ناخوش دارم از فضیلت های این روز و عطایای خداوند بر شناسندگان (قدر) این روز، چندان ذکر می کردم که به شماره نیاید.

بر اساس این فرمایش امام رضا علیه السلام فضائل عید غدیر قابل شمارش نیست و همه عظمت آن برای ما قابل درک نیست دریایی از عظمت است. اما «آب دریا را اگر نتوان کشید، پس به قدر تشنگی باید چشید» باید از این فرصت استفاده کرده و دل به دریای ولایت امیر المؤمنین علیه السلام سپرد.

به برکت اتصال به دریای ولایت مولا امیر المؤمنین علیه السلام و پذیرش این ولایت گناهان پاک می شود. در واقع ما قطره ضعیفی هستیم که به دریای ولایت وصل می شویم و به برکت مولا امیر المؤمنین علیه السلام پاک و آمرزیده می شویم.

## عید پیامبران

امام صادق علیه السلام در بیان عظمت عید غدیر فرمودند:

هُوَ عِيْدُ اللّٰهِ الْاَكْبَرُ، وَمَا بَعَثَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا قَطُّ اِلَّا وَتَعَيَّدَ فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَعَرَفَ حُرْمَتَهُ، وَاسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِي الْاَرْضِ يَوْمَ الْمِيْثَاقِ

ص: 288

---

1- تهذيب الأحكام، ج 6، ص 24، ح 52؛ الإقبال، ج 2، ص 268؛ بحار الأنوار: ج 100 ص 358 ح 2.

المأخوذ و الجمع المشهود (1) عید غدیر خم عید بزرگ خداست، خدا پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که این روز را عید گرفت و عظمت آن را شناخت و نام این روز در آسمان «روز عهدی است که گرفته شده است» و در زمین «روز پیمان محکمی است که بسته شده است» و «روز حضور همگانی» است.

بر این اساس خداوند پیش از آن که در غدیر خم از مسلمانان عهد بگیرد، در آسمان ها از فرشتگان بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام عهد و پیمان گرفت. از این رو این روز در آسمان «روز عهد معهود» و در زمین «روز میثاق مأخوذ» و «جمع مشهود» نامیده شده است. جمع مشهود اشاره به اجتماع بزرگ و بی مانند در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

### ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر فرشتگان

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عهد و پیمانی که خدای تعالی در آسمان ها بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام گرفت و آن را بر فرشتگانش واجب کرد این چنین اشاره فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ مَا نَصَبْتُ عَلَيْهَا عَلَمًا لِأُمَّتِي فِي الْأَرْضِ حَتَّى نَوَّهَ اللَّهُ بِاسْمِهِ فِي سَمَاوَاتِهِ وَ أَوْجَبَ وَ لَائِيَّتَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ؛ (2) ای مردم سوگند به کسی که مرا به پیامبری مبعوث کرد و از همه خلق برگزید من علی را امام و پیشوا برای امت خود در زمین نصب نکرده ام مگر این که خداوند نامش را در آسمان های خود بلند مرتبه و اعلام فرمود و ولایت او را بر فرشتگانش واجب ساخته است.

ص: 289

1- تهذیب الأحكام، ج 3، ص 143.

2- الأما لي (للصدوق)، ص 126.

یکی از روزهایی که بر ابلیس بسیار سخت گذشت و او را به ناله درآورد، روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان خدای تعالی رسماً علی علیه السلام را به ولایت و خلافت پس از خودش منصوب فرمود. امام باقر علیه السلام فرمودند.

إِنَّ إِبْلِيسَ عَدُوَّ اللَّهِ رَنَّ أَرْبَعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لَعْنٍ، وَ يَوْمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ وَ يَوْمَ بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ يَوْمَ الْعُدَيْرِ؛ ابلیس دشمن خدا، چهار بار ناله زد؛ روزی که لعن شد روزی که به زمین آمد روز بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله، و روز غدیر

### عرضه ولایت در روز غدیر بر آسمانیان و زمین

امام رضا علیه السلام در خطابه ای که به مناسبت روز عید غدیر ایراد فرمودند، پرده از انعکاس غدیر در عوالم مختلف برداشتند و واکنش آسمانیان و زمینیان و شور و شادمانی آن ها را در برابر عرضه ولایت امیر مؤمنان علیه السلام بر آن ها بیان کردند.

### واکنش اهل آسمان

وَ فِي يَوْمِ الْعُدَيْرِ عَرَضَ اللَّهُ الْوَلَايَةَ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَتَسَبَّقُوا إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَرِيئَةً بِهَا الْعَرْشُ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَرِيئَةً بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَرِيئَةً بِالْكَوَاكِبِ؛ در روز غدیر خداوند ولایت (علی علیه السلام) را بر آسمان های هفت گانه عرضه کرد، پس اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند، پس خداوند آن را با عرش، مزین کرد. آن گاه اهل آسمان چهارم به آن سبقت گرفتند و خداوند آن را با بیت المعمور زینت داد پس اهل آسمان دنیا به آن (ولایت) سبقت گرفتند پس خداوند آن را با ستارگان زینت داد.



## واکنش زمین ها

ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِ بَيْنَ فَسَبَقَتْ مَكَّةُ فَزَيَّنَهَا بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَزَيَّنَهَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَزَيَّنَهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ آن گاه خداوند ولایت (علی علیه السلام) را بر زمین ها عرضه کرد که مکه سبقت گرفت و خداوند آن را با کعبه مزین ساخت. سپس مدینه سبقت گرفت که آن را به وجود محمد مصطفی صلی الله علیه و اله نمود آن گاه کوفه سبقت گرفت که خداوند آن را به وجود امیر مؤمنان علی علیه السلام زینت داد

## واکنش کوه ها

وَعَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوَّلُ جَبَلٍ أَقْرَبَ بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَجْبُلِ الْعَقِيقِ وَ جَبَلِ الْفَيْرُوزِجِ وَ جَبَلِ الْيَاقُوتِ فَصَارَتْ هَذِهِ الْجِبَالُ جِبَالَهُنَّ وَأَفْضَلَ الْجَوَاهِرِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا جِبَالُ أُخْرَى فَصَارَتْ مَعَادِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ مَا لَمْ يُقَرَّرْ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَقْبَلْ صَارَتْ لَا تُنْبِتُ شَيْئاً؛ و در این روز خدای تعالی ولایت (علی علیه السلام) را بر کوه ها عرضه کرد نخستین کوه هایی که به ولایت آن حضرت اقرار کردند سه کوه عقیق فیروزه و یاقوت بودند. از این رو، این سه کوه های این جواهرات و بهترین جواهر شدند. آن گاه کوه های دیگر به پذیرش ولایت پیشی گرفتند و معدن های طلا و نقره شدند. و هر کوهی که به ولایت اقرار نکرد و آن را نپذیرفت، کوه های بی گیاه (و خشک) شدند.

## واکنش آبها گیاهان و پرندگان

وَعَرَضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ عَذْباً وَ مَا أَنْكَرَ صَارَ مِلْحاً أَجَاجاً وَ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُوطِيباً وَ مَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مُراً ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصِيحاً

مُصَوِّتاً وَ مَا أَنْكَرَهَا صَارَ أَحْرَسَ مِثْلَ الْكُنْ؛ (1) و در این روز، ولایت را بر آب ها عرضه کرد هر آبی قبول کرد شیرین و هر آبی نپذیرفت، شور و تلخ شد. و خداوند آن را بر نباتات نیز عرضه کرد. پس هر گیاهی قبول کرد، شیرین و پاکیزه شد و هر کدام نپذیرفت، تلخ گشت. آن گاه در آن روز آن را بر پرندگان عرضه کرد هر پرنده ای آن را پذیرفت، گویا و دارای صوت زیبا شد و هر کدام انکار کرد گنگ و الکن شد.

## غدیر در آئینه نام ها و صفات

### اشاره

استفاده از شیوه نام گذاری یکی از شیوه های تبلیغاتی مرسوم در اسلام برای القای اندیشه های نورانی آن است که موجب رواج ارزش ها و تثبیت آرمان های مقدس الهی می گردد. یکی از روز هایی که در اسلام برای تعظیم آن از شیوه نام گذاری بهره گرفته شده است «روز غدیر» است که اطلاق نام های گوناگون برای آن عظمت این روز را نسبت به روزهای دیگر نشان می دهد

نام ها و اوصافی که در روایات و خطبه هایی که به مناسبت روز غدیر ذکر شده است هر یک بیان گر فضیلت و ویژگی های بزرگ آن روز است و گاهی به ادبی از آداب آن روز نیز اشاره دارد.

این ها همه برای شناساندن هر چه بیشتر این روز و بیان عظمت و قداست آن است تا هر چه بیشتر در ذهن و دل اهل ایمان نقش بسته و موجب تذکر و تنبه آنان گردد. از این روشناختن نام های روز غدیر تصویری روشن از این روز را در ذهن و دل انسان ایجاد کرده و بیش از پیش این روز بزرگ را می شناساند

### 1. در کلام امیر المؤمنین علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ای که در این روز خواندند، نام ها و صفاتی را برای این روز بر شمرده و فرمودند

ص: 292

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ فِيهِ وَقَعَ الْفَرْجُ وَزُفِعَتِ الدَّرَجُ وَوَصَّحَتِ الْحُجَجُ؛ امروز (غدیر)، روز با عظمت و مهمی است که در آن گشایش رخ داده و نردبان تعالی بر افراشته شده و حجت ها آشکار گشته است.

بعد فرمودند:

وَ هُوَ يَوْمُ الْإِيضاحِ وَ الْإِفْصاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصُّرَاحِ وَ رُوزِ رُوشنایی وَ پُرده برداری از خالص ترین مقامات است.

وَ يَوْمُ كَمالِ الدِّينِ؛ وَ رُوزِ كَاملِ شُدن دین.

وَ يَوْمُ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ؛ وَ رُوزِ عَهدِ وَ پیمان بستن شده.

وَ يَوْمُ الشَّاهِدِ وَ الْمَشْهُودِ؛ وَ رُوزِ شَاهدِ وَ مَشْهُود.

وَ يَوْمُ تَبْيَانِ الْعُقُودِ عَنِ التِّقَاقِ وَ الْجُحُودِ؛ وَ رُوزِ آشکار گشتن عقده های نفاق و کفر.

وَ يَوْمُ الْبَيَانِ عَنِ حَقَائِقِ الْإِيْمَانِ؛ وَ رُوزِ بَيانِ حَقائِقِ ايمان.

وَ يَوْمُ دَحْرِ الشَّيْطَانِ؛ وَ رُوزِ طُردِ شُدن شيطان.

وَ يَوْمُ الْبُرْهَانِ؛ وَ رُوزِ دَليلِ وَ بُرْهان.

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ امروز، روز جدایی (حق از باطل) که وعده آن به شما داده شده.

هَذَا يَوْمُ الْمَلَأِ الْأَعْلَى الَّذِي أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرَضُونَ؛ امروز، روز ملاء اعلى (فرشتگان عالم بالا) که از آن روی برمی گردانید.

هَذَا يَوْمُ الْإِرشَادِ؛ امروز، روز ارشاد و هدایت.

وَ يَوْمُ مِحْنَةِ الْعِبَادِ؛ وَ رُوزِ آزْمونِ بندگان.

وَ يَوْمُ الدَّلِيلِ عَلَى الرُّودِ؛ وَ رُوزِ رَاهنمایی پيشاهنگان قوم.

هَذَا يَوْمُ أَبْدَى خَفَايَا الصُّدُورِ وَ مَضْمَرَاتِ الْأُمُورِ؛ امروز، روز آشکار گشتن آن چه در سينه ها پنهان و پوشیده بود.

هَذَا يَوْمُ التَّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْمَخْصُوصِ: امروز روز تصريح بر افراد خاص

هَذَا يَوْمٌ شَيْثٌ؛ امروز روز شِيث (وصی و جانشین حضرت آدم علیه السلام) است.

هَذَا يَوْمٌ إِدْرِيسَ؛ امروز روز ادريس (وصی یکی از پیامبران قبل از حضرت نوح علیه السلام) است.

هَذَا يَوْمٌ يُوْسَعَ؛ امروز، روز يوشع (وصی حضرت موسی علیه السلام) است

هَذَا يَوْمٌ شَمْعُونَ؛ امروز، روز شمعون (وصی حضرت عیسی علیه السلام) است.

هَذَا يَوْمُ الْأَمْنِ الْمُتَأْمُونِ روز امن و آسودگی

هَذَا يَوْمٌ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْتُونِ؛ روز ظهور آن چه در نهان پاسداری می شد

هَذَا يَوْمٌ إِبْلَاءِ السَّرَائِرِ؛ و امروز، روز عیان شدن راز هاست.

و امیر المؤمنین علیه السلام پیوسته می فرمودند هَذَا يَوْمٌ، هَذَا يَوْمٌ؛ امروز، روز... (1)

## 2. در کلام امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در توصیف روز غدیر فرمودند:

وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ؛ و روز غدیر عید بزرگ الهی است و خداوند عز و

جل هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد مگر آن که این روز را عید گرفت و حرمت آن را دانست

وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ؛ (2) و نام این روز در آسمان روز عهد و پیمان

و در زمین، روز پیمان محکم و حضور همگانی است

وَ يَوْمٌ مَنَارُ الدِّينِ؛ (3) روز مشعل فروزان دین.

ص: 294

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 755

2- تهذيب الأحكام، ج 3، ص 143.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 474

إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٌ وَفَرَحٌ وَسُرُورٌ (1) روز غدیر، روز عید و خوشحالی و شادی است.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ؛ وَ آن روزی است که خداوند دین را در آن کامل کرد.

وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلِيًّا لِلنَّاسِ عِلْمًا؛ وَ آن روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی را به عنوان امام و جانشین بعد از خود منصوب کرد.

هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٍ وَ صِدْقَةٍ وَ شُكْرِ اللَّهِ وَ حَمْدٍ لَهُ وَ سُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وَلَايَتِنَا؛ (2) روز عید غدیر روز عبادت و نماز و شکر و سپاس خداوند و سرور و شادمانی به خاطر این که خداوند بر شما منت گزارد و ولایت ما (اهل بیت) را به شما ارزانی داشت.

وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سلم عَلِيًّا لِلنَّاسِ عِلْمًا وَ أَبَانَ فِيهِ فَضْلَهُ وَ وَصِيَّهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ؛ روز غدیر خم همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی را به عنوان نشانه بر پا کرد و فضیلت آن روز و وصیش را آشکار کرد پس به شکرانه اش آن روز را برای خداوند متعال روزه گرفت.

وَ إِنَّهُ لَيَوْمٌ صِيَامٍ وَ قِيَامٍ وَ إِطْعَامٍ وَ صِدْقَةٍ وَ إِخْوَانٍ وَ فِيهِ مَرَضَاتُ الرَّحْمَنِ وَ مَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ (3) و به براستی روز غدیر روز صیام و شب زنده داری و إطعام و صله برادران (مؤمن) است و در آن رضایت (خداوند) رحمان و ذلت و خواری شیطان است.

### 3. در کلام امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز در توصیف روز غدیر فرمودند:

ص: 295

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 737؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 444.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 446

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 466.

وَإِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ؛ روز غدیر روز کمال است.

وَ يَوْمٌ مَرَّغَمَةَ الشَّيْطَانِ؛ روزی است که بینی شیطان به خاک مالیده شد

وَ يَوْمٌ تَقْبَلُ أَعْمَالِ الشَّيْعَةِ وَ مُحِبِّي آلِ مُحَمَّدٍ؛ روزی است که (اعمال شیعیان علی) و دوستان آل محمد علیهم السلام پذیرفته می شود

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ الدِّينَ يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْثُورًا؛ و آن روزی است که خدا دینش را کامل نمود در آن روز خداوند متوجه اعمال مخالفان (علی علیه السلام) می شود و آن را چون غبار پراکنده قرار می دهد

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جِبْرَائِيلَ أَنْ يَنْصَبَ كُرْسِيَّ كِرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ يَصْعَدُهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ يَثْنُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِشَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُحِبِّيهِمْ مِنْ وَلَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ و آن روزی است که خداوند به جبرئیل دستور می دهد که کرسی کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور نصب کند و جبرئیل بر آن بالا رود و تمام ملائک از تمام آسمان ها به سوی او گرد می آیند، مدح و ثنای آل محمد صلی الله علیه و سلم را می گویند و برای شیعیان علی و امامان علیهم السلام و محبین آن ها از فرزندان آدم استغفار می کنند.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكَرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُحِبِّي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ شَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ لَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْ خَطَايَا هُمْ كِرَامَةٌ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ؛ و روزی است که خداوند به کاتبان اعمال دستور می دهد که از روز عید غدیر تا سه روز از محبتان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن ها رفع قلم شود، و خطا های آنان را به عنوان احترام به محمد و علی و امامان علیهم السلام ثبت نکنند.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذَوِي رَحْمَتِهِ؛ و آن روزی است که

خداوند برای محمد و آلش علیهم السلام و بستگانش قرار داده است.

وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالٍ مَنْ عَبْدَ فِيهِ وَوَسَعَ عَلَى عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَآخْوَانِهِ وَيَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ؛ و آن روزی است که در آن خداوند بر حال کسی که در آن روز عبادت کند و کسی که بر عیال و خودش و برادران (و بستگانش) توسعه دهد (در رزق و روزی) می افزاید و او را از آتش نجات می بخشد

وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْعَةِ مَشْكُوراً وَذَنْبُهُمْ مَعْفُوراً وَعَمَلُهُمْ مَقْبُولاً؛ و آن روزی است که خداوند، تلاش شیعیان را در آن، پذیرفته شده قرار می دهد و گناهان آن ها بخشیده و عمل های شان قبول می شود

وَهُوَ يَوْمُ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ؛ و روز برطرف شدن سختی.

وَيَوْمَ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ؛ و پاک شدن وبال (گناهان).

وَيَوْمَ الْحَبَاءِ وَالْعَطِيَّةِ؛ و روز بخشش و عطا.

وَيَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ؛ و روز نشر علم.

وَيَوْمُ الْبِشَارَةِ وَالْعِيدِ الْاَكْبَرِ؛ و روز بشارت و روز عید اکبر است.

وَيَوْمُ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ؛ روزی که در آن دعا مستجاب می شود.

وَيَوْمَ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ و روز جایگاه بزرگ.

وَيَوْمُ لَبْسِ الْقِيَابِ وَنَزْعِ السَّوَادِ؛ و روز پوشیدن لباس نو و کندن لباس سیاه (و کهنه) است.

وَيَوْمَ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ؛ و روز عهدی است که گرفته شد.

وَيَوْمُ نَقْيِ الْعُمُومِ؛ و روز درو شدن غصه ها.

وَيَوْمُ الصَّفْحِ عَنِ مُدْنَبِيِّ شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و روز بخشش و گذشت از گناه کاران شیعه امیر المؤمنین است.

وَهُوَ يَوْمُ السَّبَقَةِ؛ و آن روزی است که باید (به سمت خوبی ها و

ولایت) سبقت گرفت.

وَيَوْمُ إِكْتِثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ وروز صلوات فرستادن بر محمد و آل اوست.

وَيَوْمُ الرِّضَا؛ وروز خشنودی.

وَيَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ؛ وروز عید اهل بیت و محمد صلی الله علیه و آله

وَيَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ وروز قبولی اعمال.

وَيَوْمُ طَلَبِ الزِّيَادَةِ؛ وروز درخواست زیاد شدن (پاداش ها) است.

وَيَوْمُ إِسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ؛ وروز راحتی مؤمنین.

وَيَوْمُ الْمَتَاجِرَةِ؛ وروز تجارت

وَيَوْمُ التَّوَدُّدِ؛ وروز دوستی.

وَيَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ؛ وروز رسیدن به رحمت الهی است.

وَيَوْمُ التَّرَكِّيَةِ؛ وروز پاکیزه نمودن (نفس).

وَيَوْمُ تَرْكِ الْكَبَائِرِ وَالدُّنُوبِ؛ وروز ترک کبائر و گناهان است.

وَيَوْمُ الْعِبَادَةِ وَيَوْمُ تَقْطِيرِ الصَّائِنِينَ؛ وروز عبادت وروز افطاری دادن به روزه داران است.

وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِئَةِ يَهَيِّ بِعَعْضِكُمْ بَعْضًا؛ و آن روزی است که باید به همدیگر تهنیت گویند.

وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛ وروز تبسم به چهره مردم با ایمان است.

وَهُوَ يَوْمُ الرِّيَّةِ؛ (1) و آن روز زینت است.

ص: 298







یکی از نشانه های عظمت بی کران عید غدیر اعمال آداب و سنت هایی است که رعایت آن ها در شب و روز و شام گاه عید غدیر به طور مکرر به آن سفارش شده و پاداش هایی بسیار برای آن ذکر شده است.

### عمل نیک در روز غدیر

عمل نیک در روز عید غدیر آن قدر ارزشمند است که امام صادق علیه السلام آن را معادل هشتاد ماه عمل نیک بر شمرده و فرموده اند

أَنَّ الْعَمَلَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ ثَمَانِينَ عَشَرَ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ الْعَمَلَ فِي ثَمَانِينَ شَهْرًا (1) عمل و کار نیک در روز غدیر - هجدهم ذیحجه - هم سان با عمل نیک هشتاد ماه است

در یکی از اعیاد غدیر که اصحاب و دوستان امام رضا علیه السلام برای عرض تبریک آمده بودند، حضرت آن ها را برای افطار نگه داشتند و قبل از آن غذا، هدایا، لباس، انگشتری و چیز های بسیار دیگری به خانه هایشان فرستاده بودند به طوری که احوال خودشان و اطرافیان شان حسابی عوض شده بود.

آن گاه ضمن صحبت از فضایل غدیر فرمودند در یکی از سال های خلافت امیر المؤمنین علیه السلام، جمعه و عید غدیر یکی شدند. امیر المؤمنین علیه السلام پنج ساعت

ص: 301

از روز گذشته به منبر رفتند و سخنرانی کردند

آن گاه امام رضا علیه السلام قسمتی از خطبه امیر المؤمنین علیه السلام را برایشان خواندند. حضرت امیر علیه السلام در این خطبه مشهور توصیه های مهمی برای روز غدیر با ذکر ثواب بسیار آن بیان فرمودند که فهرستی از اعمال نیک برای روز عید غدیر و بسیار جالب توجه است. گزیده آن این است

خدا خیرتان دهد، بعد از این اجتماعتان به خانه های تان برگردید و

1. برای اهل و عیال خود دست و دل بازی کنید و به برادران و دوستان تان نیکی کنید.
2. در مقابل این نعمت هایی که به شما داده شده خدا را شکر کنید
3. دور هم جمع شوید تا خدا کارهای تان را ردیف کند.
4. به یکدیگر نیکی کنید تا خداوند دل های تان را به هم پیوند دهد.
5. نعمت های الهی را به هم هدیه دهید که خدا ثواب هر عمل در این روز را چندین برابر عمل در اعیاد دیگر قرار داده است.
6. نیکی در این روز اموال را زیاد می کند و عمر را می افزاید.
7. مهربانی به همدیگر در این روز رحمت و رأفت خداوند را جلب می کند
8. تا جایی که در توان دارید به برادران و خانواده تان رسیدگی کرده و از آن چه خدا به شما داده است از آنان پذیرایی کنید
9. در میان یکدیگر خوش رو باشید.
10. در دیدار یکدیگر اظهار شادمانی کنید.
11. به کسی که به خیر شما امید دارد، افزون بر آن بدهید.
12. به ناتوانان همچون خود و هر قدر که از دست تان برمی آید و برای تان امکان دارد بخورانید

13. خرج کردن یک درهم در این روز پاداش صد هزار درهم در روزهای دیگر و حتی بیشتر دارد.

14. اگر کسی از آغاز دنیا تا پایانش روزها را روزه و شب هایش را احیا بگیرد، به پای ثواب روزه این روز - اگر خالصانه باشد - نمی رسد.

15. هر کس که در این روز پیش از درخواست برادرش به یاری اش بشتابد و از سر رغبت به او نیکی کند پاداش کسی را دارد که این روز را روزه و شبش را احیا گرفته است.

16. هرکس مؤمنی را افطار دهد انگار به یک میلیون نبی و صدیق و شهید افطار داده است.

17. هرکس برای برادرانش قرض بگیرد (برای حل مشکل آن ها واسطه شود) و به آن ها کمک نماید، من از سوی خدا ضامنم که اگر زنده بماند، بدهی اش را بپردازد و اگر قبض روحش کند خداوند، خودش قرض او را به عهده بگیرد.

18. چون یکدیگر را دیدید دست بدهید و سلام کنید و نعمت امروز را به هم تبریک بگویید.

19. این سخنان را حاضران به غایبان و شاهدان به آیندگان برسانند.

20. توان گر به دیدن فقیر و نیرومند به دیدن ناتوان برود.

رسول خدا صلی الله علیه و سلم این چنین به من امر فرمود.

آن گاه حضرت علی علیه السلام خطبه جمعه را خواندند و به جای نماز جمعه نماز عید غدیر خواندند. سپس با فرزندان و شیعیان شان به منزل امام حسن علیه السلام که بر ایشان غذا تدارک دیده بود رفتند و پس از صرف غذا، غنی و فقیر از آن غذا برای اهل و عیال خویش بردند (1)

ص: 303

## 1. تقرب به خدا

### اشاره

روز عید غدیر بستر بزرگ و گستره ای برای تقرب به سوی خدای تعالی است امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

يَنْبَغِي لَكُمْ أَنْ تَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْبِرِّ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَصَلَةِ الرَّحِمِ وَصَلَةِ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانُوا إِذَا أَقَامُوا أَوْصِيَاءَهُمْ فَعَلُوا ذَلِكَ وَآمَرُوا بِهِ؛ (1) شایسته است با نیکی کردن به دیگران و روزه و نماز و به جا آوردن صله رحم و دیدار برادران ایمانی به خدا نزدیک شوید؛ زیرا پیامبران زمانی که جانشینان خود را نصب می کردند چنین می کردند و به آن فرمان می دادند.

امام رضا علیه السلام نیز این روز را عید اهل بیت علیه السلام دانسته و برای آن ویژگی ها و اعمال بسیاری را بر شمردند. از جمله فرمودند

وَهُوَ يَوْمُ السُّبْحَةِ وَ يَوْمُ إِكْتِثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمُ الرِّضَا وَ يَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ؛ غدیر روزی است که در آن نسبت به کار های خیر باید سبقت گرفت و روزی است که باید بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستاد و روز رضایت و روز عید اهل بیت علیه السلام است. وَ يَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ وَ يَوْمُ طَلَبِ الزِّيَادَةِ وَ يَوْمُ اسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمُ الْمُتَاجِرَةِ وَ يَوْمُ التَّوَدُّدِ وَ يَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ يَوْمُ التَّرَكِيَةِ وَ يَوْمُ تَرْكِ الْكِبَائِرِ وَ الدُّنُوبِ وَ يَوْمُ الْعِبَادَةِ؛ (2) و روز قبول اعمال و روز درخواست زیادی (از خداوند) و روز استراحت مؤمنین و روز تجارت (معنوی و اخروی) و روز دوستی و رسیدن به رحمت خداوند و روز تزکیه نفس و روز ترک گناهان بزرگ و کوچک و روز عبادت است.

ص: 304

1- همان، ص 736

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

همه این ها زمینه ساز تقرب به سوی خدای تعالی و رسیدن به مدارج عالی کمال است. خداوند به برکت ولایت مولا امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام این همه زمینه را برای رشد معنوی و نایل شدن ما به درجات بلند قرب خودش فراهم ساخته است باید قدر دان این فرصت های طلایی که خداوند در اختیار ما قرار داده است باشیم

## 2. یاد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله

در آداب غدیر تأکید شده که در این عید بزرگ با روزه و نماز به یاد خدا و محمد و آل محمد غلیهم السلام باشید. روای می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شایسته است در روز غدیر چه کار کنیم؟ حضرت فرمودند:

تَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ فِيهِ بِالصَّيَامِ وَالْعِبَادَةِ وَ الذِّكْرِ لِلْمُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ (1) در آن روز خداوند را که یادش عزیز باد با روزه و عبادت و یاد کردن از محمد و آل محمد علیهم السلام یاد کنید.

## 3. زیارت و دیدار یکدیگر

یکی دیگر از آداب و اعمال عید غدیر دیدار خویشان و دوستان و اهل ایمان است که بسیار ارزشمند است و آثار فراوانی دارد. امام رضا علیه السلام فرمودند:

وَ مَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُوْرًا وَ وَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَ يَزُورُ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ يُبَشِّرُ رُوْنَهُ بِالْجَنَّةِ؛ (2) و کسی که به زیارت مؤمنی برود، خداوند هفتاد نور در قبر او روشن می کند و قبرش را گسترش می دهد و روزی هفتاد هزار فرشته قبر او را زیارت می کنند و به بهشت مژده اش می دهند

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه یکدیگر را زیارت کردید، بگویید:

ص: 305

---

1- الکافی، ج 4، ص 149، ح 3؛ الإقبال، ج 2، ص 263.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 465.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ بِعَهْدِهِ إِلَيْنَا وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِهِ وَ الْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ يَوْمَ الدِّينِ؛ (1) سپاس خدای را که ما را به این روز گرامی داشته و ما را از وفا کنندگان به عهدی که به ما سپرده و از وفا کنندگان پیمانی که برای ولایت و لیان امرش و قائمان به عدلش از ما گرفته است قرار داده است و ما را از منکران و تکذیب کنندگان به روز قیامت قرار نداده است

بنا بر این از اعمال مهم عید غدیر و از چیز هایی که بسیار سفارش شده است، دید و بازدید و به زیارت سادات و علما و مؤمنین رفتن و تبریک گفتن و اعلان ولایت کردن و سرور شادی و سپاس خدای تعالی بر نعمت ولایت است. امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ای که به مناسبت عید غدیر خواندند فرمودند:

وَ أَظْهَرُوا الْبَشَرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ السُّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ؛ (2) در میان یکدیگر خوش رویی نشان دهید و در دیدار یکدیگر، اظهار شادمانی کنید و بر آن چه خداوند به شما بخشیده سپاس بگذارید.

هم چنین فرمودند:

وَ إِذَا تَلَا قَيْتُمْ فَتَصَافِحُوا بِالسَّلَامِ وَ تَهَانُوا التَّعَمَّةَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ لِيُبَلِّغَ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الشَّاهِدُ الْبَائِنَ، وَ لِيُعْدِيَ الْغَنِيِّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ الْقَوِيُّ عَلَى الضَّعِيفِ، أَمْرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ؛ (3) چون همدیگر را دیدید، دست بدهید و سلام کنید و نعمت امروز را به هم تبریک بگویید و حاضران به غایبان و شاهدان به آیندگان برسانند و توان گر به دیدن فقیر برود و نیرومند به

ص: 306

1- تهذیب الأحكام، ج 3، ص 143.

2- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 757؛ بحار الأنوار، ج 94، ص 117.

3- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 758؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 445



دیدن ناتوان برود؛ رسول خدا صلی الله علیه و سلم این چنین به من امر فرمود.

#### 4. تبریک و تهنیت

انسان ها به هنگام دست یابی به نعمت یا پیروزی، به رسم دیرین، به یکدیگر تبریک می گفته اند تبریک گفتن در روز عید غدیر جلوه ای از احیا و بزرگداشت این عید و نشانی از پابندی به شعائر دینی است.

بدون تردید عید غدیر برای کسانی که ولایت را پذیرفته اند، بزرگ ترین دستاورد معنوی را به همراه داشته است. در این روز بشر به نعمتی رسیده که تمام نعمت ها در برابر آن اندک و کوچک است. از این رو گرم ترین و واقعی ترین و صمیمی ترین تبریک ها برای عید غدیر است امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای که روز عید غدیر خواندند فرمودند:

و تَهَانُوا التَّعَمَّةَ فِي هَذَا الْيَوْمِ؛ (1) و نعمت امروز را به هم تبریک بگوئید. امام رضا علیه السلام را نیز در این باره می فرمایند:

هُوَ يَوْمُ التَّهْنِئَةِ يَهْنِي بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ؛ (2)  
روز عید غدیر روز تهنیت گویی است. برخی از شما به برخی دیگر تهنیت می گویند. پس هر گاه مؤمنی برادرش را ملاقات کند می گوید:  
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که ما را از تمسک جویان به ولایت امیر مؤمنان و امامان علیهم السلام قرار داد»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر به اصحاب و اطرافیان و جمعیت عظیمی که در غدیر اجتماع کرده بودند فرمودند:

ص: 307

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 758؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 445

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464



إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٌ وَفَرَحٌ وَسُرُورٌ وَيَوْمٌ صَوَّمَ شَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى، وَإِنَّ صَوْمَهُ يَعْدِلُ سِتِّينَ شَهْرًا مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ (1) روز غدیر روز عید و شادمانی و سرور است و روز روزه شکر خدای متعال روزه آن برابر روزه شصت ماه از ماه های حرام (2) است.

## روزه پیامبران

پیامبران الهی نیز به شکرانه این روز روزه می گرفتند. امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی در وصف و عظمت غدیر فرمودند:

وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ مِنَ النَّارِ، فَصَامَهُ شَكَرَ اللَّهُ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا أَمِيرًا الْمُؤْمِنِينَ عِلْمًا وَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَوَصَايَتَهُ، فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ (3) غدیر روزی است که ابراهیم خلیل علیه السلام از آتش نجات یافت و آن روز را برای سپاسگزاری از خدا، روزه گرفت و آن روزی است که خداوند در آن با راهنما قرار دادن علی علیه السلام به دست پیامبر صلی الله علیه و اله دین را به کمال رساند و فضیلت و وصایت او را آشکار کرد و پیامبر صلی الله علیه و اله آن روز را روزه گرفت.

مفضّل بن عمر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مسلمانان، چند عید دارند؟ فرمودند «چهار عید» گفتم دو عید (فطر و قربان) و جمعه را می شناسم. فرمودند:

أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا؛ بزرگ ترین و والاترین آن ها روز هجدهم ذی حجه است و آن، روزی است که

ص: 309

---

1- مصباح المتعجب، ص 737؛ الإقبال، ج 2، ص 276

2- ماه های حرام یعنی ماه هایی که رعایت حرمت شان واجب است و جنگ و جهاد ابتدایی در آن ها جایز نیست و آن ها عبارت اند از رجب، ذی قعدة، ذی حجه و محرّم

3- الإقبال، ج 2، ص 260.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علیه السلام را در آن جانشین خود کرد و او را امام و پیشوا برای مردم قرار داد.

گفتم: لازم است ما در آن روز چه کنیم؟ فرمودند:

يَحِبُّ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا لَهُ ، مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ ، وَكَذَلِكَ أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَ هَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا ، وَ مَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ سَنَةً؛ (1) بر شما لازم است که از سر سپاس و ستایش خدا، آن روز را روزه بگیرید؛ گر چه خداوند هر لحظه شایسته سپاس است پیامبران پیشین هم به اوصیای خود فرمان می دادند که روز تعیین وصی را روزه و عید بگیرند هر که آن را روزه بدارد پاداشی برتر از عمل شصت سال دارد.

## روزه تمام عمر دنیا

### اشاره

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر در فضیلت روزه عید غدیر خم فرمودند:

صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمُرِ الدُّنْيَا؛ لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ ثُمَّ صَامَ مَا عَمَّرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ، وَ صِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ عَامٍ مِائَةَ حَاجَةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ ، وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ (2) روزه روز غدیر خم برابر روزه عمر دنیا است. اگر انسانی به درازای عمر دنیا زندگی کند و همه آن را روزه بدارد ثواب روزه روز غدیر را دارد و نیز روزه آن در هر سال نزد خدای عز و جل برابر صد حج و صد عمره مبرور و مقبول است و عید غدیر، عید بزرگ خداست.

حج مبرور، یعنی حجی که با کلام پاکیزه و اطعام دیگران همراه باشد. عجیب این است که حضرت نفرمودند روزه عید غدیر معادل روزه یک عمر است، بلکه

ص: 310

1- الخصال، ص 264، ح 145

2- تهذیب الأحكام، ج 3، ص 143، ح 317؛ الإقبال، ج 2، ص 282.

فرمودند: روزه عمر دنیاست. یعنی اگر کسی از اول خلقت تا زمانی که دنیا بر پاست زندگی کند و تمام آن را روزه بگیرد روزه عید غدیر معادل آن است.

امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ای که به مناسبت روز عید غدیر خواندند فرمودند:

وَصَوْمُ هَذَا الْيَوْمِ مِمَّا تَدَبَّرَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ وَجَعَلَ الْجَزَاءَ الْعَظِيمَ كِفَالَةً عَنْهُ حَتَّى لَوْ تَعَبَّدَ لَهُ عَبْدٌ مِنْ الْعِبِيدِ فِي الشَّيْبَةِ مِنْ ابْتِدَاءِ الدُّنْيَا إِلَى انْقِضَائِهَا صَامًا نَهَارَهَا فَأَيَّمَا لَيْلَهَا إِذَا أَخْلَصَ الْمُحْلِصُ فِي صَوْمِهِ لَقَصَّرَتْ إِلَيْهِ أَيَّامُ الدُّنْيَا عَنْ كِفَايَةٍ؛ روزه این روز از چیزهایی است که خداوند متعال خود به سوی آن فرا خوانده و پاداش آن را هم خود به عهده گرفته است، به گونه ای که اگر بنده ای در جوانی اش، از آغاز دنیا تا پایان، آن روزها را روزه و شبها را احیا بگیرد به پای ثواب روزه این روز - اگر خالصانه باشد - نمی رسد

بعد فرمودند:

وَمَنْ أَسْعَفَ أَخَاهُ مُبْتَدِنًا وَبَرَهُ رَاغِبًا فَلَهُ كَأَجْرِ مَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ وَقَامَ لَيْلَتَهُ؛ و هر کس (در این روز) پیش از درخواست برادر دینی اش به یاری او بشتابد و از سر رغبت به او نیکی کند، پاداش کسی را دارد که این روز را روزه و شبش را احیا گرفته است

تفاوت در میزان پاداش که در روایات آمده است شاید برای این باشد که درجات پاداشها به تناسب میزان اخلاصی است که در روزه گرفتنها وجود دارد؛ چنان که امیر مؤمنان علیه السلام در این روایت به آن اشاره فرموده اند.

نکته دیگر آن که احسان با رغبت به برادران دینی آن قدر ارزشمند است که پاداش عظیم روزه داری و شب زنده داری در شب و روز عید غدیر را دارد.

ص: 311

یکی از اموری که در نظام خانواده مورد توجه اولیای دین است، تأمین رفاه و آسایش خانواده است که رضایت و خشنودی خدای تعالی را به دنبال دارد امام سجاد علیه السلام فرمودند

أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ (1) خشنود ترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد.

این توصیه در روز های عید بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، به ویژه آن که آن عید غدير باشد که از ارزش و پاداش مضاعفی برخوردار است. امیر المؤمنین علیه السلام بعد از خطبه روز عید غدير فرمودند:

عُودُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ بَعْدَ انْقِصَاءِ مَجْمَعِكُمْ بِالتَّوَسُّعِ عَلَى عِيَالِكُمْ وَالْبِرِّ بِأَخْوَانِكُمْ؛ خدا خیرتان دهد، بعد از این جلسه به خانه های تان برگردید و برای اهل و عیال خود دست و دل بازی کنید و به برادران و دوستان تان نیکی کنید.

هم چنین فرمودند:

وَهَيُّوا لِأَخْوَانِكُمْ وَعِيَالِكُمْ عَنْ فَضْلِهِ بِالْجَهْدِ مِنْ جُودِكُمْ، وَبِمَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ؛ تا جایی که در توان دارید و دست تان می رسد از فضل خدا که به شما داده به برادران و خانواده تان رسیدگی و پذیرایی کنید

امام رضا علیه السلام نیز در باره عید غدير و توسعه و گشایش در رفاه خانواده فرمودند:

وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَوَسَعَ عَلَى عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَآخْوَانِهِ وَيَعْتِقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ (2) و (روز غدير) روزی است که در آن،

ص: 312

1- الكافي، ج 4، ص 11، ح 1؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 73، ح 25.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464

خداوند بر حال کسی که در آن روز عبادت کند و کسی که بر عیال و خودش و برادرانش (در رزق و روزی) توسعه دهد می افزاید، و او را از آتش نجات می بخشد

حسن بن راشد می گوید به امام صادق علیه السلام گفتند آیا برای مؤمنان، غیر از عید قربان و فطر و جمعه عیدی هست؟ فرمود:

نَعَمْ، لَهُمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا، يَوْمَ أَقِيمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَقَدَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَلَايَةَ فِي أَعْنَاقِ الرِّجَالِ وَ التِّسَاءِ بِغَدِيرِ خُمٍّ؛ آری؛ عیدی دارند که بزرگ تر از این است: روزی که امیر مؤمنان علیه السلام برپا داشته شد و پیامبر خدا در غدیر خم، پیمان ولایت او را بر گردن مردان و زنان نهاد

گفتم آن چه روزی است؟ فرمود روز هجدهم ذیحجه. سپس فرمود:

وَ الْعَمَلُ فِيهِ يَعْدِلُ الْعَمَلُ فِي ثَمَانِينَ شَهْرًا، وَ يَنْبَغِي أَنْ يُكْتَرَفَ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ يُوسَعَ الرَّجُلُ فِيهِ عَلَى عِيَالِهِ (1) عمل آن روز با عمل هشتاد ماه برابر است و سزاوار است که در آن روز ذکر خدا و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را بسیار گویند و مرد بر خانواده خود توسعه بخشد.

## 7. هدیه و بخشش

یکی از اموری که در تحکیم روابط خانواده و جامعه بسیار تأثیر گذار است، هدیه و بخشش است. بی تردید هدیه دادن یکی از عوامل ایجاد محبت و خوش حال کردن افراد است. ما می توانیم با هدیه دادن به همسر و فرزندان و دوستان خود آنان را خوش حال و مسرور کنیم؛ چرا که هدیه نوعی ابراز محبت است.

و هدیه در عید غدیر که روز سرور و شادمانی است بسیار بجا و شایسته است.

ص: 313

از این رو ارزش فوق العاده ای دارد و به آن بسیار توصیه شده است؛ تا آن جا که امام رضا علیه السلام این روز را به نام «يَوْمُ الْحِبَاءِ وَ الْعَطِيَّةِ» (1) و روز ارمان و هدیه نامیدند و خود ایشان نیز در این روز غذا و گندم و هدایایی هم چون لباس و انگشتر و کفش برای خانواده اصحاب و یاران شان فرستادند و اسباب خوش حالی آنان را فراهم کردند. (2)

امیر المؤمنین درباره آداب روز عید غدیر خم فرمودند:

و تَهَادُوا نِعَمَ اللَّهِ كَمَا مَنَّا كُمْ بِالثَّوَابِ فِيهِ عَلَى أَضْعَافِ الْأَعْيَادِ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ إِلَّا فِي مِثْلِهِ؛ (3) نعمت های الهی را به یکدیگر هدیه دهید، همان گونه که خداوند در این روز بر شما منت نهاده و ثواب هر عمل شما در این روز را چندین برابر عمل در اعیاد دیگر قرار داد هم چنین فرمودند:

وَ عُوذُوا بِالْمَزِيدِ مِنَ الْخَيْرِ عَلَى أَهْلِ التَّامِيلِ لَكُمْ، وَ سَاوُوا بِكُمْ صَدَّ عَفَاءِ كُمْ فِي مَا كَلِمَتِكُمْ، وَ مَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ وَ عَلَى حَسَبِ إِمْكَانِكُمْ فَالِدِرْهَمِ فِيهِ بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (4) به کسی که به خیر شما امید دارد افزون بر آن بدهید و به ناتوانان هم چون خود و هر اندازه که از دست تان بر می آید و برای تان امکان دارد بخورانید؛ که خرج کردن یک درهم در این روز پاداش صد هزار درهم در روز های دیگر و حتی بیشتر را دارد

امام رضا علیه السلام نیز درباره بخشش در این روز فرمودند:

وَ الدِّرْهَمُ فِيهِ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِإِخْوَانِكَ الْعَارِفِينَ فَأَفْضَلُ عَلَى إِخْوَانِكَ فِي هَذَا

ص: 314

1- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464

2- وسائل الشيعة، ج 10، ص 444.

3- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 757.

4- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 757.



الْيَوْم (1) و درهمی که در این روز صدقه دهند با هزار درهمی که به شیعیان اثنی عشری دهند برابر است پس در این روز هر چه برای تو مقدور است به برادران مؤمنت احسان کن

در روز عید غدیر نباید تنگ نظرانه با نعمت های خدا برخورد کنیم، بلکه با گشاده دستی، نعمت ها و داده های خداوند را کریمانه ببخشیم

## 8. اطعام در عید غدیر

بر اطعام و پذیرایی مؤمنان در این روز نیز تأکید بسیار شده است. «اطعام» به معنای طعام و خوراک دادن است و معنایی گسترده تر از افطاری دادن را شامل می شود؛ چرا که افطاری تنها روزه داران را فرا می گیرد، ولی اطعام، پذیرایی و تغذیه است؛ چه مردمان روزه دار باشند و چه نباشند

امام رضا علیه السلام درباره پاداش فردی که مؤمنی را در روز عید غدیر اطعام کند فرمودند:

وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ (2) و کسی که در روز غدیر مؤمنی را اطعام کند مانند این است که همه پیامبران و صدیقان را اطعام کرده باشد.

اطعام در عید غدیر باید همگانی شود، همان گونه که در روز عاشورا همگانی است و همه باید میهمان اهل بیت علیهم السلام باشند؛ چه در منازل و چه بیرون از منازل. اطعام دادن در عید غدیر آن قدر فضیلت دارد که آن را همانند اطعام همه پیامبران و صدیقان دانسته اند.

تصور کنید اگر قرار باشد یکی از پیامبران الهی میهمان شما شده باشد ببینید چه توفیق عظیمی شامل حالتان شده است و چقدر موجب سرفرازی شما

ص: 315

---

1- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 24

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 465.

می شود حال تصور کنید که همه انبیا در میهمانی شما شرکت کرده اند برکت و شور و شغف آن قابل توصیف نیست.

آرزوی هر کس این است که یک لیوان آب دست امام زمان علیه السلام بدهد و حقی پیدا کند و امام زمان علیه السلام تا آخر عمر دعایش کند. امام می فرماید: اگر کسی روز عید غدیر به کسی اطعام بدهد، مثل این است که تمام انبیا و صدیقین و شهدا را اطعام داده است. اگر کسی پنجاه نفر صد نفر و یک جمعی را اطعام بدهد چه خواهد شد!!

برنامه اطعام در روز عید بزرگ غدیر را باید جدی گرفت. در طول سال هیچ روزی را به عظمت عید غدیر پیدا نمی کنید که اطعام آن ثواب اطعام همه انبیا و صدیقین را داشته باشد.

چنان که گذشت امام حسن علیه السلام در این روز فرخنده و بزرگ غذا تهیه می کردند و مردم را برای صرف غذا دعوت می نمودند (1)

امام صادق علیه السلام برای پاس داشت این روز بزرگ به اطعام برادران دینی و احسان و برآوردن نیازهای آنان توصیه کردند و فرمودند:

وَ أَطْعِمِ إِخْوَانَكَ وَ أَكْثِرْ بِرَّهُمْ وَ اقْضِ حَوَائِجَ إِخْوَانِكَ إِعْظَامًا لِيَوْمِكَ: (2) به خاطر بزرگ داشت این روز به برادران دینی خود اطعام ده، و به آنان بسیار احسان و نیکی کن و حوائج آنان را برآورده ساز

مرحوم آیت الله آسید علی قاضی استاد عرفان علامه طباطبایی رحمه الله عیال وار بود، عید غدیر قرض می کرد و جشن می گرفت و اطعام می داد. آیت الله بهجت هر سال، در عید غدیر دو روز اطعام می دادند. الآن هم شاگردان ایشان برای اطعام روز عید غدیر برنامه دارند

کسانی که برای خودشان و خانواده های شان و جوان های شان مشکل دارند برای رفع

ص: 316

---

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 758؛ بحار الأنوار، ج 94، ص 118.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 475.

مشکلات بیماری‌ها و مشکلات اقتصادی برای اطعام روز غدیر نذر کنند. ما برای غدیر موقوفه کم داریم. برای بزرگ داشت چنین روزی اموالی را وقف کنید تا هر سال در جشن عید غدیر هزینه شود افراد فراوانی داریم که برای غدیر هزینه کردند و خداوند برکات فراوانی نصیب آنان کرد؛ هم برکات مادی و هم برکات معنوی.

امیر المؤمنین علیه السلام ضمانت فرموده است که اگر کسی جمعی از مؤمنین و یا یک مؤمن را طعام بدهد خدا او را از کفر و فقر حفظ کند. (1)

## 9. افطاری دادن

افطاری دادن به روزه داران نیز از سنت‌هایی است که در روز عید غدیر به آن سفارش شده و در روایات اهل بیت علیهم السلام برای آن پاداش فراوانی ذکر شده است. امام رضا علیه السلام درباره عید غدیر (به شخصی) فرمودند:

و يَوْمُ تَقْطِيرِ الصَّائِمِينَ فَمَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فِتْمَامًا وَفِتْمَامًا إِلَى أَنْ عَدَّ عَشْرًا؛ عید غدیر روز افطاری دادن به روزه داران است. هر کسی در روز غدیر روزه دار مؤمنی را افطاری دهد همانند کسی است که فامی و فامی... - تا این که ده مرتبه آن را شمردند - را اطعام کرده باشد.

آن‌گاه فرمودند: «أَوْ تَدْرِي مَا الْفِتْمَامُ؟» می‌دانی فام چه اندازه است؟» گفت: نه! فرمود: «هر فام صد هزار نفر است.» (2)

صد هزار نفر را که در ده ضرب کنیم یک میلیون نفر می‌شود. یعنی افطاری دادن به یک نفر در روز عید غدیر همسان اطعام کردن یک میلیون نفر است.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمودند:

و مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فِتْمَامًا وَفِتْمَامًا وَفِتْمَامًا، فَلَمْ يَزَلْ يَعُدُّ إِلَى

ص: 317

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 752.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

أَنْ عَقَدَ يَدَيْهِ عَشْرًا؛ هِرْ كَسْ دَر رُوزِ غَدِيرِ مُؤْمِنِي رَا اِفْطَارِي دَهْد، هِمَانَد كَسِي اَسْت كِه اِطْعَام كَرْدِه بَاشَد فَاَمِي وَ فَاَمِي وَ فَاَمِي ... رَا. وَ هِمَوَارِه اَن كَلْمِه رَا بَا اَنكَشْتَان مِي شَمَرْدَنَد تَا اَيْن كِه دِه مَرْتَبِه رَسِيد.

آن گاه فرمودند: « أَتَدْرِي كَمِ الْفِئَامِ؛ أَيَا مِي دَانِي فَاَمِ چِه اَنْدَازِه اَسْت؟ » رَاوِي مِي گُوِيْد: كُفْتَم: نِه! فَرْمُود: « هِر فَاَمِ صَد هَزَار نَفْر اَسْت. » سَبَس اِضَاَفَه فَرْمُودَنَد:

وَ كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِّنْ أَطْعَمَ بَعْدَهَا مِنْ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ فِي حَرَمِ اللَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ، وَ سَقَاهُمْ فِي يَوْمِ ذِي مَسْجَبَةٍ؛ وَ بَرَاي كَسِي كِه مُؤْمِنِي رَا اِفْطَارِي دَهْد ثَوَابِ وَ پَادَاش كَسِي اَسْت بِه هَمِيْن تَعْدَادِ (يَكِ مِيلْيُون) اَز پِيَاْمَبْرَانِ وَ صَدَقِيْنِ وَ شَهْدَاءِ رَا دَر حَرَمِ خُدَايِ عِزِّ وَ جَلِّ اِطْعَام، كَنْد وَ دَر رُوزِ قَحْطِي بِه اَنَانِ آبِ دَهْد.

بعد فرمودند:

وَ الدِّرْهَمُ فِيهِ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ (1) هَزِيْنِه كَرْدَن يَكِ دِرْهَمِ بَرَايِ بَزْرِكِ دَاشْتِ عِيدِ غَدِيرِ، مَعَادِلِ يَكِ مِيلْيُونِ دِرْهَمِ اَسْت.

امير المؤمنين عليه السلام هم درباره افطاری دادن در عید غدیر فرمودند:

وَ مَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا فِي لَيْلَتِهِ فَكَأَنَّمَا فَطَرَ فِئَامًا وَ فِئَامًا؛ يَعُدُّهَا يَدَيْهِ عَشْرَةً؛ وَ هِرْ كَسْ مُؤْمِنِي رَا دَر عِيدِ غَدِيرِ اِفْطَارِ دَهْد اَنْكَارِ اِفْطَارِ دَاَدِه اَسْت بِه فِئَامِ وَ فِئَامِ وَ فِئَامِ وَ .... حَضْرَتِ بَا دَسْتَشِ دِه مَرْتَبِه فِئَامِ رَا تَكَرَّارِ كَرْد.

یک نفر از جای بلند شد و عرض کرد یا امیر المؤمنین فئام چیست؟ حضرت فرمودند:

مِائَةٌ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ، فَكَيْفَ بِمَنْ تَكْفَلَ عَدَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَنَا ضَمِيئُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، وَ إِنْ مَاتَ فِي لَيْلَتِهِ أَوْ يَوْمِهِ أَوْ بَعْدَهُ إِلَى مِثْلِهِ مِنْ غَيْرِ اِزْ تِكَابِ كَبِيرَةٍ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى؛

ص: 318

صد هزار نبی و صدیق و شهید است (یعنی افطار به یک مؤمن معادل افطار به یک میلیون پیامبر) پس چگونه است برای کسی که افطاری دادن به تعدادی از مؤمنین و مؤمنات را به عهده گرفته است؟ و من حفظ از کفر و فقر را برای او ضمانت می‌کنم. و اگر در شب عید غدیر و یا در روزش و یا بعد از عید غدیر تا سال بعد در چنین روزی از دنیا برود، به شرط آن که مرتکب کبیره ای نشود، اجر او بر عهده خدای تعالی است.

هم چنین در روایتی درباره سیره امام رضا علیه السلام آمده است که در یکی از اعیاد غدیر که اصحاب امام رضا علیه السلام برای عرض تبریک آمده بودند حضرت آن‌ها را برای افطار نگه داشتند (1)

## 10. آراستن و زینت کردن

از دیر باز عیدها و جشن‌ها در هر جامعه و قومی با نظافت و آراستن و زینت کردن و لباس نو پوشیدن همراه بوده است. در قرآن مجید نیز در وصف یکی از عیدهای دوران فرعون تعبیر «يَوْمُ الزَّيْنَةِ»، (2) یعنی «روز زینت کردن» آمده است.

آراستن و زینت کردن و لباس نو پوشیدن و استفاده از عطر و بوی خوش از سنت‌های شایسته‌ای است که اهل ایمان باید برای روز عید غدیر که در روایت از آن به «عید الله الاکبر» و عید بزرگ خدا تعبیر شده است به جای آورند.

خانه رویی غبار زدایی تزئین مجالس و چراغانی سر در منازل و اماکن عمومی و اداری و خیابان‌ها در آستانه عید غدیر سنت و مستحب است و جلوه‌ای از شعائر دینی است. این سنت در زندگی امام هشتم علیه السلام روایت شده است.

راوی می‌گوید: در روز عید غدیر به دیدار علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم. گروهی از خواص در محضر مبارکش بودند آن حضرت وابستگان و نزدیکان خود را از هر

ص: 319

---

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 752.

2- سوره طه، آیه 59

جهت به وضعی نو در آورده بود به طوری که در همه شئون و اسباب زندگی وضع جدید و نوینی به خود گرفته بودند که با روز های قبل فرق داشت و آن حضرت فضیلت و پیشینه این روز را برای آن ها بیان می فرمود (1)

امیر المؤمنین علیه السلام روز عید غدیر را روز آراستن و زینت کردن برشمرده و فرمودند:

وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا صَـ خَيْرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ مَاتَ شَهِيداً وَإِنْ عَاشَ عَاشَ سَعِيداً؛ (2) غدیر روز زینت است هر کس در روز غدیر خود را زینت کند خداوند خطا های کوچک و بزرگ او را می آمرزد و فرشتگانی را مبعوث می کند که تا سال دیگر در چنین روزی برای او حسنات بنویسند و درجات او را بالا برند و اگر در آن سال بمیرد شهید مرده است و اگر زنده بماند سعادت مند خواهد بود.

### 11. لباس نو پوشیدن

یکی از نشانه های بزرگ داشت روز های عید پوشیدن لباس های نو و شاد و زیباست. هر قوم و ملتی در روز هایی که به عنوان عید می شناسند، لباس نو بر تن می کنند؛ چنان که ما ایرانیان به پیروی از پیشینیان در عید باستانی نوروز که عید طبیعت و تحویل سال است، لباس نو می پوشیم؛ چرا در عید بزرگ ولایت و وصایت که بزرگ ترین عید الهی و منشأ تحول انسان است لباس نو پوشیم؟! پیشوایان ما علاوه بر آن که خود به این سنت و ادب اسلامی پایبند بودند، به آن توصیه می فرمودند امام رضا علیه السلام درباره آداب و شئون عید غدیر فرمودند:

وَيَوْمُ لُبْسِ الثِّيَابِ وَنَزْعِ السَّوَادِ؛ (3) روز غدیر روز پوشیدن لباس (شاد) و

ص: 320

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 752؛ وسائل الشيعة، ج 10، ص 444.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

کندن لباس سیاه است.

امیر المؤمنین علیه السلام هم فرمودند:

فَأَفْرَحُوا وَفَرِحُوا إِخْوَانَكُمْ بِاللِّبَاسِ الْحَسَنِ وَالرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ وَالطَّعَامِ؛ (1) (در این روز) شاد باشید و برادران تان را با لباس نیکو، بوی خوش و طعام، شاد کنید

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَإِذَا كَانَ صَبِيحَةَ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَجَبَ الْغُسْلُ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ وَأَنْ يَلْبَسَ الْمُؤْمِنُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَأَفْخَرَهَا وَيَتَطَيَّبُ إِنْ كَانَ وَابْسَاطَ يَدَيْهِ... (2) هنگامی که صبح روز غدیر فرا رسد واجب است غسل در اول روز و این که مؤمن تمیزترین و فاخرترین لباس خود را بپوشد و در حد وسعش از بوی خوش (عطر) استفاده کند.

لفظ وجوب در این روایت از باب تأکید بر این امور است، نه وجوب شرعی که ترک آن گناه باشد یعنی یک مؤمن باید به این امور پایبند باشد.

## 12. دل جویی و مهر ورزی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام و به ویژه امیر مؤمنان علیه السلام مظهر رحمت و رأفت و عطوفت الهی هستند. یکی از کارهایی که ما را به آن بزرگواران نزدیک می کند مهر ورزی به بندگان خدا و به ویژه اهل ایمان است و روز عید غدیر روز مهر ورزی و روز دل جویی و روز غم زدایی از دل های به درد نشسته و جان های از اندوه خسته است.

نگاه مهر آمیز و لبخند دل انگیز به روی برادران ایمانی از ارزش های اخلاقی آیین اسلام و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است. امیر مؤمنان علیه السلام خود از محرومان غم زدایی

ص: 321

1- المصباح للكفعمي، ص 700

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 474.

می کرد و دست نوازشش بر سر یتیمان و بی نوایان از اندوه شان می کاست.

این دل جویی ها و مهر ورزی ها در عید غدیر تأکید بیشتری می یابد. امیر مؤمنان در این باره فرمودند:

وَالْتَعَاطُفُ فِيهِ يَتَّصِلُ رَحْمَةَ اللَّهِ وَعَظْفُهُ وَمَهْرَبَانِي بِهِ هَمْدِيْكَرٌ فِيْ رَوْزِ رَحْمَتِ وَرَأْفَتِ خَدَاوْنِدِ رَا جَلْبِ مِي كَنْدِ.

هم چنین فرمودند

وَعُوْدُوْا بِالْمَزِيْدِ مِنَ الْخَيْرِ عَلٰى اَهْلِ التَّامِيْلِ لَكُمْ، وَسَاوُوا بِكُمْ صِدْقًا كُمْ فِيْ مَا كَلِمَتُكُمْ وَمَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اَسَدٍ يَطَاعَتِكُمْ وَعَلٰى حَسَبِ اِمْكَانِكُمْ؛ (1) به کسی که به خیر شما امید دارد افزون بر آن بدهید و به ناتوانان هم چون خود و هر اندازه که از دست تان بر می آید و برایتان امکان دارد بخورانید.

امام رضا علیه السلام نیز روز غدیر را «يَوْمُ التَّوْدُدِ» و روز مهر ورزیدن خوانده اند. (2)

### 13. پیوند با بستگان و خویشان

اسلام با سفارش به رسیدگی دل جویی و ارتباط مستمر و مهر آمیز با بستگان بر استحکام بنیان خانواده تأکید دارد پاس داری از عواطف و پیوند های خویشاوندی در آیین اسلام «صله رحم» خوانده می شود.

دیدار از خویشان و آشنایان از جمله اموری است که در آیین مقدس اسلام مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام همواره بر این اصل مهم تأکید داشته و با بیان آثار مادی و معنوی آن یاران خویش را به انجام این عمل ترغیب می نمودند

در اهمیت صله رحم همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه انسان ها را به صله

ص: 322

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 757.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.



رحم سفارش کرده و آن را بخشی از دین دانسته اند. جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا علیه السلام فرموده اند:

أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنَ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْدَالَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةٍ سَنَةً فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ؛ (1) به حاضر و غایب امتم و به کسانی که در پشت مردان و رحم زنان هستند (آن هایی که هنوز به دنیا نیامده اند) تا روز قیامت سفارش می کنم که صله رحم را به جا آورند، هر چند راه شان به سوی یکدیگر یک سال فاصله داشته باشد؛ زیرا صله رحم از دین است.

اگر بخواهیم از بلاهای فردی و اجتماعی در امان باشیم و در تیر رس انواع بلاها قرار نگیریم، یکی از بهترین راه ها همان صله رحم است. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبُلُوَى وَتُسَيِّرُ الْحِسَابَ وَتُنَسِّي فِي الْأَجَلِ؛ (2) صله رحم اعمال را پاک می نماید، و اموال را بسیار می کند و بلاها را بر طرف می گرداند و حساب را آسان می کند، و اجل را عقب می اندازد

در روز عید غدیر که تجلی همه اسلام است به انجام این سنت نیز سفارش شده است. امام صادق علیه السلام روز هجدهم ذیحجه را یکی اعیاد بزرگ اسلام شمردند و فرمودند:

يُنْبَغِي لَكُمْ أَنْ تَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْبِرِّ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَصَلَّةِ الرَّحِمِ وَصَلَّةِ الْإِخْوَانِ؛ (3) شایسته است (در این روز) با نیکی کردن، روزه گرفتن، نماز خواندن و صله رحم و دیدار برادران دینی به سوی خدای

ص: 323

1- الکافی، ج 2، ص 151.

2- الکافی، ج 2، ص 150.

3- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 736.

چه نیکوست در این روز یادی کنیم از کسانی که مدت هاست چشم به راه مان هستند. والدینی که در خانه ها، آسایش گاه ها بیمارستان ها و یا در زیر خروار ها خاک، چشم به ما دوخته اند تا شاید فرزندان و نوادگان شان به دیدار شان آیند.

به دیدار اقوامی برویم که مدت هاست یاد شان نکرده ایم. از بستگانی دل جویی کنیم که شاید دیدن اندکی محبت زندگی را به کام شان شیرین تر سازد. بیایید قدر این روز را بدانیم و آن را بهانه ای برای دل جویی از بستگان کنیم که بی شک قلب مولا و مقتدای مان را با این عمل شاد خواهیم ساخت

#### 14. گره گشایی و رسیدگی به نیازمندان

برآورده ساختن نیاز های مردم و گره گشایی از مشکلات آن ها در فرهنگ اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام ها از جایگاه و ارزش ویژه ای برخوردار است. از این رویکی از اعمال و آداب گران سگ عید غدیر رسیدگی به حال نیازمندان و بر آوردن نیاز های آن هاست که در روایات ما به آن توصیه شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمودند:

مَنْ أَسَفَ أَخَاهُ مُبْتَدِنًا وَ بَرَةً زَاغِبًا فَلَهُ كَأَجْرِ مَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ وَقَامَ لَيْلَتَهُ؛ هر کس (در روز غدیر) بدون درخواست برادر مؤمنش از او دل جویی و گره گشایی کند و با اشتیاق به او نیکی رساند، هم چون کسی است که در این روز روزه گرفته و شبش را به عبادت پرداخته است.

هم چنین فرمودند:

مَنْ اسْتَدَانَ لِإِخْوَانِهِ وَأَعَانَهُمْ فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللَّهِ إِنْ بَقَاةَ فَصَاهُ وَإِنْ قَبَضَهُ حَمَلَهُ عَنْهُ؛ هر کس (در این روز) برای برادرانش قرض بگیرد (و برای حل مشکل آن ها واسطه شود) و به آن ها کمک نماید، من از سوی ضامنم که اگر زنده بماند، بدهی اش را پردازد و اگر قبض روحش

کند، خداوند، خود قرض او را به عهده بگیرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَأَطْعِمِ إِخْوَانَكَ وَ أَكْثِرْ بِرَهُمْ وَ أَقْضِ حَوَائِجَ إِخْوَانِكَ إِعْظَاماً لِيَوْمِكَ: (1) به خاطر بزرگ داشت این روز به برادران دینی خود اطعام ده، و به آنان بسیار احسان و نیکی کن و حوائج آنان را برآورده ساز!

### 15. عیدی دادن

از اعمال مهم عید غدیر عیدی دادن است. این سنت مخصوص سادات نیست مستحب است همه مؤمنین بزرگ و کوچک عیدی بدهند. امیر المؤمنین علیه السلام در فضیلت عید غدیر فرمودند:

الدَّرْهَمُ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ، وَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ يَكُ دِرْهَمٌ فِي يَوْمِ هَذَا يَنْجُو بِرَبِّهِ صَدَقَةً بِأَدَاةِ صَدَقَاتِهِ فِي يَوْمِ هَذَا وَ حَتَّى يَشْتَرِ بِهَا مِنْهُ خَدَايَ عِزٍّ وَ جَلٍّ دَارِدٌ.

با عیدی دادن در این روز بذر مهر و محبت و ولایت مولا علی علیه السلام را در دل افراد و به ویژه بچه ها می افشانیم کار هایی که در عید نوروز می کنیم، باید چند برابر آن را در عید بزرگ غدیر انجام دهیم که یکی از آن ها عیدی و صلح دادن به دیگران است

هدیه و عیدی دادن در عید ها خاطره خوشی را به ویژه در ذهن کودکان و نونهالان برجای می گذارد و لبخند و سرور را بر لب ها و دل های شان می نشاند و از جلوه های تکریم عید است مخصوصاً عیدی دادن به بچه ها را پر رنگ کنیم.

### 16. شکر نعمت ولایت

یکی از اعمال این روز بزرگ و، الهی شکرگزاری بر نعمت بی مانند ولایت اهل بیت علیهم السلام است. جا دارد خداوند را بر این نعمت بزرگ که نصیب ما کرده

ص: 325

است شکر و سپاس گوئیم و از درگاهش مسئلت کنیم که ما را بر ولایت خودش و اهل بیت علیهم السلام پیامبرش زنده بدارد و بر همین ولایت از دنیا ببرد. امام صادق علیه السلام در عظمت و فضیلت و اعمال این روز فرمودند:

هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٌ وَصَلَاةٌ وَشُكْرٌ لِلَّهِ وَحَمْدٌ لَهُ وَسُرُورٌ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وَلايَتِنَا وَإِنِّي أَحَبُّ لَكُمْ أَنْ تَصُومُوهُ (1) روز عید غدیر، روز عبادت و نماز و شکر و سپاس خداوند و سرور و شادمانی است؛ به خاطر این که خداوند بر شما منت گزارد و ولایت ما (اهل بیت) را به شما ارزانی داشته است. و من دوست دارم که شما این روز را روزه بگیرید.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که از آداب و سنت های روز غدیر این است که اهل ایمان صد مرتبه بگویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (2) سپاس خدای را که کمال دین و تمام نعمتش را به ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد

### 17. گردهمایی

گردهمایی و اجتماع در روز غدیر که روز بزرگ داشت ولایت و وصایت الهی است، برای بازگو کردن پیام آن روز و رساندن آن به نسل های نو امری بایسته و ضروری است در این اجتماعات باید فرزندان مان را با واقعه غدیر و عظمت و اهمیت آن آشنا ساخت. امام باقر علیه السلام چنین اجتماعاتی را محل آمد و شد فرشتگان و از اسباب بهره مندی از رحمت الهی بر شمرده و فرموده اند:

اجْتَمِعُوا وَتَذَكَّرُوا تَخَفَ بِكُمْ الْمَلَائِكَةُ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا: (3) گرد هم آیید و با یکدیگر مذاکره کنید (و از فضائل ما یاد کنید)، تا فرشتگان

ص: 326

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 446.

2- بحار الأنوار، ج 95، ص 321.

3- مصادقة الإخوان، ص 38؛ وسائل الشیعة، ج 12، ص 22.

پیرامون شما را فراگیرند خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند!

معلوم می شود هدف مهم از این اجتماعات احیای امر ولایت و آشنا ساختن فرزندان مان با ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ به ویژه آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مراسم با عظمت غدیر خم حجت را بر همه تمام کردند و آن را به گونه ای روشن و شفاف بیان فرمودند و جای هیچ توجیهی باقی نگذارند و ابلاغ امر ولایت را از وظایف مهم اهل ایمان تا روز قیامت دانسته و فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلِدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (1) ای مردم من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم و من هر آن چه گفتم و مأموریتم را کاملاً به انجام رساندم، تا آن جا که برای هیچ کس چه حاضر و چه غایب، چه آنان که متولد شده اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه ای باقی نماند. پس باید تا روز قیامت حاضران به غایبان و پدران به فرزندان سفارش های مرا (در امر ولایت) ابلاغ کنند.

امیر المؤمنین علیه السلام نیز در خطبه عید غدیر درباره رسالت رساندن پیام غدیر به آیندگان فرمودند:

وَتَهَاتُوا التَّعَمُّةَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالشَّاهِدُ الْبَائِنَ؛ (2) نعمت امروز را به هم تبریک بگوئید و حاضران به غایبان و شاهدان به آیندگان برسانند.

یکی دیگر از اهداف مهم اجتماع در روز عید غدیر برگزاری کنفرانس ها و

ص: 327

1- الإحتجاج، ج 1، ص 62.

2- مصباح المتعبد، ج 2، ص 758؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 445.

همایش های غدیر است. این همایش ها برای پژوهش درباره ریشه های اعتقادی و تاریخی غدیر و برای آگاه شدن از بنیادی ترین پایه های معارف دینی، یعنی مسأله امامت و ولایت است که یک سنت ضروری است

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای که روز غدیر در کوفه ایراد کردند فرمودند:

وَأَجْمِعُوا يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَكُمْ؛ (1) اجتماع کنید، خداوند، پراکندگی شما را می زداید

گفتنی است که این اجتماع ها باید کار ساز و رشد آفرین و در جهت اهداف بلند اهل بیت علیهم السلام می باشد.

## 18. تبسم و شادی

بی شک هر عیدی یادآور خاطره شادی بخشی است و در طول تاریخ، عید ها هنگام سرور ملت ها بوده است. عید غدیر که عید ولایت و رهبری است و بزرگ ترین و گران قدر ترین سر فصل سرنوشت ساز زندگی مسلمانان است، شادمانی بیش تری را می طلبد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٍ وَفَرَحٍ وَسُرُورٍ (2) روز غدیر، روز عید و خوش حالی و شادی است.

امام رضا علیه السلام نیز در توصیف روز غدیر فرمودند:

يَوْمُ الْبِشَارَةِ، وَ الْعِيدِ الْأَكْبَرِ (3) (عید غدیر) روز مژدگانی و شادمانی و بزرگ ترین عید است.

روز غدیر باید در چهره های مردم مؤمن تبسم کرد و با مؤمنین با روی گشاده گفت و گو نمود، تا نظر رحمت خدای تعالی را به سوی خود جلب کنیم. امام

ص: 328

---

1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 757.

2- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 737؛ وسائل الشيعة، ج 10، ص 444.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

رضا علیه السلام را در این باره فرمودند:

وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَصَدَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَى لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ؛ (1) هر کس روز غدیر با برادران ایمانی خود با چهره خندان رو به رو شود خداوند نیز در روز قیامت با نظر رحمت به وی نگاه خواهد کرد و هزار حاجت او را روا خواهد کرد و برای او در بهشت قصری از لؤلؤ سفید خواهد ساخت و چهره اش را نورانی می کند

امام صادق علیه السلام به خاطر منتی که خداوند در این روز به ما ارزانی داشته است آن را شایسته شادمانی دانسته و فرموده اند

هُوَ يَوْمُ عِبَادَةٍ وَصَلَاةٍ وَشُكْرِفَةٍ وَحَمْدٍ لَهُ وَسُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وَلَايَتِنَا؛ (2) روز عید غدیر روز عبادت و شکر و سپاس خداوند و سرور و شادمانی است؛ به خاطر این که خداوند بر شما منت گذارد و ولایت ما (اهل بیت) را به شما ارزانی داشت.

### 19. ابراز شادمانی

آن چه در روایات امامان معصوم علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است، تنها شادمان بودن نیست بلکه سفارش شده که شادمانی را ابراز کنید و دیگران را نیز در این شادی شریک سازید این شور و، شادی نشانه شعور دینی و شعاری اسلامی است. امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه روز غدیر فرمودند:

وَ أَظْهَرُوا الْبَشَرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ السُّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ؛ (3) (در روز غدیر) گشاده رویی را در میان خویش و شادمانی را در ملاقات هایتان ابراز کنید.

ص: 329

1- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 446

3- مصباح المتعبد، ج 2، ص 757؛ بحار الأنوار، ج 94، ص 117.

امام صادق علیه السلام درباره روز غدیر می فرماید:

كُلُّ وَاشْرَبَ وَ أَظْهَرَ الشَّرْوَرَ (1) بخور و بیاشام و ابراز شادمانی کن.

جشن های غدیر باید با یک شور و شغف و شادمانی زاید الوصفی برگزار شود و در کام همه شیرین و گوارا باشد.

## 20. شاد کردن اهل ایمان

از اعمال بسیار مهم عید غدیر شاد کردن دل هاست. امام رضا علیه السلام فرمودند:

وَ سُرِّيهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ (2) در این روز دل هر مرد مؤمن و زن مؤمن را شاد کن!

شاد کردن دل ها به هر طریق که مورد رضایت خدای تعالی باشد شایسته است. ممکن است با گره گشایی از مشکل کسی او را شاد کنیم، یا با هدیه دادن و یا با دیدار کردن موجبات شادی او را فراهم کنیم «در دل دوست به حيله رهي بايد کرد» باید لبخند رضایت و سرور و خوش حالی را در دل ها و لب ها نشانند.

## 21. ابراز براءت از دشمنان اهل بیت عليهم السلام

ابراز بیزاری از دشمنان خداوند متعال و دشمنان اهل بیت عليهم السلام، از اساسی ترین پایه های معارف دینی است. این دشمنی و اظهار بیزاری در فرهنگ اسلامی براءت نامیده می شود

خداوند متعال، سرآمد براءت جوینان است. در قرآن کریم، سوره ای به نام «براءت» داریم که در آغاز آن بدون هیچ یاد کردی از نام خداوند و لطف و مهربانی، او بی درنگ از مشرکین و دشمنان دین ابراز براءت و تنفر شده است.

بدون براءت از دشمنان خدا و اهل بیت عليهم السلام ولایت و محبت به اهل بیت عليهم السلام مفهوم و معنایی ندارد امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

ص: 330

1- إقبال الأعمال، ج 1، ص 475.

2- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 24.



كَذَّبَ مَنْ آدَعَىٰ مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْنَا مِنْ عَدُوِّنَا؛ (1) دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما را می کند ولی از دشمنان ما تبری و بیزاری نمی جوید

مگر ممکن است هم به امام حسین علیه السلام و آرمان های او عشق ورزید و هم به یزید که تبلور پلیدترین خوی های حیوانی است. از این روی یکی از آداب و اعمال روز عید غدیر را برائت از دشمنان دانستند و فرمودند:

وَ تَبَرَّأْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ حَقَّهُمْ (2) (یک از اعمال این روز این است که) از کسانی که در حق ایشان ستم کرده اند، به سوی خدای عز و جل بیزاری بجویی!

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که در غدیر خم خواندند از غاصبان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام بیزاری جستند و فرمودند

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ؛ ای مردم به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها و بدون یاور خواهند ماند. ای مردم! خداوند و من از آنان بیزاریم!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْدَّيَاَعَهُمْ فِي الدَّرِي الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لِبُسِّ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ؛ ای مردم! آنان و یاران و پیروان شان در بد ترین جای جهنم جای گاه متکبران خواهند بود.

هم چنین فرمودند:

وَ سَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ مَنْ يَفْرُغُ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمَا

ص: 331

1- بحار الأنوار، ج 27، ص 58.

2- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 90؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 322.

شَوَاطِطٍ مِنْ نَارٍ وَ تُحَاسُّ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (1) به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جا به جا نموده آن را غصب کرده و به تصرف خویش در آورند.

هان نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله ای از آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

در یکی از دعا های روز عید غدیر نیز می خوانیم

نَبْرًا مَمَّنْ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ تُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ؛ (2) ما بیزاری می جوئیم از آن کس که از علی علیه السلام بیزاری جوید و دشمن می داریم آن کس را که علی علیه السلام را دشمن دارد و دوست می داریم کسی را که علی علیه السلام ما را دوست بدارد

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: در روز و شب عید غدیر فراوان بگو:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِلِينَ وَ التَّائِبِينَ وَ الْمُغْرِبِينَ وَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ؛ خداوندا، بر منکران و عهد شکنان و تغییر دهندگان (خط ولایت و خلافت) و تکذیب کنندگان قیامت همه را از اولین و آخرین شان لعنت فرست (3)

## 22. صلوات

صلوات یکی از بهترین و ارزشمند ترین ذکر هاست که خدای تعالی به آن امر فرموده است

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا

ص: 332

1- الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج 1، ص 62

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 475.

3- تهذيب الأحكام، ج 3، ص 146.

تَسْلِيمًا»؛ (1) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.

روایات فراوانی درباره آثار و برکات صلوات در کتاب های شیعیان و اهل سنت آمده است که از اهمیت و آثار و برکات آن حکایت می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ أَوْ كَلَّ لَيْلَةً وَ جَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَ لَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ (2) یا علی هرکس هر روز و هر شب بر من صلوات بفرستد، شفاعتم بر او واجب می شود هرچند گناهانش از گناهان بزرگ باشد.

یکی از اعمال روز غدیر بسیار صلوات فرستادن است در حقیقت روز غدیر بهار صلوات است و ثواب و برکات صلوات در آن مضاعف است. امام رضا علیه السلام در وصف این روز فرموده اند:

وَ يَوْمٌ إِكْتَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ (3) (روز غدیر)، روز صلوات فرستادن فراوان است.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که در عید غدیر چه کار کنیم؟ یکی از کارهایی که حضرت به آن توصیه کردند صلوات فراوان بود فرمودند:

وَ تَكْتُرُ فِيهِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ (4) (از اعمال این روز این است که) در آن بر محمد و اهل بیتش علیهم السلام بسیار صلوات بفرستی

بهترین هدیه به پیامبر و آلش در روز غدیر صلوات است.

ص: 333

---

1- سوره احزاب، آیه 56.

2- جامع الأخبار (لشعيري)، ص 59؛ بحار الانوار ج 91 ص 63.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

4- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 90.

تجدید بیعت با وجود مبارک و نازنین امام زمان علیه السلام یکی از مهم ترین اعمال در روز عید غدیر است؛ چرا که امر ولایت ائمه علیهم السلام و پذیرش آن بعد از توحید و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اصول مهم دین است و عید غدیر روزی است که خداوند اراده فرمود که با امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان ولی و جانشین و امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و اله و تجدید بیعت شود.

از این رو بهترین و والا-ترین عملی که یک مؤمن در این روز شریف باید انجام دهد تجدید بیعت با امام و ولی زمان خویش است این است که امام صادق علیه السلام درباره روز غدیر فرمودند:

هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ، عَظَّمَ اللَّهُ حُرْمَتَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَكْمَلَ لَهُمْ فِيهِ الدِّينَ، وَتَمَّمَ عَلَيْهِمُ النَّعْمَةَ، وَجَدَّدَ لَهُمْ مَا أَخَذَ عَلَيْهِمُ مِنَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ؛ (1) روز غدیر روز بزرگی است. خداوند حرمت آن را بر مؤمنان بزرگ داشته و دین را در آن بر ایشان به کمال رسانده و نعمت را بر ایشان کامل کرده و عهد و پیمانی را که از ایشان گرفته بود، تجدید کرده است.

چنان که یکی از نام های این روز «یوم الميثاق المأخوذ» است. یعنی روز پیمانی که گرفته شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَإِسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمُ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمُ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ (2) و نام این روز در آسمان «روز عهدهی است که گرفته شده است» و در زمین «روز پیمان محکمی است که بسته شده است».

امام رضا علیه السلام درباره شئون عید غدیر فرمودند:

وَ يَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ؛ (3) روز غدیر روز بستن پیمان ولایت است

ص: 334

1- مصباح المتعجد: ص 737 مصباح الزائر، ص 167، الإقبال، ج 2 ص 276.

2- تهذيب الأحكام، ج 3، ص 143.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464

از این رو این روز را باید روز بیعت و عهد و پیمان با امام زمان علیه السلام دانست.

## معنای بیعت

بیعت یعنی پذیرش امر ولایت و وصایت و خلافت امام علیه السلام که از سوی خدای تعالی به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به ما ابلاغ شده است. پذیرش بیعت سه مرحله دارد؛ پذیرش قلبی، پذیرش زبانی و پذیرش عملی اساس بیعت پذیرش قلبی است، یعنی قلباً و از روی یقین به تمام شئون امام و مقام ولایت ایشان باور داشته باشیم؛ آن چنان که امام علیه السلام را صاحب جان و مال و صاحب اختیار خود بدانیم امر ایشان را امر خدا و نهی ایشان را نهی خدای تعالی بدانیم، و تبعیت و پیروی از ایشان را حتی در امور عادی بر خود واجب بشماریم.

بیعت، زبانی یعنی به همین اعتقاد قلبی اقرار داشته باشیم. مرحله دیگر بیعت مربوط به عمل ماست یعنی تمام آن چه را که قلباً معتقدیم و به زبان اعتراف کردیم جامه عمل بپوشانیم و در عمل تسلیم بی چون و چرای ائمه علیهم السلام باشیم. بنا بر این بیعت واقعی همان تسلیم، قلبی زبانی و عملی است نه دست دادن تنها. در دعای شریف عهد با امام زمان علیه السلام می خوانیم

اللَّهُمَّ إِنِّي اجْتَدِدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَعَّةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا؛ خدایا! در بامداد امروز و هر روز از روزهای عمرم عهد و پیمان و بیعتی را که برای او به گردن دارم تجدید می کنم و از آن بر نمی گردم و کناره نمی گیرم.

## تجدید بیعت

### اشاره

اصل بیعت گرفتن خداوند برای ائمه علیهم السلام بر اساس روایات در عالم ذر بوده است. انبیا و اوصیا و اهل ایمان به ترتیب این بیعت را پذیرفته اند بعد از این پذیرش اراده خدای تعالی به این تعلق گرفت که وقتی انسان ها وارد دنیا می شوند آن عهد و پیمان را فراموش کنند و پس از کمال یافتن عقل و فهم خود

به همین دلیل به مؤمنین دستور داده شد تا آن عهد فراموش شده را به ویژه در روز غدیر تجدید نمایند؛ چنان که امام صادق علیه السلام درباره روز عید غدیر فرمودند:

إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ عَظَمَ اللَّهُ حُرْمَتَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَكْمَلَ اللَّهُ لَهُمْ فِيهِ الدِّينَ وَ تَمَّمَ عَلَيْهِمُ النِّعْمَةَ وَ جَدَّدَ لَهُمْ مَا أَخَذَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْمِيثَاقِ وَ الْعَهْدِ فِي الْخَلْقِ الْأَوَّلِ إِذْ أَنْسَاهُمْ اللَّهُ ذَلِكَ الْمَوْقِفَ وَ وَفَّقَهُمْ لِلْقَبُولِ مِنْهُ وَ لَمْ يَجْعَلْهُمْ مِنْ أَهْلِ الْإِنْكَارِ الَّذِينَ جَحَدُوا؛ (1) امروز روزی است که خداوند حرمتش را بر مؤمنان عظیم شمرده؛ چرا که دین را بر ایشان کمال بخشید و نعمت را تمام ساخت و عهد و پیمانی را که در روز آفرینش نخست از آنان گرفت و به دست فراموشی سپردند تجدید نموده و توفیق قبول آن را به آن ها عنایت فرمود و آنان را از انکار کنندگان قرار نداد.

شاهد دیگر این مطلب دعای امام صادق علیه السلام است که به خواندن آن در روز شریف غدیر سفارش کرده اند در فرازی از این دعا چنین می خوانیم

يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفْضَلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ وَ أَهْلِ دِينِكَ وَ أَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي تَقْضَاءً لَمْ يَكُنْ مِنْكَ وَ كَرَمًا وَ جُودًا؛ (2) ای آن که هر روز در کاری است! همان طور که از کار تو آن است که بیش از استحقاق بر من ببخشی؛ به این که مرا سزاوار اجابت خودت و دینت و دعوت کردی و مرا در ابتدای، آفرینش از سر بخشش بیش از استحقاق و بدون عوض و بزرگواری ات به این ها (اجابت و دین و دعوت خدا) موفق کردی

ثُمَّ أَرَدْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا وَ الْجُودَ جُودًا وَ الْكَرَمَ كَرَمًا رَأْفَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي، وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا

ص: 336

1- إقبال الأعمال، ج 1، ص 472

2- الإقبال، ج 2، ص 277؛ بحار الأنوار، ج 98، ص 298، ح 1.

ناسياً سَاهِياً غَافِلاً، فَاتَّمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ؛ (1) آن گاه از روی مهر ورزی و رحمت، پس از فزون بخشی، فزون بخشی دیگری و پس از بخشش بدون عوض، بخشش بدون عوض، دیگری و پس از بزرگواری بزرگواری دیگری، در پی آوردی تا بعد از این که آفرینش را تجدید کردی آن عهد را تجدید کنم. و حال آن که من نسبت به آن عهد فراموش کار و غافل بودم. پس نعمت را بر من کامل نمودی و آن را یاد آوری کردی و بدین سبب بر من منت نهادی و مرا هدایت فرمودی

از این رو هر روز با امام خویش بیعت و وفاداری خود را نسبت به آن عهد دیرین اعلام می کنیم سپس از خدای تعالی درخواست می کنیم که بتوانیم به تعهدی که نسبت به امام خود داریم کاملاً موفق باشیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَسَدِّ هَدْيَيْنَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ خدایا ما را از یاوران، یاران، مدافعان، شتاب کنندگان در اجرای خواسته هایش حمایت گران او پیشی گیرندگان به تحقق اراده اش و شهیدان پیش رویش قرار بده

اگر مؤمنی خواست ایمانش را تکمیل کند باید غیر از روز غدیر که بهترین زمان برای تجدید عهد با امام زمان علیه السلام است، هر روز عهدش را با امام زمانش تجدید کند این عهد در واقع بیعت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است؛ چرا که بیعت با هر امامی در واقع بیعت با امام قبلی است.

از نشانه های پای بندی به عهد و میثاق با امام زمان علیه السلام ادای حقوق آن حضرت، مهیا شدن برای ظهور آن حضرت دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت، زیارت آن حضرت احسان به شیعیان امام زمان علیه السلام و وظایف دیگری که در کتاب هایی

ص: 337

که در این باره نوشته شده است، از جمله کتاب «مکیال المکارم» که به آن ها پرداخته است.

## 24. عبادت و نماز و نیایش

روز غدیر عید سپاس و ستایش است و این امر در نماز و نیایش تبلور می یابد امام صادق علیه السلام فرمودند:

هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٌ وَصَلَاةٍ؛ (1) روز عید غدیر، روز عبادت و نماز است.

امام رضا علیه السلام هم در باره روز غدیر فرمودند:

و يَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ؛ (2) آن روز، روز استجابت دعاست.

برای عید غدیر دعا های فراوانی با مضامین بلندی در کتاب های دعا ذکر شده است. غسل پیش از ظهر روز غدیر و نماز ویژه ای نیز از اعمال روز غدیر است که آثار و برکات فراوان و ارزشمندی برای آن ذکر کرده اند در این جا به یک دعا و دو نماز که برای روز غدیر آمده است بسنده می کنیم.

## 25. دعای روز غدیر

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَإِذَا كَانَ صَبِيحَةَ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَجَبَ الْغُسْلُ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ وَأَنْ يَلْبَسَ الْمُؤْمِنُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَأَفْخَرَهَا وَيَتَطَيَّبُ إِمَّكَانَهُ وَانْسِاطَ يَدِهِ .... هنگامی که صبح روز غدیر فرا رسد غسل در اول روز واجب می شود (3) و مؤمن تمیز ترین و فاخر ترین لباس خود را بپوشد و در حد وسعش از بوی خوش (عطر) استفاده کند.

ص: 338

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 446

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 464.

3- واجب در اینجا به معنای واجب شرعی مصطلح نیست که اگر کسی آن را انجام نداد مؤاخذه شود بلکه برای بیان اهمیت و تأکید بر انجام آن است.



اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ الَّذِي شَفَقْنَا فِيهِ بِوِلَايَةِ وَ لِيَّتِكَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيَّ وَ جَعَلْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ أَمَرْتَنَا بِمُؤَالَاتِهِ وَ طَاعَتِهِ وَ أَنْ نَتَمَسَّكَ بِمَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ ، وَ يُزِلُّنَا لَدَيْكَ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ؛ پروردگارا! امروز روزی است که تو ما را به ولایت ولی خودت علی علیه السلام مُشَرَّف کردی و او را امیر مؤمنان قرار دادی و تو ما را به موالات و اطاعت او امر نمودی و به ما امر کردی که به آن چه ما را به تو نزدیک می کند و امر و نهی علی ما را مقرب درگاه تو می سازد، تمسک کنیم.

اللَّهُمَّ قَدْ قَبَلْنَا أَمْرَكَ وَ نَهْيَكَ ، وَ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا لِنَبِيِّكَ وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا ، فَتَحْنُ مَوَالِي عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَوْلِيَاؤُهُ كَمَا أَمَرْتَ نُؤَالِيهِ ، وَ نُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ ، وَ نَبْرَأُ مِنْ يَبْرَأُ مِنْهُ ، وَ نَبْغُضُ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ نَحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ ، وَ عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا قُلْتَ ، وَ إِمَامُنَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا أَمَرْتَ؛ (1) پروردگارا! ما امر تو را و نهی تو را پذیرفتیم و اطاعت از پیغمبر تو کردیم و تسلیم شدیم و راضی گشتیم؛ پس ما از موالیان علی - که صلوات خدا بر او باد - هستیم و از موالیان اولیای او هستیم، همان طور که به ما امر فرمودی تا ولایت او را داشته باشیم و با کسی که با او دشمنی می کند دشمن باشیم و بیزار و متنفر باشیم از آن کسی که از او بیزار است، و مبعوض داشته باشیم کسی را که علی را مبعوض دارد و دوست داشته باشیم آن کس را که علی را دوست دارد. و علی - که درود خدا بر او باد - هم چنان که تو گفتی مولای ماست و هم چنان که امر کردی بعد از پیغمبر ما صلی الله علیه و آله امام ماست

دعای ندبه یکی از زیبا ترین و بهترین دعا های عصر غیبت امام مهدی علیه السلام است که هر صبح جمعه شیفتگان حضرت قائم علیه السلام با خواندن آن، عشق و ارادت خود را به آن حضرت ابراز می دارند. این دعا در واقع يك دوره فشرده اصول عقاید اسلامی است که به گونه ای هنرمندانه در قالب دعا و نیایش ارائه شده است.

این دعا به «دعای ندبه» موسوم گردیده است. هدف اصلی از این ندبه و گریه انتظار مثبت و زمینه سازی برای حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام به رهبری امام مهدی - عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه - است.

بر اساس روایات امامان معصوم علیهم السلام خواندن دعای ندبه در چهار عید، استحباب دارد جمعه، فطر، قربان و غدیر گفتنی است که در بخشی از دعای ندبه رخداد عید سعید غدیر این گونه آمده است:

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرْتَهُ، وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلْتَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيِّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ؛ پس چون روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله سپری گشت ولی اش علی بن ابی طالب - که درود تو بر آن دو و خاندان شان باد - را برجای خویش گماشت تا هدایت گر مردم باشد؛ زیرا او بیم دهنده بود و برای هر جامعه ای رهنمایی هست. آن گاه در پیش روی جمعیت گفت: هر که را من سرپرست اویم، علی سرپرست اوست خداوندا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری ده هر کس او را یاری کند و خوار گردان هر که او را خوار سازد و گفت: هر کس من پیامبرش باشم علی امیر اوست.

ابو هارون عبدی می گوید: در روز هیجدهم ذیحجه خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم امام روزه دار بودند فرمودند امروز روزی است که خداوند حرمتش را بر مؤمنان عظیم شمرده؛ چرا که دین را بر ایشان کمال بخشید و نعمت را تمام ساخت و عهد و پیمانی را که در روز آفرینش نخست از آنان گرفت و به دست فراموشی سپردند تجدید نموده و توفیق قبول آن را به آن ها عنایت فرمود و آنان را از انکار کنندگان قرار نداد.

آن گاه امام دستور نماز و دعائی را در رابطه با همین شکر نعمت الهی دادند فرمودند:

فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَبَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى ذَلِكَ وَكَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِي مَوْلَاهُ مَوْلَا هُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَكَانَ كَمَنْ اسْتَشَدَّ بِهَدْيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلِيهِ السَّلَامُ مَعَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَكَمَنْ يَكُونُ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي فُسْطَاطِهِ مِنَ النَّجَبَاءِ النَّقَبَاءِ؛ (1) کسی که چنین عملی را انجام دهد، مانند کسی است که آن روز (غدیر) حضور داشته و با رسول الله صلی الله علیه و آله بر آن (ولایت و خلافت علی علیه السلام) بیعت نموده و در درجه صادقینی که خدا و پیامبرش را در مورد ولایت مولی ایشان در آن روز تصدیق نموده اند قرار خواهد گرفت و مانند کسی است که با پیامبر و امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین علیهم السلام شاهد و حاضر بوده، و مانند یکی از برگزیدگان و نقیبانی است که زیر پرچم و خیمه حضرت قائم علیه السلام باشد.

ص: 341

نماز دیگری نیز برای این روز از امام صادق علیه السلام روایت شده است. فرمودند: در عید غدیر نیم ساعت به ظهر مانده غسل کند دعا کند و دو رکعت نماز، در هر رکعتی یک مرتبه حمد ده مرتبه «قل هو الله» و ده مرتبه «آیت الکرسی» و ده مرتبه «انا انزلناه» بخواند بعد درباره ثواب این نماز فرمودند:

عَدَلْتُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَ مِئَةِ أَلْفِ حَجَّةٍ وَمِئَةِ أَلْفِ عُمْرَةٍ، وَمَا سَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَحَوَائِجِ الْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتُ كَانَتْهُ مَا كَانَتْ الْحَاجَّةُ؛ این نماز در نزد خدای تعالی معادل صد هزار حج و صد هزار عمره است و هر حاجت دنیایی و آخرتی از خدا درخواست کند هر چه باشد، برآورده می شود.

بعد فرمودند:

وإن فاتتك الرُّكْعَتَانِ وَالدُّعَاءُ قَضَيْتَهُمَا بَعْدَ ذَلِكَ؛ (1) اگر این دو رکعت نماز و دعا از تو فوت شد، بعداً قضاء کن.

حضرت برای بعد از نماز دعایی فرموده اند که مضامین بسیار عالی دارد و به جریان غدیر و عظمت آن و مقام و منزلت بلند امیر المؤمنین علیه السلام اشاره دارد. پس از بیان دعا فرموده اند

ثُمَّ تَسْأَلُ بَعْدَهَا حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّهَا وَاللَّهِ مَقْضِيَةٌ فِي هَذَا الْيَوْمِ؛ (2) سپس حاجت های دنیا و آخرت خود از خدای تعالی درخواست کن که به خدا قسم در این روز برآورده است.

مرحوم محدث قمی کیفیت خواندن این دو نماز را در «مفاتیح الجنان»، در اعمال روز غدیر ذکر کرده است.

ص: 342

1- وسائل الشیعة، ج 8، ص 89

2- تهذیب الأحکام، ج 3، ص 147.





زیارت علیه السلام، جلوه محبت نشان معرفت و تبلور پیوندی معنوی است زیارت یک سنت سازنده اسلامی و گاه برای بزرگ داشت اسوه های کامل انسانی و زنده نگه داشتن نام و آیینی الهی ضرورتی دینی است

در فرهنگ تشیع زیارت یک مفهوم بالنده و سازنده دارد و ره آورد های گران قدری در زمینه های معنوی اجتماعی و سیاسی پدید می آورد. همین ره آورد ها، از یک سو، عامل پافشاری تشیع بر عنصر زیارت شده و از سوی دیگر، دشمنان نابکار اسلام را بر انگیزخته تا پیکار همه جانبه ای را با زیارت و مظاهر آن در پیش گیرند.

در عید غدیر نیز به زیارت امیر مؤمنان علی علیه السلام سفارش بسیار شده است این زیارت به دو گونه امکان دارد زیارت مرقد مبارک آن حضرت برای آنان که می توانند خود را بر آستان بلند بنیان آن حضرت برسانند و زیارت از راه دور برای آنان که به هر دلیل، توفیق زیارت نزدیک مزار آن مولا را نیافته اند. امام رضا علیه السلام به ابن ابی نصر فرمودند

يَا بَنَ أَبِي نَصْرٍ، أَيَّمَا كُنْتَ فَاحْضُرْ يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً، وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةَ

الفِطْرِ؛ (1) ای ابن ابی نصر، روز غدیر هر کجا بودی نزد (مزار) امیر مؤمنان حاضر شو که خداوند (در این روز) گناهان شصت ساله هر مرد و زن با ایمان و مسلمان را می آمرزد و دو برابر کسانی که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش رهاشده، آزاد می سازد.

مرحوم محدث قمی در «مفاتیح الجنان» سه زیارت برای این روز شریف ذکر کرده است؛ یکی زیارت امین الله که از دور و نزدیک خوانده می شود، دیگر زیارتی است که از امام هادی علیه السلام روایت شده است. این زیارت مفصل و دارای مضامین بسیار بلندی است که با آیات قرآن و روایاتی که مورد قبول همه مذاهب است، به دفاع از امیر مؤمنان علیه السلام پرداخته است و سزااست که به طور مستقل به آن پرداخته شود.

زیارت سوم زیارت کوتاهی است که از امام صادق علیه السلام روایت شده است و می توان آن را از راه دور و نزدیک خواند که در همین جا به ذکر آن می پردازیم.

### زیارت غدیره امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون در روز غدیر در مزار مولای مان، امیر مؤمنان که درودهای خدا بر او باد بودی پس از نماز و دعا، نزدیک قبرش برو و اگر (در شهرهای) دور بودی پس از نماز به او اشاره کن و این دعا را بخوان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيَّكَ ، وَ أَخِي نَبِيِّكَ ، وَ وَزِيرِهِ ، وَ حَبِيبِهِ ، وَ خَلِيلِهِ ، وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ ، وَ خَيْرَتِهِ مِنْ أَسْرَتِهِ ، وَ وَصِيِّهِ وَ صَفْوَتِهِ وَ خَالِصَتِهِ وَ أَمِينِهِ وَ وَلِيِّهِ وَ أَشْرَفِ عِتْرَتِهِ ؛ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ أَبِي ذُرِّيَّتِهِ ، وَ بَابِ حِكْمَتِهِ ، وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ ، وَ الدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ ، وَ المَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ ، وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى أُمَّتِهِ ، سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَصْفِيَاءِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ ؛ خدایا! بر ولی خود و برادر نبی خود و وزیر

ص: 346



و حبيب و خليل و راز دارش و برگزیده خاندانش و وصی و گزیده و ویژه و امین و ولی و اشرف خاندانش از آنان که به او ایمان آوردند و پدر ذریه اش و دریچه حکمتش و گوینده حجتش و دعوت گر آیش و پوینده راهش و جانشینش در امتش سرور مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشوای سپید رویان درود فرست برترین درودی که بر هر يك از آفریدگان و برگزیدگان و اوصیای پیامبران فرستاده ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ نَبِيِّكَ مَا حُمِّلَ ، وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظَ ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ ، وَحَلَّلَ حَلَالَكَ ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ ، وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ ، وَوَالَى أَوْلِيَاءَكَ ، وَعَادَى أَعْدَاءَكَ ، وَجَاهَدَ النَّكَائِثَ عَنِ سَبِيلِكَ ، وَالْقَاسِيَةَ طِينَ وَ الْمَارِقِينَ عَنِ أَمْرِكَ ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا ، مُقْبَلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ، حَتَّى بَلَغَ فِي ذَلِكَ الرِّضَاءَ وَ سَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا ، وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِدًا ، حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ ، فَقَبَضَتْهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا ، وَ لِيًّا تَقِيًّا ، رَضِيًّا زَكِيًّا ، هَادِيًّا مَهْدِيًّا ؛ خدایا! من شهادت می دهم که او هر چه از پیامبرت دریافته بود، رساند و هر چه را مسئول حفظش بود، پایید و آن چه را بدو سپرده شده بود، حفظ نمود و حلال را حلال و حرامت را حرام شمرد و احکامت را بر پا داشت و به راه تو فرا خواند و دوستانت را دوست و دشمنانت را دشمن داشت و با پیمان شکنان راه تو و ستم کاران و بیرون روندگان از زیر فرمان تو پر شکیب و با اخلاص رو در رو جنگید و پشت نکرد و در راه تو از سرزنش ملامت گران نهراسید تا آن که به خشنودی تو رسید و تسلیم حکم تو شد. تو را خالصانه پرستید و با تمام توان و اخلاص برای تو کوشید تا مرگش فرا رسید و او را با شهادتی سعادت‌مندانه قبض روح کردی، در حالی که ولی ای پرهیز گار و پاک و پسندیده و رهنما و ره یافته بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

و أَصْفِيَانِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ (1) خدایا بر محمد درود فرست، برترین درودی که بر هر يك از پیامبران و برگزیدگان می فرستی، ای پروردگار جهانیان

### زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام سرشار از آیات، روایات و مستندات تاریخی در اثبات فضیلت و ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام است. استفاده از آیات و احادیث نبوی برای اثبات ولایت و خلافت آن حضرت به دلیل اجماع همه مسلمانان بر پذیرش کتاب و سنت امری بجا و کار آمد است.

آن چه می تواند ما را در شناساندن سبب صدور زیارت غدیریه یاری کند، آگاهی از چگونگی نگاه غالب جامعه درباره آن چیزی است که این زیارت بدان پرداخته است. باید دید نظر علمای برجسته ای که در عهد امام یا اندکی پیش یا پس از امام می زیسته اند و از مکتب خلفا دفاع می کردند، چه بوده است

امام هادی علیه السلام در مجموع از هفتاد و هشت آیه و هجده حدیث نبوی بهره برده اند. نیز وقایعی را که تاریخ اسلام به آن اذعان دارد به عنوان سندی محکم برای اثبات ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بیان می کنند.

آیات تبلیغ اکمال دین تطهیر مباحله، مودت، ولایت، اولوا الامر، و اطعام طعام، از آیاتی هستند که به روشنی بر ولایت و فضیلت امیر المؤمنین علی علیه السلام دلالت دارند در احادیث نبوی نیز در فضیلت و ولایت آن حضرت سخن بسیار رفته است. احادیث غدیر طبر مشوی، رایت منزلت و تقلین اندکی از بسیار است.

در گفتار اهل بیت علیهم السلام نیز در این باره سخن فراوان است و آن بزرگواران همیشه و همواره فضیلت امامت و خلافت الهی و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را یاد آور

ص: 348

شده اند تا جامعه این مهم را از یاد نبرد.

## نگاهی اجمالی به متن زیارت

این زیارت مشتمل بر استدلال هایی از قرآن، روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمات تاریخی است که بیان گر مرتبت و منزلت امیر المؤمنین علیه السلام است. در این زیارت بیش از هفتاد آیه قرآن به صورت کامل یا بخشی از آن به گونه صریح یا غیر مستقیم آمده است.

هم چنین احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره منزلت و مقام بی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و وصایت و خلافت بلا فصل حضرت علی علیه السلام آمده است. در این زیارت به بخش هایی از تاریخ که شیعه و سنی آن را قبول دارند، اشاره شده و به غصب خلافت و ستم هایی که به ایشان روا داشته اند پرداخته شده است.

زیارت با سلام بر رسول خدا علیه السلام آغاز می شود و با سلام بر انبیای الهی و فرشتگان مقرب و عباد صالح خداوند ادامه می یابد. امام هادی علیه السلام در این زیارت شش سلام به امیر المؤمنین علیه السلام دارند که در پی هر سلام اوصاف و مناقب حضرت علی علیه السلام آمده است، منقبت هایی که همه آن ها در احادیث نبوی وجود دارد.

امام لقب «امیر المؤمنین» را در این زیارت ده بار به کار برده اند؛ که پنج بار آن را همراه با سلام سه بار را برای شهادت (أشهد) و دو بار را برای لعن دشمنان حضرت استفاده کرده اند. سیزده بار از لفظ «أشهد» استفاده کرده اند که با هر شهادتی چندین فضیلت از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام بیان می شود.

لفظ «مولای» و «مولی المؤمنین» هفت بار برای امیر المؤمنین علیه السلام به کار رفته است

در طول زیارت مجموعه ای از صفات حضرت که بندگی محض ایشان از اوامر الهی و اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و سلم را نشان می دهد و قرآن، احادیث و تاریخ روشن گر

آن هستند بیان می شود

در این زیارت نامه به منظور اثبات فضائل حضرت امیر علیه السلام به جنگ هایی که حضرت در زمان رسول الله صلی الله علیه و اله در آن ها شرکت کردند، از جمله جنگ بدر، احزاب، احد، حنین و خیبر و جنگ های زمان حکومت حضرتش که ناکثین مارقین و قاسطین به ایشان تحمیل کردند، نیز اشاره شده است.

در آخر زیارت امام علیه السلام چند گروه را که در حق انبیا و اوصیا ظلم کردند لعن می کنند و از خداوند می خواهد ما را در زمره کسانی که به واسطه ولایت و محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و اله به فوز و سعادت رسیده و ایمن از عذاب گردیدند قرار دهد.

### زمان صدور زیارت

متوکل خلیفه عباسی امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا فرا خواند. در روز غدیر امام به نجف رسید و امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد. متن آن زیارت، به زیارت غدیریه مشهور است.

در کتاب های دعا و زیارت زمان خواندن آن روز عید غدیر ذکر شده است. محدث قمی با استناد به کلام عثمان بن سعید گفته است: این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می توان خواند

### سند زیارت

این زیارت نامه را مشهدی در کتاب «المزار الکبیر» نقل کرده است و آن را از ابو الفضل شاذان بن جبرئیل قمی از عماد الدین محمد بن ابو القاسم طبری، از ابو علی فرزند شیخ طوسی از پدرش از شیخ مفید از ابن قولویه قمی از شیخ کلینی از علی بن ابراهیم قمی از پدرش از ابو القاسم حسین بن روح نوبختی و عثمان بن سعید عمری؛ و از امام حسن عسکری علیه السلام، به امام هادی علیه السلام استناد داده است.

ص: 350

رجال این سند همه از بزرگان و شیوخ طائفه و رؤسای مذهب شیعه هستند و در وثاقت هیچ یک از آنان نمی توان خدشه ای وارد کرد. محدث قمی نه تنها به معتبر بودن سند این زیارت نامه تصریح کرده بلکه فرموده است: کمتر حدیثی به قوت سند این زیارت نامه می رسد (1)

به علاوه این سند به حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری - رضوان الله علیهما - منتهی می شود که به ترتیب نایب سوم و اول امام زمان - ارواحنا له الفداء - هستند و این دو بزرگوار از امام عسکری علیه السلام نقل می کنند.

### بررسی فراز هایی از زیارت

از این زیارت می توان حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی عصر امیر المؤمنین علیه السلام را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد

1. امام هادی علیه السلام در این زیارت در باره امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: آن حضرت نخستین کسی است که اسلام آورد و به خداوند مؤمن و معتقد شد و دعوت پیامبر خدا را لبیک گفت خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام می گوید: «تو نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آوردی و در پیشگاه خدا نماز گزاردی و در راه او جهاد کردی...».

2. از جهاد امیر المؤمنین علیه السلام و دلآوری ها و سرسختی های آن حضرت در جنگ ها سخن گفته و خطاب به جد بزرگوارش عرض می کند: «تو دارای مواقفی آشکار و مقاماتی مشهور و روز های سخت فراموش نشدنی هستی؛ مانند روز جنگ بدر و روز جنگ احزابی که در آن اوقات خداوند مؤمنان را آزمود و همه سخت متزلزل و نگران بودند و جان ها به لب رسیده بود و به خداوند بد گمان شدند و منافقان و آنانی که در دل های شان مرض بود گفتند: وعده های خدا و رسول به ما جز فریب نبود...».

ص: 351

یا علی! تو بودی که در آن هنگام عمرو بن عبدود آن‌ها را کشتی و جمعیت آنان را پراکنده ساختی و خداوند کافران را با دل‌های پر از خشم بازگرداند، در حالی که به هیچ هدفی نرسیده بودند و خداوند مؤمنان را از رنج جنگ و کارزار آسوده کرد و خداوند بر همگان تسلط و عزت و اقتدار دارد.... و باز در جنگ احد... و نیز در روز جنگ حنین... و تو یا علی در آن کارزار دارای مقام صبر بودی و به اجر عظیم الهی رسیدی... و در روز جنگ خیبر...

و تو ای مولا در تمام جنگ‌ها با پیامبر صلی الله علیه و اله حاضر بودی و به اتفاق او در راه خدا جهاد می‌کردی و پرچم اسلام را در جنگ‌ها پیشاپیش پیامبر صلی الله علیه و اله می‌بردی و در مقابل او شمشیر بر فرق دشمنان می‌زدی و چون کار آزمودگی و مهارت و تدبیرت در کارها مشهور بود پیامبر صلی الله علیه و اله در بسیاری جاها تو را فرمان فرما قرار داد و هیچ کس دیگر را فرمان‌روای تو نساخت».

3. امام هادی علیه السلام در این زیارت‌نامه خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و اله را مطرح کرده‌اند که موقعی که قریش اجتماع کرده بودند تا او را بکشند با جان خود و فداکاری خویش آن بزرگوار را حفظ کرد می‌گوید: «یا علی! حال تو در شبی که به جای پیامبر صلی الله علیه و اله در بستر او خوابیدی نظیر حال حضرت اسماعیل ذبیح الله علیه السلام بود که هر چه پدرش به او فرمود، او پذیرفت و تو نیز هم چون اسماعیل با برد باری و شکیبایی از پیامبر اطاعت کردی... خداوند نیز طاعت تو را سپاس گفت و کار نیک تو را بر امت آشکار ساخت و فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (1).

4. امام دهم علیه السلام در این زیارت به برخی از صفات برجسته جدش امیر المؤمنین علیه السلام اشاره فرموده است:

«گواهی می‌دهم ای امیر مؤمنان که تو همیشه با هوای نفس مخالفت کرده و

.. ص: 352

---

1- بعضی از مردم با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در «لیلة المبيت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و اله، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشدند. (سوره بقره، آیه 207).

همواره به همراه تقوا و پرهیزگاری بر فرو خوردن خشم و غضب توانا بودی، و از بدی های مردم چشم می پوشیدی و هنگامی که مردم از دستور خدا سر پیچی می کردند تو سخت خشمناک می شدی و چون راه طاعت می پیمودند تو خوشنود می گشتی، و به هر چه عهد و پیمان داشتی عمل می کردی، و آن چه را که باید پاس داری کاملاً رعایت کردی و هر چه را به ودیعت نزد تو گذاشتند، محافظت فرمودی و آن چه از فرمان خدا بر عهده تو بود که به مردم تبلیغ کنی، انجام دادی.

گواهی می دهم که تقیه تو از دشمنان نه به خاطر ذلت و خواری بود، و خود داری کردن تو از گرفتن حقت نه به سبب عجز و ناتوانی بود، و هرگز اظهار رضایت بر خلاف رضای خدا از آنان نکردی و نه از راه سستی و ضعف در برابر ستم هایی که به تو رسید تسلیم شدی و از طلب حق خود کوتاهی کردی، پناه به خدا! هرگز از ترس و ضعف و ناتوانی نبود بلکه ظلمی که کردند در راه دین خدا منظور داشتی و کارت را به خدا وا گذاشتی و در سختی ها و شداید روزگار باکی نداشتی و در مشکلات سستی به خود راه نمی دادی، و از جنگ ها- در راه اسلام- باز نایستادی...».

5. این زیارت نامه مشتمل بر بیان جریان غدیر است که مسلمانان در آن جا با امیر المؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه و امام بیعت کردند. از این رو امام هادی علیه السلام می فرماید همانا خداوند دعای پیامبرش را در باره تو مستجاب کرد. آن گاه خداوند پیامبرش را مأمور ساخت تا امامت تو را بر امت آشکار کند تا مقام والای تو هویدا گردد، و برهان حقانیت تو بر مردم آشکار شود، و سخنان بیهوده مخالفان نابود گردد، و راه عذر و بهانه مردم قطع شود....

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا بر مؤمنان از خودشان سزاوار تر نیستیم؟ مردم همه عرض کردند چرا یا رسول الله آن گاه دست تو را گرفت و فرمود: «هر که من سرپرست و مولای او هستم این علی سرپرست و مولای اوست بار الها دوست بدار هر که

علی را دوست بدارد و دشمن بدار آن کس را که علی را دشمن بدارد و یاری کن هر که را او را یاری کند و خوار گردان هر که او را خوار سازد!...»

6. امام هادی علیه السلام در این زیارت خطاب به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می گویند: «شهادت می دهم ای امیر المؤمنین که شک کننده درباره تو، اصلاً به رسول امین ایمان نیاورده است».

در همین زیارت حضرت امیر علیه السلام را «دین قویم پایدار» و «صراط مستقیم» می خوانند و شهادت می دهند که حضرت صراط مستقیم خداوند است. طبیعتاً کسی که در صراط مستقیم شک کند در نبوت شک کرده و کسی که در نبوت شک کند، گویا ایمان نیاورده است. هم چنین اگر کسی «دین الله القویم» را نداشته باشد، اصلاً انگار دینی ندارد.

امام هادی علیه السلام در این زیارت گاهی تند تر از این تعبیر هم دارد. مثلاً می فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكَ بِمَنْ نَاوَأَكَ؛ لعنت خدا بر کسانی که تو را با دشمنانت هم طراز پنداشتند یا کسانی که دشمنان تو را پیروی کردند» تعبیری از این دست در این زیارت فراوان است

### **متن و ترجمه زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام**

امام هادی علیه السلام در هنگام زیارت (قبر امیر مؤمنان علیه السلام) در روز غدیر سالی که معتصم ایشان را فرا خواند فرمودند: بر سر قبر او که درودهای خداوند بر او باد می ایستی و می گویی:

### **سلام بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و انبیای الهی**

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ، وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ، وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَ الْمُهَيِّئِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ؛ سلام و رحمت و برکات خدا و صلوات و درود های او بر محمد



پیامبر خدا خاتم پیامبران و سرور فرستادگان و گزیده پروردگار جهانیان و امین خداوند بر وحی و امور مهمش پایان بخش گذشته ها و گشایش گر آینده ها و نگاهبان همه آن ها!

السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر پیامبران و فرستادگان الهی و فرشتگان مقرب و بندگان صالحش!

### بیان اوصاف امیر المؤمنین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیر مؤمنان و سرور اوصیا و وارث دانش انبیا و ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان، ای امین خدا در زمینش و سفیر او در خلقش و حجت رسای او بر بندگانش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ؛ سلام بر تو ای دین استوار خدا و راه راست او

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ؛ سلام بر تو ای خبر بزرگی که در آن اختلاف می ورزند و از آن پرسیده می شوند

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ، وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ، وَ جَاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجَمُونَ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ سلام بر تو، ای امیر مؤمنان! توبه خداوند ایمان آوردی، در حالی که آنان مشرک بودند و حق را تصدیق کردی در حالی که آنان تکذیب می کردند و

جهاد کردی، در حالی که آنان پا پس می کشیدند خدا را با آئینی پاک و بی آرایش شکیبا و خالصانه پرستیدی تا رحلتت فرا رسید هان  
نفرین خدا بر ستم کاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ سلام و رحمت خدا و  
برکات او بر تو ای سرور مسلمانان و مهتر مؤمنان و پیشوای متقیان و پیشوای سپید رویان

### شهادت به منزلت بلند امیر المؤمنین علیه السلام

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرِّهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ؛  
گواهی می دهم که تو برادر پیامبر و وصی او و وارث دانش او و امانت دار آیین او و جانشین او در میان امتش هستی و نیز نخستین کسی که  
به خدا ایمان آورد و نخستین کسی که آن چه را خداوند بر پیامبرش نازل کرد، تصدیق نمود.

### اشاره به جریان غدیر

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ وِلَايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ  
مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ؛ و نیز گواهی می دهم که پیامبر صلی الله علیه و آله آن چه خدا در باره تو بر او نازل کرد ابلاغ نمود و آن  
را به انجام رساند و فريضه ولایت تو را بر امتش واجب ساخت و بر آن برای تو بیعت گرفت و تو را به مؤمنان از خود آن ها سزاوار تر قرار داد  
همان گونه که خداوند او را چنین قرار داده بود.

ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؛ سپس خداوند متعال را

بر آنان گواه گرفت و فرمود: «آیا من رسالت پروردگارم را ابلاغ نکردم؟» فقالوا: اللَّهُمَّ بَلَى؛ گفتند: چرا.

فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَحَاكماً بَيْنَ الْعِبَادِ؛ پس فرمود: «خدایا! گواه باش و تو برای گواهی و داوری میان بندگان کافی هستی»

### نفرین بر منکران ولایت

فَلَعَنَ اللَّهُ جاحِدَ دَوْلَاتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ، وَ نَاكثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ؛ پس خداوند انکار کننده ولایت را پس از اقرار نمودن به آن و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن نفرین کند

### وفای به عهد

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُؤْفٍ بِعَهْدِهِ لَكَ «وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَةٌ لَهُ أَجْرًا عَظِيماً»؛ (1) و گواهی می دهم که توبه عهد خدای متعال، وفا کردی و خداوند متعال هم به عهدش برای تو وفا می کند «و هر کس به پیمانی که با خدا بسته، وفا کند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او بخشد».

### امیر حقیقی مؤمنان

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ؛ و گواهی می دهم که تو همان امیر حقیقی مؤمنانی که قرآن به ولایت زبان گشود (2) و پیامبر خدا بر آن امت تعهد گرفت.

ص: 357

1- سوره فتح آیه 10.

2- اشاره به آیه 55 از سوره مائده

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنَفْسَيْكُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاءُ عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (1) و گواهی می‌دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که جان‌های خود را با خدا داد و ستد کردید پس خداوند درباره شما این آیه را نازل کرد «خداوند جان‌ها و اموال مؤمنان را در برابر بهشت از آنان خریده است؛ آنان که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند وعده راستینی است که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده گرفته است؛ و چه کسی از خداوند به عهدش وفادار تر است؟ پس مژده باد به داد و ستدی که بدان دست یازیده‌اید و این همان رستگاری بزرگ است. آنان توبه‌کاران و عبادان و سپاس‌گزاران و روزه‌داران و رکوع‌کنندگان و سجود‌کنندگان و فرمان‌دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران احکام الهی اند و مؤمنان را مژده بده».

### تردید در ولایت

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَادِلٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، فَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ؛ گواهی می‌دهم ای امیر مؤمنان! آن که در توشک و رزد، به پیامبر امین ایمان نیاورده و آن که از توبه دیگران متمایل

ص: 358

شود از دین استوار منحرف گشته است؛ دینی که پروردگار جهانیان برای ما پسندید و روز غدیر آن را به ولایت تو کامل کرد.

### صراط مستقیم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (1) صَلِّ وَاللَّهِ وَ أَصَلِّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَعَدَّدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ؛ و گواهی می دهم که تو، مقصود گفته خدای عزیز و رحیمی «و این راه راست من است. پس آن را پیوید و به راه های دیگر نروید که شما را از راه او جدا می سازد» به خدا سوگند، هر که از جز تو پیروی کرد، گمراه شد و گمراه کرد و هر که با تو دشمنی کرد از حق جدا گشت

### اطاعت فرمان الهی

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ، وَأَطَعْنَا وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَلَا تَنُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ الْهُدَى عَنِ طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ؛ خدایا! فرمانت را شنیدیم و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیمودیم. پس ای پروردگار ما ما را هدایت کن و دل های مان را پس از هدایت از اطاعتت منحرف مگردان و ما را از سپاس گزاران نعمت هایت قرار ده

### وارستگی های امیر المؤمنین علیه السلام

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالِفًا، وَ لِلتَّقِي مُخَالِفًا، وَعَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا، وَإِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا، وَإِذَا أَطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حَافِظًا مَا اسْتُودِعْتَ مُبْلِغًا مَا حَمَلْتَ مُنْتَظِرًا مَا وَعَدْتَ وَگواهی می دهم که تو همواره با هوای نفست مخالف، و با تقوا هم پیمان و بر فرو خوردن خشم، توانا، و عفو کننده

ص: 359

مردم بودی و چون خدا نافرمانی می شد خشمگین و چون خدا اطاعت می شد خشنود می شدی به آن چه خدا با تو پیمان بست عمل کننده و برای آن چه حفاظتش را به عهده داشتی مراقب، و آن چه را به تو سپرده بودند نگاه دار بودی؛ آن چه را بر دوش نهادند به مقصد رساندی و آن چه را وعده داده شدی انتظار کشیدی

### استقامت در راه حق

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعاً، وَلَا أَمْسَكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعاً، وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ عَاصِيكَ نَاكِلاً، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَا بِخِلَافِ مَا يَرْضَى اللَّهُ مُدَاهِناً، وَلَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا ضَعَّفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ (1) عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِباً. مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ فَاحْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَ فَمَا ذَكَرُوا، وَوَعَضْتَ فَمَا اتَّعَطُّوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا؛ وَگواهی می دهیم که از سر ناتوانی پروا نکردی و از سر ناشکیبایی حقت را فرو نگذاشتی و از بیم کار زار با نافرمان هایت پا پس نگذاشتی و از سر سازش کاری و بر خلاف رضایت خدا خود را خشنود نمودی و گرفتاری هایت در راه خدا تو را سست نکرد، و به چشم داشت دنیا در طلب حق خود ناتوانی و زبونی نشان ندادی پناه بر خدا که تو این گونه باشی؛ بلکه چون بر تو ستم شد، به حساب پروردگارت گذاشتی و کارت را به او وا گذاشتی و تذکر دادی و نشنیدند، و پند دادی و نگرفتند و آنان را از خدا ترساندی و نترسیدند.

### مجاهدت در راه خدا

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُبَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ؛

ص: 360

---

1- اشاره به آیه 146 سوره آل عمران.

لِتَكُونَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ؛ و گواهی می دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا، آن گونه که بایست کوشیدی تا این که خدا تو را برگزید و جان تو را به نزد خویش برکشید و کشتنت را به دست دشمنان حجت بر آن ها قرار داد تا بر آنان، افزون بر حجت های رسای دیگری که بر همه خلقتش داری حجتی داشته باشی

### عبودیت خالصانه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عِبَدَتَ اللَّهَ مُخْلِصًا، وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا، وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِيًا مَرْضَاةَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفِلُ بِالنَّوَائِبِ، وَ لَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَ لَا تُحْجِمُ عَنِ مُحَارِبِ، أَفْكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ، وَ افْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ، وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنَّا؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان! خدا را خالصانه پرستیدی و در راه خدا صابرا نه جنگیدی و جانت را برای خدا بخشیدی و به کتابش عمل کردی و از سنت پیامبرش پیروی نمودی نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداختی و تا آن جا که توانستی به نیکی فرمان دادی و از زشتی باز داشتی و این همه را برای کسب رضایت الهی و شوق به وعده خداوند انجام دادی به گرفتاری ها اهمیت ندادی و در سختی ها سست نگشتی و از کار زار یا پس نگذاشتی هر که جز این گوید تهمت زده و باطلی را به تو نسبت داده است وای بر کسی که از تو جدا شد

## نخستین کسی که ایمان آورد

لَقَدْ جَاهَدتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرَ احْتِسَابٍ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَلَّى لَهُ وَجَاهَدَهُ، وَأَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشِّرْكِ، وَالْأَرْضُ مَسْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً؛ در راه خدا به شایسته ترین وجه، جهاد نمودی و مخلصانه بر آزارها صبر کردی. و تو نخستین کسی بودی که به خدا ایمان آورد و برای او نماز گزارد و جنگید و برای او در خانه شرك سینه سپر کرد در حالی که زمین از گمراهی پر بود و شیطان آشکارا پرستیده می شد.

## نمسک به خدای تعالی

وَأَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَحِشَّةً، وَلَوْ أَسَّ لَمَنِي النَّاسُ جَمِيعاً لَمْ أَكُنْ مُنْضَبِرّاً، اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَ، وَآثَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَّدْتَ وَإِيْدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ، فَمَا تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ، وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ، وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِباً، وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ، وَلَا دَنَسَكَ الْإِنْتِامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ و تو گوینده این سخنی که: «فراوانی مردم پیرامونم بر عزتم نمی افزاید و پراکنده شدن آنان بر تنهایی ام نمی افزاید و اگر همه مردم مرا وا نهند، زاری نمی کنم»

به خدا چنگ زدی پس عزیزت داشت و آخرت را بر دنیا مقدم داشتی، پس زهد و ورزیدی خدا هم تو را تأیید و هدایت کرد و تو را خالص گرداند و از میان مردم برگزید پس، کارهایت ضد و نقیض نگشت و گفته هایت مختلف نگردید و احوالت دگرگون نشد و بر خدا ادعای دروغین و بهتان نبستی و به کالای بی ارزش دنیا حریص نشدی و گناهان تو را نیالودند و همواره بر دلیلی روشن از جانب



## مولای اهل ایمان

أَشْهَدُ هُدًى شَهَادَةً حَقًّا، وَاقْسِمُ بِاللَّهِ فَسَمَّ صِدْقٍ أَنْ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتِ الْخَلْقِ، وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ، وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَكَ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلَا أَفَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا إِلَيَّ مَنْ لَا يُهْدَى بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (1) إِلَى وَلَايَتِكَ؛ بِهِ حَقِّ گواهی می دهم و به خداوند سوگندی راستین می خورم که محمد و خاندانش که درود های خدا بر آنان باد سروران مردم اند و تو، مولای من و مولای مؤمنانی و تو، بنده خدا و ولی او و برادر پیامبر صلی الله علیه و اله و وصی و وارث اوست؛ و او درباره تو گفت: «سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت آن که به تو کفر ورزید به من ایمان نیاورده و آن که تو را انکار کرد، به خداوند، اقرار نکرده است. آن که از تو دوری گزید، گم راه شد و آن که از تو هدایت نجست، نه به خدای متعال راه یافت و نه به من؛ و این، همان گفته پروردگار من عز و جل است: «و من، آمرزش گر کسی هستم که توبه کرد و ایمان آورد و کار صالح کرد و سپس هدایت یافت» به ولایت تو»

## فضیلت‌های روشن

مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى، وَنُورُكَ لَا يُطْفِئُ، وَإِنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُمُ الْأَسْفَلِي؛ مَوْلَايَ مِنْ فَضِيلَتِ تُوْمَخْفَى وَنُورِ تُوْمَخْمُوشِ شَدْنِي نِيَسْتِ.  
راستی

ص: 363

که هر که تو را انکار کرد ستم کار تر و بدبخت تر است.

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجْبَةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَ الْعِدَّةُ لِلْمَعَادِ؛ مَوْلَايَ مِنْ تَوْحِيدِ بَرِّ بِنْدِ الْوَالِدِ وَ هِدَايَةِ الْوَالِدِ إِلَى سَبِيلِ الْوَالِدِ وَ تَوْشِيهِ إِلَى سَبِيلِ الْوَالِدِ  
آخرتی

## منزلت والا

مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ، وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ، وَ بَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ، وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحْلِي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَ ذَايِدَ الْحَقِّ عَنْكَ؛ مَوْلَايَ مِنْ! خِدَاوَنْد، مَنْزِلَتِ رَا دَر دُنْيَا وَآلَا گِرْدَانِيْد وَ دَر جِهَاتِ رَا دَر آخِرَتِ، تَعَالَى بَخْشِيْد وَ آن چِه رَا بَر مَخَالَفَانِ تُو پُوْشِيْدِه مَانْد بَرَايِ تُو رُوْشَن سَاخْت؛ مَخَالَفَانِيْ كِه مِيَانِ تُو وَ مَوْهَبَتِ هَايِ خِدَاوَنْدِيْ بِه تُو جِدَايِيْ اِنْدَاخْتَنْدِ پَسِ خِدَاوَنْدِ كَسَانِيْ رَا كِه حَرْمَتِ تُو رَا پَسِ نِدَاخْتَنْدِ وَ تُو رَا اَز حَقْتِ بَا زِ دَاخْتَنْدِ لَعْنَتِ كَنْدِ

## زيان کار ترين انسان ها

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَحْسَرُونَ الَّذِينَ «تَلْفَحُ وَ جُوْهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ»! (1) گواهی می دهم که آنان زیان کار ترین اند، کسانی که «آتش، بر چهره های شان می زند و آنان در آن جا تُرْشِ رُوِيْ اِنْد.»

## گوش به فرمان خدا و رسول

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا أَمْسَكَتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ گواهی می دهم که نه خود را پیش انداختی، و نه پا پس کشیدی، و جز به فرمان خدا و پیامبر او نگفتی و دست نکشیدی

ص: 364

قُلْتُ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَصْدَرْتُ قُدَامَهُ بِسَيْفِي. فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ اعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاتَكَ مَعِي وَ عَلَى سُنَّتِي»، فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ وَ لَا صَدَّمْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي، وَ لَا نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَ إِلَيَّ لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ، وَ بَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَ إِلَيَّ لَعَلَى الطَّرِيقِ الواضِحِ، أَلْفِظُهُ لَفْظًا؛ كَفَتِي: سوگند به آن که جانم در دست اوست، پیامبر خدا، در حالی که در جلوی رویش شمشیر می زدم، به من نگریست و فرمود: «ای علی تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی، جز آن که پیامبری پس از من نیست و به تو اعلام می کنم که مرگ و زندگی ات با من و به روش من است».

به خدا سوگند نه دروغ گفته ام و نه به من دروغ گفته شده است، نه گمراه شده ام و نه گمراه نموده ام و نه عهد پروردگارم را از یاد برده ام. من بر آن دلیل روشنی هستم که پروردگارم برای پیامبرش روشن نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای من روشن ساخت. من بر راهی آشکارم و به حقیقت می گویم و باکی از کسی ندارم»

### علی علیه السلام و برابری!!!

صَدَقْتُ وَ اللَّهُ وَ قُلْتُ الْحَقُّ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ يَقُولُ: «هَلْ يَسْتَتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (1) وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَادَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَا يَتَّكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الدَّابُّ عَنِ دِينِهِ، وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا

ص: 365

رَحِيمًا» (1) به خدا سوگند که راست و حقیقت گفتمی. پس خدا نفرین کند آن که تو را با دشمنانت برابر نهاد در حالی که خداوند که یادش بلند باد می گوید: «آیا دانیان با نادانان برابرند؟ و خداوند لعنت کند آن که تو را با کسی که ولایت بر او واجب است، هم سنگ کرد در حالی که تویی خدا و برادر پیامبرش و حمایت گر دینش بودی؛ همان کسی که قرآن به برتری اش زبان گشود و خدای متعال فرمود: «خداوند مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است، به درجاتی از جانبش و نیز آمرزش و رحمت؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ (2) و نیز خدای متعال فرمود: «آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند (کار) کسی پنداشته اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند؟ این ها نزد خدا یکسان نیستند و خدا ستم کاران را هدایت نمی کند. کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان های شان در راه خدا جنگیدند، نزد خدا منزلتی والا تر دارند و اینان رستگارند. پروردگار شان آنان را به رحمتی از جانب خود و خشنودی و باغ هایی که در آن ها نعمتی پایدار دارند مژده می دهد جاودانه در آن ها خواهند بود و بی گمان خداست که نزدش پاداشی بزرگ است».

ص: 366

---

1- سوره نساء، آیه 95 و 96

2- سوره توبه، آیه 19 تا 22

أَسَدٌ هَدَىٰ أُمَّتَكَ الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبِعْ بِالْهُدَىٰ بَدَلًا، وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتَهُ؛ گواهی می‌دهم که توبه ستایش خداوند، اختصاص یافتی و در طاعت خداوند، اخلاص ورزیدی در برابر هدایت چیزی نخواستی و در عبادت پروردگارت احدی را شریک نساختی خداوند متعال هم دعای پیامبرش را درباره تو اجابت کرد.

## ابلاغ ولایت

ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِسَانِكَ، وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَ دَحْضًا لِلْأَبْطَالِ، وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَ اتَّقَىٰ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُلْكًا مِنَ النَّاسِ»؛ (1) سپس برای بالا بردن منزلت تو و اعلان حجت تو و ابطال نمودن باطل ها و از میان بردن بهانه ها او را به اظهار کردن ولایت بر امتش فرمان داد و چون پیامبر صلی الله علیه و اله و از فتنه انگیزی فاسقان بیمناک و از کار منافقان درباره تو هراسناک شد خداوند پروردگار جهانیان، وحی کرد: «ای پیامبر آن چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، ابلاغ کن، که اگر نکنی، پیامش را نرسانده ای و خداوند تو را از گزند مردم، حفظ می‌کند»

فَوَضَعَ عَلَىٰ نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ، فَخَطَبَ فَأَسْمَعَ، وَ نَادَىٰ فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعًا فَقَالَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟ پس، سخنی های راه را به جان خرید و در اوج گرما برخاست و سخن راند و به گوش همه رساند و ندا داد و ابلاغ کرد و سپس از همه آنان پرسید و فرمود: «آیا (پیام حق

زیارت امیر المؤمنین الا در روز غدیر

ص: 367

را) رساندم؟».

فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلِّیْ كَفْتَنَد: آری.

فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَد؛ فرمود: «خدایا! شاهد باش».

ثُمَّ قَالَ: أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ سپس فرمود: «آیا من به مؤمنان، از خود آن‌ها سزاوار تر نیستم؟»

فَقَالُوا: بَلِّیْ؛ گفتند: چرا

فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛ پس دستت را گرفت و فرمود: «هر که من مولای اویم این علی مولای اوست. خدایا! دوست دارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار و یاورش را یاری ده و واگذارنده اش را واگذار»

### ایمان آوردندگانی اندک

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَلَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا تَخَسِيرًا، بس به آن چه خداوند درباره تو بر پیامبرش نازل کرده بود، جز اندکی ایمان نیاوردند و بیشترشان جز بر زیان (خود) نيفزوند.

وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ: مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ و خداوند، پیش از آن هم در باره تو چیزهایی نازل کرده بود که آنان را خوش نمی آمد: «ای مؤمنان هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی (دیگر) را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان او را دوست دارند آنان در برابر مؤمنان فروتن و بر کافران سرفراز و در راه خدا جهادگر و از سرزنش ملامت گری هراس اند»

«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ

الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (1) «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (2) «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ (3) این، فضل خداست که آن را به هر که خواهد می دهد و خدا گشایش گر داناست. ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع صدقه می دهند. و هر کس خدا و پیامبر او و مؤمنان را ولی خود گیرد، بداند (پیروز است) که حزب خدا پیروز است»؛

و «پروردگارا! به آن چه نازل کردی ایمان آوردیم و پیامبر را پیروی کردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس»؛

و «پروردگارا پس از آن که ما را هدایت نمودی دل های مان را دست خوش کج روی مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو بخشنده ای».

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنَ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ، وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»؛ (4) خدایا! ما می دانیم که این حق است و از جانب تو. پس هر کس را که با آن می ستیزد و گردن فرازی می کند و آن را تکذیب و انکار می نماید لعنت کن «و ستم کاران به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشت گاه باز می گردند».

ص: 369

---

1- سوره مائده، آیه 54 تا 56

2- سوره آل عمران، آیه 53.

3- سوره آل عمران، آیه 8

4- سوره شعراء، آیه 227

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلَ الْعَابِدِينَ، وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، وَصَلَوَاتَهُ وَتَحِيَّاتَهُ؛ سَلَامٌ وَرَحْمَةٌ وَبَرَكَاتٌ وَصَلَوَاتٌ وَدُرُودٌ هِيَ خَدَا بَر تَوَايِ امِيرِ مُؤْمِنَانِ وَ سِرُورِ اَوْصِيَا وَ اَوْلِيْنَ عَابِدَانِ وَ زَاهِدِ تَرِيْنَ زَاهِدَانِ

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا لِيُوجِبَ اللَّهُ، لَا تُرِيدُ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (1) تو همانی که خوراکت را با وجود میل به آن برای خدا به مسکین و یتیم و اسیر دادی و پاداش و سپاس نخواستی (2) و خداوند متعال درباره تو (چنین) نازل کرد: «هر چند خود نیازی مبرم دارند، دیگران را بر خود، مقدم می دارند و هر کس از خستِ نفس خود نگاه داشته شود رستگار است».

وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ، وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ (3) تو فرو خورنده خشم و عفو کننده مردم بودی و خداوند، نیکو کاران را دوست می دارد

## در صحنه عمل

وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ (4) وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا

ص: 370

1- سوره حشر، آیه 9.

2- اشاره به آیات 8 و 9 از سوره انسان

3- اشاره به آیه 134 از سوره آل عمران.

4- اشاره به آیه 177 از سوره بقره.



كَانُوا يَعْمَلُونَ» (1) تو در سختی و زیان و هنگامه جنگ، شکیباً بودی و مساوی تقسیم کردی و در میان مردم عادل و از همه مردمان به احکام الهی دانا تر بودی و خداوند متعال با این آیه از آن چه به تو عطا کرده بود خبر داد «آیا مؤمن همچون فاسق است؟ یکسان نیستند؛ اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در برابر کارهای شان، باغ‌هایی دارند که در آن‌ها، جای می‌گیرند».

### دارای علم تنزیل و حکم تأویل

وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ، وَنَصْرِ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمُتَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ؛ يَوْمٌ بَدْرٍ وَيَوْمُ الْأَحْزَابِ «إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الْقُنُوتَا. هُنَا لِكَ ابْتِلَاءِ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا، وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا، وَإِذْ قَالَتِ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (2) وقال الله تعالى: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (3) فَقَتَلَتْ عَمْرُوهُمْ، وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا»؛ (4) و تو ویژه به علم تنزیل (قرآن) و حکم تأویل و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله هستی و تو جای گاه‌هایی مشهود و مقام‌هایی مشهور و روز‌هایی به یادماندنی داری: روز بدر و روز احزاب «آن‌گاه که چشم‌ها خیره شد و جان‌ها به لب رسید و به خدا گمان‌هایی (نا بجا)

ص: 371

1- سوره سجده، آیه 18 و 19

2- سوره احزاب، آیات 10 تا 13

3- سوره احزاب، آیه 22

4- سوره احزاب، آیه 25

می بردید. آنجا مؤمنان آزمایش شدند و سخت تکان خوردند؛ و هنگامی که منافقان و کسانی که دل های شان بیمار بود می گفتند خدا و پیامبرش و عده ای جز فریب به ما ندادند؛ و هنگامی که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه دیگر جای درنگ ندارید پس باز گردید و گروهی از آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می خواستند و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است و حال آن که (خانه های شان) بی حفاظ نبود. آنان جز فرار نمی خواستند»

و خداوند متعال فرمود «و چون مؤمنان دسته های دشمن را دیدند گفتند: این همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند و خدا و پیامبرش راست گفتند و جز بر ایمان و تسلیم آنان، نیفزود».

پس عمرو (قهرمان آنان) را گشتی و گروه شان را پراکندی «و خداوند، کافران را بی آن که به مال برسند به غیظ و حسرت، باز گرداند و خدا (زحمت) جنگیدن را از مؤمنان برداشت و خدا نیرومند پیروز است».

### در جنگ احد

و يَوْمَ اَحَدٍ اِذِ يُصْعِدُونَ و لا يَلْوُونَ عَلٰى اَحَدٍ و الرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِى اَحْرَاهُمْ (1) و اَنْتَ تَدُوذُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ و ذَاتِ الشِّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللّهُ عَنْكُمَا خَائِفِينَ ، و نَصَرَ رَبَّكَ الْخَاذِلِينَ؛ و روز جنگ احد، هنگامی که (مسلمانان کم ایمان) راه خویش در پیش گرفتند و به پشت سرشان هم ننگریستند و پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال شان آن ها را فرا می خواند تو حمله مشرکان را از چپ و راست، دفع می کردی و آنان را از پیامبر صلی الله علیه و آله دور می ساختی تا آن که خداوند آنان را ترسان و هراسان از شما دور ساخت و هزیمت یافتگان را با تویاری نمود.

ص: 372

و يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنزِيلُ «إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِئْنَا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَ لَيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (1) وَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَ مَنْ يَلِيكَ ، وَ عَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْزُونَةَ، وَ تَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعْوُونَةَ، فَعَادُوا آيَسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ، رَاجِعِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ: «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ» (2) وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ؛ وَ رُوزِ جَنْغِ حُنَيْنٍ بِنَا بَهَ أَنْ چِه قرآن می گوید: «و به یاد آورید) آن گاه را که فراوانی تان شما را خوش آمده بود؛ ولی هیچ سودی برایتان نداشت و زمین با همه فراخی اش بر شما تنگ آمد و عقب نشینی کردید سپس خداوند آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد» و «مؤمنان»، تو و همراهانت بودید و عمویت عباس که فراریان را ندا می داد ای اصحاب سوره بقره، ای بیعت کنندگان شجره تا آن که گروهی او را اجابت کردند.

به جای آنان رنج جنگ را به دوش کشیدی و یاری (پیامبر صلی الله علیه و آله) را به عهده گرفتی و آنان مأیوس از پاداش و تنها به امید وعده خداوند متعال به قبول توبه باز آمدند و این همان گفته خداوند بلند مرتبه است «و در پی آن خداوند از هر کس که بخواهد در می گذرد» تو به درجه صبر نائل گشتی و به پاداشی بزرگ رسیدی

ص: 373

1- سوره توبه، آیه 25 و 26

2- سوره توبه، آیه 27

و يَوْمُ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا»؛ (1) و روز جنگ خیبر آن گاه که خداوند منافقان را سست و کافران را ریشه کن ساخت سپاس از آن خدای جهانیان است. «و همینان بودند که پیشتر با خدا پیمان بسته بودند که پشت نکنند و پیمان الهی باز خواست دارد»

### حجت بالغه الهی

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَنِينًا لَكَ مَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبًّا لِسَائِنِكَ ذِي الْجَهْلِ؛ مولای من تو حجت رسا و راه آشکار و نعمت فراوان و برهان نور افشانی مبارکت باد فضیلتی را که خدا به تو بخشید و نابود باد دشمن جاهلت

### همراه پیامبر صلی الله علیه و اله در همه جنگ ها

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ، تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ، وَتَصْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحْزَمِكَ الْمَشْهُورِ، وَبَصِيرَتِكَ بِمَا فِي الْأُمُورِ، أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ فِي هِمَّةِ جَنْغِهَا وَ نَبْرَدِهَا هَيْ أَيُّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَا أَوْ بُودِي وَ پَرچَمِ رَا بِي شَائِي شِشِ أَوْ حَمَلِ مِي كَرْدِي وَ دَرِ جَلُوبِي أَوْ شَمَشِيرِ مِي زَدِي سِپَسِ تُو رَا بِي خَاطِرِ دُورِ اَنْدِيشِي مَشْهُورِ وَ بِي نِشْتِ دَرِ اُمُورِ دَرِ مَعْرَكَةِهَا فَرْمَانِدِه كَرْدِ وَ كَسِي بِرْتُو فَرْمَانِدِه نَبُودِ

ص: 374

و كَم مِّنْ أَمْرٍ صَدَدْتَ عَنْ إِمضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقِي، وَ اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي نَيْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى ضَلَّ وَاللَّهِ الظَّنُّ لِيَذَلِكَ وَ مَا اهْتَدَى، وَ لَقَدْ أَوْصَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّم وَ امْتَرَى بِقَوْلِكَ صَدَلَى اللَّهُ عَلَيْكَ : قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةَ وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِّنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدَّعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ، وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَن لَّا جَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ. صَدَقْتَ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ؛ چه بسیار که تقوا تو را از اجرای تصمیمت باز داشت؛ ولی غیر تو برای دست یابی بدان از هوا و هوس خویش پیروی کرد. از این رو جاهلان پنداشتند که تو در آن چه اتفاق افتاد، ناتوان بودی. به خدا سوگند، کسی که چنین پنداشت گمراه شد و ره نیافت و تو خود - که درود خدا بر تو باد - با این سخنت که فرمودی «بینا و آگاه به امور می داند چگونه حيله کند؛ اما تقوای الهی مانع اوست. پس، دیده را نادیده می گیرد؛ اما آن که پروای دین ندارد، از آن فرصت، سوء استفاده می کند»، هر چه را در این میان مبهم بود، برای آنان که دچار توهم و تردید بودند توضیح دادی تو راست گفتی و باطل اندیشان زیان کارند.

### در برابر حيله پیمان شکنان

وَ إِذْ مَا كَرَّكَ التَّائِكِثَانِ فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ. فَقُلْتَ لَهُمَا: لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنَّ الْغَدْرَةَ، وَ أَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَ جَدَدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدًّا فِي التَّفَاقِ، فَلَمَّا تَبَهَّتْهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا، وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا؛ وَ چُونِ پیمان شکنان (طلحه و زبیر) با تو مکر کردند و گفتند: قصد عمره داریم تو به آنان گفتی: «به جانتان سوگند که آهنگ عمره ندارید؛ بلکه قصد خیانت دارید» و از آن دو بیعت گرفتی و تجدید پیمان کردی؛ اما آن دو در نفاق جدیت ورزیدند و چون آن دو را بر

کارشان آگاهی دادی بی اعتنایی کردند و باز گشتند و (از تذکرت) سود نبردند و فرجام شان به زیان کشید

## در برابر شامیان

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسَدَرَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الإِعْذَارِ وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَّجٌ رَعَاعٌ ضَالِّونَ، وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ فِيكَ كَافِرُونَ، وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَتَدَبُّرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ (1) پس از آن دو اهالی شام بودند که پس از اتمام حجت بر آنان به سوی شان حرکت کردی در حالی که نه به دین حق گرویده بودند و نه تدبیری در قرآن داشتند؛ (کسانی) پست و سبک سر و گمراه و به آن چه درباره تو بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد، منکر و یاور مخالفان تو بودند در حالی که خدای متعال به پیروی از تو فرمان داده بود و مؤمنان را به یاری تو فرا خوانده بود آن جا که خداوند متعال فرمود: «ای مؤمنان از خدا پروا کنید و با راست گویان باشید»

## ظهور حق

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَدْ تَبَدَّهَ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحَتِ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمَسِ، وَ لَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ، وَ عَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاحِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بِاطِّبَالٍ وَ يَحْكُمُ جَائِزاً وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِباً وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ مَوْلَايَ مِنْ! حَقٌّ بَا تَوَاشِكَارٍ شَدِّدٌ، دَرِ حَالِي كَهْ مَرْدَمِ أَنْ رَا دُورَ افْكَنْدِه بُونْدِنْد. سَنَّتْ هَا رَا پَسِ از كَهَنگِي وَ فِرْسُودگِي رُوشَن سَاخْتِي وَ بَرَايِ تُوَسْتِ سَابِقَه جِهَادِ بَرِ سِرِّ تَصْدِيقِ ظَاهِرِ قُرْآنِ وَ بَرَايِ تُوَسْتِ فَضِيلَتِ جِهَادِ دَرِ تَحْقِيقِ بَاطِنِي أَنْ.

ص: 376

دشمن تو دشمن خدا و منکر پیامبر خداست که به باطل می خواند و به ستم حکم می دهد و غاصبانه فرمان می راند و پیروانش را به سوی آتش می کشاند.

## عمار در صفین

زیارت امیر المؤمنین در روز غدیر

وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ: الرَّوَاحُ الرَّوَاحُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ لَمَّا اسْتَسْقَى فَسُقِيَ اللَّبَنَ كَثِيرًا وَقَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا صِيَاخٌ مِنْ لَبَنٍ، وَ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ؛ عَمَّارٌ، مِي جَنگِيد و مِيان دو لشکر، ندا مِي داد پيش به سوی بهشت و چون آب خواست و با شیر سیرابش کردند تکبیر راند و گفت پیامبر صلی الله علیه و اله به من فرمود: «آخرین نوشیدنی تو از دنیا شیر رقیق شده است و تو را گروه ستم کار می کشد».

فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ، فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَهْبَهُ عَلَيْكَ، وَ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ سَيْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ، وَ أَعْمَصَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْهُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ يَدًا أَوْ لِسَانًا وَ لَمْ يَمْلِكْ أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ، أَوْ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ؛ پس، ابو عادیة فزاری راه بر او گرفت و وی را به شهادت رساند پس لعنت خدا و لعنت همه فرشتگان و فرستادگانش تا روز قیامت بر ابو عادیة باد و نیز بر هر کسی که به روی تو شمشیر کشید و نیز بر مشرکان و منافقانی که تو ای امیر مؤمنان بر آن ها شمشیر کشیدی و نیز لعنت خدا بر آن که به ناخشنودی تو رضایت داد و آن را ناپسند نداشت و چشم بر هم نهاد و انکارش نکرد یا با دست و زبان (دشمنت را) بر ضد تو یاری داد یا از یاری ات دست کشید یا از جهاد در کنار تو تن زد یا فضلت را

برنتافت یا حقت را انکار کرد یا کسی را که خداوند تو را به او از خودش سزاوار تر قرار داده بود، با تو هم تراز شمرد

وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَعَلَى الْأَيِّمَةِ مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ و درود های خدا و نیز رحمت و برکات و سلام و شاد باش های او بر تو و پیشوایان از میان خاندان پاک تو که او ستوده و شکوهمند است

### حادثه ناگوار فدک

وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَفْضَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقًّا، غَضِبَ الصِّدِّيقَةُ الزَّهْرَاءُ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ فَدَكًّا، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَّالَتِكَ وَ عِتْرَةِ أَخِيكَ الْمُصَدِّقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَرَفَعَ مَنَزِلَتَكُمْ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا (1) امر عجیب تر و حادثه ناگوار تر بعد از غضب امامت، تو غضب فدک حضرت صدیقه طاهره، سیده زنان عالم بود و رد کردن شهادت تو و دو سید اهل بهشت حضرت امام حسن و حضرت امام حسین فرزندان که عترت پیغمبر خدا بودند. درود و رحمت خدا بر شما اهل بیت پیغمبر باد که خدا شما را بر تمام امت بلند مرتبه تر و منزلت شما را رفیع تر قرار داد و فضل و شرافت شما را بر اهل عالم آشکار کرد و شما را از هر رجس و ناپاکی کاملاً پاک و منزّه ساخت!

قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جُرُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (2) فَاسْتَنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ

ص: 378

1- اشاره به آیه 33 سوره احزاب

2- سوره معارج، آیه 19 تا 21



ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرًا، أَوْ جَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا. فَلَمَّا آَلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَىٰ مَا أَجْرِبَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشَدَّ بَهْتٌ مِّحْنَتِكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ خدای عز و جل فرمود: «انسان طبعاً و خلقتاً حریص و ناشکیباست هرگاه شری به او برسد به جزع و ناله در آید و چون به خیری نایل گردد از حرص منع احسان می کند مگر اهل نماز» که مراد پیغمبر برگزیده اش و شخص توست ای امیر مؤمنان که از تمام خلق تو سید اوصیای رسولی!

پس چه اندازه در گمراهی سرگشته و حیران ماندند آنان که در امر امامت و سلطنت الهیه در باره تو ستم کردند، آن گاه از راه مکر و خدعه سهم ذوی القربی را بر تو فرض و لازم گردانیدند و به ظلم و جور از اهل آن فدک و حقوق ذوی القربی را منع کردند و سپس که امر خلافت به تو باز گشت باز از آن برای رضای حق در گذشتی؛ پس حال مظلومی و محنت و آلام تو به محن و آلام پیغمبران علیهم السلام شبیه بود در هنگامی که آن ها تنها و بی یار و یاور بودند.

### در بستر پیامبر صلی الله علیه و اله

و أَشْبَهَتْ فِي الْبِيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ إِذْ أَحْبَبْتَ كَمَا أَحْبَبَ، وَ أَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا؛ إِذْ قَالَ لَهُ: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»؛ (1) تو با شب خوابیدن در بستر (پیامبر صلی الله علیه و آله)، به (اسماعیل) ذبیح علیه السلام (در قربان گاه) مانند بودی، هنگامی که هم چون او (به پیامبر صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت دادی و همانند اسماعیل صبورانه و خالصانه اطاعت نمودی آن گاه که (ابراهیم علیه السلام) به او گفت: «پسرم من در خواب دیدم که تو را قربانی می کنم، نظر تو

ص: 379

چیست؟ گفت: ای پدرم آن چه را فرمان یافته ای، انجام بده، که این شاء الله مرا از صابران می یابی»

وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَا تَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَأَمَرَكَ أَنْ تَضَطَّجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقْبِأَ لَهُ بِنَفْسِكَ ، أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا ، وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا؛ و همین گونه تو آن گاه که پیامبر تو را - که درود خدا بر شما دو تن باد - بر بستر خویش خوابانند و به تو فرمان داد که در خوابگاه او بیارامی تا با (بذل) جان او را حفظ کنی از سر اطاعت بی درنگ اجابتش کردی و خود را برای کشته شدن آماده ساختی

فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ ، وَ أَبَانَ عَنِ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (1) پس خدای متعال از این فرمان برداری ات سپاس گزاری نمود و این کار زیباییت را در گفته خویش که یادش بزرگ باد، چنین آشکار کرد: «و از مردم کسی است که در طلب رضایت خدا جان فشانمی کند»

### فتنه حکمیت در صفین

ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيَلًا وَ مَكْرًا ، فَأَعْرَضَ الشُّكُّ ، وَ عُرِفَ الْحَقُّ ، وَ اتَّبَعَ الظَّنُّ ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ؛ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ ، وَ هَارُونَ يُنَادِيهِمْ: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»؛ (2) سپس در نبرد صفین تو را آزمود، در حالی که قرآن ها را به حيله و مکر، بالا بردند و شک، رو آورد و در حالی که حق مشخص بود از گمان پیروی شد هم چون ابتلای هارون، آن گاه که موسی علیه السلام او را بر قوم خود فرمان روا کرد؛ اما از او گسستند و هارون ندای شان می داد

ص: 380

1- سوره بقره، آیه 207.

2- سوره طه، آیه 90 و 91.

«ای قوم من شما با این (گوساله) به فتنه افتادید و پروردگار شما، (خدای) رحمان است. پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا بپذیرید. (آن قوم) (در پاسخ هارون) گفتند: ما به پرستش گوساله ادامه می دهیم تا موسی (از میقات) به نزد ما باز گردد».

و كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا زَفَعْتَ الْمَتَصَاحِفُ قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ. فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ وَاسْتَدَعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ، فَأَيَّتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَّرَاتِ إِلَى اللَّهِ مِنْ فَعْلِهِمْ وَفَوَضَّتْهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ، وَسَدَّ فِيهِ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَالِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ، وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَالزَّمُوكَ عَلَى سَدِّهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَيْتَهُ، وَأَحْبَوهُ، وَحَضَرْتَهُ وَأَبَا حُوا ذَنَبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدًى، وَهُمْ عَلَى سُدْنِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى؛ تُوْنِيز، آن هنگام که قرآن ها بر سر نیزه رفت این گونه گفتمی «ای قوم من! شما (با این حيله) فتنه زده و گول خورده اید»؛ اما آنان از تو سر پیچیدند و با تو مخالفت کردند و خواستار تعیین داور شدند و تو امتناع کردی و از کار آنان نزد خدا بیزارى جستی و (کار را) به خود شان واگذار نمودی و چون حق چهره گشود و زشتی منکر نمایان شد به لغزش و انحراف خود از حق، اقرار نمودند و پس از آن اختلاف کردند و تو را با وجود خود داری ات، به (پذیرش) حکمیتی نابخردانه وادار کردند و بدان علاقه نشان دادند با آن که آنان را هشدار داده بودی؛ و گناه خود کرده را روا دانستند در حالی که تو بر راه روشن و هدایت بودی و آنان بر (کج) راه تاریکی و ضلالت.

فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفَاقِ مُصْرِبِينَ وَفِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهَ وَبَالَ أَمْرِ هُمْ فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِي وَهُوَى، وَأَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدَى؛ پس همواره بر نفاق خود اصرار داشتند و در گمراهی می چرخیدند، تا آن که خداوند، سرانجام کارشان را به آنان چشاند

و با شمشیر تو، معاندان را کشت که بدبخت و نگون سار شدند و (خداوند) با حجت تو سعادت‌مندان را زنده و هدایت کرد

## فضائل بی انتها

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةٌ وَرَائِحَةٌ وَذَاهِبَةٌ، فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ، وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَأَدْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقْتِ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ، وَفَلَّتِ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُحْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيَانِكَ، وَ تَكْشِفُ لَيْسَ الْبَاطِلِ عَنِ صَدْرِ رِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ، وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِظُ الْوَاصِفِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (1) درود های خدا هر صبح و شام، و در سفر و در حضر بر تو باد که ستایش گر به اوصاف تو احاطه نیابد و سرزنش گر فضیلت را نابود نمی تواند کرد.

تو نیکو ترین مردم در عبادت و خالص ترین آنان در زهد و غیور ترین حامی دین بودی با تمام توانت احکام الهی را جاری کردی و لشکر خوارج را با شمشیرت در هم شکستی با سر پنجه ات آتش جنگ را خاموش کردی و با بیانت پرده های شبهه را دریدی و حق را از میان تیرگی های باطل بیرون کشیدی

در راه خدا از سرزنش ملامت گران نهرا سیدی و مدح خدای متعال تو را از مدح مداحان و ستایش توصیف گران، بی نیاز کرده است، (که) خدای متعال فرمود: «از میان مؤمنان مردانی هستند که صادقانه به عهد شان با خدا وفا کردند برخی به شهادت رسیدند و برخی در انتظارند و آنان هرگز (عقیده خود را) تغییر ندادند»

ص: 382

وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ التَّائِبِينَ وَالْمَارِقِينَ وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ: أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ؟ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا؟ وَاثِقًا بِأَنَّكَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَبَصِيرَةً مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمًا عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْشِرًا بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (1) چون دیدی با کشتن عهد شکنان (ناکثین) و ستم کاران (قاسطین) و از دین به در رفتگان (مارقین)، وعده پیامبر خدا به تو درست بود و به عهدش وفا نمودی، گفتمی «آیا وقت آن نرسیده است که این (ریش) با این (خون سر) خضاب شود؟» یا «بدبخت ترین فرد امت کی دست به کار می شود؟»؛ چون به این که دلیلی روشن از جانب پروردگارت داری مطمئن بودی و در کارت بینش داشتی و به سوی خداوند می رفتی و از سودایی که با او کرده ای بشارت یافته بودی و این همان رستگاری بزرگ است.

### بیزاری از غاصبان ولایت و ظالمان به اهل بیت علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ؛ خدایا! قاتلان پیامبرانت و (قاتلان) اوصیای پیامبران را با همه نفرین هایت نفرین کن و داغی آتشت را به آنان بچشان!

وَالْعَن مَنْ غَضَبَ وَ لِيكَ حَقَّهُ وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَ الْإِفْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ اكْمَلْتُ لَهُ الدِّينَ؛ و لعنت کن کسی را که حق ولی تو را غضب کرد و پس از اقرار و بعد از یقین به ولایت او، در روز غدیر، که روز تکمیل دین حق بود باز عهد او و بیعت با او را انکار کرد

اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ؛ خدایا! قاتلان امیر مؤمنان و ستم کاران بر او و پیروان و یاوران شان را نفرین کن

ص: 383

اللَّهُمَّ الْعَن ظَالِمِي الْحُسَيْنِ، وَقَاتِلِيهِ، وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقِتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنًا وَبِيلاً؛ خدایا! ستم کاران بر حسین علیه السلام و قاتلان او و پیروان و یاوران دشمنش و رضایت‌مندان به قتلش و فروگذاران او را نفرینی سخت و شدید بنما

اللَّهُمَّ الْعَن أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانعِهِمْ حقوقِهِمْ؛ خدایا! نخستین ستم کاری را که بر خاندان محمد صلی الله علیه و سلم ظلم کرد و (آنان را) از حقشان باز داشت لعنت فرست

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنَ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛ خدایا! اولین ظالم و غاصب حق آل محمد را و هر کس تا قیامت از سنت او پیروی کرد به لعن مخصوص بدار!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الظَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِمُؤَالَاتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَهْنِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ (1) خدایا! بر محمد خاتم پیامبران و سرور فرستادگان و خاندان پاکش درود فرست و آنان را دستاویز ما و ولایت شان را مایه رستگاری و ایمنی ما قرار ده؛ (همان) کسانی که بیمی بر آن‌ها نیست و اندوهگین نیز نمی‌شوند که تو ستوده بزرگی

ص: 384

---

1- المزار الكبير، ص 264، ح 12، عن أبي القاسم بن روح و عثمان بن سعيد العمري، عن الإمام العسكري عليه السلام المزار للشهيد الأول، ص 66؛ بحار الأنوار، ج 100، ص 359، ح 6، نقلا عن المفيد.

7- واقعہ غدیر

اشارہ

ص: 385





## اهمیت حجة الوداع

ہجرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و خروج آن حضرت از مکہ معظمہ، نقطہ عطفی در تاریخ اسلام به شمار می آید بعد از این ہجرت حضرت سه بار به مکہ سفر کرده اند.

بار اول در سال ہشتم ہجری و پس از صلح حدیبیہ، به عنوان عمرہ وارد مکہ شدند و طبق قرار دادی کہ با مشرکین بستہ بودند فوراً بازگشتند

بار دوم در سال نهم ہجری به عنوان فتح مکہ وارد این شہر شدند، و پس از پایان برنامه ہا و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی بہ طائف رفتند و هنگام بازگشت بہ مکہ آمدہ و عمرہ بہ جا آوردند و سپس بہ مدینہ بازگشتند

سومین و آخرین باری کہ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ بعد از ہجرت وارد مکہ شدند در سال دہم ہجری بہ عنوان حجة الوداع بود حضرت در آن سال برای اولین بار بہ طور رسمی اعلان حج دادند تا ہمہ مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود و آن عبارت بود از دو حکم مهم از قوانین اسلام کہ هنوز برای مردم بہ طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی حج، و دیگری مسألہ خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ

از امام باقر علیہ السلام در این بارہ روایت شدہ است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ از مدینہ آہنگ

کردند. تا آن زمان همه احکام شرعی جز حج و ولایت را بر قوم خود ابلاغ فرموده بودند. در این هنگام جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! خدایت سلام می رساند و می فرماید:

إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَرُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَتَكْثِيرِ حُجَّتِي وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَفَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ وَالْخَلِيفَةِ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنِّي لَمْ أُخْلِ أَرْضِي مِنْ حُجَّةٍ وَلَمْ أُخْلِهَا أَبَدًا؛ من هیچ يك از پیامبران و فرستادگان خویش را قبض روح نمی کنم مگر پس از آن که دین خود را به حد کمال برساند و حجت و برهان خویش را تأکید کنم و از این دین دو چیز بر عهده تو باقی مانده است که بر قوم خود ابلاغ کنی: فریضه حج و فریضه ولایت و این که خلیفه پس از تو کیست و من هیچ گاه زمین خود را از حجت خالی نگذاشته و هرگز آن را خالی نخواهم گذاشت.

اکنون خدایت فرمان می دهد که به قوم خود ابلاغ کنی تا برای حج آماده شوند و خودت حج بگذاری و هر کس که از شهر نشینان و ساکنان حومه و اعراب اطراف می توانند حج بگذارند با تو همراه باشند تا مراسم حج را هم به آنان بیاموزی همان گونه که نماز و زکات و روزه و احکام آن ها را به ایشان آموخته ای و مردم را در این دو مسأله هم چنان آموزش دهی که موارد دیگر دین را آموزش داده ای

منادی پیامبر صلی الله علیه و آله میان مردم ندا داد که همانا رسول خدا آهنگ حج دارد تا مراسم و اعمال آن را به شما آموزش دهد و همان گونه که از دیگر احکام دین شما را آگاه کرده است، از این هم آگاه فرماید. (1)

ص: 388

پس از اعلان، عمومی مهاجرین و انصار و قبایل اطراف مدینه و مکه و حتی بلاد یمن و غیر آن به سوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبر شان بیاموزند و در اولین سفر رسمی حضرت به عنوان حج شرکت داشته باشند اضافه بر آن که حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد.

جمعیتی حدود یک صد و بیست هزار نفر (1) در مراسم حج شرکت کردند که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، به طوری که لبیک گوینان از مدینه تا مکه متصل بودند.

حضرت چند روز به ماه ذیحجه مانده از مدینه خارج شدند و بعد از ده روز طی مسافت در روز سه شنبه پنجم ذیحجه وارد مکه شدند.

امیر المؤمنین علیه السلام هم که قبلاً از طرف حضرت به یمن و نجران برای دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه رفته بودند، به همراه عده ای در حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن برای ایام حج به مکه رسیدند.

### حضور جبرائیل در عرفات

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات وقوف فرمود جبرئیل به حضورش رسید و گفت: ای! محمد خدای عز و جل سلامت می رساند و می فرماید: همانا مرگ تو نزدیک و مدت عمرت سپری شده است و من تو را به چیزی که از آن چاره و گریزی نیست پیش می برم

اکنون وصیت خویش را فراهم ساز و آن چه از علوم و میراث علوم پیامبران پیش

ص: 389

---

1- تذکرة الخواص سبط بن الجوزی، ج 1، ص 37. این تعداد با توجه به جمعیتی که برای شبه جزیره در آن روزگار تخمین زده می شود و با توجه به تعداد سی هزار نفر مرد جنگی که علی رغم شرایط دشوار خشک سالی و بیم از رو به رو شدن با امپراتوری روم در غزوه تبوک به سال نهم هجرت شرکت کردند دور از ذهن نیست؛ چرا که بر خلاف شرایط دشوار جنگ، در حجة الوداع زنان و کودکان و سال خوردگان نیز حضور داشتند.

از تو و سلاح و تابوت سکینه نزد تو هست و همه آیات پیامبران پیشین را به وصی و خلیفه بعد از خودت تسلیم کن که او حجت بالغه من بر مردم است و او علی بن ابی طالب علیه السلام است و او را برای مردم به این سمت منصوب کن و از او عهد و پیمان لازم را بگیر و به مردم هم تذکر بده که عهد و پیمانی را که از ایشان گرفته ام یاد آورند که باید ولی مرا دوست داشته باشند و مولای ایشان و مولای هر زن و مرد مؤمن علی بن ابی طالب علیه السلام است

همانا که من هیچ يك از پیامبران را قبض روح نمی کنم، مگر پس از این که دین خود را کامل کنم و نعمت خود را با ولایت اولیای خود و ستیز با دشمنان خویش به کمال برسانم و این موضوع بستگی به کمال توحید و دین و اتمام نعمت من بر خلق من دارد و باید از ولی من پیروی و فرمان برداری کنند

من هیچ گاه زمین را بدون سرپرست رها نمی کنم و همان حجت من بر خلق من است و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (1) امروز دین شما را برای شما کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و آیین اسلام را برای شما برگزیدم.»

عَلِيِّ وَوَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ عَلِيِّ عَبْدِي وَ وَصِيِّ نَبِيِّ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةُ عَلِيٌّ خَلْقِي عَلِيٌّ وَ وُلِيٌّ مِنْ وَ مُؤْمِنٍ مِنْ هَرِّ مَرْدٍ وَ زَنْ مُؤْمِنٍ اسْتِ عَلِيٌّ بَنْدِهْ مِنْ وَ وَصِيٌّ پِيَامْبَرِ مِنْ وَ خَلِيفَهْ پَسْ اَزْ اَوْ وَ حُجَّتْ بَالِغَهْ مِنْ بَرْ خَلْقِ مِنْ اسْتِ.

مَقْرُونٌ طَاعَتُهُ مَعَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ وَ مَقْرُونٌ طَاعَةُ مُحَمَّدٍ بِطَاعَتِي مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي؛ فرمان برداری از او وابسته و پیوسته به فرمان برداری از محمد صلی الله علیه و سلم است و فرمان برداری از محمد صلی الله علیه و سلم پیوسته به فرمان برداری از من است؛ هر کس از محمد صلی الله علیه و سلم فرمان برد، از من فرمان برده است و هر کس از او سرپیچی کند، از من

ص: 390

سرپیچی کرده است.

جَعَلْتُهُ عَلَمًا بَيْنِي وَبَيْنَ خَلْقِي فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ أَشْرَكَ بِبَيْعَتِهِ كَانَ مُشْرِكًا وَمَنْ لَقِينِي بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَقِينِي بِعَدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ وَمَنْ أَوْرَا نِشَانَهُ مِثْلَ خُودِ وَخَلَقَ خُوَيْشَ قَرَارَ دَادِهِ أَمِ هَر كَسٍ أَوْرَا بَشِنَاسِدَ مُؤْمِنٍ وَهَر كَسٍ أَوْرَا نِشِنَاسِدَ كَافِرٍ أَسْتِ وَهَر كَسٍ بِيَعْتِ أَوْ شَرِكِ وَرَزْدِ مَشْرِكِ أَسْتِ. هَر كَسٍ رُوزِ رَسْتَاخِيزِ بَا وَلايْتِ عَلِي عَلِيهِ السَّلَامِ بَا مِنْ رُوبِ هِ رُوشُودِ وَارِدِ بَهْشْتِ خُواهِدِ شُدِ وَهَر كَسٍ بَا دِشْمَنِي أَوْ بَا مِنْ رُويَا رُويِ شُودِ، بِهِ آتَشِ دَرِ خُواهِدِ افْتَادِ.

اکنون ای محمد علی را منصوب کن و از مردم بیعت بگیر و عهد و میثاق مرا که از ایشان گرفته ام یادشان آور که من جانت را به سوی خویش فرا می خوانم.

### **خوف پیامبر صلی الله علیه و آله از دشمنی ها نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام**

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره از قوم خویش و آنان که منافق و بدبخت بودند بیم کرد که پراکنده شوند و به آیین جاهلی خویش باز گردند، که از دشمنی و ستیزه های نفسانی آنان نسبت به علی علیه السلام آگاه بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل خواست که از خداوند مسألت فرماید که از مردم در امان باشد و منتظر ماند تا جبرئیل این موضوع را به پیش گاه خداوند ابلاغ کند و تبلیغ این موضوع را به تأخیر انداخت تا به مسجد خیف رسید.

جبرئیل در مسجد خیف به حضور پیامبر آمد و به ایشان گفت عهد خود را انجام دهد و علی علیه السلام را منصوب فرماید ولی موضوع در امان بودن از مردم را ابلاغ نکرد تا آن که پیامبر صلی الله علیه و آله به منطقه کراع الغمیم (1) که میان مکه و مدینه است رسیدند

در کراع الغمیم جبرئیل به حضور ایشان باز آمد و موضوع خلافت علی

ص: 391

---

1- کراع الغمیم محلی است در هشت میلی منطقه عسفان و میان مکه و مدینه. (معجم البلدان، ج 7، ص 226).

را بازگو کرد ولی هم چنان موضوع در امان بودن از مردم را بیان نکرد و پیامبر به جبرئیل فرمود بيم از آن دارم که قوم من مرا تکذیب کنند و گفتار مرا در باره علی علیه السلام را نپذیرند و حرکت فرمود (1)

## علت خوف

آن گونه که از احادیث استفاده می شود پیامبر صلی الله علیه و آله قصد داشت در سرزمین عرفات، در آن اجتماع عظیم به موضوع ولایت و خلافت امامان بعد از خود و از جمله امام علی علیه السلام بپردازد.

جابر بن سمره می گوید «پیامبر مشغول ایراد خطبه در بین جمعیت بود تا سخن او به اینجا رسید: «لَا يَزَالُ هَذَا الْإِسْلَامُ عَزِيْزًا إِلَيَّ اِثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً...؛ همواره این دین عزیز و پیروز است تا وقتی که دوازده نفر بر آن ها حکومت کنند...»

جابر می گوید: تا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به اینجا رسید همه سر و صدا کردند و هیاهو نمودند. لذا نفهمیدم که بعد از آن حضرت چه فرمود. از پدرم پرسیدم: پیامبر چه فرمود؟ گفت فرمود: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ همه آن ها از قریش اند». (2)

از این روایت و روایات دیگر استفاده می شود که چون مخالفان نمی خواستند بنی هاشم و در رأس آن ها حضرت علی خلافت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و سلم را بر عهده بگیرند، وقتی حرف پیامبر به این جا رسید جلسه را بر هم زدند تا پیامبر به هدف خود نائل نشود.

بعد از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال فرصت مناسبی بود تا این مسأله را به طور آشکار به مردم ابلاغ نماید. از طرفی خوف داشت در اثر اصرار و تأکید بر آن، دین و آیینش مورد تعرض قرار گیرد و مایه ایجاد اختلاف شود.

تا این که آیه تبلیغ بر پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم نازل شد و پیامبر را تهدید کرد که اگر این امر را به مردم ابلاغ نکنی، گویا اصلاً اصل رسالت را ابلاغ نکرده ای.

ص: 392

1- روضة الواعظین، ج 1، ص 90.

2- الغيبة للنعمانی، ص 124

از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در وسط بیابان گرم و سوزان نگه داشت و موضوع ولایت حضرت علی علیه السلام را بر مردم ابلاغ داشت. (1)

پس علت تعویق بیان امامت از عرفات به غدیر این بود که در عرفات جو مناسب نبود و مجلس و خطبه حضرت را به هم زدند و موجب خوف پیامبر از تفرقه در دین و آسیب دیدن دین شد لذا بیان امامت به غدیر انداخته شد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود در خطبه غدیر سبب خوف را این گونه بیان فرمودند: «همانا جبرئیل سه بار بر من نازل شد و سلام خدا را رساند و فرمود: در این مکان (غدیر خم) توقف نمایم و به سیاه و سفید شما اعلام کنم که علی وصی و جانشین من و پیشوای شما بعد از من است جای گاه او نسبت به من مانند جای گاه هارون نسبت به موسی است با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد علی پس از خدا و پیامبر رهبر شماست

سپس از فضائل حضرت علی علیه السلام سخن گفتند و ادامه دادند از جبرئیل درخواست کردم تا مرا از اعلام ولایت علی علیه السلام معاف بدارد؛ زیرا ای مردم، می دانم که تعداد پرهیز کاران اندک و شمار منافقان فراوان است و گنه کارانی پرفریب وجود دارد که اسلام را مورد استهزا قرار می دهند.

هم اکنون اگر بخواهم منافقان را با نام و نشان معرفی کنم، یا با انگشت به سوی آنان اشاره نمایم، یا مردم را برای شناخت آنان راهنمایی کنم می توانم، اما من، سوگند به خدا نسبت به آنان کرامت و بزرگواری پیشه می سازم (2)

بنا بر این ابلاغ این موضوع هر چند از ابتدای ظهور اسلام و اولین روز دعوت پیغمبر تا آخرین لحظات حیات آن حضرت با نبوت همدوش بوده و همان روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خویش را اعلام کرد امامت و خلافت علی علیه السلام را نیز اعلام کرد، لکن ابلاغ آن به آن کیفیتی که بعد از نازل شدن آیه تبلیغ در روز

ص: 393

---

1- امام شناسی و امامت در قرآن، ص 77

2- الاحتجاج، ج 1، ص 66.

غدیر انجام گرفت تحقق نیافته بود.

از این رو، رسول الله صلی الله علیه و آله و از ابلاغ آن با داشتن مخالفان سر سخت احساس نگرانی می کرد؛ زیرا هم به علم غیب و هم به حکم قرائن موجود و عناد برخی از مسلمین با علی علیه السلام به خوبی می دانست که گروهی از مهاجر و انصار در مقام انکار و مخالفت با این پیام الهی بر خواهند آمد.

براین اساس برای جلوگیری از این مخالفت در انتظار فرصتی بوده که زمینه ای آماده و کنگره ای باشکوه از عموم طبقات مسلمین تشکیل شود تا مأموریت خویش را انجام داده و در باره تعیین جانشین خود سخن بگوید و به نام و مشخصات او تصریح کند و از عموم مردم نیز برای خلافت او بیعت بگیرد، به گونه ای که آن مجتمع در تاریخ ضبط شود و قابل انکار نباشد.

بنا بر آن چه در «اقبال الاعمال» سید بن طاووس آمده است احتمال دارد دلیل خود داری و تأخیر پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ امر ولایت و ترک اظهار این فضیلت بزرگ و منزلت شریف به فرمان خدای تعالی بوده است تا برای امت روشن شود که این پیامبر صلی الله علیه و آله نیست که علی علیه السلام را برای این مقام برگزیده است، بلکه خدای تعالی او را برگزیده است. (1)

### نخستین خطابه در منی

پیامبر صلی الله علیه و آله اولین خطابه خود را در منی ایراد فرمودند. این خطابه در واقع یک زمینه سازی برای خطبه غدیر بود

در این خطبه ابتدا به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم اشاره نمودند و سپس خون های به ناحق ریخته شده و اموال به ناحق گرفته شده در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزی ها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تأمین امنیت آماده گردد.

ص: 394



سپس مردم را بر حذر داشتند که مبادا بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند. در همین جا بود که تصریح فرمودند: «اگر من نباشم علی بن ابی طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد».

سپس حدیث ثقلین بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند: «من دو چیز گران بها در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت»

اشاره ای هم داشتند به این که عده ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده می شوند (1)

### خطبه پیامبر علیه السلام در مسجد خیف

در روز سوم از توقف در منی بار دیگر حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند حضرت در مسجد خیف نیز خطابه ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند که گفته های ایشان را خوب به خاطر بسپارند و به غائبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دل سوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند بعد از آن بار دیگر متعرض مسأله خلافت شدند و حدیث ثقلین بر لسان آن حضرت جاری شد و بار دیگر برای غدیر زمینه را آماده کردند.

در این مقطع، منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و برنامه های خود را آغاز کردند و پیمان نامه نوشتند و هم قسم شدند که خلافت و جانشینی در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتد و برای قتل آن حضرت برنامه ریزی کردند. (2)

ص: 395

---

1- بحار الأنوار، ج 37، ص 113

2- بحار الأنوار، ج 37، ص 114

## اعلان رسمی برای حضور در غدیر

با اینکه انتظار می رفت پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج به منادی خود بلال، دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در غدیر خم حاضر باشند.

غدیر کمی قبل از جحفه است که به امر خاص الهی انتخاب شد. در این مکان آبگیر و درختان کهن سالی وجود داشت. هم اکنون نیز، غدیر محل شناخته شده ای در دویست و بیست کیلومتری مکه و به فاصله دو میل قبل از جحفه به طرف مکه قرار دارد و مسجد غدیر و محل نصب امیر المؤمنین علیه السلام محل عبادت و زیارت زائران است

برای مردم بسیار جالب توجه بود که پیامبر شان بعد از ده سال دوری از مکه، بدون آن که مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدار شان بیایند و مسائل خود را مطرح کنند، بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در غدیر امر نمودند.

صبح آن روز که پیامبر علیه السلام از مکه حرکت کردند سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر (و به قولی صد و چهل هزار و به قول دیگر صد و هشتاد هزار نفر تخمین زده می شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی عده ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن که مسیر شان به سمت شمال نبود همراه حضرت تا غدیر آمدند.

## فرمان خدا در غدیر

چون به غدیر خم رسیدند پنج ساعت از روز گذشته بود که جبرئیل با فرمانی استوار و امان از مردم باز آمد و گفت ای محمد خدای عز و جل سلامت می رساند و چنین می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مِثْلَ مَنْ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (1)

ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند

در اینجا بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شد که خداوند او را از شر مردم محفوظ می دارد از این رو فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ أَحْيُوا دَاعِيَ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ؛ ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.

و این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است. سپس فرمان دادند تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند و آنان که پیش رفته اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند توقف کنند» تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

### توقف مردم در غدیر

پس از این دستور همه مرکب ها متوقف شدند و کسانی که پیشتر رفته بودند بازگشتند و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند، و کم کم آرام گرفتند.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین سوزنده و به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند و عده ای از شدت گرما عباي خود را به پایشان پیچیده بودند (2)

ص: 397

---

1- سوره مائده، آیه 67

2- بحار الأنوار، ج 37، ص 152.

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا به محل درختان کهن سال بروند و آن جا را آماده کنند. آن ها خار های زیر درختان را کنند و سنگ های ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جاروب کردند و آب پاشیدند در فاصله بین دو درخت روی شاخه ها پارچه ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگ ها را روی هم چیدند و از رو انداز های شتران و سایر مرکب ها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند و آن را طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند (1).

### **پیامبر و امیر المؤمنین علیهما السلام بر فراز منبر**

انتظار مردم به پایان رسید. ابتدا منادی حضرت ندای نماز جماعت داد، و سپس نماز ظهر را به جماعت خواندند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز آن منبر ایستادند و امیر المؤمنین علیه السلام را فرا خواندند و به ایشان دستور دادند بالای منبر بیایند و در سمت راست شان بایستند.

قبل از شروع خطبه امیر المؤمنین علیه السلام یک پله پایین تر بر فراز منبر در طرف راست حضرت ایستاده بودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نگاهی به راست و چپ جمعت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. پس از آماده شدن مردم سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند.

ص: 398

در اثنای خطبه، پیامبر صلی الله علیه و آله دو اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که بسیار جالب توجه بود:

1. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام، برای آن که تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد و هر تلاشی در این راه در نطفه خنثی شود ابتدا مطلب را به طور لسانی اشاره کردند و سپس به صورت عملی برای مردم بیان کردند. ابتدا فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ فَوَ اللَّهُ فَهُوَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ نُورًا وَاحِدًا وَ لَا يُوضِّحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصَدِّعُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بَعْضُهُ وَ مُعَلِّمُكُمْ أَن مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ أَي گروه مردم در مورد قرآن تدبر کنید و آیات محکم آن را نیکو بفهمید و از آیات متشابه پیروی نکنید به خدا سوگند هرگز کسی دشواری ها و تفسیر آن را برای شما روشن نمی کند جز همین کس که من دست او را می گیرم و به سوی خود بر می آورم و بازویش را بر می افرازم و به شما اعلام می کنم که هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست.

بعد از آن حضرت گفته خود را عملی کردند و بازوی علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفتند. در این هنگام امیر المؤمنین علیه السلام دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آن که دست های هر دوی آن ها به سوی آسمان قرار گرفت.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن ها حضرت در برابر زانوهای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند: «هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست.»

2. اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه از طرفی غیر ممکن بود و از سوی دیگر امکان داشت افراد به بهانه های مختلف

از زیر بار بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت از این رو حضرت در اواخر سخنان شان فرمودند:

ای مردم شما بیش از آن هستید که در یک جلسه بتوانید با من دست بیعت دهید و خدای عز و جل فرمان داده است که نخست از شما اقرار زبانی بگیرم که در مورد امیر المؤمنین علی و امارت او و امامانی که پس از او می آیند و از نسل من و اویند اقرار کنید و به شما گفتم و اعلام کردم که ذریه من از صلب اویند. اکنون همگان بگویید:

إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَهُ عَنْ أَمْرِ رَبِّي وَأَمْرٍ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمِنْ وُلْدِهِ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأُئِمَّةِ عَلَى ذَلِكَ قُلُوبُنَا وَأَنْفُسُنَا وَاللَّسِ نَتْنَا وَأَبْدَانُنَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيَا وَنَمُوتُ وَتَبَعْتُ إِلَّا نَعْيِرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ وَنُعْطِي اللَّهَ وَنُعْطِيكَ وَنُعْطِي عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأُئِمَّةَ الَّذِينَ لَهُمْ ذِكْرٌ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛ (1) ما شنوا و فرمان بردار و پذیرا و خشنود به آن چیزی هستیم که از سوی پروردگار مان که پروردگار تو نیز هست در مورد علی و فرزندانش ابلاغ کردی و در این امر با دل و جان و دست و زبان بیعت می کنیم و بر این بیعت زندگی می کنیم و می میریم و بر انگیخته می شویم. آن را تغییر و تبدیل نمی کنیم و در آن شک و تردید روا نمی داریم و از این عهد بر نمی گردیم و پیمان نمی شکنیم و از خداوند و از تو و از امیر المؤمنین علی و فرزندانش حسن و حسین که امام اند و از صلب علی و ذریه تو می باشند اطاعت می کنیم

پیداست که حضرت عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به آن چه حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن

ص: 400

وقتی کلام پیامبر علیهم السلام پایان یافت همه مردم سخن آن حضرت را تکرار کردند و بدین وسیله بیعت عمومی گرفته شد.

## بیعت مردان

پس از پایان خطبه مردم به سوی پیامبر و امیر المؤمنین - صلوات الله علیهما و آلهما - هجوم آوردند و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند. نخستین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیعت کردند خلیفه اول و دوم بودند و پس از آن دو دیگر مهاجران و انصار و مردم به ترتیب قدر و منزلت خویش بیعت کردند. آن ها به پیامبر و امیر المؤمنین علیها السلام تبریک و تهنیت می گفتند، و پیامبر صلی الله علیه و اله می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ؛ سپاس خداوندی را که ما را بر همه مردم فضیلت داده است.»

برای آن که رسمیت مسأله محکم تر شود و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را به طور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر صلی الله علیه و اله دستور دادند تا دو خیمه بر پا شود یکی را مخصوص خودشان قرار دادند تا در آن جلوس نمایند، و امر کردند تا مردم جمع شوند و یکی هم برای بیعت با امیر المؤمنین علیه السلام.

پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر صلی الله علیه و اله حضور می یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و به ایشان تبریک و تهنیت می گفتند سپس در خیمه مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبر شان با آن حضرت بیعت می کردند و به عنوان امیر المؤمنین بر ایشان سلام می کردند، و این مقام والا را به آن حضرت تبریک و تهنیت می گفتند.

برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند (1)

ص: 401

## بیعت شکان

نکته جالب توجه این جاست که نخستین کسانی که در غدیر با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت نمودند و در این کار پیش گام شدند همان هایی بودند که زودتر از همه آن را شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری رو در روی امیر المؤمنین علیه السلام ایستادند. جالب تر این که عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند:

يَعْبُحُ لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصَبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ (1) افتخار برایت باد، گواریت باد، ای پسر ابی طالب! اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده ای!

همه مردم بدون چون و چرا با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت می کردند ولی ابوبکر و عمر با آن که پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند، قبل از بیعت به صورت اعتراض گفتند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: یا از جانب خود می گویی؟) حضرت فرمودند: از طرف خداست (2)

## بیعت زنان

دستور دادند تا ظرف آبی آوردند و پرده ای زدند که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار بگیرد، تا زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب و قرار دادن امیر المؤمنین علیه السلام دستشان را در سوی دیگر با حضرت بیعت کنند؛ به این صورت بیعت زنان هم انجام گرفت.

هم چنین دستور دادند تا زنان هم به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند. (3)

ص: 402

1- الطرائف، ج 1، ص 147؛ الإرشاد، ج 1، ص 177

2- کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج 2، ص 829

3- الغدير، ج 1، ص 271؛ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 176



یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مراسم حضور داشتند. (1)

### عمامه سحاب

پیامبر صلی الله علیه و آله در این مراسم عمامه خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیر المؤمنین علیه السلام قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند: «عمامه تاج عرب است.» (2)

خود امیر المؤمنین علیه السلام در این باره چنین فرموده اند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند خداوند در روز بدر و حنین، مرا به وسیله فرشتگانی که چنین عمامه ای به سر داشتند یاری نمود (3)

### ظهور جبرئیل در غدیر

مسأله دیگری که پس از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد، این بود که مردی زیبا صورت و خوش بوی را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و می گفت:

لَقَدْ عَقَدَ هَذَا الرَّسُولُ لِهَذَا الرَّجُلِ عُقْدَةً لَا يَحُلُّهَا بَعْدَهُ إِلَّا كَافٍ؛ این پیامبر برای این مرد پیمانی بست که بعد از او جز کافر آن را بر هم نمی زند

عمر نزد او آمد و گفت: ای بنده خدا تو کیستی؟ پاسخی نداد. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: مردی را در کنار مردم دیدم که چنین می گفت! حضرت فرمودند: او جبرئیل بود تو مواظب باش این پیمان را نشکنی (4)

ص: 403

---

1- الغدير، ج 1، ص 271؛ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 1، ص 176

2- مكارم الأخلاق، ص 119

3- الغدير، ج 1، ص 291

4- قرب الإسناد، ص 61

بخش دیگری از مراسم پرشور غدیر درخواست حسان بن ثابت بود. او به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت: آیا اجازه می دهید در این باره اشعاری به عرض برسانم که خدا از آن ها راضی باشد؟ فرمودند به نام خدا بگو! حسان در جای بلندی قرار گرفت و مسلمان ها هم همچنان آماده گوش دادن بودند. وی این چنین سرود

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ \*\*\* بِخُمْ وَ أَسْمِعْ بِالرُّسُولِ مُنَادِيًا

وَ قَالَ فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَ وَلِيِّكُمْ \*\*\* فَقَالُوا وَ لَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا

إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَ أَنْتَ وَ لِيْنَا \*\*\* وَ لَنْ تَجِدَنَّ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيًا

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي \*\*\* رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَ هَادِيًا

فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَهَذَا وَ لِيُّهُ \*\*\* فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صِدْقٍ مُوَالِيًا

هُنَاكَ دَعَا اللَّهُمَّ وَالِ وَلِيُّهُ \*\*\* وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيًا

در روز غدیر خم پیامبر مسلمانان را گردآورد و به آن ها خطاب کرد و گفت: مولا و ولی شما کیست؟

آن ها بدون آن که اظهار تفاق و دشمنی نمایند، پاسخ دادند: خدای ما مولای ما و توهم ولی ما هستی و امروز به هیچ وجه از ما سر کشی نخواهی دید.

آن گاه فرمود یا علی از جای برخیز که من پس از خود به امامت و هدایت تو خرسندم.

و اضافه کرد: کسی که من مولای او هستم علی ولی اوست و شما هم به راستی یاور و دوست او باشید

در این جا شروع کرد به دعا نمودن که پروردگارا، دوست او را دوست بدار و با دشمنش دشمنی کن

رسول خدا صلی الله علیه و سلم از سروده های او به وجد آمد و فرمود:

لَا تَزَالُ يَا حَسَنُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَّ رَتْنَا بِلِسَانِكَ؛ (1) ای حسان، تا وقتی که ما را به زبان خود یاری می کنی روح القدس یاور و مؤید تو باشد

اشعار حسان بن ثابت به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند

### پایان مراسم غدیر

بدین ترتیب پس از سه روز مراسم پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان «ایام الولایه» در ذهنها نقش بست. گروه ها و قبائل عرب هر یک با دنیایی از معارف اسلام پس از وداع با پیامبر شان و معرفت کامل به جانشین او راهی شهر و دیار خود شدند، و پیامبر صلی الله علیه و آله عازم مدینه گردید. خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت به گوش همگان رسید و بدین گونه خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد.

### خلاصه ای از خطبه غدیر فرمان مهم الهی

پیامبر گرامی اسلام علیه السلام در آغاز این خطبه بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: «اقرار می کنم به بندگی خدا و شهادت می دهم که او پروردگار من است، و آن چه به من وحی نموده، ادا می نمایم و گر نه بیم آن دارم عذابی بر من فرود آید. ... خداوند بر من چنین وحی کرده است: «ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.»

ای مردم من در رساندن آن چه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده ام؛ جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام رساند ... و مرا مأمور کرد که در

ص: 405

این محل اجتماع به پا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم:

أَنْ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلِيَكُنْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ به راستی علی بن ابی طالب برادر وصی و جانشین من و امام بعد از من است؛ کسی که نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز این که پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش می باشد.

### ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

«ای مردم این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است.» آن گاه فرمودند:

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيَكُنْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْأَعْتَابُ الَّذِينَ مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامًا إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ؛ و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند، پروردگار شماست، و سپس امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید حلالی نیست مگر آن چه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند و حرامی نیست مگر آن چه خدا و رسولش و آنان حرام کرده باشند.

سپس فرمودند:

فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ؛ هر کس در این گفتار شک کند مانند کفر جاهلیت نخستین کافر شده است و هر کس در چیزی

ص: 406

از سخن من شک کند در همه آن چه بر من نازل شده شک کرده است و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

تا این که به این جمله معروف رسیدند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ هر کس من صاحب اختیار اویم، این علی صاحب اختیار اوست

### توجه به مسأله امامت

بعد از آن که آیه اکمال را بیان نمودند، فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ كَانَ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَأَوْلِيَّتُكَ حَبِطَتْ أَعْمَا لَهُمْ؛ ای مردم! خداوند دین شما را با امامت علی علیه السلام کامل نمود، پس هر کس به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او تا روز قیامت و رفتن به پیش گاه خدای عزیز و جلیل هستند اقتدا نکند پس چنین کسانی اعمال شان از بین رفته است.

هم چنین فرمودند:

مَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ؛ بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر کسی که دارای تقوا باشد و به او ایمان نمی آورد، مگر مؤمن مخلص.

### ائمه نار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی را که پس از ایشان با ولایت امیر المؤمنین علیه السلام به مخالفت برخاستند ائمه نار و آتش خواندند و فرمودند:

ص: 407

مَعَاشِرَ النَّاسِ سَ يَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَشِدَّاءُ عَلَيْهِمْ وَ اتَّبَاعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مِنَ النَّارِ وَ لَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ؛ ای مردم پس از من به زودی پیشوایان و امامانی خواهند بود که مردم را به آتش فرا می خوانند و روز رستاخیز یاری نخواهند شد. ای مردم! خداوند و من از آنان بیزاریم و همانا آنان و یاران و شیعیان و پیروان ایشان در پست ترین طبقه دوزخ اند و بسیار بد است جای گاه متکبران.

### اتمام حجت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این خطبه گویا و شفاف، حجت را بر همه تمام کردند و آن را متذکر شدند و ابلاغ آن را بر همه واجب فرمودند.

قَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ آن چه را باید برسانم رساندم و این برای هر حاضر و غایب و بر هر کس چه در این جا حاضر است و چه حاضر نیست و هنوز متولد نشده است حجت است البته تا روز قیامت باید شاهدان به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

### یادی از حضرت مهدی علیه السلام

در این خطبه نیز یادی از حضرت مهدی علیه السلام کردند و فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَ وصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ ای مردم من پیامبرم و علی وصی من است و همانا مهدی قائم که خاتم امامان است از ماست

اوست که دین را آشکار می سازد و از ستم گران انتقام می گیرد. همانا که او

گشاینده و ویرانگر دژ هاست و اوست که تمام فرقه های مشرکان را می کشد، او انتقام خون همه اولیای خدا را می گیرد او ناصر دین خداوند است، او از دریا های ژرف به دست خویش آب بر می دارد او صاحب هر فضلی را به فضیلتش و هر جاهلی را به جهلش نام و نشان می دهد

همانا که او برگزیده و گزینۀ خداوند است همانا که او وارث همه علوم و آگاه و چیره به همه آن هاست اوست که از خدای خود خبر می دهد و امور مربوط به ایمان را خبر می دهد او راهنمای استوار است

کارها به او تفویض شده است. اوست که همه کسانی که پیش از او بوده اند به وجود او مژده داده اند او حجت باقی خداوند است و پس از او حجتی نیست و حق فقط همراه اوست و نور و پرتوی جز پیش او نیست

هیچ کس بر او چیره و پیروز نمی شود و همانا که او ولی خدا در زمین خدا و حکم خدا میان خلق خداست و امین خدا در نهان و آشکار است.

و در پایان خطبه فرمودند: ای مردم هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.





8- پس از غدیر

اشاره

ص: 411



هر چند توطئه منافقان علیه ولایت پیشینه ای دراز داشت، اما پس از واقعه غدیر رنگ و بوی تازه ای به خود گرفت و آغاز انحراف ها و تلاش هایی بود که خبر از آینده ای تاریک و فتنه انگیز خبر می داد که بعد از وقوع شهادت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله دامن امت اسلامی را فرا گرفت و امامت را از خط اصلی خویش خارج کرد و زمام امور به دست غاصبان افتاد

منشأ این انحرافات و توطئه ها نپذیرفتن خط امامت و ولایت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در روز غدیر به اوج خود رسید.

### کسانی که از قبول ولایت سرباز زدند

امام رضا علیه السلام در بیانی زیبا کسانی را که از پذیرش ولایت امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر سرباز زدند به ابلیس تشبیه کردند و فرمودند:

وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِهِمْ وَوَلَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمْ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِأَدَمَ وَ مَثَلُ مَنْ أَبَى وَ لَأَيَّةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مَثَلُ إِبْلِيسَ؛ (1) مَثَلُ مُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِ وَ لَأَيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَوْزِ غَدِيرِ حُمْ، مَثَلُ مَلَائِكَةٍ فِي سُجُودِ شَانِ فِي رَابِعِ حَضْرَتِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْت، وَ مَثَلِ كَسَانِي كِهْ فِي رَوْزِ غَدِيرِ اَزْ وَ لَأَيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَرْبَازِ زَدَنْد

ص: 413

مَثَل ابلیس است.

از آیاتی که درباره سجده به حضرت آدم علیه السلام در قرآن آمده است در می یابیم که از همان ابتدای خلقت بشر دو جریان حق و باطل شکل گرفت؛ جریان حق به فرماندهی خلفای الهی بود و جریان باطل به فرماندهی ابلیس و شیاطین

در این بین شیاطین با ابزارهای خاص خود از هر گونه تلاشی در به انحراف کشاندن مردم از خط خلفای الهی و دشمنی با آن ها دریغ نکردند.

در ماجرای غدیر نیز مشاهده می کنیم زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد تعیین خلیفه داشت، یک فراخوان همگانی بین مسلمانان داد و از آن ها دعوت کرد تا در این مراسم حضور داشته باشند. پس از آن که اکثر مسلمانان در غدیر حضور یافتند، از آن ها نسبت به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام پیمان گرفت و به آن ها امر فرمود با امام علیه السلام دست بیعت دهند.

نکته جالب توجه این جاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خلال سخنان خویش به ماجرای حسادت ابلیس نسبت به آدم علیه السلام که منجر به اخراج ایشان از بهشت شد، اشاره کرد و امت خویش را از این رفتار ابلیس یعنی حسادت بر حذر داشت. حضرت در این بخش فرمود

إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوا فَتَحَبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ؛ ای مردم، به راستی که ابلیس آدم را با حسادت از بهشت راند مبادا شما به علی حسادت ورزید که در این صورت اعمال تان نابود و گام های تان لغزان خواهد شد.

فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ؛ آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده خدای عز و جل بود پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شماید و دشمنان خدا نیز از میان شما نیستند؟! أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَنْغِضُ عَلَيَّ الْأَشْقِي، وَ لَا يُوَالِي عَلَيَّ إِلَّا تَقِي، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ

ص: 414

مُخْلِصِ (1) آگاه باشید که با علی نمی ستیزد مگر شقی و ولایت او را نمی پذیرد مگر فرد پرهیزگار و به او ایمان نمی آورد، مگر فرد مؤمن مخلص

## دوستی دشمنان و دشمنی دوستان

سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» می نویسد:

رُويَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَرَضَ عَلِيًّا عَلَى الْأَعْدَاءِ يَوْمَ الْإِتِّهَالِ فَرَجَعُوا عَنِ الْعَدَاوَةِ وَعَرَضَهُ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ يَوْمَ الْغَدِيرِ فَصَارُوا أَعْدَاءً فَشَتَّانَ مَا بَيْنَهُمَا (2) روایت شده است که خدای متعال علی علیه السلام را در روز مباحله بر دشمنان عرضه کرد از دشمنی بر گشتند و او را در روز غدیر بر دوستان عرضه کرد دشمن شدند و میان این دو چه اندازه فاصله است.

هم امیر مؤمنان علیه السلام شدید ترین ابتلاءات را داشت و هم مردم به وسیله آن حضرت سخت مورد آزمایش قرار گرفتند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت فرمودند:

يَا عَلِيُّ إِنَّكَ مُبْتَلَى وَ النَّاسُ مُبْتَلُونَ بِكَ (3) یا علی، تو آزمایش می شوی و مردم نیز به تو آزمایش خواهند شد.

اعلام جانشینی آن حضرت در روز غدیر عظیم ترین آزمون برای مردمی بود که مدعی اطاعت از خدا و رسول بودند گروهی نتوانستند امامت آن حضرت را بپذیرند و در این امتحان رد شدند

ص: 415

1- الإحتجاج، ج 1، ص 61.

2- اقبال الأعمال، ج 1، ص 458

3- تفسیر فرات الکوفی، ص 455

زید شحام می گوید: قتاده بن دعامة نزد امام باقر علیه السلام آمد و از حضرت از تفسیر این آیه سؤال کرد:

«وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (1) (آری) به یقین ابلیس گمان خود را در باره آن ها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان

حضرت در پاسخ فرمودند: «چون خداوند به موجب آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» به پیامبر خود امر فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام را به عنوان خلیفه خود در میان مردم بگمارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را در روز غدیر خم در دستان خود گرفت و فرمود: «هر کس که من مولای او هستم علی مولای او است»، ابلیس ها بر سر خود خاک پاشیدند.

ابلیس بزرگ به آنان گفت: «چه شده است؟» آنان پاسخ دادند: «قَدْ عَقَدَ هَذَا الرَّجُلُ عُقْدَةً لَا يَحُلُّهَا إِنْسِيٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ این مرد (رسول خدا صلی الله علیه و سلم) با دستان خود گرهی بسته است که تا روز قیامت هیچ انسانی نمی تواند آن را بگشاید.»

ابلیس به آنان گفت: «كَلَّا الْآدِينَ حَوْلَهُ قَدْ وَعَدُونِي فِيهِ عِدَّةً وَلَنْ يُخْلِفُونِي فِيهَا؛ هرگز این چنین نخواهد شد؛ چرا که کسانی که اطراف او (رسول خدا صلی الله علیه و آله) هستند به من وعده ای در مورد او داده اند که هرگز خلف وعده نمی کنند»

و این گونه بود که خداوند فرمود: (آری) به یقین ابلیس گمان خود را در باره آن ها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان منظور از گروه مؤمن امیر المؤمنین علیه السلام و نسل پاک او هستند (2)

ص: 416

1- سورة سبأ، آیه 20

2- بحار الأنوار، ج 37، ص 169؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص 463.

واقعه عجیبی که به عنوان یک معجزه امضای الهی را بر خط پایان غدیر ثبت کرد، جریان حارث فهری بود. او در آخرین ساعات از روز سوم، نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و گفت:

ای محمد، سه سؤال از تو دارم آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خودت را از جانب پروردگارت آورده ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا این که در باره علی بن ابی طالب علیه السلام گفتی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، از جانب پروردگار گفتی یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: «خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلان نمی کنم»

حارث گفت: «خدایا، اگر محمد در آن چه می گوید صادق و راست گو است شعله ای از آتش بر من بفرست». این را گفت و رفت هنوز مقدار کمی نرفته بود که ابر سیاهی ظاهر شد و رعد و برقی زد و صاعقه ای او را در آتش خود فرو برد و او را سوزاند (1) همین جا بود که این آیه نازل شد:

«سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ»؛ تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند، از سوی خداوند ذی المعارج (خداوندی که فرشتگانش بر آسمان ها صعود و عروج می کنند).

پیامبر صلی الله علیه و اله به اصحاب شان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری. فرمودند:

ص: 417

طَوَّبَى لِمَنْ وَالَاةَ وَالْوَيْلُ مِنْ عَادَاهُ؛ خوشا به حال کسی که با علی دوستی کند و وای بر آن که با علی دشمنی کند

با این معجزه بر همگان مسلم شد که غدیر از منبع وحی سر چشمه گرفته و یک فرمان الهی است. (1)

### صحیفه ملعونه

عده ای در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد هم آمدند و پیمان نامه ای امضا کردند که نگذارند خلافت به امیر المؤمنین علیه السلام برسد. این پیمان نامه در منابع شیعه صحیفه ملعونه و مشئومه خوانده شده است نوشتن صحیفه ملعونه دو بار اتفاق افتاد یکی قبل از واقعه غدیر و دیگری پس از آن

مرحوم مجلسی داستان صحیفه ملعونه را در «بحار الانوار» از حدیث نقل کرده است (2) که خلاصه اش چنین است

### صحیفه اول

نخستین کسانی که بر غصب خلافت هم پیمان شدند، ابو بکر و عمر بودند. اساس و پایه ای که طبق آن پیمان بستند و سایر پیمان های شان هم بر آن پایه بود، این بود که «اگر محمد بمیرد یا کشته شود، امر خلافت را از اهل بیتش بگیریم، به طوری که تا ما هستیم احدی از آنان به خلافت دست نیابد».

بعد از آن ابو عبیده جراح و معاذ بن جبل و در آخر سالم، مولی ابی حدیفه هم به آنان پیوستند و پنج نفر شدند. اینان جمع شدند و داخل کعبه رفتند و بین خود نوشته ای در این باره نوشتند که «اگر محمد بمیرد یا کشته شود....» و در تمام این قضایا عایشه و حفصه جاسوس پدران شان در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

ص: 418

---

1- بحار الأنوار، ج 37، ص 174 ؛ البته این معجزه را با اندک تفاوتی در زمان دیگری و در مدینه، نیز نقل کرده اند.

2- بحار الانوار، ج 28، ص 111-96



سپس ابو بکر و عمر به سراغ منافقین و آزاد شدگان فرستادند و ما بین خود مشورت و نظر خواهی کردند و بر این رأی متفق شدند که هنگام بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع در گردنه «هرشی» که در راه مکه در نزدیکی جحفه است، شتر حضرت را بر مانند و به این طریق حضرت را به قتل رسانند.

کسانی که اجرای این نقشه را بر عهده داشتند چهارده نفر بودند که در جنگ تبوک هم اجرای همین نقش را بر عهده داشتند

پس از آن که امیر المؤمنین علیه السلام از طرف خداوند در غدیر خم منصوب شد، پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد تا به گردنه «هرشی» رسید آن عده جلو تر رفتند و بر سر راه پنهان شدند تا نقشه خود را عملی کنند ولی این بار هم خداوند آنان را مفتضح کرد و پیامبرش را حفظ نمود

### صحیفه دوم

این عده وقتی وارد مدینه شدند، همگی در خانه ابو بکر جمع شدند و در بین خود نوشته ای نوشتند و آن چه درباره خلافت تعهد کرده بودند در آن ذکر کردند که اولین مطلب آن شکستن پیمان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بود و این که خلافت از آن ابو بکر و عمر و ابو عبیده است و سالم نیز با آنان است و از این عده خارج نمی شود.

این صحیفه دوم را سی و چهار نفر امضا کردند که چهارده نفر همان کندگان در گردنه هرشی بودند که عبارت بودند از: ابو بکر، عمر، عثمان، معاویه عمر و عاص طلحه ابو عبیده جراح عبد الرحمن بن عوف، سالم، مولی ابی حذیفه، معاذ بن جبل ابو موسی اشعری مغیره بن شعبه، سعد بن ابی وقاص، و اوس بن حدثان.

بیست نفر دیگر عبارت بودند از: ابو سفیان عکرمه پسر ابو جهل، خالد بن ولید بشیر بن سعید سهیل بن عمرو و صهیب بن سنان، ابو الاعور اسلمی، صفوان

بن امیه سعید بن عاص، عیاش بن ابی ربیعہ حکیم بن حزام، مطیع بن اسود مدری و چند نفر دیگر که هر کدام از اینان جمعیت عظیمی را به دنبال خود داشتند که سخن شان را می پذیرفتند و از آنان اطاعت می کردند.

نویسنده این صحیفه سعید بن عاص اموی بود و در محرم سال دهم هجرت آن را نوشت. سپس آن را به ابو عبیده جراح سپردند و او آن را به مکه فرستاد. آن صحیفه همچنان در کعبه مدفون بود تا زمان عمر که آن را از محفلش بیرون آورد.

## مفاد پیمان نامه

متن صحیفه ملعونه دوم در کتاب «بحار الانوار» آمده است. (1) بخشی از مفاد آن عبارت است از:

1. این متن مورد توافق تمام مهاجرین و انصار است.
2. انگیزه نوشتن این صحیفه گمراه نشدن مسلمانان و اقتدای مسلمانان آینده به آن است.
3. حضرت محمد صلی الله علیه و آله از پیامبران الهی بوده و خداوند دستور ابلاغ دین اسلام را به او داده است. وی پس از مرگ خود جانشینی برای خود انتخاب نکرد و انتخاب جانشین خود را به مردم واگذار کرد.
4. اگر شخصی ادعا کند رسول الله شخص معینی را به عنوان جانشین خود معرفی و اسم و نسب او را بیان کرده، دروغ گفته است.
5. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اصحاب من مانند ستارگان اند؛ به هر کدام از آنان اقتدا کنید، هدایت می شوید. شخصی که ادعا کند بر دیگران برتری داشته و امام است حرف باطلی گفته است.
6. طبق حدیث «ما انبیا از خود ارث نمی گذاریم و آن چه از ما باقی می ماند صدقه است»، اهل بیت علیهم السلام رسول خدا خلیفه نیستند؛ زیرا نزدیکی خویشاوندی با

ص: 420

7. کسی که به کتاب خدا و سنت پیامبر تمسک کند گمراه نمی شود اگر شخصی این عقیده را نداشت دشمن است و باید او را کشت.

### واکنشها به صحیفه ملعونه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر خم به صحیفه ملعونه اشاره کردند و در باره امامانی که بعد از او می آیند و دعوت به آتش می کنند، هشدار دادند و جای گاه آنان و پیروان شان را در آتش دانستند و بیزاری خود را از اصحاب صحیفه اعلام کردند و فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَ يَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ؛ ای مردم پس از من پیشوایانی ظهور می کنند که شما را به سوی آتش جهنم می خوانند و در روز رستاخیز هیچ یاری و کمکی نشوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم؛ ای مردم! به راستی که خداوند و من از آنان بیزاریم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لِبَيْسِ الْمُتَكَبِّرِينَ؛ ای مردم! آنان و تمام انصار و اعوان و پیروان شان در پست ترین طبقه دوزخ اند و به راستی بد است جای گاه گردن کشان

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ؛ بدانید که آنان اصحاب صحیفه اند پس باید هر يك از شما در صحیفه اش نظر کند.

راوی حدیث می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند جز گروهی اندک بقیه مردم ماجرای صحیفه را فراموش کردند (1)

ص: 421

بنابر برخی منابع، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پیمان دوم صحیفه ملعونه، آنان را به سردمداران جاهلیت تشبیه کرد و اعلام کرد که اگر خداوند دستور به صبر و امتحان امت خود نداده بود، اصحاب صحیفه را گردن می زد. (1)

همچنین علی علیه السلام در اعتراض به غصب خلافت توسط ابو بکر ماجرای صحیفه ملعونه را به او یاد آوری کرد ابو بکر از آن حضرت سؤال کرد چگونه از ماجرا مطلع شده است؟! ایشان به زبیر سلمان اباذر غفاری و مقداد دستور داد تا ماجرای صحیفه ملعونه را که از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند تعریف کنند (2)

### توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله در هرشی

نقشه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله بارها به اجرا در آمد ولی منجر به شکست شد. یک بار در جنگ تبوک و چند بار به وسیله سم و بارها به صورت ترور آن حضرت تدارک دیده شده بود.

در حجة الوداع همان پنج نفر اصحاب صحیفه با نه نفر دیگر برای بار آخر نقشه دقیق تری برای قتل حضرت در راه بازگشت از مکه به مدینه کشیدند. نقشه چنین بود که در محلی از پیش تعیین شده در قلعه کوه هرشی - بین جحفه و ابواء - (3) کمین کنند و همین که شتر پیامبر صلی الله علیه و آله سر بالایی کوه را پیمود و در سرازیری قرار گرفت سنگ های بزرگی را به طرف شتر حضرت رها کنند تا برآمد و حضرت را بر زمین افکند و آنان با استفاده از تاریکی شب به حضرت حمله کنند و ایشان را به قتل برسانند و متواری شوند.

خداوند متعال پیامبرش را از این توطئه آگاه ساخت و وعده حفظ او را داد. منافقین که چهارده نفر بودند نقشه خود را عملی ساختند همین که شتر پیامبر صلی الله علیه و آله به قله کوه رسید و خواست رو به پایین رود، سنگ ها را رها کردند.

ص: 422

1- بحار الأنوار، ج 28، ص 106

2- اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله، ص 232

3- تفسیر القمی، ج 1، ص 181

پیامبر با یک اشاره به شتر فرمان توقف داد در حالی که حذیفه و عمار، یکی افسار شتر حضرت را در دست داشت و دیگری از پشت سر، شتر را حمایت می کرد.

با توقف شتر، سنگ ها به سمت پایین کوه رفتند و حضرت سالم ماند. منافقین که از اجرای دقیق نقشه مطمئن بودند از کمین گاه ها بیرون آمدند و با شمشیر های برهنه به حضرت حمله کردند تا کار را تمام کنند ولی عمار و حذیفه شمشیر کشیدند و با آنان درگیر شدند، و سرانجام آن ها را فراری دادند.

حذیفه می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال: کردم این گروه چه کسانی بودند و هدف شان چه بود؟ فرمود: ای حذیفه اینان منافقین دنیا و آخرت بودند.

پرسیدم: چرا کارشان را نمی سازی و افرادی را برای کشتن شان مأمور نمی کنی؟ فرمود: خداوند دستور اغماض نسبت به آن ها داده است و من خوش ندارم مردم بگویند او مردم را به دین خود فرا خواند و پس از این که مسلمان شدند و به او کمک کردند آن ها را به قتل رساند ای حذیفه کار را به خدا واگذار و خدا در کمین شان نشسته و مدتی کوتاه به آن ها مهلت داده سپس به عذاب گرفتار شان می سازد

پرسیدم: آیا از مهاجرین بودند یا از انصار؟

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی یکی نامشان را بر شمرد و نام کسانی در میان شان بود که دوست نداشتم از این گروه باشند. من هم چیزی نگفتم.

پیامبر به من فرمودند: ای حذیفه گویا در نام بعضی شك داری؟ اکنون سرت را بالا کن و نگاه کن؟

من هم به طرف آنان نگاه کردم، دیدم در اطراف گردنه ایستاده اند، در این هنگام برقی جهید و اطراف ما را روشن کرد و این روشنایی به گونه ای بود که من گمان کردم، خورشید طلوع کرده است. وقتی درست نگاه کردم همه را شناختم دیدم همان افرادی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله به نامشان تصریح کرده بود و تعداد شان

چهارده نفر بود نه نفر از قریش و پنج نفر از سایر مردم.

حذیفه می گوید: از گردنه پایین آمدیم و فجر طلوع کرده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز وضو گرفت و به انتظار پایین آمدن اصحاب از عقبه، نشست. پس از اجتماع همه اصحاب دیدم همان افراد در میان جمع، و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و به نماز ایستاده اند. نماز جماعت بر پا شد و حضرت سخنانی فرمود که اشاره ضمنی به آنان داشت. (1)

### شعر غدیر

شعر در صدر اسلام به عنوان سریع ترین و ماندگار ترین رسانه محسوب می شده است. در واقع یکی از کارهای اساسی مرحوم علامه امینی رحمه الله در مجموعه یازده جلدی «الغدیر» در باره همین مسأله است وی به بررسی اشعار شعرای بزرگ و معروف عرب که در باره غدیر شعر سروده اند پرداخته و دیدگاه آنان را از کلمه «مولا» و قصه غدیر مورد بررسی قرار می دهد.

مثلاً بررسی می کند که در قرن اول که حسان بن ثابت در واقعه غدیر بوده و شعر گفته است استنباطش از مولا و غدیر چه بوده است و یا در قرن دوم برداشت «کمیت اسدی» از این واقعه چگونه بوده است و به همین ترتیب جلو می رود.

از معجزات الهی این بود که یک شاعر پر توان به نام «حسان بن ثابت» که در واقعه غدیر حضور داشته است پس از خطابه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ولایت حضرت علی علیه السلام از پیامبر اجازه می گیرد که این واقعه را به شعر بیان کند و او بلند می شود و در قصیده ای گویا این واقعه با شکوه را می سراید و شعرش ماندگار می شود پیش از این سروده او در فصل واقعه غدیر بیان شد.

### سروده عمر و عاص درباره واقعه غدیر

از نکات جالب این است که مرحوم علامه امینی در «الغدیر» به شعر یکی از شعرایی که به واقعه غدیر به همان نحوی که در باور شیعه است اشاره می کند و

ص: 424

---

1- بحار الانوار، ج 28، ص 99 - 100 و ج 37، ص 115؛ عوالم، ج 15، ص 304؛ اقبال الاعمال ص 458.

اتفاقاً این شاعر یکی از دشمنان اهل بیت و امیر المؤمنین علیهم السلام است. و او کسی جز عمر و عاص نیست

عمر و عاص قصیده ای به نام «جلجلیه» دارد که از شاه کار های ادبی عرب است وقتی معاویه عمر و عاص را به فرمان داری مصر منصوب می کند پس از مدتی از او خراج مصر را طلب می کند با شانه خالی کردن عمر و عاص از پرداخت مالیات معاویه او را تهدید می کند که اگر خراج مصر را ندهی تو را عزل می کنم. عمر و عاص در جواب معاویه این قصیده «جلجلیه» را می فرستد

جلجل صدای زنگ شتر را می گویند عمر و عاص در آخر قصیده خطاب به معاویه می گوید نگذار این شتر گردش تکان بخورد و صدای جلجل بلند شود که آبروی تو می رود.

این قصیده 66 بیت است. عمر و عاص در ضمن این قصیده به حقایقی از جمله واقعه غدیر و حقانیت و خلافت و ولایت امیر المؤمنین ها بر اساس همان اعتقاد شیعه اشاره می کند؛ حقایقی که هر مسلمان آزاده از خواندن آن متأثر خواهد شد. مضمون بعضی ابیات قصیده از این قرار است

عمر و عاص می گوید ای معاویه قضایا را فراموش نکن .... این من بودم که به مردم گفتم نماز شان بدون وجود تو قبول نمی باشد، این من بودم که آن ها را بر انگیختم تا با سید اوصیا، علی به بهانه خون خواهی آن مرد احمق (عثمان) جنگ کنند (جنگ صفین)...

و این من بودم که به لشکریان یاد دادم که هر گاه دیدید علی هم چون شیری برای کشتن شما به سوی تان می آید شلوار تان را در بیاورید و پشت به او کنید، تا او به خاطر حیا از کشتن شما منصرف شود.

ای معاویه گفت و گوی مرا با ابو موسی فراموش کرده ای؟ فراموش کرده ای که آن روز چگونه جامه خلافت را بر تو پوشاندم، ...

ای معاویه، این من بودم که بدون جنگ و دعوا تو را بر فراز منبر نشاندم، گر چه به خدا قسم لیاقت آن را نداشتی و نداری ...

ای پسر هند، ما از روی نادانی تو را علیه علی یاری نمودیم و علی کسی بود که خدا او را به عنوان «نبا عظیم» یاد نموده است ... وقتی تو را بر سر مسلمین بالا بردیم به اسفل سافلین فرو افتادیم...

ای معاویه یادت هست که پیامبر مصطفی در مورد علی چقدر سفارش می کرد یادت هست که در غدیر خم به منبر رفت، در حالی که دست علی در دست او بود، به امر خداوند گفت: «ای مردم آیا من بر شما ولایت ندارم؟ همه گفتند. بلی آن گاه حضرت فرمود «پس هر کس که من مولا و ولی او هستم علی نیز ولی اوست.»

یادت هست در آن روز پیامبر دعا کرد که خدایا دوستان علی را دوست دار و دشمنان او را دشمن بدار ... در آن روز استاد تو (ابو بکر) دید دیگر گردن بند خلافت علی پاره شدنی نیست؛ آمد و به علی تبریک گفت ....

ای معاویه ما جای مان در آتش در درک اسفل جهنم خواهد بود ... و در فردای قیامت خون عثمان ما را نجات نخواهد داد. فردا دشمن ما علی است که نزد خدا و رسولش عزیز است ... پس وای بر تو و وای بر من!...

ای معاویه، چه نسبتی می تواند میان تو و علی باشد؟! ... علی که چون ستاره آسمان است، کجا و تو که چون ریگی هستی کجا؟!...

ای معاویه، آگاه باش که در گردن من زنگوله ای است که اگر گردنم را تکان بدهم زنگوله به صدا در خواهد آمد.

پس از آن که این ابیات به سمع معاویه رسید، دیگر متعرض او نشد.

مرحوم علامه امینی این قصیده را در جلد دوم «الغدیر» از مصادر اهل سنت و شیعه نقل کرده است







در این خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا به مأموریتی که به موجب آیه 67 سوره مائده، معروف به آیه تبلیغ یافته بودند، علی را به عنوان جانشین خود به مردم معرفی نمودند و از آن ها بر این امر بیعت گرفتند.

این خطبه طولانی است و به نظر می رسد حداقل ایراد آن حدود یک ساعت به طول انجامیده است. حدیث غدیر بخشی از این خطبه است که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»

در این خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت به جانشینی علی علیه السلام با الفاظ مختلف تأکید نموده است و حتی اسامی سائر ائمه شیعه نیز برده شده است. این خطبه در چندین بخش ایراد شده است که آن را به روایت امام باقر علیه السلام نقل می کنیم.

### بخش اول: حمد و ثنای الهی

پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم بر فراز آن سنگ ها ایستادند و خطبه غدیر را با حمد و ثنای الهی این چنین آغاز فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَقَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ فَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ بَارِئُ الْمَسَمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَ جَبَّازُ الْأَرْضَيْنِ وَ السَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، مُتَّفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءَةٍ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعِ

مَنْ أَنْشَأَ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

ستایش خدای را سزاست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آن که مکان گیرد و جا به جا شود بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها دور و منزه از خصایص آفریده هاست و در منزه بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست. به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الصَّامَاتِ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَ لَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءٌ دَائِمٌ حَى وَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَ صَفَهُ مِنْ مُعَايَنَةٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عِلْمِيَّةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

کریم و بردبار و شکیباست رحمتش جهان شمول و عطایش منت گذار در انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجاد گر هر موجود در تاریکستان لا شیء جاودانه و زنده و عدل گستر جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و حکیم

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها بر پنهانی ها آگاه و بر کار ها داناست. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر او - عزّ و جلّ و خود، راه نماید و بشناساند.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبْدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلاَ مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَ لاَ مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ وَ لاَ يُعَاوَنُ فِي تَقْدِيرِهِ صَوْرًا مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلاَ مُعَاوَنَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لاَ تَكْلُفٍ وَ لاَ احْتِيَالٍ. أَنشأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَّأَهَا فَبَانَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لاَ إِلَهَ إِلاَ هُوَ الْمُتَعِنُّ الصَّنْعَةَ الْحَسَنَ الصَّنِيعَةَ الْعَدْلَ الَّذِي لاَ يُجُورُ وَ الْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَ مُسَخِرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًى. يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَيْثُا. قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است بی مشاور فرمانش را اجرا بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی هستی بخشیده است جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست همو که صنعتش استوار است و ساختمان آفرینشش زیبا داد گری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او باز می گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزّتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهرها و رام کننده آفتاب و ماه که هر یک تا اجل معین

جریان یابند. او پرده شب را به روز و پرده روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد اوست شکننده هر ستم گر سر کش و نابود کننده هر شیطان رانده شده

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جُدَّ يَشَاءُ فَيُمْضِي ، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي ، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي ، وَيَمُيْتُ وَيُحْيِي وَيُقْتِرُ وَيُعْنِي وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي ، (وَيُدْنِي وَيُقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي ، لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفْوُ مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمَجْزِلُ الْعَطَاءِ مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ ، الَّذِي لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ ، وَلَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاخُ الْمُلْحِحِينَ .

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ . الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَسْكَرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ)

نه او را ضدی باشد و نه برایش شریک و مانندی. یکتا و بی نیاز نه زاده و نه زاییده شده او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است بخواهد و به انجام رساند اراده کند و حکم نماید بداند و بشمارد بمی راند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند بخنداند و بگریاند نزدیک آورد و دور برد. باز دارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش به دست توانای اوست تمام نیکی و هموست بر هر چیز توانا

شب را در روز و روز را در شب فرو برد معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کننده دعا و افزاینده عطا بر شمارنده نفس ها پروردگار جن و انسان چیزی بر او مشکل ننماید فریاد کنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرار کنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکو کاران را نگاه دار رستگاران را یار مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَ أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ ، وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَ أَطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ أَسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَ لَا يُخَافُ جَوْرَهُ.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نوشته ها و فرستاده هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می نهم و اطاعت می کنم و به سوی خشنودی او می شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمان بری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی عدالتیش ترسان نباشد (زیرا او را ستمی نیست)

### بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

وَ أَقْرَلُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَجِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنَّ عَظَمَتَ حِيلَتِهِ وَ صَدَفَتَ خُلَّتُهُ - لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمَّ مِنْ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ .

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او گواهی می دهم. و وظیفه خود را در آن چه وحی شده انجام می دهم مبادا که از سوی او عذابی فرود آید که کسی را یارای دور ساختن آن از من نباشد هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من) خالص باشد؛ - معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (در باره علی) نازل کرده به مردم نرسانم وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از (آزار) مردم را برابم تضمین کرده و البته که او کافی و بخشنده است.

فَأَوْحَى إِلَيَّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَيْبَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيَّي وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي حَلَّهُ مِنْ مَحَلِّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

پس آن گاه خداوند چنین وحی ام فرستاد «به نام خداوند مهربان مهر ورز! ای فرستاده ما آن چه از سوی پروردگارت درباره علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن و گر نه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد».

هان مردمان! آن چه بر من فرود آمده در تبلیغ آن کوتاهی نکرده ام و حال برای تان سبب نزول آیه را بیان می کنم همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام پروردگام - که تنها او سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده جای گاه او نسبت به من بسان هارون نسبت به موسی است لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود و او (علی)، صاحب اختیار تان پس از خدا و رسول است.

و پروردگام آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما خدا و پیامبر او و مؤمنانی هستند که نماز را به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب نماز را به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خدا خواه است



وَسَأَلْتُ جِبْرِيلَ أَنْ يَسَّ تَعْفِي لِي (السلام) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّسْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونََّهُ هِينًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَّالِكُ لِكَثْرَةِ مَلَأَ زَمَّتِهِ إِلَيَّ وَاقْبَالِي عَلَيْهِ (وَهُوَ أَهْوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي دَالِيكَ «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةَ.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید؛ زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسه ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصف شان فرموده است: «به زبان آن را می گویند که در دل های شان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند، حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.»

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدان جا که مرا اذن (سخن شنو و زود باور) نامیده اند؛ به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدان جا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده است: «و از آنان اند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند: او سخن شنو و زودباور است بگو آری سخن شنو است؛ - (بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود) - لیکن به خیر شماسست، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راست گو می انگارد.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَانِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَ أَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَ أَنْ أُدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ. وَ كُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنْ إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

و اگر می خواستیم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سوی شان هدایت کنم (که آنان را شناسایی کنند) می توانستم؛ لیکن سوگند به خدا در کار شان کرامت نموده لب فرو بستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی فرو فرستاده به گوش شما برسانم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کرد: «ای پیامبر ما، آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن؛ و گر نه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد»

### بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكَ فِيهِ وَ أَفْهَمُوهُ وَ اعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَ لِيَاءً وَ إِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ.

ماضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهُدِ، فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ اتَّقَادُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ الْإِهْكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَ نَبِيِّهِ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَ لِيُكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.

هان مردمان! بدانید این آیه در باره اوست. عمق آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برای تان صاحب اختیار و امام قرار داده است، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرا نشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاده و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتا پرست

لازم شمرده است.

(هشدار که) اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و باور کننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است

هان مردمان آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان حق را گردن نهید؛ چرا که خداوند عزّ و جلّ صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛ و پس از خداوند ولی شما فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید و پس از من به فرمان پروردگار علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود این قانون تا بر پای رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.

لَا حَلَالَ إِلَّا - مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا - مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَى الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ مَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَضِيلَتِهِ) مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلِّ عِلْمٍ عَلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: «وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي فَفَعَلَ فَادِيًّا لِي بِنَفْسِهِ.)

روا نیست مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند؛ و ناروا نیست، مگر

آن چه آنان ناروا دانند. خداوند عز و جل هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی نهاده ام.

هان! مردمان او را برتر بدانید چرا که هیچ دانشی نیست مگر این که خداوند آن را در جان من نوشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیز کاران، علی، ضبط کرده ام. او (علی) پیشوای روشن گر است که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده است «و دانش هر چیز را در امام روشن گر بر شمرده ایم».

هان مردمان! از علی رو بر نتابید و از امامتش نگریزید و از سرپرستی اش رو بر نگردانید. او (شما را) به درستی و راستی خوانده و (خود نیز) بدان عمل نماید. او نادرستی را ناپود کند و از آن باز دارد در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان به او سبقت نجسته و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است. تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند میکرد و جز او کسی چنین نبود

اولین نماز گزار و پرستش گر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا (در شب هجرت) در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده پذیرفت که جان خود را فدای من کند

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَصَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَ اقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِّنَ اللَّهِ، وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّيْتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُّكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدَّهْوَرِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَصْلُوا نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

هان مردمان او را برتر دانید که خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است.

هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه کسی که او را انکار

کند نپذیرد و او را نیامرزد این است روش قطعی خداوند درباره کسی که با علی ناسازگاری می کند و هر آینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی در خواهید شد که آتشگیره آن مردمان و سنگ است که برای کافران آماده شده است.

معاشر الناس ، بی - و الله - بِشَرِّ الْأَوْلُونَ مِنَ التَّيِّبِينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (و الله) - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَ الْحَجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ. وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَا مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْنِي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ.

هان مردمان به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروزم هم سنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است و شک و نا باوری در امامت یکی از امامان بسان شک و نا باوری در تمامی آنان است و هر آینه جای گاه نا باوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان خداوند عزّ و جلّ از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیش کش کرد و البته که خدایی جز او نیست آگاه باشید تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویژه اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْتِي مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ .

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُؤَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جَبْرِيْلَ حَبْرَنِي عَنِ اللّٰهِ تَعَالَىٰ بِذَالِكَ وَ يَقُولُ: «مَنْ عَادَىٰ عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَّي»، «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللّٰهَ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللّٰهِ».

هان مردمان! علی را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید.

دور باد، دور باد از درگاه مهر خداوند و مورد خشم، باد، مورد خشم باد آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد

هان بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد نفرین و خشم من بر او باد» «البته بایست که هرکس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده (هان!) تقوا پیشه کنید - و از نا سازگاری با علی بپرهیزید. مباد که گام هایتان پس از استواری در لغزد - که خداوند بر کردارتان آگاه است.

هان مردمان همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نوشته عزیز خود او را یاد کرده و درباره ستیزندگان با او فرموده است «تا آن که مبادا کسی در روز رستاخیز بگوید: افسوس که درباره هم جوار و همسایه خدا کوتاهی کردم.»

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَىٰ مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللّٰهِ لَنْ يَبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصَدِّعُهُ إِلَىٰ وَشَائِلٍ بَعْضَهُ بِهِ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ، وَ مَوَالِئُهُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

هان! مردمان در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکماتش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر

آن را آشکار نمی‌کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا-آورده ام و اعلام می‌دارم که هر آن که من سرپرست اویم این علی سرپرست اوست. و او علی بن ابی طالب است؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ. وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِي عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِنَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدَيْتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا « أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ » غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَى لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

هان مردمان همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می‌دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

هان بدانید که آنان امانت داران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

هشدار که من وظیفه خود را ادا کردم هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشستان رساندم و روشن نمودم بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیر المؤمنین خوانده شود هشدار که پس از من امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد

ثم قال: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله و رَسُوْلُهُ. فَقَالَ: أَلَا مِنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةٌ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ و أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

سپس فرمود: مردمان کیست سزاوار تر از شما به شما؟ گفتند: خداوند و پیامبر او سپس فرمود: آگاه باشید آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

### بخش چهارم: معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيٌّ وَعَاقِلٌ عَاطِلٌ، وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مِنْ أَمَنَ بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالدَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالتَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ وَقَاتِلُ التَّاكُثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ . يَقُولُ اللَّهُ : « مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ ».

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ : اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ

هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من و هموست جانشین من در میان امت و برگروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمان برداری خداوند و باز دارنده از نا فرمانی او باشد همانا اوست جانشین رسول الله و فرمان روای اهل ایمان و پیشوای هدایت گر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان روی گردانان از راستی و درستی و به در رفتگان از دین پیکار کند خداوند می فرماید «فرمان من دگرگون نخواهد شد».

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم خداوندا! دوستداران او را دوست دار و دشمنان او را دشمن دار پشتیبانان او را پشتیبانی کن یارانش را یاری نما خود داری کنندگان از یاری اش را به خود رها کن نا باورانش را از مهتر بران و بر



آنان خشم خود را فرود آور!

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلِيَّتِكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصَّ بِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»، «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

معبود! تو خود در هنگام بر پا داشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیان کاران خواهد بود». خداوندا تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

### بخش پنجم: تأکید بر توجه امت به مسأله امامت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَتَّبِعُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ».

هان مردمان! خداوند عز و جل دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او- تا بر پای رستخیز و عرضه بر خدا- پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود به گونه ای که نه از عذاب شان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَى أَنْصَرِكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ يَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَائِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحِجَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

ص: 443

هان مردمان! این علی، یاور ترین سزاوار ترین و نزدیک ترین و عزیز ترین شما نسبت به من است. خداوند عز و جل و من از او خوشنودیم. آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره اوست. و خدا هر گاه ایمان آورندگان را خطابی نموده به او آغاز کرده (و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است) و آیه ستایشی نازل، نگشته مگر درباره او و خداوند در سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» گواهی بر بهشت (رفتن) نداده، مگر برای او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي. نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَرَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا نَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

هان مردمان او یاور دین خدا و دفاع کننده از رسول اوست. او پرهیز کار پاکیزه و رهنمای ارشاد شده (به دست خود خدا) است پیامبر تان برترین پیامبر وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

هان مردمان! فرزندان هر پیامبری از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیر المؤمنین علی است.

هان مردمان! به راستی که شیطان اغوا گر آدم را با رشک از بهشت رانده، مبادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهد شد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده خدای عز و جل بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شمایید و دشمنان خدا نیز از میان

آگاه باشید که با علی نمی ستیزد مگر بی سعادت و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزگار. و به او نمی گروید مگر مؤمن بی آرایش

وَ فِي عَلِيٍّ - وَ اللَّهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَ الصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، «إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُوا إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»

و سوگند به خدا که سوره و العصر درباره اوست: «به نام خداوند مهربان مهر ورز. قسم به زمان که انسان در زیان است (مگر علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است).

هان مردمان! خدا را گواه گرفتیم و پیام او را به شما رسانیدم. و بر فرستاده و وظیفه ای جز بیان و ابلاغ روشن نباشد.

هان مردمان تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است و نمیرید جز با شرف اسلام

### بخش ششم: اشاره به کار شکنی های منافقین

مَعَاشِرَ النَّاسِ، «آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النَّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَظْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ». (بِاللَّهِ مَا عَنِ بَهْدِهِ الْآيَةُ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ، وَ قَدْ أُمِرْتُ بِالصَّبْرِ فَحِمْ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ الثُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالَفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها را تباه و واژگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه (یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند) رانده شوید به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. پس هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد. (و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است.)

مردمان نور از سوی خداوند عزّ و جل در جان، من سپس در جان علی بن ابی طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی که حق خدا و ما را می ستاند جا گرفته است؛ چرا که خداوند عزّ و جل ما را بر کوتاهی کنندگان ستیزه گران، ناسازگاران خائنان و گنه کاران و ستم کاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَذْذِرْكُمْ أَيْ رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَأَنْ مِنْ أَوْ قَتَلْتُ انْتَقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْهَانَ يَضُ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدَى مَنْ صَلَّيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمْنُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْنُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيَحِطَ عَمَلَكُمْ وَ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ نَارٍ وَ نَحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمِرْصَادِ.

هان مردمان! هشدار تان می دهم همانا من رسول خدایم پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟! آن که به قهقرا برگردد هرگز خدا را زبانی نخواهد رسانید و خداوند سپاس گزاران شکیبیا گر را پاداش خواهد داد بداند که علی و پس از او فرزندان من از نسل او دارای کمال شکیبایی و سپاس گزاری اند.

هان مردمان اسلامتان را بر من بلکه بر خدا منت نگذارید؛ که اعمال شما را

بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله از آتش و مس گداخته گرفتار خواهد نمود همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيتَانٍ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَاشْتَبَاعَهُمْ فِي الدَّرَبِ الْأَسَدِّ فَلَ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ !!

معاشر الناس، اني ادعها امامة و وراثته (في عقي الى يوم القيامة)، وقد بلغت ما امرت بتبليغه حجة على كل حاضر و غائب و على كل احد ممن شهد او لم يشهد ولد او لم يولد، فليبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الى يوم القيامة، و سيجعلون الامامة بعدى ملكا و اغتصابا، (الا لعن الله الغاصبين المغتصبين)، و عندها سيفرغ لكم ايها الثقلان (من يفرغ) و يرسل عليكم سواط من نار و نحاس فلا تتصبران.

مردمان به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها و بدون یاور خواهند ماند.

هان مردمان خداوند و من از آنان بیزاریم.

هان مردمان آنان و یاران و پیروان شان در بدترین جای جهنم جایگاه متکبران خواهند بود بدانید آنان اصحاب صحیفه اند اکنون هر کس در صحیفه خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز به جای می گذارم و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جا به جا نموده، آن را غصب کرده و به تصرف خویش در آورند.

هان نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله هایی از آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعْدَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوْلِيَيْنِ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوْلِيَيْنِ، وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

هان! مردمان هر آینه خداوند عز و جل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا نا پاک را از پاک جدا کند و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند.

هان! مردمان هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن حق را آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان پیش از شما شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد و همو نابود کننده آیندگان است.

قال الله تعالى: «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوْلِيَيْنِ، ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْتَمْعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْتَدُوا، (وَ صَبِرُوا إِلَى

مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

او خود در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختم؟ با مجرمان این چنین کنیم وای بر نا باوران»

هان مردمان همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیروی اش نمایید و از آن چه بازتان دارد خود داری کنید تا راه یابید به سوی هدف او حرکت کنید راه های گوناگون شما را از راه او باز ندارد

### بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنانشان

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (الهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

هان مردمان صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده است. و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم» - تا آخر سوره.

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (الله) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَائَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

هان به خدا سوگند این سوره درباره من نازل شده و شامل امامان می باشد و

به آنان اختصاص دارد آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست آگاه باشید البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که ستیزندگان با، امامان گمراه و همکاران شیاطین اند برای گمراهی مردمان سخنان بیهوده و پوچ را به یک دیگر می رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده [ای پیامبر ما] نمی یابی گروهی را که به خدا و روز باز پسین ایمان و ستیزه گران با خدا و رسول را دوست داشته باشند هر چند آنان پدران، برادران و خویشان شان باشند آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نوشته است.» تا آخر آیه .

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ».

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصُلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقاً وَهِيَ تَقُورٌ وَيَرُونَ لَهَا زفيراً.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» الآية.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، إِلَى قَوْلِهِ أَلَا نَسْحَقُ لِأَصْحَابِ الشَّعِيرِ».

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

هان دوستداران امامان اهل ایمان اند که خدای عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در



هشدار یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود.

هشدار! اولیای امامان آنان اند که با آرامش و سلام به بهشت در خواهند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: «درود بر شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت جاودانه خواهید بود.»

هان بهشت پاداش اولیای آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد.

هان! دشمنان آنان کسانی هستند که در آتش در آیند. و همانا ناله افروزش جهنم را می شنوند، در حالی که شعله های آتش زبانه می کشد و زفیر (صدای بازدم) جهنم را نیز در می یابند.

هان! خداوند در باره ستیز گران با آنان فرموده است: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتای خود را نفرین کند»

هشدار که دشمنان امامان همانان اند که خداوند در باره آنان فرموده است: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ای نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده، آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ» تا آنجا که فرماید: «هان نابود باد دوزخیان!»

هان یاران امامان در نهان از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ برای آنان خواهد بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَ لَعَنَهُ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَ إِنِّي (أَنَا) التَّذِيرُ وَ عَلَى الْبَشِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَى هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٌّ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَى الْإِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَنْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).

هان مردمان چه بسیار راه است میان آتش و پاداش بزرگ!

هان! مردمان خداوند دشمنان ما را مذمت و نفرین فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد

هان مردمان بدانید که همانا من انذار گر هستم و علی مژده دهنده.

هان که من بیم دهنده ام و علی راهنما

هان مردمان بدانید که من پیامبرم و علی وصی من است

هان مردمان بدانید که همانا من فرستاده و علی امام و وصی پس از من است و امامان پس از او فرزندان اویند

آگاه باشید من پدر آنانم ولی ایشان از نسل علی خواهند بود.

### **بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشريف**

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَنْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَهَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ المُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ .

أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُسَيِّدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِ حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.

هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده آن ها.

هشدار که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان

هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.

هشدار که از دریایی ژرف پیمانۀ هایی افزون گیرد.

هشدار که او به هر ارزشمندی به اندازه ارزش ، او و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه نادانی اش نیکی کند.

هشدار! که او نیکو و برگزیده خداوند است.

هشدار که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست.

هان بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا کند بدانید همانا اوست بالیده و استوار

بیدار باشید هموست که (اختیار امور جهانیان و آیین آنان) به او واگذار شده است

آگاه باشید که تمامی گذشتگان ظهور او را پیش گویی کرده اند.

آگاه باشید که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست.

هان کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده او یاری نخواهد گشت.

آگاه باشید که او ولی خدا در زمین داور او در میان مردم و امانت دار امور آشکار و نهان است.

### بخش نهم: مطرح کردن بیعت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَنْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا».

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم و این علی است که پس از من شما را آگاه می کند

اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید

آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدای عزّ و جل برای امامت او پیمان می گیرم «ای پیامبر) آنان که با تو بیعت کنند هر

آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالای دستان آنان است و هر کس بیعت شکنند بر زیان خود شکسته و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و با وفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.

### بخش دهم: حلال و حرام واجبات و محرمات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا» الآية.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَأُبْشِرُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ الْاِبْتِرُوا وَافْتَقَرُوا

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ الْمُؤَمَّرِ الْأَغْفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجِ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرُوا أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِي وَلِيِّكُمْ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَ بِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.

هان مردمان در خانه خدا حج گذارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد، مگر بی نیاز شد و مژده گرفت، و کسی از آن روی بر نگردانید، مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان مؤمنی در موقف، عرفات مشعر منا نماند مگر اینکه خدا

گناهان گذشته او را بیامرزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج (با پرونده پاک) کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان حاجیان دستگیری شده اند و هزینه های سفر شان جبران می شود و جای گزین آن به آنان خواهد رسید و البته خداوند پاداش نیکو کاران را تبه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه خدا را با دین کامل و دانش ژرفای آن دیدار کنید و از زیارتگاه ها جز با توبه و باز ایستادن از گناهان بر نگردید.

هان مردمان نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزّ و جل امر فرموده است. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید، یا از یاد بردید علی صاحب اختیار و تبیین کننده بر شماست. خداوند عزّ و جل او را پس از من امانت دار خویش در میان آفریدگانش نهاده است. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او پرسش های شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

أَلَا- إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمْرٌ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمِرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَزْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ . أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أَجِدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یک باره به روا فرمان دهم و از ناروا باز دارم از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام در باره علی امیر المؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند و این امامت به وراثت

پایدار است و فرجام امامان مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند صاحب قدر و قضا دیدار کند

هان مردمان شما را به هر گونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز بر نمی‌گردم. بدانید و آگاه باشید! آن‌ها را یاد کنید و نگه دارید و یک دیگر را به آن توصیه نمایید و در آن (احکام) خدا) دگر گونی راه ندهید هشدار که دوباره می‌گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید و زکات پردازید و امر به معروف کنید و از منکر باز دارید

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتَبْلِغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِي، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنِّي. وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنَ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَنْثَمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَعَرَفْتُمْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ». وَ قُلْتُ: «لَنْ تَصِلُوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمْ»

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى، وَاحْتَذِرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ». اذْكُرُوا الْمُمَاتَ (وَ الْمُعَادَ) وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمُحَاسِنَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

و بدانید که ریشه امر به معروف این است که به گفته من (درباره امامت) برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی‌یابد

هان! مردمان قرآن بر شما روشن می‌کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من اند. چرا که خداوند در کتاب خود می‌گوید: امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» و من نیز گفته‌ام که: «مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید گمراه نخواهید شد.»

هان مردمان تقوا را تقوا را رعایت کرده از سختی رستاخیز بهراسید، همان گونه که خداوند عزّ و جل فرمود: «البته زمین لرزه روز رستاخیز حادثه بزرگ است».

مرگ، قیامت و حساب و میزان و محاسبه در برابر پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را یاد کنید آن که نیکی، آورد پاداش گیرد؛ و آن که بدی کرد بهره ای از بهشت نخواهد برد

### بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتِ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ، عَلَيَّ مَا أَعْلَمْتُمْكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ. نَبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيٍ وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نَبْعَثُ. وَ لَا تُعَيِّرُ وَ لَا تُبَدِّلُ، وَ لَا نَشُكُّ (وَ لَا تَجْحَدُ) وَ لَا تَرْتَابُ، وَ لَا تَرَجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا تَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

هان مردمان شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزّ و جل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیر المؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریه من از نسل اوست.

پس همگان بگویند: «البته که سخنان تو را شنیده، پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن نهاده و بر آن چه از سوی پروردگار مان در امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست های مان با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد بر انگیخته می شویم و هرگز آن را دگرگون نکرده، شک و انکار نخواهیم



داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيُّمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسِيدِ نَبْتِنَا وَصَهْمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا نَحْنُ نُؤَدِّي ذَالِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَحَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، «فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيُّمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

(ای رسول خدا) ما را به فرمان خدا پند دادی درباره علی امیر المؤمنین و امامان از نسل خود و او که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستان مان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست و هرگز پیمان مان را دگر گون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش

هان مردمان! چه می گوید؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند «هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته است و آن که گمراه شد به زیان خود رفته است» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که «دست خدا بالای دستان آن هاست.»

هان مردمان اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی

امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه پایدار در دنیا و آخرت اند.

يُهَلِّكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَيَرْحِمُ مَنْ وَفَى، «وَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ وَارْتَضُوا: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»، وَقُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

خداوند مکاران را تباه می کند و به با وفایان مهر می ورزد «هر که پیمان شکنند جز این نیست که به زیان خود گام برداشته و هر که بر عهدی که با خدا بسته پا برجا ماند به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.»

هان مردمان آن چه بر شما بر گفتم بگویید و به علی با لقب امیر المؤمنین سلام کنید و بگویید: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و باز گشت به سوی تو است.» و نیز بگویید: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود و گرنه راه نمی یافتیم» تا آخر آیه.

هان مردمان هر آینه برتری های علی بن ابی طالب نزد خداوند عز و جل که در قرآن نازل فرموده، بیش از آن است که من یک باره بر شمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.

هان مردمان آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند به رستگاری بزرگی دست یافته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَيْتُ وَأَمَرْتُ وَ اغْضَبَ عَلَيَّ) (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

هان مردمان سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیر المؤمنین رستگاران اند و در بهشت های پر بهره خواهند بود.

هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگویند. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزند خدا را زبانی نخواهد رسانید.

پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرز، و بر منکران کافر خشم بگیر و الحمد لله رب العالمین (1)

### اتمام حجت با حدیث غدیر

حماسه اعجاب آور و دل نشین غدیر نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که ولایت حضرت علی علیه السلام را به طور رسمی و صریح مطرح نموده و از اهمیت خاصی برخوردار است و برای هیچ کس عذری باقی نمی گذارد. چنان که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در جواب عذر تراشی های انصار فرمودند:

وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ عُدْرًا؟ (2) آیا پدرم در روز غدیر، عذری برای کسی باقی گذارد؟!!!

ص: 461

---

1- این حدیث با همین تفصیل و با تفاوت های لفظی کم و بیشی در الغدیر، ج 1، ص 12-151 و 294-322؛ بحارالانوار، ج 37، ص 181-182؛ اثبات الهداة، ج 2، ص 200-250؛ الطرائف، ص 33؛ الإحتجاج، ج 1، ص 58؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 91؛ التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، ص 578 و کتاب هایی چند آمده است.

2- الخصال، ج 1، ص 173.

## تواتر حدیث غدیر

مضمون خطبه غدیر در طول قرن های متمادی به چند صورت در منابع حدیثی و تاریخی شیعی و سنی نقل شده است. وجه اشتراک تمام آن ها، اعلان ولایت حضرت علی علیه السلام است. عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» در همه این نقل ها مشترک است. این بند از خطبه با عنوان حدیث غدیر معروف شده است.

هیچ یک از احادیث نبوی در صحت و تواتر به پایه حدیث غدیر نمی رسد. سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله و بیعت مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام در بزرگ ترین اجتماع اسلامی که تا آن روز نظیر نداشت و در محضر بزرگان صحابه برگزار گردید.

امیر المؤمنین علیه السلام در دوران خلافت خود واقعه غدیر را به طور مکرر در احتجاج با مخالفان و یاغیان در محضر مسلمانان یاد آوری کردند و هر بار جمعی از صحابه که در غدیر حضور داشتند بر خاستند و شهادت دادند. (1)

## بزرگ ترین مستند شیعه

حدیث غدیر بزرگ ترین حجت و مستند شیعه امامیه بر ولایت مطلقه علی علیه السلام است به استناد همین حدیث است که خلافت را موهبتی الهی می دانند نه مقامی که مردم انتخاب کنند.

## برتری اسناد حدیث غدیر

اسناد حدیث غدیر نیز بر سایر احادیث نبوی برتری و امتیاز دارد بیش از صد و ده تن از اصحاب پیغمبر و هشتاد و چهار تن از تابعین و سیصد و شصت تن از ثقات و بزرگان محدثین آن را روایت کرده اند راویان مشهور غدیر از اهل بیت علیهم السلام امیر المؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، حسن بن علی علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام هستند.

و از صحابه عباس بن عبد المطلب عبد الله بن عباس، عایشه و ام سلمه

ص: 462

---

1- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 118.

همسران پیغمبر اسماء بنت عمیس، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد ابی وقاص، عبد الرحمن بن عوف، ابو هریره، اسامة بن زید ابی بن کعب، جابر بن عبد الله ابوذر غفاری سلمان فارسی خالد بن ولید عمار بن یاسر و عمرو بن العاص ... بودند.

نام تمامی ایشان و نام تابعین و راویانی که حدیث غدیر را روایت کرده اند با ترجمه احوال و روایات ایشان در دو مجلد کتاب «عبارات الانوار»، تألیف محققانه میر حامد حسین لکنهویی نیشابوری در 1008 صفحه همراه با صد و پنجاه تن از محدثین و علمای مشهور که این حدیث را روایت کرده اند نوشته شده است منهج اول و منهج دوم این اثر بی نظیر و مجلدات دوازده گانه منهج دوم که در شرح حدیث غدیر و یازده حدیث متواتر دیگر شیعه تألیف شده است اثر بی نظیری است که اهمیت حدیث غدیر را نشان می دهد (1)

### حدیث غدیر در کتب متعدد

علاوه بر علمای شیعی از عهد شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی گرفته تا زمان حاضر، کتاب های بسیاری در اثبات صحت و تواتر سند و وضوح دلالت آن بر ولایت و خلافت علی علیه السلام تألیف کرده اند بسیاری از علمای اهل سنت نیز کتاب ها و رساله های ویژه ای به مسأله ولایت و حدیث غدیر اختصاص داده اند که مرحوم علامه امینی در «الغدیر» از بیست و شش تن از ایشان نام برده است. (2)

مشهور ترین ایشان عبارت اند از: ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری (م 310 ق)، مفسر و مورخ مشهور که کتاب «الولاية في طريق حدیث الغدير» را در دو مجلد تألیف و طرق و الفاظ این حدیث را جمع آورده است. (3)

ابن عقده احمد بن سعید همدانی (م 333 ق) کتاب «الولاية في طريق حدیث

ص: 463

---

1- الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج 15، ص 214.

2- الغدير، ج 1، ص 14 و ص 152.

3- الغدير، ج 1، ص 153.

الغدیر» را تالیف و حدیث غدیر را از صد و پنج طریق روایت کرده است. ابن اثیر در «الاصابة في تمييز الصحابة» و ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» از آن بسیار نقل کرده اند. در «تهذیب التهذیب» (1) آمده است که ابن عقده حدیث غدیر را از هفتاد صحابی روایت کرده و آن را صحیح می داند.

ابوبکر جغانی (م 355 ق) کتاب «من روی حدیث غدیر خم» را تالیف کرده است. (2) وی حدیث غدیر را از 125 طریق روایت کرده است. ابوطالب عبید الله بن احمد انباری واسطی (م 356 ق) کتاب «طریق حدیث الغدیر» را تالیف کرده است. (3) ابوالفضل محمد بن عبد الله شیبانی (م 372 ق) کتاب «من روی حدیث غدیر خم» را تالیف کرده است. حافظ گنجی در کتاب «کفایة الطالب» (4) آورده است که علی بن عمر دارقطنی بغدادی (م 385 ق) حدیث غدیر را در جزوه ای جمع آورده است.

به روایت شیخ سلیمان حنفی در کتاب «ینایع المودة»، امام الحرمین ابوالمعالی جوینی استاد غزالی گفته است: در بغداد بیست و هشتمین جلد کتابی را در دست صحافی دیدم که روایات حدیث غدیر را در لفظ «من مولاة فعلی مولاة» جمع آورده و در انتهای آن نوشته شده بود: بقیه در جزء بیست و نهم خواهد آمد.

علوی الهدار الحداد در کتاب «القول الفصل» (5) آورده است که حافظ ابو العلاء عطار همدانی گفت: حدیث غدیر را به دویست و پنجاه طریق روایت می کنم.

بنابر این با توجه به آن چه در رابطه با ارویان حدیث بیان شد و با توجه به این که در منابع متعدد و متقن و سنن و مسانید نقل شده است، حدیث غدیر از نظر

ص: 464

---

1- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 337.

2- مناقب، ج 2، ص 229.

3- الغدیر، ج 1، ص 154

4- کفایة الطالب، ص 15

5- القول الفصل، ج 1، ص 445؛ الغدیر، ج 1، ص 158.

سندی از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است و قطعی است.

## اعتبار حدیث غدیر از نظر دلالت

برای تبیین مقصود حدیث غدیر، ابتدا لازم است برخی از الفاظ حدیث که در تبیین جهت دلالتی آن دخالت دارند، توضیح داده شود.

ابن کثیر در «بدایه و نهایه» (1) و طبرانی و دیگران با سندی که بر صحت آن اذعان دارند، نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم خطبه خواند و فرمود: «ای مردم نزدیک است من به سوی خدا دعوت شوم و این دعوت را مثبت پاسخ گویم من مسئولم و مورد پرسش قرار خواهم گرفت شما نیز مسئول هستید و باز جویی خواهید شد در آنجا چه خواهید گفت؟»

گفتند: گواهی می دهیم که تبلیغ رسالت فرمودی، جهاد نمودی، نصیحت، کردی خداوند جزای خیر به تو دهد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مگر نه این است که شما شهادت می دهید «لا اله الا الله، و انّ محمداً عبده و رسوله» و این که بهشت آتش مرگ و زندگی بعد از مرگ حق است و قیامت حق است و قیامت بدون تردید خواهد آمد و خداوند مردگان در قبر را زنده می کند؟ گفتند بلی به آن گواهی می دهیم.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خداوندا، گواه باش! سپس فرمود: «ای مردم خداوند مولای من است و من مولای مؤمنانم و من از خودشان نسبت به آن ها اولی هستم، «فمن كنت مولاه فهذا مولاه یعنی علیاً اللهم وال من والاه و عاد من عاداه...؛ پس هر کس من مولای اویم این (یعنی علی) مولای اوست خداوندا، دوست بدار کسی را که او را دوست می دارد و دشمن دار کسی که با او دشمنی می کند.»

آن گاه فرمود: ای مردم من پیش از شما می روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد... در مورد تقلین از شما پرسش خواهم نمود... و در این صحنه

ص: 465

حضرت امر می کند که به عنوان امام با حضرت علی بیعت کنند.

طرق متعددی وجود دارد که ابا بکر و عمر آمدند بیعت کردند و گفتند: «هَنِيئًا لَكَ أَصْبَحْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»

## دلالت حدیث و کیفیت استدلال

این حدیث به گونه ای روشن و واضح بر امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دلالت دارد. حضرت می فرماید: «من كنت مولاة فعلی مولاة» کلمه مولى به معنای سرپرست و صاحب اختیار و اولی به تصرف است. یعنی همان اولویت مطلقه که برای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای حضرت علی علیه السلام برای مردم اثبات می شود.

کلمه مولى به معنای اولی به تصرف بودن در کتب و تفاسیر فریقین آمده است. (1) هر چند برای معانی دیگری مثل ربّ و صاحب و جار و محبّ... ذکر شده است، اما این معانی باعث نمی شود که در این جا به معنای اولی به تصرف نباشد؛ زیرا معانی مذکور اکثراً امکان ندارد که در این حدیث مراد باشد، چون مناسبت ندارد. شواهد و قراین بر این مطلب فراوان است:

1. جملاتی که قبل از کلمه مولى در حدیث غدیر آمده است خود شاهد قوی بر معنای سرپرستی کلمه مولى است آنجا که می فرماید: «الَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» قالوا بلى یعنی آیا من از خود شما بر شما اولویت ندارم؟ گفتند: بلى، بعد فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». معلوم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواهد همان اولویت خودش بر نفوس را برای علی علیه السلام هم اثبات کند.

2. مناسبت زمانی و مکانی که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در این وادی گرم و سوزان جمعیت کثیر را متوقف کرد مقتضای حکمت پیامبر این است که پیام مهم داشته است و آن مسأله امامت است نه اینکه جمعیت را متوقف کند و بفرماید

ص: 466

---

1- الغدير، ج 1، ص 615؛ تفسير ابن كثير، ج 3، ص 476.



علی را دوست بدارید به ویژه این که در بعضی از تعبیرات «من بعدی» دارد که با دوست داشتن سازگاری ندارد بلکه می خواهد بگوید: علی امام شماست.

3. قرینه دیگر فهم حاضرین و شعرا و خطبا در جلسه و خصوصاً خود شیخین که از آن معنای سرپرستی فهمیدند و در آثار خود این معنا را منعکس نمودند شیخین آمدند و به عنوان مولی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله این مقام را تبریک و تهنیت گفته اند و مردم آن زمان از آن به «یوم النصب» تعبیر می کنند.

4. نزول آیه تبلیغ که اگر ابلاغ نکنی رسالت ناتمام است که این امر مهم همان امامت است و آیه اکمال از نتایج به دست آمده از این حماسه خبر می دهد.

5. خود این خطابه مشتمل بر حدیث ثقلین است که با معنای محبت سازگاری ندارد.

بنا بر این حدیث غدیر از نظر دلالت نیز از اعتبار کافی برخوردار است

### استناد امیرالمؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر

ابراهیم بن محمد مؤید جوینی در کتاب «فرائد السمطین» (1) روایت کرده است: در زمان خلافت عثمان در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دیدم علی علیه السلام در مسجد بود و جماعتی در حال گفت و گو با یک دیگر بودند آنان درباره قریش و فضل و سوابق قریش و آن چه پیامبر در باره قریش فرموده بود، سخن می گفتند و فضیلت انصار و سوابق در خشان آنان و تمجیدی را که خداوند از آنان در قرآن نموده یاد آور می شدند و هر گروه فضیلت های خویش را بر می شمرد

در این حلقه گفت و گو بیش از دویست تن شرکت داشتند، که علی علیه السلام و سعد بن ابی وقاص و عبد الرحمن بن عوف و طلحه و زبیر و مقداد و ابوذر و حسن و حسین علیهما السلام و ابن عباس در زمره آنان بودند.

این نشست از صبح تا ظهر ادامه یافت و علی بن ابی طالب علیه السلام هم چنان

ص: 467

نشسته بود و ساکت بود که جمعیت رو به آن حضرت کرده و از وی خواستند سخن بگویند.

آن حضرت فرمود: خداوند به خاطر پیامبر و اهل بیت آن حضرت این ها را به ما موهبت کرد. آن گاه شماری از فضیلت های خویش را بر شمرد و از آنان تصدیق و گواهی خواست و آنان گواهی دادند از جمله فرمود:

... و خداوند امر فرمود تا مرا در غدیر خم نصب کند. آن گاه پیامبر خطبه خواند و فرمود: ای مردم خداوند به من رسالتی داده که سینه ام از آن تنگ شده و گمان کردم که مردم مرا در این رسالت تکذیب خواهند کرد و سپس مرا تهدید کرده که یا آن را تبلیغ کنم یا اگر تبلیغ نکنم مرا عذاب نماید و فرمود: ای مردم، آیا می دانید که خداوند متعال مولا و صاحب اختیار من است و من مولای مؤمنان و از جان های آنان اولی و سزاوار ترم؟ گفتند: آری، یا رسول الله .

فرمود: یا علی، برخیز من بر خاستم فرمود: کسی که من مولای او هستم، علی مولای اوست خدایا دوست بدار آن که علی را دوست بدارد و دشمن بدار آن که او را دشمن بدارد!

سلمان بر خاست و گفت: یا رسول الله این چه ولایتی است؟ پیامبر فرمود: این، ولایت آن گونه ولایتی است که من دارم؛ کسی که من از جانش نسبت به او اولی، هستم علی نیز همان گونه از جان او اولی است.

آن گاه خدای تعالی این آیه کریمه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» یعنی امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شماست.

آن گاه ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند: یا رسول الله این آیه ویژه علی است؟

فرمود آری مخصوص علی است و دیگر اوصیای من تا روز قیامت گفتند: یا رسول الله آن ها را برای ما بیان کن. فرمود: علی برادرم و وزیرم و وارث و وصیم و جانشین من در میان امتم و سرپرست هر مؤمنی پس از من است. سپس فرزندم

حسن و حسین و سپس نه تن از فرزندان حسینیم. قرآن با آنان و آنان با قرآن هستند. آنان از قرآن جدا نمی شوند و قرآن از آنان جدا نمیشود تا کنار حوض بر من وارد شوند.

آن گاه علی علیه السلام از کسانی که در آن جمع (در صحنه غدیر خم) حضور داشتند و این سخنان را از پیامبر شنیده بودند و در خاطر داشتند خواست تا برخیزند و گواهی دهند. زید بن ارقم براء بن عاذب، سلمان، ابوذر، و مقداد بر خاستند و گفتند: ما گواهی می دهیم و در خاطر داریم گفتار پیامبر را که بر منبر ایستاده بود و تو در کنار وی بودی، آن گاه فرمود: « ایها الناس... (خطبه حضرت در روز غدیر)

ص: 469







## خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر

\*خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر (1)

به مناسبت روز غدیر خم و بزرگ داشت و تبیین عظمت و جایگاه آن، از سوی برخی از ائمه علیهم السلام خطبه ها و سخنانی ایراد شده است که مهم ترین آن ها، خطبه ای است که امیر مؤمنان علیه السلام آن را در روز غدیر که با روز جمعه مصادف شده بود ایراد فرمودند.

فیاض بن محمد طوسی در سال دویست و پنجاه و نه در طوس، در حالی که به نود سالگی رسیده بود برای ما روایت کرد که ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را در روز عید غدیر دیدار کرد در حالی که جمعی از یاران خاص آن حضرت در محضر ایشان بودند.

امام علیه السلام آن ها را برای افطار نگاه داشته و غذا و احسان و هدایا و جامه ها و حتی انگشتری و کفش به منزل های آنان فرستاده بود و وضعیت و احوال آنان و اطرافیان خویش را دگرگون کرده بود و لوازمی جدید برای حضرت تهیه شده بود که متفاوت با ابزار های رایج و مرسوم پیش از آن روز بود.

حضرت درباره فضیلت آن روز و قدمت آن سخن می راند؛ از جمله سخنان

ص: 473

1- سند حدیث: أَخْبَرَنا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْخُرَّاسَانِيُّ الْحَاجِبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ سَبْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ هَارُونَ أَبُو عَمَرَ الْمَرْوَزِيُّ وَقَدْ زَادَ عَلِيُّ الثَّمَانِينَ سَنَةً قَالَ حَدَّثَنَا الْفَيَّاضُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَرَ الطَّرْسُوسِيِّ بِطُوسَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِينَ وَقَدْ بَلَغَ السَّعِيدُ أَنَّهُ شَهِدَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ... (مصباح المتهجد، ج 2، ص 752؛ إقبال الأعمال، ج 1، ص 461).

آن حضرت این بود که پدرم به من گفت جدم امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام به نقل از حضرت زین العابدین علیه السلام به من فرمود: امام حسین علیه السلام فرمود: یکی از سال های امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عید غدیر با روز جمعه مصادف شده بود و امیر مؤمنان علیه السلام در آن روز پنج ساعت از روز گذشته بود که بر منبر نشست و سپاس و ستایشی گفت که نه کسی مانند آن سپاس را شنیده بود و نه کسی به مانند آن ستایش روی آورده بود از جمله فرمایشاتی که از آن سخنرانی حفظ شده این جملات است:

### حمد و ثنای خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى حَامِدِيهِ طَرِيقاً مِنْ طُرُقِ الاعْتِرَافِ بِأَلَا هُوَ تَيْبَتِهِ وَصَدَمَدَائِبَتِهِ وَرَبَّائِيَّتِهِ وَفَرْدَانِيَّتِهِ وَسَبِّبِأَ إِلَى الْمَزِيدِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَمَحَبَّةِ لِلطَّالِبِ مِنْ فَضْلِهِ وَكَمَّنَ فِي إِبْطَانِ اللَّفْظِ حَقِيقَةَ الاعْتِرَافِ لَهُ بِأَنَّهُ الْمُنْعَمُ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ بِاللَّفْظِ وَإِنْ عَظُمَ.

حمد و ثنا مختص خداوندی است که در عین بی نیازی از حمد و ثنای ستایش گرانس حمد را راهی از راه های اقرار به ذات لاهوتی بی نیاز ربوبی و یگانه خویش انتخاب کرده و حمد را یکی از اسباب ازدیاد رحمت خویش و مسیری برای جویندگان فضل و رحمتش قرار داده است و حقیقت اعتراف به او را در نهان الفاظ حمد و ثنا مستور داشته است به این که در هر حمد و ستایشی که انجام می گیرد - با هر لفظی که باشد و هر چند الفاظ بزرگی باشد - صاحب نعمت حقیقی و اصیل خداوند است و بس

وَأَشَدُّ هَدًى أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةٌ نَزَعَتْ عَنْ إِخْلَاصِ الْقَوِي وَنُطْقِ اللِّسَانِ بِهَا عِبَارَةٌ عَنْ صِدْقِ حَفِي أَنَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ إِذْ كَانَ الشَّيْءُ مِنْ مَشِيئَتِهِ فَكَانَ لَا يُشْبِهُهُ مَكُونُهُ.

و شهادت می دهم که اله و معبودی جز خداوند یگانه نیست و هیچ شریکی



ندارد شهادتی که بر خاسته از اخلاص درون و صداقت باطنی بوده و زبان آن را منعکس می کند خدایی که خالق است و آفریننده ای بی سابقه و صورت گری (بی نظیر برای او نامی نیک است و چیزی مانند او نیست؛ زیرا هر چیزی با خواست و مشیت او پدید آمده است و در نتیجه پدیده و مخلوقش مثل او نمی شود

### جایگاه بلند پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اسْتَخْلَصَهُ فِي الْقَدَمِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ عَلَى عِلْمٍ مِنْهُ انْفَرَدَ عَنِ الشَّاكِلِ وَ الثَّمَاتِلِ مِنْ أَبْنَاءِ الْجِنْسِ.

و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست، خداوند او را از زمان های پیشین خالص نموده و آگاهانه بر دیگر امت ها برگزیده است، حقیقت وجود او منحصر به فرد بوده و هم گون و همانند دیگر انسان ها نیست.

وَ انْتَجَبَهُ أَمْرًا وَ نَاهِيًا عَنْهُ أَقَامَهُ فِي سَائِرِ عَالِمِهِ فِي الْأَدَاءِ مَقَامَهُ إِذْ كَانَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ لَا تَحْوِيهِ خَوَاطِرُ الْأَفْكَارِ وَ لَا تُثَمِّلُهُ غَوَامِضُ الظَّنِّ فِي الْأَسْرَارِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.

خداوند او را برگزید تا از جانب او فرمان دهنده (به معروف ها) و باز دارنده (از منکر ها) باشد، او را در تمام عوالم خلیفه و جانشین خود ساخت (تا فیوضاتش از طریق او به خلائق برسد و به وسیله او همه ساکنان عوالم با خدا ارتباط برقرار کنند؛ زیرا دیدگان خدا را نمی بینند و گذر اندیشه ها بر او نمی افتد و در قلمرو، اسرار گمان های پنهان همتایی برای او نمی یابد خدایی غیر آن فرمانروای سامان بخش نیست

قَرْنَ الاعْتِرَافَ بِنُبُوَّتِهِ بِالْاعْتِرَافِ بِلَاهُوتِيَّتِهِ وَ اخْتَصَّهُ مِنْ تَكْرِمَتِهِ بِمَا لَمْ يَلْحَقْهُ فِيهِ أَحَدٌ مِنْ بَرِيَّتِهِ.

خداوند شهادت به نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در کنار اعتراف به خداوندی خویش قرار داد، و چنان او را احترام و تکریم نمود که هیچ مخلوقی به آن درجه از

کرامت الهی نرسید.

فَهُوَ أَهْلُ ذَلِكَ بِخَاصَّتِهِ وَخَلَّتِهِ إِذْ لَا يَخْتَصُّ مَنْ يَشُوبُهُ التَّغْيِيرُ وَلَا يُخَالِلُ مَنْ يَلْحَقُهُ التَّظْنِينُ.

آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل خصوصیات و صداقتش شایسته چنین مقام رفیعی بود و این مقام و منزلت نصیب کسانی نمی شود که متغیر الحال هستند و پیوسته دگرگون می شوند و رشته محبت و دوستی را پاس نمی دارند و در دام گمان ها گرفتار می شوند.

وَأَمَرَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ مَزِيدًا فِي تَكْرِمَتِهِ وَطَرِيقًا لِلدَّاعِي إِلَى إِجَابَتِهِ فَصَلَّى لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَرَّمَ وَشَرَّفَ وَعَظَّمَ مَزِيدًا لَا يَلْحَقُهُ التَّنْفِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ عَلَى التَّأْيِيدِ.

خداوند، فرمان داد تا بر او درود و صلوات بفرستیم و این گونه بر احترام و تکریم او، افزوده و آن صلوات ها را راهی برای اجابت دعای دعا کنندگان قرار داد و خداوند خود بر او صلوات فرستاد و گرامی اش داشت و شرافتش بخشید و چنان عظمتش داد که آن را کرانه ای نیست و تا ابد چنین خواهد بود.

### منزلت ائمه علیه السلام

وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ خَاصَّةً عَلَاهُمْ بِتَعْلِيَّتِهِ وَسَمَّا بِهِمْ إِلَى رُتْبَتِهِ وَجَعَلَهُمُ الدَّعَاةَ بِالْحَقِّ إِلَيْهِ وَالْأَدْلَاءَ بِالْإِزْشَادِ عَلَيْهِ لِقَرْنِ قَرْنٍ وَرَمَنَ أَنْشَأَهُمْ فِي الْقِدَمِ قَبْلَ كُلِّ مَذْرُوعٍ وَمَبْرُوعَةٍ أَنْوَارًا أَنْطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَالْأَهْمَهَا سُكْرَهُ وَتَجِيدَهُ وَجَعَلَهَا الْحُجَجَ عَلَى كُلِّ مُعْتَرِفٍ لَهُ بِمَلَكَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَسُلْطَانَ الْعُبُودِيَّةِ.

اما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند گروه خاصی را (برای جانشینی او) انتخاب نمود، و به آنان مقام رفیعی عنایت فرمود و تا رتبه رسولش صلی الله علیه و آله بالا برد، و آنان را دعوت کنندگان به سوی خود قرار داد راهنمایانی که در طول قرن ها و طی زمان ها مردم را به سوی او هدایت کنند آنان قبل از خلقت هر پدیده ای، به صورت

نورهایی آفریده شدند و خداوند آنان را به حمد و ستایش خود گویا ساخت و شکر و تمجید از خویش را به آنان الهام نمود و آنان را حجت هایی قرار داد بر همه کسانی که به ربوبیت خداوند و عبودیت خویشتن اعتراف دارند.

وَ اَسَّ تَنْطَقَ بِهَا الْخَرَسَاتِ بِاَنْوَاعِ اللُّغَاتِ بِخَوْعاً لَهٗ فَاِنَّهُ فَاطِرُ الْاَرْضَيْنِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ اَسَّ هَدَهُمْ خَلْقَهُ وَ وَا لَهُمْ مَا شَاءَ مِنْ اَمْرِهِ جَعَلَهُمْ تَرَاجِمَ مَسِيَّتِهِ وَ اَلْسِنَ اِرَادَتِهِ.

خداوند به وسیله آنان موجوداتی را که توان سخن گفتن نداشتند، گویا ساخت تا با زبان های گوناگون به خداوندیش اعتراف کنند - که او بدون تردید خالق و شکافنده آسمان ها و زمین است - خداوند آنان را بر آفرینش خویش گواه، گرفت و از ولایت امرش آن چه می خواست بدان ها، سپرد، و آنان را تفسیر کنندگان مشیت خود و بیان گران اراده اش قرار داد

عَبِيداً لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يَشْفَعُونَ اِلَّا لِمَنْ اِزْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ.

(آنان مصداق این آیه هستند): «هرگز در سخن بر خدا پیشی نمی گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می کنند خداوند اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آن ها را می داند و آن ها جز برای کسی که خداوند راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند و از ترس او بیم ناکند.»

يَحْكُمُونَ بِاَحْكَامِهِ وَ يَسْتَتُونَ بِسُنَّتِهِ وَ يَعْتَمِدُونَ حُدُودَهُ وَ يُؤَدُّونَ فَرَضَهُ.

آنان بر اساس احکام خداوند حکم می کنند و سنت های الهی را جاری می سازند، حدود او را بر پا می دارند و واجب او را ادا می کنند.

### لطف به بندگان

وَ لَمْ يَدْعِ الْخَلْقَ فِيْ بُهْمٍ صَمًّا وَ لَا فِيْ عَمِيَاءَ بَكْمًا بَلْ جَعَلَ لَهُمْ عُقُولًا مَا زَجَّتْ شَوَاهِدُهُمْ وَ تَفَرَّقَتْ فِيْ هَيَاكِلِهِمْ وَ حَقَّقَهَا فِيْ نَفْسِهِمْ وَ اسْتَعْبَدَ لَهَا حَوَاسَهُمْ.

خداوند بندگان را در مشکلات و دشواری ها به صورت ناشنوا رها نکرده است

و در تیرگی ها بسان بی زبانان فاقد شعور و نهاده است بلکه برای آنان عقل هایی قرار داده که با تمام اعضای بدنشان در آمیخته است و در کالبدهای شان گسترده شده و در جان هایشان تثبیت گشته و حواس را تحت امر قرار داده است

فَقَرَّرَ بِهَا عَلَى السَّمْعِ وَ النَّوَاطِرِ وَ الْأَفْكَارِ وَ حَوَاطِرَ الْأَرْزَامِ بِهَا حُجَّتَهُ وَ أَرَاهُمْ بِهَا حَجَّتَهُ وَ أَنْطَقَهُمْ عَمَّا شَهِدَ بِأَلْسِنٍ ذَرَبَةٍ بِمَا قَامَ فِيهَا مِنْ قُدْرَتِهِ وَ حِكْمَتِهِ وَ بَيَّنَّ عِنْدَهُمْ بِهَا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ بِصِيرٍ شَاهِدٌ خَيْرٌ.

خداوند به وسیله عقل ها بر گوش و چشم و افکار و خاطره های انسان ها حجت را تمام کرده و راه خود را به آنان نشان داده است. و زبان های گویا و رسا در اختیار شان قرار داد تا آن چه را که می بینند بیان کنند و این همه لطف که خداوند به انسان ها نمود و با قدرت و حکمت خویش چنین عقلی را در وجود آن ها قرار داد و به وسیله آن هر آن چه لازم به گفتن بود، گفت برای این بود که (تا آن ها که هلاک و گمراه) می شوند از روی اتمام حجت، باشد و آن ها که زنده می شوند (و هدایت می یابند) از روی دلیل روشن باشد و خداوند شنوا و دانا و بینا و گواه آگاه است.

### اجتماع دو عید

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ لَكُمْ مَعَشَرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَذَا الْيَوْمِ عِيدَيْنِ عَظِيمَيْنِ كَبِيرَيْنِ لَا يَقُومُ أَحَدُهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ لِيُكْمَلَ عِنْدَكُمْ جَمِيلَ صَنِيعَتِهِ وَ يَقْفُكُمْ عَلَى طَرِيقِ رُشْدِهِ وَ يَقْفُوبَكُمْ آثَارَ الْمُسْتَضِيئِينَ بِنُورِ هِدَايَتِهِ وَ يَشْمَلُكُمْ مِنْهَا جَ فَصْدِهِ وَ يُؤَفِّرُ عَلَيْكُمْ هَنِيءَ رِفْدِهِ

ای مؤمنان خداوند متعال امروز دو عید بزرگ و مهم را برای شما جمع کرده است (جمعه و غدیر) که پایداری هر کدام از این دو عید به دیگری است، خداوند با این دو عید زیبا ترین کار هایش را به شما ارائه کرده و راه رشد و تعالی را به شما

نشان داده و شما را به پیروی از کسانی که از انوار الهی بر خوردارند دعوت نموده و راه متعادل را برای پیمودن شما هموار و گوارا ترین و شیرین ترین هدایای خود را برای شما ارزانی داشته است.

### فضیلت روز جمعه

فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ مَجْمَعًا نَدَبَ إِلَيْهِ لِتَطْهِيرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ وَغَسَلَ مَا كَانَ أَوْقَعَتْهُ مَكَاسِبُ السَّوِّءِ مِنْ مِثْلِهِ إِلَى مِثْلِهِ وَذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَتَبَيَّنَ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ.

اما روز جمعه را خداوند محل اجتماع مسلمانان قرار داده و مردم را به سوی آن دعوت کرده است تا آلودگی هایی را که در طول هفته پدید آمده و آن چه را داد و ستد ها و کسب های نامناسب به وجود آورده است پاک گرداند و تذکری برای مؤمنان باشد که بدانند تقوا پیشگان از چگونه خشیتی بر خوردارند.

وَوَهَبَ مِنْ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ فِيهِ أَضْعَافَ مَا وَهَبَ لِأَهْلِ طَاعَتِهِ فِي الْأَيَّامِ قَبْلَهُ وَجَعَلَهُ لَا يَتِمُّ إِلَّا بِالْإِيْتِمَارِ لِمَا أَمَرَ بِهِ وَالْإِنْتِهَاءَ عَمَّا نُهِىَ عَنْهُ وَالْبُخُوعَ بِطَاعَتِهِ فِيمَا حَثَّ عَلَيْهِ وَنَدَبَ إِلَيْهِ.

و خداوند اعمال خیر اهل طاعت خویش را در روز جمعه چندین برابر روز های دیگر پاداش می دهد این وعده های الهی تحقق نمی یابد مگر در مورد کسانی که زیر بار اوامر الهی رفته و خواست الهی را پذیرفته و مطیع دستور های خداوند باشند و خود را از آن چه که خداوند نهی کرده دور نموده و به آن چه که خداوند بدان فرا خوانده و تشویق کرده گردن نهند.

### توحید و ابلاغ ولایت

فَلَا يَقْبَلُ تَوْحِيدَهُ إِلَّا بِالْاعْتِرَافِ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِنُبُوَّتِهِ وَ لَا يَقْبَلُ دِينًا إِلَّا بِوِلَايَةِ مَنْ أَمَرَ بِوِلَايَتِهِ وَ لَا تَنْتَظِمُ أَسْبَابُ طَاعَتِهِ إِلَّا بِالتَّمَسُّكِ بِعِصْمِهِ وَ عِصْمِ أَهْلِ وِلَايَتِهِ.

بنا بر این خداوند توحید را نمی پذیرد مگر با اعتراف به نبوت پیامبرش ،

و هیچ دین و آیینی را نمی پذیرد مگر با پذیرش ولایت کسانی که به ولایت شان امر کرده است و زمینه های اطاعت خداوند فراهم نمی آید، مگر با تمسک به عصمت الهی و عصمت اهل ولایت او.

فَأَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ الدُّوْحِ مَا بَيَّنَّ بِهِ عَنْ إِزَادَتِهِ فِي خُلُصَاتِهِ وَذَوِي اجْتِبَائِهِ وَأَمْرَهُ بِالْبَلَاغِ وَتَرْكِ الْحُفْلِ بِأَهْلِ الرِّيعِ وَالتَّفَاقِقِ وَضَمِنَ لَهُ عِصْمَتَهُ مِنْهُمْ.

و به همین دلیل خداوند در روز غدیر آیاتی را بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود و اراده خود را در باره مخلصین درگاهش و برگزیدگانش به مردم تبیین نمود، و رسول خدا علیه السلام را مأمور کرد تا پیام او را به مردم ابلاغ نماید و در این راه از اهل باطل و نفاق نهراسد و حفظ رسولش را از آسیب آنان تضمین نمود.

وَ كَشَفَ مِنْ حَبَايَا أَهْلِ الرِّيبِ وَضَمَائِرِ أَهْلِ الإِزْتِدَادِ مَا رَمَزَ فِيهِ فَعَقَلَهُ الْمُؤْمِنُ وَ الْمُنَافِقُ فَأَعَزَّ مُعِزُّ وَ ثَبَّتَ عَلَى الْحَقِّ ثَابِتٌ.

خداوند با این آیه از رازهای نهفته در دل های اهل تردید و مردمان از دین برگشته پرده برداشت به گونه ای که مؤمن و منافق مطلب را فهمید، آن گاه اهل حق که عزیز بودند عزیز تر شدند و آنان که در میدان حق ثابت قدم، بودند پایدار تر گشتند

وَأَزْدَادَتْ جَهْلَةَ الْمُنَافِقِ وَ حَمِيَّةَ الْمَارِقِ وَ وَقَعَ الْعَصُّ عَلَى التَّوَّاجِدِ وَ الْعَمَزُ عَلَى السَّوَاعِدِ وَ نَطَقَ نَاطِقٌ وَ نَعَقَ نَاعِقٌ وَ نَشَقَ نَاشِقٌ وَ اسْتَمَرَ عَلَى مَا رَقَّتْهُ مَارِقٌ وَ وَقَعَ الْإِنْعَانُ مِنْ طَائِفَةِ بِلِّسَانِ دُونَ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ وَ مِنْ طَائِفَةِ بِلِّسَانِ وَ صِدْقِ الْإِيمَانِ

در مقابل نادانی منافقان و تعصب کور از دین برگشتگان فزونی یافت آنان از شدت عصبانیت دندان ها را بر هم می فشردند و دست ها را فشار می دادند، سخن ها گفتند و فریادها برآوردند و لغزش ها داشتند برخی بر عناد و لجاجت خود پایدار ماندند و حاضر به پذیرش حق نشدند گروهی نیز امر الهی را به زبان پذیرفتند اما باور حقیقی و قلبی به آن نداشتند و جمعی با زبان و قلب و ایمان

## اکمال دین و اتمام نعمت

وَ كَمَلِ اللَّهُ دِينَهُ وَأَقْرَبَ عَيْنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُتَابِعِينَ وَ كَانَ مَا قَدْ شَهِدَهُ بَعْضُكُمْ وَ بَلَغَ بَعْضُكُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ اللَّهِ الْحُسْنَى الصَّابِرِينَ وَ دَمَّرَ اللَّهُ مَا صَنَعَ فِرْعَوْنُ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ جُنُودَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ.

در آن روز خداوند دینش را کامل نمود و چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان و پیروان راستین را روشنی بخشید و به وقوع پیوست آن چه که برخی از شما گواه آن بودید و برخی خبر آن را شنیده اید آن روز نعمت زیبای خدا بر بندگان صبور و پایدارش کامل گشت و خداوند آن چه را فرعون و هامان و قارون و لشکریانشان فراهم آورده بودند تباہ ساخت و کاخ هایشان را ویران کرد.

## متمردین از ولایت

وَ بَقِيَتْ خُنَالَةٌ مِنَ الصَّالِحِينَ لَا يَأْتُونَ النَّاسَ خَبَالًا يَفْصِدُ هُمْ اللَّهُ فِي دِيَارِهِمْ وَ يَمْحُو اللَّهُ آثَارَهُمْ وَ يُبِيدُ مَعَالِمَهُمْ وَ يُعَقِّبُهُمْ عَنْ قُرْبِ الْحَسْرَاتِ وَ يُلْحِقُهُمْ بِمَنْ بَسَطَ أَكْفَهُمْ وَ مَدَّ أَعْنَاقَهُمْ وَ مَكَّنَهُمْ مِنْ دِينِ اللَّهِ حَتَّى بَدَّلُوهُ وَ مِنْ حُكْمِهِ حَتَّى غَيَّرُوهُ.

و البته گروهی از گمراهان و اراذل و اوباش باقی مانده اند که از هیچ ظلم و ستمی در حق مردم کوتاهی نمی کنند خداوند آنان را نیز در سرزمین شان عذاب و آثار شان را نابود خواهد ساخت و نشانه های شان را تباہ خواهد کرد و به زودی حسرت را بدرقه کاروان زندگی شان می نماید و به کسانی ملحقشان می کند که دست به جنایت گشودند و گردن کشی کردند و در دین خدا دست بردند و احکام الهی را دگرگون ساختند.

وَ سَيَأْتِي نَصْرُ اللَّهِ عَلَى عَدُوِّهِ لِحَبِينِهِ وَ اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ.

و بدون تردید نصرت الهی نازل می شود و طومار دشمنان خدا را در هم می پیچد و خداوند لطیف و آگاه است.

وَفِي دُونَ مَا سَمِعْتُمْ كِفَايَةً وَبَلَاغٌ فَتَأَمَّلُوا رَحْمَتَ اللَّهِ مَا تَدَّبَّرْتُمُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَحَثَّكُمْ عَلَيْهِ وَأَقْصِدُوا شَرَّعَهُ وَاسْتَلْكُمْ نَهْجَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ  
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ.

آن چه شنیدید برای شما کفایت می کند پس - خداوند شما را لطف و رحمت خود قرار دهد - تأمل و تدبیر کنید در آن چه خداوند شما را به سوی آن دعوت نموده و برای آن تشویق کرده است. و تصمیم بر پیمودن راه خدا بگیرید و راه روشن او را بپیمایید و به راه های دیگر که شما را از راه او متفرق می سازد وارد نشوید.

### عظمت غدیر

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانُ فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ وَوَضَحَتِ الْحُجَجُ .

امروز (غدیر) روز با عظمت و مهمی است که در آن گشایش رخ داده، و نردبان ترقی بر افراشته شده و حجت ها آشکار گشته است.

وَهُوَ يَوْمٌ الْإِيضَاحِ وَالْإِفْصَاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصَّوْرَاحِ وَ يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ وَ يَوْمٌ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ يَوْمٌ الشَّاهِدِ وَ الْمَشْهُودِ وَ يَوْمٌ تَبْيَانِ الْعُقُودِ عَنِ النَّفَاقِ وَ الْجُحُودِ وَ يَوْمٌ أَلْبِيَانِ عَنِ حَقَائِقِ الْإِيْمَانِ وَ يَوْمٌ دَحْرِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمٌ الْبُرْهَانِ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ .

و امروز روز روشنایی و پرده برداری از خالص ترین مقامات است و روز کامل شدن، دین روز عهد و پیمان بسته شده روز شاهد و مشهود، روز آشکار گشتن عقده های نفاق و کفر روز بیان ایمان روز طرد شدن شیطان، روز دلیل و برهان روز جدایی (حق از باطل) که وعده آن به شما داده شده است.

هَذَا يَوْمُ الْمَلَأِ الْأَعْلَى الَّذِي أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرَضُونَ .

امروز، روز ملاء اعلی (فرشتگان عالم بالا) که از آن روی برمی گردانید.

هَذَا يَوْمُ الْإِرْشَادِ وَ يَوْمٌ مِحْنَةِ الْعِبَادِ وَ يَوْمٌ الدَّلِيلِ عَلَى الرُّوَادِ .

امروز روز ارشاد و هدایت روز آزمون بندگان روز راهنمایی پیشاهنگان قوم



است.

هَذَا يَوْمُ أَبْدَى خَفَايَا الصُّدُورِ وَ مُضْمَرَاتِ الْأُمُورِ

امروز، روز آشکار گشتن چیزهایی است که در سینه ها پنهان و پوشیده شده بود.

هَذَا يَوْمُ الثُّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْخُصُوصِ هَذَا يَوْمُ شِيثِ هَذَا يَوْمُ إِدْرِيسَ هَذَا يَوْمُ يُوشَعَ هَذَا يَوْمُ شَمْعُونَ.

امروز روز تصریح بر افراد خاص است. امروز روز شیث (وصی و جانشین حضرت آدم علیه السلام) است. امروز روز ادريس (وصی یکی از پیامبران قبل از حضرت نوح علیه السلام) است. امروز، روز یوشع (وصی حضرت موسی علیه السلام) است. امروز، روز شمعون (وصی حضرت عیسی علیه السلام) است.

هَذَا يَوْمُ الْأَمْنِ الْمَأْمُونِ هَذَا يَوْمُ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْتُونِ هَذَا يَوْمُ إِبْلَاءِ السَّرَائِرِ.

امروز روز امن و آسودگی است امروز روز ظهور آن چیزی است که در نهان پاسداری می شد، امروز امروز روز عیان شدن راز هاست.

فَلَمْ يَزَلْ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ هَذَا يَوْمُ هَذَا يَوْمُ.

و امیر المؤمنین علیه السلام پیوسته می فرمودند: امروز، روز...

## تقرب به خدای تعالی

سپس فرمودند:

فَرَأَيْتُمَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّقَوْهُ وَ اسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ وَ أَحْذَرُوا الْمَكْرَ وَ لَا تُخَادِعُوهُ وَ فَتَشُوا ضَمَائِرَكُمْ وَ لَا تُؤَارِبُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ وَ طَاعَةٍ مَنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ.

پس خدا را در نظر داشته و مراقب باشید که تقوای الهی را به دست آورده و فرمان خدا را گوش کنید و اطاعتش نمایید از مکر و نیرنگ بر حذر باشید، در اندیشه فریب دادن خدا نباشید درون خود را تفتیش کنید و با خدا مکر به کار نبرید، تقرب پیدا کنید به خداوند با اقرار به وحدانیت او و اطاعت از کسانی که خدا به

ص: 483

اطاعت آنان فرمان داده است.

### پرهیز از تمسک به کافران

وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ وَلَا يُجْبِحْ بِكُمْ الْغِيَّ فَتَضِلُّوا عَنْ سَبِيلِ الرَّشَادِ بِاتِّبَاعِ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ ضَلُّوا وَاضَلُّوا قَالَ اللَّهُ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ فِي طَائِفَةٍ ذَكَرَهُمْ بِاللَّذَّةِ فِي كِتَابِهِ إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَصَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا

و به پیوند با کافران متمسک نشوید مبادا بدبختی و تباهی شما را بگیرد و به اطاعت از گمراهان و گمراه کنندگان میل و رغبت پیدا کنید و بیراهه روید. خداوند متعال گروهی را در قرآن مذمت می کند: «و می گویند: پروردگارا، ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند. پروردگارا آنان را عذاب دو چندان ده و آن ها را لعن بزرگی فرما!»

وَقَالَ تَعَالَى وَ إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ يَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ هَدَيْنَاكُمْ.

و می فرماید: «هنگامی که در آتش دوزخ با هم محاجه می کنند، ضعیفان به مستکبران می گویند ما پیرو شما بودیم. آیا شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟ آن ها می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود ما نیز شما را هدایت می کردیم (ولی کار از این ها گذشته است).»

### معنای استکبار

أَفْتَدْرُونَ إِلَّا سَيِّئَاتِكُمْ مَا هُوَ تَرْكُ الطَّاعَةِ لِمَنْ أَمُرُوا بِطَاعَتِهِ وَ التَّرَفُّعُ عَلَى مَنْ نَدَبُوا إِلَى مُتَابَعَتِهِ وَ الْقُرْآنُ يُنطِقُ مِنْ هَذَا عَنْ كَثِيرٍ أَنْ تُدَبِّرَهُ مُتَدَبِّرٍ زَجْرُهُ وَ وَعْظُهُ.

آیا می دانید استکبار چیست؟ استکبار ترک اطاعت از کسی است که مأمور به اطاعت از او هستید و برتری جستن بر کسی است که به پیروی از او دعوت شده اید قرآن در این باره سخن فراوان گفته است اگر کسی در آن آیات تدبیر کند،

## معرفی خود

وَاعْلَمُوا أَنِّيهَا الْمُؤْمِنُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْضُوصٌ .

ای مؤمنان بدانید که خداوند متعال می فرماید: «خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او در صف جهاد پیکار می کنند، مانند سد آهنین هم دست و پایدارند.

أَتَدْرُونَ مَا سَبِيلُ اللَّهِ وَمَنْ سَبِيلُهُ وَمَنْ صِرَاطُ اللَّهِ وَمَنْ طَرِيقُهُ.

آیا می دانید «سبیل الله» (راه خدا) چیست؟ و چه کسی راه اوست؟ و چه کسی صراط خداست؟ و چه کسی طریق خداست؟

أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ لَمْ يَسْلُكْهُ بِطَاعَةِ اللَّهِ فِيهِ هُوِيَ بِه إِلَى النَّارِ وَأَنَا سَبِيلُهُ الَّذِي نَصَبَنِي لِلاِتِّبَاعِ بَعْدَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْفَجَّارِ وَ نُورُ الْأَنْوَارِ.

من «صراط» خدا هستم که اگر کسی برای اطاعت خدا آن را نییاید به آتش جهنم افکنده می شود من «راه» خدا هستم که خداوند بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله برای پیروی مردم مرا منصوب کرد من تقسیم کننده بهشت و دوزخم، من حجّت خدا بر تبهکارانم، من نور انوارم.

## دعوت به تنبه و بیداری

فَانْتَبِهُوا عَنْ رَفْدَةِ الْغَفْلَةِ وَ بَادِرُوا بِالْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ وَ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ يُضْرَبَ بِالسُّورِ بِبَاطِنِ الرَّحْمَةِ وَ ظَاهِرِ الْعَذَابِ فَتُنَادُونَ فَلَا يَسْمَعُ نِدَاؤَكُمْ وَ تَضْحَكُونَ فَلَا يُحْفَلُ بِصُحْبِكُمْ وَ قَبْلَ أَنْ تَسْتَعِيثُوا فَلَا تُعَاثُوا.

بنابر این، از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرا رسیدن مرگ، برای انجام کار بشتابید و برای کسب مغفرت خدا بر یک دیگر سبقت بگیرید، قبل از آن که دیواری کشیده شود که باطن آن رحمت و ظاهرش عذاب است آن گاه فریاد

می‌زنید اما کسی گوش فرا نمی‌دهد ناله سر می‌دهید و کسی به ناله‌های شما اهمیت نمی‌دهد استغاثه می‌کنید و با تضرع و زاری استمداد می‌کنید، و کسی به کمک شما نمی‌آید.

سَارِعُوا إِلَى الطَّاعَاتِ قَبْلَ فَوْتِ الْأَوْقَاتِ فَكَانَ قَدْ جَاءَكُمْ هَادِمُ اللَّذَاتِ فَلَا مَنَاصَ نَجَاءٍ وَلَا يَحِيصَ تَخْلِيصَ.

به سوی طاعت‌ها بشتابید قبل از آن که فرصت‌ها را از دست دهید، گویا مرگ به جانب شما رو نهاده است مرگی که تمامی لذایذ را تباه می‌سازد.

### برای بزرگ داشت غدیر

عُودُوا رَحْمَتِ اللَّهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ مَجْمَعِكُمْ بِالتَّوَسُّعِ عَلَى عِيَالِكُمْ وَ الْبِرِّ بِإِخْوَانِكُمْ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ وَ أَجْمَعُوا يَجْمَعُ اللَّهُ سَمَلَكُمْ وَ تَبَاوَزُوا يَصِلُ اللَّهُ الْفَتْكُمْ.

خداوند شما را رحمت کند با پایان یافتن این اجتماع که به خانه‌هایتان برمی‌گردید برای اهل و عیال خود گشایشی داشته باشید و در زندگی آن‌ها توسعه‌ای دهید به برادرانتان نیکی کنید و خدا را بر این همه لطف و احسانش سپاس‌گزار و شاکر باشید، دور هم جمع شوید تا خداوند الفت شما را بیشتر کند، و به هم دیگر احسان کنید تا خداوند صمیمیت شما را افزون گرداند.

وَ تَهَادُوا نِعَمَ اللَّهِ كَمَا مَنَّاكُمْ بِالتَّوَابِ فِيهِ عَلَى أضعافِ الْأَعْيَادِ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ إِلَّا فِي مِثْلِهِ.

در این عید بزرگ نعمت‌هایی را که خداوند به شما ارزانی داشته است به هم دیگر هدیه دهید همان‌گونه که خداوند در این عید چندین برابر عید‌های دیگر به شما پاداش و ثواب می‌دهد

و البرفيه يُمِرُّ المَالَ وَ يَزِيدُ فِي العُمُرِ وَ التَّعَاطُفُ فِيهِ يَقْتَضِي رَحْمَةَ اللَّهِ وَ عَطْفَهُ.

در این عید بزرگ احسان کردن ثروت را برکت می‌بخشد و عمر را زیاد می‌کند

در این روز محبت به هم دیگر و مهر ورزی با بندگان خدا رحمت و عطف خداوندی را جلب می کند

و هَيُّوا لِأَخْوَانِكُمْ وَعِيَالِكُمْ عَنْ فَضْلِهِ بِالْجَهْدِ مِنْ جُودِكُمْ وَبِمَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ وَأَطْهَرُوا الْبِشْرَ فِي مَا بَيْنَكُمْ وَالسُّرُورَ فِي مَلَاقَاتِكُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ.

در این روز هر آن چه در توان دارید از فضل و احسانی که خداوند نصیب شما کرده است برای برادران و اهل و عیال خود هزینه کنید و گشاده دستی نمایید و زمینه پذیرایی از آن ها را فراهم کنید شادمانی خود را آشکار کنید و با لبخند و تبسم با هم دیگر رو به رو شوید شکر خدا را بر این همه لطف و کرامتش بر زبان داشته باشید.

وَعُودُوا بِالْمَزِيدِ مِنَ الْخَيْرِ عَلَى أَهْلِ التَّامِيلِ لَكُمْ وَسَأَوْا بِكُمْ ضَمًّا مَعْفَاءَكُمْ فِي مَا كَلِكُمْ وَمَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ وَعَلَى حَسَبِ امْكَانِكُمْ.

و به آنان که با آرزومندی چشم به دستان شما دوخته اند، به دیدار شان بشتابید و بخشش فراوان کنید ضعیفان و ناتوانان را دریابید و هر آن چه در توان دارید و امکانات شما اجازه می دهد در خوراکی و بقیه نیازمندی ها با آنان به مساوات رفتار نمایید.

فَالذَّرْهَمُ فِيهِ بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَالْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

پاداش یک درهم احسان در این روز برابر صد هزار درهم در روز های دیگر است و امید است خداوند بیشتر از این هم پاداش دهد

### روزه عید غدیر

وَصَوْمُ هَذَا الْيَوْمِ مِمَّا نَدَبَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ وَجَعَلَ الْجَزَاءَ الْعَظِيمَ كِفَالَةً عَنْهُ حَتَّى لَوْ تَعَبَدَ لَهُ عَبْدٌ مِنَ الْعِبَادِ فِي الشَّيْبَةِ مِنْ ابْتِدَاءِ الدُّنْيَا إِلَى انْقِضَائِهَا صَائِمًا نَهَارًا هَا قَائِمًا لَيْلَهَا إِذَا أَخْلَصَ الْمُخْلِصُ فِي صَوْمِهِ لَقُصِرَتْ إِلَيْهِ أَيَّامُ الدُّنْيَا عَنْ كِفَايَةٍ.

ص: 487

روزه این روز مستحب است و خداوند به آن دعوت نموده و پاداش عظیمی برای آن قرار داده است به گونه ای که اگر بنده ای از بندگان خدا، تمام عمر دنیا روزها را به روزه داری و شبها را به عبادت سپری کند، هم سان کسی که با نیت خالصانه در روز غدیر روزه گرفته است نمی شود

وَمَنْ أَسْعَفَ أَخَاهُ مُبْتَدِئًا وَبَرَهُ رَاغِبًا فَلَهُ كَأَجْرِ مَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ وَقَامَ لَيْلَتَهُ.

و هر کسی در این روز بدون این که برادر مؤمنش از او درخواستی کرده باشد، از او کار گشایی کند و مشتاقانه برای او قدم خیر بردارد، همانند کسی است که در این روز روزه گرفته و شب آن را به عبادت گذرانده باشد.

### افطاری دادن در عید غدیر

وَمَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا فِي لَيْلَتِهِ فَكَأَنَّمَا فَطَرَ فَنَامًا وَفَنَامًا يَعُدُّهَا بِيَدِهِ عَشْرَةَ فَتَهْضُ نَاهِضٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْفَنَامُ قَالَ مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ فَكَيْفَ بِمَنْ تَكْفَلَ عَدَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَنَا ضَمِينُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ إِن مَاتَ فِي لَيْلَتِهِ أَوْ يَوْمِهِ أَوْ بَعْدَهُ إِلَى مِثْلِهِ مِنْ غَيْرِ أَتَكَابِ كَبِيرَةٍ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى.

و کسی که در غروب روز غدیر به روزه داری افطاری، دهد همانند کسی است که ده فنم را افطاری داده باشد.

در این هنگام کسی از جابر خاست و سؤال کرد یا امیر المؤمنین «فنام» چیست؟

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: فنام صد هزار پیامبر و شهید است. حال چگونه است پاداش کسی که جمعی از مردان و زنان اهل ایمان را افطاری داده باشد؟! من ضمانت می دهم که خداوند او را از کفر و فقر امان دهد، و اگر در همان شب، یا همان روز یا پس از آن روز تا عید غدیر سال آینده بمیرد - بدون این که گناه کبیره ای مرتکب شده باشد - اجر و پاداش او با خداوند می باشد

## با برادران دینی

وَمَنْ اسْتَدَانَ لِإِخْوَانِهِ وَأَعَانَهُمْ فَأَنَا الصَّامِنُ عَلَى اللَّهِ إِنْ بَقَاةُ قَضَاهُ وَإِنْ قَبِضَهُ حَمَلَهُ عَنْهُ.

و هر کس که برای برادرانش قرض بگیرد (و برای حل مشکل آن ها واسطه شود) و به آن ها کمک نماید، من ضمانت می دهم که خداوند قرض او را پردازد - اگر زنده بماند - و اگر جانش را بگیرد، از طرف او بر عهده می گیرد و ادا می کند

وَ إِذَا تَلَّاقْتُمْ فَتَصَافَحُوا بِالتَّسْلِيمِ وَ تَهَانُوا النِّعْمَةَ فِي هَذَا الْيَوْمِ.

در این روز هنگامی که با یک دیگر ملاقات می کنید، با هم دست بدهید و این نعمت بزرگ را به هم دیگر تهنیت و تبریک بگویید.

## اطلاع رسانی غدیر

و لِيَبْلُغَ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الشَّاهِدُ الْبَائِنَ وَ لِيُعَدَّ الْغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ الْقَوِيُّ عَلَى الضَّعِيفِ أَمْرِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ.

مطالب مرا که شنیدید حاضران به غائبان برسانند و آن ها که در مجلس حضور داشتند پیام مرا به کسانی که به دلیل دوری راه نتوانستند در این اجتماع شرکت کنند ابلاغ نمایند و تأکید می کنم که افراد متمکن و دارای امکانات از نا توانان و ضعیفان دل جویی کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا این چنین فرمان داده است.

## میهمانی امام حسن مجتبی علیه السلام

ثُمَّ أَخَذَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي خُطْبَةِ الْجُمُعَةِ وَ جَعَلَ صِدْقَةَ الْجُمُعَةِ صِدْقَةَ عِيدِهِ وَ أَنْصَرَ بِوُلْدِهِ وَ شِيعَتِهِ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا أَعَدَّ لَهُ مِنْ طَعَامِهِ وَ أَنْصَرَ عَنْيَهُمْ وَ فَقِيرَهُمْ بِرِفْدِهِ إِلَى عِيَالِهِ.

امیر المؤمنین علیه السلام بعد از این، سخنان خطبه جمعه را آغاز فرمودند و نماز جمعه را اقامه کردند و بعد از نماز با فرزندان و شیعیان خود به منزل امام حسن علیه السلام رفتند ایشان غذایی را برای پذیرایی از مهمانان آماده کرده بود، همه

مهمانان اعم از ثروتمند و فقیر بر سر سفره حضرت نشستند و پس از صرف غذا همراه با هدیه ای به سوی خانه هایشان بازگشتند.

## نگاهی گذرا به خطبه

خطبه امیر المؤمنین علیه السلام با حمد و ثنای الهی و با کلمات و جملاتی پر معنا و شهادت به وحدانیت ذات اقدس اله و بیان برخی از صفات ثبوتیه و سلبيه او شروع می شود.

سپس با تشریح اهمیت نبوت و رسالت و بیان این که گواهی به نبوت قرین اعتراف به لاهوتیت خداست به بیان مسأله امامت و مقام امامان علیهم السلام می پردازد و درباره جایگاه واقعی ائمه علیهم السلام، خلقت و نشأت وجودی آن ها و دیگر ویژگی هایشان سخن می گوید.

در ادامه به نقش پر اهمیت خود می پردازد و در کنار حجت ظاهر شاهدهی دیگر را بر حقانیت خود مطرح می فرماید.

پس از آن اهمیت روز جمعه و عید غدیر را خاطر نشان می سازد و فلسفه روز جمعه و اعمال مستحب آن را بیان می نماید

آن گاه به ارتباط توحید، نبوت و ولایت و دین با یک دیگر اشارت می کند و آثار و ثمرات معرفی ولی را در واقعه غدیر به تفصیل بیان کرده و با تعابیری بلند به تفسیر آن می پردازد.

پس از آن نصایح و پند های ارزشمندی می دهد و با استناد به آیات قرآن مردم را به اطاعت خدا و رعایت تقوا و دوری از گناه تشویق می نماید.

سپس در بیان معنای استکبار استکبار را سرپیچی از پیروی کسی که می بایست اطاعت شود می داند و به تفسیر «طریق»، «صراط» و «سبیل الله» می پردازد و می فرماید: «صراط» منم «سبیل الله» منم، «نور الانوار» منم و ... .

در پایان خطبه بار دیگر مردم را به اخلاق فردی اجتماعی، مالی و... سفارش



می کند و استحباب روزه روز غدیر و پاداش بس عظیم آن را یادآور می شود.

## خطبه غدیریه در منابع روایی

این خطبه در منابع معتبری همچون «مصباح المتهجد و سلاح المتعبد» شیخ الطائفه، محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی (متوفای 460ق)، از مشهورترین محدثان و فقیهان شیعه و نویسنده دو کتاب «التهذیب» و «الاستبصار» از کتاب های چهارگانه حدیثی شیعه آمده است.

پس از شیخ طوسی دیگر مؤلفان جوامع روایی و ادعیه، این روایت را با واسطه و یا بی واسطه از شیخ طوسی و «مصباح المتهجد» وی نقل کرده اند. برخی از آن ها تمام خطبه را نقل کرده اند و بعضی تنها به نقل پاره هایی از آن بسنده کرده اند.

رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن طاووس (متوفای 664) تمام این خطبه را در کتاب «اقبال الاعمال» و «مصباح الزائر» به نقل از شیخ طوسی آورده است. همچنین شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی ابن الحسن الکفعمی (متوفای 905) این خطبه را از «مصباح المتهجد» شیخ طوسی در کتاب خود به نام «جنة الامان الواقية و جنة الايمان الباقية»، معروف به «مصباح کفعمی» با کمی تفاوت آورده است.

علامه ملا محمد باقر مجلسی نیز این خطبه را از «مصباح الزائر» سید بن طاووس، به طور کامل در «بحار الانوار» نقل کرده است که با نسخه «مصباح المتهجد» اندکی تفاوت دارد.

«مسند الامام الرضا علیه السلام» هم متن کامل خطبه را از کتاب «مصباح المتهجد» نقل کرده است

ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب علیه السلام»، شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه» محدث مفسر عبد علی حویزی در «تفسیر نور الثقلین»، مجموعه «جامع احادیث الشیعه» آیت الله بروجردی و «الغدیر» علامه امینی بخش هایی

از این خطبه را به مناسبت های مختلفی آورده اند.

### شکوه غدیر در نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

در میان تعبیر که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شکوه و عظمت این روز و معرفی آن بیان داشته اند اشاره های بلندی است که آن چه را بعد از واقعه غدیر اتفاق افتاده است روشن می سازد.

حضرت پس از حمد و ثنای الهی و پس از آن که این روز را یکی از اعیاد بزرگ بر می شمارند به حقایقی می پردازند که به این روز عظمت بخشیده است. نخست این که این روز را روز بیان اراده خدا و روز بلاغ بر می شمارند. «يَوْمَ الدُّوْحِ مَا بَيَّنَّ بِهِ عَنْ إِرَادَتِهِ فِي خُلَصَانِهِ وَ ذَوِي اجْتِبَائِهِ وَ أَمْرَهُ بِالْبَلَاغِ». واژه «دوح»، جمع «دوحه» به معنای درختان بزرگ و تنومند است. این بیان در حقیقت بیان گر موقعیت جغرافیای تاریخی غدیر است امام علیه السلام می فرماید آن روز زیر درختان تنومند، آیاتی نازل شد که مبین اراده خدا برای بندگان خالص مخلص و برگزیده اوست.

در آن روز جبرئیل فرود آمد و آیه (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...)) را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد، و آن حضرت را مأمور به تبلیغ امری کرد که بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت و آن ولایت علی علیه السلام بود. از جمله «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» به خوبی روشن می شود که پیش از آن، ولی امر تعیین شده بود و آن روز تنها برای معرفی و ابلاغ بوده است.

حضرت غدیر را روز بزرگ روز گشایش روز تکامل دانسته و فرموده است: «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانُ فِيهِ وَقَعَ الْفَرْجُ وَ رُفِعَتِ الدَّرَجُ وَ وَضَّحَتِ الْحُجُجُ؛ امروز (غدیر)، روز با عظمت و مهمی است که در آن گشایش رخ داده و نردبان تعالی بر افراشته شده و حجت ها آشکار گشته است.»

عظمت این روز بدان جهت است که ظرف ظهور اراده الهی و زمان ابلاغ پیام الهی است؛ روزی است که گشایش و فرج حاصل شد؛ چرا که نگرانی امت اسلام

نسبت به زمان پس از پیامبر را برطرف کرد و بدان ها امید بخشید؛ روزی که نردبان تکامل افراشته شد و با طرح مسأله امامت و معرفی امام، دین به کمال لازم خود رسید؛ روزی که حجت ها آشکار شد و بر همگان اتمام حجت گردید.

حضرت روز غدیر را روز پرده برداری از مقام امامت معرفی کردند و فرمودند: «وَهُوَ يَوْمُ الْإِيضَاحِ وَ الْإِفْصَاحِ عَنِ الْقَامِ الصُّرَاحِ؛ روز غدیر، روز روشنایی و پرده برداری از خالص ترین مقامات است.» «افصاح» به معنای اظهار کردن و مرادف با «ایضاح» است و صراحت به معنای خالص بودن چیزی از تعلقات است. سخن صریح هم از همین باب است؛ بدان جهت که اظهار و تأویل ندارد.

اما مقام صراح یعنی جایگاه، پاکی، پیراستگی و منظور از آن مقام عصمت و امامت است که در روز غدیر از آن پرده برداری شد و امام برای همگان مشخص شد تا دیگر بهانه ای برای منافقان و دورویان نباشد تا نگویند پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت کسی را معرفی نکرده است.

«وَيَوْمُ كَمَالِ الدِّينِ؛ و روز کامل شدن دین» روزی است که دین خداوند کامل شد. کاری که در روز غدیر انجام گرفت آن چنان از اهمیت برخوردار بود که اگر انجام نمی گرفت، نه تنها دین به مرحله کمال خود نمی رسید که اصل رسالت نیز ابلاغ نشده بود.

«وَيَوْمُ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ؛ و روز عهد و پیمان بسته شده.» پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن که از مردم اقرار و اعتراف گرفت که من نسبت به مؤمنین از خودشان اولویت دارم، بر ولایت علی علیه السلام از آنان پیمان گرفت و این همان عهد معهود است. ممکن است عهد معهود اشاره به عهدی باشد که در آغاز خلقت از انسان گرفته شد.

«وَيَوْمُ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ؛ و روز شاهد و مشهود.» شاهد پیامبر و مشهود علی علیه السلام است. پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت به ولایت علی علیه السلام داد و انسانها و فرشتگان بر این امر گواهی دادند. تاریخ نیز گواهی داد که گروهی این ولایت را به علی علیه السلام تبریک و تهنیت گفتند و در ظرف تنها چند ماه آن را زیر پا گذاشتند.

«وَيَوْمُ تَبْيَانِ الْعُقُودِ عَنِ النِّفَاقِ وَالْجُحُودِ؛ وروز آشکار گشتن عقده های نفاق و کفر.»

روزی که جریان حق از جریان نفاق مشخص شد و باعث شد حامیان واقعی از مدعیان دروغین جدا شوند؛ آنان که حقایق را آگاهانه انکار کردند و نفاق خود را در عمل آشکار ساختند

«وَيَوْمُ الْبَيَانِ عَنْ حَقِّ أَيْمَانِ؛ وروز بیان حقایق ایمان.» روزی که خط ایمان از دیگر خطوط ممتاز شد کسانی که تا آن روز ادعای ایمان به خدا و اطاعت از پیامبر را داشتند در آن روز درون شان آشکار شد. در آن روز همه دانستند که اگر واقعاً معتقد به اطاعت خدا و رسول هستند باید ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را که مصداق بارز اطاعت از خدا و رسول است بپذیرند.

«وَيَوْمُ دَحْرِ الشَّيْطَانِ؛ وروز طرد شدن شیطان» در روز غدیر با کامل شدن دین، شیطان نیز برای دومین بار رانده شد شیطان که از دین کامل و حقیقت ایمان دل خوشی ندارد دوست می داشت دین نا تمام و ابتر بماند و به کفار و منافقین وعده می داد که با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و نفس راحتی می کشند

با واقعه غدیر و سوسه ها، توطئه ها و نقشه ها نقش بر آب شد و همان گونه که کافران مأیوس و نومید شدند شیطان نیز مأیوس و رانده درگاه الهی شد. او که راضی به خلافت انسان برای خدا نبود و با سجده نکردن طرد و رجم شد، راضی به خلافت علی علیه السلام نیز نبود و از این رو مطرود گردید.

«هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ امروز، روز جدایی (حق از باطل) است که وعده آن به شما داده شده است.» این عبارت در حقیقت تشبیهی از غدیر به قیامت است. آن گونه که روز قیامت حق از باطل جدا می شود و اهل حقیقت و ایمان روانه بهشت می شوند و گروه باطل به سوی دوزخ برده می شوند، روز غدیر نیز مؤمنان به ولایت اهل بهشت و آن ها که از ولایت اعراض کردند، دوزخی اند.

«هَذَا يَوْمُ الْإِزْشَادِ؛ امروز روز ارشاد و هدایت» روزی است که خداوند به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به مسیر آینده شان راهنمایی کرد حقایق را گفت و ولی امر را

«وَيَوْمَ مِحْنَةٍ الْعِبَادِ؛ و روز آزمون بندگان» روز غدیر روز آزمایش بندگان بود، روزی که خداوند ولی و پذیرش ولایتش را وسیله آزمودن انسان ها قرار داد. هر که آن را پذیرفت و بدان پای بند بود از بوته آزمایش سرفراز در آمد و هر که آن را نپذیرفت مردود شد؛ چرا که نفی ولایت در حقیقت رها کردن رسالت و ترک توحید است.

«هَذَا يَوْمُ أْبَدَى خَفَايَا الصُّدُورِ وَ مُضْمَرَاتِ الْأُمُورِ؛ امروز، روز آشکار گشتن آن چه در سینه ها پنهان و پوشیده بود». هم نفاق و دورویی ها آشکار شد، و هم اسرار ممدوح یعنی این روزی است که خداوند راز بین خود و رسولش را آشکار کرد. در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله سری را که خداوند در درونش به ودیعت نهاده بود و پیامبر از افشای آن در هراس بود، با تضمین بر تأمین آشکار کرد.

«هَذَا يَوْمُ النَّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْخُصُوصِ؛ امروز، روز تصریح بر افراد خاص». پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از آغاز بعثت تا حجه البلاغ، بار ها به معرفی علی علیه السلام پرداخته بود، اما در جریان غدیر بدون هیچ پرده پوشی و به دور از هرگونه کنایه و اشاره و با صراحت تمام به معرفی علی علیه السلام به عنوان ولی امر مسلمین پرداخت و راه هرگونه توجیه را مسدود کرد

«هَذَا يَوْمُ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ؛ روز ظهور آن چه در نهان پاسداری می شد.» غدیر روزی است که آن چه در نهان نگه داری می شد علنی گردید و این همان امر مهم ولایت است. تعبیر به «الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ» بیان گر آن است که حادثه غدیر برنامه ای نبوده است که خلق الساعه پدید آمده باشد، بلکه پیش از فرا رسیدن این برهه از زمان در مکنون و در علم الهی و سینه پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته است. روز غدیر تنها ظرف اعلان آن است.

«هَذَا يَوْمُ إِبْلَاءِ السَّرَائِرِ؛ و امروز روز عیان شدن راز هاست. روزی که اسرار درون اعم از کفر و ایمان بغض و حب شر و خیر ریا و اخلاص و... همه آشکار شد.

## خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر

\*خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر(1)

### بزرگداشت غدیر در بهشت

عن أحمد مد بن محمد بن أبي نصر: كُنَّا عِنْدَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْمَجْلِسِ غَاصِ بِأَهْلِهِ، فَتَذَاكِرُوا يَوْمَ الْغَدِيرِ، فَأَنْكَرَهُ بَعْضُ النَّاسِ، فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: نزد امام رضا علیه السلام و مجلس، لبریز از جمعیت بود. (اهل مجلس) از روز غدیر یاد کردند اما برخی آن را انکار کردند. امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش نقل کرد که فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهُرٌ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصَّرَ لِبَيْتِهِ مِنْ فِضَّةٍ وَ لِبَيْتِهِ مِنْ ذَهَبٍ فِيهِ مِئَةُ أَلْفِ قُبَّةٍ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، وَ مِئَةُ أَلْفِ خَيْمَةٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَخْضَرَ، تُرَابُهُ الْمَسْكُ وَ الْعَنْبَرُ فِيهِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ: نَهْرٌ مِنْ حَمْرٍ، وَ نَهْرٌ مِنْ مَاءٍ، وَ نَهْرٌ مِنْ لَبْنٍ، وَ نَهْرٌ مِنْ عَسَلٍ، وَ حَوَالِيهِ أَشْجَارٌ جَمِيعُ الْفَوَاكِهِ، عَلَيْهِ طُيُورٌ أَبْدَانُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ وَ أَجْنَحَتُهَا مِنْ يَاقُوتٍ تُصَوِّتُ بِأَلْوَانِ الْأَصْوَاتِ.

روز غدیر در آسمان مشهور تر از زمین است خدا در بهشت برین کاخی دارد که خشت هایش یکی از سیم و یکی از زر است و در آن، صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن نیز مُشک و عنبر است. در

ص: 496

---

1- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 24، ح 52؛ الإقبال، ج 2، ص 268؛ بحار الأنوار، ج 100، ص 358، ح 2.

آن چهار نهر جاری است نهر، شراب نهر، آب نهر شیر و نهر غسل. و پیرامون آن، درختانی با همه گونه میوه هست که بر آن ها پرندگانی با پیکر هایی از مروارید و بال هایی از یاقوت با صدا های گوناگون نشسته اند.

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَرَدَ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ، فَتَطِيرُ تِلْكَ الطُّيُورُ فَتَقَعُ فِي ذَلِكَ الْمَاءِ وَتَتَمَرَّغُ عَلَى ذَلِكَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ طَارَتْ، فَتَنْفُضُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَإِنَّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَيَتَهَادُونَ نِثَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ

چون روز غدیر می شود، ساکنان آسمان با تسبیح و تقدیس و تهلیل خداوند، به آن، کاخ وارد می شوند. پس همه پرندگان می پرند و داخل آب ها می شوند و خود را به مُشک و عنبر (بهشتی) آغشته می کنند و هنگامی که فرشتگان گرد می آیند پرواز می کنند و آن مشک و عنبر را بر آن ها می افشانند و در آن روز، فرشتگان، شاد باش عروسی فاطمه علیها السلام را که سنبل و میخک بهشتی بود (1) به هم هدیه می دهند.

فَإِذَا كَانَ آخِرُ ذَلِكَ الْيَوْمِ نودوا: انصرفوا إلى مراتبكم فقد أمّنتم من الخطأ والزلل إلى قابل في مثل هذا اليوم تکرمة لمحمد صلى الله عليه وآله و آله و علي عليه السلام.

در پایان آن روز، به آنان ندا می شود که به جایگاه های خود بازگردید که به خاطر بزرگ داشت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، تا چنین روزی در سال دیگر از خطا و لغزش ایمن خواهید بود.

### در جوار امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر

ثُمَّ قَالَ: يَا بَنَ أَبِي نَصْرٍ، أَيْنَمَا كُنْتَ فَاحْضُرْ يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً، وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَ الدَّرْهَمُ فِيهِ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِإِخْوَانِكَ الْعَارِفِينَ، فَأَفْضَلُ عَلَى إِخْوَانِكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ سُرِّ فِيهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ.

ص: 497

---

1- ر. ك: الأماي، صدوق، مجلس 83، حدیث نخست در آنجا آمده است که فرشتگان در روز ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام سنبل و میخک بهشتی بر سر آن دو افشانند.

سپس امام رضا علیه السلام و فرمودند: «ای ابن ابی نصر! روز غدیر هر کجا بودی نزد (مزار) امیر مؤمنان علیه السلام حاضر، شو که خداوند (در این روز) گناهان شصت ساله هر مرد و زن با ایمان و مسلمان را می آمرزد و دو برابر کسانی که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش رها کرده، آزاد می سازد و انفاق یک درهم در آن روز به برادران حق آشنای خود برابر هزار درهم در روز های دیگر است. پس در این روز، به برادران احسان کن و هر مرد و زن با ایمان را در آن خوشحال کن

ثُمَّ قَالَ: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! لَقَدْ أَعْطَيْتُمْ خَيْرًا كَثِيرًا، وَإِنَّكُمْ مِمَّنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، مُسْتَقْلُونَ مَقْهُورُونَ مُمْتَحَنُونَ يُصَبُّ عَلَيْكُمْ الْبَلَاءُ صَبًّا، ثُمَّ يَكْشِفُهُ كَاشِفُ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ.

سپس فرمود ای کوفیان! خیری فراوان به شما عطا شده و شما از کسانی هستید که خداوند دل هایشان را به ایمان آزموده است. شما را خوار و مقهور می سازند و آزمایش می شوید و بلاها بر شما سرازیر می شود. سپس باز کننده گره های بزرگ آن را می گشاید.

### فضیلت غدیر

وَ اللَّهُ لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ لَوْلَا أَنِّي أَكْرَهُ التَّطْوِيلَ لَذَكَرْتُ مِنْ فَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا أَعْطَى اللَّهُ فِيهِ مَنْ عَرَفَهُ مَا لَا يُحْصَى بِعَدَدٍ.

به خدا سوگند اگر مردم فضیلت حقیقی این روز را می دانستند، فرشتگان با آن ها در هر روز ده بار مصافحه می کردند و اگر نبود که دراز گویی را ناخوش دارم، از فضیلت های این روز و عطایای خداوند بر شناسندگان قدر این روز چندان ذکر می کردم که به شماره نیاید.



## خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (2)

\*خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (1)(2)

### ارزش روزه در عید غدیر

الْحُسَيْنُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَانَ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمَرِ الدُّنْيَا لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ ثُمَّ صَامَ مَا عَمَرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ وَصِيَامُهُ يَعْدِلُ عِدَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ عَامٍ مِائَةَ حَبَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَتَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ وَ اسْمَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمُتَعَاهَدِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ التَّأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ.

علی بن حسین عبیدی می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: روزه در روز غدیر خم معادل روزه تمام عمر دنیاست اگر کسی به اندازه تمام عمر دنیا زنده بماند و تمام آن را روزه بگیرد ثواب آن به اندازه ثواب روزه در روز غدیر است و روزه روز غدیر نزد خداوند عز و جل معادل صد حج و صد عمره مقبول است و روز غدیر عید بزرگ الهی است و خداوند عزوجل هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد مگر آن که این روز را عید گرفت و حرمت آن را دانست. و نامش در آسمان روز عهد معهود و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است.

ص: 499

مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ يَغْتَسِلُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُولَ مِقْدَارَ نِصْفِ سَاعَةٍ يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ سُورَةَ الْحَمْدِ مَرَّةً وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عِدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ حَبَّةٍ وَ مِائَةَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ مَا سَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ حَوَائِجِ الْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَ مَا كَانَتْ الْحَاجَةُ وَإِنْ فَاتَتْكَ الرَّكْعَتَانِ وَ الدُّعَاءُ قَضَيْتَهُمَا بَعْدَ ذَلِكَ.

کسی که در عید غدیر نیم ساعت به ظهر مانده غسل کند، دعا کند و دو رکعت نماز در هر رکعت یک مرتبه حمد و ده مرتبه «قل هو الله» و ده مرتبه «آیت الکرسی» و ده مرتبه «انا انزلناه» بخواند این نماز در نزد خدای تعالی معادل صد هزار حج و صد هزار عمره است و هر حاجت دنیایی و آخرتی از خدا در خواست، کند هرچه باشد برآورده می شود و اگر این دو رکعت نماز و دعا از توفوت شد، بعد از آن قضا کن.

## افطاری دادن در روز غدیر

وَ مَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فِتَامًا وَ فِتَامًا وَ فِتَامًا فَلَمْ يَزَلْ يَعُدُّ إِلَى أَنْ عَقَدَ بِيَدِهِ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ أَتَدْرِي كَمْ الْفِتَامُ قُلْتُ لَا قَالَ مِائَةَ أَلْفِ كُلِّ فِتَامٍ كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مَنْ أَطْعَمَ بَعْدَ هَا مِنْ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ فِي حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَقَاهُمْ فِي يَوْمِ ذِي مَسْعَبَةَ وَ الدَّرْهَمُ فِيهِ بِالْأَلْفِ أَلْفِ دِرْهَمٍ.

هرکس در روز غدیر مؤمنی را افطاری دهد، همانند کسی است که اطعام کرده باشد فامی و فامی و فامی.... را. و همواره آن کلمه را با انگشتان می شمردند تا اینکه به ده مرتبه رسید. آن گاه فرمودند: «آیا می دانی فام چیست؟» گفتیم: نه! فرمود: هر فام صد هزار نفر است. و برای کسی که مؤمنی را افطاری دهد، ثواب و پاداش کسی است به همین تعداد (یک میلیون) از پیامبران و صدقین و شهدا را در حرم خدای عز و جل اطعام کند و در روز قحطی به آنان آب دهد. و هزینه کردن یک درهم برای بزرگ داشت عید غدیر معادل یک میلیون درهم است.

قَالَ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا عَظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ

فرمود: شاید فکر می کنی خدا با عظمت تر از روز غدیر خم روزی را خلق کرده است نه به خدا سوگند نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند

ثُمَّ قَالَ وَلْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكُمْ إِذَا التَّمَيْتُمْ أَنْ تَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهِذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَعَثَ إِلَيْنَا وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ  
وَلَايَةِ وَلَاؤِهِ وَالْقَوْمِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ.

آن گاه فرمود: هرگاه یکدیگر را زیارت کردید بگویید: «سپاس خدای را که ما را به این روز گرامی داشت و ما را از وفا کنندگان به عهدی که  
به ما سپرده و از وفا کنندگان پیمانی که برای ولایت والیان امرش و قائمان به عدلش از ما گرفته است قرار داده است و ما را از منکران و  
تکذیب کنندگان به روز قیامت قرار نداده است!

ثُمَّ قَالَ وَلْيَكُنْ مِنْ دُعَائِكَ فِي دُبُرِ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ أَنْ تَقُولَ:

آن گاه فرمود: از دعاهای تو در پی این دو رکعت نماز، این باشد که بگویی :

رَبَّنَا إِنَّا سَجِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى  
رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛

پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛  
پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آن ها) بمیران!

پروردگارا! آن چه را به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستخیز، رسوا مگردان زیرا تو هیچ گاه از وعده  
خود، تخلف نمی کنی.

ثُمَّ تَقُولُ بَعْدَ ذَلِكَ؛ آن گاه بعد از آن می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ

سَمَآوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ الَّذِي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مَعْبُودٌ يُعْبَدُ سِوَاكَ إِلَّا بَاطِلٌ مُضْمَجِلٌ غَيْرُ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوا كَبِيرًا....

این دعا، دعایی است نسبتاً طولانی و با مضامینی بلند در باره واقعه غدیر، و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام، و لعن و نفرین بر منکران ولایت و سپاس خدای تعالی بر نعمت بزرگ ولایت که در «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی و «وسائل الشیعة» شیخ حر عاملی آمده است. در پایان دعا آمده است:

ثُمَّ تَسْأَلُ بَعْدَهَا حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّهَا وَاللَّهِ مَقْضِيَةٌ فِي هَذَا الْيَوْمِ.

سپس حاجت های دنیا و آخرت خود را از خدای تعالی درخواست کن که به خدا قسم در این روز برآورده است.

## خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (3)

\*خطبه امام صادق علیه السلام درباره غدیر (3)(1)

### در اجتماع شیعیان

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الطَّرَازِيِّ فِي كِتَابِهِ رَوَيْنَاهُ بِإِسْمِ نَادِنَا إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ اللَّيْثِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ مِنْ مَوَالِيهِ وَشِيعَتِهِ:

محمد بن علی طرازی در کتاب خود با اسنادش به عبدالله بن جعفر حمیری برای ما روایت کرده است که او گفت: روایت کرد برای ما هارون بن مسلم از ابوالحسن لیثی از عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام که به حاضران در مجلس خود که از موالیان و شیعیانش بودند فرمود:

### روز استحکام دین

أَتَعْرِفُونَ يَوْمًا شَيَّدَ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ وَأَظْهَرَ بِهِ مَنَارَ الدِّينِ وَجَعَلَهُ عِيدًا لَنَا وَ لِمَوَالِينَا وَ شِيعَتِنَا فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ أَيُّومِ الْفِطْرِ هُوَ يَا سَيِّدَنَا قَالَ لَا قَالُوا أَفَيَوْمِ الْأَضْحَى قَالَ لَا وَ هَذَا يَوْمَانِ جَلِيلَانِ شَدِيدَانِ وَ يَوْمُ أَمْنَاءِ [مَنَار] الدِّينِ أَشْرَفُ مِنْهُمَا وَ هُوَ الْيَوْمُ الثَّامِنُ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.

آیا روزی را که خدا به وسیله آن بنای اسلام را محکم و رفیع و مناره دین را آشکار کرد و آن را برای ما و دوستداران و شیعیان مان عید قرار داد، می شناسید؟ گفتند:

ص: 503

خدا و پیامبر و پسر پیامبرش داناترند ای سرور ما آیا روز (عید) فطر است؟ فرمود: نه گفتند آیا روز (عید) قربان است؟ فرمود نه. این دو روز از جلالت و شرافتی برخوردارند ولی روز آشکار شدن مناره دین شریف تر از این هاست، و آن روز هجدهم ذیحجه است

### بیان واقعه غدیر

وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا انصَرَ مِنْ حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَصَارَ بِغَدِيرِ خُمٍّ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَهْبِطَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَتَ قِيَامِ الظُّهْرِ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَأَمَرَهُ أَنْ يَقُومَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ يَنْصِبَهُ عَلِمًا لِلنَّاسِ بَعْدَهُ وَأَنْ يَسَّ تَخْلُفَهُ فِي أُمَّتِهِ فَهَبَطَ إِلَيْهِ وَقَالَ لَهُ حَبِيبِي مُحَمَّدُ إِنَّ السَّلَامَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ قُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَكُونَ عَلِمًا لِأُمَّتِكَ بَعْدَكَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ وَيَكُونُ لَهُمْ كَأَنَّكَ.

و شرح آن این است که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حجة الوداع بازگشت و به غدیر خم رسید خدای عز و جل به جبرئیل امر فرمود که در آستانه اقامه نماز ظهر آن روز بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آید و او را به اقامه ولایت امیر المؤمنین علیه السلام فرمان دهد و آن حضرت را به امامت بعد از خودش منصوب کند و به عنوان جانشین خود در امتش بگمارد.

پس جبرئیل به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای حبیب من محمد خدای سلام به تو سلام می رساند و می فرماید در این روز ولایت علی را بر پای دار تا بعد از تو پیشوای امت تو باشد و به او مراجعه کنند و او بر آنان هم چون تو باشد.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ إِنِّي أَخَافُ تَغْيِيرَ أَصْحَابِي لِمَا قَدْ وَتَرُوهُ وَأَنْ يُبَدِّلُوا مَا يُضْمِرُونَ فِيهِ فَعَرَجَ وَ مَا لَبِثَ أَنْ هَبَطَ بِأَمْرِ اللَّهِ فَقَالَ [لَهُ] يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای حبیب من جبرائیل، من از این که اصحابم دگرگون

شوند و به او ستم کنند و کینه های پنهان شان را آشکار سازند می ترسم. از این رو جبرئیل باز گشت. طولی نکشید که جبرئیل با فرمان خدا فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای پیامبر، آن چه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد.»

فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَعِرًا مَرْعُوبًا خَائِفًا مِنْ شِدَّةِ الرَّمْضَاءِ وَقَدَمَاهُ تُسْوِيَانِ وَ أَمَرَ بِأَنْ يُنْظَفَ الْمَوْضِعَ وَيَقَمَّ مَا تَحْتَ الدَّوْحِ مِنَ الشَّوْكِ وَغَيْرِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ نَادَى بِالصَّلَاةِ جَامِعَةً فَاجْتَمَعَ الْمُسْلِمُونَ وَفِيْمَنْ اجْتَمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَسَائِرُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ ثُمَّ قَامَ خَطِيبًا وَذَكَرَ بَعْدَهُ الْوَلَايَةَ فَأَلَزَمَهَا لِلنَّاسِ جَمِيعًا فَأَعْلَمَهُمْ أَمَرَ اللَّهِ بِذَلِكَ فَقَالَ قَوْمٌ مَا قَالُوا وَتَنَاجَوْا بِمَا أَسْرَوْا.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله با بیم و خوف از شدت گرمی هوا در حالی که کف پاهایش از شدت گرمای هوا می سوخت بلند شد و فرمود آن محل را نظافت کنند و خارها و چیزهای دیگری که زیر درخت بزرگی که در آنجا بود جاروب کنند پس از انجام این کار ندای نماز جماعت داد از این رو مسلمانان جمع شدند، در حالی که در میان آنان ابوبکر و عمر و عثمان و همه مهاجران و انصار بودند. آن گاه به پا خاست و خطبه خواند و پس از آن مسأله ولایت را یاد آور شد و آن را برای همه مردم واجب ساخت، آنان را نسبت به فرمان خدا به ولایت آگاه ساخت. پس گروهی گفتند آن چه را گفتند و به آن چه در دل داشتند با یک دیگر در گوشی سخن گفتند.

### بیان اعمال روز غدیر

فَإِذَا كَانَ صَبِيحَةَ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَجَبَ الْغُسْلُ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ وَ أَنْ يَلْبَسَ الْمُؤْمِنُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ أَفْخَرَهَا وَ يَتَطَيَّبُ إِمَّاكَانَهُ وَ انْبِسَاطِ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ الَّذِي شَرَّفْتَنَا فِيهِ بِوَلَايَةِ وَلِيِّكَ عَلِيِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَرْتَنَا بِمَوَالَاتِهِ وَ طَاعَتِهِ وَ أَنْ نَتَمَسَّكَ بِمَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ وَ يُزِلُّنَا لَدَيْكَ أَمْرُهُ وَ نَهْيُهُ اللَّهُمَّ قَدْ قَبَلْنَا أَمْرَكَ وَ نَهْيَكَ [وَ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا لِنَبِيِّكَ وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا فَخُنُّ مَوَالِي عَلِيِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَوْلِيَائِهِ كَمَا أَمَرْتَ نُوَالِيهِ وَ نُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ وَ نَبْرَأُ مِمَّنْ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ

تُبَغِضُ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ تُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ عَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا قُلْتَ وَ إِمَامَنَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا أَمَرْتَ.

پس هنگامی که صبح روز غدیر فرا رسد، غسل در اول روز واجب می شود. (1) و مؤمن تمیز ترین و فاخر ترین لباس خود را بپوشد و در حد وسعش از بوی خوش (عطر) استفاده کند و آن گاه این دعا را بخواند: «پروردگارا! امروز روزی است که تو ما را به ولایت ولی خودت علی علیه السلام مُشَرَّف کردی و او را امیر مؤمنان قرار دادی و تو ما را به موالات و اطاعت او امر نمودی و به ما امر کردی که به آن چه ما را به تو نزدیک می کند و امر و نهی که ما را مقرب در گاه تو می سازد، تمسک جویم.

پروردگارا! ما امر تو را و نهی تو را پذیرفتیم و اطاعت از پیغمبر تو کردیم و تسلیم شدیم و راضی گشتیم؛ پس ما از موالیان علی - که صلوات خدا بر او باد - هستیم، و از موالیان اولیای او هستیم همان طور که به ما امر فرمودی تا ولایت او را داشته باشیم و با کسی که با او دشمنی می کند دشمن باشیم و بیزار و متنفر باشیم از آن کسی که از او بی زار است و مبعوض داشته باشیم کسی را که علی را مبعوض دارد و دوست داشته باشیم آن کس را که علی را دوست دارد. و علی - که درود خدا بر او باد - هم چنان که تو گفتی مولای ماست و هم چنان که امر کردی بعد از پیغمبر ما صلی الله علیه و آله امام ماست.

فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الزَّوَالِ أَخَذْتُ مَجْلِسَكَ بِهُدُوءٍ وَ سَكُونٍ وَ وَقَارٍ وَ هَيْبَةٍ وَ إِحْبَابٍ وَ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَمَا فَضَّلْنَا فِي دِينِهِ عَلَى مَنْ جَعَلَهُ وَ عِنْدَ وَ فِي نَعِيمِ الدُّنْيَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عَمَدَ وَ هَدَانَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ شَرَّفَنَا بِوَصِيَّتِهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَمَاتِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ نَبِينَا [كَمَا] أَمَرْتَ وَ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا أَقَمْتَ وَ نَحْنُ مَوَالِيهِ وَ أَوْلِيَائِهِ.

و چون وقت ظهر فرا رسید با بصیرت و سکون و وقار و هیبت و خشوع، در جای خود قرار گیر و بگو

ص: 506

1- واجب در اینجا به معنای واجب شرعی مصطلح نیست که اگر کسی آن را انجام نداد مؤاخذه شود بلکه برای بیان اهمیت و تأکید بر انجام آن است.



حمد و سپاس مختص خداوندی است که ما را در دین خودش بر کسی که انکار کرده و از جاده حق انحراف ورزیده است و در نعمت های دنیوی بر بسیاری از آن کسانی که آنان را مبتلا به رنج و تعب و درد ساخته است، برتری و فضیلت بخشید و ما را به محمد پیامبر خود که درود بر او و آل باد، هدایت بخشیده است و ما را به وصی او و خلیفه او در زمان حیات و مماتش امیر المؤمنین علیه السلام رهبری نموده است

پروردگارا، محمد صلی الله علیه و آله همان طور که تو امر کردی پیغمبر ماست و علی علیه السلام

همان طور که تو او را اقامه نمودی و به پا داشتی مولای ماست و ما از موالیان و اولیای او می باشیم.

ثُمَّ تَقُومُ وَ تَصَلِّي سُبْحًا لِلَّهِ تَعَالَى رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِالْحَمْدِ [الحمد] مَرَّةً وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَمَا أَنْزَلْنَا لَا كَمَا نُقِصِّصُ مَا نُنَزِّلُ وَ تَرَكُّعٌ وَ تَمَّ الصَّلَاةَ وَ تَسَلِّمٌ وَ تَخْرُجُ سَاجِدًا فِي سُجُودِكَ وَقُلْ اللَّهُمَّ إِنَّا إِلَيْكَ نُوجُهُ وَ جُوهِنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا الَّذِي سَدَرْتَنَا فِيهِ بِوِلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَلَيْنَا وَ تَتَوَكَّلُ وَ بِكَ نَسْتَعِينُ فِي أُمُورِنَا اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ جُوهِنَا وَ أَشْعَارُنَا وَ أَبْشَارُنَا وَ جُلُودُنَا وَ عُرُوقُنَا وَ أَعْضَابُنَا وَ لُحُومُنَا وَ دِمَاؤُنَا اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَعْبُدُ وَ لَكَ تَخَضَعُ وَ لَكَ نَسْتَجِدُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ وِلَايَةِ عَلِيِّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حُنَفَاءَ مُسْلِمِينَ وَ مَا نَحْنُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ لَا مِنَ الْجَاهِلِينَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِلِينَ الْمُعَانِدِينَ الْمُخَالِفِينَ لِأَمْرِكَ وَ أَمْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْمُبْغِضِينَ لَهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا لَا يَنْقَطِعُ أَوْلَاهُ وَ لَا يَنْفَعُ آخِرُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَبَتَّنَا عَلَى مَوْلَاتِكَ وَ مَوْلَاةِ رَسُولِكَ وَ آلِ رَسُولِكَ وَ مَوْلَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ أَحْسِنْ مُقَلَّبَنَا يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا.

پس از آن برخیز و دو رکعت برای خدا نماز شکر به جای آور در رکعت اول حمد و سوره قدر و در رکعت دوم حمد و سوره توحید را بخوان و قنوت بگیر و رکوع بنما و نماز را تمام کن و سلام بده و پس از نماز خود را به سجده بیفکن و در حال سجده بگو:

پروردگارا، ما در این روز عیدمان که تو ما را به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شرف بخشیدی چهره های خود را متوجه تو می کنیم، و به تو توکل می نمایم و در امور خود از تو یاری می طلبیم بار پروردگارا، چهره های ما و موهای ما و پوست های ما و رگ های ما و استخوان های ما و اعصاب ما، و گوشت های ما و خونهای ما برای تو سجده کرده است.

پروردگارا، ما فقط تو را می پرستیم و برای تو خضوع داریم و برای تو سجده می کنیم بر ملت ابراهیم و دین محمد و ولایت علی که درود تو بر تمام آن ها باد! ما پیوسته از باطل به سوی حق می گراییم و از تسلیم شدگان و اسلام آوردگان می باشیم و از مشرکان و منکران نمی باشیم.

پروردگارا، نفرت و لعنت خود را برای منکران و متجاوزان و مخالفان امرت و امر رسولت صلی الله علیه و آله بفرست.

پروردگارا لعنت خود را برای دشمنان و بغض داران ایشان بفرست، لعنت بسیاری که اول و آخر نداشته باشد.

پروردگارا، درود خود را بر محمد و آل محمد بفرست و ما را بر موالات خودت و بر موالات رسولت و آل رسولت و موالات امیر المؤمنین علیه السلام ثابت بدار!

پروردگارا، در دنیا به ما حسنه عنایت بفرما و در آخرت به ما حسنه عنایت بفرما و آینده ما را نیکو بگردان ای آقای ما و ای مولای ما!

ثُمَّ كَلِّمْ وَ اشْرَبْ وَ اظْهَرِ السُّرُورَ وَ اطْعِمِ اِخْوَانَكَ وَ اَكْثِرْ بِرْهْمُ وَ اَفْضِ حَوَائِجِ اِخْوَانَكَ اِعْظَامًا لِيَوْمِكَ وَ خِلَافًا عَلَيَّ مَنْ اُظْهَرَ فِيهِ الْاِغْتِمَامَ وَ الْحُزْنَ صَاعَفَ اللّٰهُ حُزْنَهُ وَ غَمَّهُ.

و سپس بخور و بیاشام و اظهار سرور و شادمانی کن و برادرانت را اطعام کن و در نیکی و احسان به آن ها بسیار تلاش کن و برای بزرگ داشت این روزت و مخالفت با آنان که در این روز اظهار غم و حزن و اندوه کردند- که خداوند حزن و اندوه شان را دو چندان کند - حاجات برادرانت را بر آورده کن

## خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر (4)

\*خطبه امام صادق علیه السلام در باره غدیر (4) (1)

### برترین عیدها

فِرَاتُ بْنُ أَحْنَفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ [لَهُ] جُعِلَتْ فِدَاكَ لِلْمُسَدِّ لِمِينَ عِيدٍ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَوْمَ عَرَفَةَ قَالَ لِي نَعَمْ أَفْضَلُ لَهَا وَأَعْظَمُهَا وَأَشَدُّ رُفْهَا عِنْدَ اللَّهِ مَنْزَلَةً وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَأَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا.

فِرَاتُ بْنُ أَحْنَفَ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که گفت: به آن حضرت گفتم: فدایت گردم برای مسلمانان عیدی هست که از عید فطر و قربان و روز جمعه و روز عرفه برتر باشد؟ حضرت فرمود، آری، برترین و بزرگ ترین و با شرافت ترین عیدها در نزد خداوند از جهت قدر و منزلت روزی است که خداوند در آن روز دین را کامل نمود و بر پیامبرش این آیه را فرستاد: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم» (2).

ص: 509

1- تفسیر فِرَاتِ الْكُوفِيِّ، ص 117؛ بحار الأنوار، ج 37، ص 169.

2- سوره مائده، آیه 3.

## انگیزه عید گرفتن

قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ أَنْبِيَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا إِذَا أَرَادَ أَحَدُهُمْ أَنْ يَعْقِدَ الْوَصِيَّةَ وَالْإِمَامَةَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ جَعَلُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيداً وَإِنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيّاً لِلنَّاسِ عِلْماً وَ أُنزِلَ فِيهِ مَا أُنزِلَ وَ كَمَلَ [أَكْمَلَ] فِيهِ الدِّينُ وَ تَمَّتْ فِيهِ النِّعْمَةُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

گفتم: آن روز، چه روزی است. حضرت فرمود: انبیای بنی اسرائیل رویه شان این طور بود که چون یکی از آن ها می خواست عقد وصیت و امامت را برای کسی بعد از خودش ببندد، و این کار را انجام می داد آن روز را «عید» می گرفتند. از این رو برترین اعیاد روزی است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان امام منصوب کرد و در آن روز نازل شد آن چه را نازل شد و در آن روز دین کامل شد و نعمت بر مؤمنان تمام شد.

## اعمال عید غدیر

قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ فِي السَّنَةِ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ الْأَيَّامَ تَتَقَدَّمُ وَ تَتَأَخَّرُ فَرُبَّمَا كَانَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ الْأَحَدِ وَ الْإِثْنَيْنِ إِلَى آخِرِ الْأَيَّامِ [السَّبْعَةِ] قَالَ قُلْتُ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٍ وَ صَلَاةٍ وَ شُكْرِ لِلَّهِ [تَعَالَى] وَ حَمْدٍ لَهُ وَ سُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وَّلَايَتِنَا وَ إِنِّي أَحِبُّ لَكُمْ أَنْ تَصُومُوهُ [تَصُومُوا].

گفتم: این چه روزی از سال است؟ فرمود: روزها تقدم و تأخر دارد، چه بسا روز شنبه یا یکشنبه یا دوشنبه و یا یکی از روز های دیگر هفته باشد. گفتم: در آن روز شایسته است چه عملی انجام دهیم؟ فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و سپاس خداوند و سرور و شادمانی به خاطر این که خداوند بر شما منت گزارد و ولایت ما (اهل بیت) را به شما ارزانی داشت و من دوست دارم شما در آن روز روزه بگیرید

### روز غدیر در قیامت

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّرَازِيُّ فِي كِتَابِهِ بِإِسْمِهِ الْمُتَّصِلِ إِلَى الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا تُرْفَعُ الْعُرُوسُ إِلَى خَدْرِهَا يَوْمَ الْفِطْرِ وَ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ وَ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ بَيْنَ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ.

محمد بن علی بن محمد طرازی در کتابش به اسناد متصلش از مفضل بن عمر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام به من فرمود: در روز قیامت چهار روز را با نهایت حسن و زینت در صحرای محشر حاضر سازند به نحوی که عروس را به حجله برند و آن روز فطر و اضحی و جمعه و غدیر است. و روز غدیر در میانه این روزها مانند ماه شب چهارده در میان ستارگان است

وَ إِنَّ اللَّهَ لَيُوكِّلُ بِغَدِيرِ حُمٍّ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ وَ سَيُدْهَمُ يَوْمَئِذٍ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ وَ سَيُدْهَمُ يَوْمَئِذٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَوْصِيَاءَ اللَّهِ الْمُنتَجَبِينَ وَ سَيُدْهَمُ يَوْمَئِذٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ سَادَاتُهُمْ يَوْمَئِذٍ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ حَتَّى يُورِدَهُ الْجَنَانَ كَمَا يُورِدُ الرَّاعِي بَعْنَمِهِ الْمَاءَ وَ الْكَلَاءَ.

و به درستی که که حق سبحانه و تعالی فرشتگان مقرب را موکل روز غدیر خم

ص: 511

می گرداند و سید ایشان در آن روز جبرئیل علیه السلام خواهد بود و پیغمبران مرسل را موکل به غدیر خم می گرداند و سید ایشان در آن روز حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود و همچنین اوصیای پیغمبران را موکل می گرداند و سید ایشان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خواهد بود و اولیای الهی را موکل می گرداند و سید ایشان سلمان و ابوذر و مقداد و عمار خواهند بود و آن روز را وارد بهشت می کنند؛ چنان که شبانان گوسفندان خود را به به سوی آب و علف زار می برند.

### روزه گرفتن در روز غدیر

قَالَ الْمُفَضَّلُ سَدَّيْ تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ لِي إِي وَاللَّهِ إِي وَاللَّهِ إِي وَاللَّهِ إِي وَاللَّهِ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَامَهُ [فَصَامَ] شُكْرًا لِلَّهِ وَإِنَّ الْيَوْمَ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِنَّ الْيَوْمَ الَّذِي أَقَامَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَارُونَ عَلِمًا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّ الْيَوْمَ الَّذِي أَظْهَرَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِيَّهُ شَمْعُونَ الصَّفَا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ [عَلَى ذَلِكَ] الْيَوْمِ وَإِنَّ الْيَوْمَ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا لِلنَّاسِ عَلِمًا وَأَبَانَ فِيهِ فَصَدَّمَهُ وَوَصِيَّهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِنَّ لِيَوْمِ صِيَامِ وَقِيَامِ وَإِطْعَامِ وَصِلَةِ الْإِخْوَانِ وَفِيهِ مَرَضَاتُ الرَّحْمَنِ وَمَرَعْمَةُ الشَّيْطَانِ .

مفضل گفت: ای آقای من می فرمایی که روز غدیر را روزه بگیرم؟ حضرت: فرمود آری به خدا سوگند آری به خدا سوگند آری به خدا سوگند به راستی این روزی است که خداوند در آن توبه حضرت آدم را پذیرفت و آن حضرت این روز را به شکرانه پذیرش توبه روزه گرفت و این روزی است که خدای تعالی ابراهیم علیه السلام خلیل را از آتش نجات داد و آن حضرت به شکرانه آن، این روز را روزه گرفت. و این روزی است که حضرت موسی علیه السلام حضرت هارون را در آن خلیفه خود، گردانید پس به شکرانه آن این روز را روزه گرفت و این روزی است که حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفا را وصی خود گردانید و او به شکرانه آن، این روز را روزه گرفت. و این روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیر المؤمنین علیه السلام را برای مردم امام

و پیشوا قرار داد و فضل و وصی خود را آشکار کرد و آن حضرت به شکرانه آن، این روز را روزه گرفت و این روز، روز روزه گرفتن است و روز عبادت و روز طعام دادن و روز دیدار برادران دینی است و این روز روز خوشنودی رحمان و به خاک مالیده شدن بینی شیطان است

ص: 513

جایگاه غدیر در بین روزها

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا تَزُفُّ الْعُرُوسُ إِلَى خَدْرِهَا قَبْلَ مَا هَذِهِ الْأَيَّامُ قَالَ يَوْمُ الْإِذْوَاقِ وَ يَوْمُ الْفِطْرِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَ إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَصْحَى وَ الْفِطْرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: در روز قیامت، چهار روز به سمت خداوند همراهی می شوند همچون عروس که به سمت حجله همراهی می شود. گفته شد: کدام روزهاست؟ فرمود: روز عید قربان، روز فطر، روز جمعه و روز (عید) غدیر که به راستی روز (عید) غدیر بین آن ها مثل ماه بین ستاره هاست.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّاهُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمًا وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وَصَّاهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ.

و روز غدیر روزی است که ابراهیم علیه السلام در آن روز از آتش (نمرود) نجات یافت پس به شکرانه آن روزه گرفت و این روزی است که خداوند، دینش را با نصب پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و راهنما کامل نمود و فضیلت و وصی بودن او را آشکار، فرمود پس آن حضرت آن روز را روزه گرفت

ص: 514



وَإِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ وَيَوْمُ مَرَعَمَةِ الشَّيْطَانِ وَيَوْمُ تَقَبُلِ أَعْمَالِ الشَّيْعَةِ وَمُجِئِي آلِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ الدِّينَ يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمِلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْثُورًا.

و آن روزی است که (دین) کامل شده است روزی است که دماغ شیطان به خاک مالیده شد و روزی است که (اعمال شیعیان علی) و دوستان آل محمد علیهم السلام پذیرفته می شود و آن روزی است که خدا دینش را کامل نمود، در آن روز خداوند متوجه اعمال مخالفان (علی علیه السلام) می شود و آن را چون غبار پراکنده قرار می دهد

### بزرگداشت در ملکوت

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جِبْرِئِيلَ أَنْ يَنْصَبَ كُرْسِيَّ كَرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَيَصْعَدُهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ يَثْنُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِشَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُحِبِّيهِمْ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و آن روز روزی است که خداوند به جبرئیل دستور می دهد که کرسی کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور نصب کند و جبرئیل بر آن بالا رود، و تمام ملائک از تمام آسمان ها به سوی او گرد می آیند، مدح و ثنای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می گویند و برای شیعیان علی و امامان و علیهم السلام محبین آن ها از فرزندان آدم علیه السلام استغفار می کنند.

### رفع قلم

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُحِبِّي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ شَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ لَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةً لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ .

و آن روز روزی است که خداوند به کاتبان اعمال دستور می دهد که از روز عید

غدیر تا سه روز، از محبان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن ها رفع قلم شود، و خطا های آنان را به عنوان احترام به محمد و علی و امامان علیهم السلام ثبت نکنند.

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذَوِي رَحْمِهِ.

و آن روز، روزی است که خداوند آن را برای محمد و آلش علیهم السلام و بستگانش قرار داده است

### فزونى احوال

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالٍ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَ وَسَعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ اخْوَانِهِ وَ يَعْتِقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.

و آن روز روزی است که در آن خداوند بر حال کسی که در آن روز عبادت کند و کسی که بر عیال و خودش و برادران (و بستگانش در رزق و روزی) توسعه دهد می افزاید و او را از آتش نجات می بخشد

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْعَةِ مَشْكُوراً وَ ذَنْبُهُمْ مَغْفُوراً وَ عَمَلَهُمْ مَقْبُولاً

و آن روز روزی است که خداوند تلاش شیعیان را در آن پذیرفته شده قرار می دهد و گناهان آن ها بخشیده و عمل هایشان قبول می شود.

### فضائل غدیر

وَ هُوَ يَوْمٌ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَ يَوْمٌ تَحْطِيطِ الْوَزْرِ وَ يَوْمٌ الْحَبَاءِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ يَوْمٌ نَشْرِ الْعِلْمِ وَ يَوْمٌ الْبَشَارَةِ وَ الْعِيدِ الْأَكْبَرِ وَ يَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ وَ يَوْمٌ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ وَ يَوْمٌ لُبْسِ الْقِيَابِ وَ نَزْعِ السَّوَادِ وَ يَوْمِ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَ يَوْمِ نَقْيِ الْغُومِ [الْهُمُومِ] وَ يَوْمِ الصَّفْحِ عَنِ مُذْنَبِي شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

و آن روز روز برطرف شدن سختی و پاک شدن و بال (گناهان) و روز بخشش و عطا و روز نشر علم و روز بشارت و روز عید اکبر است، روزی است که در آن دعا مستجاب می شود و روز جایگاه بزرگ و روز پوشیدن لباس (نو) و کندن

لباس سیاه (و کهنه)، و روز عهد معهود، و روز دور شدن غصه ها، و روز بخشش و گذشت از گناه کاران شیعه امیر المؤمنین علیه السلام است.

وَ هُوَ يَوْمُ السَّبَقَةِ وَ يَوْمُ إِكْتِثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمُ الرِّضَا وَ يَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ وَ يَوْمُ طَلَبِ الزِّيَادَةِ وَ يَوْمُ اسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمُ الْمَتَاجِرَةِ وَ يَوْمُ التَّوَدُّدِ وَ يَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ.

و آن روزی است که باید (به سمت خوبی ها و ولایت) سبقت گرفت و روز صلوات فرستادن بر محمد و آل اوست و روز، خشنودی و روز عید اهل بیت و محمد، صلی الله علیه و آله و روز قبولی اعمال و روز درخواست زیاد شدن (پاداش ها) و روز راحتی اهل، ایمان و روز، تجارت و روز دوستی و روز رسیدن به رحمت الهی است.

## روز پاکیزگی

وَ يَوْمُ التَّرَكِيَةِ وَ يَوْمُ تَرْكِ الْكِبَائِرِ وَ الذُّنُوبِ وَ يَوْمُ الْعِبَادَةِ وَ يَوْمُ تَقْطِيرِ الصَّائِمِينَ فَمَنْ فَطَرَ فِيهِ صَائِمًا مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فَنَامًا وَ فَنَامًا إِلَى أَنْ عَدَّ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ أَوْ تَدْرِي مَا الْفَنَامُ قَالَ لَا قَالَ مِائَةُ الْف.

و روز پاکیزه نمودن (نفس) و روز ترک کبائر و گناهان و روز عبادت و روز افطاری دادن به روزه داران است کسی که در آن روز مؤمن روزه داری را افطار دهد مثل کسی است که فنام و فنام و ... - تا اینکه ده مرتبه آن را شمرد - طعام داده است بعد فرمود: می دانی فنام چیست؟ عرض کرد. خیر فرمود: صد هزار است. (وقتی ضرب در ده شود یک میلیون می شود).

## دیدار و تهنیت

وَ هُوَ يَوْمُ الشُّهُبِيَةِ يَهَيِّئُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

و آن روز، روزی است که باید به هم دیگر تهنیت گویند، وقتی مؤمنان هم دیگر

را ملاقات کردند، بگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ حمد خدای را که ما را جزء تمسک جویان به ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و امامان علیهم السلام قرار داد!»

وَ هُوَ يَوْمَ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَ بَنَى لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ ذُرَّةِ بَيْضَاءَ وَ نَصَرَ وَ جَهَّهُ.

و آن روز تبسم به چهره مردم با ایمان است؛ پس هر کسی که در روز غدیر به چهره برادر مؤمنش تبسم کند خداوند به او در روز قیامت نظر رحمت افکند و هزار حاجت (دنیایی) او را برآورده سازد و قصری از در سفید در بهشت برای او بنا کند و چهره او را نورانی گرداند

## روز زینت

وَ هُوَ يَوْمَ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ. فَإِنْ مَاتَ شَهِيدًا، وَ إِنْ عَاشَ سَعِيدًا.

و آن روز، روز زینت است؛ پس کسی که خود را برای روز غدیر زینت کند (و لباس زیبا بپوشد)، خداوند گناهان بزرگ و کوچک او را می بخشد و فرشتگانی را مأمور می کند که (از این روز) تا سال آینده مثل چنین روزی برای او حسنات بنویسند و درجات او را بلند گردانند. پس اگر از دنیا رفت، پاداش شهید را دارد و اگر زنده ماند زندگی با سعادت خواهد داشت.

## اطعام اهل ایمان

وَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ مَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُورًا وَ وَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَ يَزُورَ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ.

کسی که مؤمنی را اطعام کند گویا تمام انبیا و صدیقین را اطعام کرده است. اگر در این روز به مؤمنی سرزند و دیدار کند (خداوند) هفتاد نور در قبر او وارد می کند و قبر او را توسعه می دهد و هر روز هفتاد هزار ملک به زیارت او می شتابند و بشارت بهشت می دهند.

### عرضه ولایت بر آسمانیان و زمین

وَفِي يَوْمِ الْعَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ الْوِلَايَةَ عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، فَتَسَبَّقُ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَرَيْنَ بِهَا الْعَرْشَ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَرَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

در روز غدیر، خداوند ولایت (علی علیه السلام) را بر آسمان های هفت گانه عرضه کرد پس اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند؛ پس خداوند آن را با عرش مزین کرد. آن گاه اهل آسمان چهارم به آن سبقت گرفت و خداوند آن را با بیت المعمور زینت داد

ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَرَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِ بَيْنَ مَكَّةَ فَرَيْنَهَا بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَرَيْنَهَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَرَيْنَهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

پس اهل آسمان دنیا به آن (ولایت) سبقت گرفت پس خداوند آن را با ستارگان زینت داد. آن گاه خداوند ولایت را بر زمینیان عرضه کرد که مکه سبقت گرفت و خداوند آن را با کعبه مزین ساخت. سپس مدینه سبقت گرفت که آن را به وجود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله مزین نمود. آن گاه کوفه سبقت گرفت که خداوند آن را به وجود امیر مؤمنان علی علیه السلام زینت داد.

### عرضه ولایت بر کوه ها

وَعَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوْلُ جَبَلٍ أَقْرَبُ بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَجْبُلٍ [اجبال] الْعَقِيقِ وَ جَبَلِ الْفَيْرُورِجِ وَ جَبَلِ الْيَأْقُوتِ فَصَارَ هَذِهِ الْجِبَالِ جِبَاهُنَّ وَأَفْضَلُ الْجَوَاهِرِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا

جَبَالِ أَحْرَ فَصَارَ مَعَادِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ مَا لَمْ يَقَرَّ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَقْبَلْ صَارَتْ لَا تَنْبُتُ شَيْئاً.

و آن را بر کوه ها عرضه کرد که سه کوه سبقت گرفتند؛ عقیق، فیروزه و یاقوت؛ از این رو این سه کوه بهترین جواهر شدند آن گاه کوه های دیگر سبقت گرفتند و معدن های طلا و نقره شدند و هر کوهی که اقرار نکرد و (ولایت را) نپذیرفت کوه های بی گیاه (و خشک) شدند.

### عرضه ولایت بر آب ها، گیاهان و پرندگان

وَ عَرَضْتُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ عَذْباً وَ مَا أَنْكَرَ صَارَ مِلْحاً أَجَاجاً وَ عَرَضَ هَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُوطاً طَيِّباً وَ مَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مُرّاً ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصِيحاً مُصَوِّتاً وَ مَا أَنْكَرَهَا صَارَ أَحْرَسَ مِثْلَ اللَّكَنِ.

و در این روز ولایت بر آب ها عرضه شد؛ هر آبی قبول کرد، شیرین و هر آبی نپذیرفت، شور و تلخ شد و خداوند آن را بر نباتات عرضه کرد؛ پس هر گیاهی قبول کرد، شیرین و پاکیزه شد و هر گیاهی نپذیرفت، تلخ گشت. آن گاه در آن روز، آن را بر پرندگان عرضه کرد هر پرنده ای آن را نپذیرفت، گویا و دارای صوت زیبا شد و هر کدام انکار کرد گنگ و الکن شد.

### مَثَلِ اهل ایمان در پذیرش ولایت

وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِهِمْ وَ لَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِأَدَمَ وَ مَثَلُ مَنْ أَبَى وَ لَا يَأْتِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ، مِثْلَ إبْلِيسَ.

مثل مؤمنانی که ولایت امیر مؤمنان علیه السلام را در روز غدیر قبول کردند، مانند ملائکه ای است که بر آدم سجده کردند و مثل کسانی که ولایت ایشان را در روز غدیر نپذیرفتند همانند ابلیس است.

وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا

إِلَّا وَكَانَ يَوْمَ بَعَثَهُ مِثْلُ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَعَرَفَ حُرْمَتَهُ إِذْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ وَصِيًّا وَخَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ.

و در این روز آیه اکمال نازل شد و خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد، مگر این که روز بعثتش در نزد او مانند روز غدیر بود و حرمت آن را می شناخت؛ زیرا در این، روز وصی و جانشین خود را برای بعد از خود برای امتش منصوب می کرد

ص: 521









## غدیر در کلام اهل بیت علیهم السلام

حدیث غدیر یکی از متقن ترین دلائل حقانیت باور های شیعی در طول تاریخ اسلام بوده و هست؛ چرا که حدیث غدیر به عنوان آخرین پیام رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و منشور ابدی امامت و حجتی قاطع برای تمامی مسلمانان جهان تا روز قیامت می باشد

بنیان گذار غدیر آن چنان واضح و روشن سخن گفته است که برای احدی جای انکار و تردید باقی نمی گذارد غدیر یک حادثه ساده و یا خاطره معمولی نیست بلکه قلب و روح فرهنگ متعالی اسلام و مبنای مشروعیت رهبری الهی و تثبیت ولایت حق مداران است.

کعبه علم توحید، قرآن نشانه نبوت و غدیر آفتاب امامت را می نمایاند. غدیر باید جاودانه بماند و چراغ پر فروغ اسلام را همیشه روشن نگه دارد. چنان که اهل بیت علیهم السلام همواره کوشیده اند تا خاطره با شکوه غدیر این سند غیر قابل انکار ولایت و امامت را همیشه زنده نگه دارند از این رو به مناسبت های مختلف و در حد امکان از آن سخن گفته و به آن استناد فرموده اند. در اینجا به نمونه ای از آن ها اشاره می کنیم.

## علی علیه السلام و احتجاج به حدیث غدیر

امیر المؤمنین علیه السلام بعد از ارتحال پیامبر اکرم علیه السلام به مهاجرین و انصار فرمود:

ص: 525

وَلَا عَلِمْتُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ وَلَا تَرَكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَلَا لِقَائِلٍ مَقَالًا؛ گمان ندارم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عید غدیر خم برای کسی جای عذر و بهانه و برای گوینده ای جای حرفی باقی گذاشته باشد.

همچنین هنگامی که به اجبار در مراسم بیعت با خلیفه اول حاضر شده بود، به حدیث غدیر استناد کرد و فرمود:

يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أُنشِدْكُمْ بِاللَّهِ أَسَّ مِعْتَمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ كَذَا وَكَذَا (1)؛ ای جمعیت مهاجر و انصار! شما را به خدا سوگند می دهم آیا شنیدید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر درباره (ولایت و رهبری من) چنین و چنان گفت؟

و آن گاه تمام موارد خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله را در باره وصایت و جانشینی خویش بعد از نبوت بیان فرمود

ابن عباس می گوید علی علیه السلام در هنگام خلافت خویش، روزی در اجتماع بزرگ مردم کوفه، به حدیث غدیر استناد کرد و با مردم اتمام حجت نمود. آن حضرت در آن خطابه مهم خویش فرمود: فرد فرد مسلمانان را که در روز غدیر حضور داشتند، به خدا سوگند می دهم آیا شنیدید آن چه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره من در خطابه غدیر خم بیان کرد؟

هفده نفر از سرشناسان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از میان جمع به پا خاستند و گفتند: آری، ما شاهد بودیم هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در غدیر خم دست تو را گرفت و فرمود: ای مردم! آیا می دانید که من از خود شما بر شما اولویت دارم؟ گفتند: بلی در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً لِلَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ هرکس من مولای او هستم، این علی هم مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کس که او را دوست می دارد و دشمن بدار هر کس

ص: 526

که او را دشمن می دارد!»(1)

## حضرت فاطمه علیها السلام و اتمام حجت با غدیر

دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که خود در واقعه مهم غدیر حضور داشت بارها به این دلیل متقن ولایت استناد و اتمام حجت نمود. آن حضرت در ضمن، گفتاری مسلمانان خفته را مورد خطاب قرار داد و یادآور شد:

أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ حُجْمٍ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْتِي مَوْلَاةً (2)؛ آیا سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم فراموش کردید که فرمود: «هر که را من مولای اویم، پس علی مولای اوست؟!»

حضرت زهرا علیها السلام اینها عذرها و بهانه‌های واهی عده‌ای از مسلمانان سست عنصر را رد نمود و فرمود:

فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ حُجْمٍ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُدْرٍ (3)؛ پس از غدیر خم خداوند برای هیچ کس عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است.

هنگامی که مهاجرین و انصار در عذر خواهی و پوزش اصرار می‌ورزیدند، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را سرزنش کرد و فرمود:

إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْدِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ؛ (4) دور شوید و مرا به حال خودم واگذارید پس از اتمام حجت بر شما دیگر جایی برای عذر و بهانه شما نیست و هیچ چیز چاره تقصیر و کوتاهی شما را نمی‌کند.

ص: 527

---

1- الإحقاق، ج 6، ص 337؛ عوالم العلوم الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام حدیث الغدیر، ص 236.

2- الغدیر، ج 1، ص 197.

3- دلائل الإمامة، ص 122.

4- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 1، ص 109.

ابو القاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی از دانشمندان و راویان مشهور و معتبر و از علما و فقهای بزرگ شیعه در نیمه دوم قرن چهارم هجری و از شاگردان مرحوم شیخ صدوق - رحمهما الله تعالی - که در کتاب شریف «کفایة الأثر فی النص علی الائمة اثنی عشر» که در موضوع امام شناسی است، روایتی که «مَحْمُودُ بْنُ لَبِيدٍ» از وجود مبارک صدیقه شهیده، حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده را این گونه آورده است:

محمود بن لبید می گوید چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، حضرت فاطمه علیها السلام نزد قبر شهدای احد و قبر حمزه علیه السلام می آمد و در آنجا می گریست. روزی به سر قبر حمزه رفتم و آن حضرت را آن جا دیدم که گریه می کند؛ او را به حال خود گذاردم تا آرام شد. آن گاه نزدش آمدم و بر او سلام کردم و عرض کردم: ای سرور، زنان شما که (با این گریه خود) شاهرگ قلب مرا پاره کردید؟ فرمود:

يَا أَبَا عَمْرٍو يَحِقُّ لِي الْبُكَاءُ وَ لَقَدْ أُصِيبْتُ بِخَيْرِ الْأَبَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اشْوَقَاهُ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ؛ ای ابا عمر گریه بر من سزاوار است؛ چراکه به فقدان بهترین پدران یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفتار شدم.

سپس این شعر را انشاء فرمود:

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ \*\*\* وَ ذَكَرْتُ أَبِي مُذْ مَاتَ وَ اللَّهُ أَكْثَرُ

اگر روزی کسی بمیرد یادش کم می شود، در حالی که یاد پدرم از زمانی که رحلت، فرمود به خدا سوگند بیشتر شده است.

عرض کردم: ای بانوی من سؤالی دارم که در سینه من خلجان کرده و می خواهم از شما بپرسم. فرمود: بپرس. عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از مرگش به امامت علی علیه السلام تصریح کرد؟ فرمود:

وَ عَجَبَاهُ أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ؛ بسیار عجیب است! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟

ص: 528



نهمین فرزند حسین است قیام کند؛ و لکن آن کس را که خدایش به عقب انداخته است مقدم داشتند و آن کس را که خدایش مقدم داشته به عقب انداختند تا آن گاه که فرستاده حق را در لحد نهاده و به خاک سپردند و خواسته دل خود را برگزیده (و پیروی اش کردند) و به رأی خود عمل نمودند. نابودی بر آن ها باد!

آن گاه پس از استناد به دو آیه از قرآن فرمود:

هَيَّاتَ بَسَطُوا فِي الدُّنْيَا أَمْالَهُمْ وَ نَسُوا آجَالَهُمْ فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكُورِ؛ (1) افسوس، (که سران سقیفه) آرزوها (و هوس های) خود را در دنیا تحقق بخشیدند و از آینده خود غافل ماندند! خدا نابود شان گرداند و آنان را در کارهای شان گمراه کند؛ ای پروردگار من به تو پناه می برم از کمی یاران، پس از پیروزی و فراوانی آنان!

### امام حسن مجتبی علیه السلام بر فراز منبر

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز برای اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام و خلافت بلا فصل پدر گرامی اش علی علیه السلام در احتجاج با معاویه بر فراز منبر، بعد از حمد و ثنای الهی و تبیین جایگاه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان فضائل و مناقب اهل بیت و پدر بزرگوارش علی علیه السلام به واقعه غدیر و انتصاب امیر المؤمنین علیه السلام به امامت و ولایت پرداخت و در ضمن خطبه کوبنده اش چنین فرمود:

وَ قَدْ رَأَوْا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ حِينَ نَصَبَهُ لَهُمْ بِغَدِيرِ خُمٍ وَ سَمِعُوهُ وَ نَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ ثُمَّ أَمَرَهُمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْهُمْ الْغَائِبَ (2) در روز غدیر خم به خوبی دیدید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدرم را برای مقام خلافت بالای دست بلند کرد و شنیدید که ندای ولایت برای او سرداد و آن گاه به حاضرین دستور داد که این موضوع را به غائبین برسانند.

ص: 530

1- کفایة الأثر، ص 198؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 352.

2- الأمالی (للطوسی)، ص 560



## احتجاج امام حسين عليه السلام به حديث غدیر

يك سال و به قول برخی دو سال قبل از مرگ معاویه، امام حسين عليه السلام به همراه عبد الله بن عباس و عبد الله بن جعفر به حج رفتند. حضرت مردان و زنان بنی هاشم و دوستان و شیعیان شان را که به حج آمده بودند و نیز گروهی از انصار را که حضرت و اهل بیتش آنان را می شناختند جمع کردند. سپس افرادی را فرستادند و فرمودند: احدی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که معروف به صلاح و عبادت هستند و امسال به حج آمده اند را رها نکنید و آن ها را نزد من جمع نمایید.

در منا بیش از هفت صد نفر و به قولی هزار نفر نزد آن حضرت جمع شدند که بیش تر آنان از تابعین بودند و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگران بودند.

امام حسين عليه السلام پس از حمد و سپاس خدای تعالی و بیان جنایات معاویه و ذکر فضائل امیر المؤمنین عليه السلام واقعه غدیر را یاد آور شدند و فرمودند:

أَشْذُكُمْ اللَّهُ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَنَصَبَ بِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبِ؛ شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم علی علیه السلام را منصوب کرد و ولایت را برای او اعلام نمود و فرمود: «باید حاضران به غایبان خبر دهند»؟

همه گفتند: «اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ آری به خدا قسم!»<sup>(1)</sup>

## حديث غدیر در بیان امام سجاد عليه السلام

ابو اسحاق می گوید: به امام سجاد عليه السلام عرض کردم: مقصود از «مولا» در فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً هُوَ فَعَلَى مَوْلَاً ه»؛ هر کس من مولای اویم علی نیز مولای اوست» چیست؟ امام سجاد عليه السلام سخن رسول

ص: 531

1- کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج 2، ص 791؛ بحار الأنوار، ج 33، ص 183.

خدا صلی الله علیه و آله را این گونه تفسیر کردند:

أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَهُ؛ (1) به مردم اعلام کرد که علی علیه السلام بعد از ایشان، صاحب منصب امامت و رهبری است.

### واقعه غدیر در بیان امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در دوران انتقال قدرت از بنی امیه به بنی العباس که فرصتی برای بیان حقایق بود به تفصیل به بیان واقعه غدیر پرداختند و متن کامل خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله را گزارش کردند و این یکی از منابع متقن خطبه غدیر است. هم چنین در مواقعی به واقعه غدیر اشاره می فرمودند.

ابان می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: ما اهل بیت از قریش چه ها که ندیده ایم؛ از ستمی که بر ما روا داشتند و علیه ما شوریدند و خاندان ما را کشتند. و پیروان و دوست داران ما از مردم چه ها که ندیده اند! آن گاه فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُبِضَ وَقَدْ قَامَ بِحَقِّهَا وَ أَمَرَ بِطَاعَتِنَا وَفَرْضَ وَلايَتِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ أَخْبَرَهُمْ بِأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ (مِنْهُمْ) الْغَائِبَ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در گذشت، در حالی که حق و حقیقت ما را بیان فرموده بود و به پیروی از ما فرمان داده بود، ولایت و دوستی ما را واجب نموده بود و به آنان فرمود: ما (اهل بیت) به مردم از خودشان نسبت به آنان سزاوار تریم و دستور داده بود تا حاضران این حقایق را به غایبان برسانند.

### امام صادق علیه السلام و ترسیم صحنه غدیر

در روایتی امام صادق علیه السلام صحنه غدیر را برای دیگران تشریح می کند و واکنش منافقان را در برابر عمل پیامبری صلی الله علیه و آله ترسیم می نماید. از حسن جمال روایت شده است که گفت: امام صادق علیه السلام را از مدینه تا مکه بردم. چون به مسجد

ص: 532

غدیر رسیدیم به سمت چپ مسجد نگریت و فرمود: اینجا جای قدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آنجا که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ؛ هر که من مولی و سرپرست اویم پس علی مولی و سرپرست اوست».

سپس به طرف دیگر نگریت و فرمود: اینجا جای خیمه منافقین و سالم، مولی ابی حذیفه، و ابی عبیده بن الجراح است. پس چون پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال بلند کردن دست علی علیه السلام دیدند، یکی از ایشان (درباره پیامبر) گفت: «به چشمانش بنگرید که چگونه به گردش در آمده اند چنان که به دو چشم دیوانه ای می مانند در این هنگام جبرئیل علیه السلام فرود آمد، و این آیه را آورد:

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ، وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛ (1) و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می گفتند: «او واقعاً دیوانه ای است.» در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست (2)

### امام کاظم علیه السلام و احتجاج با هارون

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نیز در مناسبت ها و فرصت های به دست آمده به حدیث غدیر و ماجرای شور انگیز و تاریخی آن اشاره می کرد و مردم را از حقیقت ماجرا مطلع می ساخت.

امام کاظم علیه السلام در احتجاج با هارون در ولایت بر مردم به حدیث غدیر استناد کرد و فرمود:

نَحْنُ نَدْعِي أَنْ وَلَاءَ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ لَنَا يَعْنِي وَلَاءَ الدِّينِ وَهُوَ لَا يَطْنُونَهُ وَلَا الْمَلِكِ حَمَلُوا دَعْوَاهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَنَحْنُ نَدْعِي ذَلِكَ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ

ص: 533

1- سوره قلم، آیه 51 و 52.

2- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 559

غَدِيرِ حُحْمٍ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاَهُ؛ ما مدعی هستیم که اختیار تمام مردم در دست ماست این فرمانروائی و اختیار مربوط به امر دین است. مردم نادان خیال می کنند مالک آن ها هستیم. این ادعای ما از جهت فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که در غدیر خم فرموده: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاَهُ».

عبد الرحمن بن حجاج نیز می گوید از امام کاظم علیه السلام درباره نماز در مسجد غدیر خم پرسیدم امام علیه السلام فرمود:

صَلِّ فِيهِ فَإِنَّ فِيهِ فَضْلًا وَقَدْ كَانَ أَبِي يَأْمُرُ بِذَلِكَ؛ (1) در آن مکان (مقدس) نماز بخوان که فضیلتی بس عظیم دارد پدرم همواره به نماز خواندن در آنجا فرمان می داد.

### امام رضا علیه السلام و عظمت غدیر

احمد بزنتی از یاران امام رضا علیه السلام سخنان آن بزرگ وار را در عظمت و بزرگ داشت غدیر چنین نقل کرده است:

روزی به همراه گروه بسیاری در منزل حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم از غدیر و اهمیت آن سخن به میان آمد برخی آن را از شعائر اسلامی دانستند و عده ای چنین مناسبتی را انکار کردند بعد از گفت و گوها، حضرت رضا علیه السلام لب به سخن گشودند و فرمودند آسمانیان روز غدیر را بهتر از اهل زمین می شناسند. خداوند در بهشت برین کاخ با عظمتی را برای خود اختصاص داده است. این قصر بهشتی تمام زیبایی های عالم را در خود دارد روز غدیر، درب این قصر بزرگ باز می شود. فرشتگان و اهل آسمان ها تسبیح گوین به آن جا داخل می شوند و در فضای معطر و نورانی اش به نام فاطمه زهرا علیها السلام به یکدیگر هدیه می دهند.

چون روز غدیر به پایان می رسد به فرشتگان گفته می شود به جایگاه های

ص: 534

خویش برگردید! شما تا سال آینده مثل چنین روزی از اشتباه و لغزش در امان خواهید بود و بدانید همه این عطایا و موهبت های الهی به خاطر عظمت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام است. (1)

### امام جواد علیه السلام و پیمان هایی که گرفت شد

امام جواد علیه السلام نیز برای احیای حماسه غدیر اهتمام جدی داشت. ابن ابی عمیر می گوید: حضرت جواد علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود»؛ ای اهل ایمان به عهد های خود وفا کنید!، فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَقَدَ عَلَيْهِمْ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْخِلَافَةِ فِي عَشْرَةِ مَوَاطِنَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» الَّتِي عَقَدْتُمْ عَلَيْكُمْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (2) رسول خدا علیه السلام در ده مورد برای خلافت علی علیه السلام از مردم پیمان گرفت و به دنبال آن خداوند برای تثبیت و تأکید خلافت علی السلام فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ یعنی به پیمان هایی که در مورد امیر المؤمنین علیه السلام با شما بسته شده، وفادار باشید.

مهم ترین پیمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از شما برای امیر المؤمنین علیه السلام گرفت در روز غدیر بود.

### امام هادی علیه السلام و زیارت غدیریه

هنگامی که متوکل عباسی امام هادی علیه السلام را در روز غدیر احضار کرد، آن حضرت در آن موقعیت حساس به زیارت جد بزرگوارش امام علی علیه السلام شتافت و با نوای ملکوتی و عبارات خویش فضائل و مناقب علی علیه السلام را بار دیگر در خاطره ها زنده کرد.

محتوای این زیارت در باره فرهنگ غدیر و زندگی ارزشمند و با شکوه امیر

ص: 535

---

1- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 24؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 3، ص 42.

2- بحار الأنوار، ج 36، ص 92.

مؤمنان علی علیه السلام است. در این زیارت محور های مهم امامت مورد توجه و تأکید امام هادی علیه السلام قرار گرفته است. در بخشی از این زیارت امام هادی علیه السلام خطاب به جد بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام عرض می کند:

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَائِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي أَزْتَصَّاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ أَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ (1) ای امیر مؤمنان شهادت می دهم که هر کس در مورد (امامت) تو تردید داشته باشد به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که امین خداوند است ایمان نیاورده و کسی که از ولایت تو به سوی غیر تو عدول کند از دین استوار خداوند که پروردگار جهانیان برای ما برگزیده و در روز غدیر با ولایت تو آن را کامل کرده، برگشته است.

این گونه امام هادی علیه السلام با حماسه جاویدان غدیر بر مخالفان احتجاج کرد و به خلیفه ستمگر عباسی فهماند که حکومت اسلامی باید بر محور فرهنگ غدیر که همان رهبری امامان معصوم علیهم السلام است اداره شود و غیر این مسیر به بیراهه و خروج از اسلام منتهی خواهد شد.

### امام عسکری علیه السلام و حدیث غدیر

حسن بن طریف به امام عسکری علیه السلام نامه ای نوشت و در باره معنای کلام معروف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که در روز غدیر فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود:

أَرَادَ بِذَلِكَ أَنْ يَجْعَلَهُ عَلَمًا يُعْرَفُ بِهِ حِزْبُ اللَّهِ عِنْدَ الْفُرْقَةِ؛ (2) مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از این جمله قرار دادن نشانه ای بود تا حزب خدا از دیگر احزاب ساختگی و غیر الهی جدا گردد و در زمان اختلاف، حزب الله شناخته شود.

ص: 536

1- المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص 266

2- كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 2، ص 423.

در روایتی دیگر، امام عسکری علیه السلام با استناد به آیه اکمال به اثبات حماسه غدیر پرداخته در بخشی از نامه به اسحاق ابن اسماعیل نیشابوری می نویسد:

لَوْ لَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ وُلْدِهِ لَكُنْتُمْ حَيَارَى كَالْبَهَائِمِ لَا تَعْرِفُونَ فَرَضاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَهَلْ تُدْخِلُ مَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا فَلَمَّا مَنَّ عَلَيْكُمْ بِإِقَامَةِ الْأَوْلِيَاءِ بَعَدَ نَبِيِّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيناً»؛ (1) اگر محمد صلی الله علیه و آله و جانشینان او از فرزندان او نبودند شما همانند حیوانات حیران و سرگردان می ماندید و هیچ واجبی از فرائض شرعی را یاد نمی گرفتید. اساساً مگر ممکن است به یک مکانی بدون عبور از درب آن وارد شد! هنگامی که خداوند متعال با برانگیختن اولیای خویش بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شما منت نهاد و نعمت خود را کامل گردانید فرمود: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و به اسلام به عنوان آیین (جاودان) شما راضی شدم. (2)

### امام زمان علیه السلام

امامت و پیشوایی دوازده معصوم علیهم السلام بر امت مسلمان در روز غدیر توسط خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله با اعلام امامت علی علیه السلام آغاز گردید و در وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به عنوان خاتم الاوصیا پایان می پذیرد ظهور حضرت مهدی علیه السلام تجلی پیام غدیر و اجرای کامل فرامین خداوند در روز غدیر محسوب می شود.

اوج ارتباط غدیر با فرهنگ مهدویت را می توان در فراز هایی از دعای ندبه مشاهده کرد. در بخشی از دعای ندبه در مورد عظمت غدیر می خوانیم:

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُدِيرَ وَلكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ

ص: 537

1- . سورة مائده، آیه 3.

2- تحف العقول، ص 485؛ بحار الأنوار، ج 50، ص 320.

فَعَلَيْهِ مَوْلَاةُ اللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا وَلِيَّهُ فَعَلَيْهِ أَمِيرُهُ؛ زمانی که مدت عمر پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان رسید (به دستور خداوند) وصی خود علی بن ابی طالب را - که درود خداوند بر آن بزرگواران و خاندان شان باد - به (جانشینی خود و) هدایت مردم انتخاب کرد و چون او منذر بود و برای هر قومی هادی هست؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که همه امت در پیش رویش بودند فرمود: «هر کس را من پیشوا بوده ام، پس از من علی پیشوای او خواهد بود. خدایا دوست بدار هر کسی که علی را دوست دارد و دشمن بدار آن کسی را که با علی دشمنی کند و یاری کن هر کسی را که علی را یاری کند و خوار گردان هر کسی را که علی را خوار کند و باز فرمود: هر کس را من ولی او هستم علی امیر (و فرمانده) اوست.»







## نگارش «الغدیر»

علامه امینی در عصری دست به نگارش کتاب گران سنگ «الغدیر» زد که بسیاری از نویسندگان عرب در آثار و تألیف های خود، اندیشه شیعه را به چالش کشانده و از هیچ تهمت و افترائی علیه مکتب تشیع دریغ نمی کردند.

علامه امینی با بسیاری از آنان از طریق نامه یا ملاقات حضوری تماس می گرفت و به درست نویسی و حق جویی دعوت شان می کرد و علما و بزرگان را به دادن پاسخ های علمی و منطقی به آن ها ترغیب می کرد تا شاید از نگارش و سخنرانی های تفرقه افکن بپرهیزند

او در پاسخ به این هجمه های جاهلانه با نگارش «الغدیر» و نام بردن از 110 تن از صحابه و 84 نفر از تابعین پیامبر صلی الله علیه و آله که حدیث غدیر را روایت کرده اند ولایت مطلقه ائمه معصومین علیهم السلام را از طریق اثبات خلافت بلا فصل علی علیه السلام به ثبوت می رساند.

علامه امینی برای تألیف کتاب گران قدر «الغدیر» که در اثبات حقانیت مولی الموحدين علی علیه السلام تاثیر بسزایی داشته است زحمات بسیاری را متحمل شد و يك تنه در برابر تحریف کنندگان تاریخ قیام کرد و با قلم توانا و آتشین و در عین حال منطقی و علمی خود پرده ها را کنار زد و حقایق را از لابلای زوایای تاریک تاریخ بیرون کشید.

بیش از پنجاه سال است که از تدوین کتاب «الغدیر» می‌گذرد با اطمینان می‌توان گفت که جامعه محققین اعم از شیعه و سنی با نام «الغدیر» و با نوشته‌های علمی و عمیق و محققانه و پر احساس علامه امینی آشنا هستند. اما در طول این زمان هنوز کسی نتوانسته برای «الغدیر» حتی صفحه‌ای ردیه و یا نقدی که قابل اعتنا باشد بنویسد. این خود نشانگر استحکام و اتقان مطالب این کتاب است که حتی مخالفین شیعه نیز نتوانسته‌اند اشکالی بر آن وارد نمایند.

علامه امینی در شبانه روز حدود هفده ساعت مطالعه و کار می‌کرد و برای مطالعه کتبی که در دسترس نداشت رنج سفرهای گوناگونی را به جان خرید. وی در این باره می‌گوید من برای نوشتن «الغدیر» ده هزار جلد کتاب را از «باء» بسم الله تا «تاء» تمت آن خوانده‌ام و به صد هزار جلد کتاب مراجعات مکرر داشته‌ام.

علامه امینی در این مجموعه با نقد آثار و تألیفات کسانی چون ابن تیمیه آلوسی، قضیمی و رشید رضا در صدد برآمد وحدت و اخوت اسلامی را در جهان اسلام گسترش و تخم‌های کینه و نفاق و تفرقه را بخشکاند.

علامه امینی در کتاب «الغدیر» به ترتیب حروف الفبا به ذکر راویان حدیث غدیر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد. وی 110 تن از اصحاب را نام می‌برد که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند و به نام 84 تابعی اشاره می‌نماید. سپس طبقات راویان حدیث غدیر از علما را بر می‌شمارد و از علمای قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم، 360 تن را ذکر می‌کند که حدیث شریف غدیر را نقل کرده‌اند.

مجموعه یازده جلدی «الغدیر» به زبان عربی با نثری شیوا و رسا نگارش یافته است و از مهم‌ترین نکات قابل توجه این است که علامه امینی در موضوع تحقیقی خود تنها به متون رشته‌ای خاص مراجعه نمی‌نمود بلکه به تمامی منابع مطبوع و مخطوط موجود که به آن موضوع خاص پرداخته بودند رجوع نموده و در تحلیل‌های علمی خود از همه آن‌ها استفاده می‌کرد.

وی برای نگارش «الغدیر» همه کتابهای تفسیری روایی، تاریخی، رجالی

انساب، لغت و دواوین شعری را با دقت مورد مطالعه قرار داده است. با عنایت به همین موضوع است که علامه امینی خود در ابتدای «الغدیر» نوشته اند: «الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب. کتاب دینی، علمی، فنی، تاریخی، ادبی، اخلاقی» که همین شیوه منحصر به فرد یکی از علل جاودانه شدن «الغدیر» شده است. در اینجا شایسته است مروری اجمالی به فهرست مباحث مطرح شده در کتاب «الغدیر» بنماییم.

### مباحث جلد اول «الغدیر»

علامه در جلد اول «الغدیر» به داستان غدیر بررسی سند حدیث غدیر آیات مربوط به حدیث غدیر که عبارت اند از: آیه تبلیغ (مائده/16)، آیه اکمال (مائده/3)، آیه سأل سائل (معارف/1-3) و بررسی دلالت حدیث غدیر پرداخته است.

### مباحث جلد دوم «الغدیر»

در جلد دوم «الغدیر»، ابتدا اهمیت و چگونگی شعر در دنیای اسلام را مورد

بحث قرار داده است و در ادامه به ذکر غدیریه هایی که توسط شاعران به زبان عربی سروده شده پرداخته است علامه ذیل هر غدیریه به شرح حال غدیریه سرا پرداخته و اگر چنان چه در غدیریه و یا در دیگر اشعار غدیریه سرای مورد نظر، اشاراتی نسبت به مناقب امیر المؤمنین و سایر اهل بیت علیهم السلام شده باشد منابع روایی اثبات آن مناقب را ذکر کرده است.

در این جلد غدیریه های قرن اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است که غدیریه حضرت علی علیه السلام نیز در این جلد وجود دارد یکی از غدیریه سراهای این دوره عمرو عاص است که علامه به تفصیل در مورد حیات وی بحث کرده است.

## مباحث جلد سوم «الغدیر»

علامه در مجلد سوم «الغدیر» که ناظر به معرفی غدیریه های قرون سوم و چهارم است؛ صرفاً به غدیریه های مسلمانان اشاره نکرده است، بلکه غدیریه های برخی شاعران مسیحی را نیز در این مجلد معرفی و به شرح آن ها پرداخته است.

آن چه که از غدیریه های مسیحیان استفاده می شود این است که جامعه مسیحیت نیز از فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم چیزی جز ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام استنباط نکرده اند.

در این مجلد ضمن پاسخ به افتراها و تهمت هایی که اهل سنت به شیعه زده اند شانزده کتاب که در آن ها به شیعه افتراهای نامربوط زده اند؛ معرفی کرده و آن ها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

## مباحث جلد چهارم «الغدیر»

در جلد چهارم، غدیریه های قرون چهارم، پنجم و ششم مورد بررسی قرار گرفته است. غدیریه سرایان این دوره 31 نفرند. درباره شرح حال این 31 نفر که از علما و شعرای برجسته هستند؛ به طور مبسوط در این جلد بحث شده و خصوصاً میزان توانایی ادبی آن ها مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

در واقع روح حاکم بر این، جلد شعر و ادب است. در میان غدیریه سرایان این دوره چهره های برجسته ای نظیر شریف رضی، سید مرتضی و خطیب خوارزمی دیده می شود

## مباحث جلد پنجم «الغدیر»

غدیریه های جلد پنجم مربوط به اواخر قرن ششم تا اواخر قرن هفتم است غدیریه سرایان این دوره 12 نفر هستند قابل توجه است که در غدیریه ها به برخی از مناقب و فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز اشاره شده است که علامه امینی آن مناقب را ذکر کرده و مورد بررسی قرار داده است.

از جمله مناقب، حضرت حدیث ردّ الشمس است که این داستان در این جلد بررسی شده است و نیز در باب جعل احادیث در خصوص خلافت خلفای غاصب نیز به صورت مشروح سخن به میان آمده است. علامه امینی در اثبات مناقب ائمه هدی علیه السلام تحقیقات عمیق و گسترده خود را در چند مرحله ارائه کرده است.

مبحث مهم دیگری را که علامه در این جلد به آن پرداخته اند مبحث جعل احادیث در خصوص خلافت خلفای غاصب است روایان دروغ گو و کذاب برای این که انحراف از امامت حضرت علی علیه السلام را توجیه کنند به ساختن اکاذیب متوسل شدند و در مقابل هر يك از احادیث در منقبت امیر المؤمنین علی علیه السلام حدیثی را برای خلفا جعل کرده اند

البته جعل حدیث تنها به خلفا ختم نشد و پس از آن در مورد ابو حنیفه، شافعی، مالک و احمد بن حنبل هم رواج یافت و در مورد ایشان نیز احادیثی جعل شد.

در جلد پنجم «الغدیر» نام 700 راوی از بزرگان اهل تسنن ذکر شده است که همگی آن ها کذاب بوده اند روایات و احادیثی که این 700 نفر ساخته اند، در تمامی کتب اهل تسنن پراکنده است. شایان ذکر است که تنها 43 نفر از این 700 راوی، تعداد 408684 حدیث ساخته اند.

### مباحث جلد ششم «الغدیر»

غدیریه های هفت تن از غدیریه سرایان سده هشتم، با شرح و بررسی در این جلد نقل گردیده است گفته شد که جعل کنندگان حدیث در مقابل مناقب حضرت علی علیه السلام مناقب و فضائلی برای خلفا جعل می کردند یکی از مناقب امیر المؤمنین علی علیه السلام اعلامیت ایشان است که حدیث سازان برای خلیفه احادیثی در باب علمش جعل نموده اند و علامه امینی 200 نمونه از این احادیث

جعلی را در کتاب «الغدیر» ثبت کرده است که 100 مورد آن را در جلد ششم درج و با مستندات محکم جعلی بودن آن ها را اثبات کرده است.

### مباحث جلد هفتم «الغدیر»

غدیریہ های سه غدیریہ سرا در جلد هفتم «الغدیر» آمده است. این غدیریہ ها متعلق به سده نهم هجری قمری است. در این جلد نیز علامه جدای از ذکر غدیریہ ها به رد داستان های ساخته شده در مورد ملکات نفسانی خلیفه اول پرداخته و معنای ملکات نفسانی را بیان می کند

### مباحث جلد هشتم «الغدیر»

راویانی که به حدیث سازی و نشر اکاذیب اشتغال داشته اند، مناقب بسیاری برای خلیفه اول جعل کرده اند به شهادت، تاریخ تمامی مناقب و فضائلی که به ابوبکر نسبت داده اند دروغ محض است در جلد هفتم «الغدیر» به 28 نمونه از این مناقب جعلی اشاره شده و در جلد هشتم نیز 42 نمونه دیگر از فضائل دروغین ابوبکر و 11 نمونه از مناقب مجعول خلیفه دوم مورد بررسی قرار گرفته است.

در این جلد پیرامون، حکومت قضاوت ها فساد مالی بدعت های عثمان و نحوه برخورد وی با مخالفین به تفصیل سخن رفته است.

### مباحث جلد نهم «الغدیر»

در این جلد موضوع، بحث عثمان می باشد که کارهای خلاف و نامشروع او بالاخره داد مردم را در آورد و مورد حمله قرار گرفت. در جلد نهم تبعید ابوذر، عبد الله بن مسعود، مالک اشتر و اصحابش که جملگی توسط عثمان انجام شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

ص: 546



در این کتاب موضوع بحث در مورد عبد الله بن عمر و معاویه است. معاویه نیز جزء کسانی است که حدیث سازان برای او نیز مناقب و فضائل بسیاری جعل کرده اند که در این جلد به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است

در جلد یازدهم علامه امینی به موضوع معاویه و امام حسن مجتبی علیه السلام می پردازد و به طور مبسوط به کشتارها و جنایات معاویه اشاره کرده و جریان قتل بزرگانی چون حجر بن عدی، عمرو بن حمق، مالک اشتر محمد بن ابی بکر و ... را مفصلاً ذکر می کند.

موضوع دیگری که در این جلد مورد بررسی دقیق قرار گرفته، عبارت است از طرح یک صد نمونه از غلوها و قصه های خرافی که در طول تاریخ اسلام برای برخی از صحابه، تابعین، ائمه، مذاهب، علما و عرفا جعل شده است.

### تکمله «الغدیر»

لازم به ذکر است که «الغدیر» به جز یازده جلدی که چاپ و منتشر شده است، دارای تکمله ای است که سالیان طولانی به صورت دست نوشته باقی مانده بود که به همت مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی از کتاب خانه امیر المؤمنین علیه السلام نجف اشرف (تأسیس مؤلف) خریداری شده و با ویرایش و تحقیقی نه چندان عمیق تا سال 1386 در چهار جلد در دو نوبت به چاپ رسیده است.

پس از آن برخی از پژوهشگران با تجربه این مؤسسه که سابقاً بیشترین سهم را در بازبینی و تحقیق «الغدیر» داشته اند، تحقیق عمیق تکمله را بار دیگر آغاز کردند و حاصل این تلاش در مجموعه ای، واحد در 16، جلد در سال 1395 شمسی توسط همین مؤسسه چاپ و منتشر شده است.

### نقش «الغدیر» در معرفی شیعه و ایجاد وحدت اسلامی

با انتشار دایرة المعارف بزرگ و گرانمایه «الغدیر» ستایشها آغاز و نامه های فراوانی در، تقریظ تمجید و تشکر برای علامه امینی فرستاده می شود این

تقریظ‌ها گاه از دانشمندان بزرگ شیعه و اهل سنت است و گاه از پادشاهان کشور های اسلامی پذیرش غدیر به عنوان محور حرکت اسلامی و بنیان حکومت دینی و مذهبی اسلام وجه اشتراک همه ستایش هاست.

محمد عبد الغنی حسن مصری در تقریظ خود بر «الغدیر» می گوید: «از خداوند مسئلت می کنم که برکه آب زلال (غدیر) شما را سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد تا دست به دست هم داده و امت اسلامی را بسازند.»<sup>(1)</sup>

عادل غضبان مدیر مجله مصری «الکتاب» می گوید «این کتاب منطق شیعه را روشن می کند و اهل سنت می توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.»<sup>(2)</sup>

دکتر عبد الرحمان کیالی، حلبی پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر و این که چه عواملی می تواند مسلمین را نجات دهد و پس از اشاره به این که شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از آن عوامل است، می گوید: «کتاب «الغدیر» و محتویات پر بار، آن چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی، یابد تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده اند، و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.»<sup>(3)</sup>

علامه امینی با نگاه وحدت بخشی که بین جوامع اسلامی داشته است، با نگارش «الغدیر» روشن می سازد که اولاً منطق مستدل شیعه چیست و ثابت می کند که گرایش بیش از صد میلیون مسلمان به تشیع بر خلاف تبلیغات زهر آگین عده ای مولود جریان های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است.

ص: 548

---

1- مقدمه تحقیق مؤسسه دایرة المعارف فقه، ص 314

2- همان، ص 331

3- همان.

ثانیاً ثابت می کند که بسیاری از اتهام ها به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است بی اساس و دروغ است.

ثالثاً امیر المؤمنین علی علیه السلام که مظلوم ترین و مجهول القدر ترین شخصیت بزرگ اسلامی است، می تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود و همچنین ذریه اظهارش را به جهان اسلام معرفی می کند

علامه امینی با نگاهی که به مسأله وحدت اسلامی دارد در پایان جلد سوم (جلد 4 تحقیق مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی) پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما از قبیل «عقد الفرید» ابن عبدربه «الانتصار» ابو الحسین خیاط معتزلی «الفرق بین الفرق» ابو منصور بغدادی، «الفصل» ابن حزم اندلسی، «الملل و النحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی، «منهاج السنه» ابن تیمیه، و «البدایة و النهایة» ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین، از قبیل «تاریخ الامم الاسلامیه» شیخ محمد خضری، «فجر الاسلام» احمد امین، «الجولة فی ربوع الشرق الادنی» محمد ثابت مصری «الصراع بین الاسلام و الوثنیة» قصیمی و «الوشیعة» موسی جار الله می گوید «هدف ما از نقل و انتقاد این کتب، این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتاب ها بزرگ ترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می آورد؛ زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می کند صفوف مسلمین را می پراکند هیچ عاملی بیش از این کتب، صفوف مسلمین را از هم نمی پاشد و وحدت شان را از بین نمی برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی کند

### زندگینامه علامه امینی (1320 - 1390 ه . ق .)

عبد الحسین احمد امینی که بعد ها به «علامه امینی» معروف شد، در سال 1285 هجری شمسی در یکی از روستا های سراب از توابع تبریز به دنیا آمد. وی پس از کسب معارف اولیه در مدرسه علمیه تبریز و بهره مندی از محضر اساتیدی هم چون سید محمد موسوی (مولانا) و حضرات آیات سید مرتضی خسرو شاهی

و حسن توتون چی در سن شانزده سالگی راهی نجف اشرف شد.

شیخ عبد الحسین در نجف از محضر اساتیدی هم چون سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد نائینی شیخ محمد حسین کمپانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید محمد حسینی فیروز آبادی، سید ابو تراب خوانساری، میرزا علی ایروانی و میرزا ابوالحسن مشکینی بهره مند شد.

وی پس از شانزده سال تلمذ از محضر اساتید و بهره مندی از معنویات امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف در سن 32 سالگی به کشور باز گشت. اما شیفتگی او به مقام امیر المؤمنین علیه السلام بار دیگر او را به نجف باز گرداند و در این مراجعت به درجه اجتهاد نائل آمد.

مرحوم علامه، امینی از مجتهدان بزرگی هم چون سید ابوالحسن موسوی اصفهانی علی اصغر ملکی تبریزی و آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت و نقل حدیث دریافت کرد.

وی پس از مدتی تدریس به تألیف کتاب های دینی روی آورد و رسالاتی هم چون «شهداء الفضیلة»، «سیرتنا و سنتنا»، «تفسیر فاتحة الكتاب»، «ثمرات الأسفار»، «ریاض الأنس» و «المقاصد العلیة» را به رشته تحریر در آورد. اما مهم ترین اقدام علامه امینی در حوزه تألیف کتاب «الغدیر» است.

علامه امینی در دوازدهم تیر ماه سال 1349 در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکر پاکش را به نجف منتقل کرده و در محلی نزدیک حرم امیر المؤمنین به خاک سپرده شد. مدفن این عالم شیعی در «شارع الرسول» نجف اشرف واقع است؛ خیابانی که هم مدرسه الهندی و مزار آیت الله حکیم (بزرگ) و خانه امام خمینی رحمه الله و هم کتاب خانه علامه امینی و نیز مزار ایشان در آن قرار دارد.

ص: 550

قرآن کریم.

1. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات / شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، اعلمی، بیروت، چاپ اول، 1425 ق.
2. الاحتجاج على اهل اللجاج (للطبرسی) / طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.
3. إحقاق الحق و إزهاق الباطل / القاضي نور الله المرعشي التستري، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، 1409 ق.
4. الاختصاص / مفيد، محمد بن محمد، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم، 1413 هـ . ق .
5. اختيار معرفة الرجال (رجال كشي) ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزيز كشي مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم.
6. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد / مفيد، محمد بن محمد، گنگره شيخ مفيد، قم - ايران، 1413 هـ . ق.
7. اسد الغابة في معرفة الصحابة / ابن الأثير الجزري، على بن محمد، دار الفكر، بيروت، 1409 قمری/ 1989 ميلادی
8. اسرار آل محمد / سليم بن قيس هلالی / مترجم: افتخار زاده، محمود، رسالت قلم، تهران، 1395 ش.

ص: 551

9. الاصول الستة عشر / عدهای از علما، دار الشبستری للمطبوعات، قم، چاپ اول، 1363 ش.
10. اعلام الدين فى صفات المؤمنين / مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، 1408
11. اعيان الشيعة / امين، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، 1418 ق / 1998 م.
12. الإقبال بالأعمال الحسنة / ابن طاووس، على بن موسى دفتر تبليغات اسلامى، قم 1376 ش.
13. الامالى للصدوق / ابن بابويه محمد بن على، كتاب چى، تهران چاپ، ششم 1376 ش.
14. الامالى للطوسى طوسى، محمد بن الحسن، دار الثقافة، قم، چاپ اول، 1414 ق.
15. امام شناسى و امامت در قرآن / على اصغر، رضوانى، انتشارات مسجد مقدس جمكران قم
16. باز پژوهى تاريخ ولادت و شهادت معصومان / مقدسى، يد الله، پژوهش گاه علوم و فرهنگ اسلامى، قم 1395 ش.
17. بحار الانوار / مجلسى محمد باقر بن محمد تقى، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ دوم، 1403 ق.
18. البداية و النهاية / ابن كثير اسماعيل بن عمر، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1408 ق.
19. بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى / طبرى آملى، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم المكتبة الحيدرية، نجف، 1383 هـ . ق.
20. بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليه و آله / صفار، محمد بن حسن، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، قم، چاپ سوم، 1404 ق.
21. پیام قرآن / مكارم شيرازى، ناصر، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ نهم، 1386 س.
22. تاريخ ابن عساكر (تاريخ دمشق الكبير) / ابى القاسم على بن الحسن بن هبة الله

بن عبدالله الشافعي المعروف بابن عساكر، دار احياء التراث العربي، بيروت، 1421 ق.

23. تاريخ الامم والملوك (تاريخ الطبري) / أبو جعفر محمد بن جرير الطبري، دار التراث - بيروت، الطبعة الثانية، 1387 هـ . ق.

24. تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس / ديار بكري، حسين بن محمد، بيروت، دار صادر

25. تاريخ مدينة دمشق / ابن عساكر، علي بن حسن، دار الفكر، بيروت، 1415 هـ.ق.

26. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة/ استر آبادي، علي، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم، 1409 هـ . ق.

27. التبيان /شيخ طوسي، دار احياء التراث العربي، بيروت.

28. التحصين لاسرار مازاد من كتاب اليقين ابن طاووس، علي بن موسى، مؤسسة دار الكتاب، قم، چاپ اول، 1413 ق.

29. تذكرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة / ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلي المجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام مركز الطباعة و النشر، قم، 1426 هـ . ق.

30. ترجمه تفسير الميزان/ طباطبائي سيد محمد حسين سيد محمد باقر موسوي همداني، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزة علميه قم، قم، 1374 ش.

31. التعجب من أغلاط العامة / كراجكي محمد بن علي، دار الغدير، قم - ايران 1421 هـ . ق.

32. تفسير الصافي / فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى، مكتبة الصدر تهران چاپ دوم، 1415 ق.

33. تفسير العياشي / عياشي، محمد بن مسعود، المطبعة العلمية، تهران چاپ اول، 1380 ق.

34. تفسير القرآن العظيم / ابن كثير، اسماعيل بن عمر، دار الكتب العلمية، بيروت، 1419 هـ . ق.

35. تفسير القمي / علي بن ابراهيم، دار الكتاب، قم، چاپ سوم، 1404 ق.

36. لكشاف عن حقائق غوامض التنزيل / زمخشرى محمود، دار الكتاب العربي

37. التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري عليه السلام / حسن بن علي عليه السلام، امام يازدهم مدرسة الامام المهدي، چاپ اول، 1409 ق.
38. تفسير اهل بيت عليهم السلام/ علي رضا برازش انتشارات امير كبير، تهران، 1394 ش
39. تفسير فرات الكوفي/كوفي فرات بن ابراهيم، وزارت ارشاد اسلامي، تهران، چاپ اول 1410 ق.
40. تفسير نمونه/ مكارم شيرازي، ناصر، دار الكتب الاسلامية، تهران، 1374 ش.
41. تهذيب الاحكام/ طوسي، محمد بن الحسن، دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.
42. تهذيب التهذيب/ ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، مطبعة مجلس، دائرة المعارف النظاميه، حيدر آباد - هند، 1325 هـ. ق.
43. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ابن بابويه، محمد بن علي، دار الشريف الرضي للنشر، قم، چاپ دوم، 1406 ق.
44. جامع الاخبار (للشعيرى)/ محمد بن محمد شعيرى، مطبعة حيدرية، نجف، چاپ اول
45. جامع البيان فى تفسير القرآن/ ايجى، محمد عبد الرحمن، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، 1424 هـ. ق.
46. الجامع الصحيح (سنن الترمذي)/ الترمذي السلمى، محمد بن عيسى، محقق / مصحح: أحمد محمد شاکر و ديگران، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
47. الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي) / قرطبي، محمد بن احمد، دار الشعب، قاهرة - مصر، 1372 هـ. ق .
48. حیات فکری و سياسی امامان شيعه عليهم السلام، جعفریان، رسول، مؤسسة انصاريان قم، 1381 ش.
49. الخصال/ ابن بابويه، محمد بن علي، مترجم: كمره اى، محمد باقر، كتاب چى، تهران، 1377 ش.



50. دانشنامه امير المؤمنين عليه السلام بر پایه قرآن حديث و تاريخ / محمدی ری شهری، محمد مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث
51. الدر المنثور في تفسير المأثور / سيوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 ق.
52. دلائل الامامة / طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، بعثت، قم، 1413 ه. ق.
53. الذريعة الى تصانيف الشيعة / آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، دار الأضواء، بیروت 1403 ه. ق.
54. الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين عليه السلام على سائر البرية / الكراچكي، أبو الفتح.
55. روح المعاني / آلوسی، سيد محمود، دار الكتب العلمية، بیروت، 1415 ه. ق.
56. روضة الواعظين و تبصرة المتعظين / فتال نیشابوری، محمد بن احمد، انتشارات، رضی، قم، چاپ اول، 1375 ق.
57. زاد المعاد - مفتاح الجنان / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1423 ق.
58. الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب / یزدی حائری، علی بن زین العابدین، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان، 1422 ه. ق.
59. سفينة البحار / شيخ عباس قمی، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران، چاپ اول، 1414 ق.
60. السيرة الحلبية / حلبی شافعی، دوم، بیروت، دار الكتب العلمية، 1427 ق.
61. السيرة النبوية / ابن هشام حميري، ابو محمد عبد الملك، دار احیاء تراث عربي، بیروت.
62. شرح الأخبار في فضائل الائمة الأطهار ابن حيون، نعمان بن محمد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم 1409 ه. ق.
63. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحديد / ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، مكتبة آیت الله المرعشي النجفي، قم، چاپ اول، 1404 ق.
64. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت عليهم السلام / حسكاني،

عبيد الله بن عبد الله وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، تهران، 1411 هـ. ق.

65. صحيح مسلم/ مسلم بن الحجاج، محقق/ مصحح: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت.

66. الصحيح من سيرة النبي الأعظم / عاملي، جعفر مرتضى، اول، قم، دار الحديث، 1426 ق.

67. الصواعق المحرقة / ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، افست، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، قاهره - مصر، 1312 هـ . ق.

68. صيغ العقود و الايقاعات (محمشي) / قزويني، ملا علي، قم، انتشارات شكوري 1414 ق.

69. الطرائف في معرفة المذاهب / ابن طاووس، علي بن موسى، مطبعة الخيام، قم، 1400 هـ . ق.

70. عبقات الانوار في امامة الائمة الاطهار / علامه مير حامد حسين، كتاب خانه عمومي امام امير المومنين عليه السلام، اصفهان، چاپ دوم، 1366 ش.

71. العدد القوية لدفع المخاوف اليومية/ حلي رضی الدين علي بن يوسف بن المطهر، كتاب خانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، چاپ اول، 1408 ق.

72. علل الشرايع / ابن بابويه، محمد بن علي كتاب فروشي داوري، قم، چاپ اول، 1385 ش.

73. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب امام الأبرار/ ابن بطريق، يحيى بن حسن، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم، 1407 هـ . ق.

74. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال / بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ دوم، 1382 ش.

75. عيون اخبار الرضا عليه السلام/ ابن بابويه، محمد بن علي نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378 ق.

76. عيون المعجزات

77. الغدير في الكتاب و السنة و الادب/ اميني، عبد الحسين مركز الغدير للدراسات

ص: 556

78. الغيبة للطوسي، طوسي، محمد بن حسن دار المعارف الاسلامية، قم - ايران 1411 هـ . ق .
79. الغيبة للنعمانى/ ابن ابى زينب محمد بن ابراهيم نشر صدوق، تهران، چاپ اول، 1397 ق.
80. فاطمه زهرا عليها السلام از ولادت تا شهادت / محمد كاظم قزوینی.
81. فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمة من ذريتهم عليهم السلام/ ابراهيم بن سعد الدين، شافعى، مؤسسة المحمود، بيروت.
82. فرحة الغري في تعيين قبر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في لنجف/ ابن طاووس، عبد الكريم بن احمد منشورات الرضى، قم.
83. الفصول المهمة في اصول الائمة عليهم (تكملة الوسائل) شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسة معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، قم، چاپ اول، 1418 ق - 1376 ش.
84. الفضائل (لابن شاذان القمى)/ ابن شاذان القمى ابوالفضل شاذان بن جبرئيل، رضى، قم، چاپ دوم، 1363 ش.
85. قرب الاسناد/ حميرى عبد الله بن جعفر مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، 1413 ق.
86. القول الفصل في رد العامي إلى الأصل/ ارسلان، شكيب، انتشارات الدار التقدمية.
87. كتاب سليم بن قيس الهلالي/ سليم بن قيس الهلالي، انتشارات الهادى، قم - ايران، 1415 هـ . ق .
88. كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام/ اربلى، على بن عيسى بنى هاشم تبريز چاپ اول، 1381 ش.
89. كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام/ علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر وزارت ارشاد تهران - ايران، 1411 هـ . ق .
90. كفاية الاثر في النص على الائمة الإثنى عشر/ خزاز رازى، على بن محمد بيدار

91. كفاية الطالب في مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام/گنجی، محمد بن يوسف، دار احیاء التراث اهل البيت، تهران، 1362 ش.
92. کمال الدين و تمام النعمة/ ابن بابويه، محمد بن علی اسلامیة تهران چاپ دوم، 1395 ق.
93. كشف الأسرار و عدة الأبرار/ میبدي احمد بن محمد، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1371 ش.
94. مجمع البیان فی تفسیر القرآن/ ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، 1412 ق - 1992 ش.
95. مجموعه ورام/ ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مکتبه فقیه، قم، چاپ اول، 1410 ق .
96. المحاسن/ احمد بن محمد بن خالد برقی، دار الکتب الاسلامیة، قم، چاپ دوم، 1371 ش.
97. مروج الذهب (تاریخ مسعودی)/ المسعودی، علی بن الحسین، شرکت عالمی کتاب، 1989 م.
98. المزار (للشہید الاول)/ شهید اول، محمد بن مکی مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، 1410 ق.
99. المزار الكبير (لابن المشهدی) / ابن مشهدی، محمد بن جعفر، دفتر انتشارات، اسلامی قم، چاپ اول، 1419 ق.
100. مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة / شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبري بغدادی، دار المفید، بیروت، 1414 ق.
101. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل /، نوری حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، 1408 ق.
102. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، دار التاصیل، بیروت، 1435 ق.

103. مصادفة الاخوان / ابن بابويه، محمد بن على مكتبة الامام صاحب الزمان العامة الكاظمية، چاپ اول، 1402 ق.
104. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد/ طوسى، محمد بن الحسن، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، چاپ اول، 1411 ق.
105. المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية) / كفعمي، ابراهيم بن على عاملى، دار الرضى، قم - ايران، 1405 هـ. ق.
106. معانى الاخبار/ ابن بابويه، محمد بن على دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ اول، 1403 ق.
107. معجم البلدان/ ياقوت حموى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1399 هـ. ق.
108. معراج السعاده/ ملا احمد نراقى، هجرت، قم، 1377 ش.
109. مفاتيح الجنان/ حاج شيخ عباس قمى چاپ و نشر قدسيان، قم، چاپ اول 1389 ش.
110. مفاتيح الغيب (التفسير الكبير) فخر رازى محمد بن عمر، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1420 هـ. ق.
111. مكارم الاخلاق، طبرسى حسن بن فضل شريف رضى، قم، چاپ چهارم 1412 ق.
112. من لا يحضره الفقيه / ابن بابويه، محمد بن على دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ دوم، 1413 ق.
113. مناقب آل ابى طالب عليه السلام/ ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، قم، چاپ اول، 1379 ش.
114. المناقب / اخطب خوارزم، موفق بن احمد دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، قم، 1411 هـ. ق.
115. منتهى الآمال حاج شيخ عباس قمى مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ هشتم، قم، 1374 ش.
116. الميزان فى تفسير القرآن / طباطبايى سيد محمد حسين، دفتر انتشارات

اسلامی جامعہ مدرسین، قم، چاپ پنجم، 1417 ق.

117. نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه/رنجبر، محسن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله قم

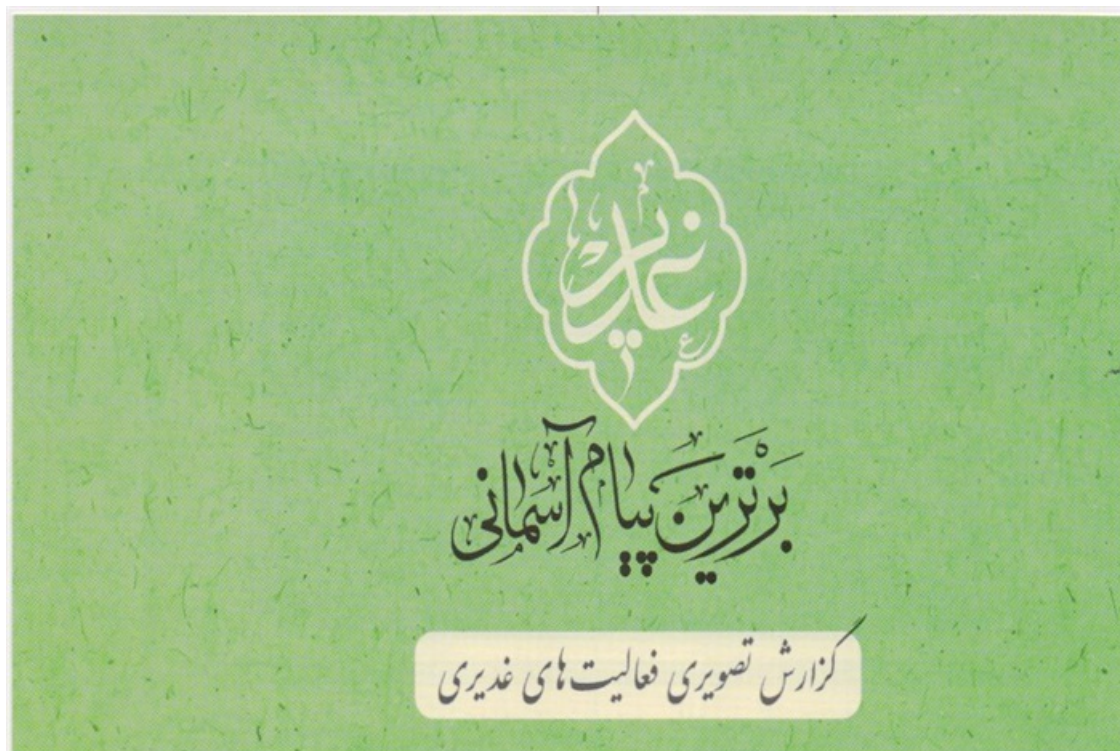
118. وسائل الشیعة / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، 1409 ق.

119. وقایع الأيام/قمی، عباس، صبح پیروزی، قم - ایران، 1392 ش.

120. هدیه الزائرین و بهجة الناظرین/ شیخ عباس قمی، مؤسسه جهانی سبطين، 1383 ش.

121. ینابیع المودة لذوی القربی/ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، دار الأسوة للطباعة و النشر، قم، 1422 ه. ق.

ص: 560



حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله در کاروان غدیر ۱۳۹۸  
به همراه تولیت معزز حرم مطهر حضرت معصومه، تولیت مسجد مقدس  
جمکران و استاندار محترم قم

حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله در کاروان غدیر 1398 به همراه تولیت معزز حرم مطهر حضرت معصومه ، تولیت  
مسجد مقدس جمکران و استان دار محترم قم

ص: 561



گزارش تصویری فعالیت های غدیری



رونمایی از پرچم کاروان غدیر همایش طلاب - مدرسه عالی دارالشفاء  
غدیر ۱۳۹۵



رونمایی از پرچم کاروان غدیر برنامه وزین سمت خدا  
غدیر ۱۳۹۶

روزگار  
باز می آید  
و آید  
و آید

رو نمایی از پرچم کاروان غدیر برنامه وزین سمت خدا غدیر 1396

ص: 562

گزارش تصویری فعالیت های غدیری



رونمایی از پرچم کاروان غدیر حرم مطهر رضوی  
۱۳۹۷/۶/۵



حضرت آیت الله مکارم شیرازی در کاروان غدیر ۱۳۹۷ به همراه  
حضرت آیت الله علوی بروجردی و تولیت مسجد مقدس جمکران

روزگار گدازد  
بهره‌داران را

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در کاروان غدیر 1397 به همراه حضرت آیت الله علوی بروجردی و تولیت مسجد مقدس جمکران

ص: 563

گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری



کاروان غدیر حرم حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد مقدس جمکران  
غدیر ۱۳۹۶ با حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی مد ظله العالی



کاروان غدیر حرم حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد مقدس جمکران  
غدیر ۱۳۹۶ با حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی مد ظله العالی

روزگار  
بیتون سیمای آسمانان

الله

كاروان غدیر حرم حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد مقدس جمکران غدیر 1396 با حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی حفظه

الله

ص: 564

گزارش تصویری فعالیت های غدیری



اجتماع کاروان های غدیر تهران میدان امام حسین علیه السلام  
غدیر ۱۳۹۶



کاروان غدیر حرم حضرت معصومه علیه السلام تا مسجد مقدس جمکران  
غدیر ۱۳۹۷

روزگار پیمان آسمانی

كاروان غدير حرم حضرت معصومه عليها السلام تا مسجد مقدس جمكران غدير 1397

ص: 565

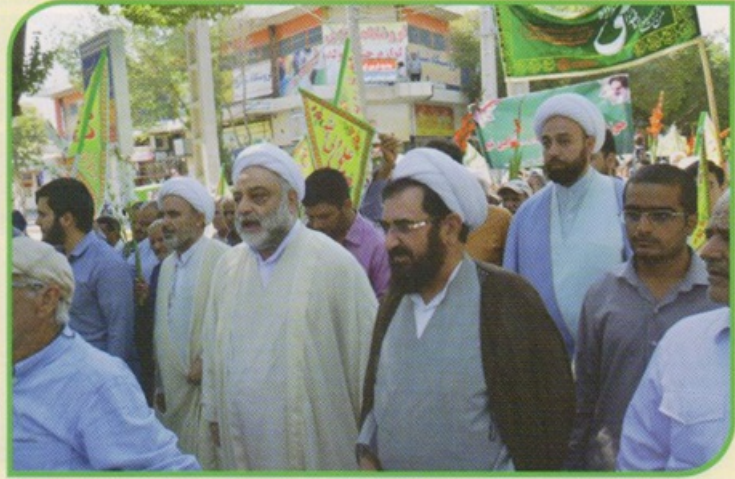




بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراسم پایانی کاروان غدیر مسجد مقدس جمکران غدیر 1397

ص: 566

گزارش تصویری فعالیت های غدیری



کاروان غدیر شاهین شهر اصفهان  
غدیر ۱۳۹۷



کاروان غدیر خراسان جنوبی - بیرجند - با حضور مرحوم آیت الله ربانی  
غدیر ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کاروان غدیر خراسان جنوبی - بیرجند - با حضور مرحوم آیت الله ربانی غدیر 1397

ص: 567

گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری



کاروان غدیر



کاروان غدیر

پیام غدیر



گزارش تصویری فعالیت های غدیری



غدیر در افغانستان



کاروان غدیر در هند

غدیر ۱۳۹۸

بیت المقدس





گزارش تصویری فعالیت های غدیری



جلسه هم اندیشی نخبگان و عظم و خطابه پیرامون ایام غدیری و کاروان غدیر

۱۳۹۷



جلسه هم اندیشی نخبگان و عظم و خطابه پیرامون ایام غدیری و کاروان غدیر

۱۳۹۷

گزارش تصویری فعالیت های غدیری

گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری



نشست جمعی از وعاظ

۱۳۹۸



نشست جمعی از وعاظ

۱۳۹۷

بیتنا  
پرتو میا آفرینان



گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری



جلسه هم اندیشی نخبگان وعظ و خطابه پیرامون ایام غدیریه و کاروان  
غدیر ۱۳۹۸



جلسه هم اندیشی نخبگان وعظ و خطابه پیرامون ایام غدیریه و کاروان  
غدیر ۱۳۹۹

روزنامه آفتاب

جلسه هم اندیشی نخبگان وعظ و خطابه پیرامون ایام غدیریه و کاروان غدیر 1399

ص: 572

گزارش تصویری فعالیت های غدیری



جلسه هم اندیشی نخبگان و عظم و خطابه پیرامون ایام غدیری و کاروان  
غدیر ۱۳۹۹

مرکز مآلایه  
پیرامون ایام غدیری



جلسه هم اندیشی نخبگان و عظم و خطابه پیرامون ایام غدیری و کاروان  
غدیر ۱۳۹۹





گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری

شب شعر غدیریه ۱۳۹۸



شب شعر غدیریه ۱۳۹۸



بنیادین اسلام





گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری



همایش آموزشی طلاب و علما در قم



بیتوته سید الشهدا



همایش آموزشی طلاب و علما در قم





گزارش تصویری فعالیت‌های غدیری

همایش ایام غدیریه در هند

غدیر ۱۳۹۸

### غدیر

میوه درخت نبوت و حاصل زحمات همه انبیای الهی  
 و رکن و اساس مکتب ماست .  
 تبلیغ آنرا خداوند متعال بر افضل انبیا حضرت محمد مصطفی  
 طبق فرمان (بلغ) از مهمتین واجبات قرار داد  
 و رسول حضرت حق صم با فرمان تبلیغ الیما فی الغائب  
 و الوالد الولد الی یوم القیامه بر همه کس تا قیامت حق بنده  
 از ظهور حضرت واجب فرمود  
 انشأ الله محمداً و دعا له حضرت و انعم من نعمه با حیم  
 و خدا را نخواستند با کاهل در امر غدیر معصوم و اخذ من خذله  
 نباشیم  
 امید است معردستان اهل البیت علیهم السلام بر قدر رکوان  
 خود فرمان خدا را متعال و بیایند که امینش را یکوش جان بسیاریم  
 و غدیر را از معجزات و عظمت و محاسن و کرماتین دستار در  
 آن ظهور دولت حقه غدیر پس معصومین ظاهر بود  
 بامید امروز  
 خاک یار خادمان غدیر حبیب اله فرج زار





بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

